

ایران در عصر پهلوی

جلد پانزدهم

روزشمار تاریخ و وقایع مهم

بافهرست گروهی اسامی

از جلد اول تا پانزدهم

نوشته و تحقیق

دکتر مصطفی نژاد

دوره کامل (ایران در عصر پهلوی)

- ۱- جلد اول - شگفتی های زندگی رضا شاه
- ۲- جلد دوم - رضا شاه در تبعید
- ۳- جلد سوم - بازیگران سیاسی از بدو مشروطیت تا بحران ۵۷
- ۴- جلد چهارم - پهلوی دوم در فراز و نشیب
- ۵- جلد پنجم - بحران نفت و ترورهای سیاسی و مذهبی
- ۶- جلد ششم - ملی شدن صنعت نفت و زندگی پر ماجراهی دکتر مصدق
- ۷- جلد هفتم - کودتا یا ضد کودتا و دور دوم سلطنت
- ۸- جلد هشتم - سرنوشت سیاست پیشگان و قربانیان نفت
- ۹- جلد نهم - جنبش‌های کمونیستی و سوسیالیستی در ایران و سرنوشت رهبران حزب توده
- ۱۰- جلد دهم - آریا مهر در اوج اقتدار
- ۱۱- جلد یازدهم - جنگ قدرت در ایران و خاطراتی از دوران نخست وزیری: دکترا قبال - شریف امامی - دکترا مینی و علم
- ۱۲- جلد دوازدهم - دولت‌های حزبی و حزب‌های دولتی - یادمانده هاتی از دولت حسنعلی منصور و امیر عباس هویدا
- ۱۳- سیزدهم - بحران در ۵۷ و وقایع مهم دوران نخست وزیری: دکترا آموزگار - مهندس شریف امامی و ارتشیداز هاری
- ۱۴- جلد چهاردهم - آخرین روزهای زندگی شاه شاهان و سرنوشت آخرین نخست وزیر شاه
- ۱۵- جلد پانزدهم - روزشمار تاریخ و وقایع مهم عصر پهلوی و فهرست گروهی ۱۵ جلد برای تهیه هر جلد از کتاب بالارسال (۱۰ پوند) و دوره کامل (۱۵۰ پوند) افزایش هزینه پستی هر جلد (۰.۵ پوند) می‌توانید کتاب‌ها را از موزسات معتبر فروش کتاب فارسی و آدرس زیر تهیه فرمائید.

BOOK PRESS(PAKA PRINT)

4 MACLISE Rd. LONDON W14 OPR

حکم می کنم



روز سوم اسفندماه ۱۲۹۹ میرپنج رضاخان (رئیس دیویژنون قزاق) اعلامیه‌ای در ۹ ماده خطاب به ملت ایران تحت عنوان (حکم می کنم) صادر نمود که طی آن اعلام داشت تمام اهالی باید ساكت و مطیع احکام نظامی باشند. کسانی که از اطاعت مواد ۹ گانه خودداری غایبند به محکمه نظامی جلب و به سخت ترین مجازات‌ها خواهند رسید.
با این طرز طلیعه حاکمیت پهلوی در سیاست ایران آشکار گردید.

خدا حافظ



آخرین روزهای اقامت در تهران سخت دشوار بود. شب‌ها بابی خوابی گذشت. آرزو داشتم سفرمن موجب پیدایش آرامش و تسکین تشنجهات شود.

آخرین تصویری را که از ایران، سرزمینی که سی و هفت سال برآن سلطنت کردم به یاد دارم خاطره چهره‌های شکسته و غمگین و اشک آلود کسانی است که به بدرقه آمده بودند.

اکنون دورازخاک وطن، وطن مقدس، پادشاه ایران برای اثبات حقشناصی خود نسبت به فداکاران و جان باختگان جزت‌وسل به دعا راه چاره‌ای ندارد.

پروردگار توان حافظ و نگهبان ایران و ایرانیان باشد.

محمد رضا شاه پهلوی (در پاسخ به تاریخ)

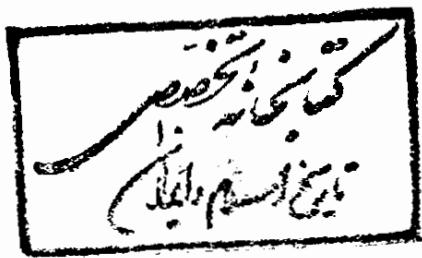
پایان حاکمیت پهلوی اول و دوم در تاریخ ایران

ایران در عصر پهلوی

جلد پانزدهم

روزشمار تاریخ و وقایع مهم

بافهرست گروهی اسامی



نوشته و تحقیق
دکتر مصطفی الموتی

شکر خدای را که هرچه طلب کردم از خدا
بر منتهای مطلب خود کامران شدم
حافظ

جلد پانزدهم ایران در عصر پهلوی
روزشمار تاریخ و وقایع مهم با فهرست گروهی اسمی از جلد اول
تا پانزدهم

تاریخ انتشار: بهمن ماه ۱۳۷۲ برابر ژانویه ۱۹۹۴

حقوق قانونی برای نویسنده محفوظ است

بر لب رسید جانم و جانانم آرزوست
دیدار آشیان و گلستانم آرزوست
پایان این مرارت هجرانم آرزوست
بار دگرفتای وطن جانم آرزوست
خشم و خوش کاوه دورانم آرزوست
اسمعیل روزبه (فرید)

دور از دیار خویشم و ایرانم آرزوست
آن ببلم که مانده ام از آشیان جدا
من کیستم؟ مرارت هجران چشیده ای
صدبار اگر به پای وطن جان فدا کنم
جور از فلك گذشت و کسی دم غیزند

فهرست مندرجات

صفحه

پیشگفتار

چند اظهار نظر درباره کتابها

- ۱- روزشمار تاریخ و وقایع مهم ایران در عصر پهلوی
- ۲- اسمی نخست وزیران ایران
- ۳- اسمی وزراء و کفیل وزارت خانه ها و معاونین نخست وزیر
- ۴- اسمی وزرای دربار و مستولین سازمان برنامه
- ۵- اسمی رؤسای مجلسین سنا و شورای ملی و مجلس مؤسسان
- ۶- نکاتی چند درباره رضا شاه
- ۷- چرا شاهزاده قاجار (سپهبد جهان بانی) مورد غضب رضا شاه قرار گرفت؟
- ۸- چگونگی انتقال سلطنت از رضا شاه به محمد رضا شاه
- ۹- آخرین سالهای زندگی رضا شاه
- ۱۰- چند نکته درباره زندگی پهلوی دوم
- ۱۱- مقایسه شاهان پهلوی و نقش آمریکا در سقوط رژیم ایران
- ۱۲- زندگی خصوصی شاه (محمد رضا پهلوی)
- ۱۳- سرنوشت آخرین رؤسای مجلسین سنا و شورای ملی
- ۱۴- گفتگوئی با دکتر امیراصلان افشار درباره آخرین روزهای زندگی شاه
- ۱۵- اسناد و نامه‌ها و مطالب تاریخی
- ۱۶- چند خاطره مهم درباره سلطان و ثروت شاه و کودتای فرنی و رزم آرا و نظر شاه درباره دکتر امینی

از ۲۹۷ تا ۳۰۰

۱۷- توضیحاتی درباره مطالب جلد های قبلی

ضمیمه کتاب

۱۸- هزار فامیل و نقش برادران موفق در بخش های

از ۳۱۶ تا ۳۰۱

دولتی و خصوصی

از ۳۲۴ تا ۳۱۷

۱۹- سفرهیئت پارلمانی ایران به چین کمونیست

از ۳۲۵ تا ۳۲۴

۲۰- دولتمردانی که خودکشی کرده اند

از ۳۴۳ تا ۳۴۰

۲۱- عکس های تاریخی

از ۳۵۱ تا ۳۵۰

۲۲- فهرست گروهی اسامی از جلد ۱ تا ۱۵

از ۳۸۱ تا ۳۸۰

۲۳- فهرست اسامی جلد پانزدهم

۴۲۱ و ۴۲۰

۲۴- شجره نامه و قسم نامه رضا شاه

۴۲۲

۲۵- منابع و مأخذ

۴۲۳ و ۴۲۴

۲۶- سرانجام چه شد؟

Newsweek

شاہان پھلوی ،
پدر و پسر

JUNE 26 1961 25c



شماره ۲۶ ژوئن ۱۹۶۱ مجله
نیوزویک

Shah of Iran: A Revolution From the Top?

TIME

THE WEEKLY NEWSMAGAZINE



IRAN'S REZA SHAH PAHLAVI
He played both ends until they met.
(World War I)

شماره ۸ سپتامبر ۱۹۴۱ مجله
تايم

پیشگفتار

خدايا چنان کن سر المجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار

با انتشار جلد چهاردهم تصور می کردم که کار نویسنده در تنظیم تاریخ (عصر پهلوی) پایان یافته و دیگر ضرورتی ندارد که در این باره مطالبی انتشار یابد. بهمین جهت در پایان آن جلد از همه خوانندگان گرامی که مشوق ویار و یاور نویسنده بوده‌اند خدا حافظی کرده ولی یادآور شدم که مطالعات و بررسی و جمع آوری مطالب تاریخی که جزو زندگی روزانه ام شده است ادامه دارد. همانطور که شاعرخوش قریحه حبیب یغمائی سروده است:

به روزگار قدیم آنچه کنه کاغذبود گشودم از هم و آنسان که بود «تا» کردم
کتابها که به «گرد» اندرون نهان شده بود به پیش روی برافشانده لابلای کردم
میان خرمن اوراقی این چنین ناکام به بحر فکر درافتادم و شنا کردم

وقتی به اوراق و اسناد و کتاب‌ها و نوشه‌ها و خاطرات
مراجعةه کردم توجه یافتم آنچه نوشته شده قطره‌ای است از دریا که
لازم است مورخین و دانشمندان و مطلعین و محققین تاریخ معاصر
ایران را تنظیم کنند تا نسل آینده بطور دقیق به وضع کشور خود در
آن مدت بیش از پیش آگاه گردد. مسلمان‌هزار زیادی فاش نشده
است. به سروده ابوالحسن ورزی شاعر باذوق معاصر:

زان راز سریه مهرنشد فاش نکته ای هر کس نوشت پریشان حکایتی

گفته ها و نوشته ها هرگونه ایرادی داشته باشد باز قسمتی از تاریخ معاصر را روشن می کند. با تمام انتقاداتی که از خاطره نویس ها می شود و قسمتی بجا و بورداست ولی باید گفت هرچه خاطرات منتشر گردد حقایق روشن تر می شود. متاسفانه خیلی ها اسراری را فاش نکرده و با خود برده و مشمول این شعر شده اند:

بسی اسرار در دل مانده مستور که بی تردید بایستی برند گور
از تذکرات کتبی و شفاهی گروهی از علاقمندان به کتابها
مخصوصا دانشگاهیان و اهل تحقیق چنین استنباط کردم با وجود تمام
قسمت بندی که در کتاب ها هست یک فهرست اسامی برای ۱۵ جلد
کتاب و همچنین یک (روزشمار تاریخ) لازم می باشد که در این باره
اقدام شد. با این طرز می توان گفت که جلد پانزدهم به منزله مفتاح
و کلیدی است که بادر اختیار داشتن آن به سهولت می توان به مردمطلبی
در جلد های مختلف کتاب مراجعه کرد.

بعد از این که اسامی هر ۱۵ جلد تهیه گردید متوجه شدم که حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ صفحه خواهد شد. چون اسم شاهان پهلوی تقریبا در همه جلد ها هست و نام بعضی از نخست وزیران و شخصیت های مهم سیاسی چند صفحه را بخود اختصاص داده است از این جهت به فکر افتادم که قسمتی از اسامی بصورت جمعی مورد اشاره قرار گیرد و مشخص شود که نام چه کسانی در کدام صفحه ای ذکر شده تا به سهولت بتوان به آن دسترسی یافت. مثل اسامی نمایندگان مجلس مؤسسات و مجلسین سنا و شورای املى و نخست وزیران و وزراء و کارگردانان فعال احزاب و غیره. همچنین بعضی اسامی، که از نظر تاریخی و واقعی مهم روز مردم نظر مورخین می باشد جداگانه مشخص شده است ولی متاسفانه نتوانستم همه اسامی را باذکر جلد و صفحه به چاپ برسانم که خود یک جلد کامل می شد. از این جهت از همه کسانی که نامشان در فهرست اسامی

نیامده و یا آنهاییکه خواستار کامل فهرست اسامی بوده اند معذرت می خواهم که مشکلات چاپ و کمی جا موجب چنین وضعی شد. ولی امیدوارم در تجدید چاپ کتابها که تدریجا ضرورت آن احساس می شود، در آخر هر جلد فهرست کلیه اسامی بصورت دقیق آورده شود تا این نقص هم بر طرف گردد.

البته تصدیق خواهید فرمود که این امر نمی تواند خالی از اشتباه باشد زیرا نمی توان برای ۵۷ سال از تاریخ کشور مهم و بزرگی چون ایران با آن همه وقایعی که در آن روی داده مطالبی تهیه کرد که موضوعی از قلم نیفتند یا تاریخی اشتباه نشود ویانکته ای فراموش نگردد. صادقانه می گوییم که کوشش فراوان شد تا این کار حتی المقدور (شسته و رفته) باشد ولی اگر اشتباهی دیدید خوشحال می شوم که تذکر دهیدتا در صورت تجدید چاپ اصلاح گردد. چون چنین اعتقاد دارم:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

اگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم وقتی موجبات چاپ جلد پانزدهم فراهم گردید به نامه های زیادی که رسیده بود مراجعه کردم با وجود نکات تازه ای که در اکثر این نامه ها وجود دارد متاسفانه باز هم توفيق نیافتم همه را منتشر سازم فقط چند نامه را در این جلد ملاحظه خواهید فرمود.

از روزی که این کارمهم را شروع کردم می دانستم با مشکلات فراوان روبرو هستم بهمین جهت امید نداشتم که به این مرحله برسم ولی بی تردید این موفقیت بزرگ مرهون کمک و ارشاد و راهنمائی همه خوانندگان گرامی و عزیزی است که بصور مختلف مرا یاری کرده اند. از همه آنها تشکر می کنم. برخی مقداری مطلب تاریخی فرستاده بعضی نیز هر جلد از کتاب را دقیقا خوانده و با جدول بنده غلط گیری کرده برایم فرستاده اند، عده ای نیز تاریخی را که اشتباه

شده یا نامی را که از قلم افتاده متذکر شده اند که همین اقدامات مرا امیدوار ساخت که اگر درتبعید و دور از خاک وطن هستیم ولی یکه و تنها نیستیم و هرکس کوشیده به سهم خود باری از دوشم بردارد تا سرانجام ۱۵ جلد کتاب درباره وقایع تاریخ معاصر ایران تهیه گردید.

ضمن این بررسی‌های مطالب تازه‌ای یافتم که انتشار آن ضروری به نظر رسید که در این جلد ملاحظه خواهید فرمود. از آن جمله گفتگوئی با دکتر امیراصلان افشار آخرین رئیس تشریفات دربار شاه می‌باشد که در بحران ۵۷ در کنار معظم له بود و با او کشور را ترک گفت و در روزهای آخر عمر نیز در قاهره در کنار پهلوی دوم قرار داشته است.

البته همانطوری که در جلد چهاردهم ملاحظه فرموده اید شاه فقید هم در خارج از کشور صدمات فراوان دیده و رنج بسیار کشیده است. بی تردید اکثر مردم وطن ما سال‌های اقامت در خارج از وطن را با مرارت گذرانیده اند.

در حالی که زندگی در داخل کشور هزاران مشکل دارد که زیان‌زد همه می‌باشد متأسفانه زندگی در خارج از کشور نیز خالی از اشکال نیست و اکثر هموطنان مامشکلات آن را با سختی تحمل می‌کنند.

در غربت اگر کسی بماند ماهی گر کوه بود از او نماند کاهی برای ایرانیان سابقاً هیچ‌گاه مسئله اقامت در کشورهای خارج و داشتن گذرنامه و ویزا مطرح نبود. ملت ایران ملتی سریلند بود که هیچ‌گاه تروریست شناخته نمی‌شد ولی متأسفانه امروز وضع چنین نیست که گفتنی در این باره زیاد است و فعلًاً جای بحث آن نمی‌باشد. گریگویم شرح آن بی‌حد شود مثنوی هفتاد من کاغذ شود امید و آرزوی همه ایرانیان این بود که با گذشت ایام وضع

کشور ما بهبود یافته و موجباتی فراهم گردد که همه مردم ایران بتوانند در این دنیای پر تشنیج در کنار هم قرار گرفته دوشادوش هم به عمران و آبادی و توسعه کارهای فرهنگی و اجتماعی و علمی پرداخته کشوری بسازند که ملت گرامی وزحمتکش ما شایسته آن می باشد ولی متأسفانه چنین نشد. به سروده سیمین بهبهانی شاعر گرامی:

هر چه می بینم سیاهی در سیاهی کوه، کوه

در پس این تیرگی ها آفتایی نیست، نیست

کشور کهن سال ما از نظر منابع طبیعی و خدادادی و نیروی بالارزش انسانی و موقعیت جغرافیائی از هرجهت قابلیت ترقی و توسعه و پیشرفت را دارد منتها محتاج به همبستگی زیاد تر و کار فراوان تر و نیروهای شایسته و کار دان تر با استفاده از تکنولوژی جهان امروز می باشد تا بتوان با استفاده از این موقعیت ها کشوری ثروتمند و ملتی مرغه داشت که مسلماً این امر حسن نیت فراوان و مدیران مطلع ولایق و انسان های توانا و پرهیز کار و بی غرض می خواهد که متأسفانه اکنون چنین نیست، بهمین جهت خیلی ها را نسبت به آینده نا امید و بدین و گریان کرده است.

ریزد از چشم دل میهن پرستان اشک درد

در سخن چون نامی از ایران ویران می برند

ملت ایران این استحقاق را دارد که زندگی بهتر و مشکلات کمتری داشته باشد که این امر مستلزم فدا کاری و گذشت کسانی است که برآن حاکمیت دارند.

ایرانیان خارج از وطن هیچگاه ازیاد کشور عزیز و هموطنان گرامی خود غافل نیستند. همه این شعر حماسی سیاستمدار گرامایه ادیب سمیعی را زمزمه می کنند:

ایران من، ای خطه پاک وطن من
ای از تو همه پرورش جان و تن من
تا از سر کوی تو شدم دور به حسرت
هوش از سر من رفته و روح از بدن من
رنج وطن است این که مرا ساخته رنجور
آن مؤتمر و معتمد و مؤمن من

مصطفی الموتی

لندن مهرماه ۱۳۷۲ - سپتامبر ۱۹۹۳

چند اظهار نظر

درباره کتاب های ایران در عصر پهلوی

مؤسسه انتشاراتی (بوك پرس) بی نهایت سرافراز است که توانسته ۱۵ جلد کتاب های ایران در عصر پهلوی را در مدتی کوتاه منتشر سازد.

هزاران نامه ای که از سراسر جهان برای نویسنده و این مؤسسه رسیده نمودار آن است که مردم وطن ما از اینکه اطلاعات جامعی درباره تاریخ معاصر ایران در دسترس آنها گذارده شده خرسند بوده و خواستار آن هستند تا در این زمینه سایر نویسنده‌گان و سیاست‌پیشگان عصر پهلوی خاطرات خود را نظیر دکتر الموتی تنظیم نموده و در دسترس عموم بگذارند. نامه زیر از آن جمله است:

دریادار دکتر احمد مدنی که همواره در مشاغل نظامی و سیاسی و اداری و دانشگاهی و مبارزات اجتماعی نقش مهمی داشته و دارد به نویسنده کتاب چنین می نویسد:
 دوست فرزانه و ارجمند من

با تقدیم سلام و درود فراوان با تلاش‌های پی‌گیر چندین ساله خویش آثار بسیار گرانبهائی از خود پدید آورده اید و چنان

نوشته هائی در گنجینه ذخایر پژوهشی و تاریخی ایران برای همیشه جای والای خود را خواهد داشت.

مرسوم شده است که برخی دیگر از صاحب نظران هم شرح روزگار خود را بنویسنند و چاپ کنند ولی انگشت شماری به پژوهش پرداخته اند و باقی کوشیده اند تاخودرا قهرمان داستان بنمایانند و یا آنکه به مسائل شخصی و تسویه حساب های خصوصی بپردازند و آن دوست ارجمند بی گمان برچنان آثاری نظر افکنده اید.

ای کاش اینان به جای آن که بکوشند تا خود را قهرمان داستان معرفی کنند و یا احیاناً به تسویه حساب های شخصی بپردازند همچون جنابعالی خود را فراموش می کردند و به روشنگری گوشه ای از تاریخ هنوز نیمه تاریک کشورمان می پرداختند.

دوستداران - احمد مدنی

همچنین در ظرف چند سالی که کتاب های ایران در عصر پهلوی انتشار یافته مطبوعات فارسی زیان خارج از کشور درباره این سلسله انتشارات مطالبی نوشته و رادیوهای فارسی زیان نیز ضمن نقل مطالبی از کتابها و گفتگو با نویسنده کتاب، او را مورد تقدیر قرار داده و از اقدامی که صورت گرفته با تجلیل یاد کرده اند.

اکنون نیز که جلد پانزدهم به کتاب های منتشره (ایران در عصر پهلوی) اضافه گردیده لازم به نظر رسید که بعضی از مطالب منتشره را به صورت خلاصه نقل کنیم.

روزنامه کیهان چاپ لندن می نویسد:

درباره سری کتاب های تحقیقی ایران در عصر پهلوی باید گفت که یکی از خدمات برجسته و ارزشمند دکتر الموتی، انتشار همین کتاب هاست. زیرا پس از انقلاب و برقراری حکومت اسلامی در ایران، آنها که در رژیم پیشین صاحب مقام و موقعیت بودند و

آگاهی کاملی از اوضاع ایران داشتند برخلاف خارجیان که با خاطره نویسی، وقایع و حوادث زمان خویش را به آیندگان می‌سپرند، به گوشه‌ای خزیدند و لب فرو بستند و ایران و ایرانی را به حال خود واگذاشتند ولی دکتر الموتی با گردآوری اسناد و مدارک دوران سلطنت (پهلوی‌ها) در حقیقت دین خود را به مردم ایران ادا کرد.

آنچه بیشتر در این کتاب‌ها به چشم می‌خورد، صداقت و واقع بینی محقق و نویسنده است که سعی کرده نظریات و عقاید موافقان و مخالفان را نیز کنارهم جای داده و هرجا لازم آمده برای روشن شدن موضوع اسناد و مدارک را شاهد گرفته است. باید اضافه کرد که در دوره چهاردهم جلدی ایران در عصر پهلوی که یک سری کامل آن به هیئت تحریریه کیهان پیشکش شده در بسیاری موارد به عنوان مأخذ و منبع مورد استفاده قرار می‌گیرد.

* * *

روزنامه نیمروز چاپ لندن با نقل قسمت هائی از جلد چهاردهم
چنین می‌نویسد:

در جلد چهاردهم ایران در عصر پهلوی دکتر الموتی از اسراری پرده برداشته که هر ایرانی لازم بود از آن آگاهی داشته باشد. جلد چهاردهم که در ششصد صفحه تنظیم گردیده اختصاص به متشنج ترین ایام تاریخ ایران دارد که حوادث مهمی را در دل خود پرورانده است و ضمناً خاطرات دکتر الموتی در دیدار با شاه همراه هیئت رئیسه مجلسین و گفتگو با دکتر بختیار درباره چگونگی تشکیل کابینه و گرفتن رأی اعتماد از مجلسین منتشر گردیده است. از همه مهم تر مصاحبه ایست که دکتر الموتی با ارتشبید قره باگی آخرین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران کرده و پرسش هائی نموده که پاسخ به آن روشنگر خیلی از مسائل تاریخی است که نشان می‌دهد چرا رژیم شاهنشاهی سقوط کرد و چگونه جمهوری اسلامی روی کار آمد.

دکتر الموتی صریحاً می‌نویسد: «شاه تازمانی که در ایران بود از بیماری سرطان خود اطلاع نداشت و فقط در مکزیک توجه یافت این بیماری خطرناکی که او را رنج می‌دهد سرطان است»

مهم ترین قسمت این جلد از کتاب مربوط به زندگی محمد رضا شاه پهلوی از روز ۲۶ دی ماه ۵۷ تا ۵ مرداد ۵۹ می‌باشد که شاه در خارج از کشور روزهای دردناکی را گذرانیده و در آخرین لحظات حیات گفته است: «من خود را وقف ملتمن کرده‌ام. تنها چیزی که می‌توانم با خود به گور ببرم فقط یک پارچه سفید است. باید منتظر داوری تاریخ درباره کارهای خود باشم.»

دکتر الموتی با انتشار سری کتاب‌های ایران در عصر پهلوی کار بزرگی را که شروع کرده بود با موفقیت به المجام رسانید و از این جهت صمیمانه به او شادباش می‌گوئیم.

مجله ارتباط چاپ لندن چنین می‌نویسد:

دکتر مصطفی الموتی با انتشار ۱۴ جلد کتاب‌های ایران در عصر پهلوی کار مهمی المجام داده است. این روزنامه نگار و سیاستمدار معروف طی ۱۴ سال گذشته بازحمات شبانه روزی موفق شد این کار بزرگ تحقیقی را به تنهائی المجام دهد و می‌توان به جرئت گفت که از این نظر حق بزرگی درمورد پژوهش‌های تاریخ معاصر ایران دارد و نام خود را برای همیشه به عنوان یک خادم فرهنگ ایران ثبت کرده است.

دکتر الموتی یکه و تنها بار سنگین این اثر تحقیقی را برداش کشیده و بدون دسترسی داشتن به آرشیو بزرگی که در داخل ایران تهیه کرده بود و از بین رفت توانست این اثر مهم تاریخی را خلق کند.

با این که کتاب‌های ایران در عصر پهلوی پرفروش ترین کتاب فارسی چاپ خارج است ولی به علت سنگینی هزینه چاپ و ارزان

بودن بهای کتابها نه تنها هیچگونه پاداش مادی نداشته بلکه زیان سنگین مالی آن را هم تحمل کرده و به آرزوی خود که اطلاع مردم شریف ایران از تاریخ معاصر می باشد، رسیده است.

دکتر الموقی درسخنرانی جامع خود در انجمن مطالعات (ایران و عرب) که تاریخ ایران را در مدت کوتاهی برای حاضران تشریح کرد نشان داد که در بررسی تاریخ معاصر ایران تسلط کامل دارد و به راحتی وسهولت می تواند مسائل تاریخی رابه اطلاع هموطنان خود برساند.

مجله ارتباط همچنین گفتگویی با این سیاستمدار و روزنامه نگار معروف که اکنون می توان از او به عنوان یک مورخ بزرگ یاد کرد، انجام داده است. با تشکر از زحمات دکتر الموقی در تدوین این اثر گرانقدر تاریخی توجه شما را به این مصاحبه جلب کرده و امیدواریم که دکتر الموقی تحقیقات خود را در صورت تاریخ معاصر ایران بعد از دوره پهلوی هم ادامه دهد.

خلاصه مصاحبه چنین است:

دکتر الموقی می گوید از چند سال قبل تصمیم به انجام این کار گرفتم. متأسفانه هیچ سند و نوشته و مطلبی با خود از تهران نیاوردم و همه را در اینجا تهیه کرده ام. حدود ۴۰ هزار صفحه مطلب ماشین کرده ام که ازین آنها حدود ۷ هزار صفحه را انتخاب و در این ۱۴ جلد منتشر ساخته ام. شما بهتر از من مشکلات کار نشر کتاب و روزنامه فارسی را در خارج از کشور می دانید اما مشکلات من زیادتر بود. زیرا اسناد و مدارکی در اختیار نداشتیم و برای هر سند و مطلبی باید به کتابخانه های مختلف می رفتم و با دردسرهای فراوان بعضی را آماده می ساختم. در کشورهای مختلف با بعضی از شخصیت های عصر پهلوی که زنده هستند بگفتگو پرداخته و از خلال گفته هایشان مطالبی را تهیه کردم و در نتیجه اکنون خوشقت

هستم که این اطلاعات ولو این که ناقص هم باشد، به صورت دائره المعارفی در دسترس همگان قرار گرفته و کار نویسنده و مورخان و روزنامه نگاران را در اطلاع از وقایع ایران در عصر پهلوی سهل کرده است. اغلب دوستان اهل تحقیق به نویسنده می گویند تا حدودی کار آن ها را در بررسی تاریخ معاصر ایران آسان کرده ام زیرا به سهولت می توانند با مراجعه به کتاب ها از رویدادهای عصرپهلوی آگاه گردند.

س - شما در جلد چهاردهم با خوانندگان خدا حافظی کرده اید. مثل این که با قلم وداع کرده اید. این کار مدیر مارا که در ارتباط دائم با شمامی باشد خیلی ناراحت کرده است. مگر نویسنده حق دارد و می تواند با قلم وداع کند.

دکتر الموتی - من کار نویسنده‌گی را از دوران جوانی شروع کرده و هر شغل و مقامی هم که داشته ام به تهیه مقالاتی پرداخته و به کارهای انتشاراتی ادامه داده ام و عاشق این کار هستم و بدیهی است تازنده هستم به این کار ادامه خواهم داد. هیچ گونه ادعائی هم ندارم. در حد توانا نمی و استعداد خود می توانم مطالبی بنویسم ولی درباره عصر پهلوی تصور می کنم این ۱۴ جلد کافی باشد و اگر مطالب دیگری تهیه کردم مسلما از آن مطلع خواهید شد.

دکتر محمد عاصمی مدیر مجله کاوه و نویسنده و شاعر گرامایه چنین می نویسد:

دکتر الموتی عزیزم، دوست پرکار و آراسته‌ی دوستی شناس، نامه مهریانت در تشویق از نشر شماره ۸۱ کاوه سرشارم کرد. این کار در مقابل همت بلند تو که یک تنۀ چهارده جلد کتاب در دیار غریب آنهم با کیفیتی ممتاز عرضه کرده ای هیچ است. خداوند تو را تندرست و برقرار بدارد که باز هم آثاری از این دست به یادگار بگذاری.

همچنین مجله کاوه چنین نوشته است:

تاریخ آینه ایست که آدمی دربرابر ملت های دیگر می گیرد و به ما اطلاعاتی از آزمایش های گذشته برای بنای کار آینده می دهد و آن که این تاریخ را گرد می آورد می بایست آینه داری بی غل و غش و آگاه باشد. اراده ای استوار و همتی بلند لازم است تا از میان انبوه مدارک و اسناد و گفتار درگذشتگان و زندگان «چهارده جلد کتاب فراهم شود» بی حب و بغض، خوب و بد و زشت و زیبارا بنمایاند و این نکته‌ی بسیار مهم را به اثبات برساند که آن کس که می ترسد اشتباه کند هرگز تاریخ نخواهد ساخت.

کار دکتر الموتی در تحقیق و تدوین و تنظیم و چاپ و نشر (ایران در عصر پهلوی) کاری است سترک که هنوز ارزش و اهمیت آن به درستی ارزیابی نشده است. با تهییتی از صمیم قلب برای دکتر الموتی و آرزوی موفقیت های بیشتر.

* * *

دکتر کورش آریامنش درمقاله مفصلی با عنوان (شهریاران گمنام را یاری و پشتیبانی کنیم) در کیهان لندن چنین می نویسد: در برون از مزهای ایران شهریاران گمنام کم نیستند که ژرف و گسترده پیکار می کنند. این ها با پشتکاری ستایش آمیز و به گونه ای خستگی ناپذیر و با جان و دل در تجلیل از فرهنگ ایران زمین می کوشند.. اینان بررسی می کنند، می خوانند و می نویسند و دفتر ها و نوشتارهای ارزنده خودرا که در راه آشنا نمودن مردم به درستی ها و نادرستی ها و شناساندن فرهنگ ایران است یکی پس از دیگری به چاپ می رسانند و بی آن که سرمایه ای را که می گذارند به دست آورند آن را پخش می نمایند.

سازمان های فرهنگی ارزنده و استواری که با برگزیدگان بافت یافته اند و به گونه ای شایسته و بخردانه رزم را پیگیری می کنند

به خوبی پی برد که باید در جنگ با دشمنان درونی و بروندی که در راه نابودی و ویرانگری ایران و سپردن آن به (زیاله دان تاریخ) گام برمی دارند، فرماندهان دلاور و نیک نگر پیکار فرهنگی باشند تا ریشه زهرآگین اندیشه آخوندی را بسوزانند و نگذارند که فرهنگ ایران که بُراترین جنگ افزار پاسداری این کشور است نابود گردد. شجاع الدین شفا، مرد دانشمند و کوشنده ای که همچون بسیاری دیگر به جای سرخوش گرفتن و آسوده زیست کردن شبانه روز پژوهش می کند و با پشتوانه دانش و شناخت فرهنگ ایران زمین نوشه اند نوشه بیرون می کشد تا خویشکاریش را به تاریخ و فرهنگ ایران زمین به انجام برساند.

دکتر خانک عشقی در کانادا که در کهن‌سالی بیش از ده دفتر، هر کدام در بیش از چهارصد رویه و ده ها نوشتار ارزشمند دیگر درباره فرهنگ و ادب و سخن ایران و پیراستن زبان پارسی و پدید آوردن شور ایران پرستی نگاشته است.

منوچهر جمالی که شمار دفترهایش شاید از مرز بیست نیز گذشته باشد و بی بی باکانه راستی هارا به روی کاغذ می آورد.

دکتر یاور روشنگر که در آمریکا چند دفتر پژوهش ارزشمند در آشکار کردن نا آشکارها و به رو آوردن نهفته ها نوشه است و هنوز هم می نویسد.

دکتر مصطفی الموتی که بی پرواچهارده دفتر دریش از ۷ هزار صفحه به نگارش درآورده و آنچه را که بایسته بازگو نمودن است با کوشش های ستایش آمیز نوشه و این تلاش های ستودنی خویش را کاری می داند و همچنان دنبال می کند.

برهان ابن یوسف که با همه دشواری های چشم و گرفتاری های گوناگون و رنج و بیماری، شبانه روز در تکاپوی نوشه و آراستان است و بیش از چهل و پنجاه دفتر نوشتار در زمیه ادب و فرهنگ ایران به رشته نگارش درآورده است.

این هاهمه از شهریاران گمنام و میهن پرستند که باید برآنان و کارهای ارزنده شان ارج نهاد و پشتیبانی شان نمود و با همه تار و پود هستی به یاری آنان شتافت.

گردانندگان روزنامه‌ها و ده‌ها ماهنامه و سه ماهنامه ارزشمند فرهنگی که در سراسر جهان به کوشش ایران دوستان با نوشتارهای پرمایه و توافند و باخون دل و رنج فراوان بی چشمداشت و سود بربی مالی چاپ و پخش می‌کنند از چهره‌های نیمه شناخته و ناشناخته شهریاران گمنام اند.

گروه (پاسداران فرهنگ ایران) که بی‌سرو صدا چند دفتر گرانبها و پرمایه انتشار داده است.

بکوشیم این پیکار گران راستین و بی‌باق و شیفتی ایران زمین را که نبردی کوینده، همه سویه، ژرف را پیگیری می‌کنند با همه نیرو و توان و رگ و ریشه مان پشتیبانی نمائیم و به یاریشان بستاییم که اینان (هزار فرزانگان) پاسدار ایران و (آزادگان) راستین رهائی بخش این کشورند. سپاس به روزنامه کیهان و دست اندر کاران آن که از این پشتیبانی دریغ ندارند.

* * *

روزنامه سام امروز چنین نوشته است:

اظهار نظر درباره نویسندهان و نوشته‌های آنها کار آسانی نیست به ویژه نوشته‌هایی که پس از سقوط رژیم شاهنشاهی و تغییر آن به جمهوری اسلامی به صورت کتاب یا جزو و یا مقاله به رشته تحریر درآمده است.

در خلال ۱۴ سال گذشته تا کنون نویسندهان مختلف و صاحبان قلم مطالبی درباره حوادث و رویدادهای قبل از دوران و بعد از تغییر رژیم نوشته‌اند اما باید گفته شود که اکثرًا از اغراض شخصی جانبداری و یا بنا بر مصالح شخصی نویسنده مایه گرفته و

خالی از ایراد نیست.

ولی به جرأت می توان گفت ۱۴ جلد کتاب های (ایران در عصر پهلوی) از نادر کتابهایی است که بدون درنظر گرفتن وابستگی ها و جانبداری ها و اغراض شخصی، در کمال بیطرفی و بی نظری و حب و بغض انتشار یافته است.

نام دکتر مصطفی الموتی برای همه ایرانیان که در دوران پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی دست اندر کار و ناظر امور کشور بوده اند آشناست. برای آگاهی جوانان باید گفت که دکتر الموتی سال های زیادی در مطبوعات کشور صاحب نام و شهرت بوده و ضمن همکاری با مطبوعات سردبیر روزنامه داد و ناشر مجلات صبح امروز و دانشمند بوده است. با سابقه چند دوره نایندگی مجلس و معاونت نخست وزیر در زمان دکتر اقبال از سیاستمداران خوشنام ایران به شمار آمده و بهمین جهت از تاریخ معاصر ایران و آنچه در ایران و جهان می گذشت آگاهی کامل داشت.

اوراق کتابهای ایران در عصر پهلوی مجموعه ای از اطلاعات است که صرفا به خاطر این که مردم ایران از گذشته ایران دور و جدا نمانند، با زحمات بسیار تهیه و منتشر شده و خوبخیانه مورد استقبال کامل ایرانیان قرار گرفته و همین توجه خوانندگان سبب تشویق و ادامه نشر کتاب ها گردیده است.

مهم ترین دلیل مشوق نویسنده در جمع آوری این اطلاعات وسیع از آغاز روی کار آمدن رضا شاه کبیر تا پایان سلطنت محمد رضا شاه فقید و تا حدودی از رژیم اسلامی، استقبال زیاده از حد مردم و علاقه نویسنده به ایران و ایرانی بوده است.

ما به سهم خود و بنا بر وظائف ملی و مطبوعاتی خویش نه تنها به عنوان یک روزنامه نگار بلکه به نام یک خواننده بی طرف و بی نظر دکتر الموتی را که با قلم پاک و قلبی آکنده از عشق به میهن به این وظیفه مهم پرداخته می ستائیم و آرزوی توفیق روز افزون ایشان

را داریم.

نویسنده را بایدی چار چیز دل و دوست و افکار و وجودان تمیز قلم چون گرفتی دوروثی مکن غرض ورزی و کینه جوئی مسکن

قانونی که درفرانسه به خاطر رضا شاه تصویب شد
دوست گرامی و پژوهشگرم:

بادرود فراوان می خواهم بگویم که نوشته های تویقداری آموزنده و شیرین است که برای بار دوم شروع به خواندن آن کرده و لذت فراوان می برم. بهمین جهت نکته ای بنظرم رسید که خواستم آن را به آگاهی ات برسانم.

در جلد دوم صفحه ۱۹۱ نوشته اید که مقاله مجله اکسلسیور موجب قطع رابطه ایران و فرانسه گردید. چون من آن موقع در پاریس سال آخر مهندسی ام رامی گذراندم در جریان قرار گرفتم. علاوه بر دروس مهندسی دروس حقوق اجتماعی را هم می خواندم. استاد ما پروفسور Mestre که دکتر در حقوق بود ضمن تدریس چنین گفت:

همه می دانند که در فرانسه آزادی قلم و آزادی بیان مورد احترام کامل می باشد ولی همین آزادی برخی اوقات موجب گرفتاریهایی هم می شود که از جمله مقاله مجله اکسلسیور می باشد که موجب عصبانیت رضا شاه و قطع رابطه ایران و فرانسه شده است.

در اینجا ملاحظه می شود که آزادی قلم موجب ناراحتی شاه یک مملکت شده که دولت فرانسه ناچار گردید لایحه ای به مجلس ببرد تا آزادی قلم و بیان در موارد زیر محدود گردد.

- ۱- در مورد رؤسای ممالک
- ۲- در مورد افرادی نظیر زغال فروش

او گفت علت اینکه این دو گروه را مستثنی کرده اند چنین است:

۱ - اگر در بیان مطلب یاد نوشته ای به یک نفر توهین شود آن شخص حق دارد شکایت کرده و گوینده و نویسنده را به دادگاه بکشدا ماما در مورد رؤسای مالک این امر صورت خوبی ندارد چون شان رئیس مملکت نیست که خود را با گوینده و یانویسنده ای طرف کرده و اورا به دادگاه بکشدو همین امر موجب می گردد که به مصالح عالیه کشور و حقوق افراد صدمه وارد شود. چنانکه در مورد رضا شاه و روابط ایران و فرانسه چنین شد.

۲ - در مورد افرادی نظیر زغال فروش منظور افرادی از طبقه کارگرو کسانی می باشد که مشاغل کوچک دارند و چون وضع مالی آنها اجازه نمی دهد که وکیل بگیرند و شکایت کنند و گوینده و نویسنده را تعقیب نمایند برای اینکه حق آنها پایمال نگردد چنین استثنائی در نظر گرفته شده است.

در حقیقت می توان گفت این قانون صرفا بخاطر رضا شاه به تصویب رسید و بعدا در مورد دیگران هم عمل شد. همین امر موجب گردید که مجدد روابط ایران و فرانسه بهبود یافته و روابط سیاسی دو کشور برقرار گردد.

با احترام - حسین دفتریان - نیس ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳

تاج الملوك آیرملو (ملکه پهلوی) و بستگانش
نویسنده گرامی و ارجمند جناب دکتر المولتی
درجدهای مختلف کتابهای ارزنده ایران در عصر پهلوی نامی
از (میر پنج آیرملو) پدر ملکه پهلوی برده اید که برای تکمیل آن
مطلوب زیرا به اطلاع می رساند:

دراواخر قرن نوزدهم هشت تن از خوانین (رضائیه) که محیط
کوچک آنجهارا برای فعالیت خود مناسب ندانسته به تهران آمدند

وصاحب فرزندانی گردیدند که یکی از آنها تیمور نام گرفت که بعدهابه (میرپنج تیمورخان آیرملو)شهرت یافت و مصدر خدمات شایانی شد.

میرپنج تیمورخان آیرملو سه همسر اختیار نمود که از همسراول یک دختر به نام زرین تاج داشت که همسرسرهنگ امیراصلان آیرملو گردید. از همسر دوم (ملک سلطان) سه پسر و دو دختر داشت. دو پسر او (سرگرد علی اکبرخان و سرگرد ابوالحسن خان آیرملو) همراه میرپنج رضاخان در جنگهای شمال شرکت داشته و هر دو تن زیرآوار رفت و فوت کردند. تاج الملوك همسر رضا شاه از این همسر بود که ملکه پهلوی نام گرفت و خواهرش (نزهت الملوك آیرملو) همسرشاهزاده اجلال حضوردادستان شد.

میرپنج آیرملو از همسر سوم یک پسر و سه دختر داشت. پسر اصغر خان آیرملو (تیموری) نامیده شد که سالها شهردار اصفهان و کرمانشاه بود و در سال ۱۳۶۴ در شاهدشت فوت کرد. خواهران یکی فخر الملوك آیرملو همسر سرگرد شکرالله خان آیرملو بود که پس از فوت او همسر سناتور دکتر محسن حجازی گردید که بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در تهران فوت کرد. خانم فخر الملوك هم در سال ۱۳۶۲ در سانتا باربارا در آمریکا جهان را ترک گفت. خواهد دیگر عفت الملوك آیرملو همسر سرتیپ دکتر حسین علی اسفندیاری سناتور سابق گردید که به دست مستخدم خود در تهران به قتل رسید و عفت خانم در آمریکا زندگی می کند. خواهد دیگر عالم آیرملو می باشد که همسر سرتیپ غلامحسین مین باشیان گردید که تیمسار مذکور در سال ۱۳۵۹ در تهران فوت کرد.

با احترام - سرلشکر علی محمد آیرملو

در طی مدت انتشار کتاب ها خیلی از نشریات خارج از کشور و رادیو و تلویزیون هادریاره کتابهای ایران در عصر پهلوی بحث و اظهار نظر کرده اند که با تشكراز آنان مؤسسه (بوک پرس) آرزومند است که توانسته باشد وظیفه ملی خود را دریاره آشنا ساختن مردم غیور ایران به تاریخ معاصر، المجام داده باشد.



ایران در عصر پهلوی

روز شمار تاریخ و وقایع مهم

اسفندماه ۱۲۹۹ - برابر با فوریه ۱۹۲۱ میلادی

۱ - قوای قزاق به فرماندهی رضاخان میرپنج فرمانده تیپ همدان از قزوین به سمت تهران حرکت کرد. از طرف سلطان احمدشاه هیئتی برای مذاکره با آنان فرستاده شد تا از ورود آنها به تهران جلوگیری کند. سردارهایون از فرماندهی دیویزیون قزاق کناره گیری کرد و در تاریخ دوم اسفند حکم زیر برای رضاخان میرپنج صادر شد.

حکم نمره ۱۸ - دوم حوت ۱۲۹۹ (۱۹۲۱ فوریه) اینجانب از طرف قرین الشرف اعلیحضرت قدرقدرت شهریاری به ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه معین و برقرار گردیدم.

به موجب این حکم خودرا به تمام قسمت ها و حضرات صاحب منصبان و افراد دیویزیون قزاق معرفی نموده و اعلام می دارد که از دوم حوت دستورات اینجانب را فرض شمرده و به موقع اجرا بگذارند. رئیس دیوان قزاق - رضا

۲ - شب سوم حوت ۱۲۹۹ در مهرآباد، رضاخان میرپنج - سید ضیا‌الدین طباطبائی - مأمور مسعودخان کیهان - کلنل کاظم سیاح - یاور احمدخان (امیراحمدی) در زیر چادری گرد آمده به قرآن سوکند یاد نمودند که برای نجات کشور بایکدیگر همکاری کرده و کشور را نجات دهنده.

۳ - در نخستین دقایق سپیده دم صبح روز سوم اسفندماه ۱۲۹۹ (۲۲ فوریه ۱۹۲۱) دوهزار پانصد تن قزاق به فرماندهی رضاخان میرپنج وارد شهر تهران شده بلاfacسله وزارت خانه‌ها و کلانتریها و مراکز حساس شهر تهران را تصرف کردند و کلیه دروازه‌های شهر تهران بسته شد.

کودتا کنندگان تا مقارن نیمه شب سوم حوت با شلیک ۱۲ گلوله در میدان مشق تهران پیروزی خود را اعلام داشتند.

روز بعد از طرف میرپنج رضاخان اعلامیه ای تحت عنوان (حکم می‌کنم) منتشر شد و همچنین حکومت نظامی در تهران برقرار گردید. سپه‌دار رشتی رئیس وزراء وقت در سفارت انگلیس متحصن گردید. چند تن از اعضای کابینه بازداشت شدند.

۴ - روز ششم اسفند از طرف سلطان احمدشاه قاجار فرمان رئیس وزرائی سید ضیا‌الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد امروز صادر شد و به میرپنج رضاخان لقب (سردار سپه) اعطا گردید.

۵ - کلیه صاحبمنصبان تحت فرماندهی میرپنج رضاخان یک درجه ترقیع یافتند.

۶ - سید ضیا‌الدین طباطبائی رئیس وزرای ۳۲ ساله ایران با اعلامیه تندی گروهی از رجال و اعیان و اشراف را متهم به فساد کرده و عامل اساسی خرابی مملکت دانست و دستور بازداشت حدود ۹۰ نفر از دوله‌ها و سلطنه‌هارا صادر کرد. قوام السلطنه والی

خراسان را تحت الحفظ به تهران آورد ولی دکتر مصدق والی فارس از دستور رئیس وزراء سریاز زده به ایل بختیاری پناهنده شد.

۷ - با دستور رئیس وزراء قراردادی که بین ایران و انگلیس در سال (۱۲۹۸) و در زمان نخست وزیری وثوق الدوله امضا شده بود لغو گردید. پیمان ایران و شوروی که به امضا رسیده بود به دولت ایران ابلاغ شد. روسیه نیز به دنبال آن قوای خودرا از رشت و بندر انزلی خارج نموده و همچنین ولایات فیروزه و آشوراده را تحویل دولت ایران داد.

۸ - مأمور مسعود خان کیهان وزیر جنگ، آن وزارت خانه را منحل نموده و طی اعلامیه ای یادآور شد که وزارت جنگ با تشکیلات جدیدی دائرخواهد شد. همچنین بر حسب تصویب‌نامه هیئت وزیران وزارت عدلیه منحل و موقتاً یک شعبه از استیناف و یک شعبه از محکمه بدائیت و دو شعبه محکمه صلح در تهران افتتاح شد.

۹ - طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران ورود کلیه مشروبات الکلی از خارج قدرتمند شد و به دستور رئیس وزراء استعمال مشروبات الکلی برای کلیه طبقات ممنوع و در میهمانیها مقرر شد دوغ و شربت مصرف شود. به دستور رئیس وزراء کارمندان معتمد به تریاک از ادارات اخراج شدند.

۱۰ - کاپیتولاسیون نسبت به اتباع آذربایجان شوروی - قفقاز - گرجستان - ارمنستان - عثمانی - بین النهرين و شامات لغو گردید.

فروردين ماه سال ۱۳۰۰ شمسی (برابر با ۲۱ مارس ۱۹۲۱ میلادی تا ۲۰ مارس ۱۹۲۲) در هرسال چنین می باشد)

۱ - مراسم سلام نوروزی در کاخ گلستان در حضور سلطان احمد شاه برگزار گردید. غالب رجال که در زندان بودند در مراسم

شرکت نداشتند. چندتنی از قبیل مستوفی المالک و مؤمن الملک هم که آزاد بودند در مراسم شرکت نکردند. سلطان احمدشاه یک قبضه شمشیر مرصع به سردار سپه اعطا نمود.

۲ - به دنبال بازداشت قوام السلطنه والی خراسان طبق دستور کلنل محمد تقی خان پسیان عده ای از دوستان قوام بازداشت و کلیه اثنایه و اسبهای قوام السلطنه مصادره گردید. شاهزاده حسنعلی میرزا نصرت السلطنه عمومی احمدشاه والی خراسان شد و طبق دستور رئیس وزراء کلنل محمد تقی خان حاکم نظامی خراسان گردید. ضمناً صاحب منصبان ژاندارمری خراسان نیز از طرف کلنل به یک درجه ترقیع نائل گردیدند.

۳ - قوای انگلیس شهرهای زنجان و قزوین را تخلیه کرد. همچنین قوای سوری کلیه نقاط شمالی ایران را ترک کردند. رئیس وزراء طی اعلامیه ای از تخلیه ایران از قوای انگلیس و سوری ابراز خوشوقتی نموده چنین یادآورشد:

«من سرافراز و مسرورم که این واقعه در دوره زمامداری من رخ داده است. اکنون لازم است عملیات درخشان سپاهیان ایران چشمان مارا باز و قلوبیان را مسرور و شاد سازد. شما اهالی تهران مطمئن و راحت باشید که در پرتو فدایکاری دولت و قشون پایتخت ایران محفوظ خواهدماند.»

۴ - اسماعیل سمتیقو به آذربایجان حمله کرد و جنگ سختی بین قوای او و ژاندارمها در گرفت و عده ای ژاندارم و نیروی سمتیقو در این جنگ کشته شدند.

۵ - در اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ شمسی مأمور مسعودخان کیهان وزیر جنگ به علت اختلاف با سردار سپه از سمت خود استعفا کرد و سردار سپه به سمت وزیر جنگ از طرف رئیس وزراء منصوب و مأمور مسعودخان عنوان وزارت مشاور یافت.

۶ - مسیو رتشتین اولین سفیر و ناینده سیاسی دولت اتحاد

جمahir شوروی وارد تهران شد و چندروز بعد با کالسکه سلطنتی به قصر فرح آباد رفته و استوارنامه خودرا به سلطان احمدشاه تقدیم داشت. سفیر خودرا نماینده دولت سوسیالیستی شوروی و برگزیده دهقانان و کارگران انقلابی معرفی کرد. به دنبال آن با محمدحسن میرزا ولیعهد و رئیس وزراء دیدار نمود.

۷ - بلدیه جدیدالتاسیس تهران برای اولین بار چند خیابان را با چراغ برق روشن کرد و یک دارالایتام بزرگ هم ایجاد نمود.

۸ - هیئت دولت مقرراتی را تحت عنوان (قانون مرور زمان) در ۵۳ ماده تصویب کرد. همچنین قانون مقررات ثبت احوال رادر ۱۴۲ ماده تصویب و دستور اجرای آن صادر شد.

۹ - سردارسپه طبق حکمی کلنل کاظم خان سیاح حاکم نظامی تهران را به ریاست ارکان حرب (ستادارت) منصوب نمود و سرهنگ حبیب الله خان شبیانی را به سمت حاکم نظامی تهران برگزید. (او همان سرلشکر شبیانی بعدی است که درین درزمان جنگ جهانی دوم هنگام بمباران کشته شد).

۱۰ - در خرداد ماه ۱۳۰۰ شمسی بین سلطان احمد شاه و سید ضیاعالدین طباطبائی رئیس وزراء اختلافی بروز کرد. شاه به او تکلیف استعفا کرد که نپذیرفت و گفت من استعفا نمی دهم و می توانید مرا عزل کنید. بهمین جهت تظاهراتی علیه سیدضیاعالدین در مسجد شاه و میدان بهارستان صورت گرفت و احمدشاه فرمان عزل سیدضیاعالدین را صادر نمود.

۱۱ - سیدضیاعالدین طباطبائی به اتفاق ایپکچیان رئیس بلدیه و مأمور مسعودخان - کلنل کاظم خان و عده ای به سوی قزوین حرکت کرد تا به اروپا برود. برای مخارج سیدضیاء ۲۵ هزار تومان از طرف دولت به او پرداخت شد.

۱۲ - شهاب الدله رئیس تشریفات دریار احمدشاه درزندان عشرت آباد به ملاقات قوام السلطنه رفت و به او اطلاع داد که شاه

شمارا برای رئیس وزرائی در نظر گرفته است. پس از آن ملاقات متفقا به قصر فرح آباد رفتند و بعد از چهار ساعت مذاکره فرمان رئیس وزرائی احمد قوام صادر گردید.

۱۳ - به دستور قوام السلطنه رئیس وزراء کلیه بازداشت شدگان آزاد شدند و همراه رئیس وزراء و سردارسپه به کاخ فرح آباد نزد احمدشاه رفتند. در آنجا عین الدوله و فرمانفرما و سپهسالار تنکابنی، رئیس وزراهای قبلی که به دستور سید ضیاء زندانی شده بودند بیاناتی ایراد کردند.

۱۴ - به دستور قوام السلطنه، نجدالسلطنه به سمت والی خراسان منصوب گردید. کلنل محمد تقی خان پسیان به مخالفت با قوام پرداخت و نجدالسلطنه و عده ای از دوستان قوام را بازداشت و کلیه قوای زاندارم را با خود متحداشت و به اقداماتی علیه حکومت مرکزی پرداخت.

۱۵ - میرزا کوچک خان جنگلی طی اعلامیه ای در رشت اعلام جمهوریت نموده خود را رئیس جمهور گیلان نامید و دولت خود را نیز معرفی کرد.

۱۶ - ساعدالدوله فرزند سپهسالار تنکابنی از اطاعت حکومت مرکزی سرپیچی کرد و شهر تنکابن را تصرف نمود. احسان الله خان نیز اردوئی تشکیل داد و در بعضی از نقاط مازندران و گیلان به جنگ با نیروهای دولتی پرداخت و کلاردشت و چالوس را تصرف نمود. حاج بابای اردبیلی از یاغیان مسلح به دهات زنجان حمله برد که عده ای زاندارم و قوای حاج بابا به قتل رسیدند. در مازندران نیز امیر مؤید سوادکوهی سریه طغیان برداشت.

۱۷ - مجلس چهارم که انتخابات آن در زمان رئیس وزرائی و ثوق الدوله آغاز شده بود، روز اول تیرماه افتتاح شد. سلطان احمد شاه در نطق افتتاحیه و عده هائی برای اصلاحات داد. مؤمن الملک پیرنیا به ریاست و سید حسن مدرس و حکیم الملک به نیابت ریاست

مجلس انتخاب شدند. اعتبارنامه عدل الملک دادگر و سلطان محمد خان عامری به علت همکاری با سید ضیاء الدین طباطبائی رد شد.

۱۸ - با اقدامات قاطع سردارسپه درجنگ شدید بین امیر مؤید سوادکوهی و قوای قزاق به فرماندهی میر پنج احمد آقا (سپهبد امیر احمدی بعدی) قوای امیر مؤید شکست خورد و مقر امیر مؤید به آتش کشیده شد. در زنجان نیز گروهی از اتباع حاج بابا مقتول گردیدند. ساعدالدوله در تنکابن از قوای دولتی شکست خورده و تسلیم شد. وی توسط سردار کبیر عمومی خود تأمین گرفت و به دستور سردار سپه به درجه سرهنگی در قشون پذیرفته شد. مدتی آجودان سردارسپه بود و در سفر او به خوزستان شرکت داشت. ولی پس از چندی از اسب به زیر افتاد و درگذشت.

۱۹ - از طرف احمد شاه نجفقلی خان صمصام السلطنه رئیس وزرای سابق والی خراسان شد. ولی کلنل محمد تقی خان اورا قبول نداشت و خود را حاکم خراسان می دانست. یک اردوی پنج هزار نفری به فرماندهی میر پنج حسین آقا (خزاعی) برای سرکوبی کلنل محمد تقی خان عازم خراسان گردید.

۲۰ - قوام السلطنه از شوکت الملک علم امیر قائنات و سردار معزز بجنوردی خواست که با قوای دولتی همکاری کرده تا بتواند غائله کلنل را دفع کند. کلنل در بیانیه ای صحبت از جمهوری خراسان کرده بود. هم چنین دو تن از صاحب منصبان ژاندارم را که از دستور او سریاز زده بودند اعدام کرد. کلنل دستورداد اسکناسهای جدیدی با مضای پیشکار دارائی خراسان منتشر گردد. جنگ بین قوای دولتی و قوای کلنل شدت یافت و سرانجام در ۲۰ کیلومتری قوچان کلنل و گروهی از ژاندارمها کشته شدند. اکراد منطقه سرکلنل محمد تقی خان را بریده با سردوشی هایش به مشهد فرستادند. میرزا مهدی خان (فرخ) معتصم السلطنه معاون کلنل به بیرجند گریخت. ولی معاون دیگر کلنل یاور محمود خان نوذری از طرف قوام السلطنه به

کفالت امور خراسان منصوب گردید. جنازه کلنل به خاک سپرده شد. ولی مأمور اسمعیل خان با نیروی تحت فرماندهی خود هنگام دفن جنازه کلنل، قوام را به دشنا� گرفت و با قوای خود یاور محمودخان را بازداشت کرد که او هم با کمک صاحبمنصبان ژاندارم از زندان گریخت و اسمعیل خان را دستگیر و از او خلع درجه نمود. میرپنج حسین آقا فرمانده قزاقهای اعزامی از تهران، کلیه طرفداران کلنل را دستگیر و عده‌ای را هم اعدام کرد. رضاقلى خان نظام السلطنه والی خراسان گردید.

۲۱ - در تهران توطئه‌ای کشف شد که عده‌ای قصد داشتند قوام السلطنه رئیس وزراء و سردارسپه وزیرجنگ را به قتل برسانند. به اتهام این توطئه ۱۲۰ نفر بازداشت شدند که در میان آنها این اسامی برده شده است: ظهیرالاسلام - رکن‌الملک - نیرالسلطان نوری - هشت‌ترودی - نصیرالملک - مشارالملک انصاری - میرزا کریم خان رشتی - سردار منتصر - ضیاء‌السلطان و ...

۲۲ - میرپنج حسین آقا (خزاعی) طی اعلامیه شدیداللحنی متذکر شد که کلیه هواخواهان کلنل محمد تقی دردادگاه نظامی محکمه خواهند شد. مأمور محمودخان نوذری از سرپرستی ایالت خراسان و فرماندهی ژاندارمری استعفا کرد. (او پدر سرلشگر فرامرز نوذری بقاء می‌باشد که در سال ۱۳۵۸ در جمهوری اسلامی اعدام شد).

۲۳ - دکتر محمد مصدق وزیر مالیه به موجب ماده واحده ای برای مدت سه ماه از مجلس شورای ایمنی اختیاراتی برای اصلاح امور مالیه تقاضا نمود.

۲۴ - لایحه واگذاری امتیاز کلیه معادن شمال به کمپانی استاندار اویل آمریکائی در ۵ ماده تقدیم مجلس شورای ایمنی گردید و فوریت آن هم به تصویب رسید.

۲۵ - قوای دولتی به فرماندهی سردارسپه وارد رشت گردید.

خالو قربان بلافاصله تسلیم شد ولی میرزا کوچک خان حالت دفاعی به خود گرفت و به منطقه جنگل عقب نشینی کرد. در اثر سرما و نبودن وسیله درگذشت. سربریده اورا نزد سردارسپه آوردند که این عمل را تقبیح نمود. با این طرز غائله، جنگل پایان یافت و آرامش به گیلان بازگشت.

۲۶ - سردارسپه وزیر جنگ پلیس جنوب را که توسط انگلیس ها تأسیس شده بود منحل ساخت و تعدادی از صاحبمنصبان آن را در قشون ایران پذیرفت.

۲۷ - از طرف سفارتخانه های سوروی و انگلستان یادداشت های شدیدالحنی به دولت ایران درباره واگذاری امتیاز نفت شمال ایران به کمپانی آمریکائی استاندار اویل تسلیم شد. در مجلس شورای ایملی از دولت خواسته شد که پاسخ لازم به دولت های انگلیس و سوروی داده شود که حق مداخله در امور داخلی ایران را ندارند.

۲۸ - مجلس شورای ایملی قرارداد رسمی بین دولتین ایران و سوروی را تصویب کرد. (قرارداد ۱۹۲۱). به موجب آن قرارداد بانک استقراضی روس با تمام اموال منقول و غیر منقول به ایران واگذار و تمام امتیازاتی را که دولت روسیه تزاری و اتباع آن کشور از ایران گرفته بودند لغو شد. دولت انقلابی سوروی از تمام مطالبات خود صرفنظر کرد و کاپیتولاسیون را لغو نمود.

در برابر این امتیازات، به دولت سوروی اجازه داده شد که در صورت دخالت مسلحه کشور ثالث و تهدید سرحدات سوروی، دولت سوروی حق داشته باشد که قشون خودرا به ایران وارد نماید. بهمین جهت قرارداد نفتی با خوشتاریا تبعه سوروی لغو گردید.

۲۹ - مجلس شورای ایملی ایران عضویت ایران را در جامعه ملل تصویب کرد.

۳۰ - درجات سابق نظامی رایج در قزاقخانه لغو و به جای میرپنج و کلنل و مژور، درجات جدید با عنوان سرلشکر و سرتیپ و

سرهنگ اعلام شد. سردارسپه وزیرجنگ با تصویب احمدشاه به چند تن از همکاران خود درجه سرلشکری داد که عبارتند از: سردار مقتدر (امیرلشکر عبدالحمید غفاری) - سردار مدحت (سرلشکر عباسقلی جلایر) - سردار همایون (امیرلشکر قاسم والی) - سردار عظیم (امیر لشکر محمد توفیقی) - سردار منتخب (امیرلشکر حبیب الله جهانبانی) - سردار رفت (امیرلشکر علی نقدی) - عبدالله خان امیر تومان (سرلشکر امیر طهماسبی) - میرپنج احمد آقا (امیرلشکر حسین خزاعی) میرپنج محمود آقا (امیرلشکر محمود آیرم) - سرلشکر محمود آقا امیراقدار - (امیرلشکر محمود انصاری) - خدایارخان (امیرلشکر خدایارخان) - اسماعیل آقا (سرلشکر امیرفضلی) طبق اعلام سردارسپه در ایران پنج لشکر و یک ارکان حرب و یک شورای قشون تشکیل گردید. امان الله میرزا جهانبانی اولین رئیس ارکان حرب شد.

۳۱ - در مجلس شورایملی دریاره لایحه اختیارات دکتر مصدق بین وکلا مشاجره شد. مصدق السلطنه پس از ایجاد نطقی در مجلس بیهوش گردید. قوام السلطنه رئیس الوزراء به حمایت از وزیر مالیه خود نطقی ایجاد کرد و به مخالفین پاسخ داد و از سمت رئیس وزرائی مستعفی گردید. مجلس در جلسه خصوصی به رئیس وزرائی حسن پیرنیا (مشیرالدوله) ابراز تمایل نمود و فرمان ملوکانه صادر گردید.

۳۲ - سلطان احمدشاه قاجار برای بار دوم عازم سفر اروپا شد. سردارسپه پادشاه قاجار را تا خانقین بدרכه کرد. احمد شاه برادر دیگر خود اعتضاد السلطنه را تامراجعت محمدحسن میرزا ولیعهد از اروپا به عنوان نایب السلطنه معرفی نمود. او فرزند ارشد محمدعلی شاه بود ولی چون مادرش از قاجار نبود به ولیعهدی انتخاب نگردید.

۳۳ - مأثور لاهوتی فرمانده ژاندارمری مقیم شرفخانه

آذربایجان با افراد تحت فرماندهی خود غفلتاً وارد تبریز شد. مخبرالسلطنه والی آذربایجان را توقيف و کلیه اماکن دولتی را به تصرف درآورد. سلطان تورج میرزا به فرماندهی حکومت نظامی منصوب شد. بین قوای دولتی و نیروهای لاهوتی زدو خورد درگرفت و حدود پنجاه نفر کشته شدند. قوای دولتی برنیروی لاهوتی فائق آمد و لاهوتی و چند نفر از اطرافیانش به شوروی گریختند. دادگاه نظامی به ریاست سرتیپ فضل الله خان زاهدی (بصیردیوان) و دادستانی سرهنگ قریب (متین الملک) تشکیل گردید و ۱۱ تن محکوم به اعدام شدند که با وساطت هائی مورد عفو قرارگرفته و پس از یک سال از زندان آزادگردیدند که بعداً کارهائی به آنها داده شد. از آن جمله سرهنگ تورج امین بود که در شهریانی مشاغل مختلفی را عهده دار گردید. لاهوتی که به شوروی گریخته بود به سروden اشعاری پرداخت که به شاعر توده ای ملقب شد و درشوری درگذشت.

٣٤ - سردارسپه طبق فرمانی چنین اعلام کرد:

« به تمام لشکرها و قسمت های عمومی قشون اخطار می کنم که امر اعدام فقط در اختیار من است و بدون کسب دستور از مرکز احده اجازه صدور این حکم را ندارد.»

٣٥ - رسمآ اعلام شد که در سال ۱۹۲۱ تولیدنفت ایران ۱۶ میلیون و ۶۷۳ هزار بشکه در سال بوده که درآمد ایران از آن بالغ بر ششصدهزارلیره شده است.

٣٦ - روزنامه شفق سرخ در اسفندماه به مدیریت علی دشتی انتشار یافت. حکومت نظامی طی اعلامیه ای یادآور شد که اگر روزنامه ها مقالات تندی علیه حکومت بنویسند هم روزنامه توقيف و هم نویسنده و ناشر تعقیب خواهند شد. به دنبال آن عده ای از مدیران جراید بازداشت شدند. فرخی یزدی مدیر طوفان درسفارت روس و عده ای از مدیران جراید در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.

احمدشاه از پاریس تلگرافی از مشیرالدوله رئیس وزراء خواست تا هرچه زودتر به کار روزنامه نگاران رسیدگی و به تحصن آنان پایان داده شود.

سال ۱۳۰۱ شمسی برابر سال ۱۹۲۲ میلادی

۱ - نخستین اعضای شورای عالی معارف مرکب از ذکاء‌الملک فروغی - دکتر امیراعلم - سید محمد تدین - میرزا غلام‌حسین خان رهنما - شیخ محمد‌امین خوئی - سید مهدی لاهیجی - میرزا علی اکبر دهخدا - مجیرالدوله شبستانی - دکتر مسیح‌الدوله، انتخاب و کار خودرا آغاز کردند.

۲ - اداره امنیه مملکت تحت ریاست امیرلشگر نقدی (سردار رفت) کار خودرا آغاز کرد. (سرلشگر نقدی هنگام بمباران مجلس با مشروطه خواهان سروسری داشت که او را از مقام حفاظت مجلس عوض کردند و لیاخف این وظایف را آنجام داد. برادر او امیر پنجه قاسم آقا هنگام حمله پریم خان به قزوین وفتح آنجا دست‌کثیر و اعدام شد).

۳ - میرزا حسن مشیرالدوله رئیس وزراء استعفا کرد و استعفانامه خودرا تلگرافی برای احمدشاه به اروپا فرستاد. با اینکه مجلس به مشیرالدوله رأی اعتماد داد ولی نپذیرفت.

۴ - محمدحسن میرزا ولی‌عهد در مراجعت از سفر اروپا از راه بغداد وارد تهران شد.

۵ - مجلس شورای مملی با ۶۵ رأی به رئیس وزرائی قوام السلطنه ابراز تمایل کرد و مستوفی‌المالک هم ۱۵ رأی داشت.

۶ - سرتیپ محمدخان زکریا (شاه بختی) با چندستون سرباز برای استقرار امنیت عازم بروجرد شد. (شاه بختی دومین سپهبد زمان شاه بود که بعدها به مقام استانداری آذربایجان رسید و سالها

سناتور بود).

۷ - درجنگ بین قوای دولتی والوار عده ای کشته شدند و هشت تن از سران آنها در بروجرد محاکمه نظامی شده به دارآویخته شدند.

امیرلشگر احمدآقا (امیراحمدی) به پاس استقرار امنیت در منطقه لرستان از طرف سردار سپه به دریافت یک قطعه واکسیل بند آجودانی مفتخر گردید.

۸ - سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) والی خراسان گردید. دکتر مصدق والی آذربایجان استعفا کرد و امور حکومت به سرتیپ امان الله میرزا جهانبانی فرمانده قشون سپرده شد.

۹ - مجلس شورای اسلامی لایحه استخدام و اختیارات دکتر ملیسپورا به عنوان رئیس کل مالیه ایران تصویب کرد.

۱۰ - درجنگ سختی که بین قوای دولتی و افراد مسلح اسماعیل خان سمیتقو در آذربایجان روی داد قوای سمیتقو شکست خورد و قلعه (چهریق) که ساخلوی سمیتقو بود تسخیر شد. سمیتقو با دادن تعدادی تلفات از ایران فرار کرد. بهمین مناسبت به سرتیپ امان الله خان و سرتیپ فضل الله خان (بصیر دیوان) نشان ذوالفقار اعطا گردید. مؤمن الملک رئیس مجلس از اقدامات سردار سپه در تأمین امنیت کشور تشکر کرد. احمدشاه از پاریس موفقیت قشون ایران را به سردار سپه تبریک گفت.

۱۱ - معتمدالتجار ناینده تبریز در مجلس از سردار سپه انتقاد کرد و مدرس نیز در تأیید اظهارات او گفت ما آنقدر قدرت داریم که می توانیم شاه را برداریم و طبعاً برداشتن سردار سپه کار ساده ایست.

۱۲ - سردار سپه در اجتماع صاحب منصبان نطقی ایراد کرد و ضمن خدمات قشون در استقرار امنیت گفت چون مجلس و مطبوعات برای کارهای او ارزشی قائل نیستند استعفا می کند.

۱۳ - در سراسر کشور تظاهراتی به نفع سردار سپه صورت

گرفت. در مناطقی نیز علیه او مخالفت هائی شد. در کاخ گلستان بین محمد حسن میرزا ولیعهد و قوام السلطنه رئیس وزراء و سردار سپه وزیر جنگ مذاکرات اصلاحی صورت گرفت که سردار سپه به کار بازگشت و در مجلس نطقی ایجاد کرد و اظهار داشت حکومت نظامی ملغی و ادارات مالیات غیر مستقیم و خالصجات از وزارت جنگ منزع می گردد.

۱۴ - قوام السلطنه لایحه محاکمه وزراء را در ۱۳۱ ماده تقدیم مجلس کرد.

۱۵ - سردار سپه وزیر جنگ به اتفاق قائم مقام الملك رفیع و دبیر اعظم بهرامی برای استقبال از احمدشاه به بوشهر رفتند.

۱۶ - احمدشاه از اروپا بازگشت و وارد بندر بوشهر گردید. هنگام ورود مورد استقبال قرار گرفت. شاه پس از چند روز اقامت در بوشهر عازم تهران شد.

۱۷ - قانون استخدام کشوری به تصویب مجلس رسید.

۱۸ - اولین شماره روزنامه کوشش به مدیریت شکرالله صفوی منتشر شد.

۱۹ - احمدشاه در میدان مشق از قشون سان دید.

۲۰ - روزنامه قیام به احمدشاه اهانت کرد و ازوی عزل قوام السلطنه را خواستار شد. سلطان احمدشاه از مدیر روزنامه شکایت کرد و شعبه دوم محکمه تهران شروع به رسیدگی نمود که احمد شاه شکایت خود را پس گرفت.

۲۱ - قوام السلطنه در اثر حملاتی از سمت رئیس وزرائی استعفا کرد و مجلس به زمامداری مستوفی المالک ابراز تمايل نمود.

۲۲ - روزنامه (مرداد آزاد) به مدیریت علی اکبر داور و سردبیری عیسی خان صدیق اعلم در تهران انتشار یافت.

۲۳ - روزنامه پیکان به مدیریت محمد وثوق همایون به سردبیری پسرش عبدالحسین خان انتشار یافت (عبدالحسین خان هژیر

بعداً به مقام نخست وزیری و وزارت دریار رسید.)

۲۴ - هنگام طرح برنامه دولت مستوفی المالک، مدرس مخالفت کرد که سید محمد تدین به دفاع پرداخت. سرانجام برنامه دولت با ۶۶ رأی موافق و ۲۶ رأی مخالف تصویب شد.

سال ۱۳۰۲ شمسی برابر با ۱۹۲۳ میلادی

۱ - سردار سپه وزیر جنگ به امیر لشکر جنوب دستورداد کلیه نقاطی که از زیر نفوذ دولت مرکزی و قشون خارج بوده از قبیل بلوچستان و منطقه بختیاری و سواحل خلیج فارس باید در قلمرو دولت مرکزی و قشون ایران باشد. مخصوصاً در مناطق نفت خیز که اولیای دولت انگلستان به خاطر منافع خود سعی می نمایند اقدامات قشون را بی نتیجه سازند باید قشون نظم و امنیت را برقرار کند.

۲ - فرمان انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی صادر شد.

۳ - چهل و هفت تن از صاحب منصبان قشون به ریاست امان الله میرزا جهانبانی و سرپرستی حبیب الله خان شببانی برای تحصیلات تدریجاً به اروپا اعزام شدند که (احمد نخجوان - علی اصغر نقدی - حاج یحیی رزم آرا - عبدالله هدایت - احمد بهار مسٹ - شاهین نوری - بایندر - شاهنده - پلاسید - محمود میرجلالی - اسدالله گلشاهیان) امرای بعدی ارتش جزو آنها بوده اند.

۴ - سید حسن مدرس دولت مستوفی المالک را استیضاح کرد. سلیمان میرزا اسکندری از دولت دفاع نمود. مستوفی المالک گفت (من نه آجیل می کیرم و نه آجیل می دهم) و سپس استعفا کرد و رفت.

۵ - مجلس به رئیس وزرائی مشیرالدوله ابراز تمایل نمود که فرمان نخست وزیری را احمد شاه صادر کرد.

۶ - متباوز از سی تن از علمای بین النهرين به علت مخالفت با انتخابات آن کشور به ایران تبعید شدند که حاج سید ابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین نائینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی جزء تبعیدشدگان بودند و در ایران مورد تجلیل و استقبال و احترام قرار گرفتند. وزیر مختار انگلیس با رئیس وزراء ملاقات کرد و بازگشت علماء با شرایطی بلامانع دانست.

۷ - میرزا احمد قوام رئیس وزراء سابق از طرف سردار سپه به وزارت جنگ خواسته شد و به علت کشف توطئه ای علیه سردار سپه بازداشت گردید. ولی با وساطت احمدشاه آزاد شد و به اروپا رفت.

۸ - مشیرالدوله از رئیس وزرائی استعفا کرد. سردار سپه در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۰۲ از طرف احمدشاه مأمور تشکیل کابینه شد و سردار سپه برنامه دولت خود را چنین اعلام کرد:

اول - حفظ استقلال مملکت و تأمین حقوق ملت ایران

دوم - اجرای کامل قانون و حفظ امنیت در داخل سرحدات کشور.

۹ - سلطان احمد شاه تصمیم به ترك کشور گرفت. سردار سپه رئیس وزراء شاه را تاسرحد کشور بدرقه نمود.

۱۰ - سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی از سلطنت استعفا کرد و آتاتورک به ریاست جمهوری ترکیه برگزیده شد. محمدحسن میرزا ولیعهد برای او تلگراف تبریک فرستاد.

۱۱ - ژنرال وستداهل سوئی رئیس کل تشکیلات نظمیه به دستور رئیس وزراء از کار برکنار و سرهنگ محمدخان درگاهی به ریاست نظمیه منصوب شد.

۱۲ - دوره پنجم مجلس شورای اسلامی بانطق افتتاحیه محمد حسن میرزا ولیعهد آغازیه کار کرد. مؤمن الملک به ریاست و سید محمد تدین و سهام السلطان بیات به سمت نواب رئیس انتخاب

شدند.

۱۳ - به دستور سردارسپه یک کمیسیون مشورتی مرکب از مستوفی المالک - مشیرالدوله - مصدق السلطنه - میرزا حسین معین الوزاره - حاج میرزا یحیی دولت آبادی - سیدحسن تقی زاده - ذکاء الملك فروغی - مخبرالسلطنه تشکیل که در تمام امور طرف مشورت دولت باشند.

۱۴ - نیروی هوائی قشون با تعدادی هواپیما تشکیل گردید.

۱۵ - در جلسه علنی مجلس بین طرفداران و مخالفین سردارسپه منازعه شدیدی در گرفت و دکتر حسین خان احیاءالسلطنه در پایان جلسه سیلی محکمی به گوش مدرس زد.

۱۶ - در تهران تظاهرات دامنه داری به منظور تغییر رژیم از سلطنت به جمهوری صورت گرفت. عده ای به منزل ولی‌عهد رفته خواستار استعفای او شدند. محمدحسن میرزا نیز مؤمن الملك و مستوفی المالک و مشیرالدوله و دولت آبادی و شیخ العراقيین زاده را به خانه خود دعوت کرد و از آنها نظر خواست.

۱۷ - طرح تغییر رژیم از سلطنت به جمهوری باقید فوریت به مجلس تقدیم شد.

سال ۱۳۰۳ شمسی برابر با ۱۹۲۴ میلادی

۱ - محمدعلی شاه قاجار در ۱۶ فروردین ماه درادسا (در روسیه) در ۵۴ سالگی درگذشت. از طرف سلطان احمدشاه قاجار برای او مجلس ختمی برگزار گردید.

۲ - جلسه علنی مجلس برای رسیدگی به طرح جمهوریت تشکیل شد. در میدان بهارستان تظاهرات مخالف و موافق صورت گرفت. سردارسپه در میدان بهارستان حضور یافت و در میان کشمکش تظاهرکنندگان وارد با غ بهارستان گردید و در سرسرای

مجلس بین سردار سپه و مؤمن الملک گفتگوی تندی رخ داد که با وساطت گروهی از نایندگان از اختلاف نظر جلوگیری شد.

۳ - سردارسپه برای زیارت و دیدار علماء به قم رفت. آنها از سردارسپه خواستند فکر جمهوریت را تعقیب نکند که مورد قبول او قرار گرفت.

۴ - احمدشاه از اروپا طی تلگرافی سردارسپه را از رئیس وزرائی عزل و مستوفی المالک را منصوب نمود. سردار سپه به عنوان اعتراض به رودهن رفت.

۵ - تظاهرات شدیدی در سراسر کشور به پشتیبانی از سردارسپه صورت گرفت. علی دشتی نوشت که (پدروطن رفت). سران نظامی کشور در حمایت از سردارسپه اعلامیه دادند. هیئتی مرکب از مشیرالدوله - مستوفی المالک - مصدق السلطنه - سردارفاخرحکمت - سلیمان میرزا - محمدتدین به رودهن رفته و سردار سپه را به تهران آوردند. مجلس شورایملی نیز با ۹۳ رأی مجدد سردارسپه را به رئیس وزرائی برگزید. احمدشاه از اروپا فرمان مجدد نخست وزیری برای سردارسپه صادر کرد.

۶ - امیرلشکرامیرطهماسبی فرمانده لشکرآذربایجان به ماکو رفت و اقبال السلطنه ماکونی را به تبریزآورد و به زندان انداخت که پس از چندی درگذشت. ازاو تشییع جنازه مفصلی شد. گنجینه اقبال السلطنه ماکونی خیلی معروف بود که در آن مورد شایعات زیادی انتشار یافت. مدرس در مجلس پنجم در این باره سردارسپه را استیضاح کرد.

۷ - در مجلس شورایملی اعتبارنامه علی دشتی به علت مخالفت مدرس رد شد.

۸ - ظهیرالدوله رئیس انجمن اخوت و داماد ناصرالدین شاه در تهران درگذشت و در مقبره اختصاصی خود دفن شد.

۹ - میرزاده عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم و شاعر حساس

و انتقادی در منزل خود در سه راه سپهسالار هدف گلوله قرار گرفت و در بیمارستان درگذشت. روزنامه نگاران به عنوان اعتراض به ترور عشقی در مجلس متحصن شدند.

۱۰ - مأموراییم بری کنسول امریکا در مراسم تظاهرات سقاخانه آقا شیخ هادی به قتل رسید.

۱۱ - اقلیت مجلس سردارسپه را مورد استیضاح قراردادند، امضاکنندگان: ملک الشعرا، بهار - مدرس - سیدحسن زعیم - اخگر - عراقی - کازرونی بودند.. پس از گفتگوهایی در مجلس، استیضاح مسکوت ماند. سردار سپه از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد که حاضرین در مجلس به اتفاق آراء به او رأی اعتماد دادند.

۱۲ - سردارسپه برای استقرار امنیت در منطقه خوزستان عازم آن منطقه گردید. یک تیپ مختلط به فرماندهی سرتیپ فضل الله خان (زاهدی) عازم خوزستان شد.

۱۳ - شیخ خزعل تلگرافی از سردارسپه تقاضای عفو نمود که به او پاسخ داده شد که به شرط تسلیم قطعی مورد عفو قرار خواهد گرفت.

۱۴ - سردارسپه و همراهان در میان نیروهای مسلح شیخ خزعل وارد اهواز شدند. شیخ خزعل در کشتنی به سر می برد که به ملاقات سردارسپه آمد و مورد عفو قرار گرفت. سردارسپه پس از تسلیم خزعل به زیارت اعتاب مقدسه رفت و در مراجعت به تهران از او استقبال شایانی شد.

۱۵ - سردارسپه دستورداد امیرلشگر امیراقتدار وزیر داخله بازداشت شود. چون با سردار معزز بجنوردی برای بازگشت احمدشاه اقداماتی کرده بود.

۱۶ - با تصویب مجلس شورای اسلامی، فرماندهی کل قوا از احمدشاه به سردارسپه منتقل گردید.

سال ۱۳۰۴ شمسی برابر با ۱۹۲۵ میلادی

- ۱ - قانون اصلاح تقویم از مجلس شورای مملی گذشت و به جای ماه های (حمل - ثور - جوزاو...) نام های ایرانی: فروردین و اردیبهشت و خرداد و... تصویب و معمول گردید.
- ۲ - اولین بانک ایرانی با کسریازنشستگی صاحب منصبان به نام بانک پهلوی تشکیل شد. (بانک سپه بعدی) ریاست بانک به سرهنگ رضاقلی خان (امیر خسروی) محلول گردید.
- ۳ - شیخ خزعل و دو فرزندش توسط سرتیپ فضل الله خان در کشتی توقيف و تحت الحفظ به تهران آورده شدند.
- ۴ - قانون نسخ القاب و درجات نظامی سابق از تصویب مجلس گذشت و قرار شد همه افراد دارای نام خانوادگی باشند.
- ۵ - قانون انحصار قند و شکر از تصویب مجلس گذشت. قرارشدن عوارض دریافتی از آن، برای ساختن راه آهن اختصاص داده شود.
- ۶ - قانون خدمت وظیفه اجباری تصویب و قرارشدن اتباع ذکور از سن ۲۱ سالگی موظف به المجام خدمت باشند.
- ۷ - سردار سپه رئیس وزراء و فرمانده کل قوا عازم آذربایجان گردید. سمیتقو با هشت تصدی تن فدائی از سردار سپه استقبال کرد. به دنبال ماجراهای آذربایجان سرلشکر امیر طهماسبی فرمانده نظامی آذربایجان به معاونت وزارت جنگ منصوب و سرتیپ محمدحسین آیرم فرمانده لشکر آذربایجان شد.
- ۸ - سردار معزز بجنوردی و دوبرادرش و چهار تن از رؤسای طوایف بجنورد که به دستور جان محمدخان بازداشت شده بودند اعدام گردیدند.
- ۹ - بین طرقداران شیخ خزعل و نظامیها زدو خوردی صورت گرفت که یک صد تن از اتباع شیخ غزعل و ۶ تن از نظامیان به قتل

رسیدند.

- ۱۰ - سردارسپه کابینه خودرا ترمیم کرد و به خواست مدرس دو تن از نزدیکان او (نصرت الدوله - شکرالله خان قوام الدوله) وارد کابینه شدند.
- ۱۱ - حاج شیخ عبدالکریم نبوی نوری از مراجع تقلید درسن ۹ سالگی درگذشت. در مجلس ختم او محمدحسن میرزا ولیعهد، سردارسپه، رجال مملکت، روحانیون و طبقات مختلف شرکت داشتند.
- ۱۲ - احمدشاه طی تلگرافی به سردارسپه اطلاع داد که از اروپا به تهران خواهد آمد و سردارسپه اظهار مسرت کرد.
- ۱۳ - به مناسبت کمی نان و ارزاق بازار تهران تعطیل و جمعیت زیادی به میدان بهارستان رفته تظاهراتی کردند. در میدان بهارستان با نظامیان زد خورد شد که عبدالله خان امیرطهماسبی حاکم نظامی تهران عده ای را دستگیر کرد.
- ۱۴ - در انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی مؤمن الملک به سمت رئیس و سید محمد تدین و سید المحققین دیبا به سمت نواب رئیس انتخاب شدند. چون مؤمن الملک از ریاست مجلس استعفا کرد مجلس به ریاست مستوفی المالک رأی داد.
- ۱۵ - کمیسیون بودجه مجلس حقوق محمدحسن میرزا ولیعهد را به ماهی چهارده هزار و پانصد تومان افزایش داد.
- ۱۶ - در سراسر کشور تظاهراتی علیه سلطنت قاجار صورت گرفت و تلگرافاتی به تهران فرستاده شد که مردم خواستار عزل قاجار و سلطنت سردارسپه بودند.
- ۱۷ - واعظ قزوینی هنگام ورود به مجلس به علت تشابه با ملک الشعرا بهار مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد.
- ۱۸ - روزنهم آبان ماه ۱۳۰۴ مجلس به ریاست سید محمد تدین (نایب رئیس) تشکیل شد. (مستوفی المالک ریاست را نپذیرفت) در این جلسه ماده واحده مربوط به خلع احمدشاه از

سلطنت و واگذاری حکومت موقت به والاحضرت رضا پهلوی تصویب شد و مقرر گردید مجلس مؤسسان تشکیل و مواد قانون اساسی را تغییر دهد. این ماده واحده با اکثریت ۸۰ رأی موافق از ۸۴ نفر ناینده حاضر در مجلس تصویب شد. دکتر مصدق - سید حسن تقی زاده - حسین علاء و مدرس رأی مخالف دادند.

۱۹ - محمدعلی فروغی از طرف والاحضرت رضا پهلوی به کفالت رئیس وزراء منصوب شد.

۲۰ - سرلشگر امیر طهماسبی و سرتیپ مرتضی خان (یزدان پناه) - سرهنگ درگاهی - سرهنگ بودجه مهربی مأموریت یافتند که قصرهای سلطنتی را تحويل گرفته و محمدحسن میرزا را به خارج از کشور بفرستند. محمدحسن میرزا از مرز عراق با گروهی از اعضای خانواده سلطنتی کشور را ترک گفت.

۲۱ - رضاخان پهلوی رئیس حکومت موقت طی اعلامیه ای برنامه دولت را چنین اعلام کرد:

«۱ - اجرای عملی احکام شرع مبین اسلام
۲ - تهیه رفاه حال عموم.»

۲۲ - احمدشاه قاجار در پاریس طی اعلامیه ای خلع خودرا غیرقانونی دانسته و خودرا پادشاه قانونی ایران خواند و اعلام کرد که به زودی به کشور مراجعت خواهد کرد.

۲۳ - انتخابات مجلس مؤسسان انجام شد. مستشارالدوله صادق به ریاست و عدل الملک دادگر و سهام السلطان بیات به سمت نواب رئیس انتخاب شدند.

۲۴ - مجلس مؤسسان طی پنج جلسه اصول قانون اساسی را تغییر داد. در جلسه روز ۲۴ آذرماه ۱۳۰۴ شمسی برابر با ۱۲ دسامبر ۱۹۲۵ میلادی، سلطنت ایران را به رضاخان پهلوی و اعقاب او واگذار کرد.

۲۵ - رضاپهلوی در مجلس شورای ملی حضور یافت و مراسم

تحلیف به عمل آمد و بر تخت مرمر جلوس کرده پادشاهی خود را اعلام داشت.

۲۶ - مجلس شورای ملی به رئیس وزرائی محمدعلی فروغی ابراز تمایل نمود. نخستین فرمان نخست وزیر ایران از طرف رضا شاه پهلوی صادر گردید.

۲۷ - سردار معظم خراسانی (عبدالحسین تیمورتاش) به وزارت دریار پهلوی و فرج الله بهرامی (دبیراعظم) به ریاست دفتر مخصوص رضا شاه انتخاب شدند.

۲۸ - فرمان ولیعهدی محمدرضا پهلوی فرزند ارشد رضا شاه طی تشریفات خاصی توسط وزیر دریار تسلیم هیئت دولت گردید. چراغعلی خان پهلوی نژاد (امیراکرم) به پیشکاری ولیعهد منصوب شد.

۲۹ - با پایان یافتن دوره پنجم مجلس شورای ملی، فرمان شروع انتخابات دوره ششم از طرف رضا شاه صادر گردید.

سال ۱۳۰۵ شمسی برابر با ۱۹۲۶ میلادی

۱ - قانون مجازات عمومی مصوبه کمیسیون دادگستری مجلس به مرحله اجرا گذارده شد.

۲ - روز چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری رضا شاه در کاخ گلستان انجام گرفت. به محمدعلی فروغی و تیمورتاش نشان درجه اول تاج اعطای شد. گروهی از امرای ارتش به آجودانی شاه مفتخر گردیدند.

۳ - محمدعلی فروغی از سمت رئیس وزرائی استعفا کرد و مستوفی المالک فرمان صدارت دریافت داشت.

۴ - در سلماس درجه داران و سربازان به مناسبت نرسیدن حقوق طغیان کرده و فرمانده خود یوسف خان ارفعی را قطعه

کردند. پادگان مراوه تپه به فرماندهی سالارجنگ (لهک خان باوند) وارد بجنورد شده و پنج تن از نظامیان را اعدام کرده و قصد تصرف مشهد را داشتند. به دستور رضا شاه پهلوی دستور سرکوبی آنان داده شد و شورشیان سلماس و مراوه تپه منکوب و تعدادی نیز اعدام گردیدند. وزارت جنگ اعلام کرد که ۵۶ نفر اعدام شدند. ولی (لهک خان) به شوروی گریخت.

۵ - سید محمد تدین به ریاست مجلس شورای اسلامی و سیدالحقیقین دبیا و سهام السلطان بیات به نیابت ریاست انتخاب شدند.

۶ - اولین شماره نشریه اطلاعات در قطع کوچک به مدیریت عباس مسعودی انتشار یافت. در این روزنامه اخبار روز و خبرهای مجلس منتشر و به اطلاع مردم رسانده شد.

۷ - محمدولی خان سپهسالار تنکابنی نخست وزیر سابق ایران درخانه خود در تیغستان در سن ۸۴ سالگی خودکشی کرد.

۸ - رضا شاه برای زیارت حرم حضرت رضا و بازدید استان قدس رضوی و بررسی نظامی آن استان به مشهد رفت و در حضور افسران ارتض و مقامات منطقه درجات نظامی سرتیپ جان محمدخان حاکم نظامی خراسان را گرفت و او را تحویل زندان داد که محکمه و مجازات شود.

۹ - مستوفی المالک از رئیس وزرائی استعفا کرد و مجلس شورای اسلامی به رئیس وزرائی مؤمن الملک ابراز تایل نمود که نپذیرفت. سرانجام بار دیگر مستوفی المالک نخست وزیری را قبول کرد.

۱۰ - برای نخستین بار اتاق تجارت در ایران تأسیس شد و حاج حسین آقا مهدوی (امین الضرب) به ریاست و کاشف و سپهر به منشیگری انتخاب شدند.

۱۱ - ششمین دوره مجلس شورای اسلامی افتتاح شد. رضا شاه در نطق افتتاحیه مجلس نیاز به اصلاحات اساسی و پیشرفت‌های

اقتصادی را یادآورشد.

- ۱۲ - رضاشاه از اقدامات بعضی از صاحبمنصبان که به جمع آوری مال پرداخته اند ابراز تأسف کرد و رسماً اعلام داشت که آنها حق جمع آوری مال در داخل و خارج کشور را ندارند.
- ۱۳ - رضاشاه همراه ولیعهد برای بازدید از کارهای عمرانی مازندران عازم آن منطقه شد.
- ۱۴ - قانون اجازه اتوبوسرانی بین تهران و شمیران به یک کمپانی داغارکی از تصویب مجلس گذشت.
- ۱۵ - سیدحسن مدرس نماینده مجلس مورد اصابت گلوله قرار گرفت. ضاربین فرار کردند. مدرس به بیمارستان منتقل گردید و حالت بهبود یافت.
- ۱۶ - بانک رهنی ایران با سرمایه ۴۵۰ هزار تومان از محل وجوده تقاضد در محل بانک استقراری روس افتتاح شد.
- ۱۷ - دولت مستوفی المالک در مجلس استیضاح شد که پاسخ استیضاح را کتاباً به مجلس فرستاد و استعفا کرد. ولی مجلس به او رأی اعتماد داد.
- ۱۸ - سیدمحمد تدین از ریاست مجلس استعفا کرد و مؤمن الملک پیرنیا به ریاست انتخاب شد.
- ۱۹ - علی اکبر داور وزیر عدلیه لایحه اختیارات خود را به مجلس تقدیم داشت که فی المجلس تصویب گردید.
- ۲۰ - مهدیقلی هدایت وزیر فوائد عامه لایحه تأسیس راه آهن سراسری را به مجلس داد که از عواید حاصله از قند و شکر ساخته شود. ولی دکتر مصدق با این لایحه مخالفت کرد و گفت راه آهن منافع مالی مستقیم ندارد.
- ۲۱ - داور به موجب لایحه اختیارات عدلیه را منحل کرد و فقط چند شعبه رانگه داشت و حدود بیست و یک هزار دو سیه مورد رسیدگی را تحت نظر قرار داد.

سال ۱۳۰۶ شمسی برابر با ۱۹۲۷ میلادی

- ۱ - در شب اول فروردین ملکه پهلوی و همراهان برای زیارت به حضرت معصومه رفتند. یکی از وعاظ به حجاب آنها اعتراض کرد. سید محمد بافقی دستور داد آنها را از رواق خارج کنند که آنها هم به خانه تولیت رفتند. رضا شاه پس از اطلاع به قم رفت و دستور داد شیخ محمد بافقی راشلاق بزنند. رئیس نظمیه قم نیز برکنارشد.
- ۲ - رضا شاه در مراسم افتتاح عدليه جدید حضور یافت و فرامين قضات را توزيع نمود که مهديقلى هدایت به ریاست دیوانعالی تمیز و میرزا رضانائینى به سمت مدعی العموم تمیز منصوب شدند.
- ۳ - میرزا ابوالقاسم خان قراگوزلو (نایب السلطنه سابق) از اروپا به تهران مراجعه کرد.
- ۴ - قانون (کاپیتولاشیون) در ایران ملغی شد.
- ۵ - قانون تمدید اختیارات داور وزیر عدليه در مجلس تصویب شد. دکتر مصدق اختیارات را برخلاف قانون اساسی اعلام داشت. بین دکتر مصدق و ابوتراب شیروانی مشاجره شد.
- ۶ - مستوفی المالک رئیس وزراء استعفا کرد و مهديقلى هدایت (مخبر السلطنه) مأمور تشکیل کابینه شد.
- ۷ - به خدمت دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی ایران خانمه داده شد.
- ۸ - به منظور یك نواخت کردن لباس ها، کلاه پهلوی معمول و استفاده از آن برای عموم اجباری اعلام گردید.
- ۹ - انتخابات هیئت رئیسه مجلس انجام گردید. مومن الملك به ریاست و سید حسن تقی زاده و مرتضی قلی خان بیات به نیابت ریاست انتخاب شدند.
- ۱۰ - رضا شاه اولین کلنگ ساختمان راه آهن ایران را در

خارج از دروازه گمرک به زمین زد. مؤمن الملک رئیس مجلس از این اقدام تشکر کرد.

۱۱ - شاهزاده عبدالحمید میرزا (عین الدوله) رئیس وزرای سابق در سن ۸۴ سالگی درگذشت. هنگام فوت وضع مالی او رضایت بخش نبود.

۱۲ - عده‌ای از روحانیون و علمای اصفهان به رهبری حاج آقا نورالله فشارکی و سیدالعراقین به عنوان اعتراض به اجرای قانون نظام وظیفه به قم مهاجرت کردند. مخبرالسلطنه و تیمورتاش و امام جمعه تهران و ظهیرالاسلام بدیدن آنها رفتند و بادادن و عده‌های مساعد رفع نکرانی آنها شد.

۱۳ - ناصرالملک نایب السلطنه سابق در تهران درگذشت.

۱۵ - به حکم دادگاه نظامی سرهنگ احمد پولادین و حیئم ناینده سابق کلیمیان در مجلس به اتهام توطئه علیه رضا شاه دریاغشاہ تیرباران و سایر متهمین به حبس محکوم شدند.

۱۶ - فرمان انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی صادر شد.

۱۷ - به فرمان رضا شاه ۹۳ تن از صاحبمنصبانی که در کودتای ۱۲۹۹ شرکت داشتند به دریافت نشان کودتا مفتخر شدند که چند تن از آنها عبارتند از: امیراحمدی - یزدان پناه - شاه بختی - زاهدی - کریم آقا بودرجمه‌ی - احمد نخجوان - دکتر آتابای - محمد خان محتشمی - ایرج مطبوغی - امیر خسروی - آذربرزین - شرف الدین میرزا فهرمانی و ...

۱۸ - وزارت عدله دستورداد که الغای کاپیتولاسیون درباره اتباع کلیه کشورها باید اجرا گردد.

۱۹ - به دنبال استعفای دبیراعظم بهرامی از ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی شکوه الملک به این سمت منصوب گردید.

۲۰ - از طرف دولت ایران آگهی مناقصه ساختمان ذوب آهن

ایران منتشر گردید. وزارت خارجه آن را در مطبوعات خارج از کشور منتشر ساخت.

۲۱ - رضا شاه از وزارت خانه های فواید عامه - خارجه - عدلیه و مالیه بازدید به عمل آورده و کارمندانی را که در سرخدمت حاضر نبودند توبیخ کرد.

سال ۱۳۰۷ شمسی برابر با ۱۹۲۸ میلادی

۱ - سرلشکر امیر طهماسبی در منطقه لرستان با شلیک گلوله به قتل رسید. امیر لشکر احمد آقا (امیر احمدی) به فرماندهی لشکر غرب منصوب گردید.

۲ - قانون مدنی ایران مشتمل بر ۹۵۵ ماده در مجلس به تصویب رسید. برای وکلای دادگستری قرار شد پروانه صادر شود.

۳ - آمار و سایط نقلیه تهران به این صورت انتشار یافت:
اتومبیل شخصی ۴۹۰ - اتومبیل کرایه ۱۰۹۹ - در شکه ۴۵۹ عدد.

۴ - امان الله خان پادشاه افغانستان به تهران وارد شد و از موسسات نظامی و فرهنگی بازدید به عمل آورد.

۵ - قانون اعزام محصل به خارج از کشور به تصویب رسید. قرار شد همه ساله یکصد محصل به هزینه دولت برای تحصیلات عالیه به اروپا اعزام گرددند.

۶ - انتخابات تهران الجام شد. مؤمن الملک و مشیرالدوله و مستوفی المالک از قبول وکالت خودداری گردند.

۷ - نایندگان ایران در جامعه ملل تعیین شدند. محمدعلی فروغی ناینده اول - حسین علاء ناینده دوم - مسیو کتابچی خان ناینده سوم.

۸ - بانک ملی ایران توسط رضا شاه و هیئت دولت افتتاح

شد. سرمایه اولیه بانک دومیلیون تومان بود. ریاست بانک با دکتر لیند بلات آلمانی بود که ۲۵ کارشناس آلمانی با او کار می کردند.

۹ - اولین دسته محصلین اعزامی (۱۱۰ نفر) به فرانسه اعزام گردیدند.

۱۰ - دوره هفتم مجلس شورای ملی توسط رضا شاه افتتاح شد. عدل الملک دادگر به ریاست مجلس و احمد شریعت زاده و رضا افشار به عنوان نایب رئیس انتخاب گردیدند.

۱۱ - سید حسن مدرس ناینده سابق مجلس بازداشت و به خواف تبعید گردید.

۱۲ - راه آهن خرم آباد - دزفول - محمره با حضور گروهی از رجال توسط رضا شاه افتتاح شد.

۱۳ - قانون (متحدالشکل کردن لباس) در مجلس به تصویب رسید.

۱۴ - قانون طرز رسیدگی به اعمال کارکنان دولت و تشکیل دیوان جزا به تصویب رسید.

۱۵ - امیر لشکر محمودخان آیرم فرمانده نیروی جنوب به تهران احضار و به اتهام تخلفاتی بازداشت شد.

۱۶ - لایحه منع فروش برده با قید دوفوریت در مجلس تصویب شد.

۱۷ - شاهزاده کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه در تهران درگذشت.

۱۸ - در منطقه فارس شورشی روی داد که سرلشکر شاه بختی به فرماندهی لشکر و اکبر میرزا مسعود (صارم الدله) به والیگری فارس منصوب شدند تا جلوی شورش فارس و عشاير گرفته شود.

۱۹ - قانون محاکمه وزراء و تشکیل هیئت منصفه به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

- ۲ - قانون سجل احوال برای صدور ورقه هؤیت و نام خانوادگی به تصویب مجلس رسید.
- ۲۱ - راه آهن (تهران - خرم آباد) توسط رضاشاہ افتتاح شد.
- ۲۲ - قانون دفاتر اسناد رسمی به تصویب رسید.

سال ۱۳۰۸ شمسی برابر با ۱۹۲۹ میلادی

- ۱ - امیرلشگر احمدآقا (امیراحمدی) اولین امیرارتش بود که به درجه سپهبدی ارتقاء یافت.
- ۲ - به علت لغو کاپیتولاسیون درسراسر کشور، اداره کل محاکمات وزارت امور خارجه منحل گردید.
- ۳ - نصرت الدله فیروز وزیر مالیه از کاربرکنار و توسط سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه توقيف شد.
- ۴ - شورش درجنوب توسعه یافت و سرلشگر حبیب الله خان شبانی بالارتقاء به درجه امیرلشگری با اختیارات کامل عازم فارس شد تا از طفیان قشقائی و بختیاری جلوگیری کند. ضمناً سرتیپ محمدحسین فیروز و سرتیپ زاهدی رئیس نظمیه و سرتیپ نخجوان فرمانده نیروی هوائی که نتوانسته بودند شورش ایلات را خاموش کنند برکنار و زندانی شدند. اکبرمیرزا (صارم الدله) معزول وزندانی ولی سرتیپ زاهدی خلع درجه شد.
- ۵ - به دنبال آرامش درمنطقه فارس مرتضی قلیخان صمصام به حکومت بختیاری منصوب و درموردعشاير فرمان عفو عمومی صادر شد.
- ۶ - حاج میرزا علینقی گنجه ای نماینده آذربایجان از درشكه پرت شد و درگذشت.

- ۷ - اولین کارخانه ریسندگی در قزوین با همت حاج رحیم قزوینی تأسیس شد.
- ۸ - دوست محمدخان بلوچ که در منطقه بلوچستان شرارت می‌کرد دستگیر و به تهران آورده شد و چون هنگام نقل و انتقال از زندان از دست محافظین گریخته و یکی از محافظین را به قتل رسانیده بود به حکم دادگاه نظامی تیرباران شد.
- ۹ - سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه از کاربرکنار و زندانی شد. بعد از چندی از زندان آزاد و رئیس اداره نظام وظیفه و همچنین رئیس ثبت احوال شد. او به (محمد چاقو) شهرت داشت.
- ۱۰ - لایحه نظارت بر خرید و فروش ارز از طرف دولت تقدیم مجلس شد.
- ۱۱ - داور وزیر عدالیه لایحه محاکمه نصرت الدوّله وزیر سابق مالیه را به مجلس تقدیم داشت.
- ۱۲ - دولت ایران دولت جدید تأسیس عراق را که از امپراتوری عثمانی جدا شده بود به رسمیت شناخت.
- ۱۳ - مدرسه عالی فلاحت کرج توسط رضا شاه افتتاح شد.
- ۱۴ - ساختمان جدید قصر شامل ۱۹۲ اتاق افتتاح شد.
- ۱۵ - رضا شاه برای افتتاح راه آهن خوزستان عازم آن استان گردید. در صالح آباد نزدیک دزفول راه آهن جنوب گشایش یافت. همچنین بندر شاهپور افتتاح شد.
- ۱۶ - دولت ایران به انگلیسها در باره نصب پرچم در جزایر ایرانی تنباکو و تنباکو کوچک و ابو موسی اعتراض کرد.
- ۱۷ - احمد شاه قاجار در ۳۳ سالگی در هشتم اسفند در بیمارستان امریکائی پاریس به مرض ورم کلیه درگذشت.

سال ۱۳۰۹ شمسی برابر با ۱۹۳۰ میلادی

- ۱ - کمیسیون عدليه مجلس نصرت الدوله را قابل تعقیب تشخیص داد. محکمه او دردادگستری الجام و به چهارماه حبس تأدیبی و پرداخت ۵۸۰۸ تومان جریمه محکوم شد.
- ۲ - قانون سلب اجازه انتشار اسکناس از بانک شاهی در مجلس به تصویب رسید. در مقابل دولت ایران مبلغ دویست هزار لیره پول نقد تأدیه نمود و بانک شاهی نیز موظف گردید ظرف یک سال اسکناس های منتشره خودرا به دولت ایران تحويل دهد.
- ۳ - مستوفی المالک از رضاشاه تقاضا نمود که چون نصرت الدوله مریض است از زندان به منزل منتقل گردد که مورد موافقت قرار گرفت.
- ۴ - هیئت وزیران برای اصلاح امور مالیه به تقی زاده اختیارات کامل داد.
- ۵ - سرلشگر حبیب الله شیبانی از فارس احضار و به اتهام اشتباہ نظامی تحويل محکمه نظامی گردید و به سه سال زندان محکوم شد.
- ۶ - امین التجار اصفهانی با مساعدت تیمورتاش وزیر دربار موفق شد که امتیاز انحصاری صدورتریاک ایران به خارج را برای مدت سه سال اخذ کند.
- ۷ - دوره هشتم مجلس افتتاح گردید. عدل الملک دادگر به ریاست و طباطبائی دیبا و شاهزاده افسر به نیابت ریاست انتخاب گردیدند.
- ۸ - کلیه خطوط تلگرافی کمپانی هند و اروپا تحويل دولت ایران شد.
- ۹ - رضاشاه در مدرسه نظام حضور یافته جوايز شاگردان اول را اعطا نمود. و ضمناً بازی بوکس و لیعهد را با شاگردان تماشا کرد.
- ۱۰ - نخستین گروه دختران دانشجو برای فراگرفتن تحصیلات عالی به اروپا اعزام شدند.

سال ۱۳۱۰ شمسی برابر با ۱۹۳۱ میلادی

- ۱ - قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور به تصویب مجلس رسید.
- ۲ - به مناسبت مسافرت محمدرضا پهلوی و لیعهد به سویس مراسمی در کاخ سعدآباد برپا گردید که مستوفی المالک از طرف حضار از سفر و لیعهد برای تحصیل به اروپا ابراز مسrt کرد. تیمورتاش و دکتر مؤدب الدوله نفیسی و لیعهد را تاسویس همراهی کردند. رضا شاه نیز تا بندر پهلوی و لیعهدهرا بدרכه نمود.
- ۳ - امیرلشکر حبیب الله شیبانی با شفاعت مخبرالسلطنه مورد عفو قرار گرفت و به آلمان رفت.
- ۴ - ساختمان اسکله بندر شاه به پایان رسید و راه آهن شمال به علی آباد (شاهی) رسید.
- ۵ - در ساختمان مجلس شورای ملی حریقی روی داد و اتاق بزرگ و سرسرای پارلمان و اتاق آینه به کلی سوخت. خسارت واردہ حدود پنجاه هزار تومان برآورد شد.
- ۶ - ضرابخانه دولتی باماشین های جدید با حضور رضا شاه افتتاح گردید. وجهه رایج مملکت که در خارج ضرب زده می شد اکنون در ضرابخانه روزانه ۲۵ هزار سکه آماده می شود.
- ۷ - مجلس شورای ایمیلی حق انحصاری انتشار اسکناس را برای مدت ده سال به بانکملی ایران واگذار کرد. (قبل اینکه بانک شاهی اسکناس هارا چاپ می کرد. روی اسکناس ها عکس ناصرالدین شاه بود. برای هر شهری مهری زده می شد که فقط این اسکناس در آن شهر قابل پرداخت بود.) واحد پول ایران هم از قران به ریال تبدیل شد و اولین سری اسکناس آن منتشر گردید.

سال ۱۳۱۱ شمسی برابر با ۱۹۳۲ میلادی

- ۱ - ملک فیصل پادشاه عراق به اتفاق نوری سعید پاشا رئیس وزراء عراق به ایران آمده و مورد استقبال قرار گرفتند.
- ۲ - قانون تجارت از تصویب مجلس شورای اسلامی ایران گذشت.
- ۳ - امیر فیصل ولیعهد و نایب السلطنه حجاز و همراهان وارد ایران شدند و از طرف رضا شاه به افتخار آنان ضیافتی داده شد.
- ۴ - وزیر مالیه به رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس نوشت که دولت ایران به علت کمی عایدات خود از دریافت وجه الامتیاز خودداری می کند. رئیس شرکت نفت پاسخ داد که وجه الامتیاز براساس صدی ۱۶ عایدات خالص حساب شده است.
- ۵ - علی دشتی ناینده مجلس به شرکت نفت ایران و انگلیس به شدت حمله کرد و گفت این شرکت متجاوز در سال ۱۹۳۱ فقط سیصد هزار لیره به ایران پرداخت کرده در حالی که هشتصد هزار لیره به دولت انگلستان مالیات داده است. تقی زاده وزیر مالیه گفت تقصیر با گذشتگان بود. تقی زاده امضای قرارداد دارسى را ناشی از عدم بصیرت مسئولین دانست.
- ۶ - مستوفی المالک در منزل سردار فاخر حکمت سکته کرد و مرد او در زمان فوت ۵۹ سال داشت.
- ۷ - علی منصور وزیر داخله لایحه سلب مصونیت صولت الدوله قشقائی و ناصر قشقائی را به مجلس داد و گفت شورش های جنوب به علت تحركات آنها می باشد. این لایحه فى المجلس تصویب گردید.
- ۸ - دکتر لیندن بلات آلمانی مدیر کل بانک ملی ایران و معاونش (اتوفوگل) از کاربرکنار و تحت تعقیب قرار گرفتند. اتو فوگل با استفاده از صندوق عقب ماشین به بیروت فرار کرد و در آنجا خودکشی نمود.

- ۹ - دستور انتخابات دوره نهم قانونگذاری مجلس صادرشد.
- ۱۰ - غلامعلی میرزا دولتشاهی (مجلل الدوله) پدرزن رضا شاه سکته کرد. وی ریاست تشریفات داخلی دربار را بر عهده داشت که در سن ۵۵ سالگی درگذشت.
- ۱۱ - رضاشاه در جلسه هیئت دولت پرونده نفت را به بخاری انداخت و سوزاند و به دولت دستورداد که امتیاز نفت دارسی باید لغو گردد. تقی زاده در جلسه علنی مجلس لغو قرارداد دارسی را اعلام داشت.
- ۱۲ - دولت انگلستان یادداشت شدیدالحنی برای ایران فرستاد و مدعی شد که اگر ایران در مورد امتیاز نفت اعتراضی دارد باید از طریق محاکم صالح بین المللی اقدام کند. دولت انگلستان از ایران به جامعه ملل شکایت کرد.
- ۱۳ - داور و علاء و انوشیروان سپهبدی و نصرالله انتظام برای شرکت در جلسات شورای جامعه ملل که قرارشده به لغو قرارداد نفتی ایران رسیدگی کند عازم اروپا شدند. جامعه ملل قراری صادر نمود که شرکت نفت باید با دولت ایران وارد مذاکره مستقیم شود تا چنانکه به توافق نرسیدند شکایت در جلسات بعدی مطرح گردد.
- ۱۴ - در سال ۱۹۳۲ تولید نفت خام ایران در حدود ۴۹ میلیون بشکه بود که بابت درآمد ایران یک میلیون و پانصد هزار لیره پرداخت گردید.
- ۱۵ - تیمورتاش وزیر مقتصد دربار پهلوی برای مذاکره درباره نفت به انگلستان و شوروی سفر کرد. وی در مراجعت مغضوب شد و از کاربرکنار گردید. مدعی العموم دیوان جزا (محمد سروری) قرار بازداشت او را صادر کرد و در نظمیه زندانی شد.
- ۱۶ - صولت الدوله قشقائی به طور ناگهانی در زندان درگذشت. اداره نظمیه فوت او را در اثر سکته اعلام کرد.

- ۱۷ - محاکمه عبدالحسین تیمورتاش وزیرسابق دربار به پایان رسید. از حیث ارتشه به سه سال حبس مجرد و پرداخت ۳۸۵۹۲ تومان و ۱۲ هزار لیره انگلیس محکوم شد.
- ۱۸ - نهمین دوره تقنیته مجلس شورای ملی توسط رضاشاه گشایش یافت.

سال ۱۳۱۲ شمسی برابر با ۱۹۳۳ میلادی

- ۱ - مذاکرات نفتی بین ایران و انگلیس به پایان رسید و قرارداد معروف (سال ۱۳۱۲) مشتمل بر یک مقدمه و ۲۷ ماده در مجلس به تصویب رسید. مدت قرارداد دارسی ۶۰ سال بود که ۳۰ سال آن منقضی شده بود ولی مدت قرارداد جدید به ۶۰ سال افزایش یافت. (این همان قراردادی است که بعدها تقدیم زاده در مجلس گفت هنکام امضای آن آلت فعل بوده است)
- ۲ - دومین حکم محکومیت عبدالحسین تیمورتاش در دادگستری به اتهام دریافت رشوه از حاج امین التجار اصفهانی برای انعقاد قرارداد فروش انحصاری تریاک صادر و به ۵ سال حبس مجرد و تأديبه ۹ هزار لیره محکوم گردید. امین التجار نیز به ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم شد.
- ۳ - دکتر لیند نبلات آلمانی مدیرکل سابق بانکملی ایران در دادگستری محکوم به ۱۸ ماه زندان و پرداخت ۶۰ هزار تومان خسارت شد.
- ۴ - در شهریور ماه مخبرالسلطنه هدایت از نخست وزیری مستعفی و فرمان نخست وزیری برای محمدعلی فروغی (ذکارالملک) صادر گردید.
- ۵ - عبدالحسین تیمورتاش در زندان بطورناگهانی درگذشت.

- ۶ - کاراخان قائم مقام کمیسariای امور خارجه شوروی به ایران آمد و باشاه و رئیس وزراء و سایر مقامات ملاقاتهائی کرد. وی از زندان قصر نیز بازدید نمود. (شایع بود که برای وساطت و نجات تیمورتاش آمده بود که توفیقی نیافت)
- ۷ - در ایران از ترور محمدنادرشاه در افغانستان اظهار تأسف شد. فرزند ۱۹ ساله او (محمد ظاهر شاه که در پاریس در رشتہ کشاورزی تحصیل می کرد به سلطنت رسید).
- ۸ - سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ که همراه رضا شاه به مراسم اسب دوانی در شمال رفته بود در بابل توسط سرهنگ سیاسی رئیس اداره تأمینات بازداشت و تحت الحفظ به تهران آورده شده تحویل زندان گردید.
- ۹ - راه چالوس توسط رضا شاه افتتاح شد. با این راه ۱۶۸ کیلومتری، تهران به دریای خزر متصل گردید.
- ۱۰ - لایحه سلب مصنوبیت ابراهیم قوام (قوام الملک) - محمد تقی اسعد (امیر جنگ) - امیرحسین ایلخان ظفر به مجلس داده شد که به تصویب رسید.
- ۱۱ - میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله رئیس سابق مجلس در سن ۵۹ سالگی در تهران درگذشت.
- ۱۲ - قانون جدید تشکیل دیوان محاسبات در ۴۱ ماده به تصویب رسید.
- ۱۳ - اصغر قاتل بامیه فروش که مرتكب ۸ فقره قتل در ایران و ۲۵ فقره قتل در عراق شده بود دستگیر و به هنگام محاکمه به ارتکاب قتل ها اعتراف کرد. وی بعداز محکومیت به ۸ بار اعدام، در میدان سپه تهران به دار آویخته شد.
- ۱۴ - لایحه تأسیس دانشگاه تهران برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم شد. همچنین لایحه تأسیس دانشسرای عالی و مقدماتی به تصویب مجلس رسید.

سال ۱۳۱۳ شمسی برابر با ۱۹۳۴

- ۱ - عده ای از سران بختیاری و قشقائی و بویر احمدی و مسنبی که مورد اتهاماتی بودند و در دیوان حرب محاکمه و محکوم به اعدام شده بودند، در زندان قصر تیرباران شدند که عبارت بودند از: « سردار فاتح بختیاری - محمد جواد اسفندیاری (سردار اقبال) علی مرادخان چهارلنگ - آقا گودرز بختیاری - مراد جان بویر احمدی»
- ۲ - سردار اسعد بختیاری وزیر سابق جنگ که از ۲۶ آبان ماه سال قبل توقيف و در زندان به سر می برد در سن ۵۵ سالگی درگذشت. او فرزند علیقلی خان سردار اسعد بختیاری بود که با همکاری سپهسالار تنکابنی به تهران حمله کرده و محمدعلی شاه را شکست دادند که مجبور شد از سلطنت کناره گیری کند.
- ۳ - قانون تأسیس دانشگاه تهران به تصویب مجلس شورای ملی رسید.
- ۴ - رضا شاه از راه زمینی عازم کشور ترکیه گردید. باقر کاظمی وزیر خارجه، حسین سمیعی رئیس تشریفات دربار و چند تن از امرای ارش از جزو همراهان بودند. آتاتورک از سفر رضا شاه استقبال کرد و بین رهبران ایران و ترکیه روابط صمیمانه ای برقرار گردید.
- ۵ - محمدعلی دولتشاهی (مشکوہ الدوّله) وزیر پست و تلگراف در پشت میز اداره سکته کرد و درگذشت.
- ۶ - خبرگزاری پارس به دستور رضا شاه در مرداد ماه تشکیل شد.
- ۷ - سرتیپ عباس البرز فرمانده لشکر کرمان و مکران به عده ای از سران بلوچستان با مهر کردن قرآن تأمین داد. ولی بعد از تسلیم عده ای از آنها را به اعدام محکوم کرد. (اوی بعد از شهریور به اتهام اعدام آنها محاکمه و محکوم به اعدام گردید که با یک درجه تخفیف بعدها از زندان آزاد شد)

- ۸ - کنگره فردوسی به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی با شرکت چهل تن از مستشرقین در تالار دارالفنون با نطق فروغی رئیس وزراء افتتاح شد. ریاست کنگره با حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس بود. آرامگاه فردوسی نیز با نطق رضاشاه در حضور مستشرقین افتتاح شد. خیابان علاءالدوله نیز (فردوسی) نام گرفت.
- ۹ - دولت عراق علیه ایران به شورای جامعه ملل درمورد اقدامات ایران در شط العرب شکایت کرد.
- ۱۰ - ۵ تن از نایندگان مجلس، علی دشتی . دکتر ادهم - عیسی لیقوانی - محمود ناصری - دکتر عطاءالله سمیعی برای شرکت در کنگره بین المجالس به استانبول رفته‌اند.
- ۱۱ - رضاشاه نایشگاه کالای وطن را افتتاح کرد.
- ۱۲ - مجلس شورای ملی لایحه مالیات بردرآمد را تصویب کرد و ایران برای نخستین بار دارای قانون مالیات بردرآمد گردید.
- ۱۳ - در دی ماه ۱۳۱۳ وزارت خارجه طی بخشنامه ای دستورداد که از اول فروردین به جای (پرس - پرسیان و پرشیان) فقط کلمه (ایران) مورد استفاده قرار گیرد.
- ۱۴ - به تقاضای وزیر عدلیه مجلس شورای ملی لایحه سلب مصونیت جواد امامی خوئی، ناینده خوی را تصویب کرد.
- ۱۵ - اولین سنگ بنای دانشگاه تهران به دست رضاشاه در دویست هزارمتر اراضی جلالیه نصب گردید. این اراضی متری ۵ ریال از حاج رحیم اتحادیه خریداری شد.
- ۱۶ - در مراسم افتتاح رسمی دانشگاه تهران در عمارت دانشکده حقوق، علی اکبر دهخدا به ریاست دانشکده حقوق - حاج سیدنصرالله تقوی به ریاست دانشکده معقول و منقول - دکتر محمد حسین لقمان ادهم به ریاست دانشکده پزشکی - دکتر محمود حسابی به ریاست دانشگاه فنی - دکتر صدیق اعلم به ریاست دانشکده

ادبیات و علوم و دانشسرای عالی منصوب شدند.

۱۷ - کانون بانوان ایران که با شرکت صدیقه دولت آبادی - فاطمه سیاح - هاجر تربیت - بدرالملوک بامداد - فخرالزمان غفاری - بایندر - پری حسام وزیری تشکیل شده بود صدیقه دولت آبادی را به ریاست انتخاب کرد.

سال ۱۳۱۴ شمسی برابر با ۱۹۳۵ میلادی

- ۱ - تاریخ رسمی کشوربر مبنای ماه های شمسی تنظیم گردید و به کار بردن ماه های هجری قمری ممنوع شد.
- ۲ - علی دشتی و زین العابدین رهنما از طرف دولت مورد اتهاماتی قرار گرفته و بازداشت شدند. امتیاز روزنامه شفق سرخ متعلق به علی دشتی لغو و امتیاز روزنامه ایران با دفتر و چاپخانه به مجید موقر واگذار گردید.
- ۳ - برای تکمیل و توسعه زیان فارسی و وضع واژه های جدید فرهنگستان ایران تأسیس شد. ذکا عالمک فروغی رئیس وزراء به ریاست و ادیب السلطنه سمیعی و حاج سیدنصرالله تقوی به نیابت ریاست و دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی به ریاست دبیرخانه تعیین شدند.
- ۴ - زین العابدین رهنما و علی دشتی و فرج الله بهرامی (دبیراعظم) و سید محمد تجدد به زندان نظمیه انتقال یافتند.
- ۵ - حسین دادگر (عدل الملك) ناینده اول تهران که در سه دوره گذشته ریاست مجلس را بر عهده داشت مورد غضب رضاشاه قرار گرفته از ایران به اروپا تبعید شد. اعتبارنامه اش به علت عدم صلاحیت در مجلس رد شد. (دادگر تا سال ۱۳۲۶ در اروپا به سر برد و پس از مراجعت به تهران در سال ۱۳۲۸ به سناتوری از مازندران انتخاب گردید و در سن ۹۰ سالگی در تهران درگذشت.

فرزند او یکبار از گرگان نماینده مجلس شد.)

۶ - طبق دستور دولت استفاده از کلاه پهلوی منوع و کلاه بین المللی (شاپو) برای مستخدمین دولت اجباری شد.

۷ - به دستور فروغی نخست وزیر مقرراتی برای مجالس ترحیم وضع گردید. ختم ها باید در مجالسی برگزار گردد که بلدیه تعیین می کند. صرف چای و استعمال قلیان و سیگار نیز در مجالس ختم منوع اعلام گردید.

۸ - به علت تظاهرات مردم مشهد علیه لباس متحداً الشکل و کلاه و اجتماع آنها در مسجد گوهرشاد و ایراد نطق های تندي از طرف ناطقین و از جمله بهلول، تیراندازیهایی شد و عده ای کشته شدند و عده ای از روحانیون نیز بازداشت گردیدند. محمدولی اسدی نایب التولیه و رئیس شهربانی (سرهنگ بیات) از کاربرکنار شدند.

۹ - دکتر منوچهر اقبال که از دانشگاه طب پاریس درجه دکترا گرفته بود از طرف موسی مهام شهردار مشهد به ریاست بهداری شهرداری مشهد منصوب گردید. (موسی مهام بعدها در هنگام نخست وزیری دکتراقبال شهردار تهران و استاندار آذربایجان شد)

۱۰ - کلیه عناوین از قبیل (خان - بیک - میرزا - امیر - سلطنه - دوله و ملک) حذف گردید و عنوان مقامات کشور (جناب) تعیین شد. داشتن نام خانوادگی اجباری گردید. نام برخی شهرها تغییر کرد.

۱۱ - حسن پیرنیا (مشیرالدوله) در سن ۶۳ سالگی در تهران درگذشت. وی در اوخر عمر چند جلد کتاب درباره تاریخ ایران باستان نوشته بود که ناقام ماند.

۱۲ - سرلشگر آیرم رئیس نظمیه که مدتی در منزل بستری بود با اجازه شاه برای معالجه عازم اروپا گردید. (بعدها معلوم شد که آیرم برای فرار از دست رضا شاه خودرا به بیماری زده بود.

هرچه شاه خواست او را به ایران بازگرداند قبول نکرد. گروهی به نام (ایران آزاد) تشکیل داد و سرانجام در اروپا تبعه لیختن اشتاین شد و در همانجا درگذشت

۱۳ - محمدولی اسدی نایب التولیه آستان قدس رضوی مسبب وقایع مسجد گوهرشاد و خراسان شناخته شد و پس از محکمه اعدام گردید.

۱۴ - محمدعلی فروغی در آذرماه از سمت رئیس وزرائی استعفا کرد. محمود جم مأمور تشکیل کابینه شد. از قرار معلوم استعفای فروغی با وقایع مشهد و نسبتی که اسدی با فروغی داشت مربوط بوده است.

۱۵ - از علی اکبر اسدی (داماد فروغی) ناینده مجلس سلب مصونیت شد. او وسلمان اسدی ناینده سابق مجلس و مدیربانک فلاحت بازداشت شدند.

۱۶ - درگذاری جشنی در تالار دانشسرای عالی بانوان عضو خانواده سلطنتی و همسران رجال بدون حجاب شرکت جستند. با این طرز (روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴) روزکشف حجاب درکشور نامگذاری شد.

۱۷ - محسن صدر وزیر عدلیه تقاضای محکمه علی منصور وزیر راه را به اتهام اخذ رشوه از مجلس نمود که مورد تصویب قرار گرفت و منصورالملک از طرف دادگستری مورد تعقیب واقع و سرانجام از اتهامات منتبه برائت حاصل نمود.

۱۸ - محمود علامیر (احتشام السلطنه) رئیس سابق مجلس در سن ۷۷ سالگی در تهران درگذشت.

۱۹ - مجلس شورای ملی با تقاضای تعقیب رضا افشار وزیر سابق طرق موافقت نمود.

سال ۱۳۱۵ شمسی برابر با ۱۹۳۶ میلادی

- ۱ - به علت بی احترامی پلیس آمریکا به غفاری وزیر مختار ایران در آن کشور روابط ایران با آمریکا قطع شد.
- ۲ - از احتشام زاده نماینده مجلس شورای اسلامی سلب مصونیت شد.
- ۳ - راه آهن شمال ایران افتتاح گردید. طول راه آهن ۱۳۰ کیلومتر بود و ساختمان آن مدت ده سال طول کشید.
- ۴ - محمدرضا پهلوی ولی‌عهد ایران که در سال ۱۳۱۰ به سویس رفته بود به ایران بازگشت. رضا شاه با هئیت دولت تا کرج به استقبال ولی‌عهد رفتند.
- ۵ - شیخ خزعل حکمران مستقل سابق خوزستان که در تهران زیرنظر بود در تهران فوت کرد. (بعد از شهریور ۲۰ در محکمه عمال دوره ۲۰ ساله گفته شد که شیخ خزعل را مأموران شهریانی به قتل رسانیده اند)
- ۶ - بعد از تبرئه رجبعلی منصور وزیر سابق طرق و اعلام آن از طرف وزیر عدلیه به مجلس، در دادگستری تغییراتی صورت گرفت. رضاقلی هدایت که محکمه منصور زیرنظر او انجام می‌شد برکنار و صدرالاشراف وزیر دادگستری نیز از خدمت معاف شد.
- ۷ - نصرت الدوله فیروز در تهران دستگیر و به سمنان تبعید شد.
- ۸ - مراسم نامزدی والاحضرت شمس با فریدون جم و والاحضرت اشرف با علی قوام در کاخ سلطنتی برگزار گردید.
- ۹ - حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مرجع تقلید شیعیان و مؤسس حوزه علمیه قم درگذشت. از طرف دولت تعطیل عمومی اعلام و بازار نیز سه روز تعطیل شد.
- ۱۰ - واگذاری استخراج نفت قسمتی از شرق و شمال شرقی

ایران به شرکتهای آمریکائی، به اتفاق آراء مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت.

۱۱ - علی اکبر داور وزیر عدليه در منزل خود با ترياك خود کشى کرد.

سال ۱۳۱۶ شمسی برابر با ۱۹۳۷ ميلادي

۱ - حسن اسفندياری رئيس مجلس شورای ملی به رياست هيئت نمایندگی ايران برای شركت در مجلس تاجگذاري ژرژ ششم پادشاه انگلستان به لندن عزيمت کرد.

۲ - برای ساختمان کاخ دادگستری قراردادی با شركت اشکودا بسته شد که ظرف ۳۲ ماه به پایان برسد.

۳ - دکتر ارانی و عده ای از همفكران او به اتهام فعالیت های کمونيستی بازداشت شدند. تعداد آنها به ۵۳ نفر رسید.

۴ - قانون دفاتر اسناد رسمي به تصویب مجلس رسید.

۵ - پیمان عدم تعرض بين ايران و افغانستان و عراق و تركيه در (سعدآباد) به امضا رسید که به پیمان سعدآباد شهرت یافت.

۶ - حاج محتمم السلطنه اسفندياری بار دیگر به رياست مجلس شورای ملی و سهام السلطان بیات و دادور به نیابت رياست انتخاب شدند.

۷ - دولت ايران به دبیرخانه سازمان ملل متحد یادداشت فرستاد و به اقدامات مقامات انگلیسي در بحرین اعتراض نمود که با حق حاكمیت ايران منافات دارد.

۸ - عهدنامه مودت بين ايران و عراق به امضا رسید.

۹ - نخستين سنگ بنای کارخانه ذوب آهن ايران در کرج توسط رضاشاه نصب گردید. قرارداد خريد کارخانه با شركت

(دماک) آلمان به امضا رسید.

- ۱۰ - سیدحسن مدرس ناینده اداره گذشته مجلس که به خواف تبعید گردیده بود خبرفوتش انتشار یافت. (درمحاكمات بعد از شهریور ۲۰ گفته شد که مأموران شهریانی اورا خفه کرده اند)
- ۱۱ - قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید. ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان و ۲۹۰ بخش و هریخش به چند دهستان تقسیم شد.
- ۱۲ - از اسمعیل عراقی و اعتصام زاده نایندگان مجلس سلب مصونیت شد.

سال ۱۳۱۷ شمسی برابر با ۱۹۳۸ میلادی

- ۱ - علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی و ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم شمیم در شهریانی در اداره (راهنمای نامه نگاری) به کار مشغول شدند که بعدها به نام (اداره سانسور) شهرت یافت.
- ۲ - نصرت الدوله فیروز در سن ۵۸ سالگی در سمنان درگذشت. (درمحاكمات بعد از شهریور ۲۰ گفته شد که اورا خفه کرده اند)
- ۳ - طبق دستور رضاشاه به علت کندی کار، اداره (فرهنگستان) منحل و وثوق الدوله رئیس آن عازم اروپا شد. فرهنگستان جدید به ریاست وزیر فرهنگ و با عضویت ۲۴ نفر تشکیل گردید.
- ۴ - تونل کندوان در راه چالوس افتتاح شد. طول آن ۱۸۸۳/۸ متر می باشد که ساختمان آن سه سال طول کشید و هزینه اش ۲۴۸۵۳۴۰۰ ریال شده است.
- ۵ - دربار شاهنشاهی نامزدی محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران را با شاهدخت فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه مصر اعلام داشت.

- هیئتی به ریاست محمود جم برای مقدمات عروسی عازم مصر شدند.
- ۶ - امتیاز نفت شمال که به دو شرکت آمریکائی واگذار شده بود موقوف و قرارداد آن باطل اعلام گردید.
 - ۷ - کارخانه هواپیماسازی شهباز افتتاح شد.
 - ۸ - آئین گشایش راه آهن سراسری انجام گرفت. هزینه راه آهن جمعاً ده میلیارد و یکصد میلیون ریال اعلام شد. رضاشاه در این مراسم گفت: «آرزوی دیرینه ملت ایران تحقق یافته و در مدت ۱۷ سال خیلی از خواسته‌های مردم عملی شده است.»
 - ۹ - به مناسبت درگذشت کمال آتاتورک در ۵۷ سالگی دربار شاهنشاهی ایران به مدت یک ماه اعلام عزاداری کرد.
 - ۱۰ - به علت اهانت مطبوعات فرانسه به شاه ایران به دستور رضاشاه روابط ایران و فرانسه قطع شد.
 - ۱۱ - رابطه سیاسی ایران و آمریکا پس از دوسال مجدداً برقرارشد.
 - ۱۲ - به موجب تصویب نامه هیئت دولت سازمانی به نام (پرورش افکار) تحت نظر دکتر سیدعلی شایگان معاون دانشکده حقوق - دکتر عیسی صدیق رئیس دانشکده ادبیات - دکتر جواد آشتیانی معاون دانشکده پزشکی - فروزانفر معاون دانشکده معقول و منقول تشکیل گردید.

سال ۱۳۱۸ شمسی برابر با ۱۹۳۹ میلادی

- ۱ - جنگ دوم جهانی آغاز شد و دولت ایران طی اعلامیه‌ای بیطرفی خودرا به اطلاع عموم رسانید.
- ۲ - دوازدهمین دوره قانونگذاری مجلس شوای ملی توسط رضاشاه افتتاح شد.
- ۳ - به فرمان رضاشاه محمود جم از نخست وزیری برکنار و

دکتر احمد متین دفتری به نخست وزیری منصوب گردید. متین دفتری در آن هنگام ۴ سال داشت.

۴ - هنرستان دخترانه با حضور هیئت دولت و نمایندگان مجلس و معاريف افتتاح شد.

۵ - دادگاه جنائی به ریاست حسینقلی وحیدی و به دادستانی عبدالحسین احمدی بختیاری برای محاکمه ۵۳ نفر متهمین به ترویج مرام اشتراکی تشکیل و پس از چندین جلسه رسیدگی عده ای به ده سال حبس و بقیه به چند سال زندان محکوم شدند.

۶ - سرمایه بانک رهنی ایران به دویست میلیون ریال افزایش یافت و ابوالحسن ابتهاج معاون بانک ملی ایران به ریاست بانک رهنی تعیین شد.

۷ - روابط ایران و فرانسه که مدتی قطع شده بود مجدداً برقرارشد.

۸ - محمدرضا پهلوی و لیعهد همراه هیئتی مرکب از محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس عازم مصر گردید. مراسم عقدکنان با فوزیه در کاخ عابدین در قاهره انجام شد.

۹ - به مناسبت فوت ملک غازی اول پادشاه عراق در تصادف اتومبیل تلگراف تسلیت شاه ایران به عراق مخابره گردید.

۱۰ - هیتلر دستور حمله به لهستان را صادر کرد.

۱۱ - به دانشجویان ایرانی دستورداده شد از راه استانبول به ایران مراجعت کنند.

۱۲ - فرخی یزدی مدیر روزنامه توفان و نماینده سابق مجلس از یزد در زندان درگذشت. (بعداً گفته شد که وی وسیله پزشک احمدی در زندان با آمپول هوا کشته شده است.).

۱۳ - مجلس شورای ملی ایران به (فوزیه) صفت ایرانی اصل اعطای نمود.

۱۴ - محسن جهانسوزی و عده ای از افسران و دانشجویان

دانشکده افسری به اتهام قیام علیه امنیت کشور بازداشت شدند. جهانسوزی محاکمه و محکوم به اعدام شد که حکم اعدام اجرا گردید.

۱۵ - عبدالحسین میرزا فرمانفرما مأیان رئیس وزرای اسبق ایران در سن ۸۸ سالگی درگذشت. حین الفوت از وی ۳۲ فرزند باقی مانده بود. چهار تن از فرزندانش در زمان حیات او فوت کرده بودند که نصرت الدوله و سالار لشکر از آن جمله بودند. او صاحب ۷ همسر بوده است. اولین همسرش عزت الدوله دختر مظفرالدین شاه بود.

۱۶ - دکتر تقی ارانی در زندان به علت ابتلاء به بیماری تیفوس درگذشت. او ۳۶ سال داشت.

۱۷ - دولت ایران به دولت انگلیس اعتراض کرد که محمولات ایران را که از آلمان حمل می شده ضبط کرده است.

سال ۱۳۱۹ شمسی برابر با ۱۹۴۰ میلادی

۱ - از حاج آقا رضا رفیع (قائم مقام الملك) ناینده مجلس سلب مصونیت شد.

۲ - علی وکیلی ناینده سابق مجلس در دیوان کیفر به موجب اتهاماتی مورد محاکمه قرار گرفت. ارسلان خلعت بری و ابراهیم خواجه نوری و طه وکلای مدافع او بودند. وکیلی در مرحله بدوفی به دو سال حبس و ۵ هزار ریال غرامت محکوم شد.

۳ - دکتر متین دفتری از کار برکنار و علی منصور به نخست وزیری منصوب شد.

۴ - دکتر متین دفتری پس از استعفا از نخست وزیری تحت نظر قرار گرفت. دکتر محمد مصدق پدر همسر او نیز بازداشت و به بیرجند فرستاده شد. با وساطت محمدرضا پهلوی و لیعهد، از بیرجند

به احمدآباد ملک شخصی خود تبعید گردید.

۵ - به علت اعتراض دولت ایران شرکت نفت ایران و انگلیس مجبور گردید مبلغی بابت حق الامتیاز و همچنین مبلغی بابت تفاوت ارزش لیره به ایران بپردازد.

۶ - کمال الملک نقاش بزرگ ایران در سن ۹۶ سالگی در نیشابور درگذشت و در آرامگاه عطار نیشابوری به خاک سپرده شد. وی از سال ۱۳۰۷ در ملک شخصی خود (حسین آباد) در نیشابور زندگی می‌کرد.

۷ - آلمان و ژاپن و ایتالیا در کنارهم قرار گرفته و با انگلستان و فرانسه و سایر ممالک (غیر از بیطرفها) به جنگ ادامه دادند. ایران بی طرفی خود را حفظ کرده بود.

۸ - وزارت دریار اعلام کرد که در ۵ آبان ماه ولیعهد صاحب دختری شده که او را (شهناز) نامیده اند.

۹ - هیئت وزیران تصویب کرد که مهاجرین و اتباع بیگانه در داخل کشور نباید بدون اجازه شهریانی محل اقامت خود را تغییر دهند.

۱۰ - وزیر مختار انگلستان در تهران به دولت ایران اطلاع داد که دولت ایتالیا در نظر دارد با هوای پیماهای جنگی خود به آبادان و نواحی نفت خیز حمله کند.

۱۱ - قانون متمم دادرسی و کیفر ارتش در کمیسیون قوانین دادگستری مجلس به تصویب رسید.

۱۲ - پیمان بازرگانی بین دولتین ایران و آلمان به امضا رسید..

۱۳ - ساختمان جدید دانشکده حقوق در محل دانشگاه تهران افتتاح شد

۱۴ - دولت ژاپن جزو متحده در آمد و به محور (آلمن - ایتالیا)

پیوست .

سال ۱۳۲۰ شمسی برابر با ۱۹۴۱ میلادی

- ۱ - پروین اعتصامی شاعر خوش قریحه معاصر درسن ۳۵ سالگی به بیماری سل درگذشت.
- ۲ - رشید عالی گیلانی که در عراق کودتا کرده بود دچار شکست شد. وی به همراه وزیران خود به ایران پناهنده شد.
- ۳ - با حمله آلمان به شوروی شایعات درباره تیرگی روابط ایران و شوروی شدت یافت که مورد تکذیب قرار گرفت.
- ۴ - چرچیل و روزولت در اقیانوس اطلس باهم دیدار کردند و پیمان آتلانتیک امضا شد. به دنبال آن دولتین روس و انگلیس از ایران خواستار اخراج آلمانیها شدند. ایدن وزیر خارجه انگلستان گفت آلمانیها در ایران خطر بزرگی ایجاد کرده اند.
- ۵ - رضا شاه در مراسم جشن فارغ التحصیلی افسران وظیفه گفت با توجه به حوادث دنیا و توسعه جنگ جهانی افسران این دوره از مرخصی یک ماهه محروم شدند.
- ۶ - سپیده دم سوم شهریور ۱۳۲۰ قوای شوروی و انگلستان از شمال و جنوب ایران را اشغال کردند. ناخدا بایندر و ناخدا نقدی در خوزستان به قتل رسیدند و علی منصور چگونگی اشغال ایران را به اطلاع شاه و مجلس شورای ملی گزارش داد.
- ۷ - به دنبال اشغال چند شهر ایران و بمباران های هوائی در چند شهر، شیرازه امور کشور و وضع ارتش از هم پاشید.
- ۸ - علی منصور از نخست وزیری برکنار و محمدعلی فروغی مأمور تشکیل کابینه شد. اولین تصمیم دولت جدید ترک مخاصمه بود.
- ۹ - در تهران حکومت نظامی اعلام شد. نخست وزیر از مردم خواست که متناسب را حفظ کنند. سپهبد احمدی فرماندار نظامی تهران تلاش فراوان داشت که جلوی ناامنی ها گرفته شود.

- ۱۰ - رضاشاه کلیه امرای ارتش را به کاخ سعدآباد خواست و درباره آزادی سربازان وظیفه سرلشگر نخجوان کفیل وزارت جنگ و سرتیپ علی ریاضی را مسئول دانست و درجات آنها را گرفت و هردو را زندانی کرد. امیرموثق نخجوان سرپرست وزارت جنگ گردید.
- ۱۱ - رادیوهای برلن - لندن - دهلی حملات تندی به رضا شاه کرده و درباره جمع آوری ملک و مال و ایجاد دیکتاتوری اورا شدیداً مورد انتقاد قرار دادند.
- ۱۲ - در مجلس به رضاشاه حمله شد و درمورد جواهرات سلطنتی و پشتونه اسکناس دولت مورد استیضاح قرار گرفت.
- ۱۳ - روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ (برابر با ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۱ میلادی) رضاشاه از سلطنت مستعفی و ولیعهد ایران محمدرضا پهلوی جانشین قانونی او وظایف سلطنت را بر عهده گرفت.
- ۱۴ - ساعت چهارونیم بعد از ظهر روز ۲۶ شهریور ماه محمدرضاشاه برای ادائی سوگند به مجلس رفت و وفاداری خودرا به قانون اساسی ایران اعلام داشت. ضمناً گفت درگذشته اجحافی شده است که جبران خواهد شد.
- ۱۵ - رضاشاه پس از استعفا از سلطنت همراه اعضای خاندان سلطنت از طریق اصفهان - بیزد - کرمان - بندرعباس با کشتی به جزیره موریس رفت.
- ۱۶ - فرمان عفو عمومی زندانیان سیاسی صادر و کلیه زندانیان و تبعیدیان آزاد شدند.
- ۱۷ - رضاشاه هنگام مسافرت در اصفهان و کرمان اقامت کرد و اسناد انتقال اموال از منقول و غیر منقول را به شاه جدید امضاء کرد. موجودی نقدی شاه در ایران ۶۸۰ میلیون ریال و تعداد املاک حدود ۵۲۰۰ رقبه بود.
- ۱۸ - دریافت پروانه برای سفر به شهرستانها لغو گردید و

- هرگونه مسافرت به هر نقطه‌ای از کشور آزاد شد.
- ۱۹ - محمدعلی فرزین مدیرکل بانکملی ایران به سمت وزیر دربار تعیین شد.
- ۲۰ - علی وکیلی که در مرحله تجدید نظر از اتهامات واردہ برائت حاصل کرده بود به مجلس شورای ملی بازگشت.
- ۲۱ - سلیمان میرزا (محسن اسکندری) گروهی را برای تأسیس حزب توده ایران به خانه خود دعوت کرد و قرار شد فعالیت حزبی را آغاز کنند.
- ۲۲ - در ارتش تصفیه وسیعی انجام و گروهی از امراه ارتش بازنشسته شدند که بیشتر آنها از همکاران نزدیک رضاشاه بودند. داماد رضاشاه سرلشگر دکتر آتابای به وزارت بهداری منتقل شد.
- ۲۳ - قانون افزایش حقوق کارمندان دولت اعم از لشگری و کشوری به تصویب رسید.
- ۲۴ - به دستور دکتر جلال عبده دادستان دیوان کیفر سرپاس مختاری رئیس سابق شهربانی و عده‌ای از همکاران او توقيف شدند.
- ۲۵ - دولت به علت بدی وضع ارزاق سیستم جیره بنده را در سراسر کشور برقرار نمود و کوبن بین مردم توزیع شد.
- ۲۶ - مجلس سیزدهم افتتاح شد و محتشم السلطنه به ریاست و سهام السلطان بیات و مؤیداحمدی به نیابت ریاست انتخاب شدند. (این نایندگان در قدرت رضاشاه انتخاب شده بودند ولی فروغی مصلحت دانست که با همان وکلا مجلس جدید افتتاح گردد)
- ۲۷ - میرزا طاهر تنکابنی دانشمند ایرانی در تهران درگذشت.
- ۲۸ - به دنبال دادخواهی زین العابدین رهنما روزنامه ایران به او پس داده شد و امتیاز روزنامه مهر ایران به نام مجید موقر صادر گردید.
- ۲۹ - دولت فروغی پیمان اتحاد بین ایران و سوری و انگلستان را طی ماده واحده‌ای به مجلس شورای ملی تسلیم نمود.

هنگام صحبت درباره مزایای پیمان محمدعلی روشن با سنگی نخست وزیر را مضروب ساخت که جلسه مجلس تعطیل گردید و پس از تشکیل مجدد جلسه فروغی گفت (جمله معتبرضه ای) بود. پیمان مزبور با ۸۰ رأی موافق از ۹۳ نفر عده حاضر در مجلس به تصویب رسید.

۳۰ - از طرف محمد رضا شاه مبالغی از ثروتمندی او به صورت (عطایای ملوکانه) برای کارهای خیریه و عمران اختصاص داده شد که مرتباً پرداخت می گردید.

۳۱ - به علت استعفای رضا شاه لایحه لغو ریاست عالیه کل قوا که به شاه سابق تفویض شده بود به مجلس شوای ملی تقدیم شد.

۳۲ - وزارت خارجه ایران به مداخلات مأمورین سوری در مناطق شمالی ایران اعتراض کرد.

۳۳ - جلسه هیئت مؤسس حزب توده ایران در هفتم مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل و رسمیت حزب را اعلام داشتند.

۳۴ - محمدعلی فروغی از مجلس تقاضای رأی اعتماد نمود و چون از ۱۱۲ نفر عده حاضر، ۶۶ نفر به اورأی دادند نخست وزیری را نپذیرفت و به خانه خود رفت. مجلس به نخست وزیری علی سهیلی ابراز تمایل کرد.

۳۵ - محمدعلی فروغی که با وجود اصرار نمایندگان مجلس حاضر به ادامه کار نخست وزیری نشده بود به سمت وزیر دربار تعیین شد.

سال ۱۳۲۱ شمسی برابر با ۱۹۴۲ میلادی

۱ - دولت لایحه انتشار ۷۰۰ میلیون ریال اسکناس را به مجلس داد تا قسمتی از این پول در اختیار نیروهای خارجی که

- درایران هستند برای تأمین احتیاجات آنها پرداخت گردد.
- ۲ - عده‌ای از لهستانیها که درشوروی اقامت داشتند به ایران منتقل شدند. چند مرکز در تهران برای اقامت آنان اختصاص داده شد.
- ۳ - دولت ایران رابطه خودرا با دولت ژاپن قطع کرد. وزیر مختار ایران در توکیو به تهران احضار شد.
- ۴ - فتح الله پاکروان استاندار سابق خراسان در زمان حوادث مسجدگوهرشاد و پزشک احمدی به اتهام قتل عده‌ای بازداشت شدند.
- ۵ - قرارداد مالی بین ایران و انگلستان منعقد گردید. در این قرارداد نرخ تسعیر ریال به لیره بین ۱۲۸ تا ۱۳۰ ریال تعیین شد.
- ۶ - روزنامه کیهان به صاحب امتیازی دکتر مصطفی مصباح زاده و سردبیری عبدالرحمن فرامرزی منتشر گردید.
- ۷ - طبق تصمیم هیئت وزیران صدور حبسیات و غلات و گوشت از کشور منوع اعلام شد. نان در سراسر کشور جیره بندی شد.
- ۸ - دولت ایران با کمیته آزاد فرانسه در تهران روابط سیاسی برقرار کرد.
- ۹ - نخستین جلسه محاکمه متهمین شهریانی در دیوان کیفر تشکیل گردید. متهمین عبارت بودند از سرپاس مختاری - پاسیار منصور وقار - یاور جهانسوز - پاسیار راسخ - یاور مقدادی - پاسیار نیرومند - پزشک احمدی. پس از پنجاه روز محاکمه مختاری به ۸ سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد و بقیه متهمین هریک از ۱۰ تا یک سال محکوم شدند. پاسیار رفیع نوائی و عربشاهی در زندان در اثر ابتلا به بیماری تیفوس در گذشتند.
- ۱۰ - به علت استعفای علی سهیلی نخست وزیر، نایندگان مجلس به نخست وزیری حسین پیرنیا (مؤمن الملک) ابراز تمايل

کردند ولی او نپذیرفت. در نتیجه مجلس به نخست وزیری احمد قوام ابراز تمایل کرد.

۱۱ - امتیاز روزنامه (داد) به مدیریت ابوالحسن عمیدی نوری وکیل دادگستری مورد تصویب شورایعالی فرهنگ قرار گرفت. نخستین شماره روزنامه داد در ۲۰ مهرماه ۱۳۲۱ انتشار یافت. مصطفی‌الموئی مدیر داخلی بود که بعداً سردبیری روزنامه داد را بر عهده گرفت.

۱۲ - وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان سر راه سفر به مسکو وارد تهران شد و ۲۴ ساعت اقامت داشت. بین قوام السلطنه و وینستون چرچیل مذاکراتی صورت گرفت.

۱۳ - سرتیپ سیف الله شهاب فرمانده دانشکده افسری در اردوگاه اقدسیه به دست یکی از دانشجویان به نام علی ارونقی کرمانی به ضرب گلوله به قتل رسید. وی تحصیل کرده فرانسه بود.

۱۴ - به دستور قوام السلطنه حکومت نظامی در تهران برقرار شد. دولت اعلام کرد که تخلف از مقررات فرماندار نظامی مجازات شدید دارد.

۱۵ - دولت لایحه انتشار دوهزارمیلیون ریال اسکناس را به منظور تهیه خواریار و معاملات خارجی به مجلس برد.

۱۶ - طبق دستور قوام نخست وزیر لایحه استخدام دکتر ملیسپو و مستشاران آمریکائی به مجلس برده شد که مورد تصویب قرار گرفت. طبق این لایحه کلنل شوارتسکف آمریکائی برای مستشاری ژاندارمری کل کشور استخدام گردید.

۱۷ - احمد قوام از مجلس تقاضای اختیارات تام کرد ولی مجلس تقاضای اورا نپذیرفت.

۱۸ - لایحه دولت مبنی بر واگذاری اجازه انتشار اسکناس به هیئت نظارت اندوخته اسکناس به تصویب رسید. از این پس با نکملی با تصویب هیئت نظارت می‌تواند اسکناس منتشر کند و

احتیاج به تصویب مجلس ندارد.

۱۹ - ذکاء الملک فروغی نخست وزیر سابق ایران که قرار یود

به عنوان وزیر مختار ایران عازم آمریکا شود در سن ۶۷ سالگی در تهران درگذشت. از خدمات سیاسی و ادبی او تجلیل شد.

۲۰ - در روز ۱۷ آذر عده‌ای به علت نبودن نان و مشکل

وضع ارزاق در میدان بهارستان اجتماع کرده و تظاهراتی راه انداختند و به مجلس هجوم بردن. با مداخله مأمورین انتظامی زدو خورد در گرفت. مقداری از تابلوها و اثاثیه مجلس به غارت رفت. محسن صدر و عباس مسعودی نایندگان مجلس مضروب شدند. بعد از ظهر همان روز مغازه‌های خیابان استانبول و خانه قوام السطنه غارت شد.

۲۱ - دولت به مناسبت واقعه ۱۷ آذر در تهران حکومت

نظامی اعلام کرد و سپهبد امیراحمدی فرماندار نظامی تهران شد. کلیه روزنامه‌های کشور توقيف فقط روزنامه (خبر ایران) به مدیریت حسینقلی مستغانم انتشار یافت.

۲۲ - دکتر سیاسی وزیر فرهنگ لایحه‌ای درباره مطبوعات

به مجلس شورای ملی تقدیم داشت که به موجب آن امتیاز کلیه روزنامه‌ها لغو و قرارشده با شرایط تازه ای امتیاز روزنامه به متقارضیان داده شود.

۲۳ - ابوالحسن ابتهاج به جای حسین علاء به ریاست بانک

ملی ایران منصوب شد. حسین علاء پست وزارت دربار را بر عهده گرفت.

۲۴ - دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ مجزا و مستقل

گردید. به دنبال آن کلیه رؤسای دانشکده‌های تهران دکتر علی اکبر سیاسی را به ریاست دانشگاه انتخاب کردند.

۲۵ - یک هیئت نظامی مرکب از سرتیپ ابراهیم ارفع -

سزهنهنگ شرف الدین قهرمانی - سرهنگ غلامحسین شببانی -

سرگرد افخمی به دعوت دولت انگلستان برای بازدید عازم جبهه های شمال آفریقا بودند که هواپیما در شمال خرقان سقوط کرد و همه سرنشینان هواپیما به قتل رسیدند. ارتش به مناسبت این فاجعه اعلامیه ای صادر نمود.

۲۶ - قوام السلطنه برای انتخاب عده ای از نایندگان به عضویت دولت که بتوانند مجدداً به مجلس باز گردند لایحه ای به مجلس داد که مورد تصویب قرار گرفت و بین دولت و مجلس اختلاف نظر شدیدی پیدا شد که قوام السلطنه از نخست وزیری استعفا داد و مجلس تاییل خود را به نخست وزیری علی سهیلی اعلام داشت.

سال ۱۳۲۲ شمسی برابر با ۱۹۴۳ میلادی

- ۱ - چون فوریت لایحه مطبوعات در مجلس رد شد دولت لایحه را مسترد داشت. از چند روزنامه کشور رفع توقیف شد.
- ۲ - در منطقه فارس مخصوصاً در سمیرم بین عشاير و نیروهای نظامی زد و خورد شدیدی در گرفت و سرهنگ حسنعلی شقاقی فرمانده پادگان به قتل رسید. سرلشکر جهانبانی با اختیارات کامل عازم فارس شد تاهرچه زودتر به غائله بختیاری و قشقائی خاتمه دهد.
- ۳ - لایحه تعليمات اجباری در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.
- ۴ - نیروهای اشغالگر شوروی و انگلستان گروهی از رجال و شخصیت های ایرانی را بازداشت و آنها را مته کردند که ستون پنجم آلمانیها هستند. سرلشکر فصل الله زاهدی به فلسطین تبعید شد. سایر بازداشت شدگان در شهرهای مختلف ایران زندانی گردیدند.
- ۵ - دولت ایران به دولت آلمان اعلام جنگ داد و الحاق خود را

به اعلامیه مشترک ملل متفق (متفقین) اعلام نمود. متن اعلان جنگ را که نخست وزیر در مجلس خواند چنین است :

«بنا به پیشنهاد دولت برطبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی از تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ حالت جنگی را بین کشور خودمان و آلمان مقرر و اعلام می داریم.» (کف زدن نمایندگان)

۶ - استالین و چرچیل و روزولت سران کشورهای شوروی و انگلستان و آمریکا در آذرماه وارد تهران شدند. محمد رضا شاه پهلوی از آنان دیدار کرد. استالین همراه مولوتوف در کاخ مرمر به دیدن شاه رفت. اعلامیه تضمین استقلال و حاکمیت ایران در تاریخ نهم آذر (دسامبر ۱۹۴۳) صادر گردید. کنفرانس سران سه کشور بزرگ روز ۲۷ آذر در تهران افتتاح شد.

۷ - دولت ایران به دولت حجاز درباره (گردن زدن) ابوطالب یزدی حاجی ایرانی اعتراض نمود و رابطه خودرا با عربستان سعودی قطع کرد.

۸ - در دیدار محمد رضا شاه پهلوی با چرچیل نخست وزیر انگلستان، تقاضا شد که شاه سابق (رضاشاه) از موریس به نقطه دیگری که آب و هوای ملایمی داشته باشد فرستاده شود که مورد موافقت قرار گرفت.

۹ - نخست وزیر در جلسه خصوصی مجلس درباره کشف شبکه جاسوسی آلمان در ایران و همکاری گروهی از مقامات ایرانی توضیحاتی داد.

۱۰ - سید ضیاعالدین طباطبائی پس از ۲۲ سال تبعید از فلسطین به ایران مراجعت نموده و حضور شاه شرفیاب گردید.

۱۱ - سازمان زنان ایران تشکیل و مرآمنامه و اساسنامه خودرا منتشر ساخت.

۱۲ - سپهبد یزدان پناه به ژنرال آجودانی و سرتیپ رزم آرا به سمت ریاست دفتر نظامی شاه منصوب شدند.

۱۳ - در اسفندماه ۱۳۲۲ حزب ایران تشکیل شد که هیئت مؤسس آن چنین بودند: مهندس غلامعلی فریور - دکتر رضازاده شفق - دکتر عبدالحمید زنگنه - دکتر حسین معاون - دکتر عبدالله معظمی - دکتر کریم سنجابی - مهندس احمد زیرک زاده - اللهیار صالح - شمس الدین امیرعلائی - مهندس کاظم حسیبی - مهندس جهانگیر حق شناس - اصغر پارسا - ذکاالدوله غفاری که بعدها عده‌ای دیگر به آنها اضافه شدند.

۱۴ - انتخابات دوره چهاردهم پایان یافت. دکتر مصدق و مؤمن الملک و سید محمد صادق طباطبائی و گروهی دیگر به نایندگی انتخاب شدند که مؤمن الملک از پذیرفتن نایندگی خودداری کرد. هشت تن از اعضای حزب توده از شهرستانها به نایندگی مجلس انتخاب گردیدند.

۱۵ - علی سهیلی از نخست وزیری کناره گیری کرد و محمد ساعد مراغه ای برای نخست وزیری مورد تاییل مجلس قرار گرفت.

۱۶ - اعتبارنامه دری ناینده درگز و رحیم زاده خوئی و جعفر پیشه وری از تبریز در مجلس رد شد. مهندس فریور دولت ساعد را به مناسبت انتصاب رضا افشار به استانداری اصفهان استیضاح کرد و متذکر شد که او طبق رأی دادگاه محکوم به (انفال ابد از خدمات دولتی) می باشد. اسدالله مقانی وزیر دادگستری گفت به تعبیری (انفال ابد) انفال موقت هم می شود. زیرا هیچ چیزی ابدی نیست.

سال ۱۳۲۲ شمسی برابر با ۱۹۴۴ میلادی

۱ - حسین علاء وزیر دربار به دریافت نشان درجه اول تاج مفتخر گردید.

۲ - علی سهیلی نخست وزیر که مستعفی شده بود در مجلس

مورد اعلام جرم قرار گرفت که اتهامات واردہ درباره توقيف جراید - مداخله در امر انتخابات - باز شدن جعبه جواهرات در مصر و ارسال ۸۰۰ هزار دلار از طریق بانک ملی را تکذیب کرد.

۳ - سید محمد صادق طباطبائی به ریاست مجلس و جواد عامری و امیر تمیور کلالی به سمت نواب رئیس انتخاب شدند.

۴ - چهار تن از عمال آلمانی که در منطقه قشقائی به تحریکاتی مشغول بودند توسط سران قشقائی تحويل مقامات متفقین گردیدند. همچنین سید ابوالقاسم کاشانی که مورد تعقیب متفقین بود در گلاب دره دستگیر و از ایران تبعید گردید.

۵ - قبل از طلوع آفتاب روز ۴ مرداد ۱۳۲۳ (برابر با ۶۷ ژوئیه ۱۹۴۴) رضا شاه در ژوهانسبورک به بیماری قلبی در سالگی درگذشت. از طرف دربار سه ماه عزاداری اعلام گردید. در مسجد شاه مجلس ختمی تشکیل شد که محمد رضا شاه در آن شرکت کرد. سران کشورها به شاه ایران تسلیت گفتند. جنازه رضا شاه به قاهره حمل و در آنجا به امامت گذارده شد.

۶ - از طرف دولت شوروی کافتا را ذره معاون کمیسarisای وزارت امور خارجه شوروی برای مذاکره در اطراف قرارداد نفت شمال به تهران وارد شد.

۷ - دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی ایران ابوالحسن ابتهاج مدیر کل بانک ملی را از کار برکنار ساخت. ولی ابتهاج این حکم را برخلاف اساسنامه بانک دانست و نپذیرفت. هیئت دولت نیز نظر ابتهاج را تأیید کرد.

۸ - نحس‌تین کنگره حزب توده ایران با شرکت ۱۶۸ نفر از نمایندگان تهران و شهرستان‌ها تشکیل گردید. به دنبال آن حزب توده در تهران تظاهراتی به راه انداخت و درباره واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی شعارهایی داد. مطبوعات از این که سربازان شوروی تظاهرکنندگان را یاری می‌کردند اعتراض نمودند.

- ۹ - دکتر مصدق طرحی به مجلس داد که تا پایان اشغال ایران هرگونه مذاکره ای درباره واگذاری امتیاز نفت به خارجی ها منوع می باشد. طرح مزبور مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت. پس از تصویب طرح، کافتا رادزه ایران را ترک گفت.
- ۱۰ - به علت استعفای ساعد ازنخست وزیری دکتر مصدق مورد تاییل مجلس قرار گرفت ولی مصدق قبول نخست وزیری را موکول به این کرد که پس از استعفا به مجلس برگردد که مورد قبول واقع نشد. درنتیجه سهام السلطان بیات مورد تاییل قرار گرفت.
- ۱۱ - مجلس شورای ملی لایحه اختیارات دکتر میلیسپورا لغو کرد و به دنبال آن دکتر میلیسپو استعفا داد و کشور را ترک نمود.
- ۱۲ - حاج محتشم السلطنه اسفندیاری در سن ۷۸ سالگی براثر بیماری قلبی درگذشت. او ۹ دوره وکیل مجلس و چندین دوره رئیس مجلس بود.
- ۱۳ - دولت ایران به دولت ژاپن اعلان جنگ داد.
- ۱۴ - دکتر مصدق درباره انتخابات علیه سهیلی و تدین اعلام جرم نمود و از مجلس درخواست کرد که پرونده های مربوطه را در اختیار او بگذارند که مجلس موافقت نکرد و دکتر مصدق با تعرض مجلس را ترک گفت. در میدان بهارستان تظاهراتی به نفع او شد و در اثر تیراندازی خواجه نوری در بالکن خانه خود به قتل رسید. بین جمال امامی و سرتیپ گلشاهیان در میدان بهارستان گفتگویی شد که جمال امامی به گوش سرتیپ گلشاهیان فرماندار نظامی تهران سیلی زد. گلشاهیان از این سمت استعفا کرد و سرتیپ اعتماد مقدم فرماندار نظامی تهران شد.
- ۱۵ - محمد رشید قادرخان معروف به (همه رشید) با هشتصد سوار به مریوان حمله کرد و حاکم شهر را برکنار و شهر را به تصرف درآورد. ستادارتش به او اخطار کرد که شهر را تخلیه کند و چون توجیهی ننمود لشکر کردستان به او حمله کرده شهر را تصرف نموده

او و تفکیک‌چیانش را دریانه و سردشت تعقیب کردند که به عراق گریختند. دولت ایران از دولت عراق تقاضای استرداد همه رشید و گروهش را کرد. در این واقعه برادر همه رشید کشته شد. هم چنین سرلشکر امین در این جنگها به قتل رسید.

۱۶ - پزشک احمدی که دردادگاه جنائی محکوم به اعدام شده و رأی صادره مورد تأیید دیوان کشور قرار گرفته بود در میدان سپه تهران به دار آویخته شد.

۱۷ - سرلشکر حسن ارفع به ریاست ستاد ارتش منصوب گردید.

۱۸ - وزیردادگستری لایحه تعقیب (حاج رببه) و شمس جلالی را که باهمکاری عده ای از سردفتران کلاهبرداری کرده بودند به مجلس تقدیم داشت. یازده دفتر اسناد رسمی تعطیل و تعدادی از سردفتران تحت تعقیب قرار گرفتند.

۱۹ - نصرالله انتظام وزیرخارجه درپاسخ دکتر شفق گزارشی درباره کسانی که توسط متفقین بازداشت شده اند به مجلس شورای ملی داد و گفت تعدادی از آنان با اقدام دولت آزاد شده اند و بقیه نیز تدریجاً آزاد خواهند شد.

۲۰ - هیئت نمایندگی ایران درکنفرانس صلح سانفرانسیسکو تعیین شدند که عبارتند از: نصرالله انتظام - منصورالسلطنه عدل - دکتر علی اکبر سیاسی - سیدحسن تقی زاده - مجیدآهی.

سال ۱۳۲۴ شمسی برابر با ۱۹۴۵ میلادی

۱ - هیئت وزیران اساسنامه شورایعالی اقتصاد را تصویب کرد. اعضای آن عبارت بودند از: ابوالقاسم فروهر - اللهیار صالح - دکترسجادی - گلشاهیان - دکتر امینی - دکتر مقبل.

۲ - دولت ایران درگذشت روزولت رئیس جمهور امریکا را

تسلیت گفت.

۳ - سهام السلطان بیات در مجلس با رأی عدم اعتماد مواجه شد و از نخست وزیری استعفا کرد. ابراهیم حکیمی مورد تاییل نمایندگان مجلس قرار گرفت.

۴ - دولت آلمان بدون قید و شرط تسلیم شد. هیتلر پیشوای آلمان خودکشی کرد. موسولینی در ایتالیا اعدام شد. دولت ایران خوشوقتی خودرا از پایان جنگ اعلام و سهم خود را در کمک به متفقین ابراز نمود. به مناسبت پایان جنگ در ایران تعطیل عمومی اعلام و ۱۰۱ تیر شلیک شد. وزیر امور خارجه نیز به مناسبت پایان جنگ در مجلس اعلام کرد که قوای متفقین باید هرچه زودتر از خاک ایران خارج شوند.

۵ - دولت حکیمی پس از ۳۱ روز معطلی چون نتوانست از مجلس رأی اعتماد بگیرد مستعفی شد. درنتیجه نمایندگان مجلس شورای ملی به محسن صدر اظهار تاییل کردند.

۶ - هنگام معرفی دولت صدر، سی نفر از نمایندگان مجلس به عنوان مخالف (ابسترکسیون) نموده و جلسه مجلس را ترک گفته و دکتر مصدق رهبر این گروه اعلام داشت که صدرالاشراف صلاحیت نخست وزیری را ندارد ولی علی دشتی در پاسخ گفت در شرایط فعلی صدرالاشراف بهترین انتخاب می باشد.

۷ - در کنفرانس (پوتسدام) که با شرکت استالین و چرچیل و ترولمن تشکیل شده بود تصمیم گرفته شد که قوای متفقین هرچه زودتر از ایران خارج شوند. با خاتمه جنگ به ایران لقب (پل پیروزی) داده شد.

۸ - در آذربایجان بین افراد حزب توده و عده ای از مالکین زد خورد شد و عده ای از اهالی و اعضای حزب توده به قتل رسیدند.

۹ - به مناسبت بمباران هیروشیما با بمب اتمی، ژاپن نیز تسلیم بلاشرط گردید و چنگ دوم جهانی خاتمه یافت.

- ۱۰ - عده ای از افسران خراسان قیام کرده و پس از خلع سلاح پادگان هادرین راه به گنبد رفته و در آنجا نیز بین آنها و افراد ژاندارمری تیراندازی شد و درنتیجه ۷ افسر فراری مقتول و یک ژاندارم و دوپاسیان نیز کشته شدند.
- ۱۱ - سید جعفر پیشه وری به دنبال رد اعتبارنامه اش در مجلس شورای ملی به تبریز وارد شد و طی اعلامیه ای به زبان ترکی خود مختاری آذربایجان را اعلام داشت. هیئت مؤسس فرقه دموکرات نیز تشکیل شد و پیشه وری به سمت صدر فرقه و علی شبستری به معاونت انتخاب شدند.
- ۱۲ - وزارت خارجه ایران طی یادداشتی از دولت های آمریکا و انگلیس و شوروی خواست که قوای نظامی خود را از ایران خارج کنند.
- ۱۳ - در تظاهرات حزب توده در خیابان فردوسی زدو خوردی بین اعضای حزب توده و مأمورین انتظامی در گرفت. دکتر کشاورز غاینده مجلس توسط سرهنگ زرین نعل افسر شهریانی مضروب گردید. دکتر کشاورز با سرشکسته و باند پیچی شده به مجلس آمد و اعلام داشت که قصد قتل او را داشته اند و تقاضا کرد که مجلس به جریان کار او رسیدگی کند.
- ۱۴ - شورای عالی فرهنگ صلاحیت محمد مسعود را برای مدیریت اداره روزنامه مرد امروز رد کرد. به اتفاق آراء امتیاز روزنامه مرد امروز لغو شد.
- ۱۵ - طی طرحی که سردار فاخر حکمت با همکاری گروهی از غاینده‌گان به مجلس داد و تصویب شد دولت مکلف گردید که پس از تخلیه قوای متفقین، انتخابات را در سراسر کشور شروع کند.
- ۱۶ - به علت استعفای دولت صدر بار دیگر ابراهیم حکیمی مورد تاییل غاینده‌گان مجلس قرار گرفت.
- ۱۷ - فرقه دموکرات آذربایجان فعالیت شدیدی را در سراسر

آذربایجان و کردستان آغاز کرد و خودمختاری برای آن دو استان را اعلام داشت. دولت یادداشتی به سفارت شوروی فرستاد که دخالت نیروهای آن کشور موجب بروز حوادثی در منطقه کردستان و آذربایجان شده است. به دنبال آن نیروهای فرقه دموکرات در روز ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ تبریز را محاصره و دولت خودمختار به ریاست پیشه وری تشکیل و مجلس خودمختار آذربایجان به ریاست شبستری افتتاح گردید. بین پیشه وری و سرتیپ درخشانی فرمانده تیپ تبریز قراردادی امضاء شد و آذربایجان در اختیار فرقه دموکرات قرار گرفت.

۱۸ - به دستور قاضی محمد رئیس حزب کومله کردستان پرچم ایران افزای عمارات دولتی پائین کشیده شد و پرچم استقلال کردستان به اهتزاز درآمد.

۱۹ - رضائیه پس از چندروز از پا درآمد و سرهنگ زنگنه و سرهنگ نوربخش توقيف و برای محاکمه به تبریز فرستاده شدند.

۲۰ - شیخ عبدالله فرزند شیخ خزعل در خوزستان با عده ای از اعراب مسلح به خرمشهر حمله برداشت و ژاندارمهارا خلع سلاح کردند.

۲۱ - دکتر سید حسن امامی استاد دانشگاه و فرزند سید ابوالقاسم امام جمعه پیشین تهران به سمت امام جماعت تهران تعیین گردید.

۲۲ - دولت ایران درباره دخالت های قوای شوروی در ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد و خواستار خروج قوای شوروی از ایران شد.

۲۳ - به دنبال اغتشاش در مازندران دویست ژاندارم از طرف دولت به آن منطقه اعزام گردید. مأموران شوروی در فیروزکوه از رفتن آنها مانع کردند که این امر مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت.

۲۴ - مجلس شورای ملی منشور سازمان ملل را که در کنفرانس سانفرانسیسکو تصویب شده بود به اتفاق آراء تصویب نمود.

۲۵ - وزارت خارجه اعلام کرد کلیه کسانی که توسط متفقین بازداشت شده بودند آزاد گردیدند.

۲۶ - ملامصطفی بارزانی که در عراق مورد تعقیب قرار گرفته بود با دوهزار سوار مسلح به ایران پناهنده شد.

۲۷ - ژنرال شوارتسکف آمریکائی رئیس مستشاران ژاندارمری پس از سه سال خدمت در ایران استعفا کرد و به دریافت نشان مفتخرشد.

۲۸ - قوای نظامی که برای سرکوبی آشوبگران آذربایجان اعزام گردید در شریف آباد قزوین از طرف مأمورین شوروی متوقف و مانع حرکت قوای نظامی ایران شدند. دولت ایران به این اقدام مأمورین شوروی به شدت اعتراض کرد.

۲۹ - ابراهیم حکیمی به علت عدم موفقیت در حل مسئله آذربایجان از نخست وزیری استعفا کرد و احمد قوام مورد تمايل مجلس شورای ملی قرار گرفت.

۳۰ - سید حسن تقی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران در در جلسه شورای امنیت نطقی ایراد کرد و مشکلات ایران را که از اشغال قوای بیگانه ناشی شده است بیان داشت. ویشننسکی رئیس هیئت نمایندگی شوروی به او پاسخ داد. شورای امنیت اظهار نظر کرد که ایران و شوروی باید با مذاکره مستقیم اختلافات را حل کنند.

۳۱ - قوام السلطنه در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۲۴ در رأس هیئتی به دعوت استالین عازم مسکو گردید. در فرودگاه مورد استقبال مولوتوف وزیر خارجه شوروی قرار گرفت. نخست وزیر ایران درباره روابط دوکشور با استالین مذاکراتی به عمل آورد. مسئله نفت و تخلیه ایران از ارتش شوروی جزو برنامه مذاکرات بود.

۳۲ - نیروهای انگلیس طبق عهدنامه سه جانبه خاک ایران را ترک کردند. رادیو مسکو گفت قوای شوروی مناطقی را که آرام به نظر می‌رسد از قبیل مشهد و شاهroud و سمنان تخلیه می‌کند ولی درساپر مناطق تاروشن شدن وضع باقی خواهد ماند.

۳۳ - احمد کسری مدیر روزنامه پرچم در دادگستری مورد سوءقصد سیدحسین امامی از فدائیان اسلام قرارگرفت و همراه منشی اش حدادزاده به قتل رسید.

سال ۱۳۲۵ شمسی برابر با ۱۹۴۶ میلادی

۱ - ترولمن رئیس جمهوری آمریکا برای دولت شوروی در فروردین ماه اولتیماتومی فرستاد که اگر ایران را تخلیه نکند بار دیگر نیروهای آمریکا وارد خاک ایران خواهند شد. (بنا به اظهار بعضی از نشریات آمریکا شوروی را به بمب اتمی تهدید کرده بود)

۲ - بین قوام السلطنه نخست وزیر و سادچیکف سفيرشوری در ایران اعلامیه مشترکی انتشار یافت که ارتش شوروی ظرف یک ماه و نیم ایران را تخلیه می‌کند. قرارداد نفتی ایران و شوروی به امضا رسید که برای تصویب تقدیم مجلس گردد.

۳ - سید ضیا الدین طباطبائی - سرلشکر ارفع - میرزا کریم خان رشتی - علی دشتی - جمال امامی - حسام دولت آبادی - سالار سعید سنندجی - آیت الله کاشانی - برادران لنگرانی - دکتر هادی طاهری و عده‌ای دیگر بازداشت شدند.

۴ - سید جعفر پیشه وری نخست وزیر آذربایجان همراه هیئتی به تهران آمد و مذاکراتی با قوام السلطنه انجام داد ولی مذاکرات به جانی نرسید.

۵ - سفيرشوری در تهران اعلام داشت که تخلیه ایران از نیروهای شوروی انجام گرفته است.

۶ - بر حسب دستور دولت، حسین علاء از نایندگی ایران در سازمان ملل متحد برکنار گردید.

۷ - یک هیئت سیاسی به ریاست مظفر فیروز و یک هیئت نظامی به ریاست سرلشگر هدایت از طرف نخست وزیر به تبریز اعزام شدند تا مذاکرات لازم را با پیشه وری و مقامات آذربایجان انجام دهند. مذاکرات موجب انعقاد قراردادی شد. دکتر سلام الله جاوید به استانداری آذربایجان منصوب گردید.

۸ - اعلامیه مشترکی مبنی بر ائتلاف حزب توده و حزب ایران به نایندگی اللهیار صالح و مهندس فریور و دکتر کشاورز و ایرج اسکندری و نورالدین الموتی به امضا رسید که موجب انشعاب در حزب ایران شد.

۹ - طبق دستور قوام السلطنه نخست وزیر احمدعلی سپهر (مورخ الدوله) وزیر پیشه و هنر بازداشت و به کاشان تبعید گردید.

۱۰ - در خوزستان در صنایع نفت اعتصاب عمومی رخ داد. مظفر فیروز به نایندگی دولت به آن استان رفت و حکومت نظامی در خوزستان اعلام گردید. در تظاهراتی که صورت گرفت ۱۷ نفر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی شدند.

۱۱ - از طرف قوام السلطنه نخست وزیر هیئت مؤسس حزب دموکرات ایران انتخاب شدند.

۱۲ - کابینه انتلافی قوام السلطنه با شرکت سه تن از اعضای حزب توده و یک تن از حزب ایران تشکیل گردید.

۱۳ - طبق اطلاعات واصله به دولت، توطنه ای در اصفهان در حال تکوین علیه دولت بود. هیئتی به ریاست مظفر فیروز به اصفهان اعزام و دستور توقیف مرتضی قلیخان بختیاری و جهانشاه خان صمصام و امیر بهمن بختیاری صادر گردید. همچنین سرهنگ حجازی فرمانده لشکر خوزستان و ابوطالب شیروانی مدیر روزنامه میهن بازداشت شدند. به علت اعتراض سپهبد احمدی وزیر جنگ و

سرلشکر رزم آرا رئیس ستاد به توقيف فرمانده لشکر خوزستان و توهینی که از طرف مظفر فیروز به او شده بود، قوام السلطنه نخست وزیر دروزارت جنگ حاضر شد و از این کاراظهار تأسف نمود.

۱۴ - ناصرقشقائی و تعدادی از سران ایلات جنوب طی تلکرافاتی از دولت قوام تقاضاهاشی درباره خود مختاری استان و برکناری وزرای توده ای داشتند. شهرهای بوشهر و کازرون مورد حملاتی قرار گرفتند. هیئتی به ریاست سردار فاخر حکمت برای مذاکره با آنها به محل رفتند و رفع شکایت شد. سرلشکر زاهدی به فرماندهی قوای جنوب و استانداری فارس منصوب شد.

۱۵ - پس از کشمکش‌های درونی حزب ایران درباره ائتلاف با حزب توده اعضای کمیته مرکزی و شورای عالی حزب ایران چنین انتخاب شدند.

اعضای کمیته مرکزی:

الله‌يار صالح - مهندس زيرك زاده - مهندس غلامعلی فريور - دكتر كريم سنجابي - دكترا براهم عالمي.

اعضای شورای عالی حزب:

دكتركريم سنجابي - مهندس سيف الله معظمي - مهندس محسن عطائي - دكتركمال جناب - دكترمحمد على غربي - مهندس أميرپاير - غلامحسين زيرك زاده - مهندس ناصرمعتمد - دكتر نعمت الله - محمد مشايخي - مسعود زنگنه - محمد پور سرتيب - مهندس نظام الدين موحد - مهندس خطير - دكتر رياحي.

مخالفین ائتلاف با حزب توده که از حزب ایران کنار رفته و حزب وحدت ایران را تشکیل دادند عبارتند از:

دكتر شمس الله جزاري - مرتضى مصور رحماني - دكتر مسعود ملكي - دكتر ميمendi نژاد - علي رضا صاحب.

در جريان اختلاف دكتر مصدق و آية الله کاشانی نيز گروهي که تمایلات مذهبی داشتند از جمله:

محمد نخشب - حسین راضی - رضا مکانیک - رضا کاشفی - محمد جبروتنی از حزب ایران خارج گردیده و جمعیت (آزادی مردم ایران) را تشکیل داده و روزنامه مردم ایران ارگان جمعیت مزبور شد.

مهندس علی اکبر نوشین - معین الدین مرجانی - محمد پاک نژاد - علی شریعتمداری - دکترسامی - دکتر حائری روحانی - حبیب الله پیمان از فعالین این جمعیت بودند.
روزنامه شفق در تاریخ سه شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۲۵ اعضاي منتخب شورایعالی حزب وحدت ایران را که ۲۵ نفر بودند چنین معرفی کرده است:

هادی اشتربی - ناصر اعتمادی - دکترحسن افشار - مهندس ایروانی - فرج الله باقی - ملک الشعرا، بهار - سیدمهدي پیراسته - دکتر شمس الدین جزايری - محمد حاتم - ارسلان خلعت بری - محمدامین ریاحی - سیدحسن زعیم - حسین زعیمی - جعفر شهیدی - علیرضا صاحب - رحیم صفاری - غلامحسین طلائی - سهام الدین غفاری (ذکاء الدوله) - دکتر مسعود ملکی - مرتضی مصور رحمانی - دکتر محمدحسین میمندی نژاد - ناصر نجمی - حسن نزیه - احمد وخشوری - احمد ولائی.

۱۶ - آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید شیعیان درگذشت و چندروز عزاداری عمومی اعلام شد. شاه در مجلس ختم آیت الله که در مسجد شاه برگزار شده بود شرکت نمود.

۱۷ - قوام السلطنه کابینه خود را ترمیم کرد و وزرای توده ای را پس از ۹۰ روز از وزارت کنار گذاشت. مطفر فیروزهم به سمت سفیر ایران در مسکو تعیین گردید.

۱۸ - روز ۱۵ آذر شاه با هواپیما به زنجان رفت و مذاکراتی با فرماندهان نظامی برای رهائی آذربایجان انجام داد و حرکت نیروهای نظامی را به سوی قافلانکوه با هواپیما مورد نظر انتظار قرارداد. باشکست

فرقه دموکرات پیشه وری و سران فرقه دموکرات به شوروی گریختند و نیروهای نظامی وارد شهر تبریز شدند. اهالی نیز بانی رو های دموکرات نبرد کردند. سرهنگ هاشمی زمام شهر را به دست گرفت و روز ۲۱ آذر (روز ارتش) نامیده شد. سرهنگ هاشمی به درجه سرتیپی ارتقاء یافت.

۱۹ - محمد رضا شاه پهلوی از اقدامات سران ارتش و قوام السلطنه نخست وزیر وقت که در مرداد ماه همان سال به او لقب (جناب اشرف) داده بود تشکر کرد.

۲۰ - یکصد و چهل هشت تن از فدائیان فرقه دموکرات در دادگاه صحرائی محاکمه و سه نفر به اعدام و بقیه به حبس محکوم شدند. همچنین ۲۳ نفر از افسران ارتش که با فرقه دموکرات همکاری کرده بودند محکوم به اعدام شدند.

۲۱ - سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل شد و والاحضرت اشرف پهلوی به نیابت ریاست انتخاب گردید.

۲۲ - سید محمد تدین وزیر سابق خواربار و کشور در دیوان کشور محاکمه و برائت حاصل نمود.

۲۳ - قاضی محمد و سران کردستان مراتب اطاعت خود را به سرتیپ هاشمی فرمانده ستون اعزامی اعلام داشتند.

۲۴ - سلام الله جاوید استاندار آذربایجان و شبستری رئیس مجلس فرقه دموکرات تحت الحفظ به تهران آورده شده زندانی گردیدند.

۲۵ - ستاد ارتش اعلام کرد که در نبرد با دموکراتها ۱۹ تن از افسران کشته شدند.

۲۶ - آیت الله حاج آقا حسین قمی مرجع تقلید شیعیان درگذشت و شاه ایران نیز در مجلس ختم او شرکت نمود.

۲۷ - دادگاه فوق العاده زمان جنگ در مهاباد تشکیل شد و قاضی محمد و صدر قاضی و سیف قاضی را محکوم به اعدام کرد که

در مهاباد به دار آویخته شدند.

سال ۱۳۲۶ شمسی برابر با ۱۹۴۷ میلادی

۱ - بانک ملی ایران اخطار کرد که امتیاز ۶۰ ساله بانک شاهی پایان یافته و بانک مزبور به عملیات خود در ایران خامه داد.

۲ - در تیرماه ۱۳۲۶ سرتیپ علی اکبر درخشانی فرمانده لشگر تبریز به اتهام تسلیم به فرقه دموکرات آذربایجان در دادگاه نظامی به حبس ابد محکوم گردید. ریاست دادگاه را سرلشگر خسروپناه بر عهده داشت. دادستان سرتیپ اعتماد مقدم بود و اعضای دادگاه عبارت بودند از سرتیپ عمیدی - سرتیپ کریم قوانلو - سرهنگ خواجه‌ی - سرهنگ حکیمی - معاون دادستان سرهنگ حسین آزموده . سه تن از قضات رأی به حبس ابد و دو تن رأی به اعدام داده بودند. (سرتیپ درخشانی بعد از آزادی از زندان متهم شد که با شورویها همکاری دارد. به زندان افتاد و سکته کرد.)

۳ - هنگام شروع انتخابات دوره پانزدهم در تهران در حکومت قوام السلطنه عده‌ای در دربار متحصن شدند که عبارتند از: دکتر مصدق - سید محمد صادق طباطبائی - جمال امامی - فطن السلطنه مجد - مشاراعظم - رضا تهرانچی - دکتر متین دفتری - فدائی علوی - عباس خلیلی - سید اسماعیل خلیلی - دکتر جزایری - سالار سعید سنندجی - امام جمعه تهران - حاج عزالمالک اردلان - حسام الدین دولت آبادی - معتصم السلطنه فرخ - حاج حسن شمشیری - کریم آبادی - حاج اسماعیل فخار - صادق سرمد - جعفر جهان - دکتر برهان - جلالی نائینی - گرگانی. این تحصن به جائی نرسید و متحصنین مایوس از کاخ مرمر خارج شدند. فقط از این عده دکتر متین دفتری (داماد دکتر مصدق) از مشکین شهر به

نایندگی مجلس انتخاب شد.

۴ - محمد رضا شاه پهلوی به آذربایجان سفر کرد. در این مسافرت از شاه تجلیل فراوانی شد.

۵ - به دستور قوام السلطنه حسن صدر مدیر روزنامه قیام ایران و عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام بازداشت و دستور تعقیب عده‌ای از مدیران جراید صادر شد. نخست وزیر تقاضای تعقیب بعضی از روزنامه نگاران را از دادگستری نمود. این اقدام به دنبال مقاله محمد مسعود بود که اعلام کرده بود: هر کس قوام السلطنه را بکشد به او یک میلیون ریال جایزه داده می‌شود.

۶ - سردار فاخر حکمت به ریاست مجلس انتخاب شد. امیرحسین ایلخان طفر و مهندس جواد گنجه‌ای به سمت نواب رئیس انتخاب گردیدند.

۷ - حسین پیرنیا (مؤمن‌الملک) رئیس سابق مجلس در سن ۷۳ سالگی درگذشت. طرحی در مجلس تصویب و از خدمات او تجلیل شد.

۸ - مجلس شورای ملی قرارداد نفت شمال را که از طرف قوام السلطنه تقدیم شده بود با ۱۰۲ رأی مخالف از ۱۰۴ نفر عده حاضر رد کرد. سادچیکف سفیر شوروی به قوام السلطنه اعتراض کرد و آن را نقض پیمان مودت تلقی نمود.

۹ - گروهی از اعضاء حزب توده ایران به رهبری خلیل ملکی انشعاب کردند. که رادیو مسکو و روزنامه‌های حزب آنها را مورد حمله قرار دادند.

در روز ۱۳۲۶/۱۰/۱۳ گروهی از انشعابیون به رهبری خلیل ملکی (جمعیت سوسیالیت توده ایران) را تشکیل دادند که کار این جمعیت سروصورية نگرفت.

۱۰ - قوام السلطنه نخست وزیر در هیئت دولت پیشنهاد برقراری حکومت نظامی را کرد که بین وزراء اختلاف افتاد در نتیجه

چند تن از وزراء استعفا کردند.

- ۱۱ - اعتبارنامه حسن ارسنجانی بعد از مخالفت ناصر ذوالفقاری و دفاع ملک الشعرا بهار در مجلس رد شد.
- ۱۲ - قوام السلطنه در مجلس طی نطقی خدمات خودرا درباره آذربایجان بیان داشت و تقاضای رأی اعتماد کرد که از ۱۱۲ نفر عده حاضر ۴۶ ورقه سفید و ۳۸ ورقه کبود داده شد و دولت ساقط گردید.
- ۱۳ - سردار فاخر حکمت با ۷۲ رأی برای نخست وزیری مورد تاییل مجلس قرار گرفت. دکتر مصدق ۳۷ رأی داشت. پس از صدور فرمان نخست وزیری و چند روز مطالعه انصراف خود را اعلام کرد و ابراهیم حکیمی مورد تاییل نمایندگان مجلس قرار گرفت و به جای او محمود جم به وزارت دربار منصوب گردید.
- ۱۴ - محمد مسعود در مقابل چاپخانه مظاهری در خیابان اکباتان به ضرب چند گلوله کشته شد.
- ۱۵ - محکمه علی سهیلی نخست وزیر سابق در دیوان عالی کشور به ریاست شفیع جهانشاهی برگزار گردید که از اتهامات مداخله در امور انتخابات و توقيف جراید و خرید ابزار و لوازم برای وزارت خارجه برائت حاصل نمود.
- ۱۶ - در شهریور سال ۱۳۲۶ (حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم) توسط محسن پزشکپور - حسنعلی صارم کلانی - دکتر فضل الله صدر - علینقی عالیخانی - محمد رضا عاملی تهرانی - داریوش فروهر - جواد تقی زاده تشکیل شد. بعده این حزب دو قسمت گردید که پزشکپور و دکتر عاملی و دکتر صدر در حزب (پان ایرانیست) ماندند و داریوش فروهر با عنوان (حزب ملت ایران) به فعالیت ادامه داد.

سالها بعد دکتر صدر نیاز آنها جدا گردید و (حزب ایرانیان) را تأسیس نمود.

- ۱۷ - سرکنسولگری ایران دریادکوبه اعلام کرد که سید جعفر پیشه وری در حوالی گنجه در حادثه اتومبیل کشته شده است.
- ۱۸ - فرمان عفو عمومی درباره کسانی که در وقایع آذربایجان و کردستان شرکت داشتند صادر شد.
- ۱۹ - در تهران به مناسبت قتل مهمناما گاندی در روز نهم بهمن ۱۳۲۶ اعلام عزاداری شد.

سال ۱۳۲۷ شمسی برابر با ۱۹۴۸ میلادی

- ۱ - با استعفای حکیم الملک از نخست وزیری، مجلس شورای ملی به عبدالحسین هژیر ابراز تمایل نمود. آیت الله کاشانی و گروهی از مخالفین هژیر به تظاهرات پرداختند. از جمله نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام و گروهی قرآن به دست درمیدان بهارستان علیه هژیر شعار دادند.
- ۲ - دکتر سلام الله جاوید استاندار آذربایجان و علی شبستری رئیس مجلس آذربایجان هریک به دو سال زندان محکوم شده و مورد عفو ملوکانه قرار گرفتند.
- ۳ - دولت لایحه عفو محاکومین آذربایجان و زنجان و کردستان را به مجلس داد.
- ۴ - دولت هژیر لایحه ای درباره محدودیت مطبوعات تهیه کرد که مورد اعتراض روزنامه نگاران قرار گرفت که عده ای از آنان توقيف شدند. عبدالقدیر آزاد درباره توقيف روزنامه ها دولت را استبصراحت کرد.
- ۵ - کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی احمد قوام نخست وزیر سابق را از اتهامات منتبه تبرئه کرد.
- ۶ - عبدالحسین هژیر از نخست وزیری استعفا داد و محمد ساعد مورد تاییل نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گرفت.

۷ - مهندس مهدی بازرگان به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد.

۸ - مهندس رضوی ناینده مجلس هنگام خروج از مجلس از طرف سرهنگ برخوردار مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

۹ - عباس اسکندری دولت را درمورد نفت استیضاح کرد و گفت نفت باید ملی شود. تقی زاده درپاسخ اسکندری اظهارداشت که هنگام امضای قرارداد نفت (آلت فعل) بوده است.

۱۰ - هنگام ورود محمدرضا شاه پهلوی به دانشگاه تهران برای شرکت در جشن سالروز دانشگاه مورد اصابت گلوله از طرف ناصر فخر آرائی قرار گرفت. ضارب توسط اطرافیان شاه به قتل رسید و محمد رضا شاه به بیمارستان انتقال یافت و خطر رفع شد. تلگراف آیت الله بروجردی به شاه درباره واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ از قم جنین بود - فوری است

حضور مبارک اعلیحضرت همایون خلدالله تعالی ملکه ازاین پیش آمد ناگوارکه متوجه ذات ملوکانه شده است متأثر و سرعت عافیت و حشمت وجود مبارک را از خداوند تقدست اسماء مستلت می نماید. حسین طباطبائی

۱۱ - هیئت وزیران حزب توده را که عامل اصلی ترور شاه می دانست غیرقانونی اعلام داشت و دکتر اقبال وزیر کشور لایحه دولت را به مجلس تقدیم نمود. سران حزب توده در تهران دستگیر و گروهی به مخفیگاه رفتهند.

۱۲ - سید ابوالقاسم کاشانی دستگیر و به خرم آباد تبعید شد.

۱۳ - عده ای از روزنامه نگاران دردادگاه نظامی محاکمه و دانش نویخت و سیدعلی بشارت به ۵ سال- محمود دژکام به ۴ سال - فرهنگ ریمن به سه سال - سید باقر حجازی به دو سال - محمود والانزاد به یک سال و نیم - جهانگیر بهروز به یک سال زندان محکوم

شدند.

- ۱۴ - نایندگان مجلس در دربار حضور شاه شرفیاب شدند که شاه نظر خود را درباره تجدید نظر در قانون اساسی و واگذاری حق انحلال مجلسین به مقام سلطنت مطرح ساخت. به دنبال آن فرمان تشکیل مجلس مؤسسان صادر گردید.
- ۱۵ - ابوالقاسم بختیار که به اتهام تمرد از اوامر دولت در دادگاه نظامی اصفهان به سه ماه زندان تأدیبی محکوم شده بود مورد عفو ملوکانه قرار گرفت.
- ۱۶ - حسین سمیعی به کفالت وزارت دربار منصوب گردید.
- ۱۷ - اولین سفر رسمی شاه به انگلستان با استقبال مقامات رسمی آن کشور رویرو گردید.
- ۱۸ - شهناز پهلوی برای ادامه تحصیلات به سویس فرستاده شد.
- ۱۹ - اعلامیه دربار راجع به جدائی شاه از ملکه فوزیه انتشار یافت.
- ۲۰ - دادسرای نظامی ۲۲ تن از سران حزب توده را احضار کرد.

سال ۱۳۲۸ شمسی برابر با ۱۹۴۹ میلادی

- ۱ - دکتر مظفر بقائی دولت را استیضاح کرد و به تشکیل مجلس مؤسسان و توقيف جراید و قتل محمد مسعود و مداخله دولت در امر انتخابات اعتراض نمود. همچنین از اقدامات سرلشگر رزم آرا رئیس ستاد انتقاد کرد. سردار فاخر حکمت رئیس مجلس گفت مسعود همه را تهدید می کرد. درباره دیکتاتوری باید بگوییم نظر شما صحیح نیست من جلوی دیکتاتوری می ایستم. حائزی زاده هم به تبعید آیت الله کاشانی و خالصی زاده و تغییر قانون اساسی

- و تشکیل مجلس مؤسسان اعتراض نمود.
- ۲ - مجلس مؤسسان در نخستین جلسه سید محمد صادق طباطبائی را به ریاست و نصرالملک هدایت و سهام السلطان بیات را به سمت نواب رئیس انتخاب کرد.
- ۳ - دادگاه جنائی فرماندار نظامی دکتر کشاورز - دکتر رادمنش - عبدالصمد کامبخش - احسان طبری - علی امیرخیزی - ایرج اسکندری - رضا روستا - آزادا شس آوانسیان را به اعدام و عده‌ای دیگر از قبیل مریم فیروز و دکتر بهرامی را به ۵ سال زندان محکوم ساخت.
- ۴ - علامه قزوینی دانشمند بزرگ ایران در تهران درگذشت. دانشگاه تهران به این مناسبت تعطیل عمومی اعلام داشت.
- ۵ - مجلس مؤسسان با تغییر مواد قانون اساسی حق انحلال مجلسین را به شاه داد. همچنین قرار شد درباره تغییر بعضی از مواد^۱ کنگره (مجلسین سنا و شورای ملی) تشکیل شود. به دنبال این اقدامات برای اولین بار در تاریخ مشروطیت ایران، دستور تشکیل مجلس سنا داده شد.
- ۶ - شاهپور عبدالرضا پهلوی به سرپرستی هیئت عالی سازمان برنامه منصوب شد.
- ۷ - لایحه قرارداد الحاقی نفت به مجلس تقدیم شد. حسین مکی و دکتر بقائی و حائری زاده با آن مخالفت کردند.
- ۸ - در اجرای قانون تجدید نظر درسازمان وزارت خانه‌ها و تصفیه کارمندان هیئتی مرکب از ۸ نفر تشکیل شد و لایحه معروف به (بندهای الف و ب و ج) را تهیه کردند.
- ۹ - دکتر مصدق همراه گروهی از طرفداران و دوستان خود برای تحصین به دربار رفت و پس از گفتگو با هژیر وزیر دربار با بیست نفر از همراهان وارد کاخ سلطنتی گردید و نخستین پایه جبهه ملی بنیان نهاده شد. پس از سه روز تحصین بدون اخذ نتیجه پایان

یافت.

۱۰ - با پایان انتخابات سنای تهران ۷۵ نفر انتخاب گردیدند. طبق قانون قرار بود از بین آنها ۱۵ نفر انتخاب شوند که دکتر مصدق به این امر اعتراض کرد و گفت لیست فرمایشی است و اسمی را در پاکت سریسته در اختیار استاندار گذارد و بعد از خاتمه معلوم شد که همان اسمی است. فقط نام دکتر متین دفتری را در لیست نگذارده بود.

۱۱ - عبدالحسین هژیر وزیر دریار در مسجد سپهسالار در مجلس عزاداری به ضرب گلوله سید حسین امامی به قتل رسید. در تهران حکومت نظامی برقرار شد. دکتریقائی - سید مصطفی کاشانی - حسین مکی - سید علی بشارت - علی جواهر کلام - دانش نویخت - عبدالقدیر آزاد بازداشت شدند. دکتر مصدق به احمدآباد تبعید شد.

۱۲ - حسین امامی قاتل هژیر در دادگاه نظامی محکوم به اعدام شد و پس از محکومیت از تقاضای تجدید نظر خودداری کرد و حکم اعدام درباره او اجرا شد.

۱۳ - مجلس شورای ملی به شاه سابق عنوان (رضاشاه کبیر) را داد.

۱۴ - لایحه دولت درباره اموال و املاک و مستغلات پهلوی به عنوان موقوفه پهلوی به تصویب مجلس شورای ملی رسید تا عوایدان صرف امور خیریه گردد.

۱۵ - محمود نامجو در مسابقه وزنه برداری جهانی در هلند با برداشت ۳۱۲ کیلو و نیم قهرمان جهان شد.

۱۶ - تابعیت آفاخان رهبر فرقه اسماعلیه مورد قبول قرار گرفت و از طرف شاه عنوان (حضرت والا) به او داده شد.

۱۷ - شاه ایران در سفر آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل طی نطقی گفت (در جهان با وجود صلح هر کاری امکان پذیر می

باشد).

- ۱۸ - هواپیمای یک موتوره شاه در بازدید از سد کوهزنک دچار نقص فنی شد ولی شاه هیچگونه صدمه ای ندید.
- ۱۹ - ابراهیم حکیمی به وزارت دریار منصوب شد.
- ۲۰ - اولین بانک خصوصی ایران (بانک بازرگانی ایران) با سرمایه ۵ میلیون ریال تشکیل شد. مصطفی تجدد مدیر عامل بانک گردید.
- ۲۱ - دوره اول مجلس سنا و دوره شانزدهم مجلس شورای ملی در ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ توسط محمد رضا شاه پهلوی افتتاح شد. سیدحسن تقی زاده به ریاست مجلس سنا و ناصرالملک هدایت و سهام السلطان بیات به نیابت ریاست انتخاب شدند. سردار فاخر حکمت به ریاست مجلس شورای ملی و دکتر عبدالله معظمی و جواد گنجه ای به نیابت ریاست انتخاب گردیدند.

سال ۱۳۲۹ شمسی برابر با ۱۹۵۰ میلادی

- ۱ - رجبعلی منصور طبق فرمان شاه به نخست وزیری منصوب گردید.
- ۲ - احمد قوام طی عريضه سرگشاده ای اقدام شاه را در مورد تجدید نظر در قانون اساسی خلاف مصالح مملکت دانست. ابراهیم حکیمی وزیر دریار به او پاسخ داد و ضمناً عنوان (جناب اشرف) که در واقعه آذربایجان به قوام السلطنه داده شده بود پس گرفته شد.
- ۳ - با ابطال انتخابات تهران و برگزاری مجدد انتخابات، دکتر محمد مصدق و تعدادی از اعضای جبهه ملی به نایندگی مجلس انتخاب شدند.
- ۴ - به علت ازدواج شاهدخت فاطمه پهلوی با علی هیلر

آمریکائی، وزارت دریار اورا از مزایای خانواده سلطنتی محروم ساخت.

۵ - جنازه رضا شاه پهلوی با تشریفات خاصی از قاهره به تهران حمل شد و در آرامگاهی در شهر ری به خاک سپرده شد.

۶ - احمد دهقان مدیر مجله تهران مصور و ناینده مجلس شورای ملی در محل تماشاخانه تهران به قتل رسید. قاتل حسن عفری دستگیر گردید که کارمند شرکت نفت بود.

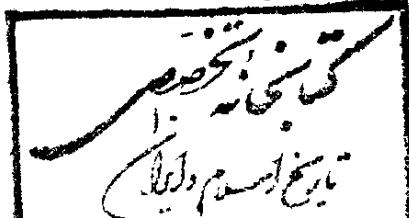
۷ - آیت الله کاشانی که به لبنان تبعید شده و از طرف مردم به نایندگی مجلس انتخاب شده بود در میان استقبال اعضای جبهه ملی و گروهی از طرفدارانش به تهران مراجعت کرد.

۸ - جمیعت هواداران صلح در تهران تشکیل گردید.
 مؤسسان عبارت بودند: از ملک الشعراه بهار - حائری زاده - احمد لنگرانی - دکتر شایگان - دکتر محمدعلی حکمت - محمد رشاد - محمود هرمز - مهندس قاسمی.

۹ - از طرف وزارت دادگستری گزارش تعقیب احمد قوام نخست وزیر سابق به مجلس داده شد که اسناد مداخله در امر انتخابات و واگذاری جوازهای جو و چوب و چای جزو مدارک بود.

۱۰ - اعضای کمیسیون نفت در مجلس انتخاب شدند که عباتنداز: دکتر مصدق - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - جواد گنجه‌ای - ابوالقاسم فقیه زاده - اللہیار صالح - حسین مکی - خسرو قشقائی - سرتیپ زاده - جمال امامی - جواد عامری - دکتر کاسمی - حائری زاده - عبدالرحمن فرامرزی - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر شایگان - سیدعلی بهبهانی - پالیزی که دکتر مصدق به ریاست کمیسیون انتخاب گردید.

۱۱ - علی منصور از نخست وزیری کناره گرفت و سرلشگر حاجیعلی رزم آرا به فرمان شاه نخست وزیر شد. رزم آرا هنگام ورود به مجلس برای معرفی هیئت دولت مورد اعتراض دکتر مصدق



و نمایندگان اقلیت قرار گرفت. پس از اخذ رأی از ۷۰ نفر عده حاضر ۹۳ نفر به دولت رأی اعتماد دادند. دولت رزم آرا در مجلس سنا نیز ۳۵ رأی موافق و ۱۴ رأی مخالف و ممتنع داشت.

۱۲ - دکتر سید حسن امامی (امام جمعه تهران) هنگام عبور از میدان شمس العماره با چاقو از طرف نبی الله اکبری مضروب شد که بلافاصله به بیمارستان منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفت. در این حادثه دست راست و صورت دکتر امامی صدمه دید.

۱۳ - مجلس شورای ملی لایحه تصفیه کارمندان دولت (بندهای الف - ب - ج) را لغو کرد.

۱۴ - نصرالله انتظام با ۳۲ رأی از ۵۳ رأی به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب گردید.

۱۵ - دکتر مصدق و اللہیار صالح و حائری زاده و مکی و دکتر بقائی و چند تن دیگر از نمایندگان مجلس دولت رزم آرا را استیضاح کردند.

۱۶ - مراسم نامزدی ثریا اسفندیاری (بختیاری) با شاه در کاخ مرمر المجام گرفت.

۱۷ - دادگاه جنایی تهران درباره پرونده متهمین حزب توده قراری صادر کرد که به موجب آن تصمیمات دادگاه نظامی ملغی الاثر دانسته شد و دادسرای استان را برای رسیدگی صاحب صلاحیت دانست.

۱۸ - چند تن از افسران شهریانی که از اعضای نظامی حزب توده بودند، به زندان رفته و سران حزب توده را از زندان تحویل گرفته به مخفیگاه برداشتند. در مجلس و مطبوعات به دولت حملات شدیدی شد. برخی نیز دخالت نخست وزیر را در این امر مؤثر دانسته اند که شایعات مورد تکذیب قرار گرفت.

۱۹ - کمیسیون نفت مجلس شورای ملی گزارشی درباره ملی کردن صنعت نفت به مجلس داد و به دنبال آن دانشجویان در میدان

بهارستان تظاهراتی درباره ملی کردن صنعت نفت برپا کردند.

۲۰ - رزم آرا نخست وزیر گفت ماهنوز از نظر فنی به جایی نرسیده ایم که بتوانیم کارخانه سیمان را اداره کنیم. بنا براین اگر صنعت نفت ملی شود قدرت اداره آن را نداریم. به دنبال آن غلامحسین فروهر وزیر دارائی از مجلس تقاضا کرد که قرارداد حقوقی نفت (لایحه گس - گلشاهیان) مسترد گردد که مورد اعتراض وکلا و چند تن از وزرای کابینه قرار گرفت و بعضی از وزراء مستعفی شدند.

۲۱ - به علت تقدیم لایحه مطبوعات به مجلس مدیران روزنامه ها در مجلس متحصن شدند ولی به موجب طرحی که به مجلس داده شد کلیه قوانین مطبوعاتی جز قانون محرم ۱۳۲۶ لغو گردید. با این طرز روزنامه نگاران به تحصن خاتمه دادند.

۲۲ - حسن وثوق (وثوق الدوله) درست ۷۸ سالگی در تهران درگذشت.

۲۳ - سرلشگر رزم آرا نخست وزیر هنگامی که با امیر اسدالله علم وزیرکشور برای شرکت در مسجد شاه جهت حضور در ختم آیت الله فیض وارد صحن مسجد شاه شدند توسط خلیل طهماسبی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. خلیل طهماسبی در بازپرسی خود صریحاً به قتل رزم آرا اعتراف کرد. آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی از اقدام خلیل طهماسبی تجلیل کرد و قتل رزم آرا را واجب شرعی دانست. رزم آرا به درجه سپهبدی ارتقاء یافت.

۲۴ - مجلس شورای ملی به نخست وزیری حسین علاء ابراز تاییل نمود.

۲۵ - در جلسه علنی مجلس شورای ملی طرح ملی شدن نفت به اتفاق آراء به تصویب رسید. سفارت انگلیس به ملی شدن صنعت نفت در ایران اعتراض کرد. در سراسر کشور برای ملی شدن نفت مراسم جشن و چراغانی برپا گردید.

- ۲۶ - عبدالحمید زنگنه رئیس دانشکده حقوق و وزیر سابق فرهنگ هنگام خروج از دانشکده توسط نصرت الله قمی به ضرب گلوله کشته شد.
- ۲۷ - مجلس سنا قانون ملی شدن صنعت نفت را تصویب و شاه آن را توشیح نمود.
- ۲۸ - دکتر عبدالله فریاریه عنوان نماینده سازمان ملل متحد در ایران و افغانستان حضور شاه معرفی شد. بعده در دولت علاء برای مدت کوتاهی عنوان معاون نخست وزیر را یافت ولی مستعفی گردید.
- ۲۹ - مراسم عروسی شاهپور عبدالرضا پهلوی با پری سیما زند در حضور شاه برگزارشد.
- ۳۰ - واگذاری املاک پهلوی از طرف شاه به زارعین در محافل داخل و خارج حسن اثر نمود.

سال ۱۳۳۰ شمسی برابر با ۱۹۵۱ میلادی

- ۱ - به علت ملی شدن صنعت نفت وضع خوزستان متینج گردید و حکومت نظامی در آن استان اعلام شد.
- ۲ - صادق هدایت نویسنده معروف در پاریس با گاز خودکشی کرد.
- ۳ - حسن جعفری قاتل احمد دهقان پس از محاکمه اعدام گردید.
- ۴ - ملک الشعراه بهار در سن ۶۷ سالگی در اثر ابتلا به بیماری سل در تهران درگذشت. تشییع جنازه باشکوهی از او به عمل آمد.
- ۵ - انبار مهمات لشکر فارس منفجر شد و سرلشکر نصرت الله معتقد فرمانده لشکر و سرلشکر عطاپور رئیس اداره تسليحات بازداشت و تحت تعقیب قرار گرفتند.
- ۶ - مجلس شورای ملی به نخست وزیری دکتر مصدق ابراز

تمایل نمود و حسین علاء بار دیگر به سمت وزیر دربار تعیین گردید. در این موقع سه تن از کسانی که در آغاز انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی رأی مخالف داده بودند در رأس مهمترین مشاغل مملکتی قرار گرفتند: دکتر مصدق نخست وزیر - سید حسن تقی زاده رئیس مجلس سنا - حسین علاء وزیر دربار.

۷ - دکتر مصدق برنامه دولت خود را چنین اعلام نمود: ۱ - اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت ۲ - اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.

۸ - هیئت نظارت مختلط نفت از طرف مجلسین سنا و شورای ملی به این شرح انتخاب شدند: مرتضی قلی بیات - دکتر متبین دفتری - محمد سوروی - ابوالقاسم نجم - دکتر شفق - دکتر عبدالله معظمی - دکتر علی شایگان - اللهيار صالح - حسین مکی - ناصر قلی اردلان.

۹ - هیئت خلع ید چنین تعیین شدند: محمد علی وارسته - مهندس کاظم حسیبی - مهندس مهدی بازرگان - دکتر عبدالحسین علی آبادی - محمد بیات.

۱۰ - دکتر مصدق بخشنامه انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس را به کلیه سازمان های دولتی ابلاغ کرد.

۱۱ - دولت های انگلیس و آمریکا به اقدام یک طرفه دولت ایران درباره ملی کردن صنعت نفت اعتراض کردند.

۱۲ - دکتر مظفر بقائی کرمانی همراه خلیل ملکی حزب (از حمتشان ملت ایران) را تأسیس نمودند. ولی در تیرماه ۱۳۳۱ خلیل ملکی از دکتر بقائی جدا شد و حزب (نیروی سوم) را تشکیل داد. خلیل ملکی در شهریور سال ۱۳۳۲ دستگیر و به زندان قلعه فلک الافلاک تبعید گردید. پس از آزادی (جامعه سوسیالیست ها) را تشکیل داد.

۱۳ - مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام دستگیر شد.

فدائیان اسلام اعلام کردند که اگر یک مو از سر نواب صفوی کم شود خیلی هارا خواهند کشت.

۱۴ - هیئت عامل اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مرکب از دکتر محمود حسابی - دکتر علی آبادی - مهندس بیات در خرمشهر مستقر شدند.

۱۵ - ترورمن رئیس جمهوری آمریکا (اول هریمن) را با پیشنهاداتی درباره نفت به ایران فرستاد. مذاکرات او به جائی نرسید.

۱۶ - روز ۲۳ تیرماه هنگام ورود هریمن به تهران تظاهرات وسیعی صورت گرفت و عده ای درزد و خورد با مأموران انتظامی مجروج شدند.

۱۷ - درخانه سدان رئیس شرکت نفت اسنادی کشف شد که حاکی از مداخله در امور داخلی ایران بود. از طرف مجلس هیئتی برای رسیدگی به این اسناد تعیین شد.

۱۸ - درآبان ماه عده ای از دانشجویان در تظاهراتی اعضای شورای دانشگاه را در دانشسرای عالی توقيف کردند که به دنبال آن گروهی از استادان دانشگاه استعفای خودرا به دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تقدیم داشتند. رئیس دانشگاه نیز به این امر اعتراض کرد و نامه اش در مجلس خوانده شد.

۱۹ - دولت انگلستان ۹ فروردین کشتی جنگی به آبادن فرستاد. نایندگان انگلستان به سرپرستی (ریچارد استوکس) مهردار سلطنتی انگلستان برای مذاکره درباره نفت به ایران آمدند و دست خالی بازگشتند.

۲۰ - لایحه قرضه ملی در مجلسین تصویب شد که به مدت دوسال بابهره ۶ درصد معین گردید.

۲۱ - دولت انگلستان اعلام کرد که هرکس از ایران نفت خریداری کند در محاکم بین المللی مورد تعقیب قرار می گیرد.

۲۲ - فرمان انتخابات دوره هفدهم صادر گردید. سید محمد علی شوشتاری در مجلس متحصن شد و گفت چون تأمین جانی ندارد درخانه ملت متحصن می شود. او در مجلس به دکتر مصدق به شدت حمله کرد.

۲۳ - به علت شکایت دولت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد دکتر مصدق در رأس هیئتی عازم آمریکا شد و در جلسه شورای امنیت از مظالم شرکت نفت و نظام استعماری انگلستان با اسناد و مدارک مطالبی بیان داشت. شورای امنیت با قطعنامه ای تقاضای انگلستان را مسکوت گذارد تا حکم دادگاه لاهه صادر شود.

۲۴ - دکتر مصدق در مراجعت از آمریکا به مصر رفت و مورد استقبال قرار گرفت. هنگام ورود به تهران از نخست وزیر استقبال شایانی شد. نخست وزیر پس از مراجعت از آمریکا حضور شاه رسید و مدت ۶ ساعت درباره موقوفیت‌های خود در سازمان ملل متحد و آمریکا گزارشی به شاه داد.

۲۵ - شاه درسلام عید غدیر گفت: «سلطنت بر یک ملت گرسنه و فقیر و مریض افتخاری ندارد».

۲۶ - از طرف اعضای جبهه ملی متینگ بزرگی در میدان فوزیه برپا شد. پس از خاتمه متینگ جمعیت در خیابان فردوسی به خانه صلح و روزنامه بسوی آینده و تئاترسعدی و روزنامه‌های نوید - فرمان - آتش - سیاسی - طلوع حمله کرده و زد خورد شدیدی در گرفت. به دنبال آن عده‌ای از مدیران جراید در مجلس متحصن شدند. نمایندگان اقلیت نیز حمایت خود را از متحصنین اعلام داشتند.

۲۷ - در جلسه علنی مجلس از طرف نمایندگان اقلیت و اکثریت در گیری صورت گرفت. کریم پور شیرازی مدیر روزنامه سورش از لژ مطبوعات به تالار جلسه پرید و با وکلا دست به یقه شد که با مداخله نمایندگان مجلس به تشنج خاتمه داد شد.

۲۸ - سید محمد تدین رئیس سابق مجلس در آمریکا درگذشت.
۲۹ - اقلیت مجلس شورای ملی دکتر مصدق را استیضاح کرد.

۳۰ - مبارزات انتخاباتی در سراسر کشور توسعه یافت. در زابل سر کوثر فرماندار و رئیس المجمن نظارت و چند نفر را بریدند و جمعاً ده نفر به هلاکت رسیده و ۵۰ نفر مجروح شدند. در مبارزه انتخاباتی فسا چند نفر به قتل رسیدند. در سایر نقاط کشور وضع خیلی متشنج گردید که دولت ناچار شد انتخابات سایر حوزه هارا متوقف سازد.

۳۱ - از طرف بانک بین المللی هیئتی برای حل مشکل نفت به ایران اعزام گردید ولی مذاکرات آنها هم به نتیجه ای نرسید.

۳۲ - در مراسم پنجمین سال ترور محمد مسعود که مراسمی در آرامگاه او در مقبره ظهیرالدوله تشکیل شد دکتر حسین فاطمی هنگام ایجاد نطق توسط عبد خدائی عضو فدائیان اسلام مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به بیمارستان منتقل گردید که پس از چند روز حال او بهبود یافت و برای تکمیل معالجات به اروپا رفت.

۳۳ - طبق دستور دکتر مصدق (روز ۲۹ اسفند) روز ملی شدن صنعت نفت نامیده شد.

۳۴ - دکتر قاسم غنی از رجال معروف و دانشمند ایران درگذشت و از او در محافل ادبی تجلیل شد.

۳۵ - آخرین جلسه مجلس شورای ملی (دوره شانزدهم) با حضور ۵۲ نفر از نمایندگان تشکیل شد. نمایندگان اقلیت که در مخالفت با دولت و پشتیبانی از مطبوعات در مجلس متحصن شده بودند به تحصن خود خاتمه دادند.

سال ۱۳۳۱ شمسی برابر با ۱۹۵۲ میلادی

- ۱ - دولت انگلستان عرضحال خود را به دادگاه لاهه تقدیم داشت و لغو یک طرفه قرارداد نفت را غیرمنطقی اعلام داشت.
- ۲ - مجلس دوره هفدهم توسط محمد رضا شاه پهلوی افتتاح شد. دکتر حسن امامی با ۳۹ رأی به ریاست مجلس محمد ذوالفقاری و مهندس رضوی به نیابت ریاست انتخاب شدند.
- ۳ - روز ۲۸ خرداد یک کشتی کوچک ایتالیائی به نام (روزماری) که نهصد تن نفت از ایران حمل می کرد در سواحل بندر عدن با رأی دادگاه عدن توسط مأمورین انگلیسی توقيف و محمولات آن به کشتی دیگر منتقل گردید.
- ۴ - دستخط شاه درباره قدردانی از محمد نازی در امر تأسیس بیمارستان درشیراز و لوله کشی آب آن شهر صادر گردید.
- ۵ - دکتر مصدق همراه پروفسور رولن بلژیکی و گروهی از حقوقدانان به دادگاه لاهه رفت و درباره استیفادای حقوق ایران در باره نفت جنوب مطالبی ایراد کرد. دادگاه لاهه عدم صلاحیت خود را با اکثریت ۹ رأی اعلام داشت. قاضی انگلیسی به نفع دولت ایران رأی داد.
- ۶ - پس از افتتاح مجلس شورای ملی بار دیگر به نخست وزیری دکتر مصدق ابراز تمایل شد ولی مجلس سنا از ابراز تمایل خودداری نمود. سرانجام از ۳۶ نفر عده حاضر در مجلس سنا ۱۴ نفر از سناتورها به نخست وزیری او ابراز تمایل کردند. دکتر مصدق در دیداری با شاه تقاضا کرد که وزارت جنگ را عهده دار گردد که چون شاه قبول نکرد مستعفی شد و از طرف مجلسین احمد قوام مورد تمایل قرار گرفت.
- ۷ - قوام السلطنه با صدور اعلامیه معروف خود (کشتیبان را سیاستی دکر آمد) با قدرت شروع به کار کرد ولی آیت الله کاشانی و دکتر یقائی و حزب توده و طرفداران مصدق عليه او

تظاهراتی کردند که ماجرای (۳۰ تیر) پیش آمد و قوام السلطنه از نخست وزیری کنار رفت و در منزل برادر خود معتمدالسلطنه مخفی شد.

۸ - مجلسین بار دیگر به دکتر مصدق ابراز تایل کردند و فرمان نخست وزیری او از طرف شاه صادر شد. مصدق پشت قرآنی نوشت که به شاه وفادارخواهد بود و آن رامهر کرد و برای شاه فرستاد.

۹ - مجلس شورای ملی روز (۳۰) تیر را روز(شهدای ملی) نامید. سرلشکر گرزن و سرلشکر علوی مقدم و سرلشکر کوپال مورد تغقیب قرار گرفتند.

۱۰ - دکتر مصدق لایحه اختیارات خودرا به مجلس داد که با دوفوریت به تصویب رسید.

۱۱ - بانک شاهی پس از انقضای مدت ۶۰ ساله قراردادش برچیده شد.

۱۲ - با تصویت مجلس قوام السلطنه مهدورالدم شناخته شد. دستور ضبط اموال او صادر گردید. قوام طی نامه ای که به مجلس نوشت این اقدام را خلاف قانون اساسی دانست.

۱۳ - دکتر حسن امامی از ریاست مجلس مستعفی و عازم اروپا شد. آیت الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد.

۱۴ - لایحه عفو و آزادی خلیل طهماسبی باقید سه فوریت در مجلس تصویب گردید و قاتل رزم آرا از زندان آزاد شد.

۱۵ - به دستور دکتر مصدق نخست وزیر و وزیر جنگ عده ای از امراض ارتش از قبیل شاه بختی - هدایت - حجازی - گرزن - کوپال - علوی مقدم که مجموعاً ۱۳۶ نفر بودند بازنشسته شدند.

۱۶ - دکتر مصدق در جلسه علنی مجلس پیشنهاد مشترک ترومی و چرچیل را در باره نفت ایران به اطلاع نمایندگان رسانید. پیشنهاد مزبور به شدت موردانتقاد قرار گرفت. نخست وزیر پیشنهاد

- متقابلی برای آنان فرستاد.
- ۱۷ - رابطه سیاسی بین دولت ایران و دولت انگلستان در ۳ مهرماه ۱۳۳۱ قطع شد.
- ۱۸ - نخست وزیر قطع رابطه با انگلستان را اعلام داشت. حفظ منافع انگلستان به عهده دولت سوئد قرار گرفت.
- ۱۹ - در جلسه علنی مجلس شورای ملی طرح تقلیل مدت سنا از چهارسال به دو سال تصویب و ازورود سناتورها به داخل عمارت مجلس شورای ملی جلوگیری شد.
- ۲۰ - مهندس احمد زنگنه به مدیریت عامل سازمان برنامه منصوب شد.
- ۲۱ - مهندس کاظم حسیبی به سمت معاون وزارت دارائی و قائم مقام وزیر دارائی و نماینده دولت در کمیسیون مختلط نفت تعیین گردید.
- ۲۲ - با استفاده از اختیارات دکتر مصدق، دیوانعالی کشور- دیوان کیفر - دیوان دادرسی ارتش و دادستانی ارتش منحل و محمد سروری به ریاست دیوانعالی کشور منصوب گردید. (این سومین بار در تاریخ قضائی ایران بود که دیوانعالی کشور منحل گردید).
- ۲۳ - دکتر مظفر بقائی به شدت دولت دکتر مصدق را موردانتقاد قرارداد. نخست وزیر او را از گفتارهای تندر بروحدار داشت.
- ۲۴ - قانون جدید مطبوعات به امضای نخست وزیر منتشر شد که روزنامه نگاری با شرط خواهد بود: داشتن . ۳ سال سن - سواد خواندن و نوشتن. نداشتن سوابق سوء کیفری
- ۲۵ - مستشارالدوله صادق رئیس سابق مجلس شورای ملی و مجلس مؤسسان درگذشت.
- ۲۶ - سهام السلطان بیات به مدیریت عامل شرکت نفت منصوب گردید.

۲۷ - از شرکت تلفن خلع ید گردید و امور آن به دولت سپرده شد.

۲۸ - طرحی از طرف دکتریقائی به مجلس تقدیم شد که هیچ اقدامی از جمله اختیارات نخست وزیر نمی تواند موجب تعطیل مجلس شود. دکتر مصدق هم به مجلس نوشت هرگز در صدد تعطیل مجلس نیست.

۲۹ - دکتر مصدق از مجلس خواست که اختیارات او برای یک سال دیگر تمدید گردد. آیت الله کاشانی - دکتریقائی و حایری زاده به مخالفت پرداختند. حسین مکی از نمایندگی مجلس استعفا کرد ولی پس از چند روز پس گرفت. لایحه تمدید اختیارات دکتر مصدق در مجلس به تصویب رسید.

۳۰ - دکتر مصدق به سادچیکف سفیر شوروی اطلاع داد که مدت قرارداد شیلات پایان یافت و دولت ایران مایل به تمدید امتیاز نیست.

۳۱ - هندرسون سفیر آمریکا در ایران طرح جدیدی از طرف آمریکا و انگلیس درباره نفت به نخست وزیر تقدیم داشت که آن هم مورد قبول قرار نگرفت.

۳۲ - روز ششم اسفند سرلشکر زاهدی به اتهام تحریک علیه دولت بازداشت گردید و همچنین دستور توقيف ۱۷۰ نفر داده شد. سرلشکر زاهدی در ۲۶ اسفند آزاد گردید.

۳۳ - شاه و ملکه ثریا روزنهم اسفند قصد سفر به خارج را داشتند که آیت الله بهبهانی و امرای ارتش و گروهی نیز در مقابل کاخ مرمر اجتماع کرده و از شاه خواستند که از سفر صرف نظر کند. هنگامی که دکتر مصدق از دیدار شاه در کاخ مرمر قصد مراجعت به خانه خود را داشت تظاهر کنندگان در برابر کاخ قصد دستگیری و قتل اورا داشتند که از خانه خود با پیژامه گریخت و از آنجا به مجلس رفت و گزارش مفصلی به نمایندگان داد.

۳۴ - یک هیئت ۸ نفری از نایندگان مجلس انتخاب شدند تا طرحی تهیه کنند که روابط شاه و دولت براساس قانون اساسی مشخص گردد.

سال ۱۳۳۲ شمسی برابر با ۱۹۵۳ میلادی

- ۱ - دالس وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که آمریکا هیچگونه پیشنهاد و راه حلی برای نفت ایران ندارد.
- ۲ - حائزی زاده رئیس فراکسیون آزادی از رئیس مجلس تقاضای اسلحه کرد که کاشانی آن را برای نخست وزیر فرستاد و یادآور شد که به علت عدم تأمین امنیت در کشور تحويل اسلحه به نایندگان اقلیت مجلس ضروری است.
- ۳ - سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهریانی توسط گروهی ریوده شد که پس از چند روز جنازه اش در غار تلو کشف گردید. دکتر مظفر بقائی کرمانی - حسین خطیبی - سرتیپ نصرالله زاهدی - سرتیپ علی اصغر مزینی - سرتیپ بایندر - بلوج قرائی و چند تن دیگر مورد اتهام قرار گرفتند.
- ۴ - شهریانی کل کشور اعلام داشت که سرلشگر زاهدی و دکتر مظفر بقائی درواقعه قتل افشار طوس دخالت داشته اند. به همین جهت سرلشگر زاهدی در مجلس متحصن شد و مورد استقبال آیت الله کاشانی قرار گرفت. وزیر دادگستری لایحه سلب مصونیت دکتر بقائی را به مجلس تقدیم داشت.
- ۵ - علاء وزیر دربار طی مصاحبه ای به روابط شاه و نخست وزیر اشاره کرد و گفت گله نخست وزیر از ارش و نافرمانی افسران درست نیست. شاهنشاه از هیچ دولتی به اندازه این دولت حمایت نکرده اند که مراتب مورد تأیید نخست وزیر قرار گرفته است. این امر منجر به استعفای وزیر دربارشد که به تقاضای نخست

- وزیر ابوالقاسم امینی به سمت کفیل وزارت دربار منصوب گردید.
- ۶ - دکتر معظمی به جای آیت الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب گردید.
- ۷ - ۲۷ تن از نمایندگان مجلس عضو فراکسیون ملی و ۲۵ نفر از نمایندگان دیگر استعفا کردند و با این طرز فعالیت مجلس شورای ملی متوقف گردید.
- ۸ - شاهدخت اشرف پهلوی به دستور دکتر مصدق به خارج از ایران تبعید شد.
- ۹ - ژنرال شوارتسکف آمریکائی برای گردش و دیدار دوستان خود و همچنین کرومیت روزولت برای امور تجاری به ایران وارد شدند. (اسناد منتشره حاکیست که آنها نقش مهمی در وقایع ۲۸ مرداد داشته‌اند.)
- ۱۰ - دراجتماع منزل آیت الله کاشانی زد خوردی روی داد که در نتیجه حدادزاده از طرفداران آیت الله کاشانی به قتل رسید.
- ۱۱ - دکتر معظمی رئیس مجلس از ریاست و نمایندگی مجلس استعفا کرد.
- ۱۲ - دکتر مصدق از مردم خواست که به رفراندم درباره انحلال مجلس رأی بدهند. درنتیجه با اخذ رأی درروز ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ در دو صندوق (موافق و مخالف) رفراندم مورد تأیید قرار گرفت. وزارت کشور اعلام کرد که آراء موافق دو میلیون و ۴۳ هزار و آراء مخالف ۱۲۰.۷ بوده است.
- ۱۳ - فرمان عزل دکتر مصدق از نخست وزیری و انتصاب سرلشگر زاهدی به نخست وزیری از طرف شاه صادر گردید. سرهنگ نصیری فرمانده گارد در نیمه شب ۲۴ مرداد برای ابلاغ فرمان به خانه مصدق رفت که از طرف گارد محافظ بازداشت گردید. دکتر مصدق طی اعلامیه ای این اقدام رایک کودتای نظامی نامید.
- ۱۴ - محمد رضا شاه پهلوی همراه ملکه ثریا و ابوالفتح آتابای

و خاتم خلبان هواپیما از کلاردشت به رامسر رفته با هواپیما عازم بغداد شدند.

۱۵ - دکتر حسین فاطمی و مهندس زیرک زاده و مهندس حق شناس که در نیمه شب ۲۴ مرداد بازداشت شده بودند صبح روز ۲۵ مرداد آزاد شدند. تظاهرات زیادی علیه شاه در کشور صورت گرفت و توده ایها (خواستار جمهوری دموکراتیک) شدند. دکتر فاطمی در متینک جبهه ملی در میدان بهارستان به شدت شاه و خانواده پهلوی را مورد حمله قرار داد و خواستار جمهوریت در ایران شد.

۱۶ - عده ای از افسران و همچنین دکتر بقائی و علی زهری و ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دریار و سلیمان بهبودی و هیراد و ارنست پرون بازداشت شدند. دکتر فاطمی کاخ های سلطنتی را مhero موم کرد.

۱۷ - هندرسون سفیر آمریکا با دکتر مصدق ملاقات نمود. گفته شد که نحس است وزیر را از نفوذ کمونیستها در کشور برحذرداشت.

۱۸ - روز ۲۸ مرداد تظاهراتی در تهران شروع و به خانه دکتر مصدق حمله شد. رادیو به تصرف مخالفین درآمد و دکتر مصدق و گروهی از وزراء با نرdban به خانه مهندس معظمی رفته و سرلشگر زاهدی در رادیو نخست وزیری خود را به اطلاع مردم رسانید.

۱۹ - سرلشگر زاهدی کابینه خودرا تشکیل داد و طی تلگرافی از شاه خواست که از رم به ایران بازگردد.

۲۰ - دکتر مصدق و همراهان توسط مأمورین انتظامی بازداشت و به باشگاه افسران نزد سرلشگر زاهدی برده شده و پس از چند روز اقامت در باشگاه افسران تحويل لشگر دو زرهی گردیدند.

۲۱ - محمد رضا شاه پهلوی از رم به بغداد آمده و مورد استقبال نایب السلطنه و مقامات دولت عراق قرار گرفت. در دیدار با ملک فیصل پادشاه عراق یک قبضه شمشیر مرصع به جواهرات به

شاه ایران تقدیم شد.

۲۲۷ - روز اول شهریور ماه پادشاه ایران با هواپیمای سلطنتی به فرودگاه مهرآباد وارد و مورد استقبال نخست وزیر قرار گرفته دولت جدید حضور شاهانه معرفی و به سرلشکر زاهدی درجه سپهبدی و نشان درجه اول تاج اعطا شد. سرهنگ نصیری نیز به درجه سرتیپی ارتقاء یافت.

۲۳ - پس از بازداشت دکتر مصدق، از طرف نخست وزیر اعلام شد که به فرمان شاه برای حفظ جان دکتر مصدق از هیچ‌گونه اقدامی خودداری نخواهد شد.

۲۴ - فرماندار نظامی از مردم تهران خواست که افراد زیر را برای بازداشت معرفی کنند: حسین فاطمی - دکتر آذر - زیرک زاده - حق شناس - ملک اسماعیلی - خلیل ملکی - کاظم حسیبی - گریم پور شیرازی و چند تن دیگر.

۲۵ - دولت زاهدی اعلام کرد که دولت دکتر مصدق مبلغ ۱۷ میلیارد و ۷۰۵ میلیون ویکصد و بیست هزار ریال برای ملت ایران بدهی باقی گذارده است.

۲۶ - سرهنگ خسروانی رئیس باشگاه تاج همراه قهرمانان باشگاه حضور شاه شرفیاب شدند. معظم له در پاسخ خطاب به رئیس باشگاه گفتند (من از ورزشکاران باشگاه تاج که در قیام ۲۸ مرداد شرکت کرده اند قدردانی می کنم و امیدوارم این سازمان بیش از پیش برای نیرومندی جوانان اقدام کند).

۲۷ - به فرمان شاه به ۱۲۲ نفر از شخصیت های ورزشی و قهرمانان و مدیران باشگاهها نشان و مدال داده شد.

۲۸ - آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا مبلغ ۴۵ میلیون دلار کمک بلا عوض در اختیار ایران گذارد.

۲۸ - به دستور اعلیحضرت مقرر شد هر هفته دویست تن از افسران با بانوان خود در کاخ سلطنتی با شاه و ملکه صرف چای

کنند.

- ۲۹ - به فرمان شاه مقرر شد که املاک پهلوی با شرایطی به دولت واگذار شود و درآمد آن به نفع مردم به مصرف برسد. بهمین مناسبت هیئت وزیران باجرای قانون مصوب ۲۰ تیرماه ۱۳۲۸ وضع املاک را به صورت سابق درآورد.
- ۳۰ - محمدرضاشاه پهلوی در مراسم عزاداری ماه محرم که از طرف دریار در کاخ گلستان تشکیل شده بود شرکت نمود. ضمنا برای زیارت حرم حضرت رضا عازم مشهد شد.
- ۳۱ - متن ادعانامه دادستان علیه دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی منتشر و برای آنان تقاضای اعدام شد.
- ۳۲ - دکتر امینی وزیردارائی اعلام کرد که دولت سابق برادر آشتفتگی اوضاع مالی سه میلیارد و صد و بیست میلیون ریال اسکناس منتشر ساخته است.
- ۳۳ - وارن رئیس اصل چهار چکی به مبلغ ۴ میلیون و هفتصدو پنجاه هزار دلار در اختیار وزیر دارائی گذارد.
- ۳۴ - محاکمه دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی از آبان ماه در دادگاه نظامی شروع شد.
- ۳۵ - دادگاه جنائی فرمانداری نظامی کلیه متهمین به قتل افشار طوس را تبرئه کرد.
- ۳۶ - محاکمه دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی در آذرماه به پایان رسید. دکتر مصدق به سه سال زندان مجرد و سرتیپ ریاحی به دو سال حبس تأدیبی محکوم شدند.
- ۳۷ - ملکه مادر پس از یکسال و نیم دوری از کشور به ایران بازگشت. در ایستگاه راه آهن مورد استقبال شاه قرار گرفت.
- ۳۸ - اعلامیه مشترک ایران و انگلستان در روز ۱۴ آذر دایر به برقراری روابط مجدد بین دوکشور انتشار یافت.
- ۳۹ - هنگام ورود ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور

آمریکا به ایران تظاهراتی در تهران علیه او صورت گرفت.
۴ - روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در تظاهرات دانشجویان
در دانشگاه تهران بین آنان و مأمورین نظامی زدو خوردی در گرفت.
که در اثر تیراندازی نظامی ها سه تن از دانشجویان (مصطفی
بزرگ نیا - مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی) کشته شدند.
بهمن جهت همه ساله دانشجویان دانشگاه به یاد بود این روز
تظاهراتی برپا می کردند.

۴ - در مخالفت با حکومت زاهدی و رژیم بعد از مرداد ۳۲
گروه هائی تشکیل گردید که اسمی فعالین آنها چنین است: عزت
الله سحابی - عباس شبیانی - جهانگیر عظیما - حیدر رقابی
(الله) - ابراهیم یزدی - مصطفی چمران - باقر رضوی - مسعود
حجازی - رضا کاشفی - ابوالقاسم قندھاریان - حاج حسن
شمیری - عباس رادنیا - حاج حسن قاسمیه - ابراهیم کریم
آبادی - حاج نوروزعلی لباسچی - احمد توانگر - حاج محمود
مانیان - حسین شاه حسینی - عباس سمیعی - حاج غلامحسین
اتفاق - حاج احمد حریری - فولادی و عده ای دیگر.

از روحانیون سید محمود طالقانی - سید ضیاء الدین حاج
سید جوادی - جلالی موسوی - شیخ آقا بزرگ تهرانی و غروی.
شخصیت های فعال سیاسی نیز چنین بودند: دکتر شاپور
بختیار - داریوش فروهر - دکتر سنگابی - محمد علی خنجی -
محمد نخشب - دانشپور - حسین راضی - علی اکبر نوشین -
مهندس مهدی بازرگان - فتح الله بنی صدر - حسن نزیه -
سید محمد صادق رضوی - محمد پورستیپ - محمدحسن خرمشاھی
- حسین سکاکی - رحیم عطائی - نصرت الله امینی - اصغر
گیتنی بین - رحیم شریفی - دکتر اخوی - ابوالفضل مرتاضی -
شکیب نیا - باقر رضوی - احمدزاده - علی شریعتی - آسایش -
عاملی زاده - دکتر عبدالله معظمی - دکتر عبدالحسین اردلان -

- دکتر شمس الدین امیرعلائی - باقر کاظمی - مهندس احمد زنگنه - مهندس کاظم حسیبی - حاج سید رضا فیروزآبادی - دکتر کمال جناب - دکتر محمد قریب - دکتر اسدالله بیژن - مهندس ابوطالب گوهریان و عده ای دیگر. کمیته نهضت ملی برای فعالیت مخفی عبارت بودند از: (آیت الله طالقانی - دکترمعظمی - دکتر بختیار - دانشپور - خلیل ملکی - خنجی - رحیم عطائی.)
- ۴۲ - فرمان انحلال مجلسین شورا و سنا به دولت ابلاغ گردید و طی آن چنین قید شده بود: (چون اکثریت نمایندگان مجلس استعفا داده و عملاً مشروطیت تعطیل شده بود بنا براین مجلسین منحل و دولت موظف است که انتخابات را تجدید نماید). بلاfacله از طرف دولت دستور شروع انتخابات صادر گردید.
- ۴۳ - اولین جلسه کمیسیون نفت با شرکت عبدالله انتظام - دکتر علی امینی - دکتر فخرالدین شادمان - نصرالله انتظام - محمد نمازی درکاخ وزارت خارجه تشکیل گردید.
- ۴۴ - راجر استیونس سفیر انگلستان وارد تهران شده حضور شاه شرفیاب گردید.
- ۴۵ - محمدرضا شاه پهلوی بدون اطلاع قبلی در قریه رودهن به خانه یک روستائی رفته و در کنار خانواده روستائی همراه ملکه ثریا روی زمین نشسته و به صرف چای پرداختند و یک صد دست لباس بین فرزندان بی بضاعت تقسیم کردند.
- ۴۶ - دکتر فاطمی دریکی از خانه های تحریش دستگیر شد.
- ۴۷ - ابراهیم حکیمی به ریاست مجلس سنا و سردار فاخر حکمت به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند.
- ۴۸ - روز ۲۳ اسفند ۱۳۳۲ کریم پورشیرازی در زندان به علت سوتگی درگذشت. مخالفین گفتند او را در زندان سوزانیده اند ولی مقامات رژیم آن را تکذیب کردند.

سال ۱۳۳۳ شمسی برابر با ۱۹۵۴ میلادی

- ۱ - در مراسم سلام عید نوروز شاه گفت: (قبل از هر چیز لازم است به فکر مردم بود. همه کارها در دست دولت و مقامات قانونی می باشد. من از مشقت هائی که تحمل کرده ام در عزم به خدمتگذاری مردم راسخ تر شده ام).
- ۲ - نمایندگان کمپانیهای نفتی (آمریکا - انگلستان - فرانسه - هلند) همراه با قرارداد نفتی کنسرسیوم به تهران وارد شدند. هیئت نفتی ایران در این مذاکره عبارت بودند: از دکتر علی امینی - مرتضی قلی بیات - فتح الله نوری اسفندیاری.
- ۳ - پس از تشکیل مجلسین سنا و شورای ملی، سپهبد زاهدی استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد. در هر دو مجلس به دولت رأی اعتماد داده شد.
- ۴ - محکمه تجدید نظر دکتر مصدق پایان یافت و دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی هر کدام به سه سال زندان محکوم شدند.
- ۵ - به پیشنهاد شهردار تهران میدان مخبرالدوله به میدان (مرداد) تغییر نام یافت.
- ۶ - نحسین گلنگ بنای مسجد لندن با حضور نمایندگان ۱۲ کشور مسلمان از جمله ایران به زمین زده شد.
- ۷ - طرح الغای قانون مصادره احمد قوام بدواناً در مجلس شورای ملی و سپس در مجلس سنا به تصویب رسید.
- ۸ - از طرف سازمان برنامه دریاره فروش قسمتی از کارخانجات دولتی اعلامیه ای منتشر شد که غیر از کارخانه های (قند - قماش - سیمان و پنبه) بقیه فروخته خواهد شد.
- ۹ - مجلس سنا الغای قوانین موقتی انحلال دیوان کشور و دادرسی ارتش را که به تصویب مجلس رسیده بود مورد تأیید قرار داد.

- ۱۰ - نایندگان مجلسین سنا و شورای ملی به طور جداگانه حضور شاه شرفیاب شدند. شاه گفت: (باعنایت پروردگار و نهضت حقیقی مردم و قیام دلیرانه آنها در روز ۲۸ مرداد ثابت شد که ایران همواره زنده و جاوید خواهد بود)
- ۱۱ - لایحه تثبیت پشتوانه اسکناس در مجلسین تصویب و به دولت ابلاغ گردید.
- ۱۲ - اعلامیه مشترک هیئت نایندگی ایران و کنسرسیوم نفت در تهران و واشنگتن ولندن و پاریس منتشر گردید که پس از چهارماه مذاکرات با نتیجه مثبت پایان یافت. چرچیل نخست وزیر انگلستان این موقیت را به شاه ایران تبریک گفت.
- ۱۳ - روز پنجم مهرماه ۱۳۳۳ دکتر علی امینی وزیردارائی قرارداد منعقده با کنسرسیوم را تقدیم مجلس کرد. به دنبال تقدیم قرارداد نفتی با کنسرسیوم به مجلس، عده‌ای از دانشگاهیان و طرفداران جبهه ملی طی نامه‌های کتبی به آن اعتراض کردند و قرارداد را مخالف قانون ملی شدن صنعت نفت اعلام داشتند. ۱۱ تن از استادان دانشگاه از کار برکنار شدند آن عده شرکت (یاد) را تشکیل دادند. همچنین در مخالفت با قرارداد نفتی کنسرسیوم بیانیه‌ای به زبان فرانسه از طرف دکتر معظمی - باقر کاظمی - دکتر امیرعلانی - دکتر سعید فاطمی منتشر گردید که موجب دستگیری و تبعید آنان شد.
- ۱۴ - روز ۲۱ مرداد ۳۳ بادستگیری سروان اخراجی ابوالحسن عباسی اسناد و مدارک و اسامی اعضای سازمان نظامی حزب توده ایران کشف شد. سرهنگ سیامک و سرهنگ مبشری و سروان خسرو روزبه از رهبران شاخه نظامی دستگیر شدند. سرگرد بهرامی که جزو این گروه بود درخانه خود خودکشی کرد. دادستان ارش اگفت سرهنگ مبشری که قبل از دادیار دادستانی ارتش بوده از رهبران سازمان نظامی حزب توده می‌باشد که جزو دستگیر شدگان

است. هدف آنها تغییر رژیم بوده و قصد آتش زدن فرودگاه قلعه مرغی را داشتند. حسین فاطمی نیز توسط آنها مخفی شده بود. همچنین مرکز چاپ و نشر روزنامه های حزب توده نیز به دست آمد.

۱۵ - محاکمه دکتر حسین فاطمی و مهندس احمد رضوی در دادگاه نظامی شروع شد.

۱۶ - دادگاه نظامی ۱۲ تن از افسران توده ای را محکوم به اعدام نمود. همچنین حسین فاطمی را به اعدام محکوم کرد. دکتر شایگان و مهندس رضوی به حبس ابد محکوم شدند. کلیه محکومان تقاضای تجدید نظر کردند.

۱۷ - دسته اول افسران توده ای که محکوم به اعدام شده بودند روز ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ در لشکر دو زرهی اعدام شدند که عبارتند از: سرهنگ سیامک - سرهنگ مبشری - سرهنگ عزیز نمینی - سرگرد عطارد - سرگرد وزیریان - سروان مدنی - سرگرد راعظ قائمی - سروان شفا - ستوان افراخته - مرتضی کیوان (غیرنظامی) ضمنا دسته دوم افسران نیز که ۱۲ نفر بودند به اعدام محکوم شدند. همچنین محاکمه آنها تا دهمین گروه صورت گرفت که تعدادی به اعدام و گروهی به حبس های مختلف محکوم گردیدند.

۱۸ - روز پنجم آبان هنگامی که هواپیمای شاهپور علیرضا پهلوی از گرگان به سوی تهران می آمد ناپدید گردید. معلوم شد در سانحه هوائی کشته شده است.

۱۹ - دادگاه تجدید نظر نظامی حکم اعدام حسین فاطمی را تأیید و مهندس رضوی و دکتر شایگان را به ده سال زندان محکوم ساخت. دکتر حسین فاطمی روز ۱۹ آبان در میدان لشکر دو زرهی تیرباران شد.

۲۰ - به دنبال کشف انبارهای اسلحه حزب توده و ادامه محاکمه افسران نظامی عضوسازمان و اعدام تعدادی از آنها، گروهی از محکومین به اعدام مورد عفو قرار گرفتند.

- ۲۱ - به دنبال انعقاد قرارداد نفت بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم نفتی اعلام شد که درآمد نفتی ایران از هریشکه حدود ۴ برابر سابق شده است. سپهبدزاوه‌ی گفت که به امر شاهنشاه عواید نفت صرف بهبود وضع زندگی مردم و کارهای عمرانی خواهد شد.
- ۲۲ - مجلس شورای ملی طی ماده واحده ای کلیه لواح مصوب دکتر مصدق نخست وزیر سابق را که با استفاده از قانون اختیارات تصویب شده بود لغو کرد.
- ۲۳ - به دنبال فوت شاهپور علیرضا پهلوی و پیشنهاد چند تن از سناتورها کاخ والاحضرت برای احداث ساختمان مجلس سنا درنظر گرفته شد تا ساختمان مناسبی برای مجلس سنای ساخته شود. کاخ مزبور سی و پنج میلیون و ۲۱۰ هزار ریال خریداری شد.
- ۲۴ - اسناد مالکیت نهصد نفر از کشاورزان گنبد کاووس در کاخ مرمر از طرف شاه به آنها اعطا شد.
- ۲۵ - به مناسبت سفر شاه به آمریکا اولین جلسه شورای سلطنت به ریاست معظم له تشکیل شد.
- ۲۶ - روز پنجم آذر هواپیمای شاه در فرودگاه نیویورک به زمین نشست و سفر رسمی به آمریکا آغاز شد.
- ۲۷ - به منظور تقسیم املاک و مستغلات پهلوی سازمانی به نام بنگاه کل تقسیم املاک سلطنتی تأسیس شد
- ۲۸ - با اعطای مبلغی از طرف محمدرضا شاه پهلوی به وزارت جنگ فرزندان محاکومین تحت سرپرستی آن وزارت خانه قرار گرفتند که هزینه تحصیل آنان پرداخت شود.
- ۲۹ - روز ۲۱ آذر مراسم رژه در مقابل اعضای شورای سلطنت برگزار شد.
- ۳۰ - ژنرال آیزنهاور در مصاحبه مطبوعاتی از سفر شاه ایران به آمریکا تجلیل کرد.
- ۳۱ - هیئت وزیران تصویب کرد که فرمانداری کل بنادر و

جزایر خلیج فارس و بحر عمان تأسیس شود.

۳۲ - طبق اظهار مقامات انتظامی کلیه سازمانهای مخفی حزب توده از نظامی و غیرنظامی و تشکیلات جوانان و زنان کشف شده و گروهی دستگیر که محاکمه آنها در دادگاه های نظامی ادامه دارد.

۳۳ - درمراجعت شاه ایران از آمریکا مملکه انگلستان ضیافتی به افتخار معظم له داد. ایرانیان مقیم انگلستان نیز بدیدار شاه رفته مورد تقدیر قرار گرفتند.

۳۴ - لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری از طرف کمیسیون مشترک مجلسین موردن تصویب قرار گرفت.

۳۵ - در آلمان نیز ریاست جمهوری آلمان ضیافتی به افتخار شاه ایران برپا نمود. شاه از آلمان عازم عراق گردید.

۳۶ - با تصویب مجلسین مقرر شد از معاملات ثبتی یکهزارم برای کمک به شیروخورشید سرخ ایران وصول شود.

سال ۱۳۳۴ شمسی برابر با ۱۹۵۵ میلادی

۱ - سپهبد زاهدی نخست وزیر استعفا کرد و فرمان همایونی دایر به تقدیر از خدمات و خدمات ایشان صادر گردید. زاهدی با عنوان سفیر ایران در دفتر اروپائی سازمان ملل عازم اروپا شد. حسین علاء مأمور تشکیل کابینه و عبدالله انتظام نایب نخست وزیر گردید.

۲ - دولت طی اطلاعیه ای اعلام کرد که کلیه اراضی موات متعلق به دولت است و کسانی که آن را تصرف کنند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

۳ - دکتر عبده ناینده ایران در کنفرانس باندوك گفت اگر در سال ۱۹۴۶ سازمان ملل متحد اقدام نمی کرد یکی از مهمترین

استان های ایران از دست رفته بود.

۴ - به علت تظاهراتی علیه فرقه بهائی روز ۱۶ اردیبهشت گروهی حظیره القدس مرکز بهائیها اشغال کردند که بعداً تبدیل به مرکز فرمانداری نظامی شد. در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی در این باره مذاکراتی صورت گرفت.

۵ - پنج تن از روحانیون نیز حضور شاه شرفیاب شده خواستار محدودیت فعالیت بهائیان شدند. شاه اظهارداشت که به دولت دستوراتی داده خواهد شد که موجب رضایت علماء گردد. دولت نیز در این باره گزارشی به مجلس داد. علم وزیر کشور گفت به استانداران و فرمانداران دستور داده شده که جلوی مراگز فتنه گرفته شود.

۶ - گروهی از محافظین خانه دکتر مصدق که بعداز ۲۸ مرداد بازداشت شده بودند آزاد شدند.

۷ - اولین کلنگ مسجد دانشگاه تهران از طرف شاه به زمین زده شد.

۸ - روزدهم خرداد یازده تن طلای ایران پس از ۸ سال مذاکره با مقامات شوروی در مرز جلفا تحويل مقامات ایرانی شد.

۹ - مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورای ملی که به ده سال زندان محکوم شده بود از شاه تقاضای عفو کرد که مورد قبول واقع شد و مدت زندان به دوسال تقلیل یافت.

۱۰ - لایحه امنیت اجتماعی از طرف کمیسیونهای مشترک مجلسین به تصویب رسید.

۱۱ - مذاکرات مربوط به تصفیه محاسبات ایران و شوروی پایان یافت. دولت ایران هشت میلیون و ۷۵۰ هزار دلار از شوروی دریافت خواهد داشت.

۱۲ - دانشگاه تهران جشن بیست و دومین سالگرد تأسیس خودرا با حضور شاه و جلال بایار رئیس جمهور ترکیه برگزار کرد.

۱۳ - علاء نخست وزیر لایحه الحق ایران به پیمان همکاری متقابل ایران و ترکیه و عراق را که دولت های انگلستان و پاکستان نیز به آن ملحق شده اند روز ۱۹ مهرماه طی ماده واحده ای تقدیم مجلس کرد که به (پیمان بغداد) مشهورشد.

۱۴ - دولت شوروی طی یادداشت کتبی درباره امضای قرارداد همکاری به دولت ایران اعتراض نمود. ایران پاسخ داد که این اقدام براساس مقررات منشور سازمان ملل متعدد می باشد و درجهت تحکیم صلح درمنطقه است. پیمان مذبور مورد تأیید و تنفیذ مجلسین نیز قرارگرفت.

۱۵ - روز ۱۴ آبان با پیام شاه اولین دوره دکترای حقوق دانشگاه تهران توسط دکتر اقبال رئیس دانشگاه تهران افتتاح شد.

۱۶ - روز ۲۵ آبان هنگامی که علاء نخست وزیر برای برچیدن ختم سیدمصطفی کاشانی به مسجد شاه می رفت از طرف مظفر ذوالقدر عضو فدائیان اسلام مورد اصابت گلوله قرارگرفت و چون تیردوم در لوله گیر کرده بود شلیک نشد نخست وزیر نجات پیدا کرد و روز بعد با سرباند پیچی شده عازم عراق شد تا در جلسات پیمان بغداد شرکت کند.

۱۷ - به دنبال سوء قصد به حسین علاء چون مظفر ذوالقدر سوء قصردا به دستور رهبر فدائیان اسلام اعلام کرده بودنواب صفوی دستگیر شد. همچنین خلیل طهماسبی قاتل رزم آرا که حکم بخشودگی اش لغو گردیده بود بازداشت شد. عبدالحسین واحدی حین فرار با ضرب گلوله کشته شدساير متهمين محاكمه و اعدام شدند. آيت الله کاشانی برای دادن توضیحاتی به دادستانی نظامی احضار شد.

۱۸ - دکتر مرتضی یزدی که دردادگاه نظامی محکوم به اعدام شده بود با تقاضای عفو از شاه بخشوده و آزاد گردید.

۱۹ - سرگرد کوزنتسف وابسته نظامی شوروی در تهران به

اتهام جاسوسی با خانواده خود از ایران اخراج شد.

۲۰ - آیت الله کاشانی و دکتر مظفریقائی و محمود نریمان که

به اتهام مشارکت در ترور رزم آرا بازداشت شده بودند با قید التزام از زندان آزاد شدند. همچنین دکتر شایگان باتفاقاً عفو و گروهی از

افسران سازمان نظامی حزب توده بخسوده شده از زندان آزاد شدند.

۲۱ - شرح حال رضا شاه پهلوی زیر عنوان (مردان خود ساخته) به قلم محمدرضا شاه پهلوی منتشر گردید.

۲۲ - دولت علاء در مجلس استیضاح شد.

۲۳ - سید حسن تقی زاده بار دیگر به ریاست مجلس سنا انتخاب گردید.

سال ۱۳۳۵ شمسی برابر با ۱۹۵۶ میلادی

۱ - دومین شورای پیمان بغداد در تالار وزارت امور خارجه ایران افتتاح گردید

۲ - اعضای کمیسیون عمران خوزستان همراه ابوالحسن ابتهاج مدیر عامل سازمان برنامه حضور شاه رفته و طرح عمران منطقه را به استحضار رسانیدند.

۳ - چاپخانه بزرگ حزب توده در نارمک توسط مأمورین انتظامی کشف شد که در آن نشریات حزب محترمانه به چاپ می‌رسید. چندتن از کسانی که در آن محل سکونت داشتند دستگیر شدند.

۴ - به مناسبت سفر شاه به ترکیه از معظم له تجلیل خاصی شد و دانشگاه استانبول دکتراً افتخاری به پادشاه ایران تقدیم داشت.

۵ - کلاس درس تاریخ و فرهنگ ایران در دانشگاه کلمبیا (در آمریکا) افتتاح شد و شاه ایران مبلغ ۲۵ هزار دلار به این کار کمک کرد.

۶ - نوزدهمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی با سخنان شاه افتتاح شد.

۷ - دکتر منوچهر اقبال رئیس دانشگاه تهران به سمت وزیر دربار منصوب شد.

۸ - بزرگترین چاه نفت جهان در آغازاری مورد بهره برداری قرار گرفت که توسط مهندسین ایرانی و آمریکائی تا عمق ۶۸۰۰ پا حفر شده بود و روزانه می‌توان ۵ هزار بشکه نفت از آن استخراج کرد.

۹ - به دعوت مارشال ورشیلف، پادشاه ایران عازم سوروی شد. شاه ایران در فرودگاه مسکو، مورد استقبال رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر سوری و مقامات آن کشور قرار گرفت و از آرامگاه لنین و استالین بازدید به عمل آمد.

۱۰ - به مناسب انتخاب جمال عبدالناصر به ریاست جمهوری مصر شاه ایران تلگراف تبریکی فرستاد.

۱۱ - محمد رضا شاه پهلوی به نایندگان دومجلس گفت: (مطلقاً نباید به حریم قانون اساسی ایران تجاوز شود، من همیشه دراین اعتقاد باقی هستم).

۱۲ - وزیر دادگستری به حضور شاه رسید و محمد سوروی را به سمت رئیس دیوان عالی کشور و جواد عامری را به سمت دادستان کل کشور معرفی نمود.

۱۳ - طبق اطلاعات منتشره در نشریات مختلف در حدود ۶۰۰ تن از اعضای سازمان نظامی حزب توده که دستگیر شده بودند پس از محاکمه ۶۹ نفر محکوم به اعدام شدند که حکم درباره ۲۷ نفر اجرا گردید. ۹۲ تن به حبس ابد - ۱۱۹ نفر به ۱۵ سال زندان - ۷۹ نفر به ۱۰ و بقیه بین یک تا ۷ سال محکومیت یافتند. حدود شصت و چهار نفر بخسوده و آزاد شدند. (هیچگونه سند رسمی درباره تعداد اعدام شدگان و محکومین در دسترس نیست)

۱۴ - در شرقيابي قهرمانان کشور پادشاه بازوبند قهرمانی کشور را به بازوی عباس زندی بستند که سه سال پی در پی به مقام قهرمانی رسیده بود.

۱۵ - اولين کنفرانس نخست وزیران و وزیران امور خارجه کشورهای عضو پیمان بغداد در کاخ نخست وزیری در تهران تشکیل و تصمیماتی اتخاذ گردید. جلسه نهائی کنفرانس با حضور پادشاه ايران و اسکندر ميرزا رئيس جمهوري پاکستان در کاخ مرمر تشکیل شد. نخست وزیران ايران و پاکستان و تركيه به دنبال اجتماع خود در تهران طی اعلاميه اي حمله اسرائييل به خاك مصر را محکوم کرده و خواستار پايان عملیات نظامي در آن کشور شدند.

۱۶ - تيموريختيار (سپهبد بعدی) به رياست سازمان امنيت (ساواك) منصوب شد.

۱۷ - روز ۲۲ آبان اعلاميه دربار شاهنشاهي درباره نامزدي شاهدخت شهناز پهلوی با اردشیر زاهدي انتشار یافت.

۱۸ - هيئت وزیران با نصب اولين فرستنده تلویزیونی به پيشنهاد شركت ثابت پاسال موافقت کرد.

۱۹ - ساختمان راه آهن مشهد پایان یافت و اولین قطار مسافري وارد آن شهرستان شد. طول اين راه ۹۲۶ کيلومتر می باشد.

۲۰ - لايحه سازمان اطلاعات و امنيت اجتماعي به تصويب نهائي سنا رسيد. رئيس سازمان امنيت معاون نخست وزير خواهد بود.

۲۱ - اعلاميه مشترك ايران و شوروی درباره واگذاري تأسيسات نفت خوريان به ايران منتشر گردید که بلاعوض خواهد بود.

۲۲ - با اعلام استقلال کشورهای تونس - مراكش - ليبي و کشورهای ساحل طلا، عبدالله انتظام نایب نخست وزير مأموریت

یافت که برای تهیه گزارش و برقراری روابط سیاسی به آن کشورها مسافرت کند.

۲۳ - در مراسم سلام شاه اظهار داشت: (مقدمات پیشرفت کار از هرجهت فراهم شده، عناصر نامطلوب سرکوب شده اند و شرایط برای انجام خدمت آماده است).

۲۴ - مراسم اعطای نشان جاوید به بازماندگان افسران شهید دریاچه افسران با حضور شاه برگذار گردید.

۲۵ - به فرمان شاه ۱۱۹ نفر از افسران سازمان نظامی حزب توده که ۱۵ سال محکومیت داشتند مورد عفو قرار گرفتند.

سال ۱۳۳۶ شمسی برابر با ۱۹۵۷ میلادی

۱ - یک دسته از سارقین یاغی به سرکردگی دادشاه در ۱۲۰ کیلومتری جنوب ایرانشهر در (تنگه سرخ) به اتومبیل حامل رئسای آمریکائی اصل چهار کرمان و بلوچستان حمله کرده و آنها را کشته و یک زن آمریکائی را با خود برداشتند. یک مهندس ایرانی نیز در این حادثه کشته شد.

۲ - روز ۱۴ فروردین حسین علاء از نخست وزیری استعفا کرد و بلاfacسله با سمت وزیر دربار به کار مشغول شد.

۳ - دکتر منوچهر اقبال وزیر دربار نیز فرمان نخست وزیری دریافت داشته کابینه خود را به حضور شاه معرفی کرد.

۴ - در شرکتیابی نایندگان مجلس سنا شاهنشاه گفتند: (TAMOQUNI که من زنده هستم باید تشکیلات ثابت و پایداری در مملکت به وجود آید. باید احبابی که مردم شان به نفع مملکت و استقلال کشور باشد تأسیس شوند).

۵ - فرمان تشکیل کنگره (مجلسین سنا و شورای ملی) توشیح شد و دولت مکلف گردید موجبات تشکیل آن را فراهم سازد.

- ۶ - روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۶ کنگره (نمایندگان مجلسین سنا و شورایملی) به ریاست صدرالاشراف تشکیل شد و طبق اجازه مجلس مؤسسان تغییراتی در قانون اساسی داد که دوره نمایندگی سناتورها و وکلا چهار سال شد. ضمناً نمایندگان دوره نوزدهم خود را مشمول آن قانون ساخته و چهار سال به نمایندگی ادامه دادند.
- ۷ - محمد رضا شاه پهلوی عنوان ریاست افتخاری باشگاه بین المللی لاینر را پذیرفتند.
- ۸ - قرارداد نفت بین ایران با شرکت (انی) در ایتالیا منعقد گردید. اعلام شد ۷۵ درصد از درآمد حاصله به ایران تعلق خواهد گرفت که در کشورهای نفتی انعکاس مهمی داشت.
- ۹ - در حضور شاه لایحه تقسیمات کشوری مطرح و کشور به ۱۴ استان تقسیم گردید. علاوه بر استان های کردستان و لرستان و سیستان برخی از بنادر و جزایر نیز به صورت یک استان در آمد. بحرین استان چهاردهم ایران نامیده شد.
- ۱۰ - دولت دکترا قبائل تصمیم گرفت که هیئت دولت مرتباً به استان های مختلف کشور سرکشی کند و اولین استان مورد بازدید سیستان و بلوچستان بود که نخست وزیر و هیئت دولت روز ۲۸ آبان عازم آن منطقه گردیدند.
- ۱۱ - فروشگاه فردوسی در خیابان فردوسی از جانب پادشاه ایران افتتاح شد. این نخستین فروشگاه بزرگ در تهران بود.
- ۱۲ - دکترا قبائل در مجلس از طرف دکتر حسین پیرنیا مورد استیضاح قرار گرفت. مجلس به دولت دکترا قبائل رأی اعتماد داد.
- ۱۳ - در زدو خورد باماموران انتظامی دادشاه کشته شد. برادرش نیز دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه نظامی اعدام گردید.
- ۱۴ - از محل پذیره نفت هفتصد میلیون تومان به توسعه امور صنعتی و کشاورزی اختصاص داده شد.
- ۱۵ - روز ۲۳ اسفند اعلامیه وزارت درباره جدائی

شاه و ملکه ثریا انتشار یافت. این امر برای آینده سلطنت مشروطه سلطنتی اعلام شد که باتأسف فراوان به علت نداشتن فرزند تصمیم به جدائی گرفته شد.

۱۶ - سرلشکرولی قرنی به اتهام کودتا در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد. (در جمهوری اسلامی به ریاست ستاد ارتش منصوب شد و پس از کناره گیری توسط گروه فرقان به قتل رسید).

سال ۱۳۳۷ شمسی برابر با ۱۹۵۸ میلادی

۱ - فرمان شاه درباره تأسیس مؤسسه خیریه بنیاد پهلوی صادر گردید.

۲ - راه آهن (تهران-تبریز) با حضور شاه افتتاح شد.

۳ - دکتر اقبال نخست وزیر قرارداد نفتی با شرکت نفتی ایندیاناپولیس و پان آمریکن را تقدیم مجلس کرد.

۴ - کنفرانس سران کشورهای عضو پیمان بغداد در آنکارا تشکیل شد. شاه ایران - جلال بایار - اسکندر میرزا و نخست وزیران و وزرای خارجه ایران و ترکیه و پاکستان در آن شرکت داشتند. به علت کودتای عبدالکریم قاسم در عراق از آن کشور هیچکس شرکت نکرد.

۵ - دربار ایران به مناسبت قتل ملک فیصل و عبدالله نایب السلطنه و نخست وزیر عراق با ابراز تأسف پرچم خود را نیمه افراشته نمود.

۶ - دکتر اقبال نخست وزیر در رأس هیئتی برای شرکت در کنفرانس نخست وزیران پیمان بغداد به لندن رفت. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد که نام پیمان به (ستتو) یا پیمان مرکزی تغییر

یابد.

- ٧ - ساختمان جدید فرودگاه مهرآباد تهران توسط شاه ایران افتتاح شد. هزینه آن ۵۲۳ میلیون ریال بود.
- ٨ - نخستین کشتی نفتی ایران به نام (رضاشاه کبیر) در هلند به آب انداخته شد.
- ٩ - طبق دستور شاه جلسه مصاحبه مطبوعاتی ماهیانه در وزارت دریار تشکیل شد و نخستین جلسه در روز شنبه ۱۸ شهریور ماه صورت گرفت.
- ١٠ - اولین ایستگاه تلویزیونی ایران توسط پادشاه افتتاح شد.
- ١١ - از طرف دولت برای رسیدگی به اموال و دارائی کارمندان لایحه ای به مجلس داده شد (از کجا آورده ای؟) که کارمندان دولت و نمایندگان مجلسین در انجام معاملات و تجارت محدودیت یافته‌ند. دریار شاهنشاهی هم اعلام کرد خانواده سلطنتی نیز مشمول این قانون خواهند بود.
- ١٢ - بازرسی شاهنشاهی تشکیل گردید و سپهبد مرتضی یزدان پناه به ریاست آن منصوب شد.
- ١٣ - مجلس شورای ملی روز نهم اسفند را (روز ملت) و روز ۲۸ مرداد را (روز قیام ملی) نامگذاری کرد.
- ١٤ - به دنبال تأسیس دو حزب ملیون و مردم به رهبری دکتر اقبال و امیر اسدالله علم روز نهم اسفند ۱۳۳۷ متنینگی در میدان جلالیه برگزار شد. نمایندگان دو حزب حضور شاه شرفیاب شده و اقدامشان مورد تأیید قرار گرفت.

سال ۱۳۳۸ شمسی برابر با ۱۹۵۹ میلادی

۱ - شورای عالی زنان تأسیس شد و اساسنامه آن با حضور

- شاهدخت اشرف پهلوی مورد بررسی قرار گرفت.
- ۲ - قانون تأسیس هوایپمائی ملی و هوایپمائی پارس از تصویب مجلسین گذشت.
- ۳ - به فرمان شاه بقایای جسد نادرشاه در آرامگاه نادر در مشهد دفن گردید.
- ۴ - جواهر لعل نهرو و دخترش ایندیا گاندی به دعوت رسمی وارد ایران شدند و مورد استقبال دکترا قبال نخست وزیر قرار گرفتند.
- ۵ - دکترا قبال نخست وزیر در جلسه افتتاحیه شورای مرکزی پیمان مرکزی در آمریکا گفت: این پیمان برای ثبت صلح در خاور میانه به وجود آمده است و دولت ایران در تعیین آن می کوشد.
- ۶ - از طرف دربار شاهنشاهی اعلامیه عقد ازدواج شاهدخت فاطمه پهلوی با سرلشگر محمد خاتمی (خاتم) انتشار یافت.
- ۷ - ساعت ۵ بعداز ظهر روز اول آذر ماه مراسم نامزدی محمدرضا شاه پهلوی با دوشیزه فرج دیبا در کاخ اختصاصی برگزار شد.
- ۸ - روز ۱۴ آذرماه دکترا قبال حضور شاه شرفیاب گردید. علی اکبر ضرغام را به سمت وزیر دارائی - دکتر غلامرضا کیان را به سمت معاون پارلمانی - دکتر مصطفی الموتی را به سمت معاون نخست وزیر و سرپرست بازرگانی نخست وزیر - نصرت الله معینیان را به سمت معاون نخست وزیر و سرپرست تبلیغات و رادیو معرفی کرد. بعده موسی خطاطان به سمت وزیر گمرگات تعیین گردید.
- ۹ - روز ۲۲ آذر آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا وارد تهران شد و مورد استقبال شاه و هیئت دولت قرار گرفت. آیزنهاور در کاخ سنا با حضور نایندگان مجلسین و اعضای هیئت دولت نطقی ایراد کرد. خیابان بین فرودگاه مهرآباد و میدان ۲۴ اسفند (آیزنهاور) نامیده شد.
- ۱۰ - به مناسبت تحریکات مرزی در مرز ایران و عراق دولت

ایران به دولت عبدالکریم قاسم به شدت اعتراض کرد و روابط دو کشورتیره شد.

۱۱ - شیخ عثمان نقشبندی رهبر فرقه نقشبندی که از عراق به ایران مهاجرت کرده بود حضور شاه شرفیاب شد و وفاداری پانصد هزارنفر ایل نقشبندی را اعلام داشت.

سال ۱۳۳۹ شمسی برابر با ۱۹۶۰ میلادی

۱ - دومین کارخانه اتموبیل سازی به نام شرکت سهامی خاور با سرمایه ۲۶ میلیون ریال تأسیس شد.

۲ - کنفرانس دیپلماتهای ایران در ژنو در حضور شاه تشکیل شد. در این کنفرانس سیاست خارجی ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت: (شاه ایران گفت ایران پایدارترین کشور خاورمیانه است).

۳ - اعلامیه درباره عقد واژدواج شاخدشت اشرف پهلوی با دکتر مهدی بوشهری در سفارت ایران در پاریس منتشر شد.

۴ - قانون اصلاحات ارضی که از طرف دولت به مجلسین تقدیم شده بود با اصلاحاتی تصویب و توشیح شد.

۵ - باشروع انتخابات بیستمین دوره مجلس شورای ملی در مراسم سلام عید غدیر شاه گفت که دولت مکلف است هر چه زودتر انتخابات را در کمال آزادی انجام دهد.

۶ - دکتر اقبال نخست وزیر به عنوان رهبر حزب ملیون برای مبارزه انتخاباتی مدت ۱۱ روز به استانهای مختلف مسافرت کرد و با ایجاد نطق هائی برنامه های حزب و دولت را تشریح نمود.

۷ - کنفرانس ائمی پیمان مرکزی (ستو) در همدان گشایش یافت.

۸ - دکتر کاسمی وزیر مشاور و دبیر کل حزب ملیون به

امرشاه از کار برکنار گردید.

۹ - دکترا حمید امامی به سمت دبیرکل حزب ملیون انتخاب شد.

۱۰ - روابط ایران و دولت جمهوری متحده عربی (مصر) قطع شد. آرام وزیر خارجه گفت عبدالناصر به بهانه این که دولت ایران دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته به ایران اهانت کرد که سفیر ایران از مصر به تهران احضار شد.

۱۱ - انتخابات مجلس شورای ملی در سراسر کشور مورد اعتراضاتی قرار گرفت و معترضین از شاه خواستار ابطال انتخابات شدند.

۱۲ - روز هفتم شهریور دکترا قبال از نخست وزیری استعفا کرد و مهندس جعفر شریف امامی به سمت نخست وزیر تعیین و هیئت دولت را معرفی کرد.

۱۳ - روزنهم آبان ۱۳۳۹ رضا پهلوی در زایشگاه بنیاد حمایت مادران در جنوب شهر تهران متولد شد. بهمین مناسبت روز دهم آبان در کشور تعطیل عمومی اعلام شد. فرمان محمد رضا شاه دایر به ولیعهدی رضا پهلوی صادر گردید، در جلسه فوق العاده مجلس سنا متن فرمان ولیعهد خوانده شد. صدرالاشراف رئیس مجلس سنا تبریک گفت.

۱۴ - به مناسب عدم رضایت شاه از جریان انتخابات، منتخبین دوره بیستم از نایاندگی مجلس استعفا کردند. بدین ترتیب دست دولت برای انتخابات تازه آزاد گردید.

۱۵ - قانون نظام پزشکی که در مجلسین تصویب شده بود تو شیع گردید.

۱۶ - یک هیئت برجسته فرانسوی مرکب از (ژاک شابان دلماس رئیس مجلس فرانسه - آندره مالرو وزیر روابط فرهنگی - ارنست همینگوی نویسنده برجسته آمریکائی) ژنرال دوکل - جان

کندی - محمد رضا شاه پهلوی را از شخصیت‌های معتبر جهان اعلام کردند.

۱۷ - در بیست و نهمین ماه سال ۱۳۴۹ چهارده تن از رهبران جبهه ملی به علت شکایت از طرز انتخابات در مجلس سنا متخصص شدند که دوران تحصین ۵ هفته طول کشید. اللهیار صالح در این انتخابات از کاشان به نایندگی مجلس انتخاب گردید.

۱۸ - با الجام مجدد انتخابات بیستمین دوره قانونگذاری روز دهم اسفند دوره جدید مجلس شورای ملی افتتاح شد. سردار فاخر حکمت به ریاست مجلس انتخاب گردید.

۱۹ - به فرمان شاه سپهبد حجازی به ریاست ستاد بزرگ - سپهبد عظیمی به فرماندهی نیروی زمینی - سرتیپ پاکروان به جای سپهبد تیمور بختیار به ریاست ساواک منصوب شدند.

سال ۱۳۴۰ شمسی برابر با ۱۹۶۱

۱ - آیت الله بروجردی روزدهم فروردین درگذشت. شاه در مجلس ختم در مسجد شاه شرکت نمود.

۲ - روز ۱۲ اردیبهشت ماه معلمان پایتخت به علت کمی حقوق در میدان بهارستان اجتماع کرده ضمن تظاهراتی که شد تیراندازی صورت گرفت و دکتر ابوالحسین خانعلی به ضرب گلوله کشته شد. تظاهرکنندگان با بردن جنازه به جلوی درب مجلس خواستار مجازات قاتلین شدند. نایندگان مجلس ضمن استیضاح دولت به نخست وزیر حملاتی کردند. نخست وزیر از مجلس رفت و استعفای خود را روز ۱۴ اردیبهشت به شاه تقدیم داشت.

۳ - روز ۱۵ اردیبهشت ماه دکتر علی امینی مأمور تشکیل کابینه شد و اعضای دولت خود را معرفی کرد.

۴ - روز ۱۹ اردیبهشت ماه به فرمان شاه مجلسین سنا و

شورای ملی منحل گردید.

۵ - هیئت دولت تصویب کرد که اصلاحات و تحدید مالکیت های بزرگ و مبارزه با فساد در رأس برنامه دولت می باشد. نخست وزیر گفت اصلاحات نباید موجب وحشت عده ای شود.

۶ - به دستور دولت و با اقدامات وزارت دادگستری عده ای از مقامات سابق و امراض ارتش بازداشت گردیدند.

۷ - نخست وزیر در جلسه بازرسانان و اصناف طی نطقی گفت مملکت از نظر مالی در بحران می باشد و همه باید کمربند هارا سفت کنند. در مخارج زاید و هزینه ها باید صرفه جوئی شود. (چنین تعبیر شد که دکتر ارامینی گفته مملکت ورشکسته است.)

۸ - دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی طی نطق های تندی کار تقسیم اراضی را در نقاط مختلف کشور آغاز کرد.

۹ - بعد از ظهر روز ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ از طرف جبهه ملی متینگی در میدان جلالیه با شرکت حدودیکصد هزارنفر تشکیل گردید. این بزرگترین تظاهرات جبهه ملی بعد از ۲۸ مرداد بود. سخنرانان دکتر سنجابی - دکتر صدیقی - دکتر شاپور بختیار بودند. داریوش فروهر هم قطعنامه متینگ را خواند.

۱۰ - روز ۲۸ مرداد ۱۳۴۰ متینگ بزرگی از سوی طرفداران شاه در دوشان تپه تشکیل شد و برای اولین بار محمدرضا شاه پهلوی در یک متینگ عمومی شرکت کرد و طی نطق مفصلی چنین گفت: قیامی که در ۲۸ مرداد صورت گرفت نشان داد آنهایی که در آرزوی ازهم کسی ختکی ارتباط بین شاه و ملت در ایران هستند منتظر امری واهم و غیرممکن می باشند. ازان روز تا به حال در پرتو رستاخیز عظیمی که از این قیام ملی حاصل شد عامل اصلی آن ثبات و امنیتی گردید که امکان طرح و اجرای نقشه های وسیع و اساسی را به مداد دارد. کارهایی که در همه شئون اجتماعی و اقتصادی و کشاورزی و صنعتی و حتی فرهنگی و بهداشتی و غیره صورت

گرفته است قبل از آن حتی تصور آنهم نمی رفت.

۱۱ - امیراسدالله علم به مدیریت عامل بنیاد پهلوی منصوب شده و گفت شاهنشاه سرمایه خودرا وقف ملت کرده اند.

۱۲ - روز اول بهمن ماه دانشجویان دانشگاه در اعتراض به تعطیل مجلس و حمایت از جبهه ملی تظاهراتی کردند که نیروهای انتظامی با آنها به زدوخورد پرداختند و عده‌ای از دانشجویان مجروح شدند. دکتر فرهاد رئیس دانشگاه کتبای به این اقدام سازمان های انتظامی اعتراض کرد. روز بعد تظاهراتی در مدارس و خیابان ها شد و بهمن کلهر دانش آموز دبیرستان دارالفنون به قتل رسید. مخالفین به این اقدام شدیداً اعتراض کردند. گروهی از نمایندگان آنها به دیدار شاه رفته از رفتار خشونت آمیز مأمورین انتظامی شکایت نمودند.

۱۳ - جبهه آزادی تشکیل خودرا اعلام داشت. دکتر حسن ارسنجانی خودرا اداره کننده جبهه اعلام کرد. عطاء الله خسروانی - دکتر محمد شاهکار - شهاب فردوس - مهندس جفروودی - نورالدین الموتی و چند تن دیگر در آن شرکت داشتند. این سازمان دوامی نیافت.

۱۴ - سپهبد تیمور بختیار که از تهران به اروپا رفته بود در رم طی مصاحبه ای مخالفت خودرا با اصلاحات ارضی اعلام داشت. او گفت به مخالفت خود با دولت ادامه خواهد داد.

۱۵ - وزارت دربار مراسم نامزدی شاپور غلامرضا پهلوی بامنیثه جهانبانی را اعلام داشت.

۱۶ - شرکت هواپیمایی ملی ایران تأسیس گردید و سرلشگر علیمحمد خادمی به سمت مدیر عامل انتخاب شد.

۱۷ - اولین اسناد مالکیت توسط شاه در قریه ورجوی مراغه به زارعین داده شد. دکتر ارسنجانی در این مراسم نشان اصلاحات ارضی را به شاه تقدیم داشت.

سال ۱۳۴۱ شمسی برابر با ۱۹۶۲ میلادی

- ۱ - وزارت دریار اعلام داشت که شاه و شهبانو به دعوت کنندی رئیس جمهوری آمریکا و بانو روز ۲۱ فروردین عازم آمریکا خواهند شد. مطبوعات جهان اقدامات شاه را درمورد اصلاحات ارضی مورد تأیید و تمجید قرار دادند. دراین سفر کنندی از شاه تجلیل کرد.
- ۲ - در ۲۶ تیرماه پس از مراجعت شاه از سفر پاکستان و دیدار با ایوب خان، علی امینی نخست وزیر شرفیاب شد و چون درمورد بودجه اختلاف نظر پیش آمد از نخست وزیری استعفا کرد و بلافاصله امیراسدالله علم درسی ام تیرما ۱۳۴۱ مأمور تشکیل کابینه شد و دولت خودرا تشکیل داد.
- ۳ - هیئت وزیران با تأسیس اتاق صنایع و معادن موافقت نمود.
- ۴ - با دعوت دکتر ارسنگجانی وزیر کشاورزی، شاه به نقاط مختلف کشور مسافت نمود و اسناد مالکیت زارعین را توزیع کرد.
- ۵ - در ۲۲ آبان ماه مهندس ملک عابدی رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد توسط مخالفین اصلاحات ارضی کشته شد. به این مناسبت روز ۲۳ آبان روز عزای ملی نامیده شد. شاه سرپرستی فرزند سه ساله ملک عابدی را بر عهده گرفت.
- ۶ - از طرف شاه فرمان تشکیل سپاه دانش صادر گردید و روز سوم دی ماه ۱۳۴۱ به مناسبت اجرای مقررات سپاه دانش، شاه طی پیامی یادآورد شد این پیکار مقدسی است که باید آن را (جهاد ملی) نام نهاد.
- ۷ - روزنهم دی ماه ۱۳۴۱ در یک جلسه تاریخی به نام کنگره ملی دهقانان که در تالار ورزشی محمدرضا شاه تشکیل یافت ۶ اصل از طرف شاه به آراء عمومی گذارده شد. روز ششم

بهمن نیز روز رفراندم تعیین گردید.

۸ - روز ۱۴ دیماه ۱۳۴۱ اولین کنگره جبهه ملی در منزل حاج حسن قاسمیه در تهران پارس به ریاست اللهیار صالح تشکیل گردید. سپس ۳۵ تن از اعضای شورای عالی با رأی مخفی برگزیده شدند. قرارشده شورای عالی ۱۵ تن دیگر را به عضویت شورا انتخاب کند. مذاکرات کنگره از ۴ الی ۱۱ دی ماه به طول المجامید. درباره تشکیل یک سازمان از همه گروهها بحث شد و موضوع عضویت نهضت آزادی در جبهه مورد گفتگو قرار گرفت ولی پس از اخذ رأی رد شد. همچنین هنگام رفراندم ششم بهمن نیز جبهه ملی طی اعلامیه ای چنین اظهار نظر کرد: (اصلاحات ارضی آری - دیکتاتوری نه).

۹ - از اوایل بهمن ماه تشنجاتی در سراسر کشور دیده می شد. روز ۴ بهمن محمدرضا شاه پهلوی به قم رفت و در مقابل صحن حرم اسناد مالکیت دهقانان را اعطا نمود و طی نطقی به مرتجلعین و کسانی که مانع برنامه های انقلاب سفید هستند به شدت حمله کرد.

۱۰ - آیت الله خمینی طی اعلامیه ای رفراندم را غیر قانونی خواند. همچنین قبل از ارسال تلگرافی حضور شاه اقدام دولت را در کار المجنن ایالتی و ولایتی و تبدیل قسم را از (قرآن مجید) به کتاب آسمانی مورد اعتراض قرار داده بود که دولت انصراف خود را از اجرای تصویب‌نامه مورخ ۱۷ مهرماه ۱۳۴۱ اعلام داشت.

۱۱ - روز ششم بهمن ۱۳۴۱ مردم برای دادن رأی به مواد شش گانه پای صندوقها رفتند و برای اولین بار نیز بanonan دردادن رأی شرکت کردند. وزارت کشور اعلام داشت که از ۶۰۰ هزار واجدین شرایط در تهران ۵۲۱ هزار نفر رأی موافق داده اند. به دنبال آن فرمان شاه برای اجرای مواد شش گانه صادر شد.

۱۲ - دکتر حسن ارسنجانی از وزارت کشاورزی برکنار و به سمت سفیر ایران در ایتالیا منصوب شد. سپهبد ریاحی به عنوان

وزیر کشاورزی معرفی گردید.

۱۳ - در بهمن ماه ۱۳۴۱ دادگاه نظامی به اتهام اقدام برضد امنیت کشور و ضدیت باسلطنت مشروطه حکم محکومیت افراد زیر را صادر کرد: سید محمود طالقانی و مهندس مهدی بازرگان ۱۰ سال زندان - دکتر یدالله سحابی - مهندس عزت الله سحابی - مهدی جعفری و ابوالفصل حکیمی ۴ سال زندان - دکتر عباس شیبانی و احمد علی بابائی ۶ سال. ریاست دادگاه بدوفی با سرتیپ زمانی و رئیس دادگاه تجدید نظر با عباس قره باغمی (ارت شبده بعدی) بود.

۱۴ - به پیشنهاد جهانگیر تفضلی وزیر اطلاعات تصویب نامه ای از هیئت وزیران گذشت که پنجاه روزنامه به علت کمی تیراژ تعطیل شدند. بر طبق قانون جدید (تیراژ مجله ۵ هزار و روزنامه سه هزار) شماره تعیین گردید.

۱۵ - روز هشتم اسفند شاه کنگره اقتصادی را در محل مجلس سنا گشود و اعلام داشت که در انتخابات آینده زنان شرکت کرده و حق رأی خواهند داشت و می توانند انتخاب شوند. این امر موجب شادی بانوان شد و روز بعد در مقابل کاخ مرمر تظاهراتی گردند.

سال ۱۳۴۲ شمسی برابر با ۱۹۶۳ میلادی

۱ - رأی دادگاه نظامی پس از ۱۸ جلسه دادرسی درباره متهمین پرونده سوء استفاده از خرید کارخانه باطری سازی صادر و گروهی از سران ارشاد به زندان و پرداخت غرامت محکوم شدند.

۲ - کنگره سالانه جمعیت خیریه قرح پهلوی افتتاح شد. شهبانو گفت: (بانوان ایران نقش مهمی در تحولات اجتماعی به عهده گرفته اند).

۳ - سخنگوی ستاد ارشاد اعلام کرد که اشرار فارس و

مخالفین اصلاحات ارضی دستگیر و به دادگاه ها سپرده شدند.

۴ - به علت زندانی بودن ۶۴ تن از اعضای جبهه ملی که در رأس آنها اللهيارصالح و دکتر سنجابی و دکتر بختیار و دکتر صدیقی و مهندس بازرگان قرارداشتند در اواسط اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ تصمیم به اعتراض غذا گرفته می شود. چون جریان مواجه با ۱۵ خرداد می شود موضوع منتفی می گردد.

۵ - روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ برابر با ۵ ژوئن ۱۹۶۳ تظاهراتی در تهران و شهرستان ها علیه اصلاحات ارضی و برنامه انقلاب سفید صورت گرفت. تظاهرکنندگان به وزارت کشور و رادیو حمله برداشت و چند اتوبوس را در خیابان آتش زدند. علم نخست وزیر جلسه هیئت دولت را تشکیل داده و تصمیم به سرکوبی مخالفین گرفته شد. با کمک نیروهای انتظامی آنها را تارومار نموده مسببین حادثه از جمله آیت الله خمینی بازداشت گردید. بار دیگر حکومت نظامی در تهران برقرار شد. محمد القیسی تبعه لبنان هم در رابطه با این تظاهرات دستگیر شد.

۶ - کنگره آزاد زنان و آزاد مردان برای انتخاب نامزدهای نمایندگی مجلس در دوره بیست و یکم تشکیل و عده ای را معرفی نمود که اکثر آنها به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند.

۷ - چهارمین دوره مجلس سنا و بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی روز ۱۴ مهر ماه افتتاح شد.

۸ - مهندس جعفر شریف امامی به ریاست مجلس سنا و مهندس عبدالله ریاضی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردیدند.

۹ - پس از تشکیل مجلسین از طرف دولت علم ششصد تصویب نامه ای که در زمان فترت از هیئت وزیران گذشته بود برای رسیدگی و اظهار نظر به مجلس تقدیم گردید. مجلس این ماده واحد را تصویب کرد: تازمانی که تصویب نامه ها در مجلس رد

- نشده است قابل اجرا می باشد.
- ۱۰ - ارتشید عبدالله هدایت دردادگاه نظامی به دو سال حبس تأدیبی محکوم شد.
 - ۱۱ - کانون مترقی با کارگردانی حسنعلی منصور و امیر عباس هویدا موجودیت خود را اعلام داشته و به فعالیت پرداخت.
 - ۱۲ - ژنرال دوگل به دعوت شاه ایران به تهران وارد شد و در جلسه مشترک مجلسین نطقی ایراد کرد.
 - ۱۳ - دکترا قبال که سمت نمایندگی ایران را در یونسکو داشت به سمت مدیر عامل شرکت نفت انتخاب واز پاریس عازم تهران شد.
 - ۱۴ - به دستور شاه به مناسبت قتل جان کندی پرچم ایران نیمه افراشته شد.
 - ۱۵ - در ۱۷ اسفندماه ۱۳۴۲ امیر اسدالله علم از سمت نخست وزیری استعفا داد و حسنعلی منصور مأمور تشکیل کابینه شد که به سرعت کابینه خود را تشکیل داد.

سال ۱۳۴۳ شمسی برابر با ۱۹۶۴ میلادی

- ۱ - بهمن قشقائی با همکاری عده ای از عشایر به پاسگاه ژاندارمری دهرم حمله کرد و موجت قتل ۵ ژاندارم گردیده همچنین موجب زد و خورد در پاسگاه آبگرم قیر شدند. بهمن قشقائی و متهمین دستگیر و تحويل دادرسی ارتضی گردیدند.
- ۲ - قانون تأسیس دانشگاه پهلوی شیراز مورد تصویب کمیسیون فرهنگ مجلسین قرار گرفت و امیر اسدالله علم به ریاست دانشگاه انتخاب شد.
- ۳ - حزب ایران نوین تأسیس خود را اعلام و اعضای هیئت اجرائیه حزب به حضور شاه شرفیاب شده حسنعلی منصور دبیر کل حزب و نخست وزیر وضع حزب و دولت را معروض داشت.

- ۴ - فرمان اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات اراضی به توشیح شاه رسید. به موجب این قانون مالکین موظف شدند اراضی خودرا به زارعین بفروشند یا اجاره دهند یا بین آنها تقسیم کنند.
- ۵ - به علت کشمکش درونی اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی در اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ شورایعالی جبهه ملی کتاب انحلال خودرا به دکتر مصدق اعلام داشت.
- ۶ - شاه و شهبانو از جانسون رئیس جمهوری آمریکا و همسرش در واشنگتن دیداری کردند و ضیافتهای رسمی به افتخار آنان داده شد. در ضمن نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در موزه واشنگتن گشایش یافت.
- ۷ - امیرعباس هویدا وزیر دارائی در رأس هیئتی در کنفرانس نفتی اوپک در ژنو شرکت نمود.
- ۸ - کنفرانس عالی رهبران (ایران - پاکستان - ترکیه) در استانبول تشکیل شد و پس از آن اعلامیه مشترک سه کشور انتشار یافت.
- ۹ - محمد نصیری قهرمان مگس وزن ایران در مسابقات المپیک با بلند کردن ۱۲۰ کیلو وزنه رکورد بین المللی المپیک را که متعلق به شوروی بود شکست.
- ۱۰ - اولین گروه اعضای سپاه بهداشت با شرکت گروه پزشکی تشکیل و ۴۲۸ پزشک و دیپلمه به عضویت سپاه بهداشت درآمدند و ۱۲۸ پزشک و تعدادی کمک پزشک به روستا ها اعزام گردیدند.
- ۱۱ - جشن فارغ التحصیلی چهل و پنجمین دوره افسران وظیفه و دوره چهارم سپاه دانش در حضور شاه در سلطنت آباد برگزار گردید.
- ۱۲ - مراسم عقد و ازدواج شاپور محمود رضا پهلوی با دوشیزه مریم اقبال در کاخ صاحبقرانیه برگزار شد. (مریم اقبال در

کوتاه مدت از شاپور محمود رضا جدا شد و با شهریار شفیق ازدواج کرد. شهریار نیز پس از انقلاب در پاریس ترور شد.)

۱۳ - به فرمان شاه معادل دویست میلیون دلار از بودجه کشور برای تقویت نیروی دفاعی کشور اختصاص داده شد.

۱۴ - بزرگترین کنفرانس بین المللی توسعه صنایع پتروشیمی باشرکت سیصد تن از کارشناسان ۳۲ کشور جهان با پیام شاه ایران در تهران افتتاح شد.

۱۵ - مجمع عمومی سازمان یونسکو پیشنهاد شاه ایران را در مورد ایجاد یک سازمان مبارزه با بیسوادی تصویب کرد.

۱۶ - هیئت وزیران بهای نفت سفید را به قرار هر لیتر سه ریال و پنجاه دینار و بیست و هشتین هر لیتر ده ریال افزایش داد که به علت اعتراضاتی به دستور شاه لغو شد.

۱۷ - لایحه استفاده پرسنل نظامی آمریکا مأمور خدمت در ایران از امتیازات و مصونیت های اعضای اداری و فنی مشروح در پیمان وین در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ در مجلس بارأی ضعیفی به تصویب رسید. (این همان لایحه ایست که به کاپیتولاسیون شهرت یافت و مورد اعتراض شدید مخالفین قرار گرفت).

۱۸ - آیت الله خمینی که در اوایل حکومت منصور آزاد شده و به قم رفته بود به علت تحریکاتی علیه دولت و رئیم دستگیر و از قم به تهران منتقل و سپس به ترکیه تبعید گردید. بعده از ترکیه به نجف اعزام شد.

۱۹ - شهریانی کل کشور طی اعلامیه ای قمه زدن و تعزیه خوانی رامنوع ساخته و تشکیل مجلس روضه خوانی را موكول به کسب اجازه قبلی کرد.

۲۰ - سپهبد احمد وثوق وزیر سابق جنگ به اتهام تدلیس در خرید کارخانه باطری به دوسال زندان و پرداخت ۵۲ میلیون ریال محکوم گردید.

۲۱ - روز اول بهمن ماه هنگامی که حسنعلی منصور نخست وزیر قصد ورود به مجلس را داشت در مقابل در ورودی از طرف محمد بخارائی عضو فدائیان اسلام هدف گلوله قرار گرفت. قاتل و همستان او دستگیر شدند. نخست وزیر به بیمارستان پارس منتقل شد. معالجات پزشکان مؤثر واقع نشد و روز ششم بهمن فوت کرد.

۲۲ - امیرعباس هویدا از طرف شاه مأمور تشکیل کابینه شد که بلافاصله کابینه خود را معرفی کرد.

۲۳ - هیئت مؤسس حزب ایران نوین عطاء الله خسروانی را به جای حسنعلی منصور به سمت مدیر کل حزب انتخاب نمودند.

۲۴ - دکترا قبال مدیرعامل شرکت نفت اعلام کرد که براساس قراردادهای نفت ۱۸۰ میلیون دلار پذیره نفتی گرفته خواهد شد.

۲۵ - طیب حاج رضائی و اسماعیل رضائی از محرکین وقایع ۱۵ خرداد دردادگاه نظامی محکوم و در آبان ماه ۱۳۴۳ اعدام شدند.

۹

سال ۱۳۴۴ شمسی برابر با ۱۹۶۵ میلادی

۱ - روز ۲۱ فروردین هنگامی که شاه عازم دفترکار خود در کاخ مرمر بود توسط سرباز وظیفه رضا شمس آبادی با مسلسل مورده حمله قرار گرفت و با سرعت خود را به داخل عمارت کاخ رسانید. دو تن از محافظین شاه استوار لشکری و استوار بابائی ضارب را مورد حمله قرار داده و جان خود را هم از دست دادند. شاه از این حادثه جان سالم بدر برد و برنامه روزانه را ادامه داد. اعلام شد که گروهی از فارغ التحصیلان دانشگاه منچستر در واقعه ترور شاه دست داشته اند که همگی دستگیر شدند.

۲ - دادگاه نظامی محاکمه ۱۳ تن از متهمین به قتل حسنعلی منصور را خاتمه داد. محمد بخارائی و سه تن دیگر محکوم

به اعدام و بقیه به حبس محکوم شدند.

۳ - نمایشگاه ۷ هزار سال هنر ایران در کاخ هنرهای زیبای سانفرانسیسکو افتتاح شد.

۴ - امیر عباس هویدا نخست وزیر گفت در مذاکره شاهنشاه در سوری در باره توسعه همکاری اقتصادی و همچنین فروش گاز ایران به سوری و خرید کارخانه ذوب آهن از آن کشور توافق شده است.

۵ - به مناسبت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت شاه مجلسین سنا و شورای ملی در جلسه روز ۲۴ شهریور ماه لقب (آریا مهر) را برای شاه ایران مورد تصویب قرار دادند.

۶ - رؤسای خانه های انصاف سراسر کشور حضور شاه رسیده تقاضا داشتند روز ۲۱ مهر روز (خانه های انصاف) نامیده شود.

۷ - به علت زد خورد هائی که بین عشاير جنوب و مأمورین انتظامی روی داد گروهی از سران عشاير دستگیر شدند. عبدالله ضرغام پور ترور شد. عده ای در زد خورد به قتل رسیدند و گروهی در دادگاه ها محکمه شدند. عده ای نیز بار ای دادگاه تیرباران شدند که عبارتند از: عبدالله شهبازی - فتح الله حیات داودی - حسینقلی خان رستمی - جعفرقلی خان رستمی - ناصر طاهر بویراحمدی. یکی از اعدام شدگان بهمن قشقائی خواهرزاده ناصر قشقائی می باشد که در انگلیس در رشته پزشکی تحصیل کرده و به منطقه آمد و اتهام او این بود که موجبات حمله به پاسگاه ژاندارمری دهم را فراهم کرده و در نتیجه تعدادی ژاندارم به قتل رسیده اند.

۸ - در مردادماه سال ۱۳۴۴ کنگره حزب ایران تشکیل شد و اللهیار صالح - دکتر شاپور بختیار - مهندس نظام الدین موحد - ابوالفضل قاسمی - اصغر گیتی بین را به عنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب کرد. دکتر بختیار به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد. (این سمت را تا قبول نخست وزیری بر عهده داشت).

۹ - دانشگاه صنعتی آریا مهر تأسیس شد و اعلام گردید که

تولیت آن با شخص شاه خواهد بود.

- ۱۰ - دادگاه نظامی ارتش درباره متهمین حادثه کاخ مرمر رأی داد که دو تن به اعدام و بقیه به حبس ابد محکومیت یافتند. به فرمان شاه حکم اعدام به حبس ابد تخفیف یافت. هیچیک از متهمین این واقعه اعدام نشدند.
- ۱۱ - دولت ایران به اظهارات وزیر خارجه سوریه که (خوزستان) را منطقه عربی دانست و گفت که باید از ایران جدا شود اعتراض کرد. سفير واعضای سفارت ایران در سوریه دمشق را ترک گفتند.
- ۱۲ - قرارداد تأسیس پالایشگاه نفت در مدرس بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفتی آموکو و دولت هندوستان منعقد گردید.
- ۱۳ - اولین محصول کارخانه لاستیک سازی ایران (لاستیک سازی جنرال) به بازار عرضه شد.
- ۱۴ - مراسم سان ورژه روز ۲۱ آذر در حضور شاه و ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی برگذارشد.
- ۱۵ - وزیر اقتصاد اعلام کرد که لوله گاز از گچساران تا آستارا برای حمل به شوروی کشیده خواهد شد. ضمناً ۵ میلیارد مکعب گاز نیز به مصرف داخلی خواهد رسید.
- ۱۶ - روابط ایران و عراق درباره شط العرب و درائر بروز زدوخوردهای مرزی تیره شد. هویدا نخست وزیر گفت عراق با اسلحه ایران را تهدید می کند ولی مابه عراق پاسخ لازم را خواهیم داد. پشتیبانی دولت لبنان از عراق موجب قطع رابطه ایران و لبنان شد. با تیرگی روابط سفير ایران از بیروت احضار گردید.
- ۱۷ - سازمان مجاهدین خلق ایران در شهریور ۱۳۴۴ توسط محمدحنیف نژاد - سعید محسن - علی اصغر بدیع زادگان پایه گذاری شد. در سال ۱۳۴۷ کمیته مرکزی آن مرکب از این سه نفر و

محمود عسکرزاده - مسعود رجوی - عبدالرسول مشکین فام - علی میهن دوست - احمد رضائی - ناصر صادق - علی باکری و محمدو بهمن بازرگانی تشکیل شد.

۱۸ - مأمورین انتظامی اسناد و مدارکی درباره کشف جمعیت های مخفی (مارکسیست های اسلامی) منتشر کردند و در این رابطه عده ای دستگیرشدند. محاکمه ۵۱ تن از آنان دردادگاه نظامی شروع شد.

۱۹ - دادگاه نظامی به طور غیابی ۱۳ تن از سران فراری حزب توده ایران را به اعدام محکوم کرد.

۲۰ - به موجب طرحی که در مجلس شورای ملی تصویب شد روز سوم اسفند (روز رضاشاه کبیر) نامیده شد.

۲۱ - تأسیسات بارگیری بندر خارک توسط شاه افتتاح گردید. خارک جزو بزرگترین مرکز صادرات نفت خام جهان اعلام شد که قدرت بارگیری آن روزانه به سه میلیون بشکه نفت در روز رسید. چهارده میلیارد ریال هزینه این بندر شد.

سال ۱۳۴۵ شمسی برابر با ۱۹۶۶ میلادی

۱ - به فرمان شاه (قرآن آریامهر) با چاپ نفیس منتشر شد.

۲ - به دستور شاه یک روز از بودجه نظامی ایران برای پیکار با بیسوادی در اختیار سازمان یونسکو قرار گرفت.

۳ - مدت نمایندگی مجلس سنا از شش سال به چهار سال تقلیل یافت.

۴ - سفرشاه به رومانی و یوگوسلاوی و مراکش موفقیت آمیز تلقی شد.

۵ - قانون تشکیل شورای داوری از تصویب مجلسین گذشت.

۶ - در کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی که در رم با حضور

نایندگان ۷۸ کشور و نایندگان سازمان ملل متحد تشکیل شده بود از اقدام ایران در کار اصلاحات ارضی تقدیر شد.

۷ - طبق گزارش دکتر فرانتزپیک کارشناس برجسته پولی جهان، ایران از نظر سطح تولید سرانه در خاورمیانه در ردیف سوم قرار دارد. به علت سرعت آهنگ پیشرفت در ایران احتمال می رود به زودی از کویت و اسرائیل هم جلو بیفتد و به ردیف اول برسد.

۸ - مراسم عقد والاگهر شهرام با دوشیزه نیلوفر افشار در حضور شاه و شهبانو واعضای خاندان سلطنت برگزار شد.

۹ - مهندس جواد شهرستانی به عنوان شهردار نمونه انتخاب و در مشهد از دست شاه به دریافت لوحه افتخار نائل گردید.

۱۰ - دکتر اقبال مدیرعامل شرکت نفت قرارداد نفتی با کمپانی فرانسوی (اراب) را امضا کرد و گفت نه تنها منافع ایران به حد اکثر تأمین شده است بلکه عاملیت شرکت خارجی کنار گذاشته شده و شرکت نفت حاکمیت خود را اعمال می کند.

۱۱ - روزنهم شهریور کنگره بزرگ ایرانشناسان در تهران با حضور گروهی از دانشمندان توسط شاه افتتاح شد. اعلام گردید که یکصد و بیست نفر از ایرانشناسان از سراسر جهان به ایران آمده اند.

۱۲ - اجلاس اتحادیه بین المللی وکلای دادگستری با پیام شاه ایران افتتاح شد.

۱۳ - مجمع عمومی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران با شرکت ۱۷۰ تن از مدیران عامل شیروخورشید سراسر کشور کشور افتتاح شد.

۱۴ - پنجاه و پنجمین کنفرانس جهانی بین المجالس در کاخ سنا گشایش یافت. رؤسای گروه های پارلمانی کشورهای مختلف حضور شاه و شهبانو بار یافتند.

۱۵ - هریمن سفیر سیار آمریکا در تهران حضور شاه شرفیاب شد و مذاکراتی درباره رفع اختلاف ایران با کنسرسیوم نفت صورت

گرفت. هویدا نخست وزیر گفت اگر کنسرسیوم ظرف یک ماه رضایت ایران را جلب نکند ما اراضی استخراج نشده را از کنسرسیوم پس می گیریم.

۱۶ - شاهدخت اشرف پهلوی چک هفتصد هزاردلاری ایران را از محل یک روز بودجه نظامی ایران در اختیار یونسکو گذارد. دبیرکل یونسکو ازاقدام شاه ایران تشکر کرد.

۱۷ - در آذرماه ۱۳۴۵ (دسامبر ۱۹۶۶) حسین قدس نخعی وزیر درباره سمت سفیر ایران درواتیکان منصوب و امیراسدالله علم وزیر دربار شد.

۱۸ - وزیر دربار اعلام کرد که مراسم تاجگذاری شاه در هفته اول آبان ماه سال ۱۳۴۶ و جشن های دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی در سال ۱۳۵۰ برگزار می شود.

۱۹ - طرح نهائی ساختمان شهیاد آریامهر به تصویب رسید.

۲۰ - مذاکرات نفتی بین ایران و کنسرسیوم پایان یافت و کنسرسیوم تعهد کرد که استخراج نفت سالیانه را افزایش دهد. همچنین مقداری از اراضی غیرقابل استفاده را تحويل ایران داده و نفت لازم را در اختیار شرکت ملی نفت ایران بگذارد.

۲۱ - عواید حاصله ایران از نفت ۱۷ درصد افزایش یافت.

۲۲ - قانون منع ازدواج کارمندان وزارت خارجه با اتباع بیگانه به تصویب مجلسین رسید.

۲۳ - شاهدخت اشرف پهلوی به ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل انتخاب شد.

۲۴ - سپهبد یزدان پناه به ریاست شورای برگذاری جشن های تاجگذاری منصوب گردید.

۲۵ - تلویزیون ملی ایران کار خود را آغاز کرد.

۲۶ - در روز ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ دکتر محمد مصدق نخست وزیر سابق ایران در تبعید احمدآباد در سن ۸۴ سالگی درگذشت و

در محل مسکونی خود جنازه اش به امانت گذارده شد. او وصیت کرده بود که جنازه اش در میان شهدای ۳۰ تیر در ابن بابویه دفن شود که این وصیت عملی نشد.

۲۷ - روز ۱۶ اسفند هویدا نخست وزیر لایحه تشکیل مجلس مؤسسان و تجدید نظر در چند اصل قانون اساسی را تقدیم مجلس کرد که برطبق آن شهبانو فرج نیابت سلطنت را بر عهده خواهد گرفت.

سال ۱۳۴۶ شمسی برابر با ۱۹۶۷ میلادی

- ۱ - رضا پهلوی ولیعهد ایران برای اولین بار به مناسبت سال نو پیامی برای ملت ایران فرستاد.
- ۲ - اشرف پهلوی در رأس هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در چهل و دومین جلسه شورای اقتصادی عازم نیویورک شد.
- ۳ - شصت و پنجمین کنگره بین المللی المپیک در حضور شاه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات افتتاح شد. (اورنده براج) رئیس کمیته المپیک نطقی ایراد کرد.
- ۴ - فرمان انتخابات مجلسین از طرف شاه صادر گردید.
- ۵ - به فرمان شاه (سال ۱۳۴۶) سال تعاون نامیده شد.
- ۶ - شاه ایران به نماینده مجله اشترن گفت: (ایران توجهی به عکس العمل های آمریکا درباره خرید اسلحه از سوری ندارد).
- ۷ - عبدالرحمن عارف رئیس جمهور عراق حمایت ایران را از حقوق فلسطینی ها ستود.
- ۸ - شاه ایران درباره جنگ اسرائیل و مصر اظهار تأسف کرد و گفت اراضی اشغالی باید مسترد گردد و اسرائیل نباید آنها را در اشغال نگه دارد.
- ۹ - شعبه هوایی ملی ایران در بیروت مورد حمله مخالفین رژیم قرار گرفت و خساراتی وارد شد.

- ۱۰ - قانون حمایت خانواده که از مترقبی ترین قوانین ایران می باشد مورد تصویب مجلسین قرار گرفت. بانوان کشور درباره تصویب این قانون از شاه و دولت و نایندگان مجلسین تشکر کردند. قانون مزبور دارای ۲۳ ماده و یک تبصره می باشد.
- ۱۱ - قانون تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران از تصویب مجلسین گذشت.
- ۱۲ - رهبران ایران و پاکستان و ترکیه (شاه - ایوب خان - سلیمان دمیرل) ادرکنفرانس رامسر بحران خاورمیانه را بررسی کردند. موضوع بحران خاورمیانه و حمله اسرائیل و وضع پیمان مرکزی از مهمترین مسائل کنفرانس بود.
- ۱۳ - اولین شرکت کشتی رانی ایران با ۲۵ میلیون ریال سرمایه و قابل افزایش تا ۵۰ میلیون ریال شروع به کار کرد.
- ۱۴ - برای اولین بار در تاریخ مشروطیت دریک روز انتخابات مجلسین سنا و شورای ملی انجام شد و نایندگان دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی و دوره پنجم مجلس سنا و دوره سوم مجلس مؤسسان انتخاب شدند. در این انتخابات حزب ایران نوین ۱۸۰ کرسی در مجلس شورای ملی و ۲۳ کرسی در مجلس سنا و حزب مردم ۲۹ کرسی در مجلس شورای ملی و ۴ کرسی در مجلس سنا و حزب پان ایرانیست ۵ کرسی در مجلس شورای ملی به دست آوردند.
- ۱۵ - شاه و شهبانو روز ۲۸ مرداد سومین مجلس مؤسسان ایران را افتتاح نمودند. ریاست این مجلس را مهندس جعفر شریف امامی بر عهده داشت.
- ۱۶ - مجلس مؤسسان در روز ۱۸ شهریور ماه ۱۳۴۶ لایحه پیشنهادی دولت را با اصلاحاتی به اتفاق آراء با ۲۶۹ رأی موافق تصویب نمود. هیئت رئیسه مجلس مؤسسان حضور شاه شرفیاب شده و مصوبه مجلس را تقدیم داشتند.

۱۷ - روز چهارم آبان ۱۳۴۶ مرامسم تاجگذاری در کاخ گلستان برگزار شد. شاه و ملکه تاج سلطنتی را بسر نهادند. به این مناسبت مقدار زیادی از کارهای عمرانی در کشور افتتاح شد. از قبیل: اسکله بندر عباس - تالار رودکی و تأسیسات بندری رضائیه و غیره. وقتی رضا شاه تاجگذاری کرد ولیعهد ۶ ساله بود. وقتی محمد رضا شاه تاجگذاری کرد ولیعهد ۶ سال را تمام نکرده بود. هنگامی که محمد رضا شاه به سلطنت رسید ۲۱ سال داشت. وقتی فرح ملکه ایران شد ۲۱ ساله بود).

۱۸ - نمایشگاه صنعتی بین المللی با شرکت ۱۳۵ کشور در محل نمایشگاه‌ها افتتاح گردید.

۱۹ - آئین سلام عید مبعث در تالار تشریفات آستان قدس رضوی در مشهد برگزار شد.

۲۰ - وزیر مشاور در امور خاورمیانه کابینه انگلستان به ایران آمد تا پیرامون خروج نیروی انگلستان از خلیج فارس مذاکره کند. با مقامات ایران از جمله بانخست وزیر مذاکراتی انجام داد و حضور شاه شرفیاب شد.

۲۱ - هیئت مدیره کانون وکلای ایران حضور شاه و شهبانو باریافته و لوحه منشور انقلاب و جبهه وکالت را تقدیم داشتند.

۲۲ - کنگره انقلاب اداری در محل باشگاه افسران تشکیل و قطعنامه‌ای در ۲۴ ماده تصویب و تسلیم نخست وزیر نمود.

۲۳ - گروهی از دانشجویان عرب به سفارت ایران در دمشق حمله کرده و خساراتی وارد ساختند. دولت ایران به این اقدام اعتراض نمود که با تأسف مقامات سوری رویروشد.

۲۴ - بتون ریزی کارخانه صنعتی ذوب آهن آریامهر در ۴۵ کیلومتری جاده اصفهان توسط شاه ایران صورت گرفت و طی آن اظهار داشتند: (امروز یکی از آرزوهای دیرین ملت ایران تحقق یافت).

۲۵ - کارخانه اتومبیل سازی (آریا - شاهین - جیپ)
در تهران افتتاح شد.

سال ۱۳۴۷ شمسی برابر با ۱۹۶۸ میلادی

۱ - ساختمان پالایشگاه نفت تهران در اراضی شهر ری به پایان رسید. این پالایشگاه روزانه ۸۵ هزار بشکه نفت تصفیه می‌کند.

۲ - کنفرانس جهانی حقوق بشر با شرکت اوتانت دبیرکل سازمان ملل و با حضور شاه و شهبانو در تهران افتتاح شد.

۳ - دومین قرارداد لوله گاز ایران و سوری به امضا رسید که ۱۱۲ کیلومتر خواهد بود.

۴ - قانون ملی شدن آب از تصویب مجلسین گذشت.

۵ - نخستین کنفرانس انقلاب آموزشی کشور در رامسر توسط شاه افتتاح شد.

۶ - به فرمان شاه جشن‌های شاهنشاهی به مدت ۸ روز از ۲۰ مهرماه ۴۷ برگزار می‌شود.

۷ - نخستین کلنگ شهر صنعتی آریا مهر در شهر اصفهان به زمین زده شد.

۸ - شاه ایران پیروزی نیکسن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را تبریک گفت.

۹ - مهندس صفی اصفیا از طرف هویدان خست وزیر به عنوان کفیل نخست وزیر در امور اقتصادی تعیین شد.

۱۰ - رهبران سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان پس از پایان کنفرانس در کراچی اعلام کردند که مسئولیت حفظ امنیت در منطقه خلیج فارس به عهده کشورهای کرانه خلیج فارس می‌باشد.

۱۱ - اعضای فراکسیون پارلمانی حزب مردم و نمایندگان آن

- حزب در المجمن های شهر و شهرستان حضور شاه شرفیاب شدند.
- ۱۲ - شاه و شهبانو در هند در المجمن پارسیان بمبئی شرکت کردند.
- ۱۳ - لایحه کشت خشخاش در کشور در مناطقی زیر نظر دولت به مجلس تقدیم شد.
- ۱۴ - دفتر لژیون خدمتگذاران بشر در تهران افتتاح شد.
- ۱۵ - قرارداد احداث دهکده المپیک در شمال غربی تهران در زمینی به مساحت ۵ میلیون مترمربع به امضا رسید.
- ۱۶ - محمد رضا شاه پهلوی برای شرکت در مراسم تشییع جنازه ژنرال آیزنهاور عازم آمریکا شد.
- ۱۷ - به علت کشمکش در باره استرداد تیموری ختیار روابط ایران و لبنان قطع شد.
- ۱۸ - نخستین گروه سپاهی دانش دختران طی مراسمی به شهرستان ها اعزام شدند.

سال ۱۳۴۸ شمسی برابر با ۱۹۶۹ میلادی

- ۱ - با بیانات شهبانو پانزدهمین مجمع اتحادیه بین المللی زنان حقوقدان در هتل هیلتون گشایش یافت. کلیه شرکت کنندگان در جلسه در کاخ سلطنتی با شهبانو دیدار کردند.
- ۲ - رادیو بغداد اعلام کرد که دولت عراق تصمیم دولت ایران را در مورد لغو قرارداد ۱۳۱۶ راجع به شط العرب به رسمیت نمی شناسد. بهمین جهت پل خرمشهر و تأسیسات مهم خوزستان زیر پوشش حفاظتی قرار گرفت و مرز خسروی بسته شد.
- ۳ - تلویزیون بحث خصوصی متعلق به شرکت ثابت پاسال در اختیار تلویزیون ملی ایران قرار گرفت.
- ۴ - وزارت امور خارجه ایران اعلام داشت که کشتی ابن سينا

با پرچم ایران در سراسر اروند رود به حرکت درآمد و بدون توجه به قرارداد تحمیلی ۱۳۱۶ و افراشتن پرچم عراق با پرچم ایران به عبور خود داده داد.

۵ - دولت عراق تعدادی از ایرانیان مقیم عراق را اخراج کرد، آن عده که بیش از ۶ هزار نفر بودند از طریق مرز خسروی وارد ایران شدند.

۶ - امیر عباس هویدا نخست وزیر تالار اجتماعات سازمان جوانان حزب ایران نوین را در خیابان ژاله افتتاح کرد. همچنین نخست وزیر کنفرانس هماهنگی سورای زنان حزب را گشود. دکتر کلالی دبیر کل حزب کزارش جامعی دریاره پیشرفت‌های حزب به اطلاع رسانید.

۷ - دکتر حسن ارسنجانی وزیر سابق کشاورزی بطور ناگهانی در ۴۸ سالگی در تهران درگذشت.

۸ - مجید بختیار ناینده مجلس و مهندس پالانچیان هنگام پرواز با هوا پیما بر روی دریای مازندران دچار سانحه شده و کشته شدند.

۹ - در مراسم رژه روز ۲۱ آذر ماه هنگامی که ارتشدید شفقت فرمانده رژه به نزدیک شاه رسید از اسب به زیر افتاد و اسب بدون سرنشین از برابر شاه گذشت.

۱۰ - با پیام شاه سازمان نظام پزشکی ایران کار خود را آغاز کرد. دکتر اقبال به ریاست این سازمان انتخاب شد.

۱۱ - در حضور شهبانو سومین مراسم جشن هنر شیراز گشایش یافت. برنامه‌های جشن مورد بحث و گفتگو در محافل مختلف قرار گرفت و انتقاداتی از آن شد.

۱۲ - مذاکرات ایران و ترکیه دریاره احداث خط لوله (اهواز اسکندریون) آغاز شد.

۱۳ - دادگاه عالی دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

- تیمور بختیار را به اتهاماتی غیاباً محکوم به اعدام کرد.
- ۱۴ - در کنفرانس عالی اسلامی در ریاض بین شاه و انور سادات معاون رئیس جمهور مصر گفتگوهای شد و دیدارهای صورت گرفت.
- ۱۵ - وزیر خارجه ایران در سازمان ملل کفت شط العرب بین ایران و عراق آبراه بین المللی است و نباید تحت سلطه یک دولت باشد. قرارداد استعماری ۱۹۳۷ مورد قبول دولت ایران نمی باشد.
- ۱۶ - محمد رضا شاه از ساختمان جدید مجلس شورای ملی و سازمان مرکزی ورزشی تاج بازدید کرد. مهندس ریاضی رئیس مجلس و سپهبد خسروانی رئیس باشگاه تاج گزارشاتی معروض داشتند. مراتب رضامندی شاه به رئیس و کارکنان با شگاه تاج ابلاغ شد.
- ۱۷ - سپهبد تیمور بختیار که رهبری گروهی از مخالفین شاه را بر عهده گرفته بود در مرداد ماه ۴۸ هنگامی که برای شکار به مرز ایران و عراق رفته بود ترور شد.
- ۱۸ - شاهدخت شهناز پهلوی که پس از جدائی از اردشیر زاهدی در نظر بود با محمود زنگنه ازدواج کند تصمیم به ازدواج با مسعود جهانبانی گرفت. شاه بالین ازدواج موافق نبود و او را معتاد و هیچی می دانست و به علت فرار از نظام وظیفه به سه سال زندان محکوم شده بود. پس از چندی مورد عفو قرار گرفت و در ژنو مراسم عقد برگزار گردید.
- ۱۹ - به علت افزایش بهای بلیط اتوبوس های شهری در تهران، گروهی به اتوبوسها حمله کرده و شیشه ها را شکستند. شاه از سن موریتس دستور داد افزایش بهای اتوبوس لغو گردد.
- ۲۰ - ارتشد حجازی در ۲۵ شهریور ۱۳۴۸ خودکشی کرد. روزنامه ها نوشتند که هنگام پاک کردن اسلحه به قتل رسیده است.
- ۲۱ - قانون سهیم کردن کارگران در سود کارگاه ها مورد تصویب مجلسین قرار گرفت.

۲۲ - قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به تصویب مجلسین رسید.

۲۳ - به علت تحریکات مرزی عراق علیه ایران سفیر و چهار دیپلمات عراقي از ايران اخراج شدند. دولت عراق نیز دیپلمات های ايران را اخراج کرد. روابط دوکشور بحرانی شد و راديوهای دو کشور به شدت به یکدیگر حمله کردند.

سال ۱۳۴۹ شمسی برابر با ۱۹۷۰ میلادی

۱ - چهارمين فرزند شاه و شهبانو فرح (لیلی پهلوی) متولد شد.

۲ - روز جمعه ۱۳۴۹/۱/۲۱ در مسابقات فوتبال آسیائی ایران دوگل به اسرائیل زد که موجب شادی عموم شد و مردم شب را نا صبح در تهران به شادمانی پرداختند.

۳ - وزیر خارجه ایران در مجلس شورای ملی گفت دولت ایران مصمم است که مستله بحرین را از طریق سازمان ملل متحده رفراندم بگذارد. پادشاه ایران گفتند مستله بحرین بار فراندم حل خواهد شد و ایران نیز حاکمیت خود را بر جزایر خلیج فارس مخصوصاً تن بزرگ و تن ب کوچک و ابو موسی اعمال خواهد کرد.

۴ - هیئت اعزامی سازمان ملل به بحرین اعلام داشت که مردم بحرین خواستار استقلال هستند. شورای امنیت سازمان ملل نیز استقلال بحرین را به اتفاق آرا مورد تصویب قرارداد.

۵ - کنفرانس سرمایه گذاران آمریکائی در هتل هیلتون گشایش یافت.

۶ - شاه ایران در مجلس ترحیم آیت الله حکیم شرکت نمود.

۷ - دولت هویدا گزارش استقلال بحرین را به پارلمان تقدیم داشت که در جلسه مورخ ۱۸۷/۲/۲۴ مجلس شورای ملی با

رأی موافق و ۴ رأی مخالف و در جلسه ۲۸/۲/۴۹ مجلس سنا به اتفاق آرا مورد تصویب قرار گرفت.

۸ - به فرمان شاه کاخ مرمر و اراضی و منضمات آن به شهرداری تهران واگذار شد تا به موزه سلسله پهلوی تبدیل شود.

۹ - شاه ایران برای شرکت در مراسم تشییع جنازه دوگل عازم فرانسه شد.

۱۰ - از طرف دولت اعلام شد که حدود ۶ هزار زن و دختر ایرانی در سپاههای دانش و بهداشت و ترویج و آبادانی خدمت می‌کنند.

۱۱ - روز ۱۵ آبان ۱۳۴۹ یک هواپیمای شرکت ملی هواپیمائی ایران که از دوبی عازم تهران بود ریوده می‌شد. در این هواپیما چند تن از مجاهدین خلق بودند که در دوبی دستگیر و با دستبند به داخل هواپیما برده شده بودند که تحويل تهران شوند. چند تن از مجاهدین به صورت مسافر داخل هواپیما شده بالاسلحه کمری خلبان و محافظین را مجبور کرده و هواپیمارا به بغداد می‌برند. در فرودگاه بغداد به این امر مظنون شده آنها را به چریکهای فلسطینی تحويل می‌دهند. موسی خیابانی - مشکین فام و حسین روحانی جزو آنها بودند.

۱۲ - مقام امنیتی در رادیوتلویزیون پیرامون کنفراسیون دانشجویان ایرانی و تلاش‌های مختلف گروه‌های سیاسی مطالبی را مورد بحث و گفتگو قرارداد.

۱۳ - ژنرال اسراءوی معاون سابق رئیس جمهور عراق که به ایران پناهنده شده بود دریک مصاحبه تلویزیونی از جنایات حکومت عراق پرده برداشت.

۱۴ - شاه ایران در کنفرانس نفتی اوپک که در کاخ سنا در تهران تشکیل یافت درباره حقوق حقه کشورهای تولید کننده نفت و اتخاذ روش واحد در برابر کمپانیهای نفتی مطالبی بیان داشت.

۱۵ - قرارداد جدید نفتی که به دنبال این کنفرانس در تهران
امضا گردید پیروزی مهمی برای کشورهای نفتی تلقی شد.

سال ۱۳۵۰ شمسی برابر با ۱۹۷۱ میلادی

۱ - ویلیام راجرز وزیر خارجه آمریکا گفت دولت آمریکا
کوشش های ایران را در حفظ امنیت خلیج فارس پس از خروج
نیروهای انگلستان می ستاید.

۲ - چریکهای فدائی خلق ایران موجودیت خود را در فروردین
ماه سال ۱۳۵۰ اعلام داشتند. به علت فعالیت چریکی در منطقه
سیاهکل متهمین سیاهکل بازداشت گردیدند.

۳ - سرلشکر فرسیو رئیس دادرسی ارتش هنگام خروج از
خانه خود ترور شد. قاتلین متواری شدند.

۴ - صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق
به ایران مسافرت کرد و روابط ایران و عراق بهبود یافت.

۵ - محمد صادق فاتح مدیر کارخانه چیت سازی جهان چیت
کرج ترور گردید.

۶ - دومین کنگره حزب ایران نوین با حضور بیش از سه
هزار و پانصد تن از اعضای حزب در سالن محمدرضا شاه به ریاست
سرتیپ صفاری افتتاح شد. در پایان نمایندگان ۱۴ حزب از کشورهای
 مختلف جهان و اعضای کنگره حضور شاه شرفیاب گردیدند.

۷ - با قبول نظر ایران دریا استرداد جزایر تن بزرگ و تنب
کوچک و ابو موسی دولت ایران حمایت خود را از طرح تشکیل
فدراسیون امارات متحده عربی اعلام داشت. شاه گفت رفتن انگلیس
ها از خلیج فارس خلائی ایجاد نمی کند.

۸ - چهارمین کنفرانس انقلاب آموزشی با حضور شاه در
رامسر گشایش یافت.

- ۹ - طی مراسمی با حضور مقامات ایران و شوروی تأسیسات آب و برق شش میلیارد ریالی ارس افتتاح شد.
- ۱۰ - اعلامیه مشترک ایران و چین منتشر شد. دولت ایران دولت پکن را تنها دولت قانونی چین شناخت.
- ۱۱ - چهارده تن خرابکار که از طرف عراق به ایران فرستاده شده بودند خودرا معرفی کردند.
- ۱۲ - امیراسدالله علم حضور شاه شرفیاب شد و دکتر فرهنگ مهر به ریاست دانشگاه پهلوی شیراز معرفی شد.
- ۱۳ - ششمین دوره مجلس سنا و بیست و سومین دوره مجلس شورای ملی افتتاح شد.
- ۱۴ - شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد که تولید نفت ایران روزانه به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه رسیده است.
- ۱۵ - در ترمیم کابینه دکتر منوچهر کلالی دبیرکل حزب ایران نوین به سمت وزیر مشاور منصوب شد.
- ۱۶ - وزیر خارجه ایران در بیست و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد شاه ایران را درباره غیراقعی کردن منطقه خاور میانه به اطلاع رسانید.
- ۱۷ - ویلیام لوی نماینده وزارت خارجه انگلستان شرفیاب شد و مذاکرات خودرا با حکام خلیج فارس درباره تخلیه ارتش انگلیس از منطقه خلیج فارس اطلاع داد.
- ۱۸ - محمد نصیری و نصرالله دهنی در مسابقات قهرمانی وزنه برداری در مانیل مدال طلا گرفتند.
- ۱۹ - در روز بیست مهرماه ۱۳۵۰ مراسم جشن دوهزارو پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در تخت جمشید با خطابه محمدرضا شاه پهلوی دربرابر آرامگاه کوروش کبیر با حضور پادشاهان و رؤسای جمهور و رهبران کشورهای مختلف جهان افتتاح شد. با شلیک ۱۰۱ تیر تاج گلی از طرف پهلوی دوم نثار آرامگاه

کوروش کبیر شد.

- ۲۰ - جشن های شاهنشاهی مدت ده روز به طول انجامید و کارهای عمرانی زیادی در سراسر کشور افتتاح شد.
- ۲۱ - استادیوم یکصد هزار نفری آریامهر و همچنین ساختمان میدان شهیاد آریا مهر گشایش یافت.
- ۲۲ - مذاکرات رسمی شرکت ملی نفت ایران با اعضای کنسروسم نفت آغاز گردید.
- ۲۳ - روز ۹ آذر ۱۳۵۰ نیروهای انتظامی ایران در جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک وابوموسی مستقر گردیدند. این امر مورد اعتراض کشورهای عربی قرار گرفت که به سازمان ملل متعدد شکایت کردند ولی مسکوت گذارده شد.

سال ۱۳۵۱ شمسی برابر با ۱۹۷۲ میلادی

- ۱ - بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت انگلیس قراردادی برای استخراج نفت فلات قاره دریای شمال انگلستان به امضا رسید.
- ۲ - اعضای کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران در دادگاه های نظامی محاکمه و ۱۲ تن به اعدام و ۱۶ تن به زندان های مختلف محکوم شدند. نه تن از محکومین در اوایل سال ۱۳۵۱ اعدام شدند که عبارتند از: حنیف نژاد - سعید محسن - بدیع زادگان - عسگرزاده - مشکین فام - صادق - میهن دوست - باکری - محمد بازرگانی . حکم اعدام مسعود رجوی و بهمن بازرگانی به حبس ابد تبدیل شد.
- ۳ - در مرداد ۱۳۵۱ سرتیپ طاهری از اعضای کمیته مشترک ضد خرابکاری ترور شد.
- ۴ - محمدرضا شاه پهلوی از تأسیسات نیروی دریائی ایران

درجیزه ابوموسی بازدید نمود.

- ۵ - مدیرعامل کارخانجات ایران ناسیونال حضور شاه شرفیاب شد و گزارشی درباره توسعه کارخانه معروض داشت.
- ۶ - از جانب شاه ایران یک قبضه شمشیر دوره صفویه به مناسبت هشتادمین سالروز تولد به مارشال تیتو اهدا گردید.
- ۷ - ریچارد نیکسن رئیس جمهوری آمریکا به تهران آمد و در کاخ سعدآباد مذاکرات دوستانه ای بین رهبران دوکشور صورت گرفت.
- ۸ - شاهشاه ایران پس از ایرادنطقی در پنجاه و هفتمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار در ژنو عازم سن موریتس خانه زمستانی خود شدند. شهبانو و فرزندان شاه (ولیعهد - فرحناز - علیرضا - لیلا) به شاه ملحق گردیدند.
- ۹ - به تصویب شاه اولین گروه سپاه بهداشت (دختران) مفتخر به اخذ درجات نظامی شدند.
- ۱۰ - نخستین جلسات بررسی پنجمین برنامه عمرانی کشور در تخت جمشید با حضور شاه و شهبانو تشکیل گردید.
- ۱۱ - با پیام شاه نخستین جلسه اتاق اصناف دروزارت کشور توسط هویدا نخست وزیر افتتاح شد.
- ۱۲ - وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که طی مدت ده سال ۷۹ هزار سپاهی دانش به روستاهای اعزام گردیده است.
- ۱۳ - شرکت ملی صنایع پتروشیمی پنجاه درصد سهام پتروشیمی بندر شاهپور متعلق به شرکت آلاید کمیکال آمریکائی را خریداری کرد.
- ۱۴ - دکتر علینقی کنی دبیر کل حزب مردم چون گفته بود که دولت هویدا یک دولت ارتقایی است و در کار انجمن های ایالتی دخالت کرده و مانع موفقیت حزب مردم شده است از کاربرکنار شد و ناصر عامری به جای او دبیر کل حزب مردم گردید.

۱۵ - دهمین سال انقلاب شاه و ملت درسراسر کشور جشن کرفته شد. نمایشگاه اسناد انقلاب در حضور شاه و شهبانو در موزه ایران باستان افتتاح شد.

۱۶ - در متینگی که از طرف دو حزب ایران نوین و مردم در میدان سپه برگذار شد در زیر بالکن محل توقف مقامات حزب و بلندگوی متینگ انفجاری روی داد ولی کسی صدمه‌ای ندید.

۱۷ - روز ۱۵ اسفند ۱۳۵۱ شاه ایران مجتمع ذوب آهن آریامهر را در اصفهان افتتاح نمود و اظهارداشت که تا کنون کمپانی‌های خارجی نفت ایران را استخراج می‌کردند ولی اکنون مالکیت تمام مؤسسات و منابع متعلق به ملت ایران است. کمپانیهای نفتی فقط سفارش دهنده هستند.

سال ۱۳۵۲ شمسی برابر با ۱۹۷۳ میلادی

۱ - به فرمان شاه سپهبد حسین فردوست به ریاست بازرگانی شاهنشاهی منصوب گردید.

۲ - شاپور غلامرضا پهلوی موزه پادیبد سوم اسفند را در قریه (آقابابا) که مرکز تصمیم گیری سردار سپه برای کودتای ۱۲۹۹ بود افتتاح کرد.

۳ - گروه اندیشمندان کشور در کاخ نیاوران شرفیابی حاصل کردند. دکتر نهادنی گزارشی معروض داشت.

۴ - امیرعباس هویدا نخست وزیر لایحه مربوط به قرارداد فروش نفت را تقدیم مجلس کرد. با تصویب لایحه مزبور به دوران ۷۰ ساله امتیاز نفتی خاقمه داده شد. این قانون در روز نهم مرداد ماه ۱۳۵۲ توشیح شد که به منزله استقرار کامل حقوق ایران در امر نفت تلقی گردید.

۵ - در دو شرفیابی جداگانه گروهی از رهبران حزب ایران

نوین و همچنین دبیرکل و رهبران حزب مردم به حضور محمدرضا شاه پهلوی باریافتند.

۶ - در مصاحبه با خبرنگار بلژیکی شاه ایران گفت طرح ایجاد پالایشگاه نفت دربلژیک یکی از ۳۰۰ طرح ایران در مشارکت با سایر کشورها می باشد.

۷ - به دنبال ابراز تمایل عراق مبنی بر حسن مناسبات با ایران پس از دو سال سفارتخانه های دوکشور افتتاح شد.

۸ - در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ محمدرضا شاه ضمن مصاحبه ای گفت: «تشکیلات یک حزبی منجر به دیکتاتوری خواهد شد. باید حزب یا احزاب دیگری هم در کشور وجود داشته باشد».

۹ - احمد آرامش وزیر سابق که اعلام جمهوریت کرده و به فعالیت علیه رژیم ادامه می داد در مهرماه سال ۱۳۵۲ در پارک فرج با گلوله ناشناسی کشته شد. شایعه سازان گفتند این کار را ساواک انجام داده است.

۱۰ - طی فرمان شاه، وزیران و مستولان وزارتاخانه ها نمی توانند در شرکتها و بانکها و مؤسسات صاحب سهم بوده و یا همسر و فرزندانشان سهام و یا مشارکت داشته باشند.

۱۱ - پالایشگاه نفت شیراز در ۳۴ کیلومتری شیراز افتتاح شد.

۱۲ - از طرف شاه مقرر شد که ۹۹ درصد از سهام کارخانجات پتروشیمی که سود دهنده باشد به کارکنان صنعت نفت و سایر مردم فروخته شود.

۱۳ - اولین کشتی اقیانوس پیمای ایران طی مراسمی در بوشهر به آب انداخته شد.

۱۴ - شهبانوی ایران از قریه جذامیان در بجنورد بازدید کرده و جذامیان را مورد محبت قرارداد.

۱۵ - اجلاس بزرگ وزیران نفت و دارائی کشورهای اوپک

در تهران تشکیل شد.

۱۶ - گروهی به اتهام توطئه ریودن بعضی از افراد خاندان سلطنت دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه شدند. خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان محکوم به اعدام شدند. حکم صادره درباره آنها اجرا گردید. ده تن بقیه به جبس محکوم شده که با عفو ملوکانه آزاد شدند.

سال ۱۳۵۳ شمسی برابر با ۱۹۷۴ میلادی

- ۱ - فرمان شاه درباره رایگان شدن تحصیل در کودکستان و دبستان و مدارس راهنمائی به دولت ابلاغ شد.
- ۲ - رضا پهلوی ولی‌عهد ایران پس از ۱۶ ساعت و ۲۵ دقیقه تعلیم خلبانی پرواز مستقل خود را با هواپیمای یک موتوره بر فراز دوشان تپه شروع کرد.
- ۳ - مدیران عامل جمعیت خیریه فرح پهلوی در سراسر کشور حضور شهبانو باریافتند.
- ۴ - دولت ایران و مؤسسه کروب آلمانی مشارکت خود را با یکدیگر اعلام کردند.
- ۵ - موافقت نامه ایران و انگلستان درباره اعطای ۱۲۰۰ میلیون دلار وام که در اختیار انگلستان گذارده شود امضا شد.
- ۶ - ساختمان دانشگاه کرمان با سرمایه مهندس افضلی پور شروع گردید.
- ۷ - دومین نمایشگاه بین‌المللی تهران با حضور شاه و شهبانو گشایش یافت.
- ۸ - در شرفیابی هیئت رئیسه دوم مجلس شاه گفت احزاب باید

خود را برای انتخابات بعدی آماده کنند و بدون زحمت نمی توان انتخاب شد.

۹ - روز ۱۴ آذر در ساعت دو پنجاه دقیقه بعداز ظهر سقف فرودگاه مهرآباد فرو ریخت و عده ای زیرآوار ماندند. شهرداری رقم کشته شدگان را ۱۶ نفر و مجروح شدگان را ۱۱ نفر اعلام داشت.

۱۰ - به دستور دولت امر تغذیه رایگان به عهده وزارت بازرگانی و تعاون روستائی گذارده شد.

۱۱ - سومین کنگره بزرگ حزب ایران نوین با انتخاب ۱۴ هزار نفر از سراسر کشور و حضور غایندگان احزاب ۴۵ کشور دنیا به ریاست دکتر الموتی و با حضور هویدا نخست وزیر و رؤسای مجلسین در استادیوم آریامهر در تهران افتتاح شد.

۱۲ - کمیته ایرانی بزرگداشت دویستمین سال انقلاب آمریکا به ریاست شهبانو فرج تشکیل شد.

۱۳ - سرتیپ زندی رئیس کمیته مشترک ضد خرابکاری ترور شد.

۱۴ - ناصر عامری دبیرکل حزب مردم پس از یک سال و نیم تصدی برکنار شد و چندی بعد درجه بند پهلوی در اثر حادثه اتو مبیل درگذشت. دبیران کل حزب مردم از بد و تشکیل تا انحلال عبارت بودند از: امیراسدالله علم - پروفسور یحیی عدل - دکتر کنی - ناصر عامری - محمد فاضلی. دکتر کنی و ناصر عامری به علت انتقاد از اقدامات دولت هویدا از دبیرکلی حزب مردم برکنار شدند.

۱۵ - به مناسبت چهلمین سالگرد آزادی زن ایرانی، مجلس با شکوهی در هفدهم دی ماه ۱۳۵۳ با حضور شاه و شهبانو در سالن محمدرضا شاه تشکیل گردید و از طرف بانوان ایرانی نطق های پرشوری ایجاد شد. چون سال ۱۹۷۵ سال جهانی زن نامیده شده است قرار شد در ایران نیز اقداماتی صورت گیرد.

۱۶ - شاهدخت اشرف پهلوی به دعوت ذوالفقار علی بو تو

رئیس جمهور پاکستان به آن کشور سفر کرد.

۱۷ - از طرف دولت ایران و شرکت هواپیمایی پان آمریکن به مناسبت سرمایه گذاری ایران در این شرکت اعلامیه‌ای انتشار یافت.

۱۸ - روز ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ نخست وزیر و رئیس مجلسین و دبیران کل احزاب و روزنامه نگاران داخلی و خارجی به کاخ نیاوران دعوت شدند. در این جلسه شاه ایران اعلام کرد که کلیه احزاب سیاسی لازم است دریک حزب مرکز یابند که با این طرز (حزب رستاخیز ملت ایران) تشکیل وسایر احزاب منحل گردد.

۱۹ - روز ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ بین شاه ایران و صدام حسین معاون رئیس جمهور عراق در جریان مذاکرات نفتی اوپک در الجزیره توافق نامه‌ای به امضا رسید و موافقت شد اختلافات مرزی مخصوصاً شط العرب براساس خط تالوک حل گردد. این امر پیروزی بزرگی برای ایران بود.

۲۰ - امیر عباس هویدا به عنوان دبیر کل حزب رستاخیز معرفی شد. به دعوت نخست وزیر پانصد تن تشکیل جلسه داده و مرآمنامه و اساسنامه حزب رستاخیز را تهیه کردند.

سال ۱۳۵۴ شمسی برابر با ۱۹۷۵ میلادی

۱ - به فرمان شاه سهام کلیه واحدهای تولیدی به کارگران و کارمندان و کشاورزان عرضه شد. طبق این دستور مقرر شد ۹۹ درصد سهام بخش دولتی (غیر از صنایع مادر) و ۴۹ درصد سهام بخش خصوصی واگذار گردد.

۲ - امیر عباس هویدا نخست وزیر به دعوت صدام حسین معاون شورای فرماندهی انقلاب عراق برای یک دیدار رسمی به بغداد وارد شد. در پایان دیدار اعلامیه مشترکی درباره روابط دوستانه ایران و عراق منتشر گردید. صدام حسین نیز به دعوت

نخست وزیر ایران به تهران آمد و حضور شاه شرفیاب گردید و روابط حسنی دوکشور توسعه یافت.

۳ - به دعوت انورسادات رضا پهلوی و لیعهد عازم مصر شد تا در مراسم بازگشایی آبراه سوئز شرکت کند.

۴ - نخستین کنگره حزب رستاخیز با حضور ۴۵۰۰ نفر در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به ریاست نصرالله انتظام تشکیل گردید. در این اجلاس دویست نفر انتخاب گردیدند که آن‌ها هیئت اجرائی حزب را انتخاب نمودند. ضمناً مرامنامه و اساسنامه حزب مورد تصویب قرار گرفت.

۵ - بانک ایرانشهر با ۳ میلیارد ریال سرمایه جانشین بانک اصناف شد.

۶ - ارتشید خاتم همسرافاطمه پهلوی و فرمانده نیروی هوایی در هنگام پرواز با (کایت) در نزدیکی پایگاه وحدتی در برخورد با دیوار سد دز به هلاکت رسید.

۷ - قرارداد ساختمان مجتمع بزرگ ذوب آهن گازی در بندر عباس با ظرفیت ۳ میلیون تن در سال بین دولت ایتالیا و شرکت صنایع پولاد در ایران امضا شد.

۸ - ساختمان شهرک ۲۰۰ هزارنفری در خوزستان برای تأمین مسکن کارکنان پتروشیمی بندر شاپور در زمینی به وسعت ۲۲ میلیون متر آغاز شد.

۹ - ستادبرگذاری جشن‌های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی به ریاست امیراسدالله علم در دریار تشکیل شد.

۱۰ - حسنی مبارک معاون رئیس جمهوری مصر در کاخ نیاوران با رضا پهلوی و لیعهد ایران ملاقات نمود.

۱۱ - شاه ایران مجتمع جدید ایران ناسیونال را در تهران و مجتمع صنعتی شهریار را در اهواز افتتاح کردند. محمود خیامی و علی رضائی در این مراسم گزارشی را به عرض رسانیدند.

۱۲- هنگام تشکیل کنفرانس کشورهای نفتی (اوپک) در وین وزرای نفتی توسط کارلوس ترووریست به گروگان گرفته شدند و پس از انتقال آنها به چند کشور عربی با اقداماتی آزاد شدند. گروگان ها ۴۳ نفر بودند که ترووریستها قصد قتل دکتر آموزگارو زکی یمانی را داشتند که پس از وساطت بعضی کشورها آزاد گردیدند.

۱۳- بیژن جزئی و ۸ تن دیگر که به گروه سیاهکل شهرت داشتند دردادگاه نظامی به چند سال زندان محکوم شدند. بعد انتشار یافته که در فروردین ۱۳۵۴ در تپه های اوین وسیله مأمورین محافظه به قتل رسیده اند. دولتی هاشایعه فرار و مخالفین رژیم شایعه اعدام را پخش کرده اند. مقتولین عبارتند از : بیژن جزئی - حسن ضیاء طریقی - احمد جلیلی افشار - مصطفی جوان خوشدل - کاظم ذوالانوار - مشعوف کلانتری - عزیز سرمدی - محمد چوپان زاده - عزیز سورکی.

۱۴- انتخابات بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی در تابستان سال ۵۴ در سراسر ایران انجام شد. با تأیید دفتر سیاسی و هیئت اجرائیه حزب رستاخیز از بین ده هزار نامزد نهایندگی ۸۴۱ تن برای ۲۶۸ کرسی مجلس شورای ملی و ۳۰ کرسی مجلس سنا معرفی شدند.

۱۵- پس از خاتمه انتخابات هویدا دبیر کل حزب رستاخیز اعلام داشت که حدود ۶ میلیون و هشتصد هزار نفر آراء خودرا به صندوق ها ریخته اند که در تاریخ مشروطیت بی سابقه می باشد.

۱۶- امیر عباس هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز منتخبین دوم مجلس را به هتل اینترکنتینانتال دعوت کرد و گفت حزب رستاخیزداری دو جناح می باشد. جناح پیشو ای با رهبری دکتر جمشید آموزگار و جناح سازنده با رهبری هوشنگ انصاری.

۱۷- مجلسین سنا و شورای ایمنی در روز ۱۴ مهر ماه توسط شاه و با حضور شهبانو افتتاح شد. مهندس شریف امامی به ریاست

- سنا و مهندس ریاضی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند.
- ۱۸ - محاکمه ناخدا رمزی عطائی و ۳ تن دیگر به اتهاماتی در دادگاه نظامی پایان یافت. متهمین که ۱۳ نفر بودند از یک سال تا پنج سال زندان و پرداخت مبلغی غرامت محکوم شدند.
- ۱۹ - دراجلاس مشترک نمایندگان مجلسین در روز ۲۴ اسفند ۱۳۵۴ تاریخ شاهنشاهی سرآغاز تقویم رسمی ایران اعلام گردید. تاریخ هجری شمسی به قوت خود باقی ماند. سال (۱۳۵۵) شمسی معادل سال (۲۵۳۵) شاهنشاهی اعلام شد.
- ۲۰ - اعضای دفتر سیاسی و هیئت اجرائی حزب رستاخیز حضور شاه شرفیاب شدند.
- ۲۱ - با پیام شاه دومین کنگره حزب رستاخیز ملت ایران گشایش یافت. ریاست کنگره با دکتر قاسم معتمدی بود. دومین کنگره حزب با صدور قطعنامه ای به کار خود پایان داد و دکتر جمشید آموزگار را به سمت دبیر کل معرفی کرد. نخست وزیر هم به او عنوان وزیر مشاورداد.
- ۲۲ - به علت درگذشت ارتشید تدين فرمانده نیروی هوائی درتصادف هواپیما سپهبد خلبان امیرحسین رییعی به فرماندهی نیروی هوائی منصوب شد.
- ۲۳ - مجلسین ایران در جلسه مشترک مورخ ۲۴ اسفند ۵۴ ضمن تجلیل از آئین بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی در ایران از خدمات شاهان پهلوی تقدیر نمودند. محمدرضا شاه نیز بهمین مناسبت از ملت ایران تشکر کرد.

سال ۱۳۵۵ شمسی برابر با ۱۹۷۶ میلادی

- ۱ - روز ۲۴ فروردین شاهدخت اشرف پهلوی اعلام کرد که کلیه دارائی خود را به بنیاد خیریه ای اختصاص داده و هیئت مدیره

- ای آن را اداره خواهد کرد.
- ۲ - کمیسیون شاهنشاهی به ریاست معینیان تشکیل شد و با حضور نخست وزیر و مقامات مملکتی به امور سازمانها و مؤسسات دولتی رسیدگی می کرد.
- ۳ - معینیان درباره اقدامات کمیسیون شاهنشاهی گفت که به کار ۱۰۲۲ پروژه رسیدگی کرده و ۲۲۳ مأموریت رسمی الجام داده است.
- ۴ - دکتر علی شریعتی از سخنگویان حسینیه ارشاد که مورد تعقیب قرار گرفته بود با گذرنامه علی مزینانی از کشور خارج شد و سال بعد در لندن درگذشت.
- ۵ - با انتخاب جیمی کارترا در آبان ماه ۱۳۵۵ به ریاست جمهوری امریکا، شاه مثل همیشه از موفقیت حزب دموکرات چارنگرانی و تشویش شد. زیرا کارترا در برنامه های انتخاباتی خود به حقوق بشر و وضع ایران اشاراتی کرده بود.

سال ۱۳۵۶ شمسی برابر با ۱۹۷۷

- ۱ - سرلشگر احمد مقری به اتهام جاسوسی برای شوروی دستگیر و در دادگاه نظامی محکمه و محکوم به اعدام شد. حکم دادگاه به مرحله اجرا گذاشته شد.
- ۲ - روز ۱۲ مرداد امیر عباس هویدا پس از ۱۳ سال از نخست وزیری استعفا کرد و بلافاصله فرمان نخست وزیری به نام دکتر جمشید آموزگار صادر شد.
- ۳ - دکتر آموزگار از دبیر کلی حزب رستاخیز استعفا کرد و دکتر محمد باهری به دبیر کلی حزب رستاخیز انتخاب گردید.
- ۴ - روز ۱۴ مرداد امیر اسدالله علم که دچار بیماری سرطان بود و در اروپا به سر می برد از وزارت دربار استعفا کرد و امیر عباس

- هويدا به وزارت دريار منصوب شد.
- ۵ - مصطفى خميني در آبان ۶۵ در عراق درگذشت. مخالفين مرگ او را به ساواك نسبت داده بودند که حتى مورد تاييد آيت الله خميني قرار نگرفت.
- ۶ - در آبان ماه، شاه و شهبانو برای ديدار کarter و همسرش به آمريكا رفتند. هنگام ديدار در کاخ سفيد از طرف موافقين و مخالفين در يرابر کاخ سفيد تظاهراتي شد که با استعمال گاز اشک آور از ديدگان رهبران هردو کشور اشك جاري شد.
- ۷ - هيئت پارلاني ايران برای شركت در کنفرانس بين المجالس به رياست دكترجهانشاه صالح عازم صوفيه پايتخت بلغارستان شدند.
- ۸ - دكترمونوجه اقبال مدیرعامل و رئيس هيئت مدیره شركت ملي نفت ايران و نخست وزير و وزير دربار سابق در تهران درگذشت. هوشنگ انصاري به مديريت عامل شركت نفت منصوب شد.
- ۹ - ارتشيد نصيري از سمت رياست ساواك برکنار و به سمت سفير ايران در پاکستان منصوب گردید. سپهبد ناصر مقدم به رياست ساواك و معاونت نخست وزير منصوب شد.
- ۱۰ - کarter و همسرش در مراجعت از سفر مسکو وارد تهران شدند . کarter نطقی در تاييد شاه ايران ايراد کرد و گفت: « ايران يك جزيره ثبات در منطقه ي پراشوب جهان به رهبري شاهنشاه می باشد»
- ۱۱ - در بيست و هفتم دي ماه ۱۳۵۶ مقاله اي به امضاي (احمد رشيدی مطلق) در روزنامه اطلاعات منتشر شد که طی آن خميني مورده حمله قرار گرفت. اين امر موجب تشنجاتي در شهرهاي قم و اصفهان و تبريز و مشهد و سائر نقاط کشور گردید که منجر به برقراری حکومت نظامي در بعضی از مناطق شد.
- ۱۲ - دكتر محمد باهري از سمت دبیرکلي حزب رستاخيز

استعفا کرد و بار دیگر دکترآموزگار با سمت نخست وزیر، دبیرکل حزب رستاخیز گردید.

۱۳ - سران جبهه ملی در کاروانسرا سنگی جلسه ای تشکیل داده و مورد حملاتی قرار گرفتند در این جریان دکترشاپور بختیار و داریوش فروهر مضروب شدند.

۱۴ - شاهدخت اشرف پهلوی هنگامی که از کازینوی پالم بیچ بعد از نیمه شب به خانه خود (ژان له پن) در جنوب فرانسه باز می کشت مورد سوء قصد چند تروریست قرار گرفت که جان سالم بدر برد ولی فروغ خواجه نوری که در آتموبیل او بود کشته شد.

سال ۱۳۵۷ شمسی برابر با ۱۹۷۸ میلادی

۱ - امیراسدالله علم نخست وزیر و وزیر دربار سابق در اثر ابتلا به بیماری سرطان در روز ۲۴ فروردین درگذشت.

۲ - روز ۲۱ فروردین متینگی از طرف حزب رستاخیز باشركت سیصد هزار نفر در تبریز تشکیل شد که در طی آن دکترآموزگار نخست وزیر و دبیرکل حزب رستاخیز و ارتشید شفقت استاندار آذربایجان شرقی مطالبی درباره حمایت از رژیم سلطنت بیان داشتند.

۳ - دومین هیئت اجرائی حزب رستاخیز از میان ۱۸۰۰ تن از اعضای انتخابی تهران و شهرستانها انتخاب گردیدند. دکتر احمد قریشی به ریاست هیئت اجرائی انتخاب گردید.

۴ - هیئت اجرائی حزب رستاخیز از میان خود اعضای دفتر سیاسی را انتخاب نمودند که دکتر آموزگار به سمت رئیس دفتر سیاسی و دکتر الموتی و خانم بابان به سمت نواب رئیس انتخاب گردیدند.

۵ - در خداداد ماه گروه بررسی مسائل ایران حضور شاه شرفیاب شد و دکتر نهادنی گزارشی به استحضار رسانید.

- ۶ - در خرداد ماه شاه طی مصاحبه‌ای گفت با ۱۹ اصل انقلاب، کشور را به سوی تمدن بزرگ رهبری می‌کنم.
- ۷ - در چند نقطه کشور به ساختمان‌های حزب رستاخیز حمله شد و بعضی از مقامات حزبی کناره گیری کردند.
- ۸ - دکتر آموزگار از دبیرکلی حزب استعفا کرد و دکتر جواد سعید سرپرست حزب شد.
- ۹ - روز ۲۸ مرداد هنگامی که فیلم (گوزن‌ها) در سینما رکس آبادان نمایش داده می‌شد سینما چار حريق وحشتناکی شد که ۳۷۷ نفر در آن سوختند. این امر موجب تأسف فراوان شد و عده‌ای تحت تعقیب قرار گرفتند.
- ۱۰ - دولت آموزگار تصمیم گرفت که در اصفهان حکومت نظامی برقرار تا از آشوب و بلوا در آن منطقه جلوگیری شود. لایحه با سروصدای در مجلس به تصویب رسید. بلا فاصله احمد بنی‌احمد و پژشکپور و چند تن دیگر از نمایندگان، دولت را استیضاح کردند.
- ۱۱ - دکتر آموزگار در پنجم شهریور ۱۳۵۷ از نخست وزیری استعفا کرد و فرمان نخست وزیری مهندس جعفر شریف امامی صادر شد.
- ۱۲ - نخست وزیر جدید برای تخفیف بحران کشور ضمن بحث درباره (فضای باز سیاسی) دستور داد که نطق نمایندگان از رادیو و تلویزیون پخش شود و مطبوعات در انتشار هرگونه خبر و مقاله‌ای آزادی عمل کامل داشته باشند. با افزایش حقوق کارکنان دولت و لغو تاریخ شاهنشاهی و دستور تعطیل کازینوها کوشید که اوضاع کشور را قریب آرامش سازد. حتی گفت: «من شریف امامی بیست روز پیش نیستم». متن بخشنامه نخست وزیر درباره لغو تاریخ شاهنشاهی و تعطیل کازینوها چنین است:
- «با توجه به قانون مصوب فروردین ۱۳۰۴ شمسی دستور داده شود که در مراسلات و مکاتبات و اسناد و مدارکی که در حوزه آن

وزارت توانی و ادارات تابعه صادر می شود مفاد قانون فوق الذکر را درمورد تاریخ شمسی هجری منظور دارند. البته تاریخ شاهنشاهی یا هجری قمری یا میلادی را بر حسب مورد (بین الهلالین) ذکر نمایند.

شماره ۱۸۰۵۴ مورخ ۵ شهریور ماه ۱۳۵۷

تیمسار سپهبد صمدیان پور رئیس شهریانی کل کشور برای تعظیم شعائر مذهبی و در اجرای مقررات شریعت مطهر جهت حفظ سالم اجتماع، دستور فرمائید کلیه قمارخانه ها و کازینوها در استانهای کشور برچیده شود. شهریانی کشور مسئولیت این دستور را بر عهده خواهد داشت.»

۱۳ - به علت تشنجات و آتش سوزیها در نقاط مختلف کشور هیئت وزیران در جلسه ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ تصمیم گرفت که در شهرهای تهران - قم - تبریز - مشهد - شیراز - جهرم - کازرون - اهواز - آبادان حکومت نظامی برقرار سازد.

۱۴ - روز ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران تظاهراتی صورت گرفت که بین مردم و مأموران حکومت نظامی زدو خورد شد. در اثر تیراندازی عده ای کشته شدند که (به جمعه سیاه) معروف شد. از این جهت دولت شریف امامی یا (دولت آشتی ملی) در مجلسین و مطبوعات مورد حملات شدید قرار گرفت.

۱۵ - طبق ماده ۵ قانون حکومت نظامی عده ای از مقامات بخش های دولتی و خصوصی بازداشت شدند.

۱۶ - آیت الله خمینی روز ۱۳ مهرماه ۵۷ از بغداد به پاریس رفت و در آنجا به تبلیغاتی علیه رژیم پرداخت.

۱۷ - به دنبال انتخاب دکتر سجادی به ریاست مجلس سنا در روز ۱۴ مهرماه ۵۷ در جریان انتخاب هیئت رئیسه مجلس شورای ملی دکتروجواواد سعید با ۱۴۴ رأی برمهندس ریاضی با ۱۰۳ رأی پیروز شد. دکتر حسین خطیبی و دکتر مصطفی الموتی به سمت نواب رئیس انتخاب شدند.

- ۱۸ - امیرعباس هویدا از وزارت دربار برکنار شد. دکتر علیقلی اردلان به وزارت دربار منصب گردید. کلیه آجودان های کشوری و لشکری شاه برکنار گردیدند.
- ۱۹ - دکتر جواد سعید از سرپرستی حزب رستاخیز استعفا داد. حزب فراگیر درحال انحلال قرار گرفت.
- ۲۰ - به علت مداخلات فرماندار نظامی در کار مطبوعات روزنامه های کشوریه حال اعتصاب درآمدند. پس از مذاکرات مقامات دولتی با روزنامه نگاران توافق نامه ای امضا و مطبوعات به کار خود ادامه دادند.
- ۲۱ - سپهبد علیمحمد خادمی روز ۱۷ آبان هنگامی که مأمورین برای بازداشت او رفته بودند خودکشی کرد. شایعه ای بود که اوراترور کرده اند.
- ۲۲ - در روز عید فطر یک راهپیمائی دو تا سه میلیون نفری در تهران برگزار گردید که در آن شعارهای ضدسلطنت داده شد.
- ۲۳ - در تظاهرات دانشگاهیان دکتر نجات اللهی استاد دانشگاه به قتل رسید که برداخته تظاهرات علیه رژیم افزوده شد.
- ۲۴ - به علت تظاهراتی در کرمان مسجد جامع آن شهر به آتش کشیده شد. مردم نیزیانکها و مغازه ها را آتش زدند و شهر متمنج گردید. از طرف دولت هیئتی برای رسیدگی اعزام شد.
- ۲۵ - مهندس شریف امامی روز ۱۴ آبان از نخست وزیری استعفا کرد و روز بعد ارتشید از هاری مأمور تشکیل کابینه شد.
- ۲۶ - ارتشید از هاری کابینه موقتی از مقامات نظامی تشکیل داد. بعضی از وزارت خانه ها زیر نظر مقامات نظامی قرار گرفت.
- ۲۷ - روز ۱۵ آبان ۵۷ شاه از رادیوتهران پیام معروف خود را که (صدای انقلاب شمارا شنیدم) به اطلاع ملت ایران رسانید. مخالفین مخصوصا خمینی آن را دلیل ضعف شاه و دولت دانست و گفت: «تویه قبول نیست آنقدر گلوی شاه را بفسارید تا خفه شود».

۲۸ - به تقاضای ارتشید ازهاری و موافقت شاه روز ۱۷ آبان امیرعباس هویدا و ارتشید نصیری و گروهی از مقامات مملکتی بازداشت شدند. (نصیری در پاکستان سفیر ایران بود که تهران احضار و بازداشت گردید).

۲۹ - به مناسبت روزهای تاسوعا و عاشورا در روزهای ۱۹ و ۲۰ آذر تظاهرات بزرگی با شرکت حدود بین دو تا سه میلیون نفر در تهران برگزار و قطعنامه ای در میدان شهید خوانده شد که طی آن مردم خواستار شدند که رژیم سلطنت باید برچیده شده و رژیم جمهوری اسلامی برقرار گردد.

۳۰ - ارتشید ازهاری کابینه خود را ترمیم کرد و گروهی از افراد غیر نظامی و متخصص را در رأس وزارت خانه های مختلف قرارداد.

۳۱ - نخستین اعلامیه با امضای کارکنان بانک مرکزی منتشر شد که ۱۷۵ نفر از مقامات مملکتی دومیلیارد و چهارصد میلیون دلار ارز از کشور خارج کرده اند که موجب گفتگو و سروصدائی فراوان شد. پس از چند روز دومین اعلامیه کارکنان بانک مرکزی منتشر گردید که ازهاری نیز متهم شد ۸۵ تخته قالی از کشور خارج کرده است. دادستان تهران نام بعضی از خارج کنندگان ارز را تأیید کرد و در نتیجه عده ای از آنان ممنوع الخروج شدند.

۳۲ - روز ۲۰ آذر ۵۷ در لویزان هنگام صرف ناهار گروهیان سلامت بخش و سرباز عابدی به روی افسران تیراندازی کرده و ۱۳ نفر را کشته و تعداد زیادی را مجروح ساختند. آن دو توسط افسران مسلح به قتل رسیدند.

۳۳ - در دیماه ۵۷ در گوادلوب کنفرانسی از سران کشورهای بزرگ تشکیل و تصمیماتی درباره ایران گرفته شد.

۳۴ - شاه برای انتخاب نخست وزیر جدید با دکتر امینی - عبدالله انتظام - دکتر سنجابی - دکتر صدیقی - دکتر شاپور

بختیار مذاکراتی نمود و از هر یک از آنان خواست که با قبول مقام نخست وزیری کشور را از بحران نجات دهند.

۳۵ - هیئت رئیسه دومجلس حضور شاه شرفیاب شده ضمن گفتگوی فراوان شاه گفت با بختیار درمورد نخست وزیری به توافق رسیده است. از نایندگان مجلسین خواست به اورای تاییل بدهند.

۳۶ - ژنرال هایزر امریکائی روز ۱۴ دیماه ۵۷ به ایران آمد و روز ۲۱ دی ماه با شاه ملاقات کرد.

۳۷ - مجلسین قبلاً به دکترشاپور بختیار ابراز تاییل کرده و سپس رأی اعتماد دادند.

۳۸ - دکتر بختیار درمذکره با روزنامه نگاران گفت که آنها دارای آزادی کامل هستند. بهمین جهت پس از ۶۱ روز اعتصاب روزنامه ها به انتشار خود ادامه دادند.

۳۹ - شورای انقلاب در ۲۲ دی ماه از طرف خمینی و شورای سلطنت در ۲۳ دیماه از طرف شاه تعیین شدند.

۴۰ - ساعت ۱۳ و ۸ دقیقه بعد از ظهر روز ۲۶ دی ماه ۵۷ محمد رضا شاه پهلوی و شهبانو فرح برای مسافرت به مصر از فرودگاه سلطنتی ازمه رآباد، با هواپیمای شهباز تهران را ترک گفتند. دکترشاپور بختیار نخست وزیر و دکتروجواود سعید رئیس مجلس و گروهی از مقامات شاه و شهبانورا بدرقه کردند. عصر همان روز وارد شهر (اسوان) شده مورداستقبال انور سادات رئیس جمهور مصر و جهان سادات قرار گرفتند.

۴۱ - به مناسبت سفرشاه، مردم در تهران و شهرستانها به تظاهرات پرداختند و باروشن کردن چراغ اتومبیل ها و بوق زدن های متند ابراز شادمانی کردند.

۴۲ - به دنبال پیام خمینی درباره استعفای نایندگان مجلس اعضای حزب پان ایرانیست و گروهی از نایندگان مجلس استعفا کردند.

- ۴۳ - سید جلال تهرانی رئیس شورای سلطنت برای دیدار خمینی به پاریس رفت و استعفای خودرا تسلیم داشت و شورای سلطنت را غیرقانونی خواند.
- ۴۴ - خمینی رفتن شاه را به ملت تبریک گفت و خواستار استعفای دولت و اعلام تشکیل جمهوری اسلامی گردید.
- ۴۵ - ارتشید قره باغی گفت در برخی از شهرها گروهی از نظامیان از رفتن شاه ناراحت شده و ابراز احساسات می کردند که دستور داده شد آنها را دعوت به آرامش کنند.
- ۴۶ - روز اربعین حدود دومیلیون نفر در شهر تهران تظاهراتی کرده و در میدان شهیاد قطعنامه ای خوانده شد که رژیم سلطنت تبدیل به جمهوری اسلامی گردد.
- ۴۷ - ۱۶۲ نفر از زندانیان سیاسی به دستور دولت اختیار از زندان آزاد شدند. مسعود رجوی و علی خاوری و موسی خیابانی جزو آزادشدگان بودند.
- ۴۸ - مهندس مهدی بازرگان گفت به زودی دولت جمهوری اسلامی تشکیل می گردد و دولت اختیار کنار می رود.
- ۴۹ - احمد جبرئیل از طرف سازمان آزادی بخش فلسطین اعلام کرد که از سال ۱۹۷۰ تا کنون ایرانیها توسط مأمورین سازمان او آموزش نظامی دیده اند و معمر القذافی هم به مخالفت با شاه از طریق این سازمان اسلحه داده است. روزنامه سندي تایمز هم نوشت گروهی در فلسطین ولیبی و لبنان سرگرم تعلیمات چریکی به ایرانیها هستند. حدود دوهزار ایرانی مشغول گذراندن این تعلیمات می باشند.
- ۵۰ - ارتشید قره باغی وقوع کودتا را از طرف ارشد تکذیب کرد.

۵۱ - جلسه شورای سلطنت به ریاست محمدعلی وارسته تشکیل گردید. دکتر اختیارهم گفت به هیچ صورتی سنگر قانون

- اساسی را ترک نخواهد کرد.
- ۵۲ - رمزی کلارک آمریکائی درپاریس با خمینی دیدار کرد و گفت مردم طرفدار خمینی و مخالف شاه هستند.
- ۵۳ - درباره بازگشت خمینی به ایران جبهه ملی (بشارت نامه ای) منتشر کرد.
- ۵۴ - دکترشاپور بختیار دولایحه به مجلس تقدیم داشت.
- (۱ - انحلال ساواک ۲ - محاکمه نخست وزیران و وزیران از سال ۴۲ تا مردادماه ۱۳۵۷) که با تغییراتی در مجلسین به تصویب رسید.
- ۵۵ - مسعود رجوي و موسى خياباني پس آزادی از زندان پیامی برای یاسر عرفات فرستادند و از کمک های سازمان آزادی بخش فلسطین تشکر کردند.
- ۵۶ - مهندس مهدی بازرگان گفت حکومت اسلامی نظیر دوران رسالت سیاسی ۱۰ ساله حضرت محمد در مدینه و دوران ۵ ساله حضرت علی در کوفه می باشد.
- ۵۷ - دکترشاپور بختیار قصد دیدار خمینی را در پاریس داشت که این دیدار بهم خورد و به دنبال آن نخست وزیر دستور داد که فرودگاه مهرآباد بسته شود تا از ورود خمینی به ایران جلوگیری به عمل آید.
- ۵۸ - آسوشیتدپرس گفت حسن نزیه به بعضی از خبرنگاران گفته که ترس محافل غربی از تلاش خمینی برای تشکیل حکومت اسلامی بیمورد است. آیت الله از همه نیروها و نظرها استفاده خواهد کرد.
- ۵۹ - تهران در چهار روز متوالی چهره نا آرامی به خود گرفت. با آتش زدن لاستیکها و شکستن شیشه مغازه ها و بانک ها شهر درنا امنی کامل فرو رفت. حدود ۱۵ مغازه مشروب فروشی به آتش کشیده شد و گروهی از افسران و مأموران امنیتی مقتول و ماضر و مضروب

شدند.

۶۰ - روزنامه پراودا نوشت که ژنرال هایزر امریکانی که به ایران آمده می کوشد روابط نزدیکی بین فرماندهان نظامی برقرار کرده تا دستورات واشنگتن به خوبی اجرا گردد.

۶۱ - ساعت ۹/۳۰ صبح روز ۱۲ بهمن خمینی و گروهی که او را ازپاریس همراهی می کردند وارد فرودگاه مهرآباد شده و مورد استقبال باشکوهی قرار گرفته و با هلیکوپتر به بهشت زهرا رفت و نطق مهمی ایراد کرد. خمینی دولت بختیار و مجلسین را غیرقانونی خواند. برنامه تلویزیونی خمینی ناگهان قطع شد و شعار (گرامی باد بهار آزادی) پخش گردید. ولی مجدداً برنامه ادامه یافت.

۶۲ - حسن نزیه رئیس کانون وکلا گفت در ۱۵ روز اخیر پنج بار با خمینی ملاقات کرده و طرح قانون اساسی جدید را آماده ساخته است.

۶۳ - اسد همایون دبیر اول سفارت ایران در آمریکا به عنوان سرپرست سفارت معرفی و مأمور برداشت عکس های شاه از دیوارهای سفارت شد. سرلشگر مخاطب رفیعی و اکبر طباطبائی مخالفت کردند.

۶۴ - ساعت ۹ صبح روز ۱۴ بهمن خمینی در مدرسه علوی طی مصاحبه ای نظام شاهنشاهی را ملغی و حکومت بختیار را غیرقانونی اعلام کرد و اظهار داشت که دولت موقت فوراً معرفی خواهد شد. دکتر بختیار هم گفت وزرای خمینی را در دولت ملی خواهد پذیرفت.

۶۵ - مهندس جواد شهرستانی شهردار تهران استعفای خود را به خمینی تسلیم کرد.

۶۶ - گروهی از همافران و افراد نیروهای هوائی و زمینی در محل اقامت خمینی در برابر او رژه رفتند.

۶۷ - روز ۱۶ بهمن خمینی در دبیرستان علوی مهندس مهدی بازرگان را به سمت نخست وزیر معرفی کرد. دکتر بختیار هم گفت تازمانی که به صورت دولت (سايه) باشد اشکالی ندارد ولی اگر در کاروزارتخانه ها دخالت کنند بازداشت خواهند شد.

۶۸ - خمینی از قضات دادگستری خواست تا خودرا برای محاکمه و تعقیب شاه آماده کنند و در صورتی که بازگرداندن شاه میسر نباشد رأی غیابی صادر نمایند.

۶۹ - صبح روز جمعه ۲۰ بهمن مهندس بازرگان در مسجد دانشگاه برنامه دولت موقت را اعلام داشت.

۷۰ - روز بیستم بهمن حدود سی هزار نفر با عنوان (جبهه وحدت ملی ایران) در ورزشگاه امجدیه اجتماع کرده و از قانون اساسی حمایت نمودند. در پایان تظاهرات مورد حمله طرفداران خمینی قرار گرفتند.

۷۱ - همافران در روز بیست و یکم بهمن با به دست آوردن مقداری اسلحه در مرکز آموزش نیروی هوائی در تهران نو تظاهرات مسلحانه ای برپا کردند. هنگام حمله به اسلحه خانه دکتر بختیار دستور بمباران هوائی داد که مورد قبول فرمانده نیروی هوائی هوائی قرار نگرفت. پادگان فرج آباد و کلانتریها یکی پس از دیگری سقوط کرد.

۷۲ - وقت عبور و مرور در شهر تهران به دستور فرمانداری نظامی به ساعت ۵/۴ بعداز ظهر موکول شد. خمینی دستور داد مردم به خیابانها بریزند.

۷۳ - صبح روز ۲۲ بهمن ماه به دعوت ارتشد قره باگی کلیه فرماندهان نظامی در ستاد بزرگ ارتشتاران گرد آمده و اطلاعیه ای به عنوان (بیطرفی ارتش) امضا کردند. به دنبال انتشار اعلامیه مذکور، دکتر شاپور بختیار به نقطه نامعلومی رفت و

ارتشبد قره باغی نیز مخفی شد. مخالفین رژیم پیروز شدند. خمینی و بازرگان موفقیت انقلابیون را از رادیو تبریک گفتند.

۷۴ - محمد رضا شاه پهلوی از سقوط رژیم در مراکش آگاه شد و دچار تأسف و ماتم و اندوه فراوان گردید.

۷۵ - سپهبد بدراه ای و سرلشگر بیگلری به قتل رسیدند. امیر عباس هویدا و گروهی از زندانیان سابق و مقامات ملکتی به مدرسه رفاه منتقل گردیدند.

۷۶ - روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برابر با دوازدهم فوریه ۱۹۷۹ میلادی از طرف خمینی رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام گردید که از طرف کشورهای خارجی تدریجاً به رسمیت شناخته شد. (با این طرز حاکمیت پهلوی اول و پهلوی دوم که از سوم اسفند ۱۲۹۹ در ایران آغاز شده بود پایان یافت).



از روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آیت الله خمینی با عنوان ولایت فقیه و مهندس بازرگان به سمت نخست وزیر حکومت جمهوری اسلامی زمام اور را به دست گرفتند.

اسامی نخست وزیران و وزراء و کفیل وزارت خانه ها و

معاونین نخست وزیر و وزرای دربار و رؤسای سازمان برنامه ورؤسای مجلسین سنا ، شورای ملی و موسسان

با این که در جلد های مختلف کتاب به نام نخست وزیران و وزراء اشاره شده ولی لازم به نظر رسید که صورت جامعی تهیه گردد. در این صورت نام وزرائی که به نخست وزیری رسیده و همچنین معاونین نخست وزیر که به وزارت رسیده اند فقط یکبار آمده و دیگر تکرار نمی شود. اسامی آنها از کودتای ۱۲۹۹ و در دوران سلطنت پهلوی چنین است:

نخست وزیران: سید ضیاء الدین طباطبائی - احمد قوام (قوام السلطنه) حسن پیرنیا (مشیرالدوله) - حسن مستوفی (مستوفی الممالک) رضاخان سردار سپه - محمد علی فروغی (ذکارالمملک) - مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) - محمود جم (مدیرالمملک) - دکتر احمد متین دفتری - رجبعلی منصور (منصورالمملک) - علی سهیلی - محمد ساعد (ساعدهالوزاره) - مرتضی قلی بیات (سهام السلطان) - ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) - محسن صدر (صدرالاشراف) - عبدالحسین هژیر - سپهبد حاجیعلی رزم آرا - حسین علاء - دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه) - سپهبد فضل الله زاهدی (بصیردیوان) - دکتر منوجهر اقبال - مهندس

جعفر شریف امامی - دکتر علی امینی - امیراسدالله علم -
حسنعلی منصور - امیرعباس هویدا - دکتر جمشید آموزگار -
ارتبد غلامرضا ازهاری - دکتر شاپور بختیار.

وزراء وکفیل وزارت خانه ها

مصطفی عدل (منصورالسلطنه) - مسعود کیهان - عیسی مصطفی فیض (مدیرالملک) - تقی خواجهی (مشیر معظم) - محمود موقدالدوله - رضاقلی هدایت (نیرالملک) - دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی (مؤدب الدوله) - حسن اسفندیاری (محترم السلطنه) - اسدالله قدیمی (مشارالسلطنه) - عبدالله وثوق (معتمدالسلطنه) - ابراهیم عمید (عمیدالسلطنه) - اسدالله ملک آراء (شهاب الدوله) - حسین سمیعی (ادیب السلطنه) - مصطفی نوائی (نیرالسلطان) - مرتضی ممتاز (متازالدوله) - دکتر حسن ادhem (حکیم الدوله) - عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) - احمد پیرنیا (اعتلاءالسلطنه) - خلیل فهیمی (فهیم الملک) - عبدالحسین شبیانی (وحیدالملک) - حسنعلی کمال هدایت (نصرالملک) - اعلاء السلطنه - حسن مشار (مشارالملک) - علیرضا قراگوزلو (بهامملک) - محسن اسکندری (سلیمان میرزا) - صادق صادق (مستشار الدوله) - نظام الدین حکمت (مشارالدوله) - فیروز فیروز (نصرت الدوله) - سرلشکر خداریارخان - امیر لشکر محمود انصاری (امیراقتدار) - جعفرقلی اسعد (سردار اسعد بختیاری) - ابوالحسن پیرنیا (معاضد السلطنه) - حاج عزالمالک اردلان - قاسم سوراسرافیل - شکرالله صدری (قوام الدوله) - حسین دادگر (عدل الملک) - سرلشکر عبدالله امیرطهماسبی - عمادالسلطنه فاطمی - علی اکبر داور - یوسف مشار (مشاراعظم) - سیدحسن تقی زاده - علیقلی

مسعود انصاری (مشاورالمالک) - محمدتدین - احمدخان بدر (نصرالدله) - محمود علامیر (احتشام السلطنه) - احمداتابکی (مشیراعظم) - فتح الله پاکروان (کفیل) - ابوالقاسم عمید - محمدعلی فرزین - یحیی قراگوزلو - اسمعیل صوراسرافیل - دبیراعظم بهرامی - سیدحسن تقی زاده - سرلشکر کریم بوذرجمهری - مهدی فرج - سرلشکر محمدنخجوان - باقر کاظمی - محمدعلی دولتشاهی - علی اصغر حکمت - علی اکبر بهمن - مظفر اعلم - سرلشکر اسمعیل امیر فضلی - عنایت الله سمیعی - اسمعیل مرأت - مجیدآهنی - دکتر محمد سجادی - ابراهیم علم (شوکت الملک) - سرلشکر احمد نخجوان - سرتیپ رضاقلی امیر خسروی - صادق وثیقی - محمدسروری - مصطفی قلی رام - علی معتمدی - عباسقلی گلشاهیان - جوادعامری - سپهبد امان الله میرزا جهانبانی - دکتر عیسی صدیق اعلم - مصطفی عدل - دکترحسن مشرف نفیسی - یدالله عضدی - علی اکبر حکیمی - علیرضا قزاقوزلو - اللہیارصالح - دکتر علی اکبر سیاسی - دکتر اسمعیل مرزبان - نصرالله انتظام - حمیدسباح - محسن رئیس - احمدحسین عدل - سپهبدامیراحمدی - احمداعتبار - اسدالله مقانی - ابراهیم زند - سرلشکر محمد حسین فیروز - محمود نریمان - دکترمحمدنخعی - دکتر قاسم غنی - دکترسعیدمالک - ابوالقاسم فروهر - علی اصغر زرین کفش - سرلشکر ریاضی - محمودفاتح - ناصراعتمادی (نصرالدله) - آقاخان اشرفی - نادرآراسته - نصرالله خلعت بری (اعتلاءالملک) - ابوالقاسم نجم (نجم الملک) - غلامحسین رهنمای - احمدفریدونی (کفیل) - هاشم صهبا - علی اکبر موسوی زاده - ابوالحسن صادقی - غلامحسین فروهر - احمدعلی سپهر (مورخ الدوله) - ایرج اسکندری - دکترمرتضی یزدی - سهام الدین غفاری - اعزازنیک پی - علی نصر - جوادبوشهری - محمدتقی بهار (ملک الشعراء) -

دکتر فریدون کشاورز - دکتر علی شایگان - - محمود بدر -
دکتر شمس الدین امیرعلائی - مطفر فیروز - محمدولی
فرمانفرمائیان - سلمان اسدی - سپهبد فرج الله آق اولی - موسی
نوری اسفندیاری - انوشیروان سپهبدی - محمدعلی همایون جاه -
احمد آرامش - سپهبد مرتضی یزدان پناه - محمدعلی وارسته -
محمد علی نظام مافی - دکتر سید فخرالدین شادمان -
جمال امامی - دکتر عباس ادهم - دکتر عبدالحمید زنگنه - دکتر
احمد مقبل - دکتر هادی طاهری یزدی - سید جلال تهرانی - محمود
صلاحی - ارتشید عبدالله هدایت - دکتر تقی نصر - عبدالباقی
شعاعی - محمدعلی بوذری - دکتر شمس الدین جزایری -
دکتر مرتضی آزموده - دکتر عبدالله دفتری - دکتر جهانشاه صالح -
مهندس قاسم اشراقی - مهندس ابراهیم مهدوی - عبدالله انتظام -
سپهبد علی اصغر نقی - حبیب الله آموزگار - سرلشگر حسن
ارفع - حسنعلی فرمند (ضیاءالملک) - مهندس احمد زنگنه - دکتر
عباس نفیسی - علی دشتی - مهندس حبیب نفیسی (کفیل) -
جمشید مفخم (کفیل) - باقر شاهروdi - علی هیئت -
امیر تیمور کلالی - دکتر محمدعلی ملکی - دکتر غلامحسین صدیقی
- علی اصغر فروزان (کفیل) - مهندس خلیل طالقانی - دکتر
محمد حسابی - دکتر حسین فاطمی - دکتر ابراهیم عالمی -
مهندس منصور عطائی (کفیل) - عبدالعلی لطفی - دکتر کریم
سنجبی - حسین نواب - مهندس سیف الله معظمی - مهندس
داود رجبی - مهندس جهانگیر حقشناس - دکتر علی اکبر اخوی -
دکتر مهدی آذر - دکتر صبار فرمانفرمائیان - سرلشگر مهنا
(کفیل) - دکتر افخم حکمت (کفیل) - علی مبشر (کفیل) -
مهندس احمد مصدق (کفیل) - جمال الدین اخوی - رضا جعفری -
سرتیپ عباس فرزانگان - غلامعلی میکده - سرلشگر عباس گرزن
- دکتر علی اصغر پور همایون - ابوالقاسم پناهی - دکتر مسعود

ملکی - امیرحسین ایلخان ظفر - محمدحسین جهانبانی -
محمدنمازی - دکتر علیقلی اردلان - سرلشگر احمدوثوق -
 محمودمهران - سرلشگر ولی انصاری - ابراهیم کاشانی - محمود
 ناصری - دکتر محسن نصر - مهندس رضا گنجه‌ای - دکتر جلال
 عبده - عباس آرام - دکتر فتح الله جلالی - سپهبد نادر باقانقلیچ -
 رحمت اتابکی - دکتر عبدالحسین راجی - دکتر محمدحسین ادیب -
 علی اصغر ناصر - سرلشگر علی اکبر ضرعام - موسی خطاطان -
 سرلشگر احمدوثوق - سرلشگر حسن اخوی - مصطفی تجدد -
 عیاسقلی نیساری - دکتر عبدالحسین اعتبار - آفاخان بختیار -
 مهندس عبدالرضانصاری - محمد مجلسی (کفیل) - دکتر
 محمدعلی هدایتی - دکتر نصرت الله کاسمی - مهندس خسرو
 هدایت - محمدعلی ممتاز - یدالله عضدی - حسین قدس نخعی -
 دکتر جواد آشتیانی - مهندس ابوالحسن بهنیا - سپهبد مهدیقلی
 علوی مقدم - سپهبد صادق امیرعزیزی - مهندس طاهر ضیائی - دکتر
 احمدعلی بهرامی - محمدرضی ویشگانی - اشرف احمدی - حسن
 نبوی - نصرت الله معینیان - نورالدین الموتی - مهندس هوشنگ
 سمیعی - عطاء الله خسروانی - مهندس غلامعلی فریور - مهندس
 تقی سرلک - مهندس جمال گنجی - دکتر عبدالحسین طبا -
 دکترا ابراهیم ریاحی - دکتر حسن ارسنجانی - دکتر جهانگیر آموزگار
 - هادی اشتربی - شریف العلمای خراسانی - ناصر ذوالفقاری -
 دکتر غلامحسین خوش بین - دکتر محمدباقری - دکتر سیدمهدي
 پیراسته - سپهبد اسدالله صنیعی - غلامرضا برزگر (کفیل) -
 دکتر پرویز ناتل خانلری - مهندس حسن شالچیان - دکتر غلامحسین
 جهانشاهی - دکتر علینقی عالیخانی - سپهبد اسماعیل ریاحی -
 مسعود فروغی - مهندس صفی اصفیا - جهانگیر تفضلی -
 عبدالحسین بهنیا - دکتر باقر عاملی - دکتر جواد صدر - دکتر
 عبدالعلی جهانشاهی - دکتر هادی هدایتی - مهرداد پهلبند - دکتر

محمود کشیان - دکتر فرنگ شفیعی - دکتر هوشنگ نهادنی -
مهندس منصور روحانی - دکتر ناصر یگانه - دکتر محمد نصیری
- اردشیر زاهدی - دکتر منوچهر شاهقلی - مهندس فتح الله
ستوده - هوشنگ انصاری - جواد منصور - دکتر غلامرضا نیک پی
- دکتر منوچهر گودرزی - دکتر عبدالجید مجیدی - منوچهر پرتو
- دکتر حسن زاهدی - ارتشد رضا عظیمی - دکتر فخر رو
پارسای - دکتر مجید رهنما - دکتر ایرج وحیدی - مهندس ناصر
گلسرخی - دکتر عبدالعظیم ولیان - دکتر محمد سام - دکتر
غلامرضا نیک پی - دکتر محمد یگانه - دکتر کورس آموزگار -
دکتر حسین کاظم زاده - محمود قوام صدری - عباسعلی خلعت بری
- صادق احمدی - مهندس جواد شهرستانی - مهندس کریم
معتمدی - دکتر انوشیروان پویان - مهندس امیرقاسم معینی -
مهند همایون جابر انصاری - حمیدرہنما - دکتر غلامرضا کیان
پور - مهندس رضا صدقیانی - محمود کاشفی - دکتر منوچهر
کلالی - دکتر کریم پاشا بهادری - مهندس ابراهیم فرح بخشیان -
دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده - پرویز حکمت - دکتر احمد
هوشنگ شریفی - دکتر منوچهر گنجی - دکتر فریدون مهدوی - دکتر
منوچهر تسلیمی - دکتر منوچهر آزمون - دکتر فخر نجم آبادی -
دکتر عبدالحسین سمیعی - دکتر ضیاء الدین شادمان - دکتر عزت
یزدان پناه - دکتر قاسم معتمدی - مهناز افخمی - دکتر اسدالله
نصر اصفهانی - دکتر مرتضی صالحی - عباس صفویان -
دکترا حمدعلی احمدی - دکتر تقی توکلی - کاظم خسروشاهی -
دکتر فیروز توفیق - دکتر محمدرضا امین - داریوش همایون -
دکتر شمس الدین مفیدی - هلاکو رامبد - دکتر منوچهر آگاه -
حسین نجفی - امیر خسرو افشار - ارتشد عباس قره باگی -
مهند محسن فروغی - مهندس امیرحسین امیرپرویز - دکتر
ابوالفضل قاضی - دکتر نصرالله مقتدر مژدهی - دکتر کاظم ودیعی

- مهندس جهانگیر مهدمینا - مهندس پرویز آوینی - دکتر محمد رضا عاملی تهرانی - دکتر مصطفی پایدار - حسنعلی مهران - دکتر علینقی کنی - دریاسالار کمال حبیب الله - سپهبد امیرحسین ربیعی - سپهبد ابوالحسن سعادتمند - ارتشد غلامعلی اویسی - احمد ناظمی - دکتر منوچهر بهرون - دکتر حسین مرشد - سپهبد ایرج مقدم - سپهبد کاتوزیان - دکتر معمارزاده - دکتر عزت الله همایونفر - یحیی صادق وزیری - احمد میرفندرسکی - دکتر عباسقلی بختیار - محمد امین ریاحی - دکتر منوچهر رزم آرا - مهندس جواد خادم خرم آبادی - دکتر منوچهر آریانا - ارتشد جعفر شفقت - دکتر سیروس آموزگار - مهندس لطفعلی صمیمی - دکتر منوچهر کاظمی - دکتر رستم پیراسته - فتح الله معتمدی.

اسامی معاونین نخست وزیر:

ابراهیم خواجه نوری - سید محمد طباطبائی (تجدد) - دکتر محمد حسین علی آبادی - دکتر ملک اسماعیلی - احمد عامری - جمال ملکوتی - حسین فرهودی - دکتر عبدالحسین مشیر فاطمی - لطفعلی معدل - دکتر علی اکبر مهتدی - محمود هدایت - زین العابدین رهنما - ابوالحسن عمیدی نوری - حسام دولت آبادی - غلامرضا فولادوند - موسی سرابندی - دکتر غلامرضا کیان - سپهبد تیمور بختیار - دکتر مصطفی الموتی - سید حسین دها - مرتضی سرمهد - سرلشگر حسن پاکروان - احمد نامدار - محمود درجا - علی وثوق - مهندس مهدی شببانی - رسول پرویزی - دکتر قاسم رضائی - سپهبد نعمت الله نصیری - یدالله شهbazی - دکتر حسین تدین - نصیر عصار - دکتر علی هزاره - سپهبد پرویز خسروانی - سپهبد مصطفی امجدی - اسکندر فیروز - منوچهر فیلی - سیروس فرزانه - محمد حسین احمدی - سپهبد

ناصر مقدم - علی فرشچی - صادق کاظمی - دکترا کبرا عتماد -
احمد کاشفی - سپهبد محمد بهروز - سپهبد تقی مشاور - سپهبد
محسن مبصر - علی فرداد - محمد مشیری یزدی.

وزرای دریار عصر پهلوی

عبدالحسین تیمورتاش - ادیب السلطنه (سمیعی) کفیل
وزارت دریا و رئیس تشریفات - محمود جم - محمدعلی فرزین -
محمدعلی فروغی (ذکا الملک) - ابراهیم حکیمی - عبدالحسین
هزیر - حسین علاء - ابوالقاسم امینی (کفیل) - دکتر منوچهر
اقبال - حسین قدس نخعی - امیر اسدالله علم - امیر عباس هویدا
- دکتر علیقلی اردلان.

مسئولین سازمان برنامه

یکی از سازمان های مهم در کشور ما (سازمان برنامه) بود
که سالها رئیس سازمان برنامه با سمت وزیر مشاور در دولت شرکت
می کرد. مدتی شاهپور عبدالرضا که در دانشگاه هاروارد تحصیل کرده
بود ریاست هیئت عالی سازمان برنامه را بر عهده داشت. مسئولین
سازمان برنامه از بدء تأسیس تا سال ۱۳۵۷ عبارت بودند از:
دکتر مشرف نفیسی - دکتر محمد نخعی - مهندس احمد
زنگنه - ابوالقاسم پناهی - احمد حسین عدل - ابوالحسن ابتهاج -
مهندس خسرو هدایت - احمد آرامش - مهندس صفی اصفیا -
مهدی سمیعی - دکتر خداداد فرمانفرمائیان - دکتر عبدالحمید
مجیدی - دکتر محمد یگانه - دکتر منوچهر آگاه - حسنعلی مهران
- دکتر مرتضی صالحی.

اسامی رؤسای مجلسین سنا و شورای ملی و مجلس مؤسسان
از بدء مشروطیت تا سال ۱۳۵۷

رؤسای مجلس شورای ملی:

مرتضی قلی خان هدایت (صنیع الدوّله) - محمودخان علامیر
(احتشام السلطنه) - میرزا اسماعیل خان ممتاز (متاز الدوّله) -
میرزا صادق صادق (مستشار الدوّله) - میرزا محمدعلی فروغی
(ذکار المللک) - میرزا حسین خان پیرنیا (مؤمن المللک) - میرزا حسن
خان مستوفی (مستوفی الممالک) - سید محمد تدین - حسین
دادگر (عدل المللک) - میرزا حسن خان اسفندیاری (محتشم
السلطنه) - سید محمد صادق طباطبائی - رضا حکمت
(سردار فاخر) - دکتر سید حسن امامی - (امام جمعه تهران) -
آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی - دکتر عبدالله معظمی - مهندس
عبدالله ریاضی - دکتر جواد سعید.

رؤسای مجلس سنا:

ابراهیم حکیمی (حکیم المللک) - سید حسن تقی زاده - محسن
صدر (صدرالاشراف) - مهندس جعفر شریف امامی - دکتر
سید محمد سجادی.

رؤسای مجلس مؤسسان:

صادق صادق (مستشار الدوّله) - سید محمد صادق طباطبائی -
مهندس جعفر شریف امامی.

با این که کوشش شده است اسامی کلیه مقامات به صورت
کامل ثبت گردد ولی متأسفانه امکان این هست که نام بعضی ها
از قلم افتاده باشد که باید آن را ناشی از ضعف حافظه و عدم
دسترسی به منابع دانست.



نکاتی چند درباره رضاشاه

در جلد های اول و دوم به تفصیل درباره زندگی رضاشاه مطالبی انتشار یافته و همچنین در قسمت ضمایم جلد های مختلف بعضی خاطرات درباره نخستین شاه پهلوی چاپ شده است. اکنون که آخرین جلد تاریخ عصر پهلوی منتشر می شود چند نکته دیگر به نوشته های قبلی اضافه می گردد.

خانواده رضاشاه

داداش بیک در خدمت نظام جزو ابوا بجمعی امیر مؤید سواد کوهی بود. حقوق سالیانه اش ۶۰ تومان و مقداری روغن و برنج بود. با این که به درجه یاوری رسیده بود حقوقش کافی نبود به منین جهت حوزه خدمت خود را در سواد کوه ترک گفته به تهران

آمد. در تهران با خانواده نوش آفرین که از گرجستان به ایران آمده بودند آشنا شد. داداش بیک با وجود داشتن همسر و سه دختر با او ازدواج کرد و مدتی در جلیل آباد (خیام فعلی) و چندی در کوچه روغنی ها در سنگلچ به سر می بردن.

داداش بیک همراه گروهی از نظامی ها از قصرهای سلطنتی حفاظت می کرد که از قرار معلوم نگهبانی آنها با فوج سوادکوه بود. داداش بیک مدت‌ها مأمور نگهبانی قصر کامران میرزا بوده است.

بعداز فوت داداش بیک خواهران (رضا) اورا ازمیراث پدر محروم کردند که همراه مادرش از سوادکوه به تهران آمد و درخانه دائمی خود که خیاط قزاقخانه بود به سر می برد.

مهدی بامداد می نویسد: رضا پهلوی فرزند عباسقلی خان سواد کوهی معروف به داداش بیک بود. در سال ۱۲۵۶ شمسی مطابق ۱۲۹۵ قمری در قصبه آشت از توابع فیروزکوه مازندران تولد یافت. علت اینکه عباسقلی خان را (داداش بیک) می گفتند این بود که چند خواهد داشت که اورا (داداش) صدا می کردند و دیگران هم به خواهران او تاسی کرده جمله (بیک) را هم اضافه کردند. ابتدا در فوج سوادکوه جزو ابوباجمعی میرزا علی اصغرخان امین السلطان بود که وارد خدمت قزاقخانه شد. تدریجاً مقامات را طی کرد تا این که در سال ۱۲۹۴ شمسی رئیس تیپ همدان گردید.

رضاشاه و انگلیس ها

جی براون در کتاب انقلاب ایران چنین می نویسد:
رضاخان با سرپرسی لرن وزیر مختار انگلیس در ایران دوستی برقرار کرده بود. لرن معتقد بود که پشتیبانی از امنیت داخلی ایران به نفع بریتانیا می باشد. لرن در رضاخان تهور شخصی و سادگی و

میهن پرستی می دید و او را تحسین می کرد و معتقد بود که می تواند منافع بریتانیا را حفظ کند. او غالبا با رضاخان در محل سفارت انگلیس (پوکر دونفری) بازی می کرد. رضاخان با استفاده از این فرصت دوستی خودرا با بریتانیا ثابت کرد و توانست خانهای بختیاری را مطیع کرده و شیخ خزعل را دستگیر نماید. انگلستان بین پشتیبانی از شیخ خزعل و دوستی با رضاخان در محظوظ گیر کرده بود و نمی توانست تصمیم قاطعی بگیرد. رضاخان شیخ خزعل را به تهران آورد و بریتانیا برای حمایت از شیخ به اونشان (فرماندهی شوالیه) از نوع درجه یک را داد. ولی شیخ خزعل نظریه یک زندانی بود که در تهران درگذشت.

وطئه قتل رضاشاه چگونه کشف شد؟

در جلد اول دریاره توطئه قتل رضاشاه توسط سرهنگ پولادین مطالبی به تفصیل چاپ شده که مطلعین گفته و نوشته اند که رضاشاه از طریق سفارت انگلیس از جریان اطلاع یافت ولی مهدی نیادریاره کشف ترور رضاشاه توسط سرهنگ پولادین چنین می نویسد:

سرهنگ احمد پولادین فرزند یکی از افسران سابق تشکیلات قزاق بود که به (حسن خان کفری) شهرت داشت. او در کنار سپاهسالار تنکابنی جزو مجاهدین بود که با محمد علی شاه جنگید. او پنج پسر داشت که اکثراً در خدمت نظام بودند. محمود خان پولادین افسر لایق و رشیدی بود که در جنگ‌ها رشادت به خرج داده و به فرماندهی هنگ پهلوی و آجودانی رضاشاه رسید و رئیس گارد سلطنتی هم شد. زبان‌های عربی و روسی و ترکی را خوب می دانست.

هنگام فرماندهی هنگ پهلوی یک روز کریم آقا بود رژیم فرمانده تیپ به بازدید هنگ پهلوی می رود. سرهنگ پولادین

شمشیر به دست گزارش نظامی می دهد که کریم آقا از طرز رفتار او ناراحت می شود و به او ناسزا می گوید. سرهنگ پولادین که افسر تحصیل کرده ای بود به این فرمانده که سوادی نداشت معارض می گردد و فکر می کند که بهتر است اورا به خاطر اهانتی که به او کرده از بین ببرد ولی پیش خود می گوید با از بین رفتن کریم آقا کاری حل نمی شود بهتر است خود رضاشاه را از بین ببرد. با حیثیت غایبی از بین کلیسی ها در مجلس که در جنگ بین المللی اول ترکها اورا به اتهام جاسوسی گرفته بودند و پولادین اورا نجات داده بود مذاکره می کند و چند تن دیگر را هم با خود موافق می سازد. امیر منظم (آقامیر قفقازی) که با پولادین آشنائی داشت و با رضاشاه هم از قدیم سوابقی داشته از جریان مطلع می گردد. نقشه پولادین این بود که در او اخر سال ۱۳۰۶ با همکاری سرهنگ همایون با افراد نظامی هنگ آهن و هنگ پهلوی دریکی از شبها که در کاخ سلطنتی کشیک دارند کاخ را محاصره نموده و رضاشاه را دستگیر کنند. برنامه ساعت ۱۲ شب شروع و یک ساعت بعد از نیمه شب پایان یابد.

امیر منظم با اطلاع از نقشه به علت دوستی با سرهنگ درگاهی رئیس نظامیه جریان را می گوید واوضمن گزارش به رضاشاه تقاضا می کند که امیر منظم نزد شاه برود و ماجرا را بگوید. وقتی رضاشاه از جریان آگاه می شود تصمیم به بازداشت سرهنگ پولادین می گیرد. بهمین جهت نایب اول منصور مزینی افسر نگهبان کاخ را احضار می کند و می گوید: «برو سردوشی پولادین را بکن و زندانی کن». در حالی که او دچار تعجب شده ناگهان چشم رضاشاه که در داخل باغ روی نیمکتی نشسته بود به سرهنگ پولادین می افتد که چند قدم با او فاصله داشته است. اسلحه خود را در آورده و می گوید زودباش اورا دستگیر کن و پاکونش را بکن. با این طرز سرهنگ پولادین دستگیر می گردد که موقع بازداشت می گوید بالاخره درگاهی کار خود را کرد. چند دقیقه بعد رضاشاه دستور می

دهد که سردوشی یاور روح الله را کنده و همراه پولادین زندانی اش کنند.

بیست روز بعد دادگاه نظامی به ریاست جعفرقلی امیربیکلری و سرهنگ محتشم و چند افسر دیگر تشکیل و سرهنگ پولادین و حیثم کلیمی محکوم به اعدام شده و سایرین به ده سال زندان محکوم می گردند. سرهنگ پولادین هنگام محاکمه باشجاعت و شهامت از کار خود دفاع می نماید که به جو خه اعدام سپرده می شود.

سلیمان بھبودی درباره کودتای سرهنگ پولادین چنین نوشته است:

وقتی اعلیحضرت ازسفر بیلاق مراجعت نمودند ظهر روز ۱۵ شهریور بود که سؤوال کردند آجودان های کشیک کی ها هستند؟ عرض کردم سرهنگ پولادین و سلطان مزینی. بلا فاصله خواستار یک اسلحه و صدتیر فشنگ شدند که برایشان از آلمان آورده بودند و تقدیم شد. یک ساعت بعد از ظهر در عمارت کاخ مرمر روی نیمکت که صندلی آهنی بود نشستند و گفتند اسلحه را با صد تیر فشنگ روی میز بگذارید. گفتند ۶ تن از گروهبانهای قدیمی را هم بیاورید و همراه نگهبانان با تفنگ آماده شدند. گفتند سرهنگ پولادین و سلطان مزینی را بیاورید که هردو با بنده شرفیاب شدند. تاسرهنگ پولادین را دیدند باشند و پرخاش گفتند می خواستی علیه من کودتاکنی؟ با فریاد رو به من و سلطان مزینی که بردارید پا گونهایش را. که من و مزینی هرچه سردوشی و نشان داشت برداشتیم. فریاد زد ببریدش که سلطان مزینی اورا برد.

بعد فرمودند یاور احمدخان را هم احضار کن و لی اورا پیش من نیاورید. به اتاق پهلو ببرید و شمشیرش را بگیرید. همچنین گفتند سرهنگ روح الله خان را هم بخواهید و درجاتش را بگیرید. وقتی هواتاریک شد بگو از نظمیه یک اتومبیل با دوافسر بیاید و جدا جدا

آنها را ببرند. بعداً محاکمه شدند. سرهنگ پولادین و حبیم کلیمی اعدام و بقیه به حبس محکوم شدند.

منوچهر ریاحی درباره اعدام سرهنگ پولادین از قول دائی خود سرلشگر حبیب الله شیبانی چنین نوشته است:
شیبانی به علت این که در آن هنگام رئیس (ارکان حرب) ستاد ارتش بوده و حکم اعدام سرهنگ پولادین را امضا نکرد از کار برکنار شد. شیبانی در نامه ای به تقی زاده چنین نوشته است:
در آن سال ها نظمیه ایران به ریاست سرتیپ محمدخان درگاهی روی نظرات شخصی به منظور از بین بردن مخالفین هرچند وقت یک بار از کشف توطنه ای پرده می برداشت.

داستان توطنه سرهنگ پولادین از آن جا سرچشمه می گرفت که وقتی ژاندارمری ایران زیرنظر افسران سوتی اداره می شد و پولادین با درجه سرگردی فرمانده گردان ژاندارمری یوسف آباد بوده محمدخان درگاهی افسر زیردست خودرا به جرم اختلاس و اخاذی مورد تنبیه قرارداده و از کار برکنار نموده بود. به علاوه پولادین که از نا بسامانیها و تبعیضات قشون شکایت داشت از مخالفین تشخیص داده شد که باید تصفیه می گردید.

به موازات این جریان وقتی نظمیه عده ای از یهودیان را به شلاق بسته و یکی از آن ها را زیر تازیانه کشت حبیم کلیمی نماینده یهودیان در مجلس عکس هائی از بدن مقتول و سایر ماضویین گرفته و با شرح و تفصیل برای روزنامه های خارج فرستاد که ضرورت داشت برای تنبیه سایرین مورد توجه قرار گیرد. بر اساس پرونده ای سراپا مجمعول (حبیم) به عنوان رهبر و سرهنگ پولادین درست عامل اجرای توطنه سوء قصد علیه رضاشاہ در دادگاه نظامی محکوم به اعدام گردیدند که پس از استعفای شیبانی از ریاست ارکان حرب حکم اجرا و آن ها به جوخه آتش سپرده شدند.

سردارسپه در مراسم استقبال از احمدشاه

منوچهر ریاحی می نویسد: پدرم در سال ۱۳۰۱ به عنوان مفتش وزارت مالیه همراه سردارسپه در استقبال از احمد شاه به بوشهر رفته و در مراسم استقبال از احمد شاه شرکت نمود. می گفت سردار سپه به تریاک اعتیادی داشت. حوالی غروب یک گیلاس کنیاک صرف می کرد و مقداری کباب بره می خورد. شامش مقداری (کته) یعنی برنج پخته بود و شبها کف اتاق در رختخواب استراحت می کرد.

در بوشهر وقتی روی لنگرگاه رئیس دارائی محل را به حضور پذیرفت و او را به جرم اختلاس مورد حمله قرار داد خطاب به من گفت: «این مرد را به دریا بینداز» چون در جایم خشک شده بودم گفت چرا معطلی؟ آن وقت این شعر را خواندم:

گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنکه هست گیرند
سردار سپه سری به علامت تأیید تکان داد و دستور بازداشت و
محاکمه رئیس مالیه را صادر نمود.

رضاشاه و تیمورتاش

علینقی انصاری سفیر سابق ایران در ایتالیا که سال ها ریاست دفتر والاحضرت شمس را عهده دار بود می گفت کرارا بدیدار ملکه تاج الملوك می رفتم که خاطراتی را از رضاشاه برایم نقل می کرد. یک بار گفت شاهد بودم که رضا شاه و تیمورتاش باهم حرکت می کردند و نخست وزیر و وزراء از آن ها حدود ده متر فاصله داشتند که تیمورتاش دست های خود را به پشت زده و دوشادوش رضاشاه قرار داشت. از این جریان عصبانی شده بعداً به شاه گفتم طرز رفتار تیمورتاش مرا خیلی ناراحت کرده است. رضاشاه گفت عصبانی نشو

و قدری صبر کن نوبت او هم خواهد رسید. روزی که تیمورتاش برکنار شد متوجه شدم که رضاشاه از مذت ها قبل از کارهای او رنج می برد منتها سعی داشت در موقعیت مناسب اورا کنار بگذارد.



احمدشاه در نظرداشت که برادرش محمدحسن میرزا (ولیعهد) بعداز او به سلطنت برسد ولی وضع چنین شد که رضاشاه فرزند ارشد خود محمدرضا پهلوی را به عنوان ولیعهد ایران معرفی کرد

چراشاہزاده قاجار مورد غضب رضا شاه قرار گرفت

درجدهای قبلی کتاب درباره امرای ارتش مطالبی انتشار یافت. از این نظر لازم به نظر رسید درباره سپهبد امان الله جهانبانی نیز که از امرای تحصیل کرده و مطلع و سرشناش ارتش بود نکاتی منتشر گردد.

سپهبد امان الله میرزا جهانبانی در سال ۱۲۶۹ شمسی در تهران متولد گردید. پسر رضیا بالدوله از نواده‌های فتحعلی‌شاه قاجار می‌باشد. مورخین می‌نویسند به علت تعدیات روسها به کنسولگری انگلیس در تبریز پناهنده شد و دست به خودکشی زد.

امان الله میرزا در سال ۱۹۰۷ وارد توبخانه قزاقخانه شد و سپس برای تحصیل در مدرسه نظامی مسکو عازم روسیه شد. پس از مراجعت به ایران در گارد سلطنتی به کار پرداخت. در سال بعد در دیویزیون قزاق با درجه سروانی استخدام گردید و مقام آجودانی (سترالسکی) افسر روسی را عهده دارشد. بعدها به هواخواهان

میرپنج رضاخان پیوست و از نزدیکان او در عملیات علیه سمتیقو شهرت یافت.

با این که خود از شاهزادگان قاجار بود رضاخان سردار سپه را یاری کرد و در اوایل سلطنت پهلوی مورد توجه خاص او بود. در ایجاد نظم در منطقه بلوچستان هنگام سازمان دهی ارتش نقش مؤثری داشت. در مدارس نظام فرانسه دوره مخصوص راکذرانیده و در سفر به انگلستان نیز تعليمات نظامی دیده بود.

در اسناد محترمانه بریتانیا درباره او چنین نوشته شده است:
«با این که باد نخوتی در سردار مردی باهوش و با تحصیلات خوب می باشد. شوق و شور زیادی به کارهای ورزشی دارد. علاقمند به بازی تنیس و چوگان است. همچنین بنیانگذار انجمن اروپائیان می باشد. او تمایلات غربی دارد. با انگلیسها روابط دوستانه دارد ولی روسیه و فرانسه را هم مناسب همکاری با ایران می داند. ابتدا با یک زن روسی ازدواج کرد و بعد همسر ایرانی گرفت که چند فرزند دارد.»

سپهبد جهانبانی را تا آنجا که شناخته ام انسانی مطلع و علاقمند به کشور بود که در مقامات نظامی و غیرنظامی و در هنگام سناطوری می کوشید نقش مهمی در پیشرفت کشور داشته باشد. فرزندان خود را خوب تربیت کرده که نمونه آن سرلشکر نادر جهانبانی بود که در رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شد. فرزندان دیگرش نیز که در ارتش خدمت کرده اند حسن شهرت دارند. فقط یکی از فرزندانش که با شهناز دختر محمدرضا شاه ازدواج کرد، شاه از این ازدواج راضی نبود و اورا (هیپی) می دانست که به علت اعتیاد به مواد مخدر به زندان افتاده بود ولی اکنون با دختر شاه فقید در اروپا زندگی می کند.

خسرو معتقد در کتاب (پلیس سیاسی عصر بیست ساله)
درباره او چنین می نویسد:

از جمله کسانی که علیرغم خدمت به دستگاه دیکتاتوری سروکارش به پلیس و زندان کشیده شد سرلشگر امان الله جهانبانی بود که به علت گفتن چند کلمه حرف حسابی زندانی شد.

می گویند روزی رضا شاه پس از پایان مانور پادگان مرکز از افسران حاضر نظرشان را می پرسد. یکی از متملقین گفت وزیر مختار انگلیس پس از تماشای مانور از ترس حالش منقلب گردید زیرا فکر نمی کرد که ارتش ما چنین قدر قشنگ باشد. دیگری گفت سفیر سوری دچار همین وضع شد و زودتر میدان مانور را ترک گفت تا هر چه دیده به مسکو مخابره کند. چند روز بعد پلیس سیاسی به رضا شاه خبر می دهد که (سرلشگر جهانبانی که مدتی هم رئیس ستاد ارتش بوده گفته امراء به شاهنشاه دروغ گفته اند، ارتش ما آمادگی جنگ با ارتش های خارجی نظیر روس و انگلیس را ندارد). رضا شاه اورا احضار کرده و موضوع را می پرسد؟ جهانبانی می گوید موضوع مهم و جدی نبود. شاه می گوید می خواهم مطالعه کنم و به من بگوئی که اگر جنگی درگیر شود ما چند روز می توانیم مقاومت کنیم. او می گوید با تجهیزات ارتش آنها مازیاد نمی توانیم مقاومت کنیم و با دلالت مطالب را برای شاه بیان می کند. رضا شاه می گوید (قدیمی) ها که معلومات ندارند می گویند خاطر مبارک آسوده باشد. شما تحصیل کرده ها هم آیه یاس می خوانید پس چه باید کرد؟) جهانبانی می گوید اگر روس و انگلیس به ما حمله کنند خیلی زود ارتش ما متلاشی خواهد شد. شاه خشمگین شده می گوید (جهانبانی مگر دیوانه شده ای؟ ارتش با این عظمت به سرعت متلاشی می گردد) جهانبانی می گوید اگر اجازه فرمائید وضع ارتش سایر کشور هارا با ارتش ایران مقایسه کرده به صورت گزارشی تقدیم کنم.

رضاشاه می گوید (توکه مدرسه اکردوکر پاریس را تمام کرده ای و رئیس ستاد هم بوده ای معتقدی که فقط دوساعت می توانیم مقاومت کنیم، راه حل چیست؟) جهانبانی می گوید درگزارش معروض می گردد. وقتی جهانبانی این گزارش را برای شاه می فرستد بعداز یک هفته ازدیبانی به خانه اش می روند و اورابازداشت می کنند و چندماه در زندان بود و تصمیم می گیرد هیچوقت برخلاف جریان آب شنا نکند.

دراسناد محرمانه انگلیسها هم علت این که مدت کوتاهی مغضوب شد بی ترتیبی هائی در امور مالی و خدمت نظامی و اظهارات او درباره سازمان ارتش بوده است.

مطلعی درباره او چنین می گفت: وقتی سردار سپه به قدرت رسید سرتیپ جهانبانی به ریاست ستاد ارتش یا ارکان حرب آن روز منصب شد. بعد فرمانده قوای آذربایجان شد و به غائله سمیتقو خاتمه داد و با فتح قلعه چهريق به دریافت نشان سپه مفتخر گردید. وقتی که دکتر مصدق والی آذربایجان شد کار دیگری به او سپرده شد و هنگامی که جان محمدخان امیر علائی از فرماندهی لشکر خراسان برکنار شد به جای او منصب گردید.

در سال ۱۳۱۶ به ریاست اداره کل صناعت منصب گردید و در همین سمت بود که مغضوب شد و به زندان افتاد. خشم پادشاه به او به حدی بود که دستورداد تمام جهانبانی هارا از ارتش اخراج کنند که گروهی از آنها نام خانوادگی خود را تغییردادند. حتی امان الله میرزا جهانبانی نام خانوادگی خود و فرزندانش را به (شه بنده) تغییرداد. پس از یک سال و چندماه که در زندان بود مورد عفو ملوکانه قرار گرفت ولی کاری به او ارجاع نشد.

بعدها مشاغل مهمی به او سپرده شد و مدتی هم سناتور انتصابی زمان محمدرضا شاه بود.

سپهبد جهانبانی دو همسر داشت. یکی (احترام السلطنه) دختر ظل السلطان و دیگری یک زن روسی که این دو همسر با یکدیگر همزیستی مساملت آمیز داشتند. وقتی هم در زمان رضا شاه سپهبد جهانبانی مغضوب شد و به زندان افتاد دختر ظل السلطان هزینه زندگی همسر روسی سپهبد راهم تأمین می کرد. سپهبد جهانبانی سالهای آخر عمر را با همسر روسی به سر می برد.



محمد رضا شاه پهلوی علاقه داشت که دخترش شهناز با ملک فیصل پادشاه عراق ازدواج کند که این ازدواج صورت نگرفت که اگر هم انجام می شد با قتل عام خانواده سلطنتی عراق معلوم نبود چه سرنوشتی داشت؟

بعد از اردشیرزاده ازدواج کرد که منجر به طلاق شد و سرانجام با پسر سپهبد جهانبانی ازدواج کرد که اکنون در سویس بسرمی برند.

چگونگی انتقال سلطنت از رضاشاه

به محمد رضاشاه

نصرالله انتظام که ریاست تشریفات دربار رضاشاه را بر عهده داشت در جریان دقیق وقایع شهریور ۲۰ و انتقال سلطنت بود. او در خاطرات خود از اسرار درونی کاخ سلطنتی در آن روزها پرده بر می‌دارد.

در جلد دوم (ایران در عصر بهلوی) در این باره به تفصیل مطالبی انتشار یافته ولی چون خاطرات انتظام بسیار مستند می‌باشد برای تکمیل آن در این جلد قسمتی از آن نقل می‌گردد:

درجنگ دوم جهانی هنگامی که من رئیس اداره سیاسی بودم امور اروپای غربی و آمریکا به آن اداره سپرده شده بود. اجازه ورود خارجی‌ها به عرض رضاشاه می‌رسید که چندبار با تقاضای متخصصین آلمانی موافقت نشد. با وجود این روس‌ها از دولت ایران گله داشتند که چگونه با اطلاع به خصوصیات آلمانیها اتباع آن کشور در امور فنی شمال ایران شرکت داده می‌شوند. انگلیس‌ها نیز می‌گفتند اگر دولت شما مراقب رفتار بیگانگان است چرا این همه آلمانی که بعضی از آنها افسر احتیاط هستند در سراسر کشور ایران اقامت دارند. بعد از این که آلمان به روسیه اعلان جنگ داد روس و انگلیس متفقا به توقف آلمانها در ایران اعتراض داشتند و خواستار اخراج آنها به عنوان ستون پنجم آلمان شدند. در آن ایام تمام اروپا در اشغال آلمان بود و راهی جز ایران برای صدور مهامات به شوروی وجود نداشت. رضاشاه اجازه نمی‌داد که اسلحه و مهمات از خاک ایران به شوروی برود چون برخلاف اصول بیطرفی بود. رضاشاه به عکس آنچه اکثر مردم ایران تصور می‌کردند با وجود ندانستن زبان خارجی و تحصیلات عالی، براثر هوش سرشار و تجربه، سیاست

خارجی را خوب می فهمید و در اجرای آن منتهای حزم و احتیاط را رعایت می کرد. در آن ایام هراندازه محمدعلی مقدم وزیر مختار ایران در لندن جبن و ترس به خرج می داد و از گزارش پارلمان و مقالات جراید انگلیس خودداری می کرد به عکس ساعد مراغه ای سفیر ایران در مسکو رشادت به خرج می داد و بی پروا خطراتی را که پیش بینی می نمود به عرض می رسانید و حتی اجازه خواست شخصا برای دادن گزارش به تهران بباید.

موقعی که قوای هیتلر در روسیه پیشرفت داشت و انتظار شکست شوروی می رفت رضا شاه سفیر شوروی را برای تقدیم استوارنامه پذیرفت و نهایت محبت را به او ابراز داشت و وقتی هم سفیر گفت ما احتیاجاتی داریم امیدوارم که ایران مارا یاری کند رضا شاه گفت از هرگونه مساعدتی که بیطرفی مارا نقض نکند مضایقه نداریم.

در یهار سال ۱۳۲۰ که به عنوان رئیس تشریفات دریار در التزام رکاب در شمال بودم شاه به رؤسای املاک توصیه می کرد که با کنسول های شوروی خوشرفتاری کنند.

اگر رضا شاه مثل اکثر مردم آن روز قوای هیتلر را شکست ناپذیر میدانست به شورویها روی خوش نشان نمی داد. آنچه در هواخواهی او از آلمان گفته می شود تهمت است. رضا شاه اساسا تمایلی به هیتلر نداشت. اولین حمله ای که به او شروع شد از رادیو برلن بود. از تبلیغات موسولینی نفرت داشت. رضا شاه معتقد بود که اگر هیتلر پیروز شود و طمعی به شرق نداشته باشد ولی موسولینی آرزوی تسخیر خاورمیانه را دارد. با این طرز سوال می شود پس چرا با متفقین کنار نیامد؟ به تشخیص خودم رضا شاه می خواست با حفظ بیطرفی، ایران را از خطر جنگ حفظ کند و هم بر شخصیت خود در شرق بیفزاید. (در سال ۱۹۵۱ هم وقتی سریبدربولارد سفیر سابق انگلیس در ایران، در آمریکا سخنرانی نمود در پاسخ سوال محمد

نمایی که پرسیده بود بگوئید آیا رضاشاه با هیتلر بندو بستی داشت
و طرفدار او بود صریحاً گفت ابداً - ابداً)

علت این بود که اولاً وزراتی امثال مظفر اعلم با تلقی به
رضاشاه می‌گفتند اعلیحضرت با سیاست بیطرفی شاخص شرق
شده‌اند. ثانیاً نقض بیطرفی از خصایص آلمان بود ثالثاً اگر رضاشاه
با اولین تهدید تسليم می‌شد گفته کسانی که ناروا او را خادم
انگلستان می‌دانستند تأیید می‌شد. ولی بهر صورت رضاشاه در
پیش بینی خود به خطأ رفته بود.

تأسف در این است که متفقین اخراج آلمان‌ها و رسانیدن
مهماز به روسیه را بهانه قرارداده تا اشغال ایران را به آسانی
میسر گردانند. یعنی از تمام وسائل ایران استفاده کنند و آن‌چند
دیناری هم که وعده داده‌اند ندهند. شورویها که رضاشاه را سد
پیشرفت مرام کمونیستی می‌دانستند خواهان خلع او بودند.
انگلیسها نیز کمر قتل اورا بسته بودند زیرا در شرایط سخت مالی
انگلستان مطالبات ایران را وصول نموده و آنها نیز مصمم بودند که
دست اورا از کار کوتاه کنند. ضمناً تصور می‌کردند چون مردم ایران
از اعمال شاه به تنگ آمده و اکثر ایرانیان اورا دست نشانده
انگلیسها می‌دانند و اگر به دست خود امامزاده ای را که ساخته
اند خراب کنند محبویتی در ایران به دست خواهند آورد.

علت واقعه شهریور ۲۰ بطوریکه که از یادداشت‌های چرچیل
بر می‌آید این بود که انگلستان بارشادتی که قوای روسیه نشان
می‌داد بازهم امیدوار به شکست آلمان نبود و قوای هیتلر را در فرقاژ
می‌دید و هنوز معجزه استالین گراد و العلمنی را ندیده بود و تنها
راهنی که برای حفظ هندوستان باقی می‌ماند همان ایران بود ولی
ایران نباید در قدرت پهلوی باشد بلکه ایرانی که در اشغال متفقین
باشد تا با استفاده از کوههای ایران در صورت سرازیر شدن قوای
هیتلر با جنگ و گریز آن نیروها را فلنج سازند. با این توضیحات

باید قبول کرد که اشغال ایران واقعه‌ای بود که باید رخ دهد و هوشیاری و غفلت رضاشاه مانع آن نمی‌شد. اگر هم با اخراج آلمانیها و عبور مهمات نظر موافق می‌داد بازهم دستش از سلطنت کوتاه می‌شد. معهذا باید این حقیقت را قبول کرد که وقتی اختیارات در یک شخص مرکز گردد هراندازه بصیر و دانایم باشد بازهم از سهو و خطأ درامان نمی‌ماند. تأسف در این است که بزرگان دنیا و مخصوصاً زمامداران ما هیچوقت از این تجربیات درس عبرت نمی‌گیرند و تصور می‌کنند در فهم و تشخیص از همه بالاترند و برایش همین نخوت دچار سرنوشت گذشتگان می‌شوند.

رضاشاه مردی منطقی بود. ساعت ۷ صبح به دفتر می‌آمد و تاسوعت ۸ صبح گزارش هارا می‌خواند. از ساعت ۸ رئیس دفتر گزارش‌هارا می‌داد. از ۹ تا ۱۰ یک روز وزیر جنگ و یک روز رئیس ستاد گزارش می‌دادند. از ساعت ۱۰ تا ۱۱ او نیم وزیران و رؤسای درجه اول شرفیاب می‌شدند. روز سوم شهریور وقتی به کاخ سعدآباد آمد وضع را طور دیگر دیدم. علی منصور نخست وزیر و جم وزیر دربار مشغول گفتگو بودند. وزیر دربار گفت سفرای انگلستان و شوروی را احضار فرمودند ترتیب آن را بدھید. وقتی سفرا شرفیاب می‌شوند شاه می‌گوید اگر قصد جنگ دارید که جای صحبت باقی نیست و اگر منظور اخراج آلمانهاست که من اطمینان داده ام خواهند رفت. سفرا می‌گویند فعلًا اختیار دست فرماندهان لشکرهاست که قوای ما صبح زود وارد خاک ایران شده‌اند. ساعت ۵ بعدازظهر هم سفیر آلمان شرفیاب شد و از بیطرفی ایران تجلیل کرد و رفت. بلاfacile جلسه هیئت دولت تشکیل شد و به روزولت رئیس جمهور آمریکاتلگرافی شد که انگلستان و شوروی بیطرفی مارانقض کرده‌اند. تلگراف را برای امضا به خوابگاه شاه بردم. چراغ‌های قصر خاموش بود که در سایه شمع تلگراف را امضا کردند. معلوم شد تاریکی شب برایش آژیر بوده است. اعضای خانواده سلطنت نگران بودند.

شاه تصمیم به استعفا می گیرد ولی وزیران شاه گفتند ما استعفا می دهیم که دولت تازه ای روی کار بیاید. برای نخست وزیری، فروغی پیشنهاد شد. رضاشاہ می گفت چرا وثوق الدوله و قوام السلطنه را پیشنهاد نمی کنید؟ حتی مجید آهی وزیر کابینه بهتر است. ولی آهی هم فروغی را تأیید می کند که شاه می گوید با این که فروغی پیر و بیمار است اورا بیاورید. به خانه فروغی رفته گفت: «خاله گردن دراز را دنبال آقا فرستاده اند» تبسمی کرد و به اتفاق به سعدآباد آمدیم. درین راه فروغی می گفت بسیار دیر شده بهتر است وارد مذاکره ترک مخاصمه شویم. حتی وقتی به کاخ رسیدیم در آنجا ولیعهد را دیدیم که فروغی را نمی شناخت. قدری درباره فروغی صحبت کردم و نزد شاه رفت و درمراجعت گفت به اعلیحضرت گفته ام گرچه پیر و علیل هستم ولی از خدمت دریغ ندارم. دراین هنگام شاه نزد ولیعهد آمد و گفت گرچه فروغی خیلی پیر است ولی دراین موقعیت برای خدمت مناسب می باشد. ضمناً تصمیم گرفتیم ترک مخاصمه را اعلام کنیم. من حس کردم که شاه نزد ولیعهد قبل از فروغی بدگفته بود که حالا ناچار شده این توضیحات را بدهد.

روز هشتم شهریور وزیر دربار گفت اعلیحضرت و خانواده سلطنت قصد حرکت به اصفهان را دارند ولی چون سفرای انگلیس و روس خبر دادند که قوای روس به تهران نمی آید شاه از سفر منصرف شد.

از این تاریخ تاموقعی که اعلیحضرت محمدرضا شاه به سلطنت رسیدند کلیه امور دربار تحت نظر من بود. اعلیحضرت تمام سران نظامی را احضار نمودند چون سربازان خلع سلاح و مرخص شده بودند از دور فریاد شاه را می شنیدم. دراین اثنا سرلشگر احمد نجوان و سرتیپ علی ریاضی را دیدم که یکی از افسران گفت سردوشی ریاضی را کنده اند. دیدم سرشانه ریاضی جر خورده و

آستین آویزان و پیراهن پیداست. نزد ریاضی رفته اظهار تأسف کردم. ریاضی وقتی به رزم آرا رسید گفت ما قربانی شما شدیم. ریاضی مردی دانا و وظیفه شناس بود و همیشه حقایق را بی پرده به عرض شاه می رسانید و حفظ منافع کشور را بر شاه و خودش مقدم می داشت. از این که شاه قلدی کرده و ریاضی را خلع درجه کرده خیلی ناراحت شدم. افسری هم تاج و سردوشی نخجوان را نشان داد و گفت دستورداده اند من کنده ام که بیشتر متأسف شدم. از قرار معلوم شاه خیلی عصبانی شده به سران نظامی می گوید کاری کرده اید که نزدیک بود پسرم را بکشم. کریم آقا می گوید (قربان چرا والاحضرت را بکشید، این خانین را بکشید) شاه هم شمشیر یکی از افسران را از غلاف بیرون کشیده با پشت آن به سروکله نخجوان و ریاضی می زند^۱ حتی فریاد می کشد که (موزر مرا که در اتومبیل است بیاورید تا این خانین را بکشم). پیشخدمتی که حاضر بوده می دود که اسلحه را بیاورد ولی سایرین مانع می شوند. وقتی وضع سردوشی شاه را دیدم شیروخورشید شاه که علامت فرماندهی کل قوا می باشد کنده شده و نخ دوزی پیدا بود، حدس زدم شاه موقع عصبانیت شیروخورشید خود را هم کنده است.

بهر حال نخجوان و ریاضی را از کاخ به ذڑبانی برداشتند. نزد ولیعهد و سلطنت کردم که گفت (آنها بی تقصیر هم نبوده اند) وزیر مختار آمریکا شرفیاب شد و شاه از پاسخ روزولت خیلی سپاسگزاری کرد زیرا روزولت اطمینان داده بود که استقلال و تمامیت ارضی ایران محترم شمرده خواهد شد و من ناطر این ضمانت خواهم بود.

کسانی که رضا شاه را مردی عامی و بی سعاد تصور می کنند و صفتی جز خشونت و قدرت برای او قائل نبودند اگر با دقت به مذاکرات او با وزیر مختار آمریکا توجه نمایند اذعان می کنند که هیچ دیپلمات زیر دستی نمی توانست متین تر و معقول تر ازا و صحبت

کند. مذاکرات آن روز تأثیر عمیقی درمن نمود . این اولین بار بود که وظیفه ترجمه گفتگوی شاه و وزیر مختار را بر عهده داشتم. وزیر مختار هم تحت تأثیر رضا شاه قرار گرفته بود و بیانات ساده و بی آلایش شاه در او تأثیر نمود که شایعات را به کلی از بین برد. یقین دارم که اگر انگلیس و روس عزم جزم برای برداشتن شاه را نداشتند گزارش دریفوس تأثیر زیادی در تشییت شاه می نمود. در اینجا باید بگویم که زمامداران هراندازه دانا و توانا باشند نباید دولتهای مثل آمریکا را که هیچ وقت با ایران خصوصی نداشته اند از خود برنجانند. منظور اشتباہی است که سه بار رضا شاه مرتکب شد که نمونه آن در مردم دغفاری وزیر مختار ایران در آمریکا بود که به قطع رابطه کشید یا با فرانسه که از نوشته مطبوعات عصبانی شد و رابطه با فرانسه را قطع نمود و یا با انگلیس ها در باره نفت و سایر مسائل سیاسی کشمکش پیدا کرد.

در آن ایام دوبار رضا شاه به شهر رفت. یک بار پس از توقيف نخجوان و ریاضی که در وزارت جنگ حضور یافته امیر موشق را به وزارت جنگ تعیین نمود. بار دیگر برای عبادت فروغی به خانه او رفت. شاه تا آن زمان نه بدیدن کسی می رفت و نه کسی را برای عبادت می فرستاد. با این طرز خواست دل فروغی را به دست آورد.

حملات شدید بی بی سی به رضا شاه نشان می داد که دوره سلطنتش سپری شده است. من هم به عرض رساندم مثل این که آنها نقشه ای دارند که شاه به ولیعهد گفت انتظام هم عقیده مرا دارد. روزی هم قوام الملک شیرازی به من گفت امید ندارد که حضرات باماندن شاه و یا با جانشینی ولیعهد موافقت کنند. بعضی ها می گفتند ولیعهد طرفدار آلانه است و اگر قرار است خاندان پهلوی بماند شاپور عبدالرضا یا حمید رضا کوچکترین فرزند شاه به سلطنت خواهد رسید و یکی از رجال هم به نیابت سلطنت انتخاب می گردد.

عصر ۲۴ شهریور که در حضور شاه و ولیعهد بودم شاهپور علیرضا رسید و گفت از شخصی که با سفارت تماس دارد شنیدم که عبدالرضا شاه می‌شود که اعلیحضرت گفتند: (این چوندیات چیست که می‌گوئی؟) علیرضا به من گفت به حرف من توجهی ندارند شما سعی کن مطلب را به پدرم حالی کنی. سرانجام جریان را به ولیعهد گفتم و می‌دانستم که به پدرش خیلی علاقه دارد.

رضاشاه با تمام پریشانی که داشت، حتی وقتی استعفای خود را سلطنت امضا می‌کرد به شکوه الملك با خنده گفت: « می‌بینی که ما دیگر کاره ای نیستیم که برای ما کارآورده ای.»

روز ۲۴ شهریور خبر می‌رسد که قوای شوروی از قزوین عازم تهران است. شاه تصمیم می‌گیرد همین که قوا به ینگی امام رسید پایتخت را ترک کند. روز ۲۵ شهریور که به کاخ رفتم دیدم شاه رفته است. فروغی بعدها گفت ساعت ۷ صبح اعلیحضرت تلفن کردند که باید شمارا ببینم و چون کسالت داشتم گفتند خودم می‌آیم. این ملاقات در سرسرای کاخ مرمر صورت گرفت. هر دونفر روی نیمکت می‌نشینند. موضوع آمدن قوای شوروی به تهران مطرح می‌گردد. فروغی می‌گوید (گمان دارم که اعلیحضرت سلطنت را به ولیعهد تفویض بفرمایید) شاه هم می‌گوید خودم هم همین عقیده را دارم که فروغی متن استعفانامه را می‌نویسد. وقتی می‌خواهد پاکنویس کند شاه می‌گوید احتیاج نیست همان را امضا می‌کنم. رضاشاه با فروغی و شکوه الملك روبوسی می‌کند و به سوی اصفهان به راه می‌افتد. وقتی من رسیدم ولیعهد و فروغی روی نیمکت نشسته بودند. من از اینکه نتوانسته بودم شاه را ببینم متأسف شدم. من از استعفای شاه بی‌اطلاع بودم که ولیعهد گفت حالا من که قبول مسئولیت کرده ام، آن وقت بود که به استعفا توجه کردم. کریم آقا گفت همه دور والاحضرت حلقه زده و تا آخرین نفس ایستاده ایم. او رفت تا ترتیب تخلیه سریازخانه هارا بدهد. ولیعهد پرسید چه باید کرد؟ گمان می-

کنید بربزند و مارا بکشند؟ گفتم ایرانی ذاتاً خون ریز نیست. ولی خطرهایی هست و اگر والاحضرت تشریف ببرید موقعیت خود را برای همیشه ازدست داده اید. سایرین از این صراحت من تعجب کردند. این صراحت لهجه درخانواده ما موروثی است. انصافاً باید بگوییم قصد ولیعهد هم به ماندن بود و گفت عقیده خود من هم همین است. دراین موقع فروغی برگشت و با ولیعهد خلوت کرد و به ما گفت من اولین کسی هستم که به اعلیحضرت همایونی تبریک عرض کردم. سپس از رئیس مجلس خواست که ترتیب انتقال سلطنت داده شود.

دوبادر دیپلمات

عبدالله انتظام و نصرالله انتظام از برجسته ترین دیپلمات های ایران بودند که در محافل داخلی و خارجی احترام خاصی داشتند. هردو سال ها وزیر وسفیر بودند که نصرالله انتظام یک بار به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب شد که در سازمان ملل شایستگی خودرا به اثبات رسانید. تهمورس آدمیت سفیر سابق ایران در کتاب خود درباره او چنین می نویسد:

نصرالله انتظام به نظر من کامل ترین وجامع ترین وزیر خارجه و دیپلمات ایران در سالهای اخیر به شمار می رفت. زیان دان، بذله گو، عارف به ادب و فرهنگ ایران و غرب بود. آراستگی و برآزندگی چشمگیری داشت. درویش بود ولی تظاهری بدان نداشت. یادش تابنده باد.

* * *

نصرالله انتظام با این که همواره با محمدرضا شاه نیز روابط

حسنی ای داشت در سال های آخر سلطنت پهلوی شغل و مقامی نداشت. در محافل سیاسی (دکتر علی امینی - نصرالله انتظام - امیر اسدالله علم) را سه قلوهای سیاسی می نامیدند. ولی معهده انتظام شغلی نداشت و هر کجا که دکتر امینی با اشکالی رو برو می شد علم گره گشای کار او بود.

نصرالله انتظام در دولت علم سمت وزارت داشت که در مخالفت با فراندم ششم بهمن از کار بر کنار شد.

بعد از تشکیل حزب رستاخیز، امیر عباس هویدا از نصرالله انتظام که سالها شغل و مقامی نداشت، خواست که ریاست کنگره حزب رستاخیز را بپذیرد. انتظام تمايلی به این کار نداشت ولی به علت علاقه شاه این کار انجام شد. طی تلگرافی اعلام کرد که ۴۵۰ نفر مؤسسان حزب رستاخیز را تشکیل داده و مراتب قدردانی کنگره را به عرض شاه رسانید.

نصرالله انتظام فرزند انتظام السلطنه از رجال دوره قاجار می باشد که در سال ۱۲۷۹ شمسی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه آلمانی گذرانید و جزو دانشجویان مدرسه حقوق و علوم سیاسی شد. پس از پایان تحصیل وارد خدمت در وزارت خارجه گردید که خیلی از بستگانش در آن عضویت داشتند.

انتظام مدتی به اداره تقنیکیه مجلس شورای ملی منتقل شد. پس از مدت کوتاهی به وزارت خارجه انتقال یافت و منشی اول اداره دوم سیاسی و سپس به عنوان رئیس اداره ترکیه به سفارت عثمانی معرفی شد. در سال ۱۳۰۵ در انعقاد پروتکل ایران و ترکیه جزو هیئت ایرانی بود. به نیابت سفارت ایران در پاریس منصوب شد و با سمت دبیر اول سفارت ایران در ورشو و ژنو خدمت کرد. در هنگام اقامت در ژنو عضو هیئت نایاندگی ایران در جامعه ملل شد. در مورد لغو امتیاز دارسی همراه داور در جلسات شورای جامعه ملل در ژنو شرکت کردتا به اختلافات ایران و انگلیس رسیدگی شود.

مدتی نیز نیابت سفارت ایران را در لندن عهده دار بود. پس از آن به معاونت غایبندگی ایران در جامعه ملل و کاردار سفارت ایران در سویس منصوب شد.

نصرالله انتظام بعداز شهریور ۲۰ به کابینه راه یافت. مدتی وزیر خارجه - وزیر پست و تلگراف - وزیر بهداری - وزیر راه - وزیر مشاور شد.

در اسفندماه ۱۳۲۴ شمسی به عنوان عضو هیئت غایبندگی ایران در کنفرانس صلح عازم سانفرانسیسکو شد و در تدوین مقررات منشور سازمان ملل نقش ارزنده ای داشت. به دنبال آن همراه تفی زاده که ریاست هیئت غایبندگی ایران در سازمان ملل را بر عهده داشت عازم لندن گردید و سپس به ریاست هیئت غایبندگی ایران در سازمان ملل متحد برگزیده شد و به علت شایستگی و لیاقتی که از خود نشان داد در ۲۹ شهریور ۱۳۲۹ با ۳۲ رأی از مجموع ۵۳ رأی به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب گردید. او نخستین ایرانی است که به این مقام رسیده است. پس از پایان دوره ریاست مجمع عمومی سازمان ملل دکتر علیقلی اردلان به سمت ریاست هیئت غایبندگی ایران در سازمان ملل منصوب شد و انتظام با مقام سفارت ایران در آمریکا به کار ادامه داد. هنگامی که دکتر مصدق برای شرکت در جلسات سازمان ملل به آمریکا رفت نصرالله انتظام با عنوان سفیر ایران در کنار او قرار داشت و حتی همراه مصدق به دادگاه لاهه رفت ولی نزدیکان دکتر مصدق می گویند به او اعتمادی نداشت و او را منصب محمدرضا شاه پهلوی می دانست. دکتر غلامحسین مصدق در این باره چنین نوشت: «

(هنگامی که پدرم می خواست با تروم ملاقات کند نصرالله انتظام همراه او بود ولی پیش از این که انتظام همراه او وارد تالار مذاکره شود پدرم بازگشت و در را بست و انتظام را پشت در گذاشت تا در مذاکرات شرکت نکند. انتظام در حالی که بعض گلویش را گرفته بود

گفت اگر مرا نمی خواهند و مورد اعتماد نیستم عوضم کنند.)
دکتر عبده نیز در خاطرات خود می نویسد: هنگامی که انتظام
رئیس مجمع عمومی سازمان ملل شده بود و شاه به آمریکا وارد شد
در نیویورک از او استقبال کرد و برخلاف معمول دست شاه را نبوسید
و این امر موجب رنجش و عصبانیت شاه شد. بعدها شاه از انتظام
گله کرد و آن را بی احترامی به خود تلقی نمود
سرانجام مصدق انتظام را از کار برکنار ساخت و همشهری
کاشی او اللهیار صالح را به عنوان سفیر ایران در آمریکا منصوب
نمود که از رجال شاخص کشور و مورد اعتماد خاص دکتر مصدق
بود.

بعداز ۲۸ مردادشاه و سپهبد زاهدی می خواستند اللهیار صالح
را در مقام سفارت نگه دارند که نپذیرفت و به ایران بازگشت و بار
دیگر نصرالله انتظام با مقام سفیر ایران عازم آمریکا کشد و همچنین
ریاست هیئت نمایندگی در سازمان ملل را بر عهده داشت. مدتی هم
سفیر ایران در پاریس بود و سالها سمت داور اختصاصی پاکستان در
جریان اختلافات با هندوستان را بر عهده داشت.

گزارش سفارت امریکا درباره نصرالله انتظام چنین حاکی
است: (علی امینی یک دوره ای دارد که ۱۲ سال است روزهای
چهارشنبه دورهم جمع می شوند. عبدالله و نصرالله انتظام از افراد
فعال این دوره ها هستند).

وقتی نصرالله انتظام به عنوان نخستین رئیس کنگره حزب
رستاخیز انتخاب شد سفارت آمریکا در گزارش خود چنین اظهار نظر
کرد (با انتخاب نصرالله انتظام به ریاست کنگره حزب رستاخیز که
از یاران نزدیک امیر اسدالله علم و رقیب قدرمند هویدا می باشد می
توان گفت علم بر هویدا پیروز شده است.).

عبدالله و نصرالله انتظام یادآور شده اند که نه تنها آنها بلکه
پدرشان نیز در تشکیلات فراماسونری عضویت داشته اند.

نصرالله انتظام که ازدواج نکرده بود و همسر و فرزندی نداشت در سال های آخر عمر بیکار بود و روزها در کلوب فرانسه و شب ها در کلوب ایران بادوستان حشر و نشر داشت و هیچگونه گله و انتقادی هم نمی کرد ولی از زندگی مرفه‌ی که استحقاق آن را داشت بهره مند نبود. پس از انقلاب به زندان جمهوری اسلامی افتاد و با او خیلی بدرفتاری شد که در نهایت ناراحتی و با مشکلات فراوان زندگی را ترک گفت. حقیقتاً باید اورا از ایرانیهای دانست که در زمان ما شاغل مقامات مهمی بوده و لیاقت و شایستگی آن را هم داشته است.



نصرالله انتظام



عبدالله انتظام

آخرین سال‌های زندگی رضاشاه

محمود جم در خاطراتش می‌نویسد: وقتی اتومبیل رضاشاه درین راه اصفهان خراب شد و با ماشین استاندار سراغش رفتیم سراپای شاه غرق خاک بود و گفت حالم بداست و بیست و یک شب تمام نخوابیده ام و احتیاج به استراحت دارم. آیا می‌شود در اینجا یک چای خورد. گفتم قهوه خانه تمیزپیدا نمی‌شود. شاه گفت اشکالی ندارد چای کارگر و دهاتی را هم باید خورد. دستور چای داده شد روی گلگیر اتومبیل چای نوشیدند.

وقتی شاه به اصفهان رسید خیلی خسته بود. فوراً به اتاق خواب رفت. رضاشاه هرگز روی تختخواب نمی‌خوابید و عادت داشت روی تشك که در زمین قرار دارد بخوابد. با پوشیدن یک عبا نائینی به بستر رفت.

علی ایزدی که در تمام مدت تبعید در کنار رضاشاه قرار داشت و اخیراً در جنوب فرانسه درگذشت چنین می‌نویسد: بیکاری و حملات رادیولنلن رضاشاه را در تبعید خیلی ناراحت کرده بود. واوایل، شبها تاصبیح خواب نداشت و درماتم و اندوه بسر می‌برد. آثار ضعف و کسالت روز به روز در شاه زیادتر می‌شد و قیافه ایشان هر روز پریشان‌تر می‌گردید. دراکثر برخوردها می‌دیدم که شاه به سختی نفس می‌کشد و رنگ ایشان کاملاً پریده بود و ارتعاش خفیفی در دستهایش مشاهده می‌شد. آثار تورم در پای شاه ظاهر شد که پوشیدن کفش مشکل گردیده بود. چند دکتر از شاه معاينه کردند و قرصهای مسکن دادند و قرار شد از جهازها ضممه عکسبرداری شود. پس از معاينه با دستگاه رادیوگرافی معلوم شد که شاه دچار

بیماری قلبی شدیدی می باشد. محل اقامت اولیه شاه در ژوهانسبورک را زیک کلیمی اجاره کردیم که خیلی شاه را ناراحت می کرد. چندبار از شاه برای تعمیرخانه پول گرفت و از تعمیرخانه خودداری کرد که کار به دادگاه کشید. یک روز باشah در یکی از خیابان های ژوهانسبورک عبور می کردیم پاسبان به عابرین پیاده ایست داد ولی شاه توجه نکرد که مأمور جلوی شاه را گرفت. جریان را برای شاه توضیح دادم و گفت این شهر نظم و ترتیب خوبی دارد. ناراحتی دیگر شاه این بود که مستخدمین باهم زد و خورد می کردند که دو نفرشان را به ایران بازگرداندیم.

در نوروز سال ۱۳۲۲ همراه شاهپورها و شاهدخت ها نزد شاه رفتیم هیچ لبخندی در آن میان دیده نمی شد و همه غرق ماتم و اندوه بودیم. چون نتوانستیم با صاحب خانه کلیمی کنار بیانیم و مارا ناراحت می کرد. آب ژوهانسبورک مواد معدنی خاصی داشت که دندان ها را خراب می کرد و چون دندانهای رضا شاه را هم که دکتر ملچارسکی در تهران برای ایشان درست کرده بود فرسوده شده بودند به دندانسازی مراجعه و دندان مصنوعی برای شاه آماده شد.

رضا شاه از دل درد شدید خیلی رنج می کشید و می گفت دست از سرم بر نمی دارد. بیماری قلبی و جهاز هاضمه شاه را خیلی اذیت می کرد. خود شاه آن را ناشی از غذاها می دانست. غیر از برنج و جوجه هیچ غذائی نمی خورد و همه روزه شخصا از آشپزخانه دیدن می کرد.

یک شب که شاه دچار دل درد شدیدی شده بود در کنار رختخواب زمین می خورد و از هوش می رود و دست و صورت هم مجروح می گردد. پزشکان پس از معاینه گفتند حمله قلبی شدید بوده و امید نداریم تا دو ساعت دیگر زنده باشد.

بعدا حالت شاه قدری بهتر شد. در آخرین شب زندگی بگفتن چند لطیفه و داستان شیرین پرداختند که هرگز فکر نمی کردیم شب

آخر عمرشان باشد.

ساعت شش صبح چهارم مرداد ۱۳۲۳ سید محمود پیشخدمت مخصوص شاه مرا صدا کرد. وقتی به اتاق شاه رفتم هنوز بدن شاه گرم بود. دکتر را خواستم پس از معاينه گفت ساعت ۵ صبح از حمله قلبی فوت کرده است.



عکسهایی از رضاشاه
و خانواده سلطنت پهلوی



چند نکته درباره زندگی پهلوی دوم

درجدهای مختلف (ایران در عصر پهلوی) درباره خصوصیات اخلاقی شاهان پهلوی مخصوصاً محمدرضا شاه مطالبی انتشار یافته است ولی به نظر نویسنده، این گفته‌ها و نوشته‌ها کامل نیست زیرا کسانی که اورا دقیقاً می‌شناخته و با او معاشرت زیاد تری داشته‌اند یا سکوت کرده و یامصلحت خود نمی‌دانند که حقایق را بگویند و هیچ کتاب و نشریه مستندی هم در این باره انتشار نیافته است. بهر صورت در این جلد از کتاب هم چند نکته به مطالب جلدی‌ای قبلی اضافه می‌شود.

بی شک باید گفت محمدرضا شاه پهلوی که از کودکی در ناز و نعمت زیسته و در خاندان سلطنتی رشد و نمو کرده نمی‌توانسته همان خصوصیات اخلاقی پدری را داشته باشد که با قدرت اراده و مبارزه و جنگ و کشمکش و به خطر انداختن جان خود، از اعماق اجتماع برخاسته و خود را از سریازی به عالی‌ترین مقام یعنی سلطنت رسانیده است.

رضا شاه مردی رشید و شجاع و دلدار، و به قام معنی بی‌باک و متھور و جسور بود. وقتی هم به سلطنت رسید حتی فرزندان و

نزدیک ترین افراد به او هم جرأت نداشتند که با اوی هم صحبت شوند، با جزئی ترین سوء ظن محترم ترین افراد را به سرنوشتی دچار می کرد که تاروپود زندگی خودبستگان آنها برباد می رفت. درحالیکه محمدرضاپهلوی شاهی مهریان و رئوف بود که حتی آن قدرت اخلاقی را داشت، تا افرادی را که قصد کشتن اورا داشتند ببخشد و به خطناک ترین دشمنان سیاسی و شخصی اش با یک (توبه نامه) حتی مقام وزارت بدهد.

اطلاعات رضاشاه درمحدوده کشور بودو باهمان وضع توانست کارهای بزرگی انجام دهد ولی محمدرضاشاه با هوش و ذکاء ذاتی و اطلاعات عمیقی که داشت و شب و روزهم درافزایش آن می کوشید و با یاری دو زیان خارجی که می توانست روزبه روز دامنه اطلاعات اورا وسیع تر سازد یک شخصیت جهانی و فرد مطلع بین المللی شده بود که در مصاحبه های مطبوعاتی با جرأت و اتکاء به نفس شرکت می کرد و در مقابل روزنامه نگاران خارجی که با سوالات و نیش زدن های خود هر رهبر کشوری را آزار می دادند به آنها پاسخ می داد و اکثراً در این گفتگوها سریلند بود و مصاحبه هایش حسن اثر می داشت.

متاسفانه ضعف او در برابر مشکلات و ترس از حوادث نامطلوب محمدرضاشاه را به صورتی درآورده بود که با کوچکترین ناملایمی می خواست راه خارج از وطن را پیش بگیرد که همین اخلاق موجب شد سلطنت را از دست بدهد درحالی که اگر رضاشاه با هجوم نیروی متفقین و خطرات و عواقب جنگ جهانی رو برو نبود به سادگی و سهولت سلطنت را به جانشین خود نمی داد.

محمدرضاشاه با وجود وسعت اطلاعات و جهان بینی عمیقی که داشت با تربیت در مهد تمدن جهان یعنی کشور سویس معلوم نبود چرا کاهی (خرافاتی) به نظر می رسید که حتی در کتاب پاسخ به تاریخ هم که پس از سقوط رژیم منتشر شده باز هم اشاراتی به این

امر داشته است مثل این که واقعاً معتقد بوده که حضرت عباس او را در امامزاده داود نجات داده و یا درمورد دیگر دست غیبی از آستین بیرون آمده و به او کمک کرده است. انتشار این قبیل مطالب شاید برای گروهی از توده مردم که (خرافاتی) هستند جاذبه ای داشته باشد ولی طبقه روشنفکر و کتابخوان و روشن بین را ناراحت می کند که چرا شاهی با آنهمه سابقه و تحصیلات و اطلاعات، باید چنین پای بند خرافات باشد. شاه سلطان حسین هم خرافاتی بود که مملکت را تحویل افغان ها داد.

به نظر من باید دوران سلطنت پهلوی دوم و طرز اداره کشور را در زمانی که اسلامتی کامل برخوردار بود از ایامی که دچار بیماری کشنه سرطان بوده و از داروهای ضد سرطان و مسکن استفاده می کرده جدا کرد. زیرا بی ارادگی و بی تصمیمی و تردید و ضعف شاه در دوران بیماری پایه های سلطنت را سست و لرzan کرده بود در حالیکه قبل از آن با قدرت و استقامت در مقابل حوادث و وقایع ایستادگی می کرد.

امیراسدالله علم وزیر دربار محمد رضا شاه که شب و روز با او تماس داشته و مخصوصاً پیام های شاه را به خارجیها، به ویژه به سفرای انگلیس و آمریکا می رسانیده از طرز تفکر شاه پرده بر می دارد که در راه حفظ منافع ایران با چه قدرت و شهامتی با آنها در می افتاده و پیغام می داده که عواید ایران در نفت باید به حداکثر بالا برود و حاکمیت ایران بر جزایر خلیج فارس که مالک مسلم آن می باشد بهر قیمتی است باید صورت بگیرد. حتی از جنگ باک نداشته تا بهتر حقوق ایران را حفظ کند.

در زانویه ۱۹۸۸ (فردریک میتران) برادرزاده رئیس جمهور سوسیالیست فرانسه، درمورد فیلمی که از زندگی (محمد رضا شاه پهلوی) تهیه کرده است چنین گفت:

محمد رضا شاه نطق های خود را به نام (خداوند) آغاز می کرد و در زندگی پرنشیب و فراز خود برای کشورش آرزو های بلندی داشت و با تمام قدرت در راه تحقیق آن می کوشید. قدرتی که او طی سال ها خدمت به کشورش به دست آورده بود بیشتر از قدرتی بود که هر انسانی ممکن است از آن برخوردار گردد. او حتی از کورش کبیر هم مقفلدرتر بود. به همین جهت شاه قانع شده بود که خداوند پشتیبان اوست و می تواند با تکیه به نیروی الهی از همه موانع بگذرد. اما می دانیم که غرور و قدرت و جلال او به توفان مهیبی منتهی شد که هنوز دنیارا دارد به خون می کشد. محمد رضا شاه به دامن افتاد که مشیت الهی در راهش تعییه دیده بود و دیدیم رحمت الهی چگونه از او دریغ شد. در نهایت تصویری ازاوباقی ماند که مردمش و متعددانش و کهکشان به او پشت کردند و سرانجام آنچه برایش تقدیر شد پذیرفت. محمد رضا شاه در ایام قدرت جشن باشکوه تاجگذاری را برگزار کرد. دریک امپراتوری مسلمان تاج را به سر همسر جوانش گذاشت. در همان ایام مورد انتقاد شدید پاره ای از مطبوعات بین المللی قرار گرفت. ولی تاریخ مسیر خود را عوض کرد و تمام ترقیات ایران نابود شد و آن رؤیا های شیرین به کابوس مبدل گردید. امپراتوری در تاب و تلاطم به خود می پیچید و شاه دیگر درگذشته است.

زندگی محمد رضا شاه نشیب و فراز فراوان داشت. در کنفرانس تهران تنها استالین آنگونه که شایسته بود با محمد رضا شاه رفتار کرد. شاهدخت اشرف می گفت وقتی استالین او را به حضور پذیرفت از استالین خواست که دست از حمایت تجزیه طلبان آذربایجان بردارد. او گفت استالین با من بسیار مهربان بود و گفت به برادر تان بگوئید اگر دو هموطن مثل شما داشته باشد می تواند دنیارا تسخیر کند.

محمد رضا شاه در نخستین سال حکومت مصدق و ملی شدن صنعت نفت ازاو حمایت کرد ولی به تدریج احساس کرد که مصدق

از خانواده قاجار است و می خواهد انتقام بکیرد. ارتش و مردم قیام کردند و شاه را از رم برگرداندند. سیا هم در برگردانیدن اورایاری کرده بود. وقتی بازگشت مردمی که چندروز پیش مرگ اورا می خواستند بالشتیاق فراوان مقدمش را گرامی داشتند.

محمد رضا شاه چون می خواست کشوری مرffe و آرام برای ولیعهد خود تضمین کند بنا براین دست به انقلاب سفید زد که هدفش تبدیل ایران به کشوری مدرن بود.

رضاشاه ومصدق هردو با خارجیها برای حفظ منافع بیشتر ایران درافتادند. محمد رضا شاه باشیوه ای مؤثرتر از آنها همان مبارزه را آغاز کرد از جمله با فشار آوردن پنهانی به کندی... اما مرگ مرمز (ائزیکو مائه تی) ایتالیانی اخطار به او بود.

بطورکلی مردم محمد رضا شاه را دوست داشتند و در نظر خواهی از او حمایت می کردند. محبوبیت آشکار او درین ملتش توجه مطبوعات خارجی را جلب کرد اما نیروهای اجتماعی با همدستی مالکان بزرگ با شاه درافتادند. از همان زمان پای خمینی به میان آمد. غرب شاه و فرج را باستایش می نگریست که چگونه ایران را به سوی پیشرفت می برند. کندی محترمانه اورا پذیرفت اما در عین حال از سیا خواست که راه های راحت شدن از شر اورا بررسی کند. ولی محمد رضا شاه با این حال به آمریکائیها اطمینان داشت و درک نکرد که ممکن است علیه او توطئه کنند. او از جوانی به تأیید خارجی ها از اصلاحاتش اهمیت می داد. برای او ایام شادی و موفقیت فرا رسیده بود و هرگز گمان نمی کرد که سونوشتی تلغی درانتظارش باشد. سرنوشتی بدتر از فاروق.

در مصاحبه ای شاه گفته بود ممکن است کمی مغورو باشم اما این به خاطر کشورم می باشد و کارهایی که در آن محاجم شده است، چون به خدا اطمینان دارم انسان خداشناس مغورو نمی شود ولی در برابر پیشرفت‌هایی که در کشورم شده به خود می بالم. شاه می گفت

من باید یک مأموریتی را که از جانب خداوند برای نجات ملتمن دارم به النجام برسانم. توفیقی که تا به حال نصیبم شده و بعضی از آنها غیرقابل تصور می باشد عزم مرارا سختر کرده و وقتی این مأموریت را به خوبی النجام دادم وظیفه ام تمام می شود. او برای پیشرفت ملکه^۱ ماشینی به وجود آورد که متأسفانه مثل خود او کار نمی کرد. ساواک شاه به هدف های مرموزی خدمت می کرد و در دنیا معروفیتی ناشایست داشت. شاه در مقابله با ملایان ناتوان ماند.

۱ - ع تافته در مجله روزگارنو چنین نوشت:
محمد رضا شاه پهلوی بدون تردید در دوران سلامتش هم با هوش بود و هم حافظه ای قوی داشته است. عبدالله انتظام می گفت شاه بعضی اوقات از هوش خارق العاده ای برخوردار بود ولی گاهی از یک فرد عادی هم کم هوش تر می شد. در چند مورد که با متخصصین نفتی مذاکره می کرد اطلاعات او درباره امور اقتصادی نفت به قدری وسیع بود که با عث تعجب آنان می شد.
امیر عباس هویدا می گفت شاه از همه ما با هوشتر است. او پرونده یکایک وزرای خود را به خوبی می داند و از کم و کیف زندگی آنها مسبوق است.

دکتر اقبال می گفت مثل این که پادشاه یک ماشین حساب در مغزش دارد. او شایستگی آن را دارد که چهار موضوع مختلف را در عین حال در ذهن خود تجزیه و تحلیل کند و راه حل آنها را فورا بیابد. بهر حال برای اثبات این نظریه به سه موضوع اشاره می کنم.

۱ - در انقلاب بنگلادش مجتبی الرحمن و ۲۲۰ نفر از فامیل و نزدیکان او کشته شدند. در انقلاب افغانستان داودخان و حدود ۳۰ نفر از استگانش از بین رفتند. در انقلاب ایران حتی یک نفر از اعضای خانواده سلطنتی و ملکه فرح در داخل کشور کشته نشدند.

شاه ازیک سال قبل از انقلاب دستور داده بود که اعضای خاندان سلطنت از ایران خارج شده و حق مراجعت به آنها را نداد. خواهران فاروق به استثنای فوزیه بعد از انقلاب مصر دچار وضع بسیار تأسف انگیزی شدند بطوریکه یکی از آنان برای امراض معاش با یک رستوران دار سوئیسی ازدواج نموده و بالاخره در اثر فشار زندگی خودکشی کرد زیرا شاهزادگی با ظرفشوئی در آشپزخانه جور درنمی آمد درحالی که تمام فامیل شاه و فرح در رفاه به سر می برند و این دونعمت را مرهون هوش شاه می باشند.

۲ - خانمی که چهار سال در تمام میهمانیهای خصوصی دربار شرکت می کرد چنین گفت: در این میهمانیها فقط برادران و خواهران و همسران آنها و علم و سپهبد پزدان پناه و یکی دو نفر دیگر از درباریان شرکت می نمودند. اغلب بعد از شام دوریک میز می نشستیم و بازی هوش شروع می شد. بازی از شاه آغاز می گردید که او کلمه ای را می گفت و نفريعی باتکرار کلمه یک کلمه دیگر به آن اضافه می کرد. تعداد بازیکنان ۷ یا ۸ نفر بودند که در دور سوم باید ۲۴ کلمه متجانس پشت سرهم گفته شود، کسی که اشتباه می کرد از بازی خارج می شد. اغلب دریکی دودور برادران و خواهران شاه خارج می شدند و در بسیاری موارد شاه برنده اول می شد. او گاهی ۳۵ کلمه را بدون اشتباه پشت سرهم می گفت. این حکایت که حقیقت دارد بهترین شاهد هوش و حافظه شاه می باشد.

۳ - در مراسم سلام وقتی به بعضی افراد می رسید به نکاتی اشاره می کرد که نمودار کامل هوش و مراقبت او بود.

عاملی که باعث گردید در آخرین سال های سلطنت هوش و حافظه شاه منظم کار نکند مرض سرطان بود. داروهای مختلف به هوش و حافظه و قدرت تصمیم گیری او لطمہ زده بود. یکی از نزدیکان شاه ویلای مجللی در فرمانیه داشت که محل خوشگذرانی شاه بود. در سال ۱۹۷۴ وقتی شاه مریض می شود و عده ای از

پزشکان فرانسوی برای معاينه او به تهران می آیند از بیماری سرطان آگاه می شوند. از آن سال به بعد همان دکترها سالی دوبار برای معاينه شاه به تهران می آمدند و برای اينکه ساواک و مقامات دولتی از جريان مطلع نگردند از فرودگاه يكسر به همان ويلای فرمانیه برده می شدند و معاينات در آنجا صورت می گرفت. همه تصور می کردند که اين رفت و آمدها برای خوشگذرانی است. در دو سال اول فقط صاحب ويلا و دکترايادی و بعدا علم و آتاباي مطلع شدند بدون آنكه بدانند مرض شاه کشنه است. در بهار سال ۱۹۷۸ که دکتراها به تهران می آيند می گويند شاه دو سال ديگر زنده خواهد بود. داروهانی می دادند که قدرت تصميم گيري را از شاه سلب می کرد. پزشکان فرانسوی جريان را به ژيسکارdestn می گويند و يادآور می شوند که بهتر است فرانسه برای حفظ منافع خود در ايران فكري بكند. در همين موقع ماموران اسرائيلی حاج حبيب القانيان رئيس جامعه يهوديان ايران را الحضار و به او دستور می دهند که برای خروج يهوديها و سرمایه آنان اقدام کند و خود مامورین اسرائيل هم عده اي از يهوديها و سرمایه آنها را از ايران خارج ساختند.

مقامات اطلاعاتی فرانسه و اسرائیل بیماری شاه را به آدمیرال ترنر رئیس سیا گزارش می دهند و او هم جريان را بامامورین خود در میان می گذارد و می گوید حالا فرانسویها و اسرائیلیها خیال می کنند از ما مطلع ترند. او هم به کارترا گزارش می دهد ولی می نویسد اين اطلاعات بی مأخذ است و به همین جهت دستگاه رهبری واشنگتن کسالت را جدی تلقی نمی کند. يکی از درباريان می گفت در جريان تظاهرات تبريز رئیس ساواک آنجا اجازه شرقيابي می گيرد و با گزارش آتش زدن بانکها و کشت و کشتار و تيراندازیها از شاه کسب تکليف می کند ولی شاه در تمام مدت دور خود می چرخد و باموهای سرش بازی می کند و گاهی هم يك موی سرش را می کند. اگر شاه به موقع به نفع و ليعهد کناره گيري می کرد آيا امروز مملکت ما سرنوشت ديگري نداشت؟ به اين قبيل سؤال ها نمی توان پاسخ قطعي داد.

مقایسه شاهان پهلوی (رضاشاه و محمدرضاشاه)

نقش آمریکا در سقوط رژیم سلطنت در ایران

آیا نزدیکان خمینی برای او بعداز ۶ ماه اقامت
در پاریس دنبال محل تازه ای بودند؟



پروفسور رونیس استاد دانشگاه شیکاگو در کتابی تحت عنوان (شکست شاهانه) چنین می نویسد:

سقوط شاه ایران را باید یکی از عمدۀ ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران دانست. قدرتمندترین پادشاه جهان و یکی از متحدان ثابت قدم آمریکا و غرب پس از ترک کشورش تاج و تخت خود را ازدست داد. در این انقلاب هیچ چیز اجتناب ناپذیر نبود. نه زمان آن مقدرشده بود و نه پی آمدهایش. شاه می توانست چند سال قبل از سقوط رژیم با انجام اصلاحات جدی دموکراتیک نارضائی گروههای عمدۀ مخالفین را بطرف سازد. هنگامی که تظاهرات اوچ گرفت شاه می توانست با یک سرکوب عمدۀ نظامی قدرت را همچنان حفظ کند اما هیچیک از این کارها را نکرد. شخصیت شاه و شیوه حکومت او علل اصلی این مخالفتها با او بود.

آمریکا از طریق ایجاد رابطه با شاه و نظام او در مورد سرنوشت این رژیم مستولیت عمدۀ ای بر عهده داشت اما هنگامی که امواج انقلاب تاج و تخت او را در کام خود گرفت آمریکا چنان عمل کرد که گوئی در مقابل این رژیم مستولیتی ندارد و با این سقوط سیاست خارجی آمریکا دچار چنان شکستی شد که پیامدهای آن برای ایران و منطقه در دنیای اسلام روز به روز آشکارتر می گردد.

شاه طی سالها چهره اصلی سیاست ایران بود اما افراد دیگری هم بودند که تأثیر مهمی داشتند. شهبانو فرج و خواهر دولویش اشرف پهلوی و امیر عباس هویدا و امیر اسدالله علم نخست وزیران و وزرای دربار شاه و... رؤسای ساواک شاه و سفرای آمریکا در ایران و بعضی از شخصیت‌های دیگر ایرانی نیز نقش مهمی داشتند.

علاقه شاه به خرید سلاح‌های نظامی مخصوصاً در توسعه نیروی هوایی قابل مطالعه است. شاه در مورد نیروی هوایی طرح جاه طلبانه

ای داشت. برای شاه پرواز با هواپیما یک عمل شورانگیز بود. در سال ۱۳۲۵ قبل از این که ۲۷ ساله شود پس از ۱۸ ساعت پرواز گواهی خلبانی گرفت. دوماه پس از آن بر فراز نیروهای نظامی ایران برای نجات آذربایجان به پرواز درآمد در حالی که پیام‌های متعدد آمریکا به شوروی موجب پیروزی ایران شد. چند حادثه هوائی و نجات جان شاه به او قدرت قلب زیادتری داد و این تفکر اورا که «نظر کرده خداوند است» مورد تأیید قرار می‌داد. شیفتگی شاه به نیروی هوائی به حدی بود که حتی در المپیک تابستانی در سفر انگلستان در سال ۱۳۲۷ با انجیفورم مارشالی نیروی هوائی شرکت نمود. حتی وقتی ولیعهد ایران به سن ۱۳ سالگی رسید شاه پرواز را به او بیاد داد و برخلاف نگرانی شهبانو علاقه داشت که پرواز پرسش را تماشا کند و شاه به فرج می‌گفت پرواز اعتماد به نفس اورا زیاد تر خواهد کرد.

شاه به عنوان یک فرمانفرما با این باور زندگی می‌کرد که مردمش اورا دوست دارند و به او احترام می‌گذارند. هوراها و نصب عکس‌ها در همه جا و نمایش شوهای سلطنتی همگی باعث می‌شد که شاه محبوبیت خود را باور کند. شاه به گروه کوچکی از نزدیکانش دلبستگی داشت (ارنست پرون - اشرف پهلوی - امیر اسدالله علم). در آمیختگی روانی میان او و یکی از این افراد به او این قدرت را می‌داد که برپای خود بایستد.

شاه در سراسر عمر خود اعتقاد به خداوند و مراقبت و حمایت خود را حفظ کرد که موفقیت خود را در انجام کارها یک مأموریت الهی تلقی می‌کرد.

شاه از پیوندهای سیاسی با آمریکا نیرو می‌گرفت. با ۸ رئیس جمهوری از روزولت تا کارتر دیدار داشت و از این روابط قدرت روانی می‌یافتد. در سال ۵۷ که شاه با وقایع انقلاب رویرو شد تنها مانده و همه آن عوامل را از دست داده بود و بیماری هم اورا

رنج می داد. شاه به این نتیجه رسیده بود که آمریکا او را رها کرده است. شاه دیگر فلچ شده بود و نتوانست دست به عمل قاطعی بزند.

به عکس آنچه شاه به (اوریانا فالاچی) گفته بود زنها تأثیر زیادی در او داشته اند که نمونه آن مادرش تاج الملوك می باشد. شاه در دهه ۱۳۵۰ اغلب روزها با اوقاس داشت و هفته ای ۴ روز با او ناهار می خورد. تاج الملوك در سال های کهولت به کالیفرنیا رفت و نزد شمس پهلوی زندگی می کرد. اخبار انقلاب و برکناری پسرش را از سلطنت شنید. مرگ شاه را در غربت از مادرش مخفی نگهداشتند. فرزندان دیگرش به نام محمد رضا شاه برای اوضاع و گل و هدیه می فرستادند. وی در حالی که از فروپاشی سلسله پهلوی و مرگ شاه بی اطلاع بود درگذشت. بنا براین باید کفت مادر و خواهر و همسرش در او تأثیر زیادی داشته اند.

رضاشاه معتقد بود فضای زنانه خانه مادری برای تربیت ولیعهد مناسب نیست . بهمین جهت او را جدا ساخت که این امر ضربه عاطفی برای ولیعهد بود و او را به تربیت سربازی عادت می داد در حالیکه در آن محیط زنانه برای او لذت بخش تر بود زیرا نخستین پسر شاه و شاه آینده به منزله گنجی پریهابه شمار می رفت. شاه به بازی سرنوشت و تقدیر اعتقاد داشت و بعداز ۲۸ مرداد گفت : « خداوند مقرر کرده است من خدماتی برای کشور المجام دهم. من خود را چیزی بیش از عامل اراده خداوند نمی دانم.»

شاه کراراً از (الهام آسمانی) و (حمایت الهی) صحبت کرده است. این امر تظاهر نبوده بلکه اعتقاد عمیق او بود که خواب های خود را نوشت و بیان کرده است.

یادآوری شاه از پدرش همیشه مثبت بود و موارد نادری بود که از او انتقاد می کرد و قصور پدرش را در گسترش دموکراسی ناشی از سطح پائین بودن سواد مردم و فقدان یک نظام انتخاباتی

صحیح مناسب در ایران ذکر نمی‌کرد. او پدرش را برای زمان خود و خودرا برای زمان خودش مناسب تشخیص می‌داد. در سال‌های آخر سلطنت، شاه بزرگداشت از پدر خود را نمونه‌ای از کم ارزش شدن کارهای خود تلقی می‌کرد. او انتقاد از خود و تحسین از دیگران را تحمل نمی‌کرد. حتی وقتی یک دولتمرد به شاه گفته بود (رضاشاه مرد بزرگی بود) شاه گفت (ولی من از پدرم بیشتر کار کرده‌ام) که آن شخص به شاه گفت (شما با امکانات زیادتر ۳۷ سال سلطنت کرده‌اید ولی پدرتان ۱۶ سال ولی با امکانات کمتر)

قدرت ترسناک، قامت بلند، چهره مردانه رضاشاه بیش از آنکه به محمدرضای جوان نیرو بخشد منشاء ترس او بود و آن خلق و خونی که رضاشاه می‌خواست در شکل گیری صفات شجاعت و قدرت در پرسش پدید آید صورت نگرفت. سال‌های اقامت ولی‌عهد در سویس غم انگیز بود. سخت گیری‌های سرپرستش اورا منزوی ساخته بود. در حالی که رضاشاه فکر می‌کرد با اعزام ولی‌عهد به سویس (در تربیت مردانه او کوشیده است).

وقتی هم ولی‌عهد از سویس بازگشت رضاشاه اورا به مدرسه نظام فرستاد و خواست که مقررات انضباط درباره ولی‌عهد از همکلاسی‌هایش سخت‌تر باشد. به علاوه رضاشاه مرتب با ولی‌عهد ناهار می‌خورد و شخصاً تعلیم پسر را زیرنظر داشت. رضاشاه از دوستی پرسش با (ارنست پرون) ناخشنود بود.

رضاشاه وقتی در تبعیدهم بود دخترش اشرف را نزد محمدرضا شاه فرستاد و گفت (در کنار برادرت بمان و به او بگو در مقابل هر خط‌مردم محکم بایستد). و در پیام خود به او نوشت (پسرم از هیچ چیز نترس).

محمد رضاشاه دوران کودکی را با انبوهی از تناقضات و پیچیدگی‌ها پشت سرگذاشت. او در مقام یک مرد بارها این تجارب دوران کودکی را در اغماض‌ها و تهدیدها و طردها منعکس می‌

کرد. جدایی را که خود در دوران کودکی تجربه کرده بود در مورد شهناز فرزندش تکرار کرد. شهناز شش ساله بود که اورا به سویس فرستاد. ۵ سال در آنجا بود بدون اینکه با پدر خود ملاقاتی کند. در ۱۱ سالگی به تهران آمد و بدون عشق به پدر و مادر بزرگ شد. درمورد ولیعهد خود هم هنگامی که ۶ ساله شد کاخ اوراجدا کرد که زیرنظر یک معلمه فرانسوی و چندآجودان قرار گرفت. رضای دوم نیز گفته است اگر مجموع ساعاتی را که با پدرم بودم حساب کنم به دو ماہ نمی رسد. ما فرصت اندکی داشتیم که مانند یک پدر و پسر با هم گفتگو کنیم.

شاه وزرا و مشاورانش را به حساب نمی آورد. حتی مخالفین را هم جدی نمی دانست. درباره خمینی گفته بود (او مستله ای نیست. او آلتی در دست بیگانگان است که رژیم مرا تقبیح می کند). حقوق و مزایائی که شاه به زنان اعطا کرد تقریباً در هیچ کشور اسلامی نظیر نداشت. شاه به زنان خیلی علاقه داشت. فوزیه و ثریا از بابت مسائل عشقی شاه خشمگین بودند. ولی معهذا زنان را در کارهای مملکت خیلی مؤثر و ممتاز تلقی نمی کرد.

شاه مرتب به خصوصیت مردانه خود یعنی خصوصیاتی که از پدر ترسناکش بخاطر داشت اشاره می کرد. شاه در سراسر زندگی اش به نکات اصلی زیر تکیه داشت:

ستایشی که ازاو می شد برایش با اهمیت بود. به پروردگاری که نگه دارنده او بود اعتقاد داشت. به پیوندهای مهم سیاسی خود و مخصوصاً با آمریکا تکیه می کرد. اما در دهه پنجاه منابع پشتیبانی قدرت او از هم پاشید و نتوانست با بحران مبارزه کند.

وقتی شاه در سال ۱۹۷۶ در بالابردن قیمت نفت در کنفرانس اوپک پیروز شد پل ادموند در مقاله ای نوشته (شاه ایران جهان را فتح کرد). عظمت نظام پهلوی فقط سه سال پیش از آنکه شاه سقوط کند به بالاترین درجه خود رسید. شاه با استواری براريکه قدرت

تکیه زده بود. شهبانو فرح نقش فعالی در کار فرهنگ و هنر داشت. سیلابی از دلارهای نفتی وارد ایران شد. نماد رسمی شاهنشاهی روی سکه ها، تبرها و پرچم کشور نقش بسته بود. در سال ۱۳۵۳ به (تمدن بزرگ) اشاره کرد. نیویورک تایمز نوشت: (در ایران آنچه به حساب می آید واژه جادوئی شاه می باشد). مطبوعات به منعکس کردن شخصیت بزرگ شاه و سپاسگزاری مردم از او مطالبی می نوشتند. شهبانو نیز در شکوه نظام پهلوی غرق شد. ولی همان کارگرانی که (سپاس بی کران) خودرا از سهیم شدن در سود کارخانه ها ابراز داشته بودند در جریان انقلاب چهره خودرا نشان دادند و مخالفت کردند.

شاه در حال عظمت به (درهم پاشیدن اروپا) و (فساد اخلاقی در آمریکا) و (هرج و مرج در جوامع دموکراتیک) اشاراتی می کرد. او حتی معتقد بود که ممکن است قدرتهای بزرگ دچار فروپاشی داخلی گردند و کشورهایی نظیر ایران و چین و برزیل خودرا پیش می کشند. برای شاه همه چیز به مبنای مالی آن تقلیل یافته بود و نمی توانست آینده ای را تصور کند که متضمن ارضاء معنوی و یا عاطفی و تکامل فکری مردم باشد.

هنگامی که در آمد نفتی ایران افزایش یافت و نظام های اقتصادی اروپا به مخمصه افتادند شاه بلا فاصله به آنها پیشنهادهای کمک مالی کرد. شاه می گفت: (در گذشته کشور ما مجبور شد قیومیت انگلستان را بپذیرد و اکنون نه تنها با انگلستان دوست و برابر شده بلکه با خرسندي می توانیم به این کشور دوست کمک کنیم.) شاه حدود یک میلیارد دلار به انگلستان و فرانسه وام داد. جشن افسانه ای شاهنشاهی برای کسب وجهه بین المللی و مشروعیت سلسله پهلوی بود که شاه آن را (بزرگترین اجتماع رهبران دنیا در تاریخ) نامید. به نظر شاه معامله با رؤسای دولتهای خارجی سهل تر از سیر و سلوك با ایرانیان بود. کلیه فعالیت تدارکاتی این جشن

به خارجی ها سپرده شده بود.

این جشن فرصت مغتنمی را در اختیار تروریستها نهاد تا با حملاتی وضع را آشفته سازند. معهذا با تمام انتقادات داخلی این جشن برمنزلت بین المللی شاه افزود و شاه توانست با استفاده از این موقعیت جهانی سه جزیره خلیج فارس را به تصرف درآورد. اقدامات شاه در افزایش درآمدهای نفتی ایران موقعیتی درخشنان بود که تاسالی ۲۰ میلیارد دلار رسید. در کنفرانس نفتی اوپک قیمت نفت را به بشکه ۱۱/۶۵ دلار رسانید که ۵ برابر قیمت رسمی پیشین بود. با این طرز در رسانه های گروهی اورا مورد حمله قرار دادند. شاه با افزایش بهای نفت توجه خودرا به تحول بیشتر در ایران معطوف کرد. برنامه های انقلاب سفید شاه که به منظور انجام یک تحول اجتماعی و بهبود وضع اقتصادی و زندگی مردم طراحی شده بود به ازهم گسیختگی بیشتر روای روزمره زندگی ایرانیان منجر شد. شاه طی ۱۲ سال از دوران سلطنت خود توانست (عزت نفس متزلزل) خود را به (عظمت طلبی) تبدیل کند. که با تکبر همراه بود. بی شک مردم ایران توانسته بودند تلاش های شاه را برای اصلاح جامعه ایرانی قبول کنند. هرچند این تلاشها به شیوه ای سرکوبگرانه صورت گرفت ولی خشمی که در دل گروهی ایجاد شده بود در سال های آخر سقوط رژیم شعله ورشد. شاه و شهبانو هردو از مردم به دور بودند و تدریجاً نظام شاه به نوعی امپراتوری متکبرانه تبدیل شده بود. نارضایتی رهبران مذهبی با تصویب قانون حمایت از خانواده افزایش یافت.

در سال ۱۳۵۳ وقتی شاه نظام تک حزبی را بنیاد نهاد بسیاری از ایرانیان متقادع شدند که او به حکومت مشروطه پشت کرده است. زیرا سالها قبل از این گفته بود (اگر من نه یک پادشاه مشروطه بلکه یک دیکتاتور هم بودم سعی می کردم مانند هیتلر یا آنچه که امروزه در کشورهای کمونیستی می بینید رهبری یک حزب واحد مسلط را به

دست بکیرم) به علاوه شاه فقط به تأسیس حزب اکتفا نکرد بلکه گفت کلیه ایرانیان باید حمایت خودرا از این حزب اعلام دارند و اگر کسی وارد این حزب نشود یک خائن است که یا جایش در زندان است و یا اگر مایل باشد می تواند همین فردا کشور را ترک گوید.

شاه در گفته های خود تعهد خویش را به حرمت ایرانیان اعلام می داشت ولی عقیده نداشت که دین اسلام باید ملازم با این حرمت باشد. بهمین جهت تقویم شاهنشاهی را مطرح ساخت و به این وسیله می توان گفت که شاه به سقوط خود خیلی کمک کرد. کارهائی که انجام داد و کارهائی که نباید می کرد موجب سقوط رژیم شد. درآزادسازی فضای کشور گامهائی برداشت که اگر مطلقاً درتناقض با یکدیگرنبود دستکم مغشوش به نظر می رسید که همه آنها موجب شد اقتدار شاه شکسته شود. مهمترین شخصیتی که حمایت خودرا از نظام پهلوی برداشت خود شاه بود که از سه طریق اقدام کرد. اول اینکه از پرداختن به مسائل روزمره گردش نظام کشور دست کشید. دوم اینکه زمزمه کناره گیری او از سلطنت به نفع پرسش شنیده شد. سوم این که کوشید با برداشت مسئولیت ها ازدوش خود نظام پهلوی را حفظ کند. ساواک که مسئولیت امنیت داخلی و خارجی را بر عهده داشت در سال ۱۳۵۷ از وظایف خود دست کشید و از مخالفت های سازمان یافته علیه شاه بی اطلاع ماند که در عکس العمل شاه و کل نظام او اثر مهمند داشت. حتی رئیس ساواک می گفت من هم نمی دانم در داخل کشور چه خبر است؟ کناره گیری شاه از شرکت در جلسات کابینه نشانه بی علاقگی او از مسئولیت های مملکتی بود و وقتی هم مسئولین نظام نزد اورفته احساس می کردند که او دیگر با جدیت مسائل روز را نمی پذیرد.

تصمیم شاه به ترک کشور غودار آن بود که خود از نظام پهلوی سلب حمایت کرده است زیرا عقب نشینی در رابر دشمن تلقی شد. بعضی ها از سال های نخستین سلطنت اورا (شاه چمدانی) نام می

بردند یعنی هر وقت خطر پیش می آمد از کشور خارج می گردید. چندبار این کار را المحاجم داد که در دی ماه ۵۷ به یک تبعید دائم و مرگ او منجر شد. شاه قبلا هم به (خودکشی) فکر کرده بود. در واقعه شهریور به خواهرش اشرف گفته بود اگر نیروی متفقین وارد تهران شدند و خواستند مارا دستگیر کنند چند تیر شلیک کن و خودت را بکش چنانکه من هم این کار را خواهم کرد. رضا شاه هم معتقد بود پرسش (ضعیف الاراده) است و در عین حال (ارقیق القلب) می باشد و این ملایمت در مقام سلطنت به پرسش آسیب خواهد رسانید. عقب نشینی های محمد رضا شاه یکی از جلوه های این ملایمت و ترس بود که سرانجام منجر به سقوط او شد. شاه وقتی در برابر مشکلات قرار گرفت گفت مقصرا نیست بلکه نخست وزیر و وزرای کابینه و مستولین نظام مسئول هستند ولی مردم معتقد بودند که مسئول اصلی خود شاه است و نتوانستند او را مبرا سازند. هنگامی که شاه (فضای باز سیاسی) را اعلام کرد در واقع حزب رستاخیز را خلع سلاح نمود و خشم مردم افزایش یافت که به صورت ضد شاه منفجر گردید.

شاه همواره آماده بود که متحداً خویش را به خاطر بقای سلطنت خود قربانی کند. حتی خواهرش اشرف را به تبعید فرستاد. امیر عباس هویدارا به زندان روانه کرد، گروهی از وزراء و نصیری رئیس ساواک را دستگیر نمود، این دستگیری ها بخشی از تلاشهای شاه برای انطباق خود با اوضاع و فرونشاندن خشم مردم به شمارمی رفت. شاه بیشتر طرفدارسازش با مخالفین بود تا سرکوب چنانکه به آنها گفت (پیام انقلاب شمارا شنیدم).

در سال ۱۳۵۷ که دولت نظامی در وظیفه خود توفیقی نداشت، هراس شاه از بابت زندگی خود شدت یافت. از این نمی ترسید که شورشیان به کاخش بریزند بلکه می ترسید یکی از اعضای دربار با ترور شاه و کوشش برای به دست آوردن قدرت این نمایش را به پایان

برساند. بهمین جهت به گارد سلطنتی و محافظین خود دستور داده بود که هیچکس حتی شهبانو و وفادارترین افراد را بدون اجازه راه ندهند. یکی از مرموزترین این چهره‌ها ارتشید فردوست بود که در مقام (چشم و گوش شاه) انجام وظیفه می‌کرد. حتی شاه قبلاً به یکی از زندگی نویسانش گفته بود (شاه نمی‌تواند به هیچکس اعتماد کند. حتی من ناگزیر شدم از دوست قدیمی خود فردوست فاصله بگیرم. هرچند مطلقاً به او اعتقاد دارم شاه برعکس گفته اش هیچگاه از فردوست فاصله نگرفت بلکه اختیارات فراوانی به او داد ولی فردوست با نزدیک شدن موج انقلاب نتوانست در تقویت روانی شاه که به آن احتیاج داشت اورایاری دهد. هم شاه و هم اشرف و هم بسیاری دیگر عقیده دارند که فردوست به شاه خیانت کرده است و معتقدند که فردوست در ماه‌های آخر به مخالفان شاه پیوسته است. شاه در پیاناها در مقابل پرسش دیوید فراست هنگامی که درباره فردوست پاسخ می‌گفت چشمانش پرازاشک شده بود.

در همان ایام شهبانو فرح می‌کوشید تا به منبعی برای اعاده شجاعت و امیدواری فروریخته شاه تبدیل شود. در حالی که شاه برای داوری سیاسی همسر خود چندان اعتباری قائل نبود، شاه حتی در تبعید قادر نبود احساس خیانتی را که آمریکانی‌ها به او کرده‌اند بازسازی کند. در حقیقت می‌توان گفت شاه پس از ۳۷ سال سلطنت زندگی خود را در تنهایی به پایان رسانید. تأسف آور است که گفته شود فرمانروای تخت طاووس پس از ۳۷ سال سلطنت در روزهای اوج انقلاب حتی یک مشاور مورد اعتماد در کنار خود نداشت. دلیل روشنش خود او بود که به هیچکس اعتماد نمی‌کرد. شاه هم نمی‌توانست به ناتوانی خود در تحمل نزدیک شدن کسانی را که شدیداً به آنها نیاز داشت اعتراف کند. خود شاه می‌گفت یکی از اشتباهات پدرم این بود که به مشاورینی تکیه داشت که از او می‌ترسیدند و حقایق را به اطلاعش نمی‌رساندند ولی من به جای انتخاب مشاور

مخصوص اطلاعات خودرا از منابع گوناگون به دست می آوردم و پس از بررسی آن تصمیم لازم را منحصرا به نفع ملت ایران می گرفتم، در موارد لازم شبکه اطلاعاتی خودرا وسعت می دادم. شخصیت هائی مانند فروغی و قوام و مصدق در دوران حاکمیت خود کارهای مهمی انجام دادند ولی شاه نمی توانست شخصیت های نیرومندی را تحمل کند. تدریجا از آنها دور می شد ولی درهنگام انقلاب چنین شخصیت هائی نبودند که شاه بتواند به آنها متکی باشد. ارنست پرون و علم که قبلاز مشاوران شاه بودند از دنیا رفته بودند و اشرف پهلوی در تبعید بود. فرح پهلوی وارد شیراز اهدی هم نمی توانستند جای آنها را پر کنند.

متأسفانه اشرف و علم هم متهم به فساد بودند، اردشیر زاهدی هم گرچه شاه اورامیل پسر خود حساب می کرد ولی خیلی مورد اعتماد نبود و از اینکه پدرش رابه ناگهان برکنار ساخته بود ناخشنود به نظر می رسید.

رابرت آرمائو مشاور شاه در تبعید هم گفته بود (شاه قریب ۳۷ سال فرمانفرمائی هیچ ایرانی را در کنار خود نداشت که از تلخی سرنوشت او بکاهد).

وقتی انقلاب آغاز شد شاه با کنار کشیدن خود از امور کشوری و نظامی که خود پی ریزی کرده بود را قتدار خویش شکاف ایجاد کرد و در نتیجه امور کشور فلوج شد و اعتقاد خود را به حمایت الهی از دست داد. در سال ۱۹۵۳ وقتی پزشکان فرانسوی پس از معایناتی به سرطان شاه آگاه شدند تیمسار ایادی ازان ها خواست که واژه (سرطان) را برای شاه به کار نبرند که برای اونا مطبوع است و به همین جهت وضعیت پزشکی شاه دقیقا به او اطلاع داده نشد و به او گفتند بیماری کشند نیست و با استفاده از داروهایی می توان آن را کنترل کرد.

سالهای بعد و در تبعید در سال ۱۳۵۸ شاه اطلاع یافت که

مبلا به سرطان لنفاوی است که کشنده می باشد. شاه هم به پزشکان فرانسوی می گفت وضع مزاجی او جزو اسرار دولتی است و نباید کسی از آن آگاه باشد. هیچ دلیل مشخصی دردست نداریم که شاه از بیماری سرطان خودآگاه بوده است. شاه قرصهای زیادی می خورد و به نخست وزیر گفته بود این قرصها برای کنترل گاز معده است. به نظر می رسد که کناره گیری شاه از نظام سیاسی پهلوی ناشی از بیماری او بوده است که گاهی اشاره به مرگ هم می کرده است. شهبانو فرج در سال ۱۳۵۶ از سرطان شاه آگاه شد و دو سال بعد خودشاه از آن مطلع گردید.

ظاهرا حکومت فرانسه از طریق پزشکان فرانسوی از بیماری شاه آگاه شده بود ولی محتملاً آمریکا اطلاعی نداشت و بعيد است که انگلیس‌ها از آن مطلع شده و متحد اصلی خود یعنی آمریکا را آگاه نکرده باشند. شاید در او اخر سال ۵۷ فرانسویها موضوع را به آمریکائی‌ها اطلاع داده و گفتند این بیماری قدرت تصمیم گیری را از شاه سلب کرده است. شاه روز به روز متزوی تر و افسرده تر می شد. بلومنتال وزیرخزانه داری آمریکا بعد از دیدار شاه به کارتز نوشت (او اکنون یک روح می باشد). شاه حتی در پاناما هم از پزشک فرانسوی خودخواست که موضوع سرطان فاش نشود ولی پزشکان فرانسوی و آمریکائی و مکزیکی گفتند بیماری سرطان شاه باید در نیویورک معالجه شود. کارتز موافقت کرد شاه به بیمارستان کرنل نیویورک رفت و سنگ‌های کلیه و غده لنفاوی او را برداشت و اظهارشد که شاه باید ۱۸ ماه تحت درمان شیمیائی شدیدی قرار گیرد. برنامه جراحی طحال شاه آماده شده بود که دانشجویان در تهران سفارت آمریکا را اشغال کردند و گروگان‌گیری شروع شد که مدت ۴۴ روز طول کشید. کارتز احساس کرد که حضور شاه در آمریکا برای معالجه بیماری مرگبارش مانع عمدی ای در راه آزادی گروگانها می باشد. شاه از آمریکا خارج شد و به پاناما رفت که در

آنچامی خواستند شاه را تحویل ایران دهند که به مصر رفت و مورد عمل جراحی قرار گرفت. طحال سرطانی شاه بیست برابر اندازه معمولی شده بود. طول آن یک فوت و بزرگی اش به اندازه یک توب فوتبال شده و نقطه سفیدی روی کبد دیده می‌شد که مرگبار بود و نشان می‌داد که کبد مورد حمله قرار گرفته است و شاه به زودی می‌میرد. به گفته دکتر کین امریکانی پزشک معالج شاه (مردی که باید از بهترین و راحت ترین امکانات پزشکی برخوردار باشد از سیاری جهات از بدترین امکانات استفاده کرد).

با اینکه آمریکا با شاه رفتاری غیرشرافتمندانه داشت، مورد حمله خمینی نیز قرار گرفت و به (شیطان بزرگ) ملقب گردید.

شاه نه تنها در مورد ازدست دادن تاج و تخت خود حتی در مورد مرگ خویش نیز مسئولیت قابل توجهی داشت. در سال ۱۳۵۳ به پزشکان فرانسوی اجازه داده نشد که اقدامات لازم برای معالجه او المجام شود. هیچکس از این بیماری سلطان آگاه نگردید. به نظر شاه سلطان نشانه‌ای بود از اینکه خداوند حمایت خود را ازاو دریغ کرده است. کسینجر معتقد است که شاه سراسر زندگی خود را با اعتماد به آمریکا به سر برده و هنگامی که احساس کرد این دوستی بریاد رفته است دچار از هم پاشیدگی روانی شد. شاه اولین بار رئیس جمهور آمریکا (روزولت) را در ۲۴ سالگی و در آخرین سال حکومتش (کارتر) را در ۵۹ سالگی در تهران دید که آمریکا را پشتیبان نیرومند ایران اعلام داشتند. شاه در طول ۳۷ سال سلطنت با ۸ رئیس جمهوری آمریکا دیدار داشت که همه شان اورا تأیید کردند. به همین جهت معتقد بود تا آمریکانیها ازاو حمایت می‌کنند، هیچ قدر تی غنی توانند اورا تکان بدند. همه آنها عزت نفس شاه را بالا می‌بردند ولی رؤسای جمهور دموکرات از قبیل روزولت و کارتر و انتقاداتی هم داشتند ولی جیمی کارتربه عزت نفس شاه ضربه وارد کرد.

از ۸ رئیس جمهوری آمریکا پنج نفر آنها رسما از ایران دیدار کردند. شاه نیز ۱۳ بار به آمریکا سفر نمود که با دعوت رسمی صورت گرفت. شاه همواره تجلیلی را که رؤسای جمهور آمریکا ازاو می کردند یادآور می شد. سعی رضاشاہ این بود که ایران را از قید وابستگی به خارجی ها رها کند درحالی که محمد رضاشاہ در تبعید سعی کرده با توجیه دوران حاکمیت خود به کسب مشروعيت خارجی اشاراتی کند که اگر رضاشاہ زنده بود از نوشه های فرزندش برآشته می شد.

پیوستن شاه به آمریکا خیلی زود آغاز شد و طی دوران فرمانفرمائی او استحکام یافت ولی تحکیم نفوذ آمریکا بر شاه بعد از سقوط مصدق شکل گرفت که حتی آیزنهاور نوشت: (اکنون شاه یک انسان جدید است و پادشاهی است که به وسیله مردم کشورش انتخاب شده است)

محمد رضاشاہ از روش ژنرال دوگل پیروی می کرد و در جستجوی راهی برای بسط (ناسیونالیسم مستقل) در سیاست خارجی بود و تحکیم روابط بادوگل را مرتب یادآور می شد ولی در عین حال به مشورت با آمریکائیها ادامه می داد.

شاه می گفت: (هنگامیکه برای اولین بار ژنرال دوگل را ملاقات کردم یک شاه جوان بودم. مسحور شخصیت فوق العاده او شدم. این میهن پرست پر شور راهنمای من به عنوان یک فرمانفرما بود).

شاه در مقابل غرب رفتاری متکبرانه و عظمت طلبانه از خود نشان می داد. رفتاری را که او در مقابل مردمش داشت. وابستگی شاه به آمریکا جنبه روانی داشت. شاه می گفت ما خواهان یک ایران درجه یک هستیم و چنانچه کسانی بخواهند ایران یک کشور درجه سوم و چهارم باشد ما تحمل نخواهیم کرد و من درباره بهترین شیوه حفظ منافع کشورم تصمیم خواهم گرفت.

شاه و شهبانو آشکارا از قدرت ایران در مقابل غرب لذت می

بردنده ولی شاه می گفت (ما درنظر نداریم از غرب انتقام بگیریم بلکه تصمیم داریم یکی از اعضای باشگاه غرب باشیم).

شاه در کتاب خود در تبعید استدلال کرده که سقوط سلسله پهلوی ناشی از کوتاهی آمریکا می باشد. در حالیکه یک دیپلمات تیزبین آمریکانی معتقد است شاه برای پوشاندن عیب خود و کوتاهی اش در کارها به این امر متول گردیده است. مسئول شکست شاه در مرحله نهانی خود او بوده است ولی آمریکا برکنار از مسئولیت نیست. در شرایطی که شاه تمام سرچشمه های قدرت روانی را خود از دست داده بود و نیاز به آمریکا داشت ایالات متحده در این امر کوتاهی نمود.

وقتی کارتر در انتخابات آمریکا پیروز شد شاه نگران گردید. می دانست که او احتمال دارد پیوند ایران و آمریکا را که طی ۳۵ سال پی ریزی کرده بود ویران سازد. زیرا سیاست خارجی کارتر بر (حقوق بشر) و (محدود کردن مسابقه تسليحاتی) استوار بود. هردو شاه را دلسوز می کرد. درنتیجه مخالفین رئیم شاه این سیاست کارتر را تهدیدی علیه نظام پهلوی می دانستند. وقتی هم کارتر جواب تبریک شاه را نداد آگاهان یکه خوردند و هرگز هم پاسخی دریافت نگردید. همین امر موجب شد که دشمنان شاه احساس راحتی کرده به ابراز شجاعت پرداختند.

کارتر برای جبران این کار خود هنگامی که سفرای خارجی به دیدار او رفته بود اردشیر زاهدی گفت که از شاه به خاطر ارسال پیام تبریکش تشکر کند. ولی بالغ فروش آواکس به ایران ضریب دیگری به شاه وارد شد. ولی کارتر در سفر به تهران، ایران را جزیره ثبات نامید در حالی که تدریجاً می دیدیم که ایران به کام انقلاب فرو می غلتید. آمریکا تدریجاً توجه یافت که شاه ایران با شخصیت قوی و نیرومندی که داشت دچار ضعف و تردید و فلجه اراده شده بهمین جهت بعضی از همکاران کارتر معتقد بودند که بهتر است آمریکا

از شاه فاصله بگیرد ولی شاه دست به کارهای زد که بتواند حمایت آمریکارا داشته باشد. روی کارآمدن آموزگار و ایجاد فضای باز سیاسی و رعایت الزامات حقوق بشر از آن جمله بود. آمریکا از سلامت جسمی شاه نگران نبود زیرا از بیماری سرطان شاه بی اطلاع مانده بود ولی توفان را در راه می دید. غول اژشیشه بیرون آمده بود، مخالفین به رهبری خمینی به راه افتاده بودند ولی کارتر فکر می کرد شاه بهتر از هر کس دیگر می تواند بحران را مهار کند. بین مقامات آمریکائی درباره حل بحران ایران اختلاف نظر شدیدی وجود داشت. سولیوان سفیر آمریکا در ایران عامل سایرس ونس وزیر خارجه آمریکا محسوب می شد که با شاه مخالف بود و کارتر هم به او اعتمادی نداشت.

در ماههای پایانی انقلاب اردشیر زاهدی متوجه شد که شاه بی هدف عمل می کند و برای کمک به شاه به تهران آمد تا به مبارزه برای حفظ تاج و تخت بپردازد. اما اردشیر نه قادر بود مخالفان شاه را به شاه نزدیک کند و نه می توانست افسران ارشاد را برای راه حل نظامی متقادع سازد. سولیوان هم می نویسد که شاه به من گفت اقدامات زاهدی مورد تأیید من نیست، حسن نیت دارد اما شرایط زمان را درک نمی کند.

به دشواری می توان نقش آمریکارا در تصمیم شاه به جلوگیری از کاربرد قدرت نظامی با قطعیت تعیین کرد درحالی که شاه به سفرای آمریکا و انگلستان گفته بود از به کاربردن قوه نظامی پرهیز دارد. شاه این سیاست را حتی با تشکیل دولت نظامی ادامه داد. با اینکه برزنیسکی معتقد به استفاده از قوه نظامی بود و به شاه هم پیام داد معهذا شاه امتناع داشت. خودداری شاه از صدور فرمان تیراندازی به نیروهای نظامی از عوامل مهم شکست او بود. این امر مسلمًا مخالفین را جسورتر می کرد ولی شاه در تبعید متوجه شد که این کار اشتباه بوده است.

اویسی می خواست شاه اورا به ریاست دولت نظامی منصوب کند درحالی که شاه به بدترین کار دست زد و دولت نظامی را به ازهاری سپرد که فقط نام نظامی داشت. وقتی شاه فهمید که مردم علیه او بپا خاسته اند و کارترا نیز خواهان برکناری اوست کشور را ترک گفت. درحالی که درسال ۴۲ امیراسدالله علم دستور تیراندازی را با اجازه شاه داده بود که توانست کشور را از بحران نجات دهد. درسال ۵۷ دیگر شاه افرادی نظیر امیراسدالله علم نداشت که چنان فرامینی صادر کند. شاه به تنهائی قدرت صدور فرمان را نداشت بهمین جهت مرتب دستور می داد تیراندازی نشود، خون جاری نشود. به اویسی می گفت مقررات حکومت نظامی را اجرا کنید ولی نباید از دماغ کسی خون بیاید. حتی شاه غالباً اویسی را به خاطر تیراندازی مأموران حکومت نظامی سرزنش می کرد و فرماندهانی که افرادشان تیراندازی می کردند توبیخ می شدند. شاه بعداز واقعه (جمعه سیاه) افسرده و متزلزل و بی حال و پریشان توصیف شده است و عملاً کلیه و طایف پادشاهی را همسرش فرج المجام می داد. به گفته هویدا (زنی با جرأت و مصمم بود). مأموریت هایزر تا به امروز درحاله ای ازابهام قرارداده، قبل از ورود او شاه به شکل فرمانده عمل نمی کرد. وحدت میان فرماندهان نظامی و تعهد آنها نسبت به سلسله پهلوی به سرعت از میان می رفت مخصوصاً هنگامی که شاه ایران را ترک گفت.

درقضایت نهائی می توان گفت رفتار آمریکا درجریان انقلاب ایران، شاه را متقادع کرده بود که مهمترین متعددش یعنی آمریکا او را تنها گذارده است. بهمین جهت شاه گفته بود که احساس می کنم که از متعددین غریبی ام جدا شده ام، نفهمیدم که آنها برای من و ایران خواستار چه چیزی بودند؟ با این طرز وقتی آمریکا شاه را تنها گذاشت سقوط کرد.

باسقوط شاه کل بنانی که با زحمت بسیار توسط رضا شاه و

محمد رضا شاه و بایاری ۸ رئیس جمهوری آمریکا ساخته شده بود فروریخت. رژیم پهلوی به مدت ۵۳ سال (از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷) برایان حکومت کرد. آمریکائیها از رژیم محمد رضا شاه بهره زیادی برداشتند که کسینجر می‌گفت (شاه یکی از نادرترین متحدان آمریکا بود) کافیست که بگوئیم آمریکا با رژیم شاه درآمیخته بود. هنگامی که مردم ایران شروع به عدم رضایت کردند آمریکا نه تنها با آنها همراه شد بلکه برخلاف آنچه که از یک دوست ثابت قدم انتظار می‌رفت شاه را از مشورت هم محروم ساخت که درنتیجه به تظاهرات و خشم افسار کسیخته ای علیه شاه منجر شد که آمریکا عمق آن را درک نکرده بود و نتوانست راههای کنترل آن را به شاه توصیه کند. این امکان وجود داشت که سلسله پهلوی را حفظ کرد و از کسب قدرت خمینی جلوگیری نمود.

وقتی خمینی در پاریس بودندیکان آیت الله از حسنین هیکل می‌خواستند برای اقامت ۶ ماه بعد خمینی محلی را پیدا کنند تا پس از پایان ویزای ۶ ماهه به آنجا برود و برای آنها قابل تصور نبود که خمینی در بهمن ماه پیروزمندانه وارد ایران می‌شود. فقدان هماهنگی بین دستگاههای اداری مسئول و سیاست خارجی آمریکا و مقامات کاخ سفید موجب شده است که آمریکا نتواند روش مشخصی درباره ایران پیش بگیرد. دولت آمریکا اطلاعات صحیحی از اوضاع داخلی ایران نداشت زیرا آزادی عمل مأمورین خود را در ایران محدود ساخته و متکی به ساواک بود.

هنگامی که مخالفت علیه شاه او جگرفت مسئولین ساواک مشغول (زمین بازی) بودند بهمین جهت ارزیابی اطلاعاتی آمریکا در دوران انقلاب نادرست بود.

در خاتمه باید گفت نارسانی نظام بوروکراتیک آمریکا به سقوط شاه باری رساند. ما نمی‌دانیم اگر آمریکا به گونه ای دیگر عمل می‌کرد آیا شاه نجات می‌یافت؟

زندگی خصوصی شاه

از نقش شاهپورها و شاهدخت‌ها و عروس‌های دربار پرده برداشته می‌شود



عکس‌ها: از راست به چپ علیرضا - فاطمه - پری سیما - عبدالرضا -

نشسته شمس پهلوی

منوچهر ریاحی که با شاپور عبدالرضا پهلوی (باجناق) بوده
خاطراتی تحت عنوان (سراب زندگی) تهیه کرده که در تهران در سال
۱۳۷۱ توسط (انتشارات تهران) به چاپ رسیده است.

منوچهر ریاحی که اکنون در (کلورادو) در آمریکا زندگی می‌
کند پدرش معین‌السلطنه ریاحی بود و معتقد است دارای شجره نامه

ایست که آنها را به (حر ریاحی) می رساند که پس از واقعه کربلا فرزندانش به سوی ایران کوچ کرده اند و اجداد او در نظر نظر کاشان مقیم شده اند. گروهی دیگر از طایفه ریاحی در اصفهان ساکن شده اند که سپهبد اسماعیل ریاحی وزیر سابق کشاورزی و سرتیپ تقی ریاحی رئیس ستاد ارتش دکتر مصدق از نواده های آنان هستند. او مادر خود را از شیبانی ها می داند که می نویسد در اصل از نژاد مغول هستند.

قسمتی از این خاطرات مربوط به راه یافتن او به دربار و اشاره به زندگی خصوصی محمد رضا شاه پهلوی است که بطور خلاصه نقل می گردد:

وقتی دکتر مصدق بر مسنند قدرت تکیه داشت اختلاف دولت و دربار علنی شده بود. شاه بی سرو صدا به عقب نشینی در بیلاق کلاردشت و مجالس خصوصی گرایش یافت. من به علت ازدواج با هما زند خواهر کوچک پری سیما زند، همسر شاپور عبدالرضا به پذیرانی شاهانه راه یافته و برای نخستین بار همراه همسرم به جشن تولد شاه دعوت شدیم که غیر از افراد خاندان سلطنت حدود بیست نفر دیگر حضور داشتند. من در دو سه جلسه شرکتم در میهمانی های شاهانه هیچ وقت مورد مکالمه مستقیم با شاه قرار نکرفته بودم که ناگهان برای اولین بار مرا مخاطب قرار داده با اشاره به سوابق گذشته و تحصیلاتم در آلمان پرسید شرکت (جنابان) چیست؟

گفتم برادرم جهانگیر در سال ۱۳۲۳ به احیای شرکت (پایه) متعلق به پدرم همت گماشت، برای بهره برداری از روابط دوستانه پدرم با بعضی از شخصیت ها آن ها را صاحب سهم کرد. از قبیل محمد ساعد - سید محمد صادق طباطبائی - حاج عزالمالک اردلان - علی اصغر حکمت - رکن الدین صدری - مهدی نمازی - علی وکیلی - که سید محمد صادق طباطبائی رئیس هیئت مدیره و اردلان نائب رئیس و جهانگیر مدیر عامل و من هم قائم مقام مدیر عامل

بودم.

روزنامه های تهران این شرکت را (شرکت جنابان) نامیدند.
شاه پرسید چگونه توانستید این هارا که عمری صرف خدمت در
 مؤسسات دولتی کرده اند در یک شرکت جمع کنید؟ گفتم ابتکار
 برادرم بود.

آن شب شاپور علیرضا به همراهی ارکستر چنلا آهنگ روسی
 را به فرانسه خواند. هنگام خواندن تصنیف (ولگا - ولگا) درباره
 رنج و محرومیت زحمتکشان روس و کاراجباری آنان اشک در
 چشمانش حلقه زده بود که شاه و ملکه و حاضرین برایش کف زدند.
 روز بعد (ارنست پرون) از نزدیک ترین محارم شاه وسیله تلفن
 اطلاع داد که ما را برای شام دعوت نموده اند. در این
 ضیاف که چهارده نفر حضور داشتند شاه مرا مورد تفقد قرار داد و
 گفت شنیده ام پوکریاز قهاری هستی و مرا به بازی سر میز دعوت
 کرد. در این بازی، شاه و ملکه و (بیه عدل) همسر فرانسوی
 پروفسور عدل و فتح الله امیر علائی شرکت داشتند. از لحاظ روانی
 مرعوب مقام سلطنت بوده و نمی توانستم در بازی باشاه و ملکه خود را
 در یک کفه بگذارم. شاه بدون استثناء تمام دست هایش را می دید و
 چنانچه بعد از من بود با توپهای سنگین مرا از میدان بدر می کرد.
 دفعه اول بازنه بزرگ بودم. زیان به شکایت گشوده گفتم نمی دانم
 چرا اعلیحضرت مرا بیش از همه مورد حمله قرار می دهند؟ شاه
 گفت برای این که تازه واردی و بالآخره (حاجی آقا) هستی. گرچه
 این (حاجی آقا) را به عنوان مردی ثرومند نمی پذیرفتم ولی به
 احترام شاه سکوت کردم.

از آن پس روزهای جمعه جلسات پوکر ادامه داشت. پای پوکر
 ثابت بودند. بعضی اوقات مجید بختیار و قباد ظفر که با ملکه ثریا
 قرابت داشتند اضافه می شدند. به تدریج برخود تسلط یافتم چون
 قماریاز قهار و نیمه حرفه ای بودم بطور محسوس شاه و سایر

بازیکنان را تحت الشاعع قرار دادم. شاه با این که در زندگی دست و دل باز بود از شکست دریازی بیزار و از بُرد هم به علت سرشت خداداده اش خشنود نبود و مخصوصاً از قبول پول نقد و چک از نزدیکانش آشکارا ناراحت می‌شد ولی از نفس بازی باورق به عنوان مبارزه جوئی لذت می‌برد. در مقابل توب حرف ورقهایش را روی میز می‌گذارد و سیگار در چوب سیگار منبت کاری اش قرار می‌داد و منتظر بود تا کسی بافندک آن را روشن کند. وقتی چنین می‌شد به حمله می‌پرداخت و می‌گفت « حاجی بازهم توب زد، پوستش رامی کنم» در پایان به عنوان اینکه «می‌دانم عقل او از من کمتر و بخت و اقبالش بیشتر است» دچار باخت می‌شد.

قریب یک سال که از این بازیها می‌گذشت مجموعاً مختصراً برندۀ بودم که آن را به پیشخدمت‌ها انعام می‌دادم. یکبار که شاه بازندۀ بزرگ بازی بود به غلامرضا برادرش که پشت دستش نشسته بود گفت « چقدر بدقدمی! پاشو یک کاری بکن ». با این طرز گفتار که دلیل بی‌مهری شاه به برادرش بود معهذا غلامرضا در مهمانی‌ها شرکت داشت که این امر ناشی از علاقه شاه به هما (همسر قبلی) او بود.

بطور کلی شاه در میهمانی‌ها برادر و خواهرانش را با کلماتی از قبیل (اخمو - دلک - شکمو - رقاص و...) تحریر می‌کرد) یکبار که دریازی پوکر به او توب زدم شاه گفت « حاجی خره توب زد » که خیلی ناراحت شدم و اجازه مخصوصی خواستم. شاه گفت « بنشین تو که حاجی نیستی و فهم و شعورت هم دریازی از سایرین بیشتر است » و به پیشخدمت دستور داد برایم ویسکی بیاورند.

بعد از شام بازی‌های دست‌جمعی شروع می‌شد که رایج ترین آن بازی (درگوشی) بود. شاه و ملکه بازی را با یک کلمه درگوشی شروع می‌کردند که دهان به دهان می‌گشت.

شاه گاهی مرابه بازی شترنج یا تخته نرد دعوت می‌کرد. در

این بازی دونفره صحبت از سیاست هم می شد. ازوفاداریم به سپهد رزم آرا سئوالاتی می کرد. هنگام انتشار اوراق قرضه ملی در زمان مصدق گفتم یک میلیون ریال از پس اندازم را اوراق قرضه خریده ام و نقام (بُردا) امروزم از شاهنشاه را اوراق قرضه خواهم خرید که شاه گفت در این صورت ورشکستی دولت حتمی است.

در زمان نخست وزیری دکتر مصدق همراه شاه و ملکه به شکار واسب سواری در منطقه قرق سلطنتی مبادرت می ورزیدم. پس از تیراندازی، شاه چند قوچ را زد. گفت (گویا جای پایشان زده ام) گفتم سه تا میش را زده اید و تا کنون چنین شاهکاری در تیراندازی ندیده بودم. موارد متعدد هم شاهد بودم و باید این واقعیت را تأیید کنم شاه با سینه فراخ و بازوan قوی یکی از بهترین تیراندازانی است که من در زندگی برخورد کرده ام.

علیرضا برادر شاه هم که در مدرسه روزه تحصیل کرده به شکار علاقه داشت. برخلاف تصور ذهنی گذشته ام انسانی دوست داشتنی بود. قبل از این که شاه فرزند پسری پیدا کند او جانشین قانونی مقام سلطنت بود. علیرضا از همسفره شدن با روستائیان لذت می برد. در کاخ شهری اش روی یک تخت سفری بروجردی می خوابید. نوشابه نمی نوشید و در پی گمراه کردن دختران و زنان هم نبود. علیرضا می گفت در زمان سلطنت پدرش در ارتش فرانسه به عنوان داوطلب شرکت کرده است. علیرضا در حالی که برادر تاجدارش را مردی سست نهاد وفاقد شخصیت لازم برای کشورداری می دانست، نسبت به شاه وفا و یگانگی داشت. در مجالس بزم و قمار به ندرت شرکت می کرد. علیرضا به علت قرابتم با شاپور عبدالرضا و با این که مرا طرفدار دکتر مصدق می دانست صحبتی نمی کرد، زیرا پری سیما آشکارا درباره بی لیاقتی شاه و برآزنگی همسرش برای سلطنت تبلیغ می نمود. با این که علیرضا به امرای ارتش و مقامات اجازه نشستن نمی داد در شکارگاه گیوه به پا می

کرد و با چاروادارش هم غذا می شد. انسانی پر احساس و خوش قلب بود و برادر تاجدارش را دوست داشت و از این که مورد بی اعتمادی برادرش بود رنج می برد.

با همین اخلاق بود که یک روستائی مسلول را که می خواست با هواپیما به تهران بیاورد چار سانحه شد. بعد از مرگش معلوم شد دارای همسر لهستانی است بانام (کریستان شولوسکی) که هنگام اقامت در پاریس با او ازدواج کرده و فرزند هفت ساله ای به نام (علی پاتریک) دارد ولی ملکه مادر اجازه نمی داد که مراتب از طرف دربار اعلام گردد. پس از فوت علیرضا پسرش به تهران آمد و به امور کشاورزی پدر در گرگان و گنبد ادامه داد و پس از انقلاب چندسالی در ایران ماند ولی در سال ۱۳۶۴ مقیم فرانسه شد. مسلمانی با ایمان می باشد و همسر سویسی اش هم به اسلام گراییده است.

در دوران حکومت مصدق به علت این که شاه نقشی در امور کشور نداشت بیشتر احضار می شدم و در بازی ها خصوصا شطونج و تخته نرد و تیراندازی و سواری در کنار شاه بودم.

شاه بازی شطونج را میدان نبرد می نامید و با این که از روش های ابتدائی سپاهیان سوار و پیاده بی اطلاع بود و هیچ تعلیم اصولی نگرفته و یا کتابی در این باره مطالعه ننموده بود اما بر خود می بالید و دم از استادی می زد. بازی شطونج را به آسانی از شاه می بردم ولی چون تصور می کرد بازیکن خوبی است ناراحت نمی شد. بازهم مرا برای مبارزه خواند برای این که غرور شاهانه را زیر پا نگذارم عمدتاً به او باختم. با این طرز در حقیقت شاه را فریب دادم و بهمین جهت احساس گناه می کردم. سایر حریفان با احساس مشابهی در بازی ها به او می باختند و تصور واهی استادی را به او می دادند.

در بازی (تخته نرد) شاه چیره دستی نداشت. پس از ریختن

تاس ناگزیر بشمردن خانه ها برای حرکت مهره ها بود. معهذا خودرا (نراد توانائی) می دانست. شاه مثل همه تخته بازها رجز می خواند و نسبت به دانش و فراست خود گزافه گوئی می کرد به نحوی که باخت را ناشی از بد بیاری می دانست و زیر لب زمزمه می کرد که چه کنم «عقلش کمتر و اقبالش بیشتر است.»

در واقعه نهم اسفند توافق محramانه ای بین دریار و دولت شده بود که شاه و ملکه پایتخت را با اتومبیل از طریق کرمانشاه ترک گویند. ناهار جمعه هم به ناهار روزنهم اسفند موکول شد. بعد از ناهار باز پوکر ادامه یافت. ساعت ۳ بعد از ظهر ابوالقاسم امینی (با جناقم) که کفیل وزارت دریار بود مرا پای تلفن خواست و گفت «امشب شاه و ملکه از کشور می روند و این خبر تایکی دو ساعت دیگر فاش می شود و احتمال هجوم به کاخ وجود دارد فورا به همراه زنت به خانه خود برو. یک کامیون حامل چمدان های شاه و ملکه برای خروج از خانقین به همدان رسیده است. او گفت این جوان در راه صلاح و سلامت خود جریان را از خواهران و برادرانش هم مکثوم نگهداشت و چه بسا با فرار پنهانی اش جان سایر افراد خاندان سلطنت و دوستانش را به مخاطره اندازد.» امینی تأکید کرد که در آنجا صحبتی نکنم و به عنوان کسالت فرزندم از کاخ خارج شوم. نزد شاه آمده اجازه مرخصی خواستم. شاه دستور ویسکی داد و گفت «امروز بهترین روز زندگی من است و تو باید به سلامتی من بنوشی.»

سرانجام از کاخ خارج شدم و ساعتی بعد به دستور آیت الله بهبهانی بازار تهران تعطیل و امراض ارتش و عده ای دیگر در مقابل کاخ اجتماع کردند که ماجراهی نهم اسفند پیش آمد و شاه از سفر منصرف گردید.

من البته از خویشاوندی دو جانبیه ام با ابوالقاسم امینی که کفیل وزارت دریار شد خوشحال بودم. لیکن لازم به تذکر است که برکناری

علاه و جانشینی امینی به جای او که با فشار دکتر مصدق صورت گرفت ضربه ناگهانی برای شاه به شمار می آمد. علاه با تحصیل در رشته حقوق از دانشگاه کمبریج انگلیس و گذراندن عمری در مشاغل مهم دولتی و تسلط به زبان های فارسی و انگلیسی و فرانسه دیپلمات زیردستی بود. اظهارات او در سازمان ملل متحد در حقانیت ایران در مورد اشغال ایران توسط نیروهای شوروی به شهرت بین المللی او افزود.

در بهار سال ۱۳۳۰ که به اتفاق همسرم به منزل علاه دعوت داشتم ناپدید شدن تمثال شاه در آن خانه جلب توجهم را کرد. وقتی از خانم علاه پرسیدم گفت «شاه با وجود مواعید صریحش درباره ازدواج با دخترم و اجازه پخش این خبر خلف وعده نمود. من با وجودی که شوهرم در خدمت شاه است دیگر حاضر نیستم قدم به کاخ های سلطنتی بگذارم و عکس های شاه را از خانه جمع کرده ام.»

بعد از این ماجرا شاه و ملکه به منظور دورشدن از منازعات سیاسی به کاخ سلطنتی بابل رفتهند و من و همسرم را دعوت کردند که به بابل رفتم. پروفسور عدل و همسرش - مسعود فروغی و بانو - فتح الله امیر علاتی و بانو - حسین جهانبانی (سپهبد بعدی) و بانو - محمود حاجبی (رئیس فدراسیون تنیس) - مجید بختیار و ملکشاه ظفر و بانو حضور داشتند.

در دومین روز اقامت بعد از صرف ناهار شاه گفت می خواهیم امروز یک ارزشیابی از خودمان بکنیم. تاهرکدام به درد چه کاری می خوریم. شاه گفت من می توانستم یک کارمند خوبی باشم که سر ساعت بیایم و بروم و مثل ماشین کار کنم شاه به ملکه ثریا که او را (موش) می خواند گفت «خودت می دانی که به درد ملکه بودن غنی خوری و برای مدیریت یک مدرسه شبانه روزی خوبی» ملکه که او را (موشی) خطاب می کرد گفت «ابدا اینطور نیست. من همیشه آرزو داشتم ستاره سینما یا هنرمند تئاتر شوم.»

شاه بطور کلی خواهان و برادرانش را تحقیر می کرد غیر از شمس پهلوی که نیمی از ساعت روزانه اش را صرف شامپو کردن بیست سک خود می کرد، شاه به اشرف خیلی علاقه داشت و معهدا گاهی کلمات نامناسبی هم درباره او می گفت.

به دستور ملکه مادر کلیه اعضاخانواده سلطنتی در محافل خصوصی هم شاه را همیشه (اعلیحضرت) خطاب می کردند. بوسیلن دست شاه که بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ باب شده بود در آن تاریخ هنوز متداول نبود.

تا آنجا که شاهد بودم مدعوین در خلال صحبت باشاه از ابراز حقایقی که مورد پسند شاه نبود خودداری می کردند زیرا در غیر این صورت شاه باگرفتن قیافه اخم آلود و اشاره تحقیر آمیز نارضایتی خود را آشکار می ساخت. تنها یک فرد از نزدیکان شاه را دیدم که بدون استئار مراتب را صادقانه ابراز می داشت و آن هم در پوشش شوخي و تظاهر به ناداني و مقرن به سادگي که شاه را خلع سلاح می کرد و او پروفسور يحيى عدل بود که با وجود حضور هميشگي همسرش در پذيرائي هاي شاه خودش كمتر شركت می کرد يا زودتر جلسه را ترك می گفت.

شاه در آن ايام زياد (پوکر) بازي می کرد که در آن شاه و گاهي ملکه و بيه عدل و من و مجيد بختيار و امير علائي شركت داشتيم. مجيد بختيار مشروب زياد می خورد، امير علائي با ژتون صورت برد و باخت بازي ها را نگه می داشت. ظرف چهارده روز شاه در حدود ۱۶۰ هزار تومان بازنده و من با ۱۲۰ هزار تومان بزرگترین برنده بودم. هنگامی که شاه می خواست چك بکشد تقاضا کردم پول رد و بدل نشود و مجيد بختيار هم که بیست هزار تومان برده بود همين تقاضا را کرد و شاه هم با ناراحتی محسوسی به آن رضا داد. ولی وقتی ملکه ثريا دید که شاه دارد دسته چك را به جيب می گذارد با عصبانيت و بيان محكمی گفت «موشی»،

بهیچوجه حق نداری پیشنهاد ریاحی را قبول کنی زیرا اگر سایرین باخته بودند پولشان را می گرفتی ولی حالاً زشت است که باخت را نپردازی.» اما با احترامی که ملکه برای مجید بختیار قائل بود مجید توانست اورا آرام کند و چون شام حاضر شده بود دیگر موضوع منتفی شد و بازی های پوکر هم دیگر تکرار نشد. مجید بختیار که مردی ورزشکار و خوش صورت و مجلس آرا بود در خرداد ۱۳۴۸ به اتفاق لشون پالانچیان با هواپیمای شخصی بر فراز بحر خزر پرواز می کردند که هواپیما منفجر شد و هردو کشته شدند. علیرضا پهلوان (داماد سابق ارتشید حجازی) برایم تعریف کرد که ساوак به دستور شاه پالانچیان را احضار کرده بود که با اشرف قطع رابطه کند ولی چون این موضوع ادامه داشت ساواك موجبات انفجار هواپیما را فراهم ساخت.

در همان ایام یک بار شاه ازمن پرسید نظرت درباره دکتر مصدق چیست؟ گفتم مردی دانا و توانا و ملی گرا و وطن دوست می باشد و در عین حال ریاکار و قدرت پرست و منفی و یک دنده است و به منظور حفظ وجهه ملی از هرگونه مصالحه ای با غرب خودداری خواهد کرد. او ایل حکومت مصدق فریفته او بودم و تصور می کردم نهضت ملی گرائی او می تواند آغاز عصر نوینی در حیات سیاسی ایران و منطقه خاور میانه باشد ولی از چندی قبل احساس کردم که ادامه زمامداری مصدق ممکن است میهن ما را در معرض تسلط شرق قرار دهد که از استعمار غرب مصیبت بار تر خواهد بود. در این موقع با جناقم ابوالقاسم امینی مرا پایی تلفن خواست. وقتی برگشتم شاه با حالت برافروخته و خشمگینی گفت «تو و با جناقم خیلی علاقمندید تاج را به سر عبدالرضا بگذارید.» گفتم «من و با جناقم غلط می کنیم که چنین خواست احمقانه ای در سر بپرورانیم. گفتم با این طرز چطور اجازه می فرمائید من وقت و بی وقت حضورتان شرفیاب شده و با جناقم کفیل وزارت دربار باشد. لاطائلاتی که از مغز مخبط

بعضی از بانوان تراوش می کند نباید ذهن شاهانه را مشوب کند». (منظور اشاره به خواهر زنم پری سیمازنده همسرشاپور عبدالرضا بود). شاه مرا به بازی تخته نرد دعوت کرد و از مرگ سرتیپ افسار طوس اظهارت اسف نمود و از دستور دستکیری سرلشکر زاهدی ابراز نگرانی کرد.

درضیافت بعدی بعضی از خواهران و برادران شاه - فروغ ظفر - ملکشاه و قباد و ظفر و همسران آنها - پروفسور عدل و همسرش - منوچهر قراگوزلو - حسین جهانبانی و بانو - مسعود فروغی و بانو - شاه و ملکه یکی دو ساعت والیبال بازی کردند. شاه بازیکن خوبی بود. ملکه مرا به یاری گرفت ولی شکست خوردیم. بازی مورد علاقه دیگر شاه پینک پونک بود که در آن مهارت شایان توجهی داشت. تنها ظفر بختیار می توانست با او رقابت کند. بختیاری ها از ملک شاه ظفر و درباریها از شاه حمایت می کردند که بازی مهیج می شد.

شاه و ثریا شناگران بسیار ماهری بودند. ثریا می گفت می تواند ساعت های متعددی بدون احساس خستگی شنا کند. شنا کردن برای او بهتر از راه رفتن بود. تقریباً روزی دو ساعت شنا می کرد.

شاه سوار کار قابلی بود و ثریا از طفولیت سواری آموخته بود. آتابای و من همیشه ملتزم رکاب بودیم. شاه حافظه بسیار خوبی داشت و با مطالعه و به خاطر سپردن هرچه یکبار می خواند و یا می شنید از اطلاعات عمومی سرشاری برخوردار بود و برای تقویت آن هم کوشش فراوان داشت. در این باره هیچ وقت رجز نمی خواند. ولی برای نشان دادن برتری خود ترتیب بازی دسته جمعی را می داد و درباره اطلاعات عمومی مطالبی مطرح می شد. در این مسابقات که حدود سی نفر شرکت می کردند شاه همیشه برتری خود را به اثبات می رسانید. ولی (بیه همسر فرانسوی پروفسور عدل) اطلاعات عمومی اش بر شاه برتری داشت و شاه او را (دائرة المعارف زنده)

می نامید و مهم ترین سرگرمی ببه در اوقات فراغت مطالعه دائرة المعارف بود.

بازی دیگر این بود دراتاق ناها رخوری حدود یکصد رقم اشیاء گوناگون را روی میز گذاشت و روی آن را باسفره می پوشانیدند. برای دو دقیقه سفره را برابر می داشتند و همه نگاه می کردند و باید همه دیده های خود را بگویند. دراین باره با به خاطر سپردن نام اشیای روی میز همیشه شاه برنده اول بود. ترتیب بازی های دیگر هم داده می شد که هدف آن نشان دادن اطلاعات عمومی بود که شاه نشان می داد حافظه سمعی و بصری اش خیلی قوی است. شاه به داشتن اعتقادات مذهبی تظاهر می کرد و می گفت همیشه دست غیبی او را حفظ نموده است. چند مورد از قبیل واقعه ۱۵ بهمن و سقوط هواپیما در کوه‌رنک را ذکر می کرد و گوئی برای خود مأموریتی الهی متصور بود که در المجام آن و مواجهه با خطر، ملایک نگهبان او بودند. ملکه ثریا در مورد حراست دست غیب از او با خاموشی گوش می داد و با وجود عشقی که به شاه داشت به نظر نمی رسید که حرف های او را باور کند ولی چه بسا از بانوان متملق پیرامونش شنیدم که او را به واقع (نظر کرده) می دانستند.. روابط شاه و ملکه بسیار صمیمانه و رفتار ملکه محبت آمیز و خالی از تظاهر و تفرعن و عادی و طبیعی بود. در رامسر ملکه از مؤسسات درمانی و بهداشتی بازدید می کرد. در یکی از موارد که با شاه شترنج بازی می کردم شاهد پرسش ها و کنجکاوی دقیق شاه از ثریا درباره نحوه برخورد و ادای احترام مستقبلین بودم که می پرسید فلانی چگونه تعظیم کرد؟ آیا دست را بوسید؟ از ما با کدام عنوان یاد کرد؟ ثریا از این سوالات ناراحت شده و گفت « چه تفاوت دارد. این موضوعات بی اهمیت است و یادم نیست» و طفره می رفت . شاه گفت لازم است از مراتب وفاداری اشخاص نسبت به خود آگاه باشم.

شاه انواع و اقسام اتومبیل‌ها را داشت که گفتم اعلیحضرت علاوه بر اسب باز (اتومبیل باز) هم هستید. شاه به خلبانی پرداخت و در کنارش بودم. هواپیما (سستا) بود که وقتی درباره کمی سرعت هواپیما صحبت کردم ناگهان شاه از فراز کوهستان به میان دره با هواپیما شیرجه رفت و به بند بازی پرداخت که نفس درسینه ام بند آمد و چون نمی‌خواستم به ضعف خود اعتراف کنم گفتم رانندگی اعلیحضرت را بر خلبانی ترجیح می‌دهم و به علاوه خطر چنین تاخت و تازی روی دریا کمتر خواهد بود. ناگهان شاه هواپیما را به سوی دریا هدایت کرد و باخنده عصبی گفتم «اگر قبل از دانستم سوار هواپیما نمی‌شدم و یا لاقل بلیط تماشای عملیات آکروبانسی هواپیمای اعلیحضرت را می‌فروختم که جبران باخت امروزی درباری بشود.» شاه گفت «چرا کاشی بازی در آورده؟ یا اعتراف کن که در تخته نرد زورت به من نمی‌رسد و بگو غلط کردم یا دو مرتبه با هواپیما شیرجه می‌روم.» گفتم «چنانچه با نصف موضوع مصالحه می‌فرمایید چشم غلط کردم. و در غیر این صورت هم از غوطه خوردن و شنا در دریا باکی ندارم.» شاه با هواپیما روی زمین نشست و گفت «خوب بگو نصف دیگرش چه بود؟» گفتم « فقط خوش اقبالی شاه و بداخلی آن تاس‌ها »

در مراجعت از فرودگاه شاه گفت « ترجیح می‌دادم از سلطنت کناره گیری نموده و عهده دار مقام ریاست وزرائی می‌شدم. ولی البته نخست وزیری مدام‌العمر ». شاه گفت « البته این شوخی بود ولی به آن احمق‌هایی که می‌گویند شاه نباید در امور مملکت دخالت کند باید بگوییم که من با دریافت جامع ترین اطلاعات صالح ترین فرد این مملکت جهت اتخاذ تصمیم در امور کشور و زمامداری هستم به خصوص که به علت شاه بودن و مقام موروثی سلطنت از حب و بغض مبرا هستم و برخلاف پدرمان به مال دنیا هم پای بند نیستم.» با این‌نظر شاه مرا مشمول (آن احمق) ها نمود که این گفته

شاه را زیر سبیلی در کردم و به روی خود نیاوردم. در حالی که شاه خود را واقف به امور نظامی و سیاسی و اقتصادی می‌دانست کمتر خودستائی می‌کرد. شاه می‌گفت چرچیل در مرداد ۱۳۲۱ در سر راهش به مسکو به تهران آمد و برای ناهار اورا به کاخ مرمر دعوت کردم. درباره گشايش جبهه دوم صحبت شد. گفتم بهتر است از ایتالیا باز شده و در بالکان توسعه یابد. چرچیل همین پیشنهاد را به روزولت کرد ولی او رد نمود. بلاطی که سرمردم اروپای شرقی آمد ناشی از همین اشتباه بود. شاه گفت کوشش‌های شخصی او بود که سران روس و انگلیس و آمریکا در تهران استقلال و تمامیت ارضی ایران را تضمین کردند و اگر در شهریور ۲۰ زمامدار ایران بود چه بسا آن وضع پیش نمی‌آمد.



پیشنهاد شاه به چرچیل درباره جبهه دوم جنگ چه بود؟

سرنوشت آخرین رؤسای مجلسین سناوشورا ایلی

دریحران سال ۱۳۵۷ دکتر محمد سجادی و دکتر جواد سعید بجای مهندس شریف امامی و مهندس عبدالله ریاضی به ریاست مجلسین سناوشورا ایلی انتخاب شدند. دوران ریاست آنها عکس رؤسای ریاست قبلى خیلی کوتاه بود و فقط چندماه طول کشید تا کشور دچار انقلاب شد.

دکتر سجادی بعلت اینکه پدرش از روحانیون معتبر (حاج میرزا یحیی) بود خود با خانواده بهبهانی وصلت کرده بود و با آیت الله آشتیانی بستگی داشت که مورد احترام خمینی بود ازا و خواسته شد که مزاحمتی برای دکتر سجادی فراهم نشود. خمینی هم گفته بود که خود را مخفی کند ولی اگر دستگیر شود کارش مشکل خواهد بود. بهمین جهت بستگان دکتر سجادی سعی فراوان کردند که او را در خانه های مختلف نگهداری کنند تا مشکلی پیش نیاید. ولی راننده سابقش که از کمکهای زیاد دکتر سجادی بهره مند شده بود می کوشید که رئیس سابق مجلس سنارا دستگیر کرده تحويل اعضای کمیته دهد که خوب شیخانه توفیقی نیافت و دکتر سجادی در سال ۱۳۶۶ در سن ۸۸ سالگی در تهران بدرود حیات گفت و مجلس ختم بی سرو صدائی برای او تشکیل شد و توانست جان سالم از دست مأمورین کمیته بدربرد ولی اموال و دارائی اش مصادره شد.

مهندس عبدالله ریاضی که مدت ۱۵ سال به مجلس شورای ملی ریاست کرده بود در مهرماه ۱۳۵۷ در جریان رأی گیری در مجلس ازدکتروجواودسعیدشکست خوردوراهی اروپا شد ولی پس از چند روز اقامت در خارج در دیماه سال ۱۳۵۷ به تهران بازگشت و دردادن رأی اعتماد به بختیارشرکت کرد و رأی موافق داد.

پس از سقوط رژیم در سال ۱۳۵۷ به مخفیگاه رفت و در یکی از آپارتمانهای سامان که متعلق به یکی از استگانش بود بسر می برد که دستگیر شد و جزو اولین گروههای بود که اعدام گردید.

همسر ویک دخترش در تهران بسرمهی برند ولی سایر فرزندانش در خارج از کشور زندگی می کنند.

دکتروجواودسعید که تا آخرین روز سقوط رژیم ریاست مجلس را بر عهده داشت قصد خروج از کشور را داشت که دستگیر گردید.

فریدون خبیر فرزند دوست گرامی ام جمشید خبیر در نیس درباره چگونگی بازداشت دکتروجواودسعید به نویسنده کتاب چنین گفت:

در بهمن ماه ۱۳۵۷ کرار آباد دکتروجواودسعید در تماس بودم. چند روز قبل از ۲۲ بهمن بلیطی برای مسافرت با هواپیما به لندن تهیه کرد و قرار شد متفقاً از تهران خارج شویم. گذرنامه و همه کارهای سفر انجام شد. روز قبل از حرکت دکتروجواودسعید درخانه من با تلفن بالشراقی داماد خمینی صحبت کرد که از نظر مشکلات خانوادگی ناچار است چند روز به لندن برود و بزودی مراجعت می کند. خواهش کرد مراتب به اطلاع امام برسد. یک ربع بعد اشراقی تلفن کرد و به دکتروجواودسعید گفت: امام گفتند بهتر است در تهران باشید تا موضوع دادن رأی عدم اعتماد به بختیار و ابراز تمایل به مهندس بازرگان انجام شود و بعد از آن به سفر بروید. با این نظرز برنامه سفر بهم خورد و دکتروجواودسعید از من خواست که به شرکت هواپیمائی خبریدم که مسافرت چند روز به تأخیر افتاده است و من هم این کار را کردم.

بعداز ۲۲ بهمن دکترسعید به خانه من آمد و دوشب درآنجا ماند و تصمیم گرفتیم که با هم به جنوب برویم و درآنجا باوسایلی که برای صیدماهی و میگودر خلیج فارس داریم ازکشور خارج گردد. بهمنی جهت با اتومبیلی از تهران عازم اصفهان شدیم. درآنجا در منزل یکی از سنتگان دکترسعید که در ذوب آهن کارمنی کرد اقامت کردیم و من با تلفن به نایندگان خود در جنوب خبردادم که یک قایق مجهزرا آماده کنندتا بمحض رسیدن به ساحل از مرز کشور خارج شویم. نایندگان شرکت در پاسخ گفتند بهیچوجه مصلحت نیست که همراه دکترسعید به اینجا بیایند. چون شایعه سفر دکترسعید انتشار یافته و بمحض رسیدن به اینجادستگیر خواهد شد. وقتی جریان چنین شد دکترسعید گفت بهتر است با مکی فیصلی نایندگان سابق مجلس در خرمشهر مقام بگیریم و به آنجا برویم و از طریق خرمشهر از کشور خارج شویم ولی هرچه تلاش کردیم نتوانستیم با تلفن مکی فیصلی را پیدا کنیم. (مکی فیصلی به نویسنده کتاب گفت منتظر دکترسعید بودم که نیامد) ناچار به تهران مراجعت کردیم و باز هم دکترسعید به خانه من آمد. بار دیگر بالشراقی داماد خمینی صحبت کرد که او گفت شما نگران نباشید کسی باشما کاری ندارد و هر کجا هستید مرادر جریان بگذارید. دکترسعید هم آدرس محل اقامت مرا داد.

دکترسعید در خانه من درحال استراحت بود و خیالش از مأمورین کمیته راحت شد که ناگهان تعدادی نایندگان مسلح از کمیته انقلاب به خانه من ریختند و دکترو جواد سعید و مراد استگیر کرده و به مدرسه رفاه بردند.

درآنجا در سالن بزرگی شاهد بودم که مقامات مملکتی از هویدا گرفته تا امراض ارتش و وزراء روی زمین نشسته و در حال نگرانی بسر می بردند. من و دکترسعید هم به آنها ملحق شده روی زمین نشستیم. از من چند سؤال شد از قبیل اینکه چرا نیس مجلس را به خانه

خودراه داده ای؟ گفتم او از دوستان نزدیک من است. او کرارا به خانه من می آمد و وقتی هم این بارخواست به خانه من بباید نمی توانستم درخواست اورارد کنم. من اساساً اهل سیاست نیستم و به این کارها کاری ندارم.

پس از چندی مرا آزاد کردند و بار دوم به عنوان اینکه فرزند شاپور غلام رضا پهلوی هستم دستگیرم کردند. وقتی معلوم شد این شایعه هم صحت ندارد با صدور حکمی که (فریدون خبیر فرزند شاپور غلام رضا) نیست و متن آن را در دسترس دارم از زندان خارج شده و در فرست مناسب از کشور خارج شدم.

با این نظر راز آخرین رؤسای مجلسین عصر پهلوی، مهندس ریاضی و دکتر جواد سعید اعدام شدند. دکتر سجادی بارنج و اندوه زندگی را ترک گفت. مهندس شریف امامی در دولت بختیاریا داشتن گذر نامه با هوای پیما عازم آمریکا گردید که اکنون در آنجا زندگی می کند و خاطرات خود را در چند جلد تنظیم کرده ولی از قرار معلوم در زمان حیات خود قصد انتشار آن را ندارد. ولی اموال و دارائی همه آنها و همسران و فرزندانشان مصادره شده است.



گفتگوی با دکتر امیر اصلاح افشار قاسملو

درباره آخرین روزهای زندگی محمدرضا شاه پهلوی

دکتر امیر اصلاح افشار از دیپلمات‌های مطلع و ارزشمند ایران است که در مقام نایب‌نگی مجلس شورای ملی و سفارت ایران در آمریکا و آلمان و اتریش و مکزیک و ریاست کل تشریفات دربار سلطنتی ایران شایستگی خود را به اثبات رسانید. او را انسانی شریف شناخته ام که چه در مقامات مختلف سیاسی و اداری باطبقات گوناگون مردم روابط دوستانه داشت و اکنون نیز که ایام دوری از وطن را می‌گذراند همان وضع را حفظ کرده و همواره وفاداری خود را نسبت به شاه فقید نشان داده است.

دکتر اصلاح افشار در سال های بحرانی در کنار پهلوی دوم بود و همراه اعلیحضرت ایران را ترک گفت و در آخرین روزهای عمر شاه نیز در کنار معظم له قرار داشت. از این جهت گفتنی زیاد دارد و در «نیس» مطالبی را به نویسنده کتاب گفت که قسمتی از آن بصورت سوال و جواب به نظر تان می رسد:

س - شما که در آن روزهای بحرانی در کنار شاه بودید چه شد که در سال ۵۷ روحیه شاه این قدر ضعیف شد که قدرت تصمیم گیری را از دست داده بود. روزی که همراه هیئت رئیسه مجلسین شرفیاب شدم فهمیدم که شاه دیگر توانائی اداره امور کشور را ندارد.

ج - بعداز این که (فضای باز سیاسی) اعلام شد اعلیحضرت می خواستند که مردم بیش از پیش در کارهای مملکت دخالت داشته باشند تا طبق قانون اساسی امور کشور اداره شود ولی مخالفین داخلی و خارجی از این وضع سوءاستفاده کرده با تحریکات فراوان وضع کشور را به کلی متزلزل ساختند. تدریجاً اعلیحضرت توجه یافتند که دامنه تحریکات خیلی وسیع است و کسانی هم که بدیدن ایشان می آمدند راه حل هائی پیشنهاد می کردند هیچیک نمی توانست موجب برقراری آرامش گردد بلکه روز بروز وضع متضیج تر می شد و روحیه اعلیحضرت ضعیفتر می گردید و مخالفین نیز برای کوییدن رژیم حداکثر سوء استفاده را می کردند.

س - آیا فکر نمی کنید که این ضعف روحیه شاه ناشی از بیماری سرطان بوده است؟ آیا اعلیحضرت از بیماری خود آگاه بوده اند؟ آیا شما که مرتب شاه را می دیدید از سرطان شاه آگاه بودید؟ یا همانطوری که دکتر صفویان گفته است سرطان را از شاه مکثوم نگهداشت بودند؟

ج - من تاروزی که همراه اعلیحضرت از کشور خارج شدم از بیماری سرطان آگاه نبودم و اعلیحضرت هم هیچگاه اشاره ای به

بیماری سرطان خود نکردند و استنباط من این است که اوایل از آن آگاه نبودند. بعد از انقلاب که دیداری با دکتر فلینگر پزشک مخصوص شاه در ات裡ش داشتم او گفت من از بیماری شاه اطلاع داشتم و موضوع را به دکتر ایادی گفتم و او هم معتقد بود که نباید بیماری سرطان شاه فاش شود. هنگامی که در تشریفات دربار بودم هرچند وقت اعلیحضرت می فرمودند فردا دو پزشک فرانسوی به تهران می آیند یک نفر از اعضای تشریفات را مأمور پذیرائی آنها بکنید و هنگام مراجعت هم به آنها هدیه بدھید. چون این موضوع چند بار تکرار شد واژهمکارم رستم بختیار پرسیدم این پزشکان کی ها هستند که اعلیحضرت سفارش آنها را می کنند؟ او گفت موضوع محترمانه است زیرا علیا حضرت ملکه مادر مبتلا به سرطان هستند و برای معالجه او می آیند. (البته اینطور شایع کرده بودند).

س. - موضوع نخست وزیری ارتشید اویسی و تغییر تصمیم شاه به نخست وزیری ارتشید از هاری چگونه بوده است؟ چه کسانی در این تغییر تصمیم مؤثر بوده اند؟

ج. - سفرای آمریکا و انگلستان مرتبا بدیدار اعلیحضرت می آمدند و مطالبی می گرفتند و اعلیحضرت هم چون مشکل مملکت را سیاسی می دانستند می خواستند برای آن هم راه حل سیاسی پیدا کنند بنا بر این بگفته آنان اهمیت زیادی می دادند. در روزهای حکومت شریف امامی که وضع کشور را خیلی بحرانی دیدم چندتن از دوستان از قبیل سپهبد بدره ای - سپهبد هاشمی نژاد - سرلشگر خسرو داد - سرتیپ معین زاده - کامبیز آتابای و جهان بینی هنگام غروب در دفتر تشریفات به من گفتند شمارا به خدا از اعلیحضرت بخواهید که فکر اساسی برای مملکت بکنند زیرا کشور دارد از دست می رود. من جلوی اتومبیل در حضور آقایان به پای شاه افتادم و گفتم اعلیحضرت

فکری بکنید، زیرا این وضع قابل دوام نیست، بانک ها و مغازه را را آتش میزنند، امنیت بکلی از بین رفته و مردم بیچاره شده اند. خسروداد هم با چشمانی اشکبار گفت به ارتضی ها هم در شهر بی احترامی می شود. اعلیحضرت تحت تأثیر این گفته ها به من فرمودند: «به اویسی تلفن کنید در دفتر خود حاضر باشد با او کار دارم» از این گفته همه خصوصا نظامی ها خوشحال شدند که اویسی مأمور تشکیل کابینه خواهد شد و با قاطعیت عمل خواهد کرد. من هم موضوع را به اویسی اطلاع دادم. پس از لحظه ای اعلیحضرت فرمودند سفراي آمريكا و انگلستان را بخواهيد تا به کاخ بیایند. به سفير آمريكا تلفن کردم گفت شهر شلوغ است و چون سفارت در شمال شهر می باشد خواهم آمد اما چون سفارت انگلیس را آتش زده اند، سفير انگلیس به سفارت فرانسه رفته به آنجا تلفن کنید. تلفن کردم او گفت امنیت ندارم و می ترسم بیایم. گفتم اتومبیل زرهی ارتش را برایتان می فرستم که این کار انجام شد و سفراي آمريكا و انگلستان شرفیاب شدند و با آن ها به مشورت پرداختند. به دنبال آن نیز با علیا حضرت شهبانو مذاکراتی نمودند و به من فرمودند ما تصمیم گرفتیم از هاری را مأمور تشکیل کابینه کنیم. گفتم پس اویسی چه می شود؟ فرمودند تلفن کنید که با او کاری ندارم. از قرار معلوم سفراي آمريكا و انگلستان معتقد بودند که اویسی با خشونت رفتار خواهد کرد و کار مشکل تر خواهد شد و شهبانو فرح نیز معتقد بودند که باید با تظاهر کنندگان با ملایمت رفتار شود که درنتیجه اعلیحضرت از نخست وزیری اویسی منصرف و به نخست وزیری از هاری تصمیم گرفتند که بلافاصله از هاری احضار و مأمور تشکیل کابینه شد. در مراکش هم وقتی از اعلیحضرت پرسیدم چرا در این مورد تغییر عقیده دادید فرمودند، سفراي آمريكا و انگلیس معتقد بودند که اویسی اهل شدت عمل است و کار را بدتر

خواهد کرد، بهتر است شخص ملایمی تعیین شود که مردم را ساكت کند. نظر شخص من این است که تمام این کارها طبق برنامه بوده و آمریکا و انگلستان نمی خواستند وضع آرام شود.

س - بعد از انقلاب مطالبی انتشار یافته و افرادی مدعی شده اند که در آخرین روزهای سلطنت شاه فقید کرارا بدیدار ایشان رفته و مطالب تندی گفته و پیشنهاداتی کرده اند. اینگونه انتشارات تا چه حد صحت دارد؟

ج - من اکثر این مطالب را خوانده ام. به نظر من خیلی از این نوشته ها صحت ندارد. اینها (لاف درغیرت) است. در روزهای آخر اقامت اعلیحضرت در ایران تقاضاهای شرفیابی خیلی کم شده بود. یک روز اعلیحضرت فرمودند چرا امروز تعداد ملاقات کنندگان کم است، پس من چه کنم؟ بهمین جهت فکر کردم با افراد و شخصیت های مختلف تماس گرفته و آنها دعوت کنم که بدیدار اعلیحضرت بیایند و خیلی از آنها رامن وسیله تلفن دعوت می کردم. بعضی ها دو یا سه بار بدیدنشان آمدند و لی همه با ادب و تواضع با معظم له مذاکره و پیشنهاداتی می کردند که بیشتر جنبه راهنمائی داشت و در این جهت بود که از شدت بحران کاسته شود. به اعلیحضرت پیشنهاد کردم برای این که مردم در جریان کارهای مملکت قرار بگیرند خوب است گروهی از سران اصناف و بازاری ها و طبقات مختلف را به کاخ سعدآباد دعوت کنیم تا با اعلیحضرت به مذاکره بنشینند. ایشان نیز پذیرفتند و یکی دوبار هم این کار صورت گرفت. وقتی جنوب شهری ها بدیدن اعلیحضرت آمدند خیلی هم ابراز احساسات کردند که این کار در روحیه اعلیحضرت خیلی مؤثر بود ولی شدت بحران موجب شد که این کار ادامه نیابد. افرادی که در نوشته های خود اظهار می کنند که به دفعات شاه را ملاقات کرده و ساعت ها با ایشان مذاکره کرده اند به کلی خالی از حقیقت است.

س - بعضی ها معتقدند که توطئه خارجی ها موجب شد که رژیم سلطنت در ایران سقوط کند. نظر شما درباره تحریکات و اقدامات خارجی ها در ایجاد بحران ۱۳۵۷ چیست؟

ج - حقیقت این است که وقتی اعلیحضرت درباره افزایش بهای نفت تلاش می کردند و کشورهای عضو اوپک را هم به دنبال می کشیدند و بهای نفت بالا می رفت شرکت های نفتی از اعلیحضرت به شدت ناراضی شده و با نفوذی که در کشورهای مختلف و رسانه های گروهی داشتند در صدد انتقامجوئی از شاه برآمدند. اسرائیلی ها هم که با ایران روابط صمیمانه ای داشتند وقتی دیدند که روابط ایران با کشورهای عربی خیلی توسعه یافته آن را خطر مهمی برای خود حس کردند و مخصوصاً موقعی که قرارداد الجزیره امضا شد و روابط ایران و عراق هم بهبود یافت و ایران نیز قوائی برای جنگ ظفار و نجات کشور عمان فرستاد

اسرائیلی ها فکر کردند که نزدیکی ایران و اعراب دارد خیلی خطرناک می شود. بهمین جهت در صدد برآمدن که رویه خود را عوض کنند و با نفوذی که در رسانه های گروهی جهان داشتند علیه ایران و مقام سلطنت به تحریکات پرداختند. آمریکائی ها و انگلیسی ها هر یک به دلائلی از شاه و اوضاع ایران ناراضی بودند و به این تحریکات دامن می زدند. اعلیحضرت در مراکش به من فرمودند اینها اصولاً مرا نمی خواستند و هر کاری که می کردم دیگر فائدہ نداشت. یک روز به اعلیحضرت پیشنهاد کردم حال که آمریکائی ها و غربی ها علیه ایران تحریکاتی می کنند بهتر است با روس ها روابط نزدیک تری برقرار کنیم تا آن ها بفهمند که ایران در سیاست خارجی خود تجدید نظر خواهد کرد، یا اعلیحضرت بدیدن برزنف برونده یا برزنف را به ایران دعوت کنیم. اعلیحضرت این نظر را پذیرفتند و فرمودند سفیر شوروی را احضار کنید. روز بعد سفیر

شوروی شرفیاب شد و اعلیحضرت مراتب دوستی ایران و شوروی را یادآور شدند و صحبت از دعوت برزنف به ایران و سفر اعلیحضرت به مسکو شد که سفیر با خوشحالی گفت مراتب را به مسکو اطلاع خواهد داد. روز بعد سفیر شوروی مرا به شام دعوت کرد و گفت می خواهد ضیافتی به افتخار مادر شهبانو بدهد. شام تقریبا خصوصی بود و تعداد مدعوین ۱۶ نفر بودند. پس از شام سفیر شوروی نطق مفصلی درباره توسعه روابط دوستانه ایران و شوروی کرد و از ثبات و پیشرفت های ایران تحت سرپرستی اعلیحضرت مطالبی بیان داشت که فکر کردم با این طرز موضوع مسافرت قطعی خواهد شد. با رفتن سفیر شوروی به مسکو دیگر از او خبری نشد و گرفتاری های روزانه فرصت تحقیق را نداد. وقتی از اعلیحضرت در مراکش جویا شدم که سفیر شوروی چه کرد؟ آیا پاسخ مستقیمی به اعلیحضرت داد یانه؟ اعلیحضرت فرمودند که سفیر رفت و بعد از آمدن خمینی به ایران برگشت و این نشان می دهد که روس ها هم با این جریان موافق بودند. روس ها چطور می توانستند چهل هزار آمریکانی را از ایران اخراج کنند. آنها چطور می توانستند تأسیسات نظامی کناره بحر خزر را که تا داخل روسیه را کنترل می کرد از بین ببرند؟ سپس اعلیحضرت اضافه کردند پس بهترین راه حل ازین بردن من بود تا به هدفهای خود برسند.

اعلیحضرت فرمودند سفیر انگلیس به من می گفت اگر خمینی وارد انگلستان شود احتیاج به ویزا ندارد و به او پناهندگی می دهیم ولی وقتی من خواستم به انگلستان بروم مرا راه ندادند. اینها نشان داده می شود که خارجی ها در توطئه علیه ایران دخالت زیادی داشته اند.

س - شما درباره مطالب رادیو بی بی سی در آن ایام چه فکر می کنید؟

ج - در روزهای آخر اقامت در ایران اعلیحضرت به من فرمودند سفیر انگلیس را به دفتر خودتان بخواهید و بگوئید که بی بی سی بیداد می کند. با این که گارد شاهنشاهی دارای دستگاهی است که می تواند برنامه بی بی سی را با پارازیت غیرقابل استفاده کند ولی چون این عمل را شایسته نمی دانیم از شما می خواهیم که ترتیبی بدهید که بی بی سی به این تحریکات خاتمه بدهد. سفیر انگلیس به اداره تشریفات آمد و جریان را گفت. البته مثل همیشه گفت بی بی سی دستگاه دولتی نیست و آزاد است و دولت انگلستان نمی تواند در کارش دخالت کند. با وجود این من با لندن تماس می گیرم و نتیجه را به شما اطلاع خواهم داد. چند روز بعد سفیر به اداره تشریفات آمد و اظهار داشت که چند شب قبل در تلویزیون انگلستان برنامه ای ترتیب داده شده بود (مصاحبه بی بی سی با افراد سازمان R-A-I جبهه ایرلندی ها) و اضافه کرد که این تروریستها به شرطی حاضر به مصاحبه شده اند که ماسک به صورت خود بزنند. در پاسخ به سوالات بی بی سی این ها هرچه توانستند به انگلستان حمله کردن و اظهار داشتند که ما اسلحه و هرنوع سلاح دیگر را برای پیشبرد مصالح خود داریم و این نوع عملیات وطن پرستانه را که شما اسم آن را تروریسم گذارده اید تا جان داریم ادامه خواهیم داد. سفیر انگلستان گفت وقتی بی بی سی در تلویزیون انگلستان این نوع برنامه ها را نشان می دهد که خلاف منافع انگلستان است در مقابل دولت هم هیچ عکس العملی نشان نمی دهد چطور شما انتظار دارید که جلوی برنامه های رادیوئی آن را بگیریم. بی بی سی دستگاهی است آزاد و از هیچ سازمانی چه خصوصی و چه دولتی دستور نمی گیرد. بعد معلوم شد که پس از وصول گزارش سفیر به لندن در مورد تقاضای ما بمنظور جلوگیری از تحریکات برنامه فارسی بی بی سی به دستور دولت انگلستان

سازمان بی بی سی فوری این برنامه ساختگی و قلابی را ترتیب داد و افراد خودشان را با ماسک و لهجه ایرلندی روی صفحه تلویزیون آوردند و با این نیرنگ وسیله سفیرشان یک پاسخ به اصطلاح منطقی برای ما تهیه کردند که بی بی سی آزاد است و ما نفوذی در این دستگاه نداریم. البته برای من روشن نیست که چرا بی بی سی در این موقع با جریاناتی که در ایران روی می دهد و قابل مقایسه با سابق نمی باشد زیانش را بسته است. ضمناً چرا این برنامه دو سه روز پس از تقاضای ما صورت گرفت. زیرا سال هاست که انگلیسها با ایرلندی ها این گرفتاری را دارند.

س - آیا اعلیحضرت هنگامی که در دی ماه ۱۳۵۷ تهران را ترک می کردند امید داشتند که به ایران برگردند؟ یا این که فکر می کردند که رژیم سلطنت در ایران سقوط خواهد کرد؟

ج - اعلیحضرت کراراً می گفتند سولیوان سفیر آمریکا در ایران نمی تواند حقایق اوضاع ایران را به اطلاع مقامات وزارت خارجه و کاخ سفید برساند و مقامات ایرانی هم آنطوریکه لازم است نمی توانند وضع را روشن کند، پس من باید خودم به آمریکا بروم و به کارتر و سایر مقامات آمریکائی بگویم که اقداماتی که صورت می گیرد موجب خواهد شد مشکلات فراوانی برای ایران و منطقه ایجاد کند، شاید سرعاقل بیایند و بتوانند راه حل منطقی سیاسی پیدا کنند و به رصورت آنها را از تحрیکات علیه ایران بر حذر دارم. بهمین جهت اعلیحضرت می فرمودند حداقل دو تا سه ماه در سفر خواهند بود و مقصد هم آمریکا است که قسمتی از لوازم با هواپیما به آمریکا فرستاده شد. در آخرین روزهای اقامت در ایران کارتر پیشنهاد کرد که بهتر است اعلیحضرت سر راه هم به مصر سفر کرده و در مذاکرات فوران رئیس جمهوری سابق آمریکا با انور سادات شرکت کنند تا در برنامه صلح مصر و اسرائیل در (کمپ دیوید) از

نظرات ایشان استفاده شود. زیرا اعیلحضرت کاراً به سادات می گفتند مصلحت مصر در این است که با اسرائیل صلح کند. چون تمام خطرات متوجه شماست و باید فداکاری کنید ولی سایر کشورهای عربی فقط ناظر هستند. یک سال قبل از سفر اعیلحضرت، سادات چندبار محترمانه به ایران آمد و در کاخ سعدآباد بطور خصوصی با اعیلحضرت دیدار داشتند و اعیلحضرت می گفتند شما با اسرائیل صلح کنید و من هم کمک می کنم. چون اعیلحضرت نقش مهمی در پیشرفت مذاکرات داشتند از این جهت آمریکائی ها خواستند که در سفر به آمریکا سری هم به مصر بزنند. پس از سه روز که اقامت اعیلحضرت در اسوان طول کشید و قصد سفر آمریکارا داشتیم آمریکائی ها گفتند که فعلاً سفر به آمریکا صلاح نیست. بهمین جهت اردشیر زاهدی ترتیب سفر اعیلحضرت را به مراکش داد که به آنجا رفته و شاهد دگرگونی اوضاع شدیم. شاید نظر کارتر که گفته بود اعیلحضرت می توانند به آمریکا بیایند و ما هم تمام چمدان هارا به آمریکا فرستادیم این بود که به بهانه مذاکره در اسوان از اینجا مانده و از آنجا رانده باشیم.

از نکات جالب این که وقتی می خواستیم از ایران به مصر برویم تمام سرویس های ارتباطی در اثر اعتصاب های پی در پی قطع شده بود و نتوانستیم با مصر تماس بگیریم و سفير آمریکا هم هر روز سئوال می کرد اعیلحضرت چه روزی می روند. من که اصلاً علاقه به سفر نداشتم گفتم هنوز موفق نشده ایم تماس بگیریم، هر وقت موفق شدیم شما اطلاع حاصل خواهید کرد. نصف شب سفير به من تلفن کرد و گفت با دستگاه های رادیوئی که داریم با سفارت خودمان در مصر تماس گرفتیم. حسنی مبارک گفت پس فردا ساعت ۲ بعد از ظهر انور سادات در اسوان منتظر ورود اعیلحضرت می باشند.

س - سفر اعلیحضرت به مصر و مراکش با هواپیمای سلطنتی صورت گرفت که سرهنگ معزی خلبانی آن را عهده دار بود که اکنون رئیس شاخه نظامی مجاهدین خلق می باشد. چگونه چنین فردی توانسته بود تا این حد اعتماد اعلیحضرت را جلب کند؟

ج - تا زمانی که در ایران بودم خلبان معزی از افسران مورد اعتماد اعلیحضرت بود و همواره در سفرها در کنار معظم له قرار داشت و در آخر هرسفر هم پاداشی به او داده می شد. روزی که می خواستیم ایران را ترک کنیم اعلیحضرت در پاویون سلطنتی منتظر بودند که نمایندگان مجلس به دولت اختیار رأی اعتماد بدهند. باید در اینجا اضافه کنم که سه روز قبل از این تاریخ تعدادی از نمایندگان مجلس به تشریفات دربار آمدند و از من خواستند که به عرض برسانم که اگر اعلیحضرت ایران را ترک کنند ما به اختیار رأی نخواهیم داد. به عرض رساندم فرمودند ما فقط برای سه ماه و برای مذاکرات سیاسی و معالجه به خارج می رویم و مراجعت خواهیم کرد.

بهر صورت وقتی اعلیحضرت در پاویون سلطنتی بودند تمام سیم های تلفن را قطع کرده بودند و ما نمی توانستیم با مجلس تماس بگیریم که از نتیجه رأی اعتماد آگاه شویم. بالاخره با وسائلی از طریق گارد سلطنتی ارتباط برقرار شد و یک هلیکوپتر به پارکینگ مجلس فرستادیم تا نخست وزیر و رئیس مجلس را پس از خاتمه رأی اعتماد به پاویون سلطنتی بیاورند تا اعلیحضرت بتوانند با آنها تودیع کنند. اختیار پس از خدا حافظی در فرودگاه به داخل هواپیما آمد و اعلیحضرت هم به او گفت: شما تمام اختیارات را دارید، من ایران را به شما و شمارا به خدا می سپارم.

اعلیحضرت هنگام سفر در مدتی که هواپیما در داخل ایران پرواز می کرد، خلبانی را شخص اعده داریودند ولی بقیه راه خلبانی

بامعزی بود. وقتی اعلیحضرت برای ناها رآماده شدند، معلوم شد در هواپیما هیچگونه وسایلی برای پذیرائی نیست و اساساً در فرودگاه هیچ نوع غذائی به هواپیما داده نشده است. وقتی از میهماندار پرسیدم مگر شما برای تهیه غذا به افسر مربوطه در فرودگاه که مسئول مسافرت‌های شاه است مراجعه نکردید؟ گفت: چرا به او که (اسمش را فراموش کرده‌ام) مراجعه شد گفت «غذا نداریم بهش ساندویچ بدھید» سرانجام کبیری آشپز مخصوص شاه دیگ باقلاً پلورا که برای مأمورین گارد تهیه کرده بود روی میز گذاشت و از سرویس هم خبری نبود. معلوم شد نفوذ مخالفین رژیم تا حدی بود که حتی از تحويل وسائل پذیرائی برای مسافرین هواپیما جلوگیری کرده‌اند.

نکته دیگر اینکه در بعضی از نشریات خواندم که خلبان معزی گفته است هیچ حاضر به خلبانی شاه نبوده و درنظر داشته هواپیمای شاه را در این پرواز به خارج از کشور ساقط کند تا شاه کشته شود اگر چه خود او هم کشته خواهد شد. این گفته معزی دروغ ممحض است. او همواره مورد اعتماد شاه بود و با دستور اعلیحضرت هم مراکش را ترک گفت و هواپیمارا به ایران برد و همه کسانی که همراه او بودند هنگام خدا حافظی در کاخ مراکش به زمین افتادند و پای شاه را بوسیدند و گفتند اعلیحضرت انتقام تورا خواهیم گرفت. ولی حالا که روش سیاسی او تغییر کرده چنین مطالبی می‌گوید که صحت ندارد. یکبار کتبای نوشته‌های خلبان معزی اعتراض کردم و او را از نشر چنین مطالبی برحدر داشتم و یادآورشدم که اظهار چنین مطالبی در شان یک افسر نیروی هوایی ایران نیست که البته به من جوابی نداد.

قبل از این که اعلیحضرت تهران را ترک کنند پیامی تهیه کرده و به ایشان نشان دادم و پیشنهاد کردم که بهتر است اعلیحضرت چنین مطالبی را بیان فرمائید و به کارهای فوق العاده‌ی

که در کشور صورت گرفته اشاره ای بشود که مردم بیشتر در جریان باشند. اعلیحضرت فرمودند این گفته ها مربوط به کسی است که بخواهد برای همیشه از کشور برود و با ملت خود خداحفظی کند در حالی که ما به زودی بر می گردیم. مگر هریار که برای استراحت به خارج می رفتیم برای ملت خود پیام می فرستادیم.

این نکته راهم باید اضافه کنم چند روز قبل از سفر اعلیحضرت به خارج (جرج براون) وزیر خارجه سابق انگلستان همراه سر داود الیانس (ایرانی مقیم انگلستان که به سلطان نساجی اروپا شهرت دارد) به تهران آمده و بدیدار اعلیحضرت رفت. روز بعد به من تلفن کرد و گفت قصد دیدار مرا دارد. از اعلیحضرت اجازه خواستم فرمودند بروید ببینید چه می گوید. بدیدار او در هتل هیلتون رفت. جرج براون گفت به اعلیحضرت پیشنهاد کردم حال که برای مدت دو یا سه ماه به خارج از کشور می روید شما که به اصلاح افشار اعتماد دارید او تنها رابط شما با بختیار باشد که دستورات شما را به تهران بیاورد و پاسخ لازم را بگیرد. اعلیحضرت نیز این پیشنهاد را قبول فرمودند و من خواستم این مطلب را به شما بگویم.

س - در یادداشت های علم خواندم که اعلیحضرت به افرادی ناسزا گفته و جملاتی انتشار یافته که من هیچگاه شاهد آن نبوده و از نزدیکان اعلیحضرت هم نشنیده ام. شما که با معظم له تماس دائم داشته اید هیچگاه از زبان محمدرضا شاه چنین کلمات ناسزانی درباره اشخاص مخصوصا نزدیکان شنیده اید؟

ج - من اعلیحضرت را بسیار مؤدب و مهربان و ملایم دیده ام. هیچگاه ندیدم که حتی به دشمنان خود فحش و ناسزا بدھند. فقط یک بار به من گفتند به فلان وزیر بگوئید اگر شایعاتی که درباره کارهایت شنیده ام راست باشد پدرت را در می آورم. قدری تأمل کردم که عین مطلب را بگویم یا نه گفتند همین جمله را بگوئید. من

هم تلفن کردم و به آن وزیر گفتم و او هم خنده داشت خیال اعلیحضرت آسوده باشد، شایعات صحت ندارد و موضوع دارد حل می شود. البته پس از مدتی آن وزیر برکنار شد. دیگر من چنین جملاتی حتی در سخت ترین ایام از اعلیحضرت نشنیدم. نمی دانم علم این جملات تند را چگونه شنیده است.

اعلیحضرت انسان بسیار مودبی بودند. در سفرهای که اعلیحضرت برای مسافرت زمستانی به سویس می رفته بیک بار که در اتریش مأمور بودم اعلیحضرت به دهکده (سورس) آمدند. روزمراجعت که هتل را ترک گفته بودم اتومبیل ایشان از جلویی رفت و پشت سراتومبیل پلیس و همراهان بود. چند کیلومتر که از دهکده دور شدیم اتومبیل شاه توقف کرد. همراهان پیاده شدند نزد شاه رفتند و دیدم که با عصبانیت به دکترا یادی می گویند: «ما فراموش کردیم که با دریان هتل خدا حافظی کنیم». یادی گفت ما به او انعام خوبی داده ایم. اعلیحضرت گفته شما همیشه از پول حرف می زنید، مگر با پول می شود همه کارهارا انجام داد. این دریان هر روز برف از لباس من می تکاند، کفش های اسکی را از پایم در می آورد، اسکی هایم را واکس می زد، چنین شخصی انتظار حدائقی بیک تشرکر را دارد. برگردیم به محل هتل. با اشکال در آن جاده تنگ کوهستانی به هتل برگشتم. مدیر هتل که از دور اتومبیل شاه را دید نگران شد که چه اتفاقی افتاده است. شاه از اتومبیل پیاده شد و نزد دریان هتل رفت و با او دست داد و گفت بیخشید شلوغ بود و من نتوانستم از شما خدا حافظی کنم، خیلی از محبت ها و زحمات شما متشرکرم.

شاه مردی بسیار خجول و با نزاکت و مهربان بود، هر وقت از کسی ناراحت می شد مستقیم به او نمی گفت بلکه وسیله افراد پیغام می داد. بیک روز دریکی از مراسم که اعلیحضرت از یکی از کارمندان تشریفات که آجودان کشوری هم بود ناراحت شدند به من فرمودند:

«گوش این آدم را بکش» وقتی از دفتر معظم له بیرون می رفتم اضافه فرمودند: «مواظب باش آنقدر نکشی که گوشش کنده شود».

س - در خارج از کشور در مدتی که شما با اعلیحضرت بودید وضع چگونه بود؟

ج - اعلیحضرت از اینکه ایران چارچنین سرنوشتی شده خیلی ناراحت شدند. می گفتند تمام زحمات پدرم و من و ملت ایران طی ۵۷ سال برباد رفت و ایران چار (وحشت بزرگ) گردیده و این رشته سر دراز دارد. مردم بعدا خواهند فهمید که چه بررسیان آمده ولی آن وقت دیر است. من صریحاً بگویم که اعلیحضرت عاشق ایران بود و البته عاشق بعضی اوقات اشتباهاتی هم می کند. یک روز در مراکش که با سلطان حسن راه می رفتیم سلطان حسن به شاه می گفت: «رضایکی از اشتباهات تو این بوده که ایران را بیشتر از ایرانی ها دوست می داشتی و می خواستی خیلی سریع کشور ایران پیش بروд» اعلیحضرت گفتند: «من هر دو را دوست داشتم. هم ایران و هم مردم ایران را و تمام کارهایی را که برای زارعین و کارگران و کمک تحصیل دانشجویان در خارج و تغذیه رایگان دانش آموزان در ایران کردم و کارهای دیگر مگر برای سعادت و سریلنگی و رفاه مردم ایران نبود؟»

در مراکش به اعلیحضرت گفتم در کشور ما خیلی کارها می شد که اعلیحضرت بی خبر می ماندند مثلا هنگام جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که من سفیر ایران در آمریکا بودم پیشنهاد کردم که با همکاری مقامات آمریکائی بکوشیم تمام آثار ایران در موزه های آمریکائی را جمع آوری و کاتالوکه کنیم که برنامه بسیار کاملی بود. برای این کار و فعالیت های دیگر گزارشی تهیه کرده و برای عرض گزارشات شرفیاب شدم و اعلیحضرت این کار را پسندیده و

دستورالنجام آن را به آقای علم دادند. جلسه ای با حضور دکتر اقبال تشکیل شد. وزیر دربار به من گفت من می خواهم در حضور شما از آقای دکتر اقبال تشکر کنم که یک میلیون دلار برای پیشنهاد شما اختصاص داده اند تا برای شما حواله کنم. من هم تشکر کرده عازم واشنگتن گردیدم. وقتی به آمریکا رفتم فقط از این پول یکصد هزار دلار حواله گردید و از نهصد هزار دلار دیگر خبری نشد و در وزارت دربار ماند. وقتی در مراکش موضوع را به اعلیحضرت عرض کدم فرمودند چرا به من خبر ندادید؟ تقصیر از خودتان است. عرض کدم اگر خبر می دادم آیا تغییری حاصل می شد یانه؟ ضمناً عرض کدم اعلیحضرت بارها فرموده اند از طرز کار من در مقام سفارت در اتریش و آمریکا و آلمان و مکزیک راضی بودید با وجود این اگر شکایتی می کردم مطمئن بودم که چند ماه بعد تلگرافی به سفارت می رسید که با اظهار تشکر از خدمات شما چون برای شما شغل دیگری در نظر گرفته شده لذا سفارت ایران را به کاردار تحويل دهید. اعلیحضرت خنده دند و گفتند شاید راست می گوئید. بهر حال من هم به اندازه همان یکصد هزار دلار کار کرم و ساكت ماندم.

همچنین هنگامی که سفير ایران در واشنگتن بودم یک روز رئیس کارخانه ای که هواپیماهای فانتوم را می ساخت به سفارت آمد. از او پرسیدم چرا تحويل هواپیماهای فانتوم آنقدر به تأخیر افتاده است؟ نامبرده اظهار داشت ماتلاش خودرا می کنیم ولی می دانید که ما گرفتار جنگ ویتنام هستیم ولی با وجود این تا بحال سعی کرده ایم که هواپیماهارا تحويل دهیم و در آتیه نیز سعی خواهیم کرد هواپیماها به موقع تحويل شود. ولی موضوع ملاقات من این بود که آقای محظی به مامراجعت کرده و ازما خواسته است که نمایندگی فانتوم را به او بدھیم در حالی که می دانید هواپیمای فانتوم که اتومبیل کادیلاک نیست که نمایندگی لازم داشته باشد و این

امر سابقه ندارد، از شما کسب تکلیف می کنم که چه باید کرد؟ گفتم من خبر ندارم و از تهران می پرسم. مراتب را به صورت رمز به دریار تلگراف کردم چون می دانستم که اعلیحضرت به هوابیمهای فانتوم خیلی علاقه دارند. از تهران با امضای آقای علم وزیردریار پاسخ رسید که (از شرفعرض گذشت فرمودند این امر با اوامر سابق ما چه ارتباطی دارد؟) مفهوم تلگراف این بودکه ما اصرار به تحويل هوابیمهای داریم مطالب دیگر به شما مربوط نیست. در آن موقع فکر می کردم آقای علم برای کمک به آقای محبوی مطلب را آنطور که خودمی خواسته به عرض رسانیده و پاسخ گرفته است. یک روز در مراکش جریان را به عرض رساندم اعلیحضرت فرمودند من اصلا از این موضوع اطلاع ندارم و علم هم هیچوقت چنین مطلبی را به من نگفته است.

س - آیا اعلیحضرت در خارج از کشور از بیوفانی های نزدیکان گله ای داشتند و نام چه کسانی را می بردنده؟ در مورد فردوست که از زمان کودکی بامعظم له بودند چه احساسی داشتند؟
ج - از بهبهانیان خیلی گله مند بودند و در آخرین روزهایی که در قاهره دریمارستان خدمتشان بودم فرمودند با ما خیلی بدکرد. درمورد فردوست نمی خواستند باور کنند که تا این حد نسبت به معظم له بیوفانی نشان داده است. درباره حسین صادق که به اتفاق خسری کارمند محلی سفارت ایران در رم در روزهای بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد خودرانشان داده بودند پرسیدند چه شده که در اینجا حضور نیافته و حتی یک تلفن نکرده و یک نامه هم ننوشته اند؟ عرض کردم در هر مورد ممکن است مطالب نادرستی به عرضستان رسیده باشد، اعلیحضرت نباید خیالتان از این مسائل ناراحت باشد انشاء الله به زودی حالتان خوب می شود و به کشور برمی گردید. فرمودند باوضع مزاجی که دارم و با کاری که مردم با من کرده اند

چگونه برمی گردم، بهر حال من آنچه درقدرت و توانائی داشتم به ملت خدمت کردم حال نیز درانتظار سرنوشت هستم، من همیشه باخدا بوده و هستم، همیشه با خدای خود حرف می زنم ولی چه کنم که این صحبت‌ها یک طرفه است و جوابی نمی شنوم.

اعلیحضرت در آخرین روزهای عمر بسیار ضعیف و ناتوان شده بودند. بیش از آن که به فکر بیماری خودباشند، به فکر کشور و ملت ایران بودند و با ناراحتی زیادی می گفتند ما می خواستیم ایران را به سوی تمدن بزرگ ببریم ولی رژیم فعلی مطمئناً کشور ایران را به انهدام و نابودی خواهد کشید. من ازاین می ترسم که ایران تجزیه شود.

اعلیحضرت می گفتند شما می دانید در کشورهای پیشرفته تعدادی که انتشار می کنند بیشتر از کشورهای جهان سوم است. مثلا در سوئد که مقام وسائل راحتی و امنیت و همه نوع بیمه های اجتماعی برای مردم وجود دارد تعداد خودکشی از هرکشوری در دنیا بیشتر است. اما مثلا در (بیافرا) یا (اریتره) که مردم حتی غذای روزانه خودرا هم ندارند هیچکس به فکر خودکشی نیست.

مردم ایران اگر انصاف داشتند ووضع خودرا باسایر کشورها و با ایران پنجاه سال قبل مقایسه می کردند، می دیدند که در رفاه و آسایش هستند و می توان گفت از فرط راحتی به فکر انقلاب و به اصطلاح به فکر زندگی بازهم بهترافتاده اند. این انقلاب ملت ایران نبود بلکه در آتیه خواهید دید که این خودکشی بود که هنگام رفاه بیشتر صورت گرفت. اعلیحضرت در حالی که این جملات را می گفتند دو روز بعد جهان را ترک گفته و به ابدیت پیوستند.

س - شما یک مقام صلاحیت دار هستید که می توانید بطور دقیق مطالبی رادریاره سال های بحران و آخرین روزهای زندگی پهلوی دوم به تاریخ ایران بسپارید و من معتقدم اگر این کار انجام

نشود خیلی از اسرار تاریخی از بین می رود و شما در این کار مسئولیت دارید. با تسلطی که شما به چند زبان خارجی دارید انتشار خاطرات شما به زبان های فارسی - فرانسه - انگلیسی - آلمانی می تواند روشنگر خیلی از مسائل باشد. آیا بعد از گذشت ۱۴ سال فکری کرده اید که این خاطرات منتشر گردد؟

ج - پیشنهادات زیادی برای انتشار خاطرات خود دارم بهمین جهت فعلأً به زبان های فارسی و انگلیسی قسمتی از آن را در حدود چهارصد صفحه تهیه کرده ام و امیدوارم خیلی زود توفیق انتشار آن را پیدا کنم. من هم می دانم که باید این مطالب به مردم ایران گفته شود و در تاریخ ایران باقی بماند. از شما هم متشرکرم که تدریجاً قسمتی از گفتگوهای مرا منتشر کرده اید. اما این که تا به حال صبر کرده ام شاید از جهتی بهتر باشد چون می توانم مطالب نادرستی را که خیلی از نویسندهای درباره پیشنهادات خود به شاه و ملاقات پی درپی باشه و نصایح به شاه که ساعت ها درباره گفتگوی خود باشه نوشته اند با ارائه مدرک ردکنم و ثابت نمایم که این قبیل شرفیابی های خیالی هیچ وقت وجود نداشته است.

آقای دکتر اصلاح افشار متشرکرم که این اطلاعات را در اختیار مردم گذاشته اید و نویسنده خوشوقت است که جلد پانزدهم کتابها که آخرین جلد می باشد همراه با گفته های مستند یک مقام صلاحیتدار عصر پهلوی است که امیدوارم مورد توجه خوانندگان گرامی قرار گیرد.



محمد رضا شاه پهلوی یک روز قبل از حرکت از تهران در کاخ سلطنتی در مقابل چهره مصمم پدر خود ایستاد و از این که ایران را ترک می گفت متأسف بود و با پدر خدا حافظی کرد .

دکتر اصلاحان افشار در کنار پهلوی دوم قرار دارد .

اسناد و نامه ها و مطالب تاریخی

در جلد های مختلف (ایران در عصر پهلوی) اسنادی منتشر گردید: این جلد نیز چند سند تاریخی دیگر منتشر می گردد:

امیریه دستگیری سردار اسعد بختیاری
خیلی خیلی فوری است. کشف تلگراف رمز نمره ۱۴۹۹ رئیس
دفتر مخصوص شاهنشاهی مورخ ۱۳۱۲/۹/۷
ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظامیه
حسب الامر مطاع ملوکانه ارواحنا فداه ابلاغ می نماید چون
واسطه کشف سندی که شرکت جعفر قلیخان اسعد را باتیموتاش در
قضیه نفت می رساند و خودتان اطلاع دارید مشارالیه تحت توقيف
درآمده اشخاص مفصلة الاسامی زیرا توقيف نمائید:
سردار اقبال - سردار فاتح - منوچهرخان برادر اسعد - امامقلی
مسنی - سرتیپ احمدخان بویر احمدی - شکرالله خان بویر احمدی -
پسرهای سردار ظفر و کلیه بختیاریهایی که در قضیه بختیاری شرکت
داشتند. اسعد را فوراً تحت الحفظ وسیله نظمیه به مرکز می آورید.
هر جامقتضی می دانید اور احبس نمائید تا ترتیب محاکمه داده شود.

متهمین قتل مدرس

در روز یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۲ حکم دادگاه درباره متهمین به قتل مدرس چنین اعلام شد:

رکن الدین مختار	۸ سال زندان با اعمال شاقه
حسینقلی فرشچی	۱۰ سال زندان با اعمال شاقه
عباس بختیاری (معروف به ۱۶ انگشتی)	۱۰ سال زندان با اعمال شاقه
عبدالله مقدادی	۶ سال زندان
رسدان سیف الله فولادی	۵ سال زندان
جهانسوزی	۵ سال زندان
محمود فدوی	۳ سال زندان
عسکرفروتن	۲ سال زندان مجرد
هادی نظمی	۲ سال زندان
عقیلی پور	۳ سال زندان
جوانشیر	۱ سال

ساختمان مدارس تبرنه شدند. مختاری در سال ۱۳۶۷ با عفو ملوكانه آزاد گردید.

نامه فرانکلین روزولت به محمدرضا شاه پهلوی

درجنگ دوم جهانی سران سه کشور بزرگ در سال ۱۳۶۲ در تهران بدیدارهم پرداختند. پیش از ورود آنها هیچ ایرانی و حتی گفته می شود شاه ایران هم خبر نداشت. ولی در لحظات آخر مقامات ایران اطلاع یافتند. شاه جوان به دیدار سران سه کشور رفت و از میان آنها (روزولت- چرچیل- استالین) تنها استالین به بازدید شاه به کاخ

مرمرفت. درمراجعت از ایران آنها نامه‌های تشکری به شاه ایران نوشتند که نامه روزولت به شاه چنین بوده است:

۲۲ سپتامبر ۱۹۴۴ کاخ سفید

محمد رضا شاه عزیز

مسلمانی خواهم و انمودکنم که براساس دیدار کوتاهی که از ایران داشته ام این کشور را خوب می‌شناسم. اماماً یلم یکی از برداشت‌های راکه طی سفر هوایی خود به تهران داشته ام باشما در میان بگذارم.

این مطلب به فقدان هرگونه درختی در شیب کوهها و خشک بودن کلی روستاهای مربوط می‌شود که در ارتفاعات بالای دشت‌ها قرار گرفته اند.

من در سراسر زندگی خود به درختکاری و افزایش منابع آبی همراه با آن علاقمند بوده ام. امیدوارم دولت شما به مدت چند سال مبلغ اندکی را برای آزمایش امکان کاشت درخت با حتی بوته در بعضی مناطق منتخب کنار بگذارد و امکان کاشت درختانی راکه باریشه خودخال رانگاه می‌دارند و در عین حال سیل رانیز به عقب میرانند به آزمایش بگذارد. مانیز چنین اقدامی را در مناطق خشک غرب انجام می‌دهیم و هر چندیک اقدام آزمایشی محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد که نتایج خوبی داشته باشد.

به گمان من اگر دولت شما در این راستا دست به اقداماتی بزنده‌ای آینده ایران ارزشمند خواهد بود. نیازی نمی‌بینم به شما بگوییم که چقدر به آینده ایران و مردم ایران علاقمندم.
با سلام های گرم - دوست صمیمی شما - فرانکلین روزولت

منع استفاده از چارقد

تاریخ ۱۳۱۵/۳/۱۱- غرہ ۱۲۵

ضمیمه- فوری است- محرمانه

اداره کل شهریانی

ازقراری که به عرض رسیده بانوان در تهران و ولایات با چارقد در معاابر عمومی عبور و صرور می نمایند. چنانچه حضور احمد تذکر داده شد این ترتیب منوع و قدغن نمایند در تهران و چه در ولایات مأمورین شهریانی نهایت مراقبت را بعمل آورند که این رویه متروک شود و با چارقد کسی رادر کوچه هاراه ندهند. رئیس وزراء

نامه قوام السلطنه به استالین

دریهمن ماه ۱۳۲۴ پس از اینکه قوام السلطنه نخست وزیر شد
این نامه را به استالین نوشت:

در این موقع که مسئولیت امور کشور ایران به عهده این جانب محول گشته است لازم می دانم احساسات دوستی صمیمانه ملت و دولت ایران را نسبت به دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ملت بزرگ دوست متفق و هم‌جوار را به آن جناب اعلام و هم‌چنین اطمینان دهم که این جانب جداً مصمم هستم تمام مساعی خود را برای همکاری صمیمانه و مودت آمیزی که متناسب حسن روابط هم‌جواری بین دو ملت می باشد به کار برم همانطور که ایران در مدت جنگ هم برای پیشرفت هدف مشترک مساعی لازم را به کاربرده است. با اطمینان به احساسات دوستی صمیمانه که همواره از طرف ملت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابراز شده و منویات شخص اینجانب در تحقیم روابط حسن ملتین یقین دارم که

جناب ژنرالیسم استالین از مساعی ذیقیمت و کمک گرانبهای خود برای کمک به ملت ایران در حصول به آرزوهای مشروع و حقه اش دریغ نخواهند نمود.

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه را نسبت به جناب عالی نخست وزیر قوام السلطنه
تقدیم می دارم.
جواب استالین

جناب آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران
از احساسات مودت آمیز ملت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی
که ابراز فرموده اند متشرک و امیدوارم که استقرار آن جناب به مقام
نخست وزیری ایران ارتباط دوستانه بین دو همسایه را فزایش داده
موجب تشبیه سعادت ایران و شوروی گردد.

تلگراف تقی زاده سفیر ایران در انگلستان به قوام السلطنه

جناب اشرف آقای رئیس وزراء از موفقیت حاصل در استرداد آذربایجان و احیای مملکت قدیمی و جلوگیری از تجزیه وطن از صمیم قلب تبریک گفته و هزاران هزار تشکر دارم. خداوند خود به جناب اشرف عالی جزای خیر بدهد و کامکار گرداند که هیچ پاداش دنیوی اجر و لایق این خدمت نتواند شد. روح پیغمبر اکرم و روح کوروش و داریوش به شمادعای خیر می فرستد. کافه ملت ایران و مسلمانان عالم پشتیبانان می باشند. انتشار خبر تسلیم متمن دین ظهر چهارشنبه در لندن ایرانیان را به وجود آورد و خبر فتح به ناگهان دریک ساعت مثل برق منتشر شد و جمله بادلی پراز اعجاب و قدردانی و دعای کامیابی و عظمت ایران و بلندی بخت اعلیحضرت رطب اللسان شدند. ادعیه خالصانه بی ریا و نیت قلبی این جانب را بپذیرید.

بیستم آذرماه ۱۳۲۵ تقی زاده

نامه محمدرضا شاه پهلوی به رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر
شوری درباره
مظفر فیروز به عنوان سفیر ایران در مسکو

حضرت شونیک رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
دوست مفخم مهریان

با شتیاق کاملی که به ادامه مناسبات دوستانه و بسط روابط
حسنی میان کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارم لازم
دانستم یکی از خدمتگذاران لایق خود را نزد آن حضرت روانه نمایم.
بنابراین جناب مظفر فیروز را به سمت سفیر کبیر و مأمور فوق العاده خود
مأمور نمودم تا بر وفق آرزوی قلبی من در تحکیم مبانی دوستی اهتمام
نماید.

از آن حضرت خواهشمندم نامبرده را مورد توجه و مهریانی قرار
داده و بیانات اورا که حاکی از نیات حسنی من است قبول وادعیه
صادقانه را که از طرف من برای سعادت آن حضرت و تعالی کشور
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبلیغ خواهد نمود بپذیرید.
کاخ سعدآباد بتاریخ اول آبانماه یکهزار و سیصد و بیست و پنج -
سال ششم سلطنت من

دوست صمیمی آن حضرت محمدرضا پهلوی

مظفر فیروز هنگام تقدیم استوارنامه خود به رئیس شورای عالی
اتحاد جماهیر شوروی چنین گفته است:
با کمال افتخار نامه اعلیحضرت همایون شاهنشاه که برطبق آن
این جانب را به سمت سفیر کبیر و مأمور فوق العاده خود نزد دولت
اتحاد جماهیر شوروی تعیین فرموده اند تسلیم می نمایم. ضمنا
اطمینان می دهم که در تمام مدت مأموریت مساعی این جانب در راه
تحکیم و تثیید روابط حسنی و مناسبات مودت آمیز بین دو کشور

روی پایه و اساس احترام متقابل مصروف خواهد گردید. امیدوارم با توجه مخصوص آن حضرت ومساعدت دولت اتحاد جماهیرشوروی در این مأموریت خطیر توفیق حاصل نمایم.

نامه مظفرفیروز سفیر ایران درشوری به قوام السلطنه وپاسخ نخست وزیر به او

شماره ۲۵/۸/۲۶ مورخ ۹۳/۲۲/۲۵

وزارت امور خارجه - تهران

خواهشمند است مراتب زیر را به استحضار جناب اشرف آقای نخست وزیر برسانند:

امروز ۱۷ نوامبر روزنامه پراودامقاله ای راجع به ایران منتشر کرده که از طرف خبرنگار مخصوص خود در تهران نقل نموده و نکات برجسته آن بقرار زیر است:

اول اینکه محافل نظامی و غیره که اکثراً بامقامات خارجی ارتباط دارند در صدد هستند اقدامات مسلحانه بر علیه آزادی در ایران بعمل آورند ثانیاً هدف اصلی آنها بر علیه آذربایجان و ایجاد جنگ داخلی است. ثالثاً طبق گزارش مخبر روزنامه دیلی تلگراف لندن سپهبد احمدی که امروز قائم مقام نخست وزیر است نقشه مخصوصی دارد که با توسل به اقدامات شدیداً و ضاع را مخصوصاً در آذربایجان تغییر دهد. مظفرفیروز

شماره ۲۶۶ - به تاریخ ۲۵/۸/۳۰.

سفارت کبرای ایران

- ۹۳ مندرجات پراودا را دیده ام و مراقبت کامل دارم هیچیک از این مطالب که نوشته شده است صحت ندارد. هیچکس نقشه مخصوصی ندارد این مطالب که نشود بخلاف سیاست

اینجانب است که همیشه میل داشته و دارم امنیت درکشور رعایت و مناسبات دوستی و نزدیکی خود را بادولت اتحاد جماهیر شوروی حفظ کنم. با جاهای لازم مذاکره، سراسر مندرجات پراوردار اتکذیب کنید.

قوام السلطنه

تلگراف دیگر قوام السلطنه

سفارت کبرای ایران شماره ۲۶۱ - تاریخ ۲۵/۹/۱۲

مندرجات تلگراف ۹۶ مورددقت قرارداده شد با تلگرافات بعدی که به سفارت کبری شده است از رویه دولت مطلع شده اید که بر اساس دوستی با اتحاد جماهیر شوروی مخصوصاً نسبت به نظریه ای که از بدو زمامداری اتخاذ شده کاملاً وفادار هستیم چنانچه در مسئله نفت نظری ندارم جز آنکه وقتی مجلس افتتاح شد و موقع عملیات قانونگذاری رسید قرارداد آن را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کنم. برای انتخابات هم نظر دولت این است که آن را به جریان انداخته مجلس را تشکیل دهم. انتشارات روزنامه‌ها را مراقبت دارند ولی مندرجات روزنامه‌های مخالف دولت شدیدتر است در عین حال این جانب به مندرجات جراید نسبت بخودم اهمیت می‌دهم. حفظ دوستی با اتحاد جماهیر شوروی و موضوع انتخابات بدون شرکت آذربایجان میسر نیست. برای انجام این مقصود نیز تاقوای تأمینیه به آذربایجان فرستاده نشود و انتخابات آزادانه نگردد نمی‌توان در آنجا شروع به انتخابات نمود. سفارت شوروی فرستادن قواراً مقتضی نمی‌داند باید صراحتاً گفته شود که تاقوای مورد اطمینان به آذربایجان نفرستیم نمی‌توانیم انتخابات را در آنجا شروع کنیم. آذربایجان را هم نمی‌توانیم از انتخابات محروم بگذاریم.

۱۰ آذر ۱۳۲۵ - قوام السلطنه

توضیحی درباره صدور دو فرمان تاریخی شاه

صدر فرمان عزل دکتر مصدق از نخست وزیری و فرمان نصب سرلشگر زاهدی که در شرایط غیر عادی صادر شد از نظر تاریخی مورد بحث فراوان می باشد.

متن فرمان عزل دکتر مصدق در دسترس نیست ولی فرمان نصب زاهدی که در جلد هفتم به چاپ رسیده به تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۳۲ می باشد. با توجه به اینکه نصیری در آخرین ساعت شب ۲۴ مرداد این فرمان را ابلاغ کرده چندنکته مورد گفتگو می باشد. یکی این که تاریخ دادن فرامین از کلار داشت به تهران یک روز طول کشیده و در ابلاغ آن تأخیر شده است. دیگر اینکه گروهی معتقدند همان روز قرار بود که فرمان ابلاغ شود ولی چون افسران عضو سازمان نظامی حزب توده مراتب را به اطلاع کیانوری رسانیده و اوهم دکتر مصدق را مطلع ساخته بود در آن شب از ابلاغ فرمان انصراف حاصل گردید و روز ۲۴ مرداد اقدام به ابلاغ می گردد. برخی معتقدند که شاه هردو فرمان را امضا کرده ولی متن آن بعداً نوشته شده است. دکتر مصدق هم در دادگاه نظامی چنین توضیح داده است:

وقتی من فرمان شاه را دریافت کردم متوجه شدم که در دست نوشته اغلاطی وجود دارد و نشانه هائی دال بر جعل به چشم می خورد. من دریافت کم که متن فرمان شاه پس از امضا ورقه سفید توسط اعلیحضرت نوشته شده است. متأسفانه در همان روزی که منزل من مورد چاول قرار گرفت این فرمان نیز به سرقت رفت.

کیانوری در خاطراتش می نویسد:

بعد از ظهر روز ۲۳ مرداد سرهنگ مبشری به خانه من آمد و خبر داد که برای شب قرار حمله قطعی گارد گذاشته شده و اسمای گردانندگان

کودتارا که نام سرتیپ دفتری هم بین آنها بود به من داد. برنامه این بود که نصیری باتانک به خانه مصدق برود و حکم عزل را ابلاغ واو و رئیس ستادرا دستگیر کنند. وقتی کودتاقیان فهمیدند که عملیات لورفته نیمساعت بعد از نیمه شب موشک سفید به آسمان پرتاب کردند و به واحدها خبر دادند که عملیات به تأخیر افتاده است. عملیات کودتامجدداً در ساعت ۱۲ شب ۲۴ مرداد شروع شد و سران کودتا که خطر لورفت را حساس کرده بودند فقط دو ساعت قبل به افرادشان اطلاع دادند بنابراین مادریم مطلع شدیم. مبشری حوالي ۱۰ شب مرا خبر کرد و من هم به مصدق تلفن کرده و جریان را گفتم.

یکی از امراهی ارتش که در جریان ۲۸ تا ۲۵ مرداد دخالت داشته است به نویسنده کتاب چنین گفت: قرار بود پس از صدور فرمان در روز ۲۳ مرداد همان روز سرتیپ دفتری متن فرمان رانزد دکتر مصدق برده و ازاو بخواهد که از کار کنار برود. بدواتاین کار را پذیرفت و معلوم نیست بچه علت از این کار استنکاف کرد. بهمین جهت اجرای کار یک شب به تعویق افتاد و روز ۲۴ مرداد سرهنگ نصیری خود را او طلب شد که فرمان را ببرد و ابلاغ کند. علت تأخیر تغییر فکر سرتیپ دفتری بود.

یکی دیگر از امراهی ارتش می گفت بعد از صدور فرمان جلسه ای از چند تن از امراهی ارتش تشکیل شد. به یک نفر پیشنهاد ابلاغ فرمان گردید که قبول نکردن اولی دیگری پذیرفت و شب گفت نمی توانم فرمان را ابلاغ کنم. نفر بعد سرتیپ دفتری بود که او هم پشیمان شد و سرانجام خود نصیری قبول کرد که فرمان را ابلاغ کند.

قرارمنع تعقیب رهبران حزب توده

سران حزب توده کرارآخحت تعقیب دادگاه های نظامی قرار گرفته و به اعدام و حبس محکوم شده اند.

بعدازمحکوم شدن رهبران حزب توده دردادگاههای نظامی وکلای حزب توده به تلاش پرداختند. بطوریکه پرونده امرپنج باردر دیوان کشور و چهاربار درشعب ۲ دادگاه جنائی ویک بار درشعبه ۲ استیناف و چهاربار درشعب ۱۵ و ۱۶ دادسرای تهران موردرسیدگی قرارگرفت و بالاخره شعبه ۵ دیوانعالی کشور به ریاست حشمت الله قضایی و عضویت عبدالحمید غیاثی و حسینعلی بنی آدم طبق حکم مورخ ۱۳۲۹/۱/۲۰ قرار عدم صلاحیت دادگاه نظامی را صادر کرد و دادگاه جنائی تهران را مرجع رسیدگی دانست. سرانجام شعبه ۵ دیوان عالی کشور چنین رأی داد:

برفرض صحت اتهامات واردہ به حزب توده صلاحیت رسیدگی با محاکم فرمانداری نظامی نیست. زیرا حزب توده پس از تشکیل دارای فعالیت علنی بوده و درقوای مقننه و مجریه وکیل و وزیر داشته است.

علی اشرف مهاجر بازپرس شعبه ۱۶ دادسرای تهران در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۳۱ قرارمنع تعقیب هر ۲۴ نفر از متهمین را صادر کرد و در تاریخ ۲۴/۱۲/۳۱ به موافقت قزل ایاغ دادیار دادسرای تهران رسید. به دنبال این جریانات روزنامه بسوی آینده نوشت دستگاه قضایی قانونی بودن حزب توده را به رسمیت شناخته است. تاریخ اخیر نشان داد که تنها حزب توده یک حزب به مفهوم واقعی است.

بنی فضل دادستان تهران هم گفت من حاضرم با هر فرد و هیئتی درباره متهمین حزب توده و قرار بازپرس صحبت کنم. از نظر دادگستری عضویت در حزب توده جرم نیست. زیرا در قانون مجازات عمومی

ماده ای که این امر را جرم شناخته باشد وجودندارد و پرونده متهمین هم تا امروز مختومه است.

دستور ترور از طرف شورای متحده کارگران

سرهنگ مهندسی دادستان دادگاه نظامی در کیفرخواست اعضاي حزب توده چنین نوشتند است:

در آخرین جلسه حوزه ۷۱۶ حزب توده که عصر روز چهارشنبه ۱۳/۱۱/۲۷ تا پاسی از شب گذشته در منزل دکتر کشاورز تشکیل بود پس از خاتمه کار عبدالله ارکانی با مردم ناشناسی که برای اولین مرتبه به آن حوزه آمده بود برای مذاکره در منزل دکتر کشاورز مانده و روز بعد یعنی پنجشنبه ۱۴/۱۱/۲۷ ارکانی با ناصرف خرآائی تماس گرفته است.

حزب توده دستگاه تروری به نام (اسپانتم) تشکیل داده و هدف آن از بین بردن و ترور اشخاص بوده است.

در روزنامه فرمان شماره ۱۶ مورخه دیماه ۱۳۲۶ کاغذی چنین گزارشده است:

خیلی فوری است. شورای شهرستان آقای محضری - تعقیب مذاکرات قبلی لازم است چند نفر از رفقاء فعال و با ایمان که قابل اطمینان شما و بانوراضیه باشند مأمور عملی نمودن آن موضوع (ص-ش-د-ف) بنمایید که تاوقت باقی است کلک آن موضوع کنده شود. تأخیر موجب شکست و بر علیه تاکتیک شورای متحده می باشد و هر سایلی که احتیاج دارید تهیه و در دسترس بگذارید و مخارج ایشان طبق سند رسمی از صندوق مرکزی پرداخت خواهد شد.

۲۱/۸/۲۵ رضاروستا

منظور از (ص-ش-د-ف) صادقیان- شاهنده- دهقان و فرامرزی

بوده است. درین تروریستها یکی از متهمین (امید عبدالملک پور بهنو) بوده است. این پرونده در دیوان جنایی جریان داشته است.

هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس بین المللی کار

همه ساله از طرف دولت ایران هیئتی به کنفرانس بین المللی کار می رفت که جنبه تشریفاتی داشت ولی در سال ۱۳۲۴ هیئتی اعزام گردید که جنبه سیاسی یافت که اسامی شرکت کنندگان در نامه زیر قید گردیده است:

نامه وزیر پیشه و هنر شماره ۱۷۶۴/۱۷۲۵ مورخ ۱/۷/۱۳۲۴

جناب آقای نخست وزیر

در پاسخ نامه شماره ۱۰۲۸۸ مورخ ۳۰/۵/۲۴ هیئت نمایندگی ایران در بیست و هفتمین دوره اجلاسیه کنفرانس کار به ترتیب زیر معین شدند:

۱- نمایندگان دولت: آقای ابوالحسن حکیمی- آقای مهندس نفیسی مدیر کل کار، مشاورین آقای جمالزاده - آقای دکتر رضوی- منشی آقای عزیز فیروز - وابسته مطبوعاتی آقای حسین فاطمی.

۲- نماینده کارفرما: آقای مهندس مسعود غیور. مشاورین: آقایان اعزازنیک پی- شهاب خسروانی- محمد کازرونی- محمد علی کازرونی - صفا امامی- محمود دهدشتی- حسینقلی دهش - سراج امامی

۳- نمایندگان کارگران: آقای شمس صدری - آقای عتیقه چی - آقای محمدحسین تاجبخش. مشاورین آقای یوسف افتخاری - آقای امیرکیوان - آقای مهدی دولت آبادی.

وزیر پیشه و هنر- عباسقلی گلشاهیان

چندنامه تاریخی از وزیر مختار سابق انگلیس از تهران به لندن

عبدالحسین مفتح در کتاب (ایران یا پل پیروزی جنگ دوم جهانی) تلگراف سرریدربولارد وزیر مختار انگلیس به لندن را در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۱ چنین نقل میکند:

سهیلی وزیر خارجه هنگامی که تلگراف‌های اعلام سلطنت شاه را برای هیتلر و موسولینی برای امضاء شاه برد، ایشان آنها را پاره کرده و گفتند (اگر آلمانها پیروز شوند من اینجا نخواهم بود و اگر متفقین پیروز شوند دولتی در آلمان خواهد بود که من می‌توانم با آن وارد مناسبات شویم)

بولا در ۱۷ اکتبر ۱۹۴۱ به شماره ۳۰۷ به لندن چنین گزارش می‌دهد:

یادداشت سختی وزارت خارجه ایران به سوروی درباره سوء رفتار مأمورین نظامی سوروی می‌فرستد که دست به دزدی و غارت اموال مردم زده اند. بولا رد اظهار نظر می‌کند نسبت دزدی ممکن است درست نباشد و نسبتی است که وزیر خارجه می‌دهد زیرا برادرش که کمونیست بوده چند سال پیش به سوروی رفته و توسط سورویها اعدام شده است.

تلگراف سفارت انگلیس در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۴۱ به لندن تبلیغاتی بر علیه فروغی نخست وزیر و برخی از اعضای کابینه می‌شود که اینها یهودی هستند و در اینجا زمانی به سود احمد و ثوق (قوام) تبلیغ می‌شوند و من از مداخله سفارت خودداری کردم زیرا گذشته از اینکه شهرت خوبی ندارد معلوم نیست که از نخست وزیر فعلی بهتر باشد. اگر ما به کابینه سازی پردازیم ممکن است که روسها بکلی نظر دیگری داشته باشند. در هر حال سودمند خواهند بود

که نخست وزیری بالرژی بیشتر و مصمم تراز فروغی پیدا کرد. فعلاً کاندیدائی نیست جزتی زاده یا سید ضیا عالدین ولی خیلی خطرناک خواهد بود که اگر تصور شود ما آنها را آورده ایم و معلوم نیست که هیچ یک از آن دو بخواهند بیایند.

هرگاه قرارداد سه جانبی امضا نشود به اتفاق شوروی به اقدام نظامی خواهند پرداخت که نتیجه خوبی برای ایران نخواهد داشت.

تلگراف ۱۷ زانویه ۱۹۴۴ - روسهادربرکناری سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ و تدين وزیر کشور دست داشته اند. کنسول شوروی به سرکنسول ما در تبریز گفته بود که هنگام دیدار استالین در تهران ترتیب برکناری این دونفر داده شد. به دلیل اینکه هردوی آنها نسبت به شوروی خوشبین نبودند. درست است که شاه از اینکه از شرایط دونفر پرقدرت اخلاقی خلاص شده است خوشوقت می باشد، زیرا مکان داشت آن ها با از دیاد قدرت مخالفت می کردند. در عین حال معلوم نیست که شاه جرئت این رامی داشته که تجدید ترمیم کابینه را بر نخست وزیر تحمیل کند.

تلگراف ۲۰ زانویه ۱۹۴۴ - گشایش مجلس برای روز ۲۲ زانویه اعلام شد. برخی روزنامه ها خواستار تأخیر افتتاح مجلس می باشند تا فایندگان تهران حضور بیایند. حزب توده هم با عقب افتادن موافق است زیرا تا کنون چند صندلی به دست آورده است. شاه اظهار می دارد که نخست وزیر بدون مشورت با ایشان اعلام می گشایش را صادر کرده است. نخست وزیر می گوید شاه نخست موافقت کرده سپس موافقت خود را در هراس ناگهانی پس گرفته است. نخست وزیر مایل است آمادگی خود را برای معرفی کابینه جدید نشان بدهد. در حالی که شاه واقع به فشاری است که نخست وزیر برای تغییرات به خصوص ژنرال شفائي آورده که از قبول استعفا خودداری کرده است روز ۱۹ زانویه شاه مرا احضار کردند و نظر مرا درباره نقشه ای

که درباره لغو انتخابات و انتخابات نوئی که زیرنظر نخست وزیر که مورد اطمینان همه باشد پرسیدند؟ شاه درباره مبالغ گزافی که برای گرفتن رأی خرج شده و مداخله مقامات و روسها سخن گفتند. من گفتم این درست است اما شاید باوضع سیاسی ایران غیرقابل اجتناب می باشد. تنها راه دوم این است که شاید مجلس از زمینداران تشکیل گردد. از شاه پرسیدم آیا مجلسی که ایشان مایل به تشکیل آن هستند بهتر از اینهایی که انتخاب شده اند خواهد بود. پاسخ شاه این بود که اقلاً نمایندگانی که نماینده مردم باشند انتخاب خواهند شد. من می ترسم آنچه شاه می خواهد بهتر نباشد بلکه نمایندگان مطیع تر باشند. شاه از انتخاب سید ضیاء و حشت دارد و حداکثر کوشش را داردند که مانع انتخاب او بشوند ولی در این باره به من چیزی نگفتند.

موضوع دیگر این بود که دکتر مصدق نخست وزیر شود و انتخابات نورا آغاز کند. او در انتخابات تهران شخص اول است. او ادعای شهرت ملی را دارد. او پیراست و از یک قسم بیماری حمله و تشنج رنج می برد. وقتی استاندار فارس بود وابسته نظامی انگلیس اور انانالایق نیافت، بلکه زود رنج و میهن دوست دانست. او پر حرف شناخته شده است.

در ملاقات ۱۸ اژانویه شاه سخت کوشیدند که من نقشه ایشان را تأیید کنم. من رد کردم و گفتم باید شخصاً تصمیم بگیرند. با توجه به این که ممکن است متهم شوند که انتخابات را به منظور مقاصد خویش زیورو می کنند. به شاه یاد آورشدم که لغو انتخابات بدون عذر بهتری جزشکایت عمومی که بسیاری از آنها ذی علاقه می باشند هیچ اساس قانونی نخواهد داشت و تولید انتقاد خواهد کرد. شاه گفتند می خواهند بدانند بطوری که نظردارند عمل شود زیانی به منافع انگلیس وارد خواهد آورد؟ در پاسخ گفتم من مایلم در این باره تسليم به منافع ایران شوم (در حالیکه راست است که در نتیجه منافع

انگلیس را دربردارد)

علاه که در حقیقت صدای گردن اربابش میباشد نظرداد چون درباره انتخابات خیلی انتقاد شده لغو آن برای شاه موجب شهرت نیک درین مردم خواهد شد. ولی من معتقدم که بی نتیجه خواهد بود که یک چنین تفسیر سخاوتمندانه ای از عمل شاه دیده شود. از مردمی که بیشتر معتقد هستند که آنچه شاه می خواهند یک انتخابات منصفانه نیست بلکه انتخاب نمایندگان خودشان می باشد. علاه از شنیدن نقشه شاه که چه نقشه ای را پیشنهاد کردند و من رد کردم یکه خورد. این که انتخابات نو باید برابر قانون انتخابات نوئی باشد که به موجب فرمان وضع می شود.

در ملاقات با شاه پرسیدم آیا مایلند با سفیر جدید شوروی هم مشورت کنند؟ گفتند خواهند کرد. بنابراظهار علاه سفیر شوروی به شاه گفت که سیاست شوروی در ایران اکنون عدم مداخله کامل در امور داخلی است و بر شاه است که تصمیم بگیرند. ولی علاه اعتراف کرد که دولت ایران قادر نیست یک استانداریه تبریز که انتخابش بمناسبت مداخله روسها مغلق مانده بفرستد. برای اینکه شوروی ها با نامزدهای استانداری یکی پس از دیگری مخالفت می کنند و دادن پاسخ را به تعویق می اندازند.

تلگراف ۲۲ زانویه - گشایش مجلس تا پایان انتخاب نمایندگان تهران به تعویق افتاد. علاه اطلاع داد که شاه از لغو انتخابات منصرف شدند. دلیلش این است که دکتر مصدق می خواست رفاندمی بکند که اختیار اصلاح قانون انتخابات را داشته باشد که شاه با آن مخالف است.

من با سفیر شوروی صحبت کردم او انکار کرد که در این باره با ایشان تماس گرفته شده ولی علاه مرا مطمئن ساخت که شاه سفیر شوروی را پس از ملاقات با من پذیرفتند و سفیر عقیده ای دارد که من

گزارش کنم این مانع قول همکاری نزدیک من با همکار شوروی نخواهد بود.

تلگراف ۹ فوریه ۱۹۴۴ - سفیر شوروی از نخست وزیر خواسته که شش نفری که مورد علاقه آنها هستند از تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شوند و اونا چار بوده است که نسبت به دونفر قبولی بدهد و اکنون تقاضا دارد که نفر سومی هم قبول شود.

تلگراف ۲۶ فوریه ۱۹۴۴ - مجلس روز ششم اسفند ۱۳۲۲ (۲۶ فوریه ۱۹۴۴) افتتاح می گردد. وضع سیاسی ایران چنین است: نخست وزیر متزلزل می باشد. اکنون قوام السلطنه که در اثر مخالفت ماکنارزده شده است و دونفر دیگر وزیر خارجه و سفیر ایران در مسکو مورد نظر می باشند.

در مجلس دکتر مصدق که از طرف شاه برای چند روز کاندیدای نخست وزیری بود برای محروم کردن سید ضیاء الدین از نمایندگی اقداماتی کرد. هیچیک از نمایندگان جرئت حمایت آشکار از سید ضیاء الدین را نکرده ولی هنگام رأی مخفی ۵۷ رأی از ۶۸ رأی را به دست آورد. این شکستی است برای شاه و حزب توده. تهمت اصلی سید ضیاء این بود که او به کمک ماکو دتائی کرد ولی او بالا شاره به اسناد یاد آور شد که کو دتابدون اطلاع ما صورت گرفت و گفت این بحث ممکن است که به بنیان رژیم فعلی لطمہ بزند. مردم در بیرون مجلس شیشه های اتومبیل سید ضیاء را شکستند. مردم باروی کار آمدند سید ضیاء مخالفند.

به رسمیت هیچکس نمی تواند به دولت ایران ایراد بگیرد که چرا نمی خواسته انتخابات پیش از تخلیه ایران صورت بگیرد. زیرا شکی نیست که روسها خواهند کوشید انتخابات را به سود خود انجام بدھند. ولی مجلس اعتبارنامه پیشه وری و چند تن دیگر را رد کرد ولی روسها کوشیدند که واژده های مجلس را در آذربایجان جزو انجمن های محلی بگنجانند.

(تا آنجا که نویسنده به خاطر دارم هیچگاه مجلس رأی تمایل به نخست وزیری سید ضیاء نداد.)

چند خاطره مهم

درباره سلطان وثروت محمد رضا شاه پهلوی - کودتا و ترور سپهبد رزم آرا
- ارتباط کودتای عبدالکریم قاسم با سرلشکر قرنی - نظر شاه درباره
دکتر امینی

بیماری سلطان محمد رضا شاه پهلوی

در چند سال اخیر آنچه گفته و نوشته شده این است که محمد رضا شاه پهلوی از بیماری سلطان خود تا هنگام اقامت در ایران آگاه نگردید زیرا دکترا یادی مانع شده بود. ولی در مصاحبه‌ای که در آبان ماه ۱۳۷۲ منصوره پیرنیا بارضا پهلوی (رضاشاه دوم) کرده و در کیهان لندن چاپ شده در پاسخ چنین گفته است:

پدرم در سال ۱۹۷۵ می‌دانست که مبتلا به بیماری سلطان است و بیماری خود را از مردم پنهان نگه داشت. پادشاه برای خود مهلتی داشت. آرزو داشت که دوران انتقال و سرکار آمدن و لیعهد تازمانی که زنده است پیش بیاید و امیدواریوود با پنهان نگهداشت اسرار بیماری خود و مصرف داروهای لاقل لازم تابیست سالگی و لیعهد زنده بماند. افسوس که پدرم حقیقت را به مردم نگفت. نه اینکه می‌خواست چیزی را از مردم پنهان نگه دارد بلکه می‌دانست که اگر غریبیها از ضعف و بیماری او بیخبر شوند بلاعی خانمانسوز بر سر آن مردم و مملکتش خواهند آورد و حدس ایشان تا حدودی با حقیقت و واقعیت درست درآمد. امامن معتقدم که اگر مردم ایران می‌دانستند که پادشاه آنها بیمار است و اسرار بیماری خود را باملت در میان می‌گذاشت، آن مردم رئوف و مهریان هرگز بپادشاه بیمار چنین رفتار نمی‌کردند.

۳۹ میلیون دلار ارث محمدرضا شاه

دراين مصاحبه همچنین رضا پهلوی درباره ارث پدر خود چنین گفته است:

شاید عدد اي باور نکنند ولی برخلاف شایعات در زمانی که پدرم فوت کرد ۳۹ میلیون دلار از ایشان ارث مانده بود که بین شش نفر تقسیم شد و يك خانه در سن موریتس که هنوز جمهوری اسلامی خواهان آن است. سهم مرا هم عامل رژیم اسلامی که بعلت روابط خانوادگی وارد حريم ما شده بود برد (یعنی سه چهارم زندگی من). تنها راه امرار معاش وزندگی من اکنون کمک هزینه اي است که از مادرم می گيرم و خانه اي که در آن زندگی می کنم و قيمت روز آن هر چه باشد.

سپهبد رزم آرا چرا کشته شد؟

با اينکه خليل طهماسبی اعتراف کرده که به دستور رهبر فدائیان اسلام سپهبد رزم آرا را کشته و سرانجام بعنوان قاتل اعدام شد هنوز هم افرادی اظهار نظر می کنند که قاتل فرد دیگری است. مهدی نیا در کتابی که منتشر ساخته نامه ای از ابراهیم مهدوی وزیر کشاورزی دولت رزم آرا چاچاب کرده که از نظر تاریخی اهمیت دارد بهمین جهت خلاصه ای از آن نقل می گردد:

راجع به کودتای رزم آرا احساس مالین بود روزی که نمایندگان مجلسین سنا و شوری و رجال مملکت برای شرکت در تشریفات رسمی واگذاری اراضی خالصه به زارعین می روند سپهبد رزم آرا تصمیم داشت آنها را دسته جمعی توقيف کند و تشکیلات و رژیم تازه ای را بوجود آورد. رزم آرا چندبار لزوم انحلال مجلسین را به شاه گوشزد کرده بود و بالاخره موافقت شاه را گرفت. قرار بود روز پنجم شهریور ۱۷ اسفند انحلال مجلس اعلام گردد. ولی رزم آرا یک روز پیش از انجام این نقشه کشته شد. شاه می خواست آن روزیه ورامین برود. در نظر بود عدد ای از بیکاران جلو مجلس رفته با تظاهرات به اجرای این نقشه

کمک کنند تا پس از تعطیل مجلس ابتدامراکزنظامی اشغال و تا ۸۴ ساعت ارتباط تهران با خارج قطع شود و عده ای از رجال و روحانیون بازداشت شوند. این تصمیمات بالاطلاع مقامات خارجی حتی سفارت شوروی اتخاذ گردیده بود.

صادق بوشهری می گفت ازعلاء بعد از ترور روز آرا شنیدم که می گفت روز قبل از ترور روز آرا قرار بود چهار هزار نفر از کسبه بیایند جلوی مجلس واژرفتا روزنامه نگاران ابراز تنفر کنند که به مقام سلطنت اهانت می کنند و هنگام این تظاهرات چاقوکشان بربیزند و به مجلس حمله کنند که در آن صورت عده ای حدود پنج هزار نفر کشته می شدند. بهمین جهت گفته می شود که کشته شدن روز آرا وسیله انگلیسها بوده است.

حایری زاده نیز اظهار داشته که بار زم آر اروابط صمیمانه داشته است و در طول مدت نخست وزیری چهار بار با او ملاقات کرده است. روز آرا تمايل شدیدی بهمکاری با جبهه ملی داشت ولی گفته شد مصدق و کاشانی مخالفند و این کارا مکان ندارد. روز آرابه ملی شدن صنعت نفت راضی بود.

در آخرین ملاقات به روز آرا گفتم در صحنه سیاست زمینه خوبی ندارید، سیاست انگلیس با شما خوب نیست و شمارا متمهم بهمکاری با سیاست شمالی می کنند، فرار توده ایها با نظر مساعد شما بوده و با فرمول ملی شدن نفت هم موافقید. روز آرا همه گفته های مراتأیید کرد. من گفتم پس گرفتن لایحه نفت هم اشتباه بزرگی بود بنظر من راه حل این است که شما استعفا کنید و برای مدتی به خارج بروید تا اوضاع آرام شود و مجددا نخست وزیر خواهید شد. روز آرا قبول نکرد که حادثه ترور پیش آمد.

حایری زاده همچنین گفته است که در طرح آزادی خلیل طهماسبی هم قید شده که (اگر طهماسبی مرتکب قتل شده باشد)

پرونده قتل رزم آرانشان می دهد که از پشت سر زم آرا چند تیر خالی شده است بنابراین جای بحث می باشد.

سید ضیاء هم که مرتب به دیدن شاه می رفت روز چهارشنبه ۱۶ اسفند در کاخ اختصاصی به شاه می گوید به رزم آرا بگوئید استعفا کند. الان استعفا کند بهتر است تاسوعتی بعد.

کودتای عبدالکریم قاسم در عراق به موازات کودتای سرلشکر قرنی در تهران

در نشریات مختلف بعضی از نویسندهای بین کودتائی که عبدالکریم قاسم در عراق انجام داد و توفیق حاصل کرد با کودتائی که قرار بود سرلشکر قرنی انجام دهد و شکست خوردار تباطی برقرار ساخته اند از این جهت این قسمت از مطالب در تکمیل مطالب سابق منتشر می گردد:

مارک - ج - گازیورو سکی استاد دانشگاه لوئیزیانا آمریکا در کتاب خود (شاه و سیاست آمریکا) درباره کودتای سرلشکر قرنی چنین می نویسد:

این توطئه بمنظور این در دولت دکتر اقبال در حال تکوین بود که (شاه سلطنت کند نه حکومت او پادشاه مشروطه باشد). سرلشکر قرنی فرمانده شاخه اطلاعاتی ارتش رهبری این توطئه را بر عهده داشت ولی بامضی هاو سازمانهای دیگر در ارتباط نبود.

قرنی مدتی بود که عدم رضایت خود را از رژیم شاه ابراز می کرد و این رازرا که در صدد کودتامی باشد خیلی هادر تهران می دانستند اما چیزی را که خیلی ها نمی دانند این است که قرنی به شاه گفته بود به عنوان ستون پنجم عمل می کند و می خواهد چهره های برجسته

سیاسی مخالف را به توطئه ای بکشاند و نام آنها را افشا کند ولی در حقیقت توطئه او واقعی بود و بی شاه چنان گفته بود تا بتواند برنامه خود را چنان عمل کند که شاه بدگمان نشود. سرانجام دو روز قبل از این که کودتا برحله اجراء بر سد قرنی بازداشت و به سه سال زندان محکوم شد. همدستان او از افراد جور و اجور بودند و دکتر علی امینی هم هم‌دست آنها شناخته شد که از سفارت ایران در آمریکا بر کنار شد. مقامات سفارت آمریکا کرارا باقر نی ملاقات کرده و با این که اورابه کودتا تشویق می کردند به شاه هشدار نداده بودند. از این جهت شاه بدگمان شده بود که مباداً آمریکا و انگلستان پشت کودتا قرار دارند. کودتای عبدالکریم قاسم شبیه کودتای قرنی بود که در عراق توفیق یافت ولی در ایران شکست خورد.

در ملاقات‌هایی که با بعضی از مقامات سابق سفارت آمریکا داشتم آنها اعتقاد داشتند ملاقات با قرنی و هشدار ندادن به شاه به معنی پشتیبانی (دو فاکتوی) آمریکا از کودتا بود.

پس از کودتای عبدالکریم قاسم در عراق شاه به شدت دچارت رس شد و تغییراتی در سیاست خود داد و بیه خیلی از افراد و مقامات بدگمان شد. آمریکا برای دریافت کمک‌های نظامی در فشار گذارد و با شوروی حسن مناسبات برقرار کرده تا شوروی از فکر براندازی در ایران منصرف شود. ولی شاه هیچ تلاش مستقیمی برای بهبود روابط با مصدقی‌ها نکرد.

ماجرای کودتای قرنی و کودتای عراق برای مخالفین شاه نشانه دلگرم کننده‌ای بود ولی شاه هم دقیقاً به وضع افسران ناراضی توجه داشت و خطر عمدی ای او را تهدید نمی‌کرد.

اسفندیار بزرگمهر که در ماجرای اتهام کودتای قرنی بازداشت شده بود می‌نویسد: روز یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۳۶ بازداشت شدم. مرا

به اتاق سپهبد بختیار رئیس ساواک بردند. ضمن بحثی کفت گزارشی درباره کارهای شما داده شده که از جمله به یونان سفر کرده و با (فوستردالس) وزیر خارجه آمریکا و (رون تری) سفیر آمریکا در آتن ملاقات کرده و مطالبی علیه شاه و دولت اظهار داشته اید که موجب نگرانی اعلیحضرت شده و از من خواسته اند تا شخصا تحقیقاتی بعمل آورم. مقصود شما از این اقدامات چیست؟ گفتم گزارش جعلی است و با آنها ملاقاتی نداشته ام فقط برای گردش رفته بودم.

بختیار پرسید آشنائی شما با سرلشکر قرنی چگونه بود؟ گفتم وسیله سرلشکر عمیدی با ایشان از سال ۱۳۲۹ آشنایی دارد و دوستی و ارتباط ماهنوز برقرار است.

با این نظر زمراه زندان قزل قلعه بردند. بعده سرهنگ صمدیانپور از من سوالاتی کرد و گفت می دانید که سرلشکر قرنی نظامی است و حق مداخله در سیاست را ندارد. گفتم هر ایرانی حق دارد درباره سیاست کشورش صحبت کند.

در رابطه با اتهامات قرنی همچنین حسن ارسنجانی - علی اکبر مهتدی معاون سابق رزم آرا - سید محمد باقر حجازی مدیر روزنامه وظیفه - حسن اعرابی و حسینقلی شاملواز دوستان قرنی بازداشت شدند.

مهتدی از افسرانی بود که در مقام دادستانی ارتضی احکامی برخلاف میل دربار صادر کرده بود وقتی رزم آرا او را بعنوان معاون نخست وزیر تعیین کرد فرمانی به نام او صادر نشد. او هر گز مخالفتش را با شاه پنهان نمی کرد و با قرنی آمد و دورفت داشت.

در بازجویی از من پرسیدند آیا سرهنگ انسویروانی و سرتیپ یاوری و سرهنگ فخر نیارامی شناسید؟ گفتم از دوستان سرلشکر قرنی هستند. پرسیدند شما با نخست وزیر مخالفید؟ گفتم بله نخست وزیر باید بارای تمايل مجلسین باشد و هیچ نخست وزیری تنها با فرمان ملوکانه

نمی تواند نخست وزیریاشد. پرسیدند باسفارت آمریکا و انگلستان ارتباط دارید؟ گفتم به سبب رابطه شغلی با مأمورین این سفارتخانه هارفت و آمدی وجوددارد.

چندبارین سرلشکر قرنی و حسن ارسنجانی و من مواجهه با حضور سرلشکر آزموده دادستان نظامی و سپهبد بختیار و ارتشد هدایت و سپهبد کیا صورت گرفت. سرتیپ سالم سوالاتی می کرد که پاسخ می دادیم.

سرلشکر آزموده از قرنی پرسید صورتی بدست آمده که هیئت دولت را تشکیل داده اید و نام وزرای خود را هم تعیین کرده اید. آیا دکتر امینی را برای نخست وزیری انتخاب کرده اید؟ و خود هم وزیر کشور هستید؟ قرنی گفت هر آدم صالحی می تواند نخست وزیر شود، من اصلاح دکتر امینی را نمی شناسم. ضمن گفتگویان آزموده و ارسنجانی مطالب تندی رو بدل شد. سرانجام قرنی به سه سال زندان محکوم و سایر متهمین آزاد شدند.

قرنی در سال ۱۳۹۲ شمسی متولد شده و پس از تحصیلات مقدماتی دانشکده افسری را طی کرده و مدارج نظامی را با سرعت پیمود. در سال ۱۳۳۶ به اتهام توطنه ضدسلطنت به سه سال زندان محکوم و در سال ۱۳۴۲ نیز در واقعیت ۱۵ خداداد دستگیر و به اتهام ملاقاتهای مکرر با آیة الله میلانی به سه سال زندان مجدد محکومیت یافت. پس ازانقلاب به ریاست ستاد ارتش منصوب گردید و امرای ارش را برکنار ساخت. در واقعه کردستان بادولت اختلاف پیدا کرد و استعفا داد. روز سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ وسیله گروه فرقان به قتل رسید که این گروه معجونی بود از سازمان امنیت و دستگاه اطلاعاتی آمریکا و شاخه ای از مجاهدین خلق که بعداً آیة الله مطهری را هم ترور کرد و تصمیم به قتل رفسنجانی هم داشت که توفیقی نیافت.

در خرداد ۱۳۵۹ دادگاه انقلاب اسلامی شش تن از بین اندکزاران گروه فرقان به اسمی: اکبر گودرزی - علی حاتمی - عباس عسکری - حسن اقرلو - سعید مرآت - علیرضا شاه بابا بیک تبریزی را محکوم و همه رااعدام کرد.

دکتر امینی و آمریکائیها
وقتی زاهدی دکتر امینی را به عنوان وزیردارائی
در فرودگاه معرفی کرد شاه یکه خورد.

در کتابهای مختلفی که درباره ایران نوشته شده همه وحدت نظردارند که کندي دکتر امینی را برای نخست وزیری به شاه فقید تحمیل کرده است. خود شاه نیز رسما به این کار اشاره کرده است. شاه فقید حتی با وزارت دکتر امینی هم موافق نبود. سید حسین دها در جلد چهارم کتاب های خود (یادداشت های عمر) چنین می نویسد: در روز ۲۵ مرداد وقتی شاه از خبر شکست کوتاه اطلاع یافت به اتفاق ثریا با هواپیما عازم بغداد گردید. شاه از بغداد عازم رم می گردد. مهندس صادق فرزند مستشارالدوله صادق برای نگارنده چنین تعریف کرد:

وسیله رادیو از سفر شاه به رم آگاه شدم. با فولکس واگن کوچک خود به فرودگاه رفتم. از شاه خواهش کردم که به اتفاق ثریا در اتومبیل کوچک من سوار شوند. آنها به زحمت در اتومبیل من نشستند و من آنها را به هتل بردم و سه شب درب اتاق صندلی گذارده کشیک می دادم. شاه در اتاق مرتب قدم می زد و گاهی در را بازمی کرد و از من می خواست که برای استراحت به خانه بروم ولی من اجازه می خواستم که ازاوم را بگیرم.

شاه چون پولی نداشت که برای ثریاکفس بخردمداریه بازرگان خدمت شاه رسید و چک سفیدی تقدیم می کند.

شب سوم نیمه شب یک خبرنگار ایتالیائی شتابزده به هتل آمد و اصرار داشت که همان دقیقه شاه را ببیند و گفت خبر خوبی برای شاه دارد و باید به او بگوید و مژده‌گانی بگیرد. هرچه می گفت شاه خواب است و خبر را به من بده قبول نکرد. در اثر گفتگوی ما شاه درب اتاق را باز کرد که خبرنگار گفت در تهران زاهدی موفق شده و مصدق گرفتار گردید. رنگ از صورت شاه پرید و پس از چند دقیقه جریان را دقیقا از خبرنگار پرسید که شاه ازاو تشکر کرد و به طبقه اول برای مصاحبه آمد. اعضای سفارت در کنار در هتل صف کشیده بودند. شاه وقتی چشمش به آنها افتاد ناراحت شد و از آنان روی برگرداند. تازمانی که تلگراف زاهدی به شاه نرسیده بودندگران بود.

سپهبد زاهدی در نیس به من گفت وقتی شاه به ایران مراجعت کرد و در فرودگاه وزراء را به او معرفی کردم تا به دکتر امینی رسیدم شاه ناراحت شد ولی چیزی نگفت و بعداً مرا به کناری کشید و گفت چرا امینی را انتخاب کردی؟ مگر نمی دانی که مورد اعتماد مانیست. گفتم هندرسون سفیر آمریکا به من اتمام حجت کرده چنانچه از آمریکا انتظار کمک داشته باشد باید بدانید که مافقط به علی امینی اعتماد داریم و او باید قرارداد نفت را مضاکند.

در ۲۵ مرداد نیز یکبار روزنامه های جهان نوشتند (رژیم سلطنتی در ایران سقوط کرد) ولی پس از سه روز معلوم شد که رژیم سلطنت در ایران ادامه یافته و سلطنت پهلوی دوام دارد. ناگهان شعار هادر تهران تغییر گرد.

توضیحاتی درباره مطالب جلد های قبلی

نامه های زیادی به دستم رسیده ولی متأسفانه توفيق حاصل نشد که همه آنها منتشر گردد. ولی خلاصه ای از چند نامه به نظرتان می رسد:

نامه ای از مهدی سمیعی
دوست گرامی آقای دکتر الموتی

جلد سیزدهم مجموعه پارازش شمارا خواندم. در صفحه ۴۳۵ آن از قول آقای دکتر شمس الدین امیر علائی ذکری از خانم بدری آجودانی و من در ارتباط با تشکیل یک کابینه ملی به ابتکار اعلیحضرت شده است. این اولین بار نیست که درباره این مطلب صحبتی به میان آمده است. آقای امیر طاهری هم در کتاب خود (زندگی ناشناخته شاه) صفحه ۲۴۳ چنین می نمایاند که گویا من از طرف شاه مأمور شده بودم با آقای مهندس بازرگان برای تشکیل دولتی به ریاست او تماس برقرار کنم. نزدیک به ۱۸ ماه پیش به ایشان نوشتم که چنین چیزی هرگز رخ نداده و آنچه نوشته نادرست می باشد. (کپی نامه ضمیمه است.)

دست کم آقای طاهری پای کس دیگر را به میان نکشیده بود. به هر روی موضوع درست نیست. اعلیحضرت یا شهبانو نه به من

تنها و نه به من به اتفاق خانم بدری آجودانی هرگز چنین مأموریتی نداده و چنین کاری را از من نخواستند و دراین ماجرا از طرف اعلیحضرت من هرگز دست به فعالیتی نزدم.

آنچه رخ داد به خواهش دوست بزرگوار و دانشمند خودم و استاد بزرگ برادرم دکتر خسرو سمیعی یعنی آقای دکتر مهدی آذر و به ابتکار ایشان بود و من خوشحال شدم و سریلند بودم و از این که ایشان می‌اندیشیدند آنچه مورد نظرشان بود از من ساخته است. من هم کوشش خودرا کردم و اگر به جائی نرسید لابد گناه از ناشیگری من بود.

به هر روی آنچه در آن زمان مطرح بود در اوایل آبان سال ۱۳۵۷ پیش آمد و در اواسط آذر هم به گمان من به علت مداخله ناشیانه و عجولانه و شاید از روی بی‌خبری دونفر از اعضای جبهه ملی که هر دو درگذشته اند بی‌نتیجه قطع شد و آنچه دکتر آذر می‌جست با شکست روپرتو گردید. باید اضافه کنم که دراین فعالیت هیچگونه تماس و مذاکره‌ای با آقای مهندس بازرگان، دست کم از طرف من انجام نشد.

نمی‌دانم آقای شمس الدین امیرعلائی اطلاعاتش را از کجا و از چه منبعی به دست آورده است. اگر همه اش در ردیف افسانه (معالجه دل درد) توسط دکتر آذر باشد، باید به ایشان جایزه خاصی برای نیروی وهم و خیال داده شود. هرچند در طی عمر من از تندرنستی کاملی برخوردار نبوده ام ولی در طفولیت از دل درد و سردرد به ندرت رنج برده ام و هرگز نیازمند به درمان بابت آنها نبوده ام. با وجود این و برای همیشه مدیون بزرگ منشی و سلامت نفس، وقار، آرامش و حذاقت دکتر مهدی آذر بوده و هستم.

بادرود فراوان و آرزوی کامیابی بیشتر - مهدی سمیعی

مهدی سمیعی از دولتمردان کاردان عصر پهلوی می‌باشد که

در هنگام تصدی بانک مرکزی و سازمان برنامه شایستگی خود را نشان داده است. او هیچگاه گرد سیاست نگشت و هریار که شاه فقید می خواست پای او را به سیاست بکشد، با نرمش خاصی ماهراهه خودرا کنار می کشید که نمونه آن دبیرکلی حزب مردم بود که پیشنهاد کرد ناصر عامری برای اداره حزب بهتر از او می باشد.

هنگامی که مهدی سمیعی مدیرعامل سازمان برنامه بود نویسنده کتاب ریاست کمیسیون برنامه مجلس را بر عهده داشت که مرتبا او را در کمیسیون برنامه می دیدم. در بحث ها و گفتگوها او را بسیار منطقی و مؤدب شناختم. هر پیشنهاد صحیحی که مطرح می گردید با حسن استقبال او روبرو می شد ولی اگر پیشنهاد به نظرش قابل قبول نبود صریحا آن را رد نمی کرد بلکه می گفت احتیاج به مطالعه دارد. از آن دولتمردانی نبود که وقتی فرمان ریاست به دستش می دادند خود را (عقل کل) بداند و بگویند (حرف، حرف من است). با همکارانش خیلی دوستانه رفتار می کرد و اکثر آنها را با اسم کوچک صدا می زد تا با جلب دوستی آن ها در کارش توفيق زیاد تر داشته باشد. بهمین جهت همکارانش از او خاطره خوبی دارند.

خوشوقت هستم که مهدی سمیعی قلم به روی کاغذ آورد و گوشه ای از تاریخ معاصر ایران را روشن ساخت.

روزنامه ایران آزاد
یکی از علاقمندان به کتابهای ایران در عصر پهلوی چنین نوشته است:

در جلد چهاردهم اشاره ای به روزنامه (ایران آزاد) شده بود که از نظر ثبت در تاریخ لازم به نظر رسید توضیحات زیر داده شود:
در سال های آخر سلطنت محمدرضا شاه روزنامه (ایران آزاد) توسط مخالفین رژیم با مطالب بسیار تنی در واشنگتن منتشر می

شد که تیراژ آن تا ۲۶ هزار شماره رسیده بود ، مخالفین با تشکیلاتی که بوجود آورده بودند مطالب این روزنامه را به زبان انگلیسی ترجمه کرده برای خیلی از مقامات از جمله سناتورها و نمایندگان مجلس آمریکا می فرستادند که تأثیر زیادی در محافل خارجی داشت.

بعد از سقوط رژیم از طرف آزاده شفیق نیز روزنامه ای به نام (ایران آزاد) منتشر گردید که از رژیم سلطنت به شدت حمایت می کرد که پس از چند سال انتشار تعطیل گردید.

اخیرا نیز روزنامه ای به نام (ایران آزاد - نشریه جبهه ملی در اروپا) منتشر گردید که شماره مسلسل آن به ۱۶۷ رسیده است.

ناشرین ایران آزاد نه تنها با هم ارتباطی ندارند بلکه از نظر فکری هم اختلاف زیادی دارند. بررسی مندرجات این سه روزنامه نشان می دهد که یکی از مخالفان سلطنت پهلوی و دیگری متعلق به عضوی از خانواده پهلوی و سومی نشریه جبهه ملی است.

* * *

ترور بدراه ای و بیگلری و اعدام نشاط

در جلد چهاردهم در صفحات ۳۰۶ تا ۳۱۰ درباره ترور سپهبد بدراه ای و سرلشکر بیگلری و سرلشکر نشاط پس از وقایع ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مطالبی انتشار یافت. مطلعی گفت در مدرسه رفاه زندانی بودیم که سرلشکر نشاط را به آنجا آوردند و بعداً محاکمه و اعدام شد. روز ۲۳ بهمن فقط سپهبد بدراه ای و سرلشکر بیگلری ترور شدند.

ضمیمه کتاب

هزار فامیل در ایران و نقش برادران موفق در بخش های دولتی و خصوصی در عصر پهلوی

سال ها بود که ایران به کشور (هزار فامیل) معروف شده بود و مشاغل و مقامات بین چندخانواده معین تقسیم می شد و دست می گشت و حتی القاب از پدر به پسر منتقل می شد و در زمان قاجاریه این وضع خیلی متداول شده بود که حتی با پرداخت پول القاب و مقامات به اشخاص داده می شد که در مقالات نویسنده‌گان وقت این انتقال شغل و منصب دیده می شود.

افرادی در (قنداق) بوده اند که به آنها قب (سالار و سرتیپ) داده می شد.

مقام مستوفی گری را به کسانی می دادند که حتی به سن بلوغ نرسیده بودند، ولی یک فرد مسن و متخصص را بعنوان همکار او معرفی می کردند تا کارها اداره شود.

باروی کارآمدن رضا شاه و اعزام دانشجویه اروپا و اگذاری مشاغل به افراد تحصیل کرده و لایق بدون توجه به ریشه‌های فامیلی بتدریج در میان خانواده‌ها افرادی پیداشدند که سعی نمودند برادران خود را هم یدک بشنند. البته فامیلهای بودند نظیر فرمانفرما که با اعزام فرزندان خود به اروپا و مراقبت دقیق دروضع تحصیلی آنها چنان افراد شاخصی در اجتماع شدند که بدون توجه به ریشه فامیلی چند نفر از آنها در مشاغل حساس دولتی و خصوصی کارهای مهمی بدست آوردند.

نخست وزیرانی که نسبت فامیلی داشتند

یوسف مستوفی و حسن مستوفی (مستوفی المالک) در زمان قاجار و پهلوی نخست وزیر شدند. همچنین علاءالسلطنه و حسین علاء در مشروطیت به نخست وزیری رسیدند و نیز رجبعلی منصور و حسنعلی منصور که از شاهان پهلوی فرمان صدارت گرفتند (پدر و پسر) بودند.

دکتر مصدق و دامادش دکتر متین دفتری و خواهرزاده اش سهام السلطان بیات (از نخست وزیران عصر پهلوی بودند). امین الدوله و نوه اش دکتر امینی و پدر همسرش وثوق الدوله و عمومی همسرش قوام السلطنه در عصر قاجار و پهلوی به نخست وزیری رسیدند. همچنین دامادهای دختر و وثوق الدوله حسنعلی منصور و امیر عباس هویدا از پهلوی دوم فرمان نخست وزیری گرفتند.

در تمام دوران مشروطیت فقط دو برادر بودند که به مقام نخست وزیری رسیدند (قوام السلطنه و وثوق الدوله). مؤمن الملک هم به نخست وزیری انتخاب شد ولی قبول نکرد و اگر او هم فرمان گرفته بود با برادرش حسن پیرنیا (مشیر الدوله) که قبل از نخست وزیر شده بود دو برادر دیگر بودند که به نخست وزیری رسیده بودند. صنیع الدوله رئیس مجلس هم با مخبر السلطنه هدایت نخست وزیر برادر بودند.

با بررسی ریشه های فامیلی معلوم می شود که مستوفی المالک - وثوق الدوله - قوام السلطنه - علاءالسلطنه - حسین علاء - دکتر مصدق - دکتر متین دفتری - سهام السلطان بیات - امین الدوله - دکتر علی امینی - حسنعلی منصور - امیر عباس هویدا بایک دیگر نسبت سبیلی و یا نسبی داشته اند.

برادرانی که نقش مهمی در تاریخ ایران داشته اند (وثوق الدوله و قوام السلطنه) امی باشند که با مقام نخست وزیری هریک قسمت مهمی از تاریخ ایران را بخود اختصاص داده اند. از خانواده امین الدوله باید گفت دکتر علی امینی - ابوالقاسم امینی - سرلشکر امینی و ... هر کدام بنویه خود تاریخساز بوده اند. خانواده فروغی (ذکاءالملک - محمود - محسن - مسعود) به حسن شهرت معروف بوده و همواره شاغل کارهای حساسی بوده اند. دکتر مصدق باداشتن ریشه فامیلی و با نفوذ عمیق در بین طبقات مختلف مردم و شهرت بین المللی و دامادش دکتر متین دفتری در مقام نخست وزیری و بعد او کالت و سناتوری نامشان در تاریخ قاجار و پهلوی همه جا بچشم می خورد. خانواده های آهی - اسکندری - اسدی - جهانبانی - نفیسی - حکمت - عدل - بهرامی - حکیمی - صادق - سمیعی - هدایت - صفاری - فروهر - بیات - اسفندیاری - بوشهری - سپهر - صدر - علم - خزیمه علم - امامی - مشیر فاطمی - فاطمی - زاهدی - کلالی - بختیاری - قشقائی - علاء - هدایتی - عبده - راجی - مهران - اعتبار - مهدوی - بهنیا - صوفی - نصر - جهانشاهی - ریاحی - تفضلی - شبیانی - هویدا - انصاری - شهرستانی - جم - افشار - دولت آبادی - افشار قاسملو - نصیری - بهبهانی - سجادی - میر فندرسکی - رزم آرا - منصور - مستوفی - صفی - نیا - وارسته - تیمور تاش - افخمی - طباطبائی - فاطمی - زند - اعتبار - زنگنه - ملکی - دیبا - کاسمی - ریاحی - مین باشیان (پهلبند) - شاهقلی - نیک پی - یگانه - خلعت بری - مهدوی - نخجوان - سیاح - رئیس - مالک - نجم - غفاری - اخوی - نمازی - اکبر - اردلان - انصاری - گنجی - دفتری - آریانا - نامدار - مجیدی - صادق - گلشاهیان و ... مشاغل مهمی را در کشور عهده داری بوده اند. به این نحو که چند تن

از افراد این خانواده‌ها کارا به مقامات حساس رسیده‌اند ولی افراد دیگری هستند که شخصاً سال‌ها مقامات مهمی را عهده داربوده‌اند ولی فقط یک نفر از یک خانواده بوده ولی خانواده‌های نامبرده بالا افراد زیادی در مشاغل مهم سیاسی و پارلمانی و دولتی و خصوصی داشته‌اند. از برادران موفقی که بعضی از آنها را از نزدیک می‌شناسم می‌توان چند خانواده را ذکر کرد.

فرمانفرما ۳۶ فرزند داشت که چهار تن آنها در زمان حیات او فوت کردند و بقیه افراد موفقی در مشاغل دولتی و خصوصی بوده‌اند که عبارتنداز فیروز میرزا (نصرت‌الدوله) - عباس میرزا فرمانفرمائیان (سالار لشگر) - سرلشکر محمدحسین فیروز - محمدولی فرمانفرمائیان - دکتر صبار - هارون الرشید - فاروق - کاوه - جمشید - علینقی - حافظ - سیروس - علیداد - عبدالعلی - منوچهر - عبدالعزیز - ابوالبیشر - خداداد - کریمداد - الله وردی - تاری وردی - و دختران ستاره - حمیرا - جباره - ثریا - لیلی و هایده... مریم فیروز همسر دکتر کیانوری نقش مهمی در گردش حزب توده ایران داشته است. مظفر فیروز نوه فرمانفرما از بیازیگران سیاسی ماهری بود که به وزارت وسفارت ایران در مسکو رسید. اسکندر فیروز داماد علاءهم سالها معاون نخست وزیر بود.

سپهبدزاده‌ی و پسرش اردشیرزاده‌ی از بیازیگران مهم سیاسی عصر پهلوی بوده‌اند.

خانواده پیرنیا که جد آنها میرزا نصرالله مشیرالدوله اولین نخست وزیر دوره مشروطیت بود و فرزندانش (حسن پیرنیا) مشیرالدوله به نخست وزیری و (حسین پیرنیا) مؤمن الملک به ریاست مجلس رسیدند. دیگر افراد خانواده ابوالحسن پیرنیا (معاضدالسلطنه) - احمد پیرنیا (اعتلاءالسلطنه) داود پیرنیا - دکتر حسین پیرنیا و باقر پیرنیا هستند که به مقامات مهمی از قبیل وزارت و استانداری و

معاونت ووکالت رسیدند.

همه آنها ازاعقاب (پیرنائین) هستند که نواده های پسری (پیرنیا) و نواده های دختری (پیرزاده) نامیده شده اند و نقش این دو خانواده در سیاست ایران مهم بوده است.

برادران انتظام (عبدالله و نصرالله) که سالیان دراز مقامات مهمی داشته اند. نصرالله شهرت جهانی داشت که رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متعدد شد.

برادران اقبال (علی - محمد - منوچهر - خسرو - احمد) که در پارلمان و دولت و کانون وکلادربین سفرا هر کدام کار مهم و حساسی داشتند. دکتر منوچهر اقبال از میان آنها به مقام نخست وزیری و وزارت دربار و ریاست دانشگاه رسید. مردی درستگار و امین بود. سایر برادران هم هر کدام در شغل و مقام خود افراد موفقی بوده اند.

برادران معظمی (عبدالله - سیف الله - اسدالله و ...) که در مشاغل ریاست مجلس و استادی دانشگاه و وزارت و قضاوت قرار داشته اند دروش شان احترام آمیز بود. برادران صالح (اللهیار - دکتر جهانشاه - علی پاشا - سلیمان پاشا - سپهبد صالح - نادر و ...) از برادرانی بودند که با داشتن تحصیلات عالی در هر شغلی چه خصوصی و چه دولتی و چه نظامی نقش حساسی را عهده دار بوده اند که نمونه بارز آنها اللهیار صالح بود که به پاکدامنی و وارستگی شهرت داشت.

برادران خسروانی (شهاب - مرتضی - عطاء - خسرو - پرویز) که در مقامات وزارت و معاونت نخست وزیر و سیاست بسیار فعال بوده اند. عطاء خسروانی با سمت وزیر کار و وزیر کشور و دبیر کلی حزب ایران نوین نقش مؤثری در سیاست داشت. سپهبد پرویز خسروانی با تأسیس باشگاه های ورزشی تاج و مقام معاونت نخست وزیر و سرپرست تربیت بدنی در امر توسعه ورزش بسیار فعال بود. سایر

برادران نیز در مقام نایندگی مجلس و سفارت ایران و مقامات نظامی از افراد برجسته‌ای بشمار می‌آمدند.

برادران آموزگار (جهانگیر - جمشید - کورس - هوشنگ) با تعلیمات خاص پدر (حبيب الله آموزگار) به نخست وزیری و وزارت سفارت رسیدند و با تحصیلات عالی که پشتوانه آنها بود در عصر پهلوی درخشیدند.

برادران رهنما (مجید - حمید) در دولت هویدا به مقام وزارت رسیدند، با توجه به نقش پدرسالاری زین العابدین رهنما که از بازیگران تیزهوش عصر پهلوی واژروزنامه نگاران و نویسنده‌گان معروف بود و سال‌هاره بری انجمان قلم را بر عهده داشت. خانواده‌های (رهنما - تجدد - حائری) بستگی فامیلی داشته و کارهای مهمی را عهده داربوده‌اند.

برادران شادمان (فخر الدین - جلال - ضیاء - باقر) بار سیدن به مقام وزارت و وکالت و سناتوری و تصدی به کاربانکداری از برادران موفق آن ایام بودند. برادران ذوالفقاری (محمد - محمد - ناصر - هدایت - مصطفی و...) که از خاندان‌های قدیمی ایران بوده و به علت داشتن املاک وسیع آنها را مظہر فتوvalیسم می‌دانستند ولی در مبارزه با فرقه دموکرات خدمت بسزائی کرده و سال‌ها در مقام وزارت و وکالت و مشاغل اجتماعی قرار داشتند.

برادران ابتهاج (ابوالحسن - غلامحسین - احمدعلی) نقش مهمی در کارهای بانکی و سازمان برنامه و اداره امور شهرداری و تأسیس کارخانه سیمان و امور ساختمانی داشته و هریک کارمه‌می‌المجام می‌دادند. ابوالحسن ابتهاج در مقام ریاست بانک ملی و سازمان برنامه و سفارت ایران در پاریس قرار داشت و کوس نخست وزیری می‌زد. هر سه برادر در کار خود لیاقت بخراج داده‌اند.

برادران فولادوند (امیرقاسم - غلامرضا - سرلشگر علی و امیر

حسین) نیز در مقامات استانداری و معاونت نخست وزیر و فرماندهی لشکر و نماینده‌گی مجلس سالیان دراز مصدر شغل و خدمت بوده اند.

برادران شریف امامی (محسن- جعفر- مهدی) که بارسیدن مهندس شریف امامی به نخست وزیری و ریاست مجلس سناوریا است اتاق بازرگانی و بنیاد پهلوی ازیازیگران مهم عصر پهلوی گردید.

دکتر محسن که علاقه‌ای به سیاست نداشت از نورمازندران به مجلس راه یافت و مهدی شریف امامی در کارآزادماندو صاحب ثروت قابل توجهی شد. داماد آنها (احمد آرامش) چندبار وزیر شد و سرانجام بدنبال اعلام جمهوریت با تروازیین رفت. وصلت مهندس شریف امامی با خاندان معظمی که از خانواده‌های نیکنام بشمارمی‌رفت موجب توسعه و فعالیت این دو خانواده در سیاست شد.

برادران رزم آرا همه تحصیل کرده و مصدر کارهای مهم بودند. سرتیپ رزم آرا قطب نمای رزم آرا را ساخت. سپهبد رزم آرا به نخست وزیری رسید واژلایق ترین افسران ایرانی شناخته شد. سرهنگ حسن رزم آرا در کارهای نظامی موفق بود. مهندس رضا رزم آرا هم اکنون در دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌کند. دکتر منوچهر رزم آرا از وزرای کابینه دکتر بختیار بود که اکنون در پاریس طبابت می‌کند و به کارهای سیاسی نیز اشتغال دارد. خانواده‌های رزم آرا هدایت و فیروز و گلپیرا به علت ازدواج با یکدیگر از خانواده‌های نیرومندی شده که شاغل مقامات مهمی بوده اند.

از خانواده هدایت صنیع الدله رئیس مجلس و پسرش علینقی خان هدایت سناتور فارس شد و مخبر الدله و مخبرالملک و نصرالملک و نیرالملک و رضاقلی و عزت الله هدایت همه مصدر مشاغل مهمی بوه اند.

برادران هدایت (ارتسبد عبدالله- محمد- خسرو- صادق) و برادرزاده‌ها مسعود و سعید افراد شایسته و موفقی بودند که هر کدام

در رشته خود در ارشد - دادگستری - در مقام وزارت و سفارت و بانکداری و نویسنده‌گی شهره و از احترام خاصی برخوردار بوده‌اند. خانواده سمیعی (حسین - نبیل - مهدی - هوشنگ - اسماعیل و ...) که در مقامات ریاست بانک مرکزی و سازمان برنامه و سنتاکس و استانداری و وکالت مجلس وزارت و کارهای دولتی از افراد خوش‌نام بشمار می‌رفتند.

محسود جم نخست وزیر و وزیر دربار و پسرش فریدون جم داماد رضا شاه و رئیس ستاد ارشد و سفیر ایران در اسپانیا و ازدواج دختر جم با ملائکه و نسبت سببی خانواده جم با خانواده‌های ساعد، افشار، قاسم‌لو و مفخم صنیعی که همه در عصر پهلوی نقشه‌های مهمی را عهده دار بوده‌اند.

برادران بهنیا (عبدالحسین - ابوالحسن) به وزارت و مشاغل مهمی رسیدند که از آنها به نیکنامی یاد می‌شود.

برادران نصر (تقی - محسن) که تقی در سازمان ملل متحد و مشاغل بین‌المللی موفق بود ولی در مقام وزارت موفقیتی نداشت. دکتر محسن نصر در وزارت و استانداری و شهرداری تهران بادرستی المجام وظیفه کرد.

برادران مهران (محمود - محمد - احمد) و برادرزاده (حسنعلی مهران) که در مقام وزارت و استانداری و وکالت و ریاست بانک مرکزی و قائم مقامی مدیر عامل شرکت نفت از افراد موفق و شایسته‌ای بودند که هم اکنون حسنعلی مهران برای بانک توسعه جهانی و صندوق بین‌المللی کار می‌کند.

برادران قشقائی یافرزندان صولت الدوله قشقائی (ناصر - محمدحسین - خسرو و ...) که سالیان دراز بر قسمتی از ایران حکمرانی داشتند و ارتباط آنها با دولت و پارلمان و عضویت در مجلس سنای و شورای ملی به خاطر موقعیت خاص آنها در منطقه فارس بود.

برادران تفضلی (جهانگیر- محمود- ابوالقاسم و تقی) هریک در رشته ای درسیاست ووکالت و روزنامه نگاری و وکالت دادگستری و نشر کتاب از مردان موفق بوده اند.

برادران منصور(حسنعلی - جواد) که یکی به مقام نخست وزیری و دیگری به مقام وزارت رسید و پدرهم سال هادر مقام نخست وزیری قرار داشت و با تروی حسنعلی منصور این خانواده وضع تأسف باری یافت.

برادران هویدا (امیر عباس - فریدون) با تحصیلات عالی و تسلط به چند زبان خارجی مقام نخست وزیری و سفارت و ریاست هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل را در اختیار داشته و سالیان دراز (ایران مدار) بوده اند.

برادران ضیائی (طاهر- محمود- خلیل و...) سالها در مقام وزارت و سناتوری و نمایندگی مجلس و ریاست اتاق صنایع و معادن و امور پژوهشگی اشتغال داشته و با توجه به تحصیلات عالی و سوابق خانوادگی (پدر آنها هم وکیل مجلس بود) توانستند مقامات خود را حفظ کنند. با بستگی سببی با مهندس اصفیا و عباسعلی خلعت بری که از شخصیت های ارزنده کشور ما بوده اند جمعاً فامیل موفقی در سیاست ایران بشمار می رفتند، از آنها عباسعلی خلعت بری وزیر خارجه سابق ایران که از دیپلماتهای ارزنده کشور مابود در جمهوری اسلامی به جو خه اعدام سپرده شد که در داخل و خارج این اقدام با تأسف فراوان رو برو شد.

برادران فلاح که از بین آنها (رضا و عباس) از کارشناسان برجسته نفتی ایران شدند که در انگلستان تحصیل کرده و دکتر رضا فلاح از نظر بین المللی در کار نفت بسیار ورزیده و سرشناس بود و هنگامی که انگلیسها از خوزستان رفتند او تنها کسی بود که توانست پالایشگاه نفت آبادان را راه بیاندازد. هنگامی که آنها را برای تحصیل در رشته

نفت به انگلستان فرستادند تعداد محصلین در این رشته بسیار کم بود.
برادرانی هم در سیاست بودند که فامیلهای مختلف داشتند ولی
هر یک بنویه خود در سیاست موفقیتی داشتند. نظیر (وثوق دوله و
قوام السلطنه) که فامیل و ثوق و قوام را تشکیل می دادند.

سروری و علی آبادی که هردو حقوق دان، یکی در مقام وزارت و
ریاست دیوان عالی و دیگری در مقام دادستانی کل نقش مهمی در
سازمان حقوقی مملکت داشتند. از سروری همه به شهامت و درستی و
بی نظری یاد می کنند. دکتر علی آبادی هم مردی پاک و استاد ورزیده
ای دردانشکده حقوق بود.

رامبد و بالاخلو و برادری که یکی گرداننده حزب مردم و دیگری
از فعالین حزب ایران نوین و هردو ناینده مجلس شورای اسلامی بودند که
بطور مسلم نقش رامبد در سیاست ایران خیلی زیاد بود که مدتی هم
با سم وزیر امور پارلمانی به خدمت ادامه داده است.

ورهram - وزیری که سپهبد دوره رام نقش مهمی در ارتش و
سیاست داشت و وزیری هم در دوره رستاخیز به مجلس راه یافت.

دکتر جزايری - سید محمد علی شوستری دو برادری که از هرجهت
باهم از زمین تا آسمان تفاوت داشتند. دکتر جزايری مردی پاک دامن و
آزاد منش و مذهبی و شوستری شجاع ولی مرتყع و تندر و بود که
هیچگاه این دو برادر باهم نه تنها در یک صفت نبودند بلکه از هرجهت
در دو صفت مقابل قرار داشتند.

محمود نریمان که وزیری دانشمند و پاک دامن شناخته شد نام
خانوادگیش (عون جزايری) بود که به نریمان تغییر داد.

دکتر مصدق و ثقة الملك دیبا مدیر پارک هتل و حشمت دوله
والاتیار برادر بودند منتها از مادر ولی باهم توافقی نداشتند.

برادران امامی خوئی (جمال- ابراهیم- نظام- نور الدین - و
برادرزاده ها) نقش مهمی داشته اند که نقش جمال امامی در مقام

نایندگی و ساتوری و سفارت ایران در ایتالیا مهم بود. دو تن از دامادهای نظام الدین امامی (حسنعلی منصور و امیر عباس هویدا) به مقام نخست وزیری رسیدند.

برادران مسعودی که با تأسیس روزنامه اطلاعات از طرف عباس مسعودی که مرد خود ساخته ای بود پای این خانواده با سیاست باز شد و خانواده مسعودی (میرزا حسن خان - جواد - محمد علی خان - قاسم - فرهاد - بهرام) و دامادهای نظیر حسین رامتین و باقر نیری در سیاست نقش فعالی بر عهده داشتند.

برادران نیکپور (محمد ابراهیم - منوچهر - محسن - امیر حسن) که تحت رهبری پدر خود عبدالحسین نیکپور که بازیگر ماهری در سیاست شده بود و مدت‌ها بازار و اصناف و اتاق بازرگانی را اداره می‌کرد و فرزندانش نه تنها در تجارت بلکه در سیاست و بانکداری موفقیت سرشاری داشتند و نمونه بارز آنها منوچهر نیکپور بود که مدت‌ها بانک سپه را اداره می‌کرد. ازدواج دختر نیکپور با امیر خسرو افشار که مدت‌ها سفیر ایران در کشورهای مختلف و سرانجام وزیر خارجه ایران بود و دیپلمات برجسته ای بشمار می‌رود خانواده های (نیکپور - افشار - زاهدی) از گردندهای مهم سیاست ایران شدند. خانواده نیکپور در مجلسین سنو شورای ملی مدت‌ها یک کرسی رادر اختیار داشتند.

افراد خانواده (نفیسی) هریک در رشته ای جزو افراد موفق بودند. دکتر مؤدب الدوله نفیسی - دکتر مشرف نفیسی - مهندس حبیب نفیسی - دکتر عباس نفیسی - دکترا ابوالقاسم نفیسی - فتح الله نفیسی - دکtrs عبید نفیسی - احمد نفیسی و ... هریک نقش مهنسی در سیاست ایران داشته اند.

از میان بختیاریهای دو تن به نخست وزیری رسیدند (صمصام السلطنه و دکتر شاپور بختیار) اولیک تن ملکه ایران شد (ثريا اسفندیاری)

و تعدادی به وزارت و کالت و سناتوری و نایندگی مجلس رسیدند که عبارتنداز علیقلیخان و پسرش جعفرقلی خان (سردار اسعد) بختیاری- امیر جنگ- امیر حسین خان- آقا خان- خلیل اسفندیاری- سپهبد تیمور بختیار- قباد ظفر- جهانشاه- صمصام- رستم امیر بختیار- ملکشاه ظفر- دکتر ابوالحسن- دکتر عباسقلی- حمید- ابدال- سلطان مراد و مجید...

از خانواده های مهمی که در کار سیاست سهم بزرگی داشتند خانواده بهبهانی بود که با پایداری آیت الله سید عبدالله بهبهانی، در حمایت از مشروطه خواهان پایشان به سیاست کشیده شد و تعدادی از آنها از قبیل آقا میر سید علی- میر سید احمد- میر سید مصطفی- آقا جعفر همواره یک کرسی در مجلس شورای اسلامی در اختیار داشتند و مدتی هم یک کرسی در سنا که میر سید علی بهبهانی سناتور و آقا جعفر وکیل مجلس بودند و با توجه به این که همسر دکتر سجادی خواهر جعفر بهبهانی بود نقش آنها در سیاست مشخص تر می شد. آیة الله میر سید محمد بهبهانی و دامادش آیة الله آشیخ بهاءالدین نوری با نزدیکی به شاه و دریار مدتی از مهمترین قدرتهای سیاسی در تهران بودند.

دکتر سجادی آخرین رئیس مجلس سنا نام یکی از برادرانش (سجادیان) بود که در بخش خصوصی فعالیت داشت و برادر دیگرش نام فامیلی (ذره) را انتخاب کرده بود که به گروه کمونیستها پیوست و در زمان استالین در شوروی اعدام شد.

برادران نامدار (مهدی- احمد- مرتضی و مصطفی و...) که در مقام شهرداری تهران و معاونت نخست وزیر و استادی دانشگاه و بخش خصوصی و کارهای دولتی و مطبوعاتی موفق بوده و به تیزهوشی و پرکاری و بذله گوئی مشهورند.

برادرانی هم بودند که فاتح زندان نامیده شدند. برادران

لنکرانی (شیخ حسین - احمد - مرتضی - مصطفی - حسام) که در سیاست ایران خیلی مؤثر بودند ولی اکثراً وقایت سروکارشان بازندان و تبعید بود. مصطفی لنکرانی که در تبعید دائمی در اتاریش ماند. احمد لنکرانی نیز در تهران ماندو باز اینکه به خیلی‌ها از جمله سران حزب توده در روزهای سخت پناه داده بود و آنها در مقابل خدماتش برادرش حسام را کشتند از دست آنها دق کرد و مرد. مرتضی لنکرانی هم به زراعت و گاوداری پرداخت و خود را از سیاست کنار کشید. برادران لنکرانی از تنها دولتی که حسایت کردند دولت قوام السلطنه بودو بمحض اینکه جناب اشرف قدرت یافت برادران لنکرانی را دستگیر و آنها را تبعید نمودند و معاهمه اینکه با قوام السلطنه حسن رابطه داشته اند.

برادرانی که فعالیت کمونیستی داشتند (دکتر فریدون - کریم و جمشید کشاورز) که فریدون به وزارت ووکالت رسید و کریم که مرد فاضلی بود به کارت‌ترجمه پرداخت.

دربخش خصوصی

گروهی از افراد بخش خصوصی نیز راه سیاست پیش گرفتند. خانواده کورس که چند تن آنها به نایندگی و سناטורی انتخاب گردیدند. (کاظم کورس) که در بخش‌های دولتی و خصوصی دوستان فراوان داشته و دارد.

برادران لاجوردی که در بخش خصوصی موفقیت زیادی داشتند سرانجام یکی از آنها (قاسم لاجوردی) کاندیدای حزب رستاخیز گردید و از تهران به سناטורی انتخاب شد. ولی سایر برادران کماکان به تجارت پرداختند.

برادران رضائی (علی - محسود - عباس - قاسم) که ضمن موفقیت در بخش خصوصی و توسعه کارهای معدنی و صنعتی به

سیاست راه یافتند. علی به سناتوری رسید. محمود ازبیزوار وکیل شد. قاسم مدتی ناینده سبزوار و چندی معاون نخست وزیر شد. در هر کاری افراد فعال و پرکاری بودند و خیلی زود در کارهاتوفیق می یافتند. برادران خسروشاهی که در توسعه امور تجاری مخصوصاً در رشته دارو بسیار موفق بوده اند. کاظم خسروشاهی به وزارت منصوب گردید و در میان بازاریان حسن شهرت داشتند.

برادران رشیدیان (سیف الله اسدالله و...) در فعالیت های سیاسی و اجتماعی مؤثر بوده اند و طبق نوشته های مختلف در واقعه ۲۸ مرداد نقش مهمی داشته و با سیاست انگلستان در ارتباط بوده اند. آنها در کار اصناف و بانکداری و تجارت موفق شده و به ثروت سرشاری رسیدند.

برادران اخوان کاشانی (جواد- تقی- رضا- حمید- مجید و برادرزاده ها حسام و...) منحصراً به کارت تجارت اشتغال داشته و هیچ وارد سیاست نشدنند. نمونه فعال آنها حمید کاشانی می باشد که مبتکر فروشگاههای بزرگ و فروشگاههای زنجیره ای در ایران بود.

برادران اخوان که منحصراً در کارت تجارت بوده و مدتی هم به بانکداری پرداخته اند گاهگاهی بعضی از آنان به مجلس راه می یافتند و یکبارهم حبیب اخوان با عنوان سفیر ایران راهی آفریقا شد تا بتواند نقشی در امر توسعه روابط بازرگانی ایران با آن کشورها داشته باشد.

خانواده علاقبند اکثراً در کارت تجارت بوده هیچگاه گرد سیاست نگشتند و همواره خوشنامی خود را حفظ کرده اند. از میان آنها حسین علاقبند (معروف به سلطان پنبه ایران) از حسن شهرت و درستی بهره فراوان دارد که اکنون نیز در انگلستان ایام بازنیستگی رامی گذراند ولی فرزندان شایسته اش با تحصیلات عالی جانشین او شده اند.

برادران (وهاب زاده) اخسر جاسوسیان واحد در بخش خصوصی

از افراد موفقی هستند که سلیمان یک دوره هم به مجلس سناراه یافت. احدها ب زاده در زمان نخست وزیری ساعد نماینده مجلس شد، از نزدیکان نخست وزیر بود. سلیمان به کارهای فرهنگی و خیریه در خارج از کشور کمک قابل توجهی می کند. سایر برادران و فامیل و هاب زاده در بخش خصوصی خیلی فعال بوده اند.

برادران دیگری که در بخش خصوصی فعالیت داشته و موفق گردیدند (برادران رستگار) می باشند که مهندس مرتضی و دکتر رضا رستگار جواهری در اروپا تحصیل کرده و با این که دکتر رضا معاون وزارت کشاورزی هم شد ولی به امر استخراج معدن در ایران پرداختند و توانستند با تلاش و کوشش شبانه روزی مجهزترین معادن را در ایران راه بیاندازند.

همچنین از برادران موفق دیگر (برادران خیامی) بودند که کارخانجات ایران ناسیونال نتیجه کار آنها بود که در حقیقت بنیان گذار اصلی محسود خیامی بشمار می رود که از یک کارگاه کوچک در مشهد توانست مدیر بزرگترین مؤسسه اتومبیل سازی در ایران گردد. اکنون او صاحب مهمترین مؤسسه فروش اتومبیل در انگلستان می باشد و همچنین پسرش در آمریکا احمد خیامی مدتها در کارتأسیس فروشگاههای زنجیره ای دخالت داشت ولی فعلاً در خارج از کشور کار مهمی ندارد.

برادران بالمانقلیج (سپهبد نادر و مهدی) و فرزندان که به مقاماتی از قبیل ریاست ستاد ارتش و وزارت و نمایندگی مجلس و سفارت رسیدند. در کارهای دولتی و بخش خصوصی و نظامی از افراد موفق بشمار می رفتند.

خانواده نمازی (محمد - مهدی - شفیع) که محمد نمازی ثروت سرشاری در خارج از کشور تهیه کرد و قسمتی از آن را صرف ساختمان بیمارستان در شیراز و دانشگاه پهلوی کرد و مقام وزارت مشاوری یافت.

مهدی نمازی و کیل و سناتور شد. شفیع منحصراً به کارتیجارت پرداخت.
از خانواده های خوشنام در ایران بودند.

برادران مزاحم

برادرانی هم بودند که به کار ترور و آدم کشی پرداخته بودند
مثل برادران واحدی و امامی و عراقی که به دستور نواب صفوی در
گروه فدائیان اسلام مرتکب ترور و آدمکشی شدند و سرانجام هم با
اعدام و ترور از بین رفتند.

برادران (ضرغام فر) که همه صاحب ملک و مستغلات و املاک
مزروعی بوده و یکی دونفرشان هم به شغل وکالت دادگستری و امور
اداری پرداخته بودند، از جمله برادرانی بودند که منطقه شمیرانات
تحت نفوذ آنها قرار داشت و با هر قدر تی درمی افتادند و دادگستری
تیول آنها در اعلام جرم و شکایت و تعقیب اشخاص شده بود. در دشمنی
با اشخاص تا حد اعدام پیش می رفتند که این وضع با مرحوم محسن
خواجه نوری پیش آمد. آنقدر شکایت و اعلام جرم و نامه پراکنی کردند
تا آن مرد شریف را در جمهوری اسلامی به جو خه اعدام سپردند.

می گویند ضرغام فرهاشش برادر ویک خواهر بوده اند که از قرار
علوم یک نفر آنها در جمهوری اسلامی کشته شد. چند تن از آنها در
رژیم سابق به زندان افتادند.

در رژیم فسی بقدرتی سزا داشت برای مردم زیاد شده و تعداد
مزاحمین آن چنان افزایش یافته اند که دیگر جائی برای فعالیت
برادران ضرغام فر باقی نمانده است.

درباره سایر خانواده ها و برادرانی که احتمالاً نامشان فراموش
شده و یا امرای ارش و روحانیون و روحانی زاده ها که تقریباً در این
قسمت زیاد مورد اشاره قرار نگرفته در فرصت مناسب مطالبی انتشار
خواهد یافت.

مسافرت هیئت پارلمانی ایران به چین اشراف زاده ای که معمار چین کمونیست شد

چندسال قبل از تغییر رژیم یک هیئت پارلمانی از ایران به دعوت پارلمان چین کمونیست به آن کشور سفر کرد و نویسنده نیز در این سفر شرکت داشت.

اعضای هیئت عبارت بودند: از سناتور اشرف احمدی- سناتور اعزاز نیک پی - سناتور بلوری و سناتور زهراء نبیل، از مجلس شورای اسلامی دکتر جواد سعید- هلاکور امبد- مهندس برومند- ناصرزاده که مهندس شریف امامی بر هیئت پارلمانی ریاست داشت. بی تردید این سفر از بهترین برنامه های مساقرتی بود که توانستیم بازندگی حیرت انگیز مردمی آشنا نی شویم که وضع سیاسی و اجتماعی آن در جهان ما مورد بحث و گفتگوی فراوان می باشد.

در این سفر خیلی از مقامات چینی را از نزدیک دیدیم و تعدادی از ایاران (مائوتسه تونک) را که در راه پیمائی بزرگ با او همکاری کرده و در آن وقت در چین مقاماتی داشتند شناختیم ولی برنامه ای برای دیدار مأمور تنظیم نگردید فقط بدیدار (چوئن لای) اخست وزیر چین که خیلی هوشمند بنظر می رسید و بازیگر کی توانسته بود تمام قدر تهای آن کشور یک میلیارد نفری را در اختیار بگیرد نایل شدیم . اودر حقیقت معمار (چین کمونیست) و مغمض متفسک آن رژیم بود، نسبت به ایران و شاه ایران ابراز علاقه می کرد و می گفت می خواهد که بین ایران و چین روابط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و صنعتی بیش از پیش توسعه یابد. همچنین اظهار علاقه می کرد که رهبران ایران و چین با یکدیگر ملاقات کنند و با نزدیکی کشورهای آسیائی خیلی از

احتیاجات یکدیگر را تأمین نمایند تا احتیاج زیادی به غرب نداشته باشند. گرچه رئیس هیئت نیز متقابلاً به توسعه مناسبات دوکشور ابراز علاقه می کرد و عباس آرام سفیر وقت ایران در چین هم در این راه گام برمی داشت ولی آنطوریکه بایدو شاید ایران و چین نتوانستند گامهای اساسی در تأمین احتیاجات یکدیگر بردارند.

چوئن لای و سیهانوک

نور دوم سیهانوک پادشاه کامبوج درباره (چوئن لای) چنین می گوید:

حقیقی ترین رفیقی که در زندگی داشته ام (چوئن لای) امی باشد. آنهم چه مردد لچسبی، چه ظرافتی، چه صفاتی، اشراف ترین اشرافی که روی زمین پیدا می شود. هستند کسانی که می گویند تو آدم غیر کمونیست چطور می توانی با (چوئن لای) رفیق باشی؟ من به آنها جواب می دهم (او شاهزاده ای از من شاهزاده تر است) هر وقت بخواهم اورا ببینم تلفن می کنم و می گویم می توانم بدیدار شما بیایم. او جواب می دهد نه زحمت نکشید من خدمت می رسم. من اعتراض می کنم که شما خیلی کار دارید وظیفه من است که خدمت برسم. می گوید کارهایم را اول می کنم و خدمت می رسم. می آیدو گاهگاهی نا هار راهم پهلوی من می ماند. تمام بار حکومت بر دوش اوست. مائوت سه تونک بیش از پیش خود را کنار کشیده است. گاهی من و مونیک را به خانه اش دعوت می کند. برای آماده کردن شام بازنش همکاری می کند. بعد از شام مرابه با غ می بردتا کمی قدم بزنیم. دوستی ماتازگی ندارد. ده سال پیش در کنفرانس آسیائی گفت (پرنس سیهانوک من به شما پیشنهاد دوستی می کنم و قول می دهم

درامورداخلى کامبوج دخالت نکنم.) جواب دادم (چه بهتر از اين)
دست او را فشود.

سيهانوك هم از مردان عجیب قرن ماست. چهار بار تاج شاهی را
بدست آورده که سه بار آن را لازم داده بار چهارم بصورتی است
که احتمال دارد تا آخر عمرش دوام داشته باشد.

نورمن سيهانوك در ۱۹۱۹ سالگی وقتی کامبوج از استعمار فرانسه
نجات یافت به سلطنت رسید ولی پس از گذشت چند سال به نفع پدرش
از سلطنت کنار گیری کرد. بعد از مرگ پدر بار دیگر به سلطنت رسید
و کوشش فراوان داشت تا استقلال و آرامش و امنیت را در سرزمین
کامبوج مستقر کند. وقتی به مسکو سفر کرده بود بطور ناگهانی
بدست (لون نول) رئیس ستاد ارتش حکومت که از نزدیکان او بود
ساقط گردید. بعد از معلوم شد که آمریکائیها او را سرنگون ساخته‌اند.
سيهانوك رابطه خود را با (چوئن لای) و چین کمونیست خیلی
محکم کرد و از نزدیکان چوئن لای بود. وقتی در تظاهرات چپگراها
رژیم (لون نول) سقوط کرد در سال ۱۹۷۵ بار دیگر سیهانوك که روش
کمونیستی پیش گرفته بود به سلطنت رسید. اما در سال ۱۹۷۹ گروه
(پولپوت) بر کامبوج تسلط یافت و بار دیگر سیهانوك از کشور گریخت.
با اینکه شصت سال از عمرش گذشته بود به مبارزه برای رهائی
کامبوج ادامه داد تا بار دیگر در سال ۱۹۹۳ پس از ۱۳ سال مبارزه برای
چهارمین بار به سلطنت در کامبوج رسید.

چوئن لای چگونه به قدرت رسید؟

در تاریخ معاصر چین نوشته شده که (چوئن لای) برخلاف اکثر
سران انقلاب از خاندان اشرف منجوری بود که اجدادش از خدمت

گذاران امپراتوران بودند ولی بعلت فقرشیده در چین به صف انقلابیون پیوست و از توریهای (سون یانس) پدر انقلاب چین حمایت کرد. چوئن لای مدتی در زاپن تحصیل کرد و پس از بازگشت به چین بعلت فعالیت‌های سیاسی زندانی شد. در زندان بادختری به نام (تن پیک چانو) که به مناسبی داشتن افکار افراطی بازداشت شده بود ازدواج کرد.

وقتی چوئن لای از زندان آزاد شد به پاریس رفت و وضع حزب کمونیست فرانسه را مورد مطالعه قراردادو سه سال در انگلستان و فرانسه و آلمان درس خواند و مطالعه کرد.

چوئن لای در سال ۱۹۲۴ به چین مراجعت نمود و در کانتون به دفتر (سون یاتس) پیوست که او در راه نیل به هدف خود که استقرار جمهوری در چین بود توفیق یافت ولی خیلی زود درگذشت و چیانکایچک رئیس جمهوری چین شد.

وقتی (چیانکایچک) رئیس جمهوری چین شد چون رهبر حزب (کومین تانک) هم بود در مقابل او (مائوتسه تونک) رهبر حزب کمونیست قرار داشت که تامدتها بایکدیگر همکاری می کردند. از طرف چیانکایچک چند مأموریت رسمی به (مانو) داده شد بعداً بین (دوباجناق) اختلاف شدو بین طرفداران آنهادرگیری شدیدی روی داد که چیانکایچک دستور بازداشت (مانو) را داد که حکم اعدام او صادر شد ولی قبل از اینکه بتواند حکم را اجرا کند مائو با کمک طرفدارانش از زندان گریخت و از مسکو سر در آورد و با همکاری (لی سان) از رهبران حزب کمونیست چین برنامه حمله به شهرهای بزرگ چین را طرح ریزی کرد که چندبار دچار شکست شدند.

چندی بعد بین (مانو) و لی سان اختلاف نظر پیدا شد و (چوئن لای) بعلت همکاری با (لی سان) مورد حمله مائو قرار گرفت و می خواست اورا از حزب کمونیست چین اخراج کند که با ابراز

تأسف از اشتباهات خود و امضای اقرارنامه‌ای از طرف (مائو) به سمت ریاست نظامی حزب کمونیست منصوب گردید. چوئن لای دریک نبرد سخت با نیروهای چیانکایچک محاصره شد که اگر دستگیرمی گردید مسلمان‌اعدام می‌شد ولی بازیگری توانست محاصره را بشکند و خود را به نیروهای (مائو) و ژنرال (چوته) برساند. بعلت رشادت‌هائی که بخراج داد به سمت کمیساريای اول نظامی حزب کمونیست چین منصوب گردید.

وقتی پیاده روی مائو شروع شد که ۱۵ ماه طول کشید و پنجاه هزار نفر تلفات داشت و مهمترین راه پیمانی تاریخ مبارزات سیاسی نام گرفت، چوئن لای و مائو دوشادوش هم قرار داشتند.

وقتی جنگ بین چین و ژاپن شروع شد (مائو) معتقد بود که باید با چیانکایچک همکاری کرد و آپنیهارا شکست دادولی چیانکایچک سر کوبی کمونیست‌هارا به جنگ بازآپن ترجیح داد که این اقدام از هرجهت به نفع مائو تمام شد و توده‌های مردم از مائو پیروی کردند و جنگ داخلی در چین وسعت یافت و منجر به پیروزی کمونیست‌هاشد در نتیجه چیانکایچک و خانواده اش با ذخایر بسیار به (تایوان) گریختند و حکومت (چین ملی) را تأسیس نمودند که اکنون خوداگشورهای مهم خاور دور می‌باشد و اقتصاد پر رونقی دارد.

پس از اینکه مائوتسه تونک در مقام رهبری چین قرار گرفت چوئن لای به مقام نخست وزیری و وزارت امور خارجه چین رسید و از سال ۱۹۴۹ تا ژانویه ۱۹۷۶ که در سن ۷۸ سالگی به مرض سرطان درگذشت نخست وزیر مقتدر چین بود و تقریباً مدت چهل سال زیر سایه (مائوتسه تونک) قرار داشت و معمار چین کمونیست بشمار می‌رفت.

چوئن لای از تمام تصفیه‌های خطرناک (مائو) جان سالم بدربرد و نقش وی همیشه جانشین ساختن نظم و انضباط به جای هرج و مرج بود. سرچشمه‌های قدرت چوئن لای ارتش و روشنفکران و کارکنان

دولت بودند که در هر شرایطی آنان را مورد حمایت قرار دمی داد و اعتماد مائوتسه تونک راهم همراه داشت.

اعضای حزب کمونیست چین که از میان کارگران و کشاورزان و سربازان و فداربیه مائو تشکیل می شدند همواره سعی داشتند که روشنفکران را از جامعه کمونیسم دور نگه دارند ولی چوئن لای می کوشید که جایگاه رفیعی برای آنان در بین کمونیستها بوجود آورد.

در انقلاب فرهنگی سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ که سرهای زیادی به دستور مائو بیارفت، چوئن لای نه تنها صدمه ای ندید بلکه از روشنفکران چنان حمایت کرد که این طبقه راهمواره مدیون خود ساخت. وقتی سلطان در ۷۸ سالگی این اعجوبه سیاسی خاور دور را از پای درآورد، با اینکه مائو خیلی پیر شده بود و ۸۲ سال زندگی را پشت سر می گذاشت ولی با نفوذ معنوی خود توانست جامعه بزرگ چین را از بحران نجات دهد. زیرا خیلیها فکر می کردند با مرگ چوئن لای نظام اجتماعی چین درهم بریزد ولی روش پدرسالاری و رهبری مائو بحران را از چین دور ساخت.

دیدنیهای چین

هیئت پارلمانی ایران در چند روز اقامت در چین از نقاط دیدنی این کشور تاریخی بازدید نمودند که از جمله (دیوار معروف چین) و شهر متنوعه بود.

شهر متنوعه محل اقامت امپراتوران چین بود که هیچ کس جز خانواده های امپراتوران و نزدیکان به امپراتوری توانستند قدم به آن منطقه بگذارند از این جهت شهر متنوعه خوانده می شد. ولی پس از انقلاب چین درهای شهر متنوعه و عمارت و موزه ها و جواهرات

گرانبهای آن به روی مردم و توریستها گشوده شد. در زمان جنگ که ژاپنی‌ها به چین حمله کردند و پس از اشغال چین شهرمنوعه را در اختیار گرفتند و در آن تصرفاتی هم نمودند که پس از شکست ژاپنی‌ها بار دیگر در اختیار چینی‌ها قرار گرفت.

شهرمنوعه در مساحتی حدود ۷۲ هزار متریکاً کاخ‌های متعدد قرار دارد که از چند قرن پش ساختمانهای مجللی در آنجا بنا گردیده است.

بازدید از بیمارستان طب سوزنی

هیئت پارلمانی ایران به بیمارستانی رفتند که فقط در آنجا با طب سوزنی بیماران معالجه می‌شدند. در حضور هیئت پارلمانی یک آپاندیس بدون بیهوش کردن بیمار صورت گرفت و فقط با سوزن زدن به بدن بیمار هیچگونه دردی راحس نمی‌کرد. همچنین استخوان پای یک بیمار معالجه می‌شد که خود از تلویزیون می‌دید استخوان پایش را جراحی می‌کنند ولی کوچکترین دردی احساس نمی‌کرد.

پزشکان چینی برای ماتوضیع می‌دادند که در بدن انسان چندین هزار نقطه حساس وجود دارد که با زدن سوزن به آن می‌توان قسمتی از بدن را بیحس کرد. همچنین هر یک از انداخت بدن، نقطه مخصوصی در گوش انسان دارد که با فروکردن سوزن در گوش آن نقطه از بدن بیحس می‌گردد. پزشکان چینی با مطالعات و بررسی‌های دقیق این نقاط از بدن راشناخته‌اند. پزشکان چینی می‌گفتهند ۹۰ درصد اعمال جراحی در چین وسیله طب سوزنی انجام می‌گردد. سرطان یاد ردمده وسیله طب سوزنی قابل معالجه نیست ولی دردهای عضلانی، عصبی، سردردهای مزمن با طب سوزنی قابل علاج

هست. هزاران بیمار میگرنی باطب سوزنی معالجه شده اند. همچنین تعدادی از معتادان به سیگار باطب سوزنی ترک اعتیاد کرده اند. غربیها تا قرن هفدهم اطلاعی از طب سوزنی نداشتند. اولین نشریه در سال ۱۶۷۱ در اروپا منتشار یافت که باناباوری زیادی روبرو گردید و به آن جنبه افسانه داده شد. در سال ۱۸۳۶ کنسول فرانسه در چین کتابی درباره طب سوزنی در اروپا منتشرساخت. یک فرانسوی به نام (سولید) سالها در چین به فراگرفتن طب سوزنی پرداخت و در سال ۱۹۳۴ کتابی منتشر ساخت که شدیداً مورد اعتراض جامعه پژوهشکی اروپا قرار گرفت.

چینی‌ها معتقدند که موجود زنده از آفتاب انرژی می‌گیرد و بهمین جهت قسمت جلوی بدن انرژی مثبت و قسمت عقب بدن انرژی منفی دارد و بازden سوزن در موضع حساس انرژی قطع می‌گردد. چینی‌ها معتقدند که بدن انسان به ۱۴ نصف النهار تقسیم شده است و هزاران نقطه بدن روی این نصف النهار قرار دارند که با فروبردن سوزن دریکی از این نقاط روی نصف النهاریک یا چند عضو بیحس می‌گردد. با نصب وسایل الکتریکی و سوزنهای برقی ۱۲۹ تا ۱۲۰ ولت می‌توان تامدتها بی‌حسی موضع را ادامه داد.

چینی‌ها می‌گویند قادرند به ده هزار نقطه بدن که هر کدام مرکز حس خاصی شناخته شده، سوزن بزنند. مثلاً بازden سوزن به دست، قسمی از پیشانی بیحس می‌شود. بازden سوزن به مج پاhtی می‌توان ریه، بیمار را عمل کرد. این سوزنهای بسیار نازک و بلند و انتهای آن مارپیچی است. هیچگاه از محل زدن سوزن خون جاری نمی‌شود.

اکنون در اروپا و آمریکا نیز طب سوزنی دایر شده و پزشکانی از آن استفاده می‌کنند و به معالجه بیماران می‌پردازند.

دولتمردانی که خودکشی کرده اند از سپهسالار تنکابنی و (داور) تادکتریگانه

یک نخست وزیر - یک رئیس ستاد ارتش - یک رئیس دیوانعالی کشور - یک امیر ارتش و چند وزیر و صاحب مقام نظامی که داوطلبانه به زندگی خود پایان داده اند. شایعات درباره پیشنهاد خودکشی از طرف محمدرضا شاه و پیشنهاد نریمان به دکتر مصدق

هنگامی که صفحات جلد پانزدهم زیرچاپ بود با کمال تأسف اطلاع یافتم دوست شریف و عزیزم دکتر ناصریگانه که دولتمردی آزاده و انسانی وارسته ومطلع و متواضع بود و عمری باپاکی و شرافت و بلند نظری زیست در روز ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۷۲ در واشنگتن در ۷۳ سالگی با (سم) به زندگی خود خاتمه داده است. از این جهت لازم دیدم که قبل از مرگش درباره دکتریگانه و سپس راجع به کسانی که در تاریخ معاصر ایران خودکشی کرده اند منتشر سازم.

دکتر ناصریگانه در سال ۱۳۹۹ شمسی در شهرستان قزوین به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قزوین و رشت و تهران گذرانید و سپس از دانشکده حقوق تهران در رشته قضائی لیسانس گرفت و عازم فرانسه شد و دکترای حقوق را از آن کشور دریافت داشت. دکتریگانه مدتی هم در آمریکا در رشته حقوق مطالعه و تحصیل کرده و سالیان دراز مدیر کل حقوقی وزارت دادگستری بود.

دکتریگانه فرزند سالار منصور قزوینی بود که از خانواده های اصیل و شریف بشمار می آیند و هنگامی که قوام السلطنه آیة الله کاشانی را به قزوین تبعید کرد مدتها در خانه او بسرمی برد.

دکتریگانه منحصراً به فعالیت حقوقی اشتغال داشت و هرگز گرد فعالیت سیاسی نمی گشت ولی وقتی گروه متفرقی تشکیل شد از دکتریگانه هم برای بررسی مسائل حقوقی و قضائی دعوت شد که او هم پذیرفت و شروع به همکاری کرد.

در انتخابات دوره بیست و یک مجلس شورای اسلامی که نامزدهای نمایندگی از طرف کنگره آزاد زنان و آزاد مردان اعلام می شد، دکتر یگانه از شهرستان قزوین نامزد نمایندگی شد. در شهرستانی که خود و خانواده اش احترام فراوانی داشتند. دکتریگانه پس از انتخاب به نمایندگی رئیس کمیسیون بودجه مجلس شد و پس از مدت کوتاهی با تشکیل دولت حسنعلی منصور به سمت وزیر مشاور در امور پارلمانی منصوب گردید. سالها این شغل را بر عهده داشت تا اینکه از طرف حزب ایران نوین نامزد نمایندگی مجلس سنا از تهران شد. در مجلس سنا نیاز از نظرات حقوقی و قضائی او استفاده فراوان می شد.

پس از اینکه میر مطهری رئیس دیوان عالی کشور بازنشسته شدو عنوان سنا توری یافت امیر عباس هویدا از شاه خواست که دکتریگانه بجای او منصوب گردد. دکتریگانه وقتی به این سمت منصوب گردید در دفتر سیاسی حزب ایران نوین حضور یافت و صریحاً گفت (خداشاهد است که از این انتصاب قبل اطلاعی نداشته ام ولی چون امرهای مأونی صادر شده آن را پذیرفته ام و به این شغل مهم قضائی هم افتخار می کنم). هویدا که خیلی از مسائل سیاسی را به صورت شوخی وجودی مطرح می ساخت گفت (همانطوری که ناصر گفته اواطلاعی از این کار نداشت و من شخصاً اورا برای این کار مناسب دانستم و بعرض رساندم و اعلیحضرت هم موافقت فرمودند. از کار روزگار کسی خبر ندارد. اگر

روزی از کاربرکنارشده و کارم به دیوان کشوررسید لااقل ناصر که از همه کارهای دولت خبردارد از من دفاع خواهد کرد).

بیچاره هویدا هرگز تصور نمی کرد کار مملکت به جائی می رسد که خلخالی و هادی غفاری اور ادرزندان با محاکمه قلابی گلوله باران می کنند و هر یک به روزنامه نگاران می گویند که گلوله اول رامن زدم و جلوی چشم من نخست وزیر سابق ایران پرپر زد.

دکتریگانه درین گروه های مختلف سیاسی و مقامات حقوقی و قضایی احترام فراوان داشت. خیلی از حقوقدانان قبول شغل ریاست دیوان کشور را از طرف دکتریگانه دور از روش اوتلقی کرده و می گفتند معمولاً باید رئیس دیوان کشور ازین رؤسای شعب دیوان کشور انتخاب گردد و چون یگانه چنین سابقه ای نداشته فقط بایک حکم موقت چند روزی و به اصطلاح بایک (کلاه شرعی) اجاد شرایط گردید و به ریاست دیوان کشور منصوب شد. گرچه در اداره دیوان کشور از خود شایستگی و بی نظری نشان دادولی یگانه هم می گفت که من در جریان کار نبوده ام و بامن هم مشاوره ای هم نشد و چون در مقابل کار انجام شده ای قرار گرفته ام چاره ای نبود و قبول کردم. تردید ندارم باروش اخلاقی که ناصریگانه داشت سناتوری را بر ریاست دیوان کشور ترجیح می داد.

چند خاطره از دکتریگانه

در سال ۱۳۴۵ در گرم فعالیت پارلمانی حزب ایران نوین یک روز جلسه ای از حقوقدانان حزبی تشکیل شد که ناصریگانه وزیر مشاور در امور پارلمانی در این جلسه اظهار نمود که اعلیحضرت همایونی علاقه دارند که از نظر ثبات مملکت واستقرار رژیم شاهنشاهی و اینکه لازم است هیچ وقت مشکلی پیش نیاید در فاصله ای که ولیعهد به سén قانونی می رسد نایب السلطنه ای پیش بینی شود که البته این

امردرقانون اساسی صراحت دارد، ولی معظم له معتقدند که هیچکس برای این مقام بهتر از شهبانو نیست.

این مطلب برای همه شرکت کنندگان در جلسه غیر مترقبه بود و با خودمی گفتیم چه شده که شاه ناگهان به فکران انتخاب نایب السلطنه افتاده و آن هم به این صورت که شهبانو نایب السلطنه شود.

وقتی از دکتریگانه خواستم که دلائل این کار را بیان کنداوهم گفت مطلب تازه ای نیست شاهنشاه با آینده نگری می خواهند سلطنت را از هرگونه تزلزل و ناپایداری رها سازند و حال که وضع مملکت از هر حیث آماده می باشد چنین اصلاحی در قانون اساسی صورت گیرد.

برکناری وزراء

یکی از وزرای کابینه هویدامی گفت نخست وزیر عادت نداشت که شخصاً خبر برکناری و تغییر وزراء را به آنها اطلاع بدهد معمولاً این کار را زدکتریگانه می خواست او هم که مردم عقول و مؤدب و ملایمی است به آن وزیر تلفن می کرد و می گفت می خواهد با او یک چای بنوشد. وقتی با هم دیدار می کردند خبر تغییر را می داد. این وضع بصورتی شده بود که وقتی یگانه از وزیری می خواست که با احوالات کنداومی گفت حتماً از کار برکنار شده ام در حالیکه چنین نبود و گاهی درباره لواح دولت ناچار بود با وزراء به مشورت بپردازد.

دستگیری و آزادی یگانه

دکتر ناصریگانه بعد از انقلاب در ایران ماند و توسط پاسداران دستگیر و به زندان برده شد. احتمال زیاداً بود که جزو گروه نخستین به جوخه اعدام سپرده شود.

ناصریگانه درسین با لابادخترسرهنگ خلعت بری ازدواج کرد و ازاوصاحب یک دخترشده بود. وقتی یگانه بازداشت شد، سرهنگ خلعت بری که از افسران مخالف رژیم سابق بود و باگروه مخالف همکاری داشت و وکالت گروهی از طرفداران دکتر مصدق را دردادگاه های نظامی عهده دارمی گردید به یاری دامادش شتافت.

یکی از استگان خلعت بری برایم چنین نقل کرد: وقتی سرهنگ خلعت بری از قضاتی که کارهای محاکماتی را راه می انداختند خواست که دامادش را نجات دهندانهایی گویند این خلخلی بسرعت همه رااعدام می کند و اساساً کاری هم به پرونده هاندار دولی برای این که اشخاص اشتباه نشوندنگاهی هم به پرونده ها می اندازد تنها کاری که ما می توانیم بکنیم این است که پرونده یگانه را جزو آن ۳۰۰ نفری که قرار است اعدام شوندنگذاریم و این کارهم صورت می گیرد. وقتی خلخلی تعدادی را دستوراعدام می دهد خسته می شود. به او می گویند فقط یکنفرمانده که پرونده اش را نفرستاده اند می گویند اعدام او باید برای فردا اتفاقافردا خلخلی مأمور کردنستان می شود و یگانه از اعدام نجات پیدامی کند و از ایران خارج می گردد و به واشنگتن می رود. چون وضع مالی اش بدبو دیکی از دوستانش که قایقی داشته به او می دهد که بایگانه دخترش سالهادراین قایق زندگی می کرد. از همسرش هم قبلاً جدا شده بود.

سرانجام دکتریگانه پس از سالها دوری از وطن و تحمل رنج فراوان با استفاده از (سم) به زندگی خود خاتمه داد و دوستان فراوان خود را اعزادار و متأسف و متألم نمود.

شرم بادرآناییکه نام دکتر ناصریگانه را جزو کسانی گذاشته بودند که میلیونها دلار ارزاز کشور خارج کرده است. مردی که آنها او را صاحب ثروت سرشار در خارج از کشور می دانستند این طور جهان ما را ترک گفته است.

خدایش بیامرزدانسان خوب و مرد شریف و بلند نظری بود.
متأسفانه نویسنده کتاب در دوران دوری از وطن توفیق دیدار
این دوست عزیز و نازنین را نداشت و فقط چند مکاتبه بین ماصورت
گرفت ولی داریوش پیرنیا که در واشنگتن کراراً اورادیده چنین نوشت
است:

هربار که در قایق کوچکش به دیدارش می‌رفتم اورا مشغول
نوشتن متون عرفانی و یاد رحال خوش نویسی و نقش پردازی به شیوه
خاص خودش می‌دیدم.

پس از گفت و گوها وقتی می‌خواست به حرف اصلی بر سدواز
عرفان و عرفا و اخلاق ایرانی حرف بزند دست به سه تار کوچکش می‌
برد و این همدم روزهای تار و شبهای تنها یی رابه آرامی به دست می‌
گرفت و برای دل خودش گوشه‌ای می‌نواخت و گاه‌گاهی هم خیلی به
ندرت دودانگی از سوزدله می‌خواند.

دکتر ناصریگانه مردی بود که سجایای اخلاقی رابه خوبی می‌
شناخت. مردی بود بارفتار و کردار و گفتاری یگانه، به راستی یگانه
روزگار بود. هیچکس را در این احوال او سراغ نداریم. در علم حقوق به
عالیترین مراتب تحصیلی و تحقیق رسید، دانش و آموخته هائی
«ایرانی» را با تحقیقات و تفحصات علوم غربی می‌توانست در هم
آمیزد و افزون براین دانش و علم از دسوی عالم که شرق و غرب نام
گرفته، با فراست و تیز هوشی بی نظیر در عرفان نظری و عملی صاحب
نظر شد و در عرفان به سخا و احوالی رسید که می‌توان اورا «عارف»
زمانه نامید.

دکتر محمد باهری وزیر سابق دادگستری درباره او چنین می‌
نویسد:

مردی بود منیع الطبع باتقوی و یافضیلت و حافظه‌ای سرشمار از
شعر و ادب داشت. بر قوانین و قواعد دادگستری مسلط بود. دوره دکترای

حقوق رادرسته علوم جزایی دردانشکده حقوق پاریس گذرانید. من شاهد گذرانیدن یکی از امتحانات او بودم متحن پروفسور «دونیودوابر» بوداز جمله کسانی که در محکمات نورمبرگ بعداز جنگ دوم جهانی شرکت داشت. پروفسور دونیودوابر بربیداری ذهن و هوشیاری ناصریگانه آفرین گفت. خودکشی دکتر ناصریگانه برای خانواده، نزدیکان و دوستان مصیبت در دنگی است ولی باید این واقعه را نشانه مصیبت بزرگی دانست که دامنگیر ملت ایران شده است. این مصیبت بزرگ وضع جامعه ماست که عضوی از آن با این سابقه درخشنان در خدمتگذاری برای فرار از ذلت و خواری ناچار شود بادست خود به زندگی پایان دهد.

من با غم و آندوه بسیار این ضایعه را به ملت ایران تسلیت می‌گویم ولی در عین حال نمی‌توانم از خطای ملامت انگیز خودداری کنم. ملامت از جهت اینکه نسبتی نسبتی نیستند تا شاید از اینگونه بلیات جلوگیری شود. سیاه نشانندند. ملامت از جهت اینکه افراد به دردهم نمی‌رسند و در صدد تنظیم راه و رسم تعاونی نیستند تا شاید از اینگونه بلیات جلوگیری شود. دکتریگانه قبل از خودکشی این نامه را نوشته و امضا کرده است که در حقیقت به منزله وصیت نامه اومی باشد:

این جانب ناصریگانه دارای کارت سوشل سکوریتی شماره (۷۱۳۰-۹۸-۲۱۵) به علت ضعف شدید قوای جسمانی، کسالت های متغیرت و تنهائی تصمیم گرفتم که به زندگانی این جهانی خود و تحمل این همه مشقات خاتمه دهم. از درگاه خداوند متعادل، پیامبر اکرم و ائمه طاهرين اسلام آرزو دارم که دخترم فاطمه یگانه را که تنها وارث این جانب می‌باشد در کنف عنایت و مرحمت خود قرار دهد و او را به حضرت فاطمه علیها السلام می‌سپارم و از مادر عزیزش آریا دخت استدعادارم که کما کان اورا مورد محبت های خود قرار دهد و چون طلاق شرعی بین اینجانبان واقع نگردیده، لذا

ایشان هم در قلب این جانب مقام و خود را دارند ویرایشان نهایت احترام را دارم.

خودکشی نخست وزیر ایران و بزرگترین فئودال

محمدولیخان خلعت بری (سپهسالار تنکابنی) تنهای نخست وزیر ایران است که خودکشی کرد. او هنگام تاجگذاری رضا شاه به او گفته بود که (دو تن از مازندران تاج گرفتندیکی من بودم که به احمد شاه تقدیم کردم و یکی شما که در سایه لیاقت تاج را گرفتید و سلسه پهلوی را بنیان نهادید).

سپهسالار از ثروتمندان بنام ایران بود که املاک زیادی در مازندران و قزوین و گیلان داشت و در تهران نیز تعداد قابل توجهی خانه مسکونی ساخته بود.

وقتی مستشاران آمریکائی نظمی به امور مالیاتی دادند از سپهسالار هم مبلغ زیادی مالیات مطالبه داشتند ولی او می گفت نخست وزیر نباید مالیات بدهد.

روز ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۵ هنگامی که گروهی از مأمورین وصول برای مذاکره در باره مالیات به خانه اش می روند خیلی عصبانی شده به اتاق مجاور رفت و کاغذی می نویسد و به همسر خود می دهد و سپس جلوی آینه می ایستد و گلوله ای به مغز خود شلیک می کند که در ۸۱ سالگی کشته می شود. گفته شده از رضا شاه و دولت وقت هم عدم رضایتهای داشته و موضوع مالیات هم چنان اورا از کوره بدرکرده بود که به حیات خود خاتمه داد.

خودکشی به خاطر قرارداد ۱۹۱۹

یکی از افسران وطن پرست ایرانی که حاضر نبود بهیچوجه خارجی هادر ایران تسلط داشته باشدند، کلنل فضل الله خان آق اولی بود که هنگام امضای قرارداد ۱۹۱۹ از طرف وثوق الدوله بقدرتی عصیانی شد که با گلوله به حیات خود خاتمه داد. خودکشی او تولید ناراحتی کرد که در آن موقع مطبوعات ازاو تجلیل زیادی نمودند.

کلنل فضل الله خان برادر سپهبد آق اولی از افسران تحصیل کرده و مطلع بشمارمی رفت که تصویب قرارداد ۱۹۱۹ را خیانت بزرگی به کشور می دانست و می خواست با خودکشی صدای اعتراض ملت ایران را به دنیا برساند.

خودکشی داوریا (امیر کبیر دوران پهلوی)

یکی از کسانی که در پایه گذاری سلطنت پهلوی نقش مهم و اساسی داشت علی اکبر داور پسر منحصر به فرد خازن خلوت بود که چون ثروتی نداشت پسرش علی اکبر داور را بعنوان سرپرست فرزندان حاج ابراهیم پناهی به اروپا فرستاد که پس از ۵ سال کوشش از دانشگاه ژنو لیسانس حقوق گرفت و رشته دکترای حقوق راهم شروع کرد ولی به پایان نرسانید. مدتی هم روزنامه (مرد آزاد) را منتشر ساخت و به نایندگی مجلس شورای ایلی انتخاب گردید که با همکاری تیمور تاش موجبات استقرار سردار سپه را به سلطنت فراهم ساخت. مدت ۷ سال وزیردادگستری و سه سال وزیر دارائی بود. خیلی از مدیران عصر پهلوی مخصوصاً در دادگستری و دارائی از همکاران داور بوده اند که اورا مردمی شایسته و مدیری لائق نامیده اند که رضا شاه هم به اوضاعه فراوان داشت و حقوقش دو برابر سایر وزرا بود.

تیمور تاش و داور و نصرت الدوله سه همکار سیاسی بودند که وقتی تیمور تاش و نصرت الدوله به زندان افتادند او نیز احساس خطر

کرد. یکبار در شرفيابی رضاشاھ زيرلپ به او اعتراض کرد و جمله ای گفت (برو گمشو)... که داور احساس کرد ستاره اقبالش افول کرده است. از رئيس اداره ترياك مقداری ترياك بعنوان آزمایش گرفت و آن را به خانه برد و خوردو خودکشی نمود. اين کار داور آن روز هامثل بمب صدا کرد. حتی رضاشاھ به شدت ناراحت شد. چون از کسانی بود که گفته می شد خيلي زود به مقام نخست وزیری خواهد رسید.

در نامه ای که بعد از فوت شد به دست آمد چنین نوشته بود (همسر عزيزم - افسوس که در زندگي بامن خوش نبودی - پرويز وهمايون را بيوس - مرابيب خش)

مسعود بهنود هم می نويسد «بعد از خودکشی سپهسالار تنکابني و على اکبر داور عده ای دیگر هم بودند که فضای اختناق آن روز را تحمل نکردند و دست به خودکشی زده اند که عبارتنداز حبيب میکده - سيف الدین کرمانشاهی - رضا کمال شهرزاد - مجتبی طباطبائی - سید رضا صدر...».

خودکشی مدیر عامل هما

يکی از امرائي که در آستانه انقلاب دست به خودکشی زد سپهبد علي محمد خادمي مدیر عامل شركت هواپيمائي ايران (هما) بود که از مديري ان فعال ولايق كشور بشمار مي رفت. او با پشتيبانی ارتشد خاتم توانيت ساليان دراز در اين مقام قرار گرفته وباتندخوئي و پشتکاراين مؤسسه رادر رديف مؤسسات مشابه بين المللی درآورد.

حمایت شاه و دربار ازاوموجب شده بود که در دوره قدرت حرف هیچ کس را گوش نمی کرد و چون تعصب بهائيگري هم داشت خيلي از مشاغل هواپيمائي را به بهائيان می سپرد و به همین جهت مخالفين

سرسختی پیدا کرده بود.

در دولت از هاری که گروهی از مقامات ملکتی بازداشت شدند روز ۱۷ آبان ۱۳۵۷ گروهی از مأمورین حکومت نظامی برای بازداشت او به خانه اش می‌روند که از این اقدام بی‌نهایت ناراحت شده از مأمورین می‌خواهد که برای تغییر لباس به اتاق دیگر برود که ناگهان صدای شلیک گلوله بلند شده و معلوم می‌شود خادمی خودکشی کرده است.

گرچه محمدرضا شاه در آن وقت در تهران بود واژشنیدن این خبر ناراحت شد ولی بستگان خادمی می‌گفتند خادمی خودکشی نکرده بلکه چندتن از افراد مسلح از دیوارخانه اش بالا آمده و اورابه ضرب گلوله از پای درآوردند. ولی مطلعین خودکشی اوراق تعیی می‌دانند.

خودکشی رئیس ستاد ارتتش

یکی از امراهی ارتتش که خیلی زود ترقی کرد و به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران و درجه ارتشدید رسید عبدالحسین حجازی می‌باشد که از امراهی تحصیل کرده ارتش و از مقامات نظامی مورد اعتماد شاه بود. حجازی مدتها رئیس شهربانی و فرماندار نظامی و فرمانده لشگر در نقاط مختلف کشور بود که با وجود زندگی آرامی که داشت ماجرای عشقی دخترش اوران را ناراحت کرد. یک بار مورد اعتراض پدر قرار گرفت که خود را از طبقه فوقانی عمارت پرت کردو همین امر و مشکلات دیگر موجب شد که ارتشدید حجازی دست به خودکشی بزند. بعد از خودکشی ارتشدید این دختر در ماجرای عشقی با انوشیروان رزاق منش کشته شد.

ارتشدید حجازی در سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد و متوفی بدون کار مانده و با وضعی هم که برای خانواده اش پیش آمده بود ناگهان در روز

۲۵ شهریور سال ۱۳۴۸ روزنامه ها نوشتند که (ارت شب بازنشسته حجازی هنگام پاک کردن اسلحه خود به قتل رسید). امطلعین همان موقع این خبر را ساختگی می دانستند و می گفتند از تشبیه حجازی به علت بازنشستگی وضع داخلی و مشکلات فراوان خانواده اش دچار بحران روحی شده و به زندگی خود خاتمه داده است.

خودکشی نویسنده نامدار

از جمله کسانی که در پاریس با گاز خودکشی کرد صادق هدایت نویسنده نامی ایران می باشد که خودکشی او نه تنها در ایران بلکه بین نویسندگان فرانسه و درین جامعه نویسندگان جهان انعکاس زیادی داشت. زیرا کتابهای (بوف کور - سگ ولگرد - ترانه های خیام) به چند زبان خارجی ترجمه شده و هدایت مورد احترام خاص محافل ادبی جهان قرار داشت.

صادق هدایت از یک خانواده سرشناس ایرانی بود که اعتنایی به شجره خانوادگی نداشت و به جاه و مقام هم پشت پازده بود. در سال ۱۹۵۱ وقتی تصمیم به خودکشی می گیرد دریکی از مناطق گازسوز پاریس اتاقی اجاره کرده و تمام روزنه های اتاق را با پارچه کیپ می کند و باز کردن گازبه زندگی خود خاتمه می دهد.

وقتی دوستانش از خودکشی او مطلع می گردند و به خانه اش می روند می بینند بیاکت و شلوار تمیز و صورت تراشیده و مرتب در حالی که چند قطعه کاغذ نوشته در اطرافش بود. باز کردن شیر گازبه زندگی خود خاتمه داده است. هدایت با اینکه از نظر مالی در مضیقه بود معهذا حدود یکصد پوند ذخیره کرده و آن را کنار می گذارد که وقتی جنازه اش را دیدند آن را خرج کفن و دفنش کنند که به هیچ کس تحمیل نشود.

خودکشی یک دیپلمات در لندن

امیرتیمور کلالی که دیپلماتی ورزیده ومطلعی بود و سالها در مقام معاونت پارلمانی وزارت خارجه و سفارت ایران در هندوستان و شوروی و انگلستان قرارداشت بعلت اعتیاد به الکل و قمار در کازینوها با مشکلات فراوانی روبرو گردید. با اینکه مقدار زیادی از قروض اورا پدرش با فروش املاک خود در خراسان پرداخت کرده بود ولی بعلت فشار روحی پس از برکناری از مقام سفارت در انگلستان درخانه اش خودکشی کرد. او از افراد خاندان سرشناس ایران و پدرش سالها وزیر و وکیل و کارگردان سیاست بود و خواهرش ناهید کلالی همسر اسکندر میرزارئیس جمهور پاکستان شد که آلو دگی و خودکشی این دیپلمات ضایعه‌ای بود برای آنهایی که از شایستگی و لیاقت او آگاه بودند.

خودکشی در حمام

از جمله کسانی که در بخش‌های خصوصی فعال بنظر می‌رسید مهندس جهانگیر آهی بود که کوی مکانیک در ونك، یادگار فعالیت شبانه روزی او می‌باشد.

جهانگیر آهی به چند زبان خارجی تسلط داشت ولی چون کارهای ساختمانی او بابحران مالی رو بروشد کارش به ورشکستگی کشید و سال‌ها با خبری نبود. چند سال قبل انتشار یافت که بعلت مشکلات مالی در سویس در داخل حمام خودکشی کرده است.

آنهایی که اورال ازنزدیک می‌شناخته اند می‌گویند بسیار با هوش و فعال و پرکار بود ولی بعلت شکست در کارهای خصوصی و بحران مالی که در زندگی اش سایه انداخته بود سرانجام نتوانست بارزندگی را به آخر بر ساندو با خودکشی خود را از رنجهای زندگی رها ساخت.

خودکشی یک امیرارتش سرلشگر عباس شقاقی از امرای رشید و تندخوی ارتش بود که در ژاندارمری مقامات مختلف از جمله فرماندهی ژاندارمری خوزستان را بر عهده داشت. او مدتها با ارتشباد اویسی درافت ادولی بعد ابا اویسی حسن مناسبات پیدا کرد. وقتی ارتشبدقره با غی فرمانده ژاندارمری کل کشور شد سرلشگر شقاقی با او به مبارزه پرداخت و نامه های تندی علیه فردوس است و قره با غی به شاه نوشت، مخصوصاً صایاد آور شد که فردوس با وجود نزدیکی به شاه به او خیانت می کند و قره با غی نیاز فردوس است دستور می گیرد.

شقاقی نامه های خود را توسط ارتشبده شفقت به اطلاع شاه می رساند و چون شاه فقید خاطره خوبی از خدمات شقاقی در جریان ۲۸ مرداد داشته از او حمایت می کند و دستور می دهد که شقاقی به نخست وزیری منتقل گردد و حقوق و مزایای کافی به او داده شود.

سرانجام شقاقی با نوشتن نامه مفصلی به شاه علیه فردوس و قره با غی عکس شاه را روی قلب خود می گذارد و با گلوله به حیات خود خاتمه می دهد.

خودکشی یک افسر عضو سازمان نظامی حزب توده

در میان مقامات نظامی تعدادی در رژیم سابق و چند تن در جریان انقلاب و هنگام بازداشت خودکشی کرده اند که اطلاعاتی از آنها در دسترس نیست ولی در باره کشف شبکه نظامی حزب توده ایران روزنامه امید ایران چنین نوشه است:

وقتی سرهنگ مبشری از سران نظامی حزب توده دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل می گردد و گروهبان ساقی مأمور دریافت

اطلاعات از مبشری می گردد او بیه سرهنگ مبشری خیلی کمک می کند و مبشری می گوید هر چه اطلاع داشته باشد می دهد. مبشری با بستگان خود ملاقات می کند و همسرش را مأمور می سازد که نامه ای از او به سرگرد بهرامی به خرم آباد ببرد. مبشری در این نامه چنین نوشتند بود:

«رفیق بهرامی - عباسی به دام افتادور مژ حزب در دست فرمانداری نظامی است. همه افسران از جمله شمادستگیر می شوید. من قول داده ام که اسرار را فاش خواهم کرد. نام شمارا خواهم گفت. زنم را فرستادم. (خودکشی) اکن تنهای راه نجات سازمان درجه داران نابودی توانست. فدا شدن یکنفر برای نجات جان هزاران نفر فرد حزبی انسانی است» سرگرد بهرامی سمت ریاست رکن دوم ستاد لشگر خرم آباد را داشت. او اهل نهادند و فرزند شاطر عباس و عنصری درس خوانده بود. او از طرف حزب توده سرپرست درجه داران و سربازان بود.

بارسیدن این نامه به سرگرد بهرامی بلا فاصله با کلت خودکشی می کند و هنگامی که مأمورین برای دستگیری او وارد خرم آباد می شوند مطلع می گردند که چند ساعت قبل بهرامی انتihar کرده و نامه ای را هم به پست داده که نتوانستند به آن دسترسی پیدا کنند.

در نشریات مختلف دیده شده که چند تن از سران نظامی از قبیل سرهنگ مبشری و خسرو روزبه قصد خودکشی داشته اند ولی چون چنین کاری صورت نگرفته یا مطلب شایعه بوده یا اینکه به سرعت محکمه و اعدام شدند و چنین فرصتی پیدا نکرده اند. هدف آنها از خودکشیها یا پیشنهاد آن، این بوده که اطلاعات سازمان نظامی حزب توده به دست دولت و مقامات انتظامی نیفتند.

خودکشی مردی موفق

یکی از مقامات سابق دکتر علی اکبر اخوی وزیر کابینه مصدق بود که سال‌هادر آمریکا تجارت می‌گردوبای بارادران خرازی شرکت داشت. چند سال قبل در جنوب فرانسه به علت مشکلات داخلی و اختلافات بین افراد خانواده اش به حیات خود خاتمه می‌دهد. مردی فاضل و تحصیل کرده بود که در سنین بالای ۸۰ سال یک روزی به فرزندش تلفن می‌کند و برای همیشه با او خدا حافظی می‌کند که روز بعد جنازه اش در خانه او در نیس کشف می‌گردد.

خودکشی یافوت

جهانگیر تفضلی مدیر روزنامه ایران ما و وزیر اطلاعات کابینه علم و سفیر ایران در افغانستان که از یازیگران سیاسی در ایران بود بعد از انقلاب در ایران ماند و با اینکه در تاریخ ۱۵ ارداد وزیر اطلاعات بود و از طریق رسانه‌های گروهی حملات تندي به خمینی کرده بود معهذا مزاحمتی برایش فراهم نگردید. ولی وقتی سنش از ۸۰ گذشت وضع روحی او چنان خراب شده بود که ناگهان انتشار یافت در گذشته است. بعضی از استگان او اعتقاد دارند که خودکشی کرده و در چند نشریه هم مرگ اویه صورت خودکشی نشیراftه است.

همچنین دکتر عبدالحسین اعتبار وزیر اقتصاد کابینه دکتر اقبال که در بخش خصوصی هم فعال بود و ثروت سرشاری هم داشت سال‌ها بود که در خارج از کشور زندگی می‌کرد. چند سال قبل در فرانسه فوت کرد ولی بعضی از دوستان نزدیکش می‌گویند بعلت گشاد بازیهای مالی وضع او بهم خورده بود که ناگهان انتشار یافت در پاریس در گذشته است. آنهائی که با او نزدیک بوده اندمی گویند خودکشی کرده است. ولی هیچ‌گونه خبری در این باره انتشار نیافته است.

شایعات درباره پیشنهاد خودکشی درخانواده سلطنتی
در خاطرات چند تن از درباریان دیده می شود که در وقایع شهریور
۱۳۲۰ که اوضاع ایران بحرانی شده و ارتضای های خارجی کشور را
اشغال کرده بودند، محمد رضا شاه هنگامیکه ولیعهد بود به خواهش
شرف پیشنهاد کرده بود که اگر خارجیها قصد دستگیری ماراداشتند باید
خودکشی کنیم و من اسلحه ام را آماده نگه داشته ام و بهتر است شما
هم این کار را بکنید. یا اینکه گفته می شد محمد رضا شاه همیشه چند
قرص سیانور همراه داشت تا اگر وقتی دچارین بست می شد و حتی در
هنگام اقامت در پاناما که شایعه دستگیری او در مطبوعات بین المللی
انتشار داشت در صورت دستگیری از آن استفاده می کرد ولی هیچگاه
درخانواده سلطنتی موضوعی پیش نیامده که احتیاج به خودکشی
باشد.

پیشنهاد خودکشی جمعی
در روز ۲۸ مرداد که خانه دکتر مصدق در محاصره قرار گرفته بود
و گلوله باران می شد، محمود نریمان به دکتر مصدق پیشنهاد می کند حال
که وضع به اینجا رسیده و ممکن است اشرار به خانه بریزند و مارا بکشند
بهتر است بطور جمعی خودکشی کنیم. از قرار معلوم با این نظر موافقت
می شود ولی گویا گلوله کافی در دسترس نبوده و به تعداد حاضرین نمی
رسیده و یا بعلت مخالفت بعضی از حاضرین موضوع منتفی می گردد
که همه با نردن به خانه همسایه می روند.

از نطق هاویا داشت های دکتر مصدق این طور است باط می گردد
که در زمان رضا شاه هم که مورد فشار قرار گرفته و به بیرون چند تبعید شده
بود چندبار به فکر خودکشی می افتاد ولی بعد انصراف حاصل می کند.

خودکشی های ناموفق

بعضی ها نیز بعلت مشکلات خانوادگی یا سیاسی تصمیم به خودکشی می گیرند ولی این تصمیم آنها عملی نمی شود. از جمله مهندس راجحی معاون سابق سازمان برنامه بود که گویا بعلت مشکلات خانوادگی در سال های قبل از انقلاب در تهران دست به خودکشی می زندولی اورابه بیمارستان برد و نجاتش می دهند.

خانم دکتر شایسته سنجر همسر یک افسر توده ای درباره خود کشی یکی از فسران توده ای دریاکو چنین می نویسد:

یکی از افسران حزبی را که در شوروی می دیدم سروان محسنی بود. رنج دوری از وطن چنان برایش در دنای بود که می گفت با فرار از ایران همه پلهای پشت سر را خراب کرده ام و اگر در ایران مانده بودم شاید چند سالی حبس می شدم و بعد به زندگی عادی برمی گشتم. به رسمت برای رفع انسوای خود بایک دختر از اهالی باکو ازدواج کرد ولی ازدواج و داشتن چند فرزند در دش را علاج نکرد. چند سال پس از ازدواج هنگامی که در منزل تنها بود، دروان حمام رگ دستش را قطع کرد و به زندگی خود خاتمه داد.



باکودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ میرپنج رضاخا به قدرت رسید.



روز نهم آباناه ۱۳۰۴ سلطان احمدشاه قاجار از سلطنت خلع و مجلس موسسان سلطنت را به رضاخان پهلوی تفویض نمود.



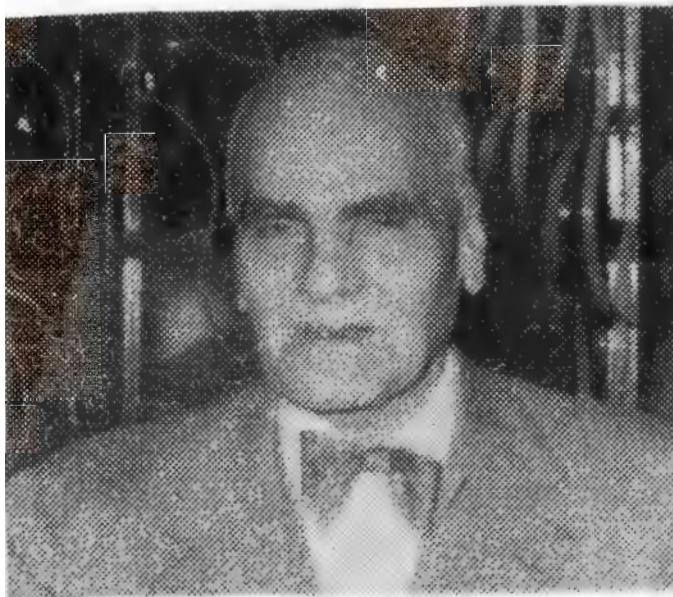
محمدعلی فروغی (ذکا الله)
در مشکل ترین ایام تاریخ ایران با قبول
مسئولیت کشور را از بحران نجات داد



عبدالحسین تیمورتاش وزیر مقندر پهلوی
در زندان بطور ناگهانی درگذشت.



علی اکبر داور که امیرکبیر پهلوی نامیده می شد خودکشی کرد.



سیدحسن تقی زاده وزیردارانی زمان
رضاشاه گفت درباره قراردادنفت (آلت فعل)
بوده است.



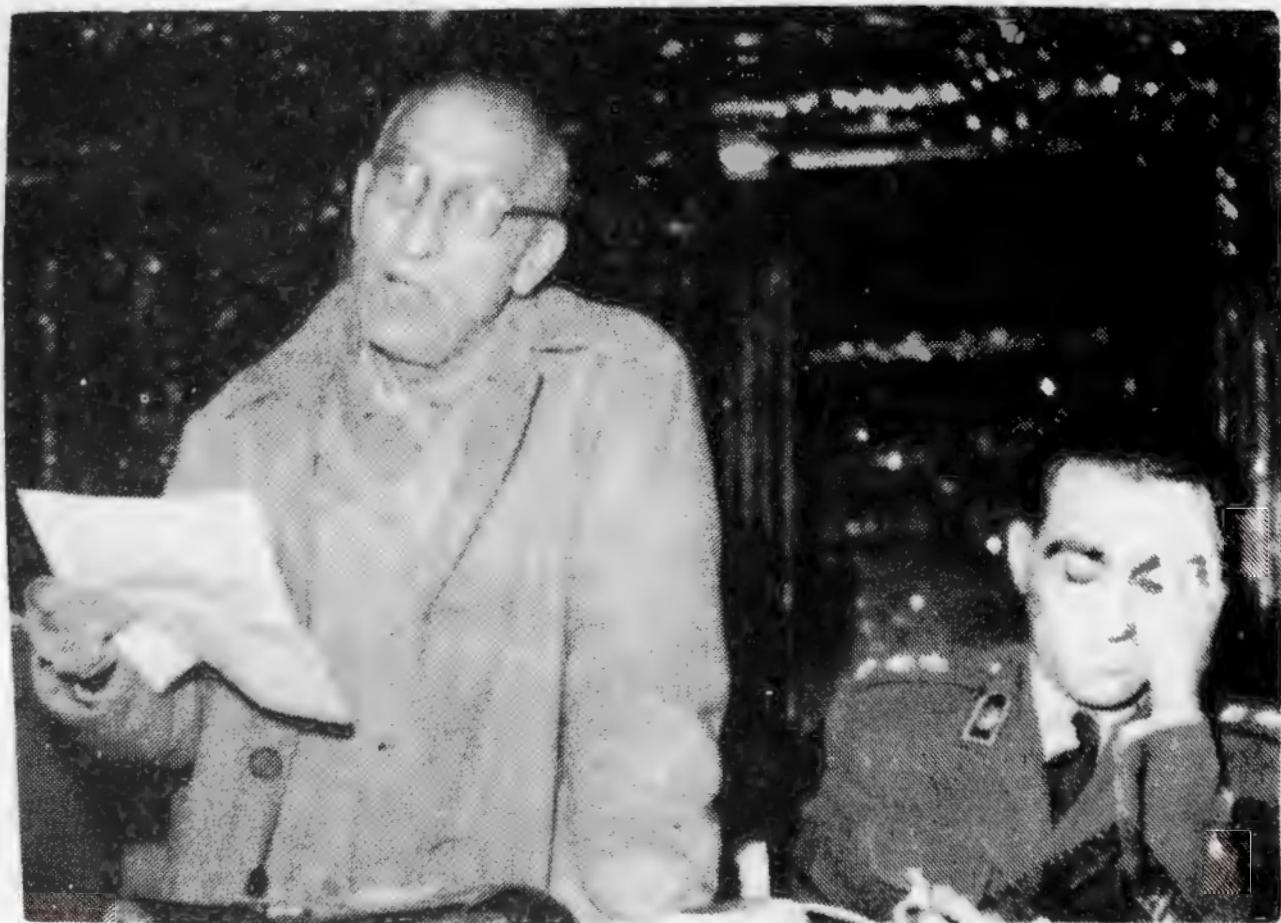
احمد توام (قوام السطنه) مهدور الدم
شناخته شد و اموالش مصادره گردید.



یک عکس تاریخی از محمد رضاشاه پهلوی در کودکی همراه خواهران و برادرانش... مادام ارفع
معلم فرانسوی او در این عکس دیده می شود.



چندروز بعد از مرداد ۱۳۳۲ محمد رضا شاه پهلوی ازرم به تهران بازگشت و خود را پادشاه انتخابی نامید.



دکتر محمد معبدق مشهورترین نخست وزیر ایران در دادگاه نظامی به سه سال زندان محکوم شد.



به آقاخان محلاتی تابعیت ایران و لقب
حضرت والا داده شد.



روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ وقتی شاه ازکشور
رفت دکتر مصدق می خواست علامه دهخدا
رابعنوان رئیس شورای سلطنت معرفی کند.



دکتر مهدی ملکی وکیل دادگستری بعد از شهریور
۱۳۲۰ وکالت مدرس را پذیرفت و مطالب مهمی در
دادگاه بیان داشت.



مورخ الدوله سپهبد رمقام وزارت
بازداشت و به کاشان تبعیدشد.



ارتشید عبدالله هدایت رئیس ستاد ارتش
زمان محمد رضا شاه در دادگاه محاکومیت یافت



سرلشکر حبیب الله خان شبانی
رئیس ستاد ارتش رضا شاه در
برلن جنازه اش پیداشد.



سپهبد علی‌محمد خادمی رئیس مقتصد
هراپیمانی ملی که خودکشی کرد.



سرلشکر ولی قرنی به اتهام کودتا محاکوم
شد. در رژیم جمهوری اسلامی رئیس ستاد
شد. پس از برکناری به قتل رسید.

فهرست گروهی اسامی

هنگامی که تصمیم گرفته شد فهرست اسامی هر ۱۵ جلد کتاب تهیه گردد با زحمات فراوان کلیه نام ها از کتابها استخراج گردید. چون تدوین آن یک جلد از کتاب را بخود اختصاص می داد از این جهت بفکر افتادم برای هر جلد اسامی گروهی با قید عنوان چاپ شود تا به سهولت قابل مراجعه باشد. بنابراین فهرست اسامی گروهی ۱۵ جلد و همچنین فهرست اسامی جلد پانزدهم بنظرتان می رسد:

-۲- اسامی بازداشت شدگان در کودتای
۷۴ تا ۷۶ ص ۱۲۹۹

-۳- نام سید ضیاء الدین طباطبائی در
اکثر صفحات از ۱۸ تا ۱۹

-۴- نام سلطان احمد شاه قاجار در اکثر
صفحات از ۲۹ تا ۴۳

-۵- اسامی امضای کنندگان طرح
جمهوریت ص ۱۵۵

-۶- نام استیضاح کنندگان دولت سردار
سپه در مجلس ص ۱۷۳

-۷- اسامی رجالی که برای قبول مجدد
نخست وزیری سردار سپه به رو دهن
رفتند ص ۱۸۱

-۸- اسامی کسانی که مخالف خلع
قاجار از سلطنت بودند ص ۲۰۱

-۹- اسامی نایندگان موافق خلع قاجار
از سلطنت ص ۲۰۳ و ۲۰۴

نام رضا شاه و محمد رضا شاه در اکثر
صفحات ۱۵ جلد وجود دارد به این

صورت: رضا - رضا مازندرانی - رضا خان -
رضا خان شصت تیر - رضا ماماکسیم

میر پنج رضا خان - سردار سپه -
والا حضرت رضا پهلوی - رضا شاه -

رضا شاه کبیر - پهلوی اول و ...
محمد رضا - محمد رضا پهلوی - شاهنشاه

آریامهر - محمد رضا پهلوی - پهلوی
دوم - شاه - شاه فقید و ...

جلد اول

-۱- اسامی همکاران رضا خان میر پنج
و نامزدهای کودتای ۱۲۹۹ ص ۳۱ تا

- ۵- موافقین و مخالفین رضاشاه و
تبعیدشدگان ص ۱۱۵
- ۶- اسامی کمیسیون مشورتی رضاشاه
دراوایل سلطنت ص ۱۲۹
- ۷- اسامی کمیته تحولات و انقلاب به
ریاست رضاشاه ص ۱۵۷
- ۸- اسامی کسانی که برای حمل جنازه
رضاشاه به مصر رفتند ص ۲۳۶
- ۹- اسامی بستکان رضاشاه ص ۲۴۵
تا ۲۶۸
- ۱۰- اسامی روزنامه نگاران زمان
رضاشاه ص ۳۳۱ تا ۲۶۹
- ۱۱- اسامی دوستان و همکاران دهخدا
محمد قزوینی ص ۲۷۳
- ۱۲- اسامی فعالین تبلیغات کمونیستی
که در زمان رضاشاه لو نرفتند ص ۳۳۹
- ۱۳- اسامی کمونیستهای که به روسیه رفته و اعدام شدند ص ۳۴۰
- ۱۴- اسامی ۵۳ نفر متهمین به فعالیت
کمونیستی زمان رضاشاه ص ۳۵۳ و
۳۵۴
- ۱۵- اسامی کسانی که بعد از شهریور
۱۳۲۰ محاکمه شدند و کسانی که ازین
رفتند وکلای مدافع آنها ص ۳۵۸ تا
۳۶۴
- ۱۰- اسامی گروهی از مخالفین سردار
سپه در همکاری با شیخ خزعل ص ۲۷۶
- ۱۱- اسامی کسانی که قصد ترور قوام
السلطنه و سردار سپه را داشتند ص ۴۱۱
و ۴۱۲
- ۱۲- اسامی کسانی که با همکاری قوام
السلطنه قصد ترور سردار سپه را داشتند
ص ۴۱۵ تا ۴۲۰
- ۱۳- اسامی نخست وزیران از کودتای
۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰ ص ۴۳۹
- ۱۴- اسامی وزراء از کودتای تا شهریور
۱۳۲۰ ص ۴۴۱ و ۴۴۲
- ۱۵- اسامی کسانی که به گوش حریف
خود سیلی زده اند ص ۴۴۲ تا ۴۴۴
- جلد دوم**
- ۱- اسامی کسای که در واقعه شهریور
۱۳۲۰ کشته شدند ص ۵
- ۲- نام محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)
ص ۱۱۴ تا ۱۱۸
- ۳- اسامی همسر و فرزندان احمدشاه
محمدحسن میرزا ص ۶۶ تا ۶۲
- ۴- اسامی نمایندگان مجلسی که رضا
شاه را مورد حمله قراردادند ص ۱۰۷ تا ۹۷

- اسامی ص ۱۶۰
- ۹ اسامی اهداکنندگان کتاب به مجلس شورای اعلیٰ ص ۱۶۸
- ۱۰- اسامی کسانی که به دستور محمد علیشاه بازداشت شدند ص ۱۷۶ تا ۱۸۲
- ۱۱- اسامی اعضای مجلس عالی که محمد علیشاه را عزل کردند ص ۱۹۹ و ۱۹۸
- ۱۲- اسامی همکاران محمد علیشاه که اعدام و حبس شدند ص ۱۹۹
- ۱۳- نام محمد علیشاه ص ۱۷۰ تا ۲۲۶
- ۱۴- اسامی کسانی که شیخ فضل الله نوری را محاکمه کردند ص ۲۲۲
- ۱۵- اسامی کسانی که توسط مجلس دوره اول معزول شدند ص ۲۳۱
- ۱۶- اسامی ۴۰ فامیلی که همواره در پارلمان غایبندگانی داشتند ص ۲۵۶
- ۱۷- اسامی وزرای موافق و مخالف استعفا در کابینه قوام السلطنه ص ۲۶۵
- ۱۸- اسامی مخالفین دولت هژیر ص ۲۷۰
- ۱۹- اسامی غایبندگانی که در مجلس شورای ملی بیکدیگر حمله کرده اند ص ۲۶۰ تا ۲۹۳
- ۲۰- اسامی رؤسای مجلس شورای اعلیٰ

- ۱۶- اسامی همتقاران نظامی سردار سپه پس از کودتا ص ۳۶۹ تا ۳۹۰
- ۱۷- اسامی کسانی که از کشور گریخته یا تبعیید شدند ص ۳۹۱ تا ۳۹۵
- ۱۸- اسامی خانواده رضا شاه ص ۴۲۱ تا ۴۲۶

جلد سوم

- ۱- اسامی نخست وزیران ایران در دوران مشروطیت ص ۲۱
- ۲- اسامی اعضای دولت موقت که در کرمانشاه تشکیل شد ص ۴۰
- ۳- اسامی بستگان سپهسالار تنکابنی ص ۵۷
- ۴- اسامی سناتورهای مخالف قرارداد نسخه نهم نفت ص ۱۰۲
- ۵- اسامی کسانی که برای نخست وزیری دعوت شدند. ص ۱۱۷ تا ۱۲۰
- ۶- اسامی روحانیونی که برای نظارت در مجلس شرکت داشتند ص ۱۵۳ تا ۱۵۵
- ۷- اسامی تنظیم کنندگان قانون انتخابات در صدر مشروطیت ص ۱۵۶
- ۸- اسامی تنظیم کنندگان قانون

۳۱- اسامی سنا توره اانی که در دور ششم درگذشتند ص ۴۰۲	در ۲۴ دوره قانونگذاری ص ۲۹۳
۳۲- اسامی سنا توره ای دوره رستاخیز ص ۳۰۴ و ۴۰۴	-۲۱ اسامی نامزدهای ریاست در مجلس هفدهم ص ۳۲۷
۳۳- اسامی نخست وزیران و رؤسای مجلسین که در مجلس سنا شرکت داشتند ص ۴۰۵ و ۴۰۶	-۲۲ اسامی روحانیون و روحانی زاده هائی که در مجلس عضویت داشتند ص ۳۵۶ و ۳۵۵
۳۴- اسامی سنا توره اانی که در رژیم جمهوری اسلامی اعدام و با کشته شدند ص ۴۱۰	-۲۳ اسامی غایبندگانی که دولت مستوفی المالک را استیضاح کردند ص ۳۶۲
۳۵- اسامی رؤسای مجلس سنا ص ۴۲۳	-۲۴ استیضاح کنندگان دولتها در مجلس درباره نفت ص ۳۶۳ و ۳۶۴
۳۶- اسامی اعضای نخستین مجلس مؤسسان ص ۴۲۷ تا ۴۳۰	-۲۵ اسامی غایبندگانی که طرح انزوا ازیک وزیر را امضا کردند ص ۳۶۵
۳۷- اسامی اعضای دومین مجلس مؤسسان ص ۴۴۳ تا ۴۴۵	-۲۶ اسامی کسانی که بارأی مجلس به غایبندگی مجلس انتخاب شدند ص ۳۶۹
۳۸- هیئت رئیسه نخستین کنگره (مجلسین) ص ۴۷۲	-۲۷ اسامی غایبندگانی که اعتبارنامه آنها رد گردید یا از آنها سلب مصونیت شد ص ۳۶۹ تا ۳۷۲
۳۹- اسامی اعضای هیئت رئیسه سومین مجلس موسسان ص ۴۷۵	-۲۸ اسامی و عکس گروهی از سنا توره در نخستین دوره مجلس سنا ص ۳۸۰
۴۰- اسامی آخرین اعضای شورای سلطنت ص ۴۷۸	-۲۹ اسامی کسانی که بادادن شغل موقت غایبنده مجلس سنا شدند ص ۳۸۱
۴۱- اسامی کسانی که با سپهسالار تنکابنی هم قسم شده اند ص ۵۰۳	-۳۰ اسامی کسانی که در دوره اول مجلس سنا از تهران انتخاب شدند ص ۳۸۹ تا ۳۸۱

جلد چهارم

- شدنده ۱۲۱
- ۱۱- اسامی مظنونین و بازداشت شدگان
در واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ص ۱۲۲
- ۱۳۵
- ۱۲- اسامی متهمین کاخ مرمر ص ۰۴۱
- تا ۱۴۲
- ۱۳- اسامی توطنه کنندگان علیه
خاندان سلطنت ۱۵۰ تا ۱۵۵
- ۱۴- اسامی چند تن از زنان مشهور دنیا
ص ۱۷۵
- ۱۵- نام محمدعلی فروغی (ذکار ملک)
ص ۵۴۲ تا ۵۶۴ - اکثر صفحات
- ۱۶- اسامی شورای مشورتی و
نژدیکان رضا شاه ص ۱۹۰ و ۱۹۱
- ۱۷- اسامی کسانی که در زمان رضا شاه
به حیات خود خانقه داده اند ص ۱۹۲
- ۱۸- اسامی شورای مشورتی فروغی
ص ۱۹۳
- ۱۹- اسامی فرزندان فروغی و کسانی
که در مجلس یادبودش صحبت کردند
ص ۲۱۳ و ۲۱۴
- ۲۰- اسامی بازداشت شدگان توسط
متفرقین ص ۲۳۱ تا ۲۳۵
- ۲۱- اسامی اعضای شورای عالی علوم
دینی ص ۲۴۵
- ۲۲- اسامی اعضای دادگاه نظامی
متهمین واقعه سمیرم ص ۲۶۳
- ۲۳- اسامی نخستین گروه نظامی

- ۱- اسامی همراهان ولیعهد در مراجعت
از سویس به تهران ص ۲۱
- ۲- اسامی نخست وزیران دوره سلطنت
محمد رضا شاه صفحات ۲۵-۲۶-۱۸۳
- ۱۸۴
- ۳- اسامی کسانی که همراه ولیعهد
برای خواستگاری فوزیه عازم مصر
شدنده ۵۲
- ۴- اسامی دوستان نزدیک فوزیه ص ۶۹
- ۵- اسامی مشاورین شاه در زمان
استعفای دکتر مصدق ص ۸۵
- ۶- اسامی اعضای شورای سلطنت
و دیدار کنندگان با ملکه ثریا در جریان
طلاق از شاه ص ۹۱
- ۷- اسامی بستگان شهبانو فرج
ص ۱۰۵
- ۸- اسامی و عکس همسران شاه
ص ۱۰۸
- ۹- اسامی معشوقه های خارجی شاه
ص ۱۱۰
- ۱۰- اسامی مقاماتی که در ماجرا
تیراندازی به شاه در دانشگاه در گیر

- عضو حزب توده و افسران ناسیونالیست
ص ۲۷۳ و ۲۷۲
- ۳۴- اسمی همراهان پیشه وری که
برای مذاکره به تهران آمده بودند ص
۳۲۹ و ۳۸۷
- ۳۵- اسمی روزنامه نگاران و گروهی
که به خواسته قوام به آذربایجان رفتند
ص ۳۴۱ و ۳۴۰
- ۳۶- اسمی همراهان قوام السلطنه در
سفرمسکو صفحات ۳۴۵ و ۳۴۶
- ۳۷- اسمی بازداشت شدگان در
حکومت قوام ص ۳۵۳
- ۳۸- اسمی خانواده هانی که پس
از عهدنامه ترکمانچای به ایران آمده اند
ص ۳۶۲
- ۳۹- اسمی عاملین قتل حسام لنگرانی
ص ۳۶۴
- ۴۰- اسمی مردان انقلابی و توبه نامه
های آنان ص ۳۶۶ و ۳۶۷
- ۴۱- اسمی وزرای حزب توده و عکس
کابینه انتلافی و چگونگی پیشنهاد
حزب توده ص ۳۷۲-۳۷۶-۳۷۷ -
- ۵۰۶
- ۴۲- اسمی هیئت اعزامی از آذربایجان
و هیئت معین شده در تهران از طرف
نخست وزیر ص ۳۸۷
- ۴۳- اسمی هیئتی که از تهران به
- عضو حزب توده و افسران قیام کنندگان
در خراسان و رهبران موافق و مخالف
در حزب توده ص ۲۷۲ تا ۲۷۹
- ۴۴- اسمی افسران ایرانی در شوروی
ص ۲۷۹
- ۴۵- نام احمد قوام (قوام السلطنه)
از ص ۳۷۲ تا ۳۰۷ و از ۳۷۲ تا ۵۴۴
- ۴۶- اسمی وزرای کابینه قوام که
نخست وزیر و رئیس مجلس شدند ص
۲۸۱
- ۴۷- اسمی نایابندگان مجلس که
درواقعه ۱۷ آذرنزدشاه رفتند ص ۶
و ۳۰۷
- ۴۸- اسمی نایابندگان مجلس که
درواقعه ۱۷ آذرنزدشاه رفتند ص ۱۷
- ۴۹- آذر از ص ۳۰۹ تا ۳۱۱
- ۵۰- اسمی وزرائی که با قوام السلطنه
در دولت مشاجره کردند. ص ۳۱۳
- ۵۱- اسمی نخست وزیرانی که چندماه
حکومت کردند. ص ۳۱۶
- ۵۲- اسمی مخالفین اعتبارنامه
پیشه وری ص ۳۲۲ و ۳۲۳
- ۵۳- اسمی وزرای دولت های تجزیه
طلب آذربایجان و کردستان ص ۳۲۵

- ریاست مظفرفیروز به آذربایجان رفت
ص ۳۹۲
- ۴۴- اسامی کسانی که در مذاکرات
انتلافی احزاب شرکت داشتند و
طرفداران مظفرفیروز ص ۳۹۸
- ۴۵- اسامی هیئتی که به ریاست
سردار فاخر به فارس رفت ص ۴۰۵
- ۴۶- اسامی و عکس برادران قشقانی
ص ۴۰۵ و ۴۱۵
- ۴۷- اسامی بازداشت شدگان واقعه
جنوب و نام وزرای گزارش دهنده از ص
۴۱۵ تا ۴۱۰
- ۴۸- اسامی فرماندهان نظامی در واقعه
آذربایجان ص ۴۶۳ و ۴۶۴
- ۴۹- اسامی گروهی از افسران ایرانی
که از شوروی برگشته و به فرقه
دموکرات پیوستند ص ۴۶۵
- ۵۰- اسامی نمایندگان آذربایجان و
کردستان در امضای قرارداد خود مختاری
ص ۴۸۲
- ۵۱- اسامی اعضای دولت جمهوری
کردستان ص ۴۸۳ و ۴۸۴
- ۵۲- اسامی برادران ذوالفقاری ص ۰۲۰
- ۵۳- اسامی مؤسسین و پایه گذاران
حزب دموکرات ایران ص ۰۵۴ تا ۰۶۵
- ۵۴- اسامی کسانی را که جمعیت
رفیقان می خواست از بین ببرد ص ۱۳۵
- ۵۵- اسامی وزرای قوام السلطنه که
در مقابل هم قرار گرفته بودند ص ۵۲۲ تا
۵۲۴
- ۵۶- اسامی اعضای کمیته موقت حزب
دموکرات ایران ص ۵۲۵ و ۵۲۶
- ۵۷- اسامی اعتراض کنندگان به
حکومت قوام ص ۵۳۳ تا ۵۳۶
- ۵۸- اسامی همکاران پیشه وری ص
۵۴۴ تا ۵۴۹
- ۵۹- اسامی و عکس ورزشکاران در
حضور محمد رضا شاه پهلوی ص ۵۴۸

جلد پنجم

- ۱۱- اسمی کسانی که بعد از ترور رژیم آرا کاندیدای نخست وزیری شده اند ص ۱۰۳
- ۱۲- اسمی روحانیون سیاست پیشه ص ۱۱۲ و ۱۱۴
- ۱۳- نام آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ص ۱۵۴ تا ۱۵۵ در اکثر صفحات
- ۱۴- اسمی کسانی که توسط فدائیان اسلام ترور شده‌اند ص ۱۳۶ و ۱۳۷
- ۱۵- اسمی رهبران فدائیان اسلام ص ۱۴۰ تا ۱۴۶ و ۱۵۴
- ۱۶- اسمی کسانی که قرار بود توسط فدائیان اسلام کشته شوند ص ۱۴۱
- ۱۷- نام نواب صفوی در اکثر صفحات از ۱۴۸ تا ۱۷۱
- ۱۸- اسمی اعضای کمیته مجازات و کسانی را که قصد ترور داشتند ص ۱۶۰ تا ۱۶۲
- ۱۹- نام سید احمد کسری ص ۱۶۳ تا ۱۷۲
- ۲۰- نام محمد مسعود ص ۱۷۳ تا ۱۹۹
- ۲۱- اسمی و عکس روزنامه نگارانی که به مناطق نفتی سفر کردند ص ۱۹۹
- ۲۲- اسمی کسانی که با آرامش
- ۱- نام سپهبد حاج یعلی رزم آرا از ص ۴ تا ۱۵۴ در اکثر صفحات
- ۲- نام پدر و برادران رزم آرا ص ۸
- ۳- اسمی غایبندگانی که هنگام معرفی دولت رزم آرا به یکدیگر حمله کردند ص ۲۶۱ تا ۲۶۸
- ۴- اعضای هیئت ۷ نفره برای بررسی وضع کارمندان دولت ص ۳۴
- ۵- اسمی بعضی از افراد بندگان الف - ب - ج ص ۳۵ تا ۳۷
- ۶- اسمی رهبران حزب توده که از زندان گریختند و افسران و نگهبانان ص ۳۸ و ۳۹
- ۷- استیضاح کنندگان دولت رزم آرا ص ۴۶
- ۸- اسمی وزرای رزم آرا که با نطق وزیردارانی مخالفت کردند ص ۵۵
- ۹- اسمی کسانی که با خلیل طهماسبی برای قتل رزم آرا همکاری داشتند ص ۷۶
- ۱۰- اسمی کسانی که متهم هستند به سوی رزم آرا تیراندازی کرده اند ص ۸۹

جلد ششم	جلساتی داشتند و نام گروه ترقیخواهان
	ص ۲۲۲
۱- دکتر محمد مصدق - مصدق السلطنه در اکثر صفحات	۲۳۴
۲- همراهان دکتر مصدق در نخستین تحصین در بار ص ۱۱ و ۱۲	۲۳۶ و ۲۳۷
۳- اعضای کمیته مرکزی و شورای حزب ایران و منشعبین ص ۱۸-۱۹ -	۲۴۹ تا ۲۵۱
۴- مؤسسه‌ی جمعیت میهن پرستان ص ۲۸ تا ۲۹	۲۶۰ تا ۲۶۱
۵- اسامی اعضای خانواده دکتر مصدق ص ۳۱	۲۷۵
۶- همکاران دکتر مصدق در حزب عدالت ص ۳۱	۲۷۵ تا ۳۷۵
۷- اسامی افراد هم قسم در کودتا به کفته سید ضباء الدین طباطبائی ص ۳۷	۳۷۶
۸- اسامی همراهان دکتر مصدق در دومین تحصین در بار ص ۵۹-۶۰-۶۵	۴۰۴
۹- اسامی بازداشت شدگان در انتخابات و نمایندگان و اسامی کسانی که برای وساطت نزد ساعده رفتند ص ۶۵	۴۴۵
۱۰- اسامی نمایندگانی که پیشنهاد کردند نفت ملی شود ص ۸۴	۴۵۵
۱۱- اسامی و عکس بعضی ازو زرای	۴۶۶ تا ۴۶۹
	۴۵۵
	۴۳۳
	۴۳۲
	۴۱۷ تا ۴۲۰
	۴۰۹ تا ۴۱۷
	۳۷۵
	۳۵۰
	۲۷۵
	۲۶۰ تا ۲۶۱
	۲۴۹ تا ۲۵۱
	۲۳۶ و ۲۳۷
	۲۳۴
	۲۲۴

- | | |
|---|--|
| قوام با او مشاوره کردند ص ۲۱۳
۲۳- اسامی افسرانی که بازنشسته شدند و سفرانی که احضار گردیدند ص ۲۱۴
۲۴- اسامی افسران گروه ملی ص ۲۱۶ و ۲۱۷
۲۵- اسامی نامزدهای نخست وزیری بعداز مصدق ص ۲۲۶
۲۶- اسامی غایبندگانی که روز ۰۳ تیر نزد شاه رفتند ص ۲۳۶ و ۲۳۷
۲۷- اسامی غایبندگانی که به خانه کاشانی رفتهند تا اورابه ریاست مجلس انتخاب کنند ص ۲۳۹
۲۸- اسامی و عکس دکتر مصدق و پارانش ص ۲۵۱
۲۹- اسامی و عکس آخرین هیئت دولت دکتر مصدق ص ۲۵۲ و ۲۵۳
۳۰- اسامی کسانی که در اعلام جرم عليه قوام السلطنه متهم شده بودند و اعضا هیئت رسیدگی ص ۲۶۹ تا ۲۷۲
۳۱- اسامی نخست وزیرانی که با قوام منصوب بودند و ورثه و ثوق الدوله ص ۲۷۵
۳۲- اسامی گروهی از بیازداشت شدگان در حکومت دکتر مصدق ص ۲۷۸ تا | کابینه دکتر محمد مصدق باشه و ثریا ص ۱۰۲
۱۲- اسامی سهامداران شرکت نفت ص ۱۱۵
۱۳- اسامی و عکس و اعضای هیئت خلع بد ص ۱۱۶
۱۴- اسامی همراهان دکتر مصدق برای شرکت در جلسات سازمان ملل متعدد ص ۱۲۰ و ۱۱۹
۱۵- اسامی کسانی که دردادگاه لاهه شرکت داشته اند ص ۱۲۷
۱۶- اسامی روزنامه نگاران متخصص در مجلس ص ۱۳۷
۱۷- اسامی اصناف و بازرگانان که قصد تحصین در مجلس را داشتند ص ۱۴۷ و ۱۴۶
۱۸- اسامی کسانی که به دولت مصدق رأی ندادند ص ۱۷۵
۱۹- اسامی غایبندگانی که با اعتبارنامه هایشان مخالفت شد ص ۱۹۲
۲۰- اسامی غایبندگانی که حمایت خود را از دکتر مصدق اعلام داشتند ص ۲۰۰
۲۱- اسامی کسانی که درخانه برادر قوام با او تشکیل جلسه دادند ص ۲۰۷
۲۲- اسامی کسانی که برای استعفای |
|---|--|

جلد هفتم

۲۸۲

- ۱- نام دکتر محمد مصدق در اکثر صفحات ۳۰۵ بودند ص
- ۲- نام سپهبد فضل الله زاهدی (بصیر دیوان) در اکثر صفحات ۳۲۴ تا ۳۲۱ شد گان ص
- ۳- اسامی بازداشت شد گان روز ۲۵ مرداد ص ۱۶ تا ۱۲
- ۴- اسامی خارجی هائی که در طرح کودتای ۲۸ مرداد شرکت داشتند ص ۱۹ تا ۲۲ - ۴۰ و ۴۱
- ۵- اسامی افسران و مقامات شرکت کننده در کودتای ۲۸ مرداد (موافق و مخالف) ص ۵۳ تا ۴۷
- ۶- مقامات نظامی که با سرلشکر زاهدی در جریان ۲۸ مرداد همکاری داشتند ص ۸۲ و ۸۳
- ۷- اسامی افسران حمله کننده به خانه مصدق و مدافعين ص ۸۶ تا ۸۹
- ۸- اسامی کسانی که روز ۲۸ مرداد در خانه دکتر مصدق بودند ص ۹۱ تا ۹۳
- ۹- اسامی و عکس رهبران کشورها و مقامات خارجی که در وقایع ۲۸ مرداد مؤثر بوده اند ص ۱۰۱ و ۱۲۱
- ۱۰- اسامی کسانی که در وقایع ۲۵ او
- ۱۱- اسامی کسانی که در انتخابات دوره چهاردهم از تهران حائز اکثریت بودند ص ۳۴
- ۱۲- اسامی کسانی که روز نهم اسفند جلوی کاخ سلطنتی آمدند و بازداشت شد گان ص ۳۲۴ تا ۳۲۱
- ۱۳- اسامی هیئت ۸ انفرادی مأمور مذاکره با شاه و نخست وزیر ص ۳۳۲ و ۳۳۳
- ۱۴- اسامی و عکس متهمین به قتل افشار طوس ص ۳۷۱ - ۳۷۸ - ۳۴۷
- ۱۵- اسامی اعضاء دادگاه نظامی مأمور رسیدگی به پرونده قتل افشار طوس ص ۳۶۵
- ۱۶- اسامی نماینده گان نهضت ملی که مخالف تعطیل مجلس بودند ص ۴۶۳ و ۴۶۴
- ۱۷- اسامی نماینده گانی که استعفا کردند ص ۴۶۸ و ۴۶۹

- | | |
|---|--|
| <p>۲۷۳ - اسامی موافقین و مخالفین قرارداد کنسرسیوم ص ۲۴۲ تا ۲۵۴-۲۶۱ و ۲۶۲</p> <p>۲۷۲ - اسامی افسرانی که در طرح برکناری شاه شرکت داشتند ص ۲۷۲</p> <p>۲۷۱ - اسامی کسانی که دکتر مصدق در مخالفت با سردارسپه با آنها مذکور کرده بود ص ۲۸۳</p> <p>۲۷۰ - اسامی متهمین به همکاری با دکتر مصدق در اعلام جرم عمیدی نوری ص ۳۰۷</p> <p>۲۶۹ - اسامی اعضای دادگاه نظامی محاکمه دکتر مصدق ص ۳۲۸-۳۹۳ - ۴۰۳ و ۴۰۲</p> <p>۲۶۸ - اسامی وکلای مدافع دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی ص ۳۳۱-۳۸۹</p> <p>۲۶۷ - اسامی متهمین واقعه ۳۰ تیر که برانست حاصل کردند ص ۳۷۱</p> <p>۲۶۶ - اسامی وزرای مزاحم کابینه مصدق ص ۳۷۳</p> <p>۲۶۵ - اسامی همکاران مصدق که در دادگاه از خود ضعف نشان دادند ص ۴۱۶</p> | <p>۲۸ - مرداد دخالت داشته اند ص ۱۳۲ تا ۱۳۴</p> <p>۱۱ - اسامی گروهی از طرفداران دکتر مصدق که از طرف فرمانداری نظامی حاضر شدند ص ۱۴۱</p> <p>۱۲ - اسامی سفرانی که بعداز ۲۸ مرداد از کار برکنار شدند ص ۱۴۴ تا ۱۴۶</p> <p>۱۳ - اسامی بستکان دکتر مصدق که شاغل مقاماتی بودند ص ۱۸۵ و ۱۸۶</p> <p>۳۰۱ -</p> <p>۱۴ - اسامی افسرانی که در زمان رضا شاه نشان ذوالفقار گرفتند ۱۹۶</p> <p>۱۵ - اسامی کسانی که با سرلشکر زاهدی شروع به همکاری کردند ص ۱۹۸ تا ۲۰۴</p> <p>۱۶ - اسامی عاملین کردتا که از طرف دولت مصدق معرفی شده بودند ص ۲۰۴</p> <p>۱۷ - نامزدهای نهضت مقاومت در انتخابات دوره هیجدهم ص ۲۱۳</p> <p>۱۸ - اسامی و عکس یاران دکتر مصدق در کنار سپهبد زاهدی ص ۲۱۸</p> <p>۱۹ - اسامی و عکس مشاوران و کسانی که در مذاکرات با کنسرسیوم نفت شرکت داشتند ص ۲۴۶ تا ۲۴۴-۲۳۱ تا ۲۲۸</p> |
|---|--|

- ۴۷- مجلس سنا متحصن شدند ص ۶۷
- ۴۸- اسامی اعضای کنگره شورای جبهه ملی و احزاب و گروه های طرفدار مصدق ص ۵۵ تا ۶۰
- ۴۹- اسامی اعضای انتخاباتی جبهه ملی که متحصن و تبعید شدند ص ۶۱ و ۶۷ تا ۷۰
- ۵۰- اسامی امضاء کنندکان نامه جبهه ملی به شاه ص ۸۱
- ۵۱- اسامی طرفداران جبهه ملی که ازورود شان به مجلس شورای اسلامی جلوگیری شد ص ۸۱
- ۵۲- اسامی کسانی که دکتر فاطمی برای تأسیس حزب به آنها مراجعه کرد ص ۹۰
- ۵۳- اسامی پزشکان معالج دکتر فاطمی ص ۱۰۳
- ۵۴- اسامی اعضاء دادگاه محاکمه دکتر فاطمی ص ۱۰۴-۱۰۵-۱۰۷
- ۵۵- اسامی بستگان دکتر فاطمی ص ۱۱۱-۱۱۷-۱۱۴
- ۵۶- اسامی گروهی از زندانیان لشکر ۲ زرهی ص ۱۲۲ و ۱۲۳
- ۵۷- اسامی دستگیرشدگان در حکومت علاء ص ۱۴۵
- ۵۸- اسامی اعضای دادگاه های نظامی و وکلای مدافع که بعضی مغضوب شدند ص ۴۲۰
- ۵۹- اسامی اعضای نهضت آزادی که در دادگاه نظامی محاکمه شدند و نام وکلای مدافع آنها ص ۴۲۰

جلد هشتم

- ۱- نام دکتر محمد مصدق در اکثر صفحات
- ۲- اسامی مؤسسین جبهه ملی و سرنوشت آنها ص ۱ و ۲
- ۳- اسامی همکاران دکتر مصدق و سرنوشت آنها ص ۲ تا ۴
- ۴- اسامی دوستان پزشک دکتر غلامحسین مصدق ص ۱۶
- ۵- اسامی همراهان مصدق در سفر آمریکا ص ۱۹ و ۲۰
- ۶- اسامی وراث دکتر مصدق ص ۲۵ و ۳۵
- ۷- اسامی کسانی که در مراسم تدفین دکتر مصدق حاضر بودند و سرنوشت بستگان مصدق ص ۲۹ تا ۳۵
- ۸- اسامی اعضای جبهه ملی که در

- | | |
|--|--|
| <p>-۳۱- اسامی رجال ملی و اسلامی
ص ۲۷۴</p> <p>-۳۲- اسامی اعضای نهضت آزادی که
محاکمه شدند و وکلای مدافع آنها ص
۲۷۵</p> <p>-۳۳- اسامی جمعیت دفاع از حقوق بشر
ص ۲۷۷</p> <p>-۳۴- اسامی مؤسسان حسینیه ارشاد
ص ۲۷۸</p> <p>-۳۵- اسامی گروهی از افسرانی که زمان
صدق بازنشسته شده اند ص ۲۸۲</p> <p>-۳۶- اسامی متهمین واقعه نهم اسفند
که محاکمه شدند ص ۲۸۴</p> <p>-۳۷- اسامی کسانی که قراربود پس
از قتل افشار طوس ریوده شوند. ص
۲۸۴ تا ۲۸۵</p> <p>-۳۸- اسامی متهمین به قتل افشار طوس
ص ۲۸۷ - ۲۹۰</p> <p>-۳۹- اسامی و عکس کسانی که به
دکتر مصدق و فادار ماندند ص ۲۹۱ تا
۲۹۵</p> <p>-۴۰- اسامی گروه عامیون ص ۲۹۹ تا
۳۰۲</p> <p>-۴۱- اسامی کسانی که در زمان
مختاری تعقیب شدند ص ۳۱۷ تا ۳۲۰</p> | <p>-۱۹- اسامی بستکان عمیدالشعراء
(عمیدی نوری) ص ۱۵۴ تا ۱۶۰</p> <p>-۲۰- نام دکتر مظفریقائی و حسین
فاطمی در اکثر صفحات</p> <p>-۲۱- اسامی تعدادی از استادان
دبیرستان نظام و دانشکده افسری ص
۱۵۹</p> <p>-۲۲- اسامی یاران خلیل ملکی ص
۱۸۴</p> <p>-۲۳- اسامی نویسندهای نشریات
نیروی سوم ص ۱۸۴ - ۱۸۶</p> <p>-۲۴- اسامی کسانی که پس از ترور
هزیر توقيف شدند ص ۱۹۱</p> <p>-۲۵- اسامی کسانی که بادکنقری
جلسات هفتگی داشتند ص ۱۹۷</p> <p>-۲۶- اعضای شورای مرکزی سازمان
نظرات بر انتخابات ص ۱۹۹</p> <p>-۲۷- اسامی اعضاء شورای جبهه ملی
دوم و آنهایی که جدا شدند ص ۲۱۳</p> <p>-۲۸- اسامی اعضای جامعه سپاهیست
های نهضت ملی ایران ص ۲۱۸</p> <p>-۲۹- اسامی اعضای نهضت آزادی
ایران ص ۲۶۹</p> <p>-۳۰- اسامی اعضای جمعیت دفاع
از آزادی و حقوق بشر ص ۲۷۳</p> |
|--|--|

- ۴۲- اسامی سهامداران نفت خوریان ص ۳۳۳
- ۴۳- اسامی کسانی که توسط دانشگاه هاروارد مصاحبه شده اند ص ۳۴۳ تا ۳۴۵
- ۴۴- دوستان نزدیک ذکا مملک فروغی ص ۳۸۲
- ۴۵- اسامی رؤسای شهریاتی در زمان رضا شاه ص ۳۸۲ و ۳۸۳
- ۴۶- اسامی کسانی که به خانه سید ضیاء الدین طباطبائی می‌رفتند ص ۳۸۷
- ۴۷- اسامی اعضاء دادگاه محاکمه سهیلی ص ۳۸۹
- ۴۸- اسامی ورثه و ثوق الدوله ص ۳۹۰
- جلد نهم**
- ۱- اسامی اعضای گروه سوسیال دموکرات ایران ص ۱
- ۲- اسامی اعضای دولت جمهوری میرزا کوچک خان جنگلی ص ۲۷-۵
- ۳- اسامی کمونیستهای ایرانی که در تصفیه استالین به قتل رسیدند ص ۸
- ۴- اسامی اعضاء حزب عدالت که
- دریاکو تشکیل شد ص ۲۶۲ تا ۲۶۴
- ۵- اسامی کمونیستهای قدیمی ص ۴۸ تا ۵۱
- ۶- اسامی مؤسسین حزب توده ایران ص ۵۴ تا ۵۷-۶۳
- ۷- اسلامی غایبندگان حزب توده در مجلس شورای اسلامی ص ۵۹
- ۸- اسامی منشعبین از حزب توده و عکس آنها ص ۷۳ تا ۷۸-۷۹
- ۹- اسامی مستولین سازمان اطلاعاتی حزب توده ص ۸۰
- ۱۰- اسامی تویستندگان و هنرمندان مورد حمایت حزب توده ص ۸۱
- ۱۱- اسامی اعضاء جبهه آزادی ۸۲
- ۱۲- اسامی رهبران حزب توده که پس از ترور شاه مخفی و متواری شدند ص ۸۹ و ۹۰
- ۱۳- اسامی منتخبین حزب توده در پلنوم دوم ص ۹۵ و ۹۶
- ۱۴- اسامی رهبران حزب توده و وضع مبهم هریک از آنها ص ۹۵ تا ۹۷
- ۱۵- اسامی اعضای سازمان اطلاعاتی حزب توده ص ۱۰۶
- ۱۶- اسامی اعضای جمعیت های سیاسی در ایران ص ۱۱۰ تا ۱۱۴

- ۱۷- اسامی رهبران حزب توده در خارج از کشور ص ۲۶۶ تا ۱۱۵-۱۲۴-۱۱۸-۱۲۶
- ۱۸- اسامی کسانی که در رهبری حزب توده با هم کشمکش داشتند ص ۱۷۵ تا ۱۳۵
- ۱۹- اسامی اعضاء سازمان جوانان حزب توده ص ۲۰۵ و ۲۰۴
- ۲۰- اسامی اعضاء شورای متحده مرکزی کارگران و شعبه دهقانان ص ۱۷۶
- ۲۱- اسامی کسانی که اعلام آمادگی کردند که در محاکمه سید ضیا الدین طباطبائی علیه روزنامه ظفر دردادگاه شرکت کنند ص ۲۱۷ تا ۲۱۹
- ۲۲- اسامی فرزندان فرمانفرما و شاهزادگان سرخ ص ۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹
- ۲۳- اسامی اعضاء کنفردراسیون ص ۲۳۷ تا ۲۴۱
- ۲۴- اسامی متهمین کاخ مرمر ص ۲۴۵
- ۲۵- اسامی نویسندهای و هنرمندان توده ای و سپاهیانها و عکس آنان ص ۲۴۶ تا ۲۵۲
- ۲۶- اسامی اعدام شدگان گروه چپ در جمهوری اسلامی بازداشت شدند ص ۳۸۶ تا ۳۸۶
- ۲۷- اسامی اعضاء سازمان نظامی حزب توده ص ۲۹۰-۲۹۲-۲۹۶
- ۲۸- اسامی فعالین فرقه دموکرات در شوروی ص ۳۰۳
- ۲۹- اسامی کسانی که وسیله حزب توده به قتل رسیده اند و عاملین قتل ص ۳۰۶ تا ۳۱۲
- ۳۰- اسامی افسران اعدام شده و محکوم حزب توده ص ۳۳۲ تا ۳۳۵
- ۳۱- اسامی افسران مارکسیست ص ۳۵۵
- ۳۲- اسامی افسران واقعه خراسان ص ۳۵۸ و ۳۵۹
- ۳۳- اسامی کسانی که بعد از واقعه آذربایجان اعدام شدند ص ۳۶۰
- ۳۴- اسامی رهبران حزب توده که در جمهوری اسلامی بازداشت شدند ص ۳۸۴ تا ۳۸۶
- ۳۵- اسامی بانوان عضو حزب توده که در جمهوری اسلامی بازداشت شدند ص ۳۹۷ تا ۳۹۹
- ۳۶- اسامی اعدام شدگان گروه چپ در جمهوری اسلامی بازداشت شدند ص ۴۰۵ و ۴۰۷

۶- اسامی بدهکاران شرکت شهر و روستا ص ۷۴	جمهوری اسلامی ص ۱۴
۷- اسامی کسانی که از ثروت شاه اطلاع دارند ص ۸۱	۳۷- اسامی اعضای پلنوم حزب توده درخارج از کشور ص ۴۰-۴۲
۸- اسامی دستیاران و همکاران شهبانو فرج ص ۱۰۷	۳۸- اسامی شاخه نظامی حزب توده که توسط جمهوری اسلامی کشف شد ص ۴۷۱-۴۷۴ تا ۴۸۲
۹- اسامی رهبران کشورهای خارجی و سپرده آنها نزد بانکهادر ص ۱۱۵-۱۱۶	۳۹- اسامی همفکران و همکاران دکتر کیانوری ص ۴۸۴ تا ۴۸۹
۱۰- اسامی رهبران کشورها که در جشن های شاهنشاهی شرکت نمودند ص ۱۴۷-۱۴۵	۴۰- اسامی اعضاء دفترسیاست حزب کمونیست شوروی در زمان لنین ص ۵۳۳
۱۱- اسامی رؤسا و مقامات ساواک ص ۲۵۱-۱۷۱	
۱۲- بازداشت شدگان توسط ساواک ص ۱۷۳-۱۸۲	
۱۳- اسامی زندانیان سیاسی ص ۱۹۳ تا ۲۰۳	۱- نام اعضای خانواده پهلوی در شرکتها و مؤسسات مالی ص ۳۱ تا ۳۱۴
۱۴- اسامی وکلای دادگستری که در تحصیل زندانیان سیاسی در دادگستری با آنها همکاری داشتند ص ۱۹۳	۲- اسامی اعضای هیئت نظارت بنیاد پهلوی ص ۳۳
۱۵- اسامی اعضای جمعیت حقوقدانان ایران ص ۲۰۴	۳- اسامی بازداشت شدگان در حکومت امینی ص ۳۸ و ۳۹
۱۶- اسامی بختیاریهای که در مشروطیت و عصر پهلوی نقشی داشته اند ص ۲۴۶	۴- اسامی کسانی که در واقعه مردادمتهم به دریافت بول شده اند ص ۴۸ و ۴۷
	۵- اسامی سهامداران و مدیران شرکت خانه سازی مهستان ص ۶۶

جلد دهم

۱- نام اعضای خانواده پهلوی در شرکتها و مؤسسات مالی ص ۳۱ تا ۳۱۴	
۲- اسامی اعضای هیئت نظارت بنیاد پهلوی ص ۳۳	
۳- اسامی بازداشت شدگان در حکومت امینی ص ۳۸ و ۳۹	
۴- اسامی کسانی که در واقعه مردادمتهم به دریافت بول شده اند ص ۴۸ و ۴۷	
۵- اسامی سهامداران و مدیران شرکت خانه سازی مهستان ص ۶۶	

- ۱۷- اسامی کسانی که در مراسم یادبود سرلشکر پاکروان صحبت کردند ص ۲۵۷
- ۱۸- اسامی کسانی که در مصاحبه تلویزیونی ارتشبند نصیری شرکت داشتند ص ۲۷۷
- ۱۹- اسامی چهارامیر ارتش که در پشت بام مدرسه رفاه اعدام شدند ص ۲۸۰
- ۲۰- اسامی کسانی که در میهمانیهای فردوست شرکت می کردند ص ۳۱۶
- ۲۱- اسامی کسانی که در بیانیه هوش باولیعهد درسوسیس شرکت داشتند ص ۳۲۵
- ۲۲- اسامی کسانی که باولیعهد در سویس تحصیل می کردندو افسرانی که در دانشکده افسری با ولیعهد کارمی کردند ص ۳۴۵ و ۳۴۴
- ۲۳- اسامی کسانی که در امرات خابات دوره بیست و یکم مجلس مورد مشاوره بودند ص ۳۵۲
- ۲۴- اسامی فرماندهان گارد جاویدان ص ۳۵۵ و ۳۵۶
- ۲۵- اسامی همکاران سرلشکر ارفع و کارگردانان حزب آریا ص ۳۵۶
- ۲۶- اسامی کسانی که فردوست برای
- مقامات نظامی به سرلشکر قرنی معرفی کردند ص ۳۷۲
- ۲۷- اسامی کسانی که در ناهارهای رضا شاه شرکت داشتند ص ۳۸۲
- ۲۸- اسامی کسانی که محمد رضا شاه به خانه آنها می رفت و هنرمندان مورد علاقه اش ص ۴۰۴
- ۲۹- اسامی رهبران جهان و اظهار نظر شاه ایران در باره آنان ص ۴۴۷ و ۴۴۸
- ۳۰- اسامی کسانی که با محمد رضا شاه پوکریازی می کردند ص ۴۵۵ و ۴۵۷ تا ۴۵۶
- ۳۱- اسامی کسانی که در سال ۱۳۳۶ با شاه جلساتی داشتند ص ۴۵۸
- ۳۲- اسامی نخست وزیران شاه و طرز رفتار آنان ص ۴۶۶
- ۳۳- اسامی کسانی که در واقعه ۲۸۸ مرداد شرکت داشتند و پاداش گرفتند ص ۴۷۰
- ۳۴- اسامی رهبران کشورهایی که از کمک شاه بهره مند بودند ص ۴۸۶

جلد یازدهم

- ۱۲- اسامی اعضای کمیسیون
مخصوص قانون اصلاحات ارضی در
 مجلس ص ۹۴
- ۱۳- اسامی اعضای شورای عالی
اصلاحات ارضی ص ۹۶
- ۱۴- اسامی رؤسای دانشگاه پهلوی
شیراز ص ۱۰۵
- ۱۵- اسامی مؤسسین حزب ملیون در
قزوین و هیئت اعزامی از تهران ص ۱۱۰
- ۱۶- اسامی هراها در دکتراقبال در سفر
دور ایران ص ۱۱۶
- ۱۷- اسامی اعضای ثروتمند حزب مردم
ص ۱۲۱
- ۱۸- اسامی نامزدهای منفرد نایابندگی
مجلس در دوره بیستم ص ۱۲۹-۱۳۸
- ۱۹- نام و عکس دکتر علی اکبر سیاسی
از ص ۱۶۱ تا ۱۶۷ و اسامی رؤسای
دانشگاه تهران قبل از انقلاب ص ۱۶۴
- ۲۰- اسامی هیئت مدیره کانون
فرهنگی ایران جوان ص ۱۶۳
- ۲۱- اسامی همکلاسی ها و معلمان
دکتر سیاسی ۱۶۵
- ۲۲- اسامی کسانی که دانشسرای عالی
و سازمان تعلیمات عالی را اداره کرده
اند ص ۱۶۷
- ۱- نام دکتر منوچهر اقبال از ص ۱ تا
۱۸۶ در اکثر صفحات
- ۲- اسامی خواهران و برادران و
همکلاسی های دکتراقبال ص ۴
- ۳- اسامی اعضای جوان کابینه دکترا
اقبال ص ۶
- ۴- اسامی چند تن از شخصیت های
فعال سیاسی کشور ص ۱۴
- ۵- اسامی گروهی از فارغ التحصیلان
دوره دکترای حقوق دانشگاه تهران
ص ۱۶
- ۶- اسامی اعضای کمیته مرکزی حزب
ملیون ص ۱۸
- ۷- اسامی وزراء و معاونین جدید
نخست وزیر در ترمیم کابینه دکتراقبال
ص ۲۴
- ۸- نام حبیب ثابت و بستگانش ص ۳۸
- ۹- اسامی اعضای جبهه یاران متعدد
ص ۵۰ و ۵۱
- ۱۰- اسامی و عکس دکتراقبال و
هراها در یکی از سفرها ص ۵۵
- ۱۱- اسامی سران کشورهای عضو
ستو ص ۷۳

- ۲۳- اسامی رجال سرشناس که در مجلس بیستم انتخاب شده بودند ص ۱۸۴
- ۳۴- اسامی کسانی که دکترامینی خود را تحت تأثیر آنها می داند ص ۲۴۷
- ۳۵- اسامی مشاورین دکترامینی ص ۲۵۳
- ۳۶- اسامی و عکس هیئت دولت دکتر امینی ص ۲۶۱ و ۲۶۲
- ۳۷- اسامی اعضای حزب آزادی حسن ارسنجانی ص ۲۶۹
- ۳۸- اسامی کسانی که به دعوت آیت الله ببهانی در منزل ایشان شرکت نمودند ص ۲۸۹
- ۳۹- اسامی بازداشت شدگان در حکومت امینی و مخالفین او ص ۲۹۶
- ۴۰- اسامی اعلام جرم کنندگان علیه دکتر امینی و نام متهمین ص ۳۶۴
- ۴۱- اسامی و عکس خانواده امینی ص ۳۷۶
- ۴۲- اسامی و عکس بازداشت شدگان در حکومت امینی ص ۳۷۷
- ۴۳- نام امیر اسدالله علم ص ۳۷۸
- ۴۴- اسامی کسانی که در میهمانی
- ۲۴۴ و ۲۴۵
- ۱۹۲ تا ۳۱۶
- ۲۱۶
- ۲۳۰ تا ۲۳۱
- ۲۳۰ تا ۱۷۶
- ۲۰۲
- ۲۲۲
- ۲۲۳
- ۲۲۶ تا ۲۲۸
- ۲۲۹
- ۱۲۷ تا ۳۷۸
- ۳۷۵
- ۳۳۳

- منجر به فوت شوکت الملک علم حضور
داشتند ص ۳۸۰
- ۴۵- اسامی خانواده قوام الملک شیرازی
و بستگانش ص ۳۸۴
- ۴۶- اسامی بستگان شوکت الملک علم
ص ۳۸۶- ۳۸۰
- ۴۷- اسامی برادران تفضلی و همکاران
روزنامه های نبرد و ایران ما ص ۳۹۲ تا
۳۹۴
- ۴۸- نام آیت الله خمینی ص ۳۹۶ تا
۴۰۰
- ۴۹- اسامی وزرای کابینه علم که با
رفراندم مخالفت کردند ص ۴۱۶
- ۵۰- اسامی بعضی از سران عشایر
فارس که به اتهامات امنیتی بازداشت و
محاکمه شدند ص ۴۲۹
- ۵۱- اسامی روحانیونی که در خرداد
سال ۴۲ تشکیل جلسه دادند ص ۴۳۸
- ۵۲- اسامی کسانی که در واقعه ۱۵
خرداد ۴۲ دستگیر شدند ص ۴۵۳- ۴۶۵
- ۵۳- اسامی روحانیونی که در حرم
حضرت عبدالعظیم متھصن شدند ص
۴۶۲
- ۵۴- اسامی کسانی که در اتاق علاء
وزیر دربار تشکیل جلسه دادند ص
۴۷۷
- ۵۵- اسامی کسانی که در اوایل سلطنت
محمد رضا شاه مورد مشاوره بودند ص
۴۷۷
- ۵۶- اسامی اعضای مشورتی شهر
تهران ص ۴۷۹
- ۵۷- اسامی کسانی که در مورد نامزد
های انتخاباتی دوره بیست و یکم
تصمیم گرفتند ص ۴۸۴ و ۴۸۵
- ۵۸- اسامی مؤسسان فراکسیون
مستقل در مجلس ص ۴۹۰
- ۵۹- اسامی اعضای (حزب عامیون
دموکرات) ص ۵۱۵
- ۶۰- اسامی بستگان داریوش فروهر
ص ۵۱۹
- ۶۱- اسامی کسانی که در جلسه مربوط
به شیعیان لبنان شرکت کردند ص ۵۲۲
- ۶۲- عکس و اسامی هیئت دولت دکتر
اقبال در آخرین صفحه کتاب

جلد دوازدهم

- ۱۲۹- اسامی دوره های دوستانه منصور و هویدا ص ۱۳۰
- ۱۴- اسامی پان ایرانیست هائی که در مجلس بیست و دوم انتخاب شدند ص ۱۳۹
- ۱۵- اسامی رهبران فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین در مجلسین ص ۱۴۵ و ۱۴۶
- ۱۶- اسامی عکس رژه کبرندگان روزششم بهمن ص ۱۶۳
- ۱۷- اسامی سفرای ایران درفتر اروپائی سازمان ملل درژنو ص ۱۷۳
- ۱۸- اسامی اعضا دفترسیاسی حزب ایران نوین ص ۱۷۴
- ۱۹- اسامی چندتن از مخالفین هویدا ص ۱۹۶
- ۲۰- اسامی رؤسای کنگره های حزب ایران نوین ص ۲۰۰ و ۲۰۱
- ۲۱- عکس هویدا و رهبران حزب ایران نوین در کنگره سوم ص ۲۰۴
- ۲۲- اسامی دبیران کل حزب مردم ص ۲۰۷
- ۲۳- اسامی نمایندگان دو حزب ایران نوین و مردم که در مجلس گفتگوی کابینه هویدا ص ۱۲۵
- ۱- نام حسنعلی منصور ص ۱۱۴ تا ۱۱۵
- ۲- اسامی رهبران کانون مترقی ایران ص ۷
- ۳- اسامی اعضای دولت منصور ص ۱۰ تا ۱۲۵
- ۴- نام روح الله خمینی درص ۱۹ تا ۴۳۰-۳۵۴-۱۰۶-۵۸-۴۶
- ۵- اسامی عکس چندآیت الله طرفدار خمینی ص ۶۲
- ۶- اسامی احزاب و مؤسسین آن ص ۷۱۶۳ تا ۷۶۷۵
- ۷- اسامی وزرای منصور که جزو گروه مترقی نبودند ص ۷۶۷۵
- ۸- اسامی متهمین به قتل حسنعلی منصور ص ۹۲۸۰ تا ۹۲۸۱
- ۹- نام امیرعباس هویدادر اکثر صفحات کتاب
- ۱۰- اسامی بستگان هویدا ص ۱۱۵ و ۱۱۶
- ۱۱- اسامی وزرای ثابت و بانوان عضو کابینه هویدا ص ۱۲۵
- ۱۲- اسامی اعضای محفل درونی شاه

- | | |
|---|--|
| ۳۴- اسامی دومین هیئت اجرائی حزب
رستاخیز ص ۳۹۹ | تندی داشتند ص ۲۲۵ تا ۲۳۱ |
| ۳۵- اسامی اعضا و هیئت رئیسه
دومین دفترسیاسی حزب رستاخیز
صفحات ۴۰۰ - ۴۰۱ | ۴- اسامی مقاماتی که متهم به بهانی
گری هستند ص ۲۳۶ |
| ۳۶- اسامی و عکس رهبران حزب
رستاخیز ص ۴۰۵-۴۰۶ | ۵- اسامی رهبران فراکسیون های
پارلمانی که درمورد جزايرسه گانه دولت
را تأیید کردند ص ۲۸۰ |
| ۳۷- اسامی دولتمردان عصر پهلوی،
زندانی در مدرسه رفاه ص ۴۳۰ | ۶- اسامی گروه پارلمانی حزب
رستاخیز ص ۳۵۷ |
| ۳۸- اسامی اعضای کمیسیون تصفیه
ژنبدارمری ص ۵۰۱ | ۷- اسامی نخستین هیئت اجرائی
حزب رستاخیز ص ۳۶۱ و ۳۶۲ |
| ۳۹- اسامی پایه گذاران گروه مترقی و
حزب ایران نوین ص ۵۱۲ تا ۵۱۵ | ۸- اسامی اولین اعضای دفترسیاسی
حزب رستاخیز ص ۳۶۳ و ۳۶۴ |
| ۴۰- اسامی اولین دسته محصلینی که
به اروپا اعزام شدند ص ۵۱۹ | ۹- اسامی اولین دسته محصلینی که
در استان ها و شهرستانها ص ۳۶۵ |
| ۴۱- اسامی رؤسای بانک های ملی و
مرکزی ص ۵۲۰ | ۱۰- اسامی اعضای دفترسیاسی حزب
رستاخیز که به ریاست کمیسیونهای
انتخابات تعیین شدند ص ۳۷۲-۳۷۳ |
| ۴۲- اسامی اولین متحصینین در دربار
همراه دکتر مصدق ص ۵۲۶ | ۱۱- اعضاء و عکس هیئت پارلمانی
ایران در کنفرانس بین المجالس ص ۳۷۷ |
| ۴۳- اسامی کسانی که در دوره
زمامداری قوام السلطنه از تهران و کیل
شده اند ص ۵۲۶ | ۱۲- اسامی گروهی از غایبندگان سابق
که مجدداً در دوره رستاخیز به غایبندگی
مجلس انتخاب شدند ص ۳۷۹ |
| | ۱۳- اسامی اعضای اصلی و علی البدل
دادگاه حزب رستاخیز ص ۳۹۶ |

جلد سیزدهم

- ۱۱- اسامی اعضای کابینه شریف
امامی ص ۱۸۱
- ۱۲- نام مهندس جعفر شریف امامی
در اکثر صفحات
- ۱۳- اسامی مقامات دربار که برگزار
شدند ص ۱۸۷-۱۸۸
- ۱۴- مستولین جدید جبهه ملی ص
۱۸۹
- ۱۵- اسامی اعضای مؤسس جمعیت
الحاد برای آزادی ص ۱۹۰
- ۱۶- اسامی غایبندگان مجلس که در
اعتراض به قانون حکومت نظامی از
مجلس بیرون رفتند ص ۲۳۴
- ۱۷- اسامی کسانی که در دولت شریف
امامی بازداشت و تخت تعقیب قرار
گرفتند ص ۲۴۶
- ۱۸- اسامی کسانی که در جلسه
مشاوره با شاه شرکت داشتند ص ۲۵۳
- ۱۹- اسامی کسانی که در اعتصاب
غذای طرفداران خمینی در پاریس شرکت
کردند ص ۲۸۶ تا ۲۸۸
- ۲۰- اسامی همکاران خمینی در پاریس
ص ۲۹۰ تا ۲۹۴
- ۲۱- اسامی کسانی که با هاشمی
- ۱- دکتر جمشید آموزگار ص ۱۷۷ تا ۱۷۸
در اکثر صفحات
- ۲- اسامی اعضای خانواده آموزگار
ص ۲
- ۳- اسامی و عکس بعضی از فعالین
مخالف رژیم ص ۱۷۴ تا ۱۷۶
- ۴- اسامی و عکس آموزگار- زکی
یانی و کارلوس در ص ۳۸-۳۹
- ۵- اسامی کسانی که بعد از انتشار
مقاله علیه خمینی تبعید شدند ص ۴۶
- ۶- نام آیت الله خمینی در اکثر صفحات
- ۷- اسامی کسانی که در حادثه سینما
رکس آبادان نقش مهمی داشته اند ص
۶۴-۶۹ تا ۸۵
- ۸- اسامی ده تن از استگان خانواده ای
که در سینمارکس آبادان سوختند ص
۷۷
- ۹- اسامی اداره کنندگان حزب
رستاخیز ص ۱۰۴
- ۱۰- اسامی مقامات آمریکائی که برای
بحران ایران تشکیل جلسه دادند
ص ۱۵۵

جلد چهاردهم

- ۱- نام دکترشاپور بختیار و مهندس مهدی بازرگان و آیت الله خمینی در اکثر صفحات ۲۲
- ۲- اسامی کامل اعضای کابینه ارتشدید از هاری ص (غ) ۳۳۲-۳۳۳
- ۳- اسامی اعدام شدگان سران بختیاری و بویراحمدی ص ۲۰ ۴
- ۴- اسامی وزرای کابینه بختیار ص ۳۲۱ و ۳۲۶
- ۵- اسامی شرکت کنندگان در جلسه مشاوره با بختیار ص ۳۷ ۲۷
- ۶- اسامی اعضای فراکسیونهای جدید مجلس ص ۳۵ و ۳۶ ۴۱
- ۷- اسامی سناتورهای مستعفی ص ۶۴ ۲۸
- ۸- اسامی همراهان شاه در آخرین سفر از ایران به خارج ص ۹۲ ۴۳۵
- ۹- اسامی اعضای آخرین شورای سلطنت صفحات ۱۰۰ و ۱۲۱ ۴۵۱ و ۴۵۲
- ۱۰- اسامی کسانی که برای شورای سلطنت پیشنهاد شدند ص ۱۱۰ ۳۰
- ۱۱- اسامی اعضای شورای انقلاب ص ۱۲۴ ۴۶۵ و ۴۶۶
- ۱۲- اسامی بازداشت شدگان و افراد مورد

- ۲۲- اسامی کسانی که مخالف خانه اعتصاب کارکنان نفت بودند ص ۳۱۸ ۲۳
- ۲۳- اسامی و عکس اعضای دولت از هاری ص ۳۳۲-۳۳۳ ۴
- ۲۴- اسامی نمایندگان مجلس مخالف دولت از هاری ص ۳۶۷ و ۳۶۸ ۲۵
- ۲۵- اسامی بازداشت شدگان در دولت از هاری ص ۳۷۴ ۲۶
- ۲۶- اسامی چند تن از کسانی که توانایی مالی نداشتند ولی در لیست خارج کنندگان ارز نامشان بود ص ۳۸۶ ۲۷
- ۲۷- اسامی و عکس کسانی که برای نخست وزیری دعوت شدند ص ۴۰ و ۴۱ ۲۸
- ۲۸- اسامی مشاورین در دولت شریف امامی ص ۴۳۵ ۲۹
- ۲۹- اسامی موافقین و مخالفین نخست وزیری دکترشاپور بختیار ص ۴۵۱ و ۴۵۲ ۳۰
- ۳۰- اسامی و عکس هیئت رئیسه آخرین دوره مجلسین سنا و شورای ملی ص ۴۶۵ و ۴۶۶

- تعقیب در دولت بختیار ص ۱۴۴ و ۲۴۳ کردند ص ۲۴۳
- ۱۴۵ - ۲۲- اسامی شرکت کنندگان در جلسه مشاوره منزل مهندس کاظم جفروودی
- ۱۴۶ - ۱۳- اسامی سفرای برکنارشده ص ۱۴۵ و ۲۴۴ ص ۲۴۴
- ۱۴ - ۲۳- اسامی امرای ارتش که اعلامیه بیطرفی ارتش را مضاکرددند ص ۲۴۵ و ۲۴۶
- ۱۶۴ - ۱۴- اسامی کسانی که احتمال داده می شد شاه اختیارات سلطنت را به آنها بدهد ص ۱۶۴
- ۱۵ - ۲۴- اسامی گروهی از امرای ارتش که در خارج از کشور بسر می برند. ص ۲۶۹
- ۱۶ - ۲۵- اسامی کسانی که قره باغی آنها را توطئه کننده نام نهاده است ص ۲۷۸
- ۱۷ - ۲۶- اسامی امرای ارتش و طرح های صاعقه و تندر ص ۲۸۷ و ۲۸۸
- ۱۷۹ - ۲۷- اسامی بازداشت شدگان بعد از انقلاب ص ۲۹۸ تا ۳۰۲
- ۱۸ - ۲۸- اسامی و عکس بازداشت شدگان و ترورها و اعدام های بعد از انقلاب ص ۳۲۵ تا ۳۲۲ - ۳۱۱ - ۳۰۶
- ۲۲۵ - ۲۹- اسامی کسانی که پشت پرده اعدام هارا رهبری می کردند و وضع امرای ارتش ص ۳۴۱
- ۲۰ - ۳۰- عکس و اسامی کسانی که نقشه قتل بختیار را اجرا کردند ص ۳۵۵
- ۲۲۶ - ۳۱- اسامی و عکس متهمین به فرار بنی صدر و رجوی و همراهان آنها ص
- ۱۹۸ تا ۱۹۶ - ۱۸- اسامی همراهان خمینی در مراجعت از پاریس به تهران ص ۱۹۶ تا ۱۹۸
- ۲۲۴ - ۱۹- اسامی مشاورین کارهای انقلابی و اعضای شورای انقلاب صفحات ۲۲۴ و ۲۲۵
- ۲۳۰ تا ۲۲۶ - ۲۰- اسامی و عکس اعضای دولت موقت مهندس بازرگان و تهیه کنندگان حکم نخست وزیری او ص ۲۲۶ تا ۲۳۰
- ۲۱ - ۲۱- اسامی کسانی که در خفا با مخالفین رژیم سلطنت همکاری می

۱۹۴۱ تا ۱۶

۳۲- اسامی اعلام جرم کنندگان علیه
خانواده پهلوی و مقامات رژیم ص ۴۵۷
تا ۶۱

۳۳- اسامی کسانی که در قاهره در
بیمارستان هنگام فوت محمد رضا شاه
حضور داشتند ص ۵۳۱-۵۵۳

۳۴- اسامی کسانی که در یاهاما
در کنار شاه بودند ص ۵۵۴
۳۵- اسامی وعکس خانواده
محمد رضا شاه ص ۵۴۷

جلد پانزدهم

- ۱۵- اسامی اعظام شدندها
- ۶- اسامی علماء و روحانیونی که از عراق به ایران تبعید شده‌اند ص ۱۶
- ۷- اسامی اعضای کمیسیون مشورتی رضاخان سردار سپه ص ۱۷
- ۸- اسامی کسانی که برای آوردن سردار سپه به رودهن رفته‌اند ص ۱۸
- ۹- اسامی غایبیندگانی که سردار سپه را استیضاح کردند ص ۱۹
- ۱۰- اسامی کسانی که به خلع قاجار از سلطنت رأی مخالف دادند ص ۲۲
- ۱۱- اسامی افسرانی که محمد حسن میرزا را تامرز همراهی کردند ص ۲۲
- ۱۲- اسامی افسرانی که بعلت کودتای انسان گرفتند ص ۲۷
- ۱۳- اسامی سران بختیاری که تیرباران شدند ص ۳۸
- ۱۴- اسامی غایبیندگان مجلس شرکت کننده در کنفرانس بین المجالس ص ۳۹
- ۱۵- اسامی رؤسای دانشکده‌ها ص ۳۹
- ۱۶- اسامی اعضای کانون بانوان ایران ص ۴۰
- ۱۷- اسامی اعضای فرهنگستان ایران

- ۱- اسامی کسانی که با رضاخان میرپنج سوگندیاد کردند ص ۲
- ۲- اسامی توطئه کنندگان علیه سردار سپه ص ۸
- ۳- اسامی همکاران سردار سپه که به سرلشکری ارتقاء یافتند ص ۱۰
- ۴- اسامی نخستین اعضای شورای عالی معارف ص ۱۲
- ۵- اسامی صاحبمنصبان قشون که به

- | | |
|---|--|
| <p>پان ایرانیست ص: ۷۴</p> <p>۲۹- اسامی روزنامه نگارانی که در دادگاه نظامی محکوم شدند ص: ۷۶</p> <p>۳۰- اسامی سران حزب توده که در دادگاه نظامی محکومیت یافتند ص: ۷۸</p> <p>۳۱- اسامی کسانی که در رابطه با ترور هژیر بازداشت و تبعید شدند ص: ۷۹</p> <p>۳۲- اسامی اعضای جمعیت هواداران صلح ص: ۸۱</p> <p>۳۳- اسامی اعضای کمیسیون نفت که به ملی شدن نفت رأی دادند ص: ۸۱</p> <p>۳۴- اسامی هیئت نظارت مختلط نفت ص: ۸۵</p> <p>۳۵- اسامی اعضای هیئت خلع بد ص: ۸۵</p> <p>۳۶- اسامی امرای ارتش که توسط دکتر مصدق بازنیسته شدند ص: ۹۰</p> <p>۳۷- اسامی متهمین به ریودن و قتل سرلشگر افشار طوس ص: ۹۳</p> <p>۳۸- اسامی بازداشت شدگان واقعه ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ ص: ۹۵</p> <p>۳۹- اسامی احضار شدگان از طرف فرماندار نظامی بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ص: ۹۶</p> | <p>ص: ۴۰</p> <p>۱۸- اسامی اعضای سازمان پروش افکار ص: ۴۶</p> <p>۱۹- اسامی متهمین شهریانی که در دیوان کیفر محاکمه شدند ص: ۵۴</p> <p>۲۰- اسامی افسرانی که در سقوط هواپیما کشته شدند ص: ۵۶ و ۵۷</p> <p>۲۱- اسامی هیئت مؤسس و دبیر کل و شورای عالی و منشعبین حزب ایران در ص: ۵۹- ۶۹- ۷۰- ۱۲۸</p> <p>۲۲- اسامی هیئت غایندگی ایران در کنفرانس صلح سانفرانسیسکو ص: ۶۲</p> <p>۲۳- اسامی اعضای شورای عالی اقتصاد ص: ۶۲</p> <p>۲۴- اسامی بازداشت شدگان در حکومت قوام ص: ۶۷- ۶۸- ۷۳</p> <p>۲۵- اسامی رهبران حزب توده و حزب ایران در اعلامیه مشترک ائتلاف دو حزب ص: ۶۸</p> <p>۲۶- اسامی اعضای دادگاه نظامی برای محاکمه سرتیپ درخشانی ص: ۷۲</p> <p>۲۷- اسامی متحصلین در دربار، در حکومت قوام السلطنه ص: ۷۲</p> <p>۲۸- اسامی مؤسسين حزب</p> |
|---|--|

- ۰- اسامی سه دانشجویی که در روز
۱۶ آذر در دانشگاه کشته شدند ص: ۹۸
- ۱- اسامی مخالفین حکومت نظامی
و طرفداران جبهه ملی ص: ۹۸-۹۹
- ۲- اسامی اعضای کمیسیون نفت و
هیئت نفتی ایران در مذاکره با نمایندگان
کنسرسیوم ص: ۹۹-۱۰۰
- ۳- اسامی مخالفین قرارداد نفتی
کنسرسیوم ص: ۱۰۱
- ۴- اسامی رهبران نظامی حزب توده
و اعدام شدگان ص: ۱۰۱-۱۰۲
- ۵- اسامی همکاران جدید دکتر اقبال
در ترمیم کابینه ص: ۱۱۴
- ۶- اسامی سخنرانان متینک جبهه
ملی در میدان جلالیه ص: ۱۱۸
- ۷- اسامی اعضای جبهه آزادی ص:
۱۱۹
- ۸- اسامی گروهی از همکاران بازرگان
و طالقانی که در دادگاه نظامی محاکمه
و محکوم شدند ص: ۱۲۲
- ۹- اسامی گروهی از اعضای جبهه
ملی که در زندان اعتصاب غذا کردند
ص: ۱۲۳
- ۱۰- اسامی گروهی از سران عشایر
- ۱۱- اسامی اعضای مرکزی سازمان
مجاهدین خلق ایران ص: ۱۲۹-۱۳۰
- ۱۲- اسامی اعضا که اعدام شدند ص: ۱۲۸
- ۱۳- اسامی اعضا که در تپه
های اوین کشته شدند ص: ۱۵۲
- ۱۴- اسامی کسانی که برای قبول
نخست وزیری از طرف شاه دعوت شده
بودند ص: ۱۶۰-۱۶۱
- ۱۵- اسامی نخست وزیران از کودتای
۱۲۹۹ تا بهمن ماه ۱۳۵۷ ص: ۱۶۷
- ۱۶-
- ۱۷- اسامی وزراء و کفیل وزارت خانه
هاص: ۱۶۸-۱۷۳
- ۱۸- اسامی معاونین نخست وزیر ص:
۱۷۳-۱۷۴
- ۱۹- اسامی وزرای دربار عصر پهلوی
ص: ۱۷۴
- ۲۰- اسامی مستولین سازمان برنامه
ص: ۱۷۴
- ۲۱- اسامی رئاسای مجلس مؤسسات-
مجلس سنا- مجلس شورای اسلامی ص: ۱۷۵

- ۶۱- اسامی کسانی که در تصمیم
گیری های محمد رضا شاه تأثیر داشتند
ص: ۲۱۴ تا ۲۱۵
- ۶۲- اسامی و عکس چند تن از اعضای
خاندان پهلوی ص: ۲۳۲
- ۶۳- اسامی رجالی که با شرکت پایه
همکاری داشتند ص: ۲۳۳
- ۶۴- اسامی کسانی که در میهمانی
های خصوصی محمد رضا شاه شرکت می
کردند ص: ۲۳۹-۲۴۰-۲۴۲
- ۶۵- اسامی کسانی که از شاه خواستند
فکر عاجلی برای کارهای مملکت بکند
ص: ۲۵۲
- ۶۶- اسامی بختیاریها و پویراحمدی
هایی که دستور توقیف شان داده شد ص:
۲۷۰.
- ۶۷- اسامی کسانی که به اتهام قتل
مدرس محکوم شدند ص: ۲۷۱
- ۶۸- اسامی اعضای هیئت نمایندگی
ایران در کنفرانس بین المللی کار ص:
۲۸۲
- ۶۹- اسامی متهمین به همکاری با

فهرست اعلام جلد پانزدهم

- آ
- | | |
|---|--|
| <p>۳۴۷-۷۹</p> <p>آقاشیخ هادی: ۱۹</p> <p>آق اولی، فرج الله (سپهبد): ۱۷۰ - ۳۳۳</p> <p>آق اولی فضل الله خان (کلنل): ۳۳۳</p> <p>آگاه، منوچهر (دکتر): ۱۷۲ - ۱۷۴</p> <p>آموزگار، جمشید (دکتر): ۱۵۲ - ۱۵۳</p> <p>آموزگار، جهانگیر (دکتر): ۱۷۱</p> <p>آموزگار، رحیب الله: ۱۷۰</p> <p>آموزگار، سیروس (دکتر): ۱۷۳</p> <p>آموزگار، کورس (دکتر): ۱۷۲</p> <p>آندره مالرو (نویسنده فرانسوی): ۱۱۶</p> <p>آوانسیان، آرداشن: ۷۸</p> <p>آوینی، پرویز: ۱۷۳</p> <p>آهی، جهانگیر (مهندس): ۳۳۷</p> <p>آهی، مجید: ۱۶۹ - ۱۶۹ - ۱۹۳</p> <p>آیرم، محمدحسین (سرلشگر): ۲۰ - ۴۱</p> <p>آیرم، محمود (امیرلشگر): ۲۹</p> <p>آیزنهاور (رئیس جمهوری آمریکا): ۹۶ - ۱۱۴ - ۱۳۷ - ۲۲۷</p> | <p>۵۲ - ۲۷: آتابای، دکتر (سرلشگر)</p> <p>۹۶: آتابای، ابوالفتح</p> <p>۲۵۲: آتابای، کامبیز</p> <p>- ۱۶: آتاتورک (مصطفی کمال پاشا)</p> <p>۴۶ - ۳۸</p> <p>۱۹۷: آدمیت، تهمورس</p> <p>۲۱۲: آدمیرال ترنر</p> <p>۱۷۰ - ۹۶: آذر، مهدی (دکتر)</p> <p>۲۷: آذربزین</p> <p>۳۱۸ - ۱۷۱: آرام، عباس</p> <p>۱۶۹: آراسته، نادر</p> <p>۱۷۴ - ۱۷۰ - ۱۴۷: آرامش، احمد</p> <p>ز: آریامنش کورش (دکتر)</p> <p>۱۷۳: آریانا، منوچهر</p> <p>۷۹ - ۷۵: آزاد، عبدالقدیر</p> <p>۲۹۴ - ۷۲: آزموده، حسین (سپهبد)</p> <p>۱۷۰: آزموده، مرتضی (دکتر)</p> <p>۱۷۲: آزمون، منوچهر (دکتر)</p> <p>۹۸: آسایش</p> <p>۲۴۶: آشتیانی (آیت الله)</p> <p>۱۷۱ - ۴۶: آشتیانی، جواد (دکتر)</p> <p>آقاخان، محلاتی (حضرت والا):</p> |
|---|--|

احمدی، مؤید: ٥٢	
احیا السلطنه، حسین خان: ١٧	ابتهاج، ابوالحسن: ٤٧-٥٦-٦٠-١٠
آخر: ١٩	١٧٤-
اخوی، جمال الدین: ١٧٠	اتابک، میرزا علی اصغر (امین السلطان):
اخوی، حسن (سرلشگر): ١٧١	١٧٧
اخوی، علی اکبر (دکتر): ٩٨-١٧٠	اتابکی، احمد (مشیراعظم): ١٦٩
٣٤.	اتابکی، رحمت: ١٧١
ادیب، محمدحسین (دکتر): ١٧١	الحادیه، حاج رحیم: ٣٩
ادهم، حسن، دکتر (حکیم الدوله): ٣٩-١٦٨	اتوفوگل، (معاون آلمانی بانکملی): ٣٤
ادهم، عباس (دکتر): ١٧٠	اتریکوماته نی: ٢٠٩
ارانی، تقی (دکتر): ٤٨	اتفاق. حاج غلامحسین: ٩٨
اردبیلی، حاج بابا: ٦	احترام السلطنه: ١٨٨
اردلان (حاج عزالمالک): ٧٢-١٦٨	احتشام السلطنه: ٤٢-٦٩-١٧٥
٢٣	احتشام زاده: ٤٣
اردلان، عبدالحسین: ٩٨	احسان الله خان: ٦
اردلان، علیقلی (دکتر) ١٥٩-١٧١	احمد جبرئیل: ١٦٢
١٩٩-١٧٤	احمدزاده: ٩٨
اردلان، ناصرقلی: ٨٥	احمدی، احمد علی (دکتر) ١٧٢
ارسنجانی، حسن (دکتر) ٧٤-١١٨	احمدی، اشرف (سناتور): ١٧١-٣١٧
-١١٩-١٢٠-١٢١-١٣٨	احمدی بختیاری، عبدالحسین: ٤٧
-١٧١	احمدی، پزشک: ٤٧-٥٤-٦٢
٢٩٤-٢٩٣	احمدی، صادق: ١٧٢
ارفع، ابراهیم (سرتیپ) ٥٦	احمدی، محمدحسین: ١٧٣

ارفع، حسن (سرلشگر):	۱۷۰-۶۷-۶۲:	اسفندیاری، محمدجواد (سردار اقبال):
ارفع، مدام (معلم فرانسوی شاه):	۲۱۳:	۳۸
ارفعی، یوسف خان:	۲۳:	اسکندر میرزا (رئيس جمهور پاکستان)
ارکانی، عبدالله:	۲۸۱	۱۱۲-۳۳۷:
ارنست پرون (سویسی):	-۲۱۵-۹۵-	اسکندری، ایرج: ۱۶۹-۷۸-۶۸:
۲۳۴-۲۲۴-۲۱۷		اسکندری عباس: ۷۶:
ارنست همینگوی (نویسنده آمریکانی):	۱۱۶	اسکندری، محسن (سلیمان میرزا): ۱۵:
ارونقی کرمانی، علی: ۵۵		۱۶۸-۵۲-۱۸-
اریه، مراد: ۲۹۶		اسماعیل خان (ماژور): ۸:
ازهاری، غلامرضا (ارتشد): ۱۵۹-		اشتری، هادی: ۱۷۱
- ۲۵۳ - ۲۵۲-۲۳۰-۱۶۸-۱۶.		اشرفی، آقا خان: ۱۶۹
۳۳۵		اشراقی، (داماد خمینی): ۲۴۸-۲۴۷:
- ۲۰۸-۱۰۸-۶۳-۵۸:		اشراقی، قاسم (مهندس): ۱۷۰:
۲۸۴-۲۷۲-۲۷۱		اصغر قاتل: ۳۷:
۱۷۰-۴۲		اصفهانی، سید ابوالحسن (آیت الله): ۱۶:
۴۲		۷۰:-
۱۴۱		اصفیاء، صفی (مهندس): ۱۷۴-۱۷۱:
اسدی، محمدولی، (نایب التولیه): ۴۱		اعتبار، احمد (اعتبارالدوله): ۱۶۹:
۴۲ -		۳۴۰-۱۷۱: اعتبار، عبدالحسین (دکتر):
اسراوی، ژنرال عراقی: ۱۴۱		۴۵: اعتضام زاده
اسفندیاری، حسن (حاج محتمش		۰۰: اعتضامی، پروین:
السلطنه): -۶۱-۵۲-۴۷-۴۴-۳۹		۱۰۰: اعتضاد السلطنه (برادر احمد شاه):
۱۷۵-۱۶۸		۱۷۴: اعتماد، اکبر (دکتر)

اعتماد مقدم (سرتیپ): ۶۱-۷۲	-۲۹۱-۲۸۹-۲۶۵-۲۱۰-۱۷۴
اعتمادی، ناصر: ۱۶۹-۷۰	۳۴.
اعرابی، حسن: ۲۹۳	اقرلو، حسن: ۲۹۵
اعزاز، نیک پی (سناتور): ۳۱۷	اکبری، نبی الله: ۸۲
اعلم، مظفر: ۱۹۱-۱۶۹	القانیان، حاج حبیب: ۲۱۲
افتخاری، یوسف: ۲۸۲	الموتی، مصطفی، از (ج تاض) -۵۵
افخمی (سرگرد): ۵۷	- ۱۵۸-۱۵۶-۱۴۹-۱۱۴
افخمی، مهناز: ۱۷۲	الموتی، نور الدین: ۶۸-۱۱۹-۱۷۱
افراخته (ستوان): ۱۰۲	الیانس، سردادود: ۲۶۲
افسر، شاهزاده: ۳۲	امامی، سید ابوالقاسم، پدر دکتر سید حسن
افشار، امیر اصلاح (دکتر): ت-۲۵۰	امامی (امام جمعه تهران): ۶۵
افشار، ۲۵۱-۲۶۲-۲۶۸-۲۶۹	امامی، احمد (دکتر) ۱۱۶
افشار، امیر خسرو: ۱۷۲	امامی، جمال: ۶۱-۷۲-۶۷-۸۱
افشار، حسن (دکتر): ۷۰	امامی، جواد: ۳۹
افشار، رضا: ۴۲-۲۹-۵۹	امامی، حسن (دکتر، امام جمعه تهران)
افشار طوس (سرلشکر): ۹۷-۹۳-۹۷	۱۷۵-۹۰-۸۹-۸۲-۷۲-۶۵
۲۴۲	
افضلی پور، (مهندس): ۱۴۸	امامی، سراج: ۲۸۲
اقبال السلطنه ماکونی: ۱۸	امامی، سید حسین (قاتل کسری و هژیر): ۷۹-۶۷
اقبال، مریم: ۱۲۵	امامی، صفا: ۲۸۲
اقبال، منوچهر (دکتر): ش-۴۱-۷۶	امان الله خان (پادشاه افغانستان): ۲۸
-۱۰۶-۱۱۰-۱۱۶-۱۲۴	ایمیری، مائزور (کنسول آمریکا): ۱۹
-۱۲۷-۱۳۸-۱۳۱-۱۲۷	

امیر منظم (آقامیر قفقازی): ۱۷۹	امجدی، مصطفی (سپهبد) ۱۷۳
امیر مؤید سوادکوهی: ۶-۱۷۶	امید عبدالملک پور بنهن: ۸۲
امین التجار اصفهانی: ۳۲-۳۶	امیر احمدی، احمد آقا خان (سپهبد): ۲-۷
امین الضرب، (حاج حسین مهدوی): ۲۴	۷۶-۱۰-۰-۲۷-۱۳-۱۶۹-۶۸-۵-۰-۷۶
امین، تورج (سرهنگ): ۱۱	۲۸۴-۲
امین (سرلشکر): ۶۲	امیر اعلم (دکتر) ۱۲
امین، محمد رضا (دکتر): ۱۷۲	امیر بیکلری، جعفر قلی آقا: ۱۷۹
امینی، ابوالقاسم: ۹۵-۹۴-۱۷۴	امیر پرویز، امیر حسین (مهندس): ۱۷۲
۲۴۱-۲۳۹-۲۳۸	امیر خسروی، رضاقلیخان (سرتیپ): ۲۰
امینی، علی (دکتر): ۶۲-۹۷-۹۹-۹۹	۱۶۹-۲۷-
-۱۰-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۸-۱۰-۱۱۰	امیر خیزی، علی: ۷۸
-۲۹۲-۲۸۹-۱۹۸-۱۶۸-۱۶۰	امیر طهماسبی، عبدالله خان: (سرلشکر)
۲۹۴-۲۹۵	۱۶۸-۲۸-۲۲-۲۰-۱۸-۱۰:
امینی، نصرت الله: ۹۸	امیر عزیزی، صادق (سپهبد): ۱۷۱
انتظام السلطنه: ۱۹۸	امیر علاتی، جان محمد خان (سرتیپ) ۲۰
انتظام، عبدالله: ۹۹-۱۰۴-۱۰۹-۱۰۹	۱۸۷-۲۴-
۲۰۱-۲۰۰-۱۹۷-۱۷۰-۱۶۰	امیر علاتی، شمس الدین (دکتر): -۵۹
انتظام، نصر الله: ۶۲-۸۲-۹۹-۱۹۷	۱۷۰-۱-۹۹
-۱۵۱-۱۸۹-۱۶۹-۱۹۵-۱۹۷	امیر علاتی، فتح الله: -۲۳۹-۲۳۴
۲۰۱-۲۰۰-۱۹۸-۱۹۹	۲۴۰.
انصاری، عبدالرضا (مهندس): ۱۷۱	امیر فضلی، اسماعیل خان (سرلشکر) -
انصاری، علینقی: ۱۸۲	۱۶۹-۱.
انصاری (محمود آقا سرسلشکر): ۱۰۰-	امیر کبیر: ۳۳۳

ب

- بابان، خانم ۱۵۶
 بابائی، استوار ۱۲۷
 باقانقلیج، نادر (سپهبد) ۱۷۱
 بارزانی، ملامصطفی ۶۶
 بازرگان، مهدی (مهندس) ۷۶-۸۵-۹۸-۱۲۲-۱۲۳-۱۶۳-۱۶۵-۱۶۶-۲۹۸
 بازیانا فلاحی ۲۱۶
 بازیگانی، بهمن ۱۳۰-۱۴۴
 بازیگانی، محمد ۱۳۰-۱۴۴
 بافقی، سید محمد ۲۶
 باقی، فرج الله ۷۰
 باکری، علی ۱۳۰-۱۴۴
 بامداد، بدراالملوک ۴۰
 بامداد، مهدی ۱۷۷
 باهri، محمد (دکتر) ۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۳۳۰-۱۷۱
 بایندر (دریادار) ۱۵۰-۱۵۱
 بایندر (سرتیپ) ۹۳
 بخارائی، محمد ۱۲۷
 بختیار، آقاخان ۱۷۱
 بختیار ابوالقاسم خان ۷۷
 بختیار، تیمور (سپهبد) ۹۰-۱۱۹-

انصاری، ولی: سرلشکر ۱۷۱

انصاری، هوشنگ ۱۵۲-۱۵۵-۱۷۲

انورсадات (رئيس جمهور مصر) ۱۳۹

۲۵۸-۲۵۵-۱۶۱-۱۵۱-۲۵۹

انوشیروانی، (سرهنگ) ۲۹۳

اورندی، براج (رئيس کمیته المپیك) ۱۳۳

اوریانا فالاچی ۲۱۶

اویسی، غلامعلی (ارتشد) ۱۷۳-۳۰

۲۵۴-۲۵۳-۳۳۸

ایپکچیان ۵

ایادی، عبدالکریم (دکتر) ۲۱۲-۲۲۴-۲۸۸

۲۵۲-۲۶۳

ایروانی، مهندس ۷۰

ایزدی، علی ۲۰۲

ایلخان ظفر، امیرحسینخان ۳۷-۷۳

۱۷۱

ایوب خان (رئيس جمهور پاکستان)

۱۲۰:

بدر، محمود:	۱۷۰	۲۹۴ - ۲۹۳ - ۱۷۳ - ۱۳۹ - ۱۳۷
بدره ای (سپهد)	۱۶۶ - ۲۵۲	۲۵۲: بختیار، رستم
بدیع زادگان، علی اصغر:	۱۲۹ - ۱۴۴	۱۱۸ - ۹۹ - ۹۸: بختیار، شاپور (دکتر)
برادران خرازی:	۳۴۰:	- ۱۶۵ - ۱۶۱ - ۱۵۶ - ۱۲۸ - ۱۲۳ -
برخورد ار (سرهنگ)	۷۶	- ۲۶۰ - ۱۶۸ - ۲۶۲ - ۲۶۷ - ۲۴۹ -
برزگر، غلامرضا:	۱۷۱	۳۴۹
برژنف:	۲۵۶ - ۲۵۵	۱۷۳: بختیار، عباسقلی (دکتر)
برژنسکی:	۲۲۹	- ۲۳۹ - ۲۳۴ - ۱۳۸: بختیار، مجید
بروجردی، حسین (آیت الله):	۱۱۷ - ۷۶	۲۴۱ - ۲۴۰
برومند (مهندس)	۳۱۷	۶۸: بختیاری، امیر بهمن
برهان ابن یوسف:	۹	- بختیاری، جعفر قلیخان (سردار اسعد)
برهان، دکتر:	۷۲	۲۷۰ - ۱۶۸ - ۳۸ - ۳۷
بزرگمهر، اسفندیار:	۲۹۲	۶۸: بختیاری، جهانشاه خان صمصام
بزرگ نبا، مصطفی:	۹۸	۲۷۱: بختیاری، عباس (شش انگشتی)
بشارت، سیدعلی:	۷۹ - ۷۶	۲۸: بختیاری، علیقلیخان (سردار اسعد)
بقائی کرمانی، مظفر (دکتر):	۷۷ - ۷۸	۳۸: بختیاری، گودرز
- ۹۱ - ۸۵ - ۸۲ - ۷۹		بختیاری، مرتضی قلیخان
	۱۰۷ - ۹۵	۶۸ - ۳۰: صمصام
بلوچ دوست محمدخان:	۳۱	بختیاری، منوچهرخان (برادر سردار اسعد)
بلوچ قرائی:	۹۳	: ۲۷۰ :
بلوری، احمد (سناتور):	۳۱۷	بختیاری، نجفقلیخان (صمصام
بلومنتال، (وزیر خزانه داری آمریکا)		السلطنه): ۷
	۲۲۵:	بدر، احمدخان (نصیرالدوله) ۱۶۹

- | | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| بهرامی، احمدعلی (دکتر): ۱۷۱ | بنی آدم، حسینعلی: ۲۸۰ |
| بهرامی، فرج الله (دبیراعظم): ۲۷-۲۳ | بنی احمد، احمد: ۱۵۷ |
| ۱۶۹ - ۴۰ - | بنی صدر، فتح الله: ۹۸ |
| بهرامی دکتر: ۷۸ | بنی فضل: ۲۸۰ |
| بهرامی، سرگرد: ۱۰۱ - ۳۳۹ | بودرجمهری، کریم آقا (سرلشکر): ۲۲ |
| بهروز، جهانگیر: ۷۶ | ۱۹۶-۱۹۴-۱۷۸-۱۶۹-۲۷ |
| بهروز، محمد: (سپهبد): ۱۷۴ | بودری، محمدعلی: ۱۷۰ |
| بهلول (مسبب واقعه مسجد گوهرشاد): ۴۱ | بوشهری، جواد: ۱۶۹ |
| بهرون، منوچهر (دکتر): ۱۷۳ | بوشهری، صادق: ۲۹۰ |
| بهمن، علی اکبر: ۱۶۹ | بوشهری، مهدی (دکتر): ۱۱۵ |
| بهنود، مسعود: ۳۳۴ | بوييراحمدی، سرتیپ احمدخان: ۲۷۰ |
| بهنیا، ابوالحسن (مهندس): ۱۷۱ | بوييراحمدی، شکرالله خان: ۲۷۰ |
| بهنیا، عبدالحسین: ۱۷۱ | بوييراحمدی، مرادجان: ۳۸ |
| بیات، سهام السلطان: ۱۶-۲۲-۲۴-۲۴ | بوييراحمدی، ناصر طاهر: ۱۲۸ |
| - ۸۰-۷۸-۶۳-۵۲-۴۴-۲۶ | بهادری، کریم پاشا: ۱۷۲ |
| ۱۶۷-۱۰۰-۹۱ - ۸۵ | بهار، محمد تقی (ملک الشعرا): ۱۹ |
| بیات (سرهنگ): ۴۱ | ۱۶۹-۸۴-۸۱-۷۴-۷۰-۲۱ |
| بیات، محمد (مهندس): ۸۵-۸۶ | بهارمست، احمد (سرلشکر): ۱۵ |
| بیژن، اسدالله (دکتر): ۹۹ | بهمهانی، آیت الله: ۲۳۸ |
| بیگلری، سرلشکر: ۱۶۶ | بهمهانی، سیدعلی: ۸۱ |
| | بهمهانی، سیمین: ث |
| | ۲۶۶ |
| | بھبودی، سلیمان: ۹۵-۱۸۰-۴۲۰ |

پ

پاتریک، علی: (پسر شاپور علیرضا)

۲۳۷

پارسا، اصغر: ۵۹

پارسا، فرخ روی (دکتر) ۱۷۲

پاکروان، حسن (سرلشکر): ۱۷۳-۱۷۱

پاکروان، فتح الله: ۵۴-۱۶۹

پالانچیان، لئون: ۱۳۸-۲۴۱

پالیزی: ۸۱

پایدار، مصطفی (دکتر) ۱۷۳:

پاینده، ابوالقاسم: ۴۵

پایور، امیر: ۶۹

پرتو، منوچهر: ۱۷۲

پرویزی، رسول: ۱۷۳

پزشکپور، محسن: ۷۴-۱۵۷

پسیان، محمد تقیخان کلنل: ۴-۶-۷

۸-

پلاسید (امیرارتش): ۱۵

پل ادموند: ۲۱۸

پناهی، ابوالقاسم: ۱۷۰

پناهی، حاج ابراهیم: ۳۳۳

پور سرتیب، محمد: ۶۹-۹۸

پور همایون، علی اصغر (دکتر) ۱۷۰

پویان، انوشیروان (پروفسور) ۱۷۲

پولادین، احمد (سرهنگ): ۲۷-۲۷

۱۸۱ تا ۱۷۸

پولبوت: ۳۱۹

پهلبند، مهرداد: ۱۷۱

پهلوان، علیرضا: ۲۴۱

پهلوی، رضا شاه: ش-۱۹۱ تا ۲۱-۲۸۶

۴۲۶ تا ۴۳۷ -۳۰-۳۱-۳۲-۳۴-۳۵-

-۴۴-۵۱-۵۲-۵۳-۵۸-۶۰-۸۱-

-۸۵-۱۱۲-۱۱۳-۱۰-۱۳۵-

-۱۴۶-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۷ تا ۱۷۶

-۱۸۶-۲۰-۲۰-۲۰-۲۰-۲۰-۲۰-۲۰-

-۲۱۶-۲۱۳-۲۰-۹-۲۰-۶-۲۰-۵

۲۱۷-۲۲-۲۲۷-۲۳۰-۲۳۰-۳۰-۳۰-۳۰-۳۰-

۳۳۲-۳۳۴-۳۴۳-

پهلوی (رضا شاه دوم): ۱۱۶-۱۳۵-

۱۴۵-۱۴۸-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۲-۱۵۲-۱۵-

-۲۱۶-۲۱۸-۲۱۸-۲۸۸-۲۸۷-۳۲۷-

۳۴۱-۳۵۰

پهلوی، محمد رضا شاه: پ-د-ش-۲۲-

علیرضا: ۱۰۲-۱۹۶-۲۳۴-۲۳۶ -	۲۴۲-۲۴۱	۱-۴۷-۴۶-۴۵-۴۳-۴۱-۳۱-۲۳
علیرضا (فرزند محمد رضا شاه): ۱۴۵:	۲۳۷	۷۷-۷۶-۷۳۷-۶۰-۵۸-۵۳-۵
غلام رضا: ۱۱۹-۱۴۶-۲۳۵ -		۷۹۲-۹۰-۸۹-۸۷-۸۴-۸۰-۷۹-
محمود رضا: ۱۲۶-۱۲۵:		۱۶۰-۱۱۰-۸۶۹۹-۹۷
پهلوی، فرخان: ۱۴۵		-۱۸۶-۱۸۴-۱۶۵-۱۶۳
پهلوی، لیلی: ۱۴۵-۱۴۰:		۲۰۰-۲۰۳-۱۹۹-۱۹۳-۱۸۹
جهان بانی، منیژه (همسر شاپور غلام رضا): ۱۱۹		-۲۶۹-۲۶۷-۲۵۰-۲۴۵-۲۳۲
زند، پری سیما (همسر شاپور عبدالرضا):		۲۸۴-۲۷۸-۲۷۵-۲۷۲ -۲۷۱
۲۴۲ -۲۳۶-۲۳۲-۸۴		-۲۹۵-۲۹۳-۲۹۲-۲۹۱-۲۸۹
شفیق، شهریار: ۱۲۶		-۳۲۷-۳۲۶-۳۲۵-۳۱۷-۲۹۶
شهرام: ۱۳۱		۳۴۶-۳۴۱-۳۳۸-۳۳۵-۳۲۸
نیلوفر (افشار): ۱۳۱:		
نور، پهلوی: (فرزند شاهزاده رضا پهلوی) یاسین (همسر شاهزاده رضا پهلوی)		پهلوی: والا حضرت ها:
همسران محمد رضا شاه پهلوی:		اشرف: ۱۱۵-۱۱۴-۹۴-۷۱-۴۳:
اسفندياري، ثريا: ۸۲-۹۲-۹۴-۹۹ -		-۲۰۸ -۱۵۶-۱۵۳-۱۳۳-۱۳۲
۲۳۹-۲۳۵ -۲۳۴-۲۱۸-۱۱۲		-۲۲۴-۲۲۳-۲۲۲-۲۱۵-۲۱۴
۲۹۶-۲۹۵-۲۴۳		۳۴۱-۲۴۱
دبيا، شهبانو فرج: ۱۱۴-۱۲۰-۱۲۲ -		حمديرضا: ۱۹۵
۱۳۵-۱۳۴-۱۳۳-۱۳۱-۱۲۵		شمس: ۴۳-۴۲-۱۸۲-۲۱۶-۱۸۰:
		شهناز: ۴۹-۱۳۹-۱۰۹-۷۷-۱۸۵ -
		۲۱۸-۱۸۸
		فاطمه: ۱۰۱-۱۱۴-۸۰-
		عبدالرضا: ۸۴-۱۹۵-۱۹۶-۲۳۲ -

پیشه‌وری، جعفر: ۵۹-۶۴-۶۵-۶۷-	-۱۳۸-۱۳۷-۱۴۶-۱۴۵-۱۴۰-
۲۸۷-۷۵-۷۱-۶۸	-۱۴۸-۱۴۹-۱۴۹-۱۶۱-۱۰۵-
پیمان، حبیب الله: ۷۰	-۲۱۱-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۹-۲۲۰-
	-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۷-۲۳۰-
	۲۲۸-۲۵۳
	فوزیه: ۴۵-۴۷-۲۱۱-۷۷-۲۱۸-
تاجبخش، محمدحسین: ۲۸۲	۲۶-۹۷-۲۶-۱۸۲-۲۳۷-۲۱۶-
تافته ا-ع	۳۴۵-پهلوی، خاندان:
تجدد، مصطفی: ۱۷۱-۸۰-	پهلوی نژاد، چراغعلیخان (امیراکرم) ۲۳
تدین ارتشبید: ۱۵۳	پیراسته، رستم، (دکتر) ۱۷۳:
تدین، حسین (دکتر): ۱۷۳	پیراسته، سیدمهدی (دکتر) ۱۷۱-۷۰:
تدین، سیدمحمد: ۱۲-۱۵-۱۶-۱۸-	پیرنیا، ابوالحسن (معاضدالسلطنه) ۱۶۸
-۱۶۹-۸۸-۷۱-۶۱-۲۵-۲۴-۲۱	پیرنیا، احمد: (اعتلا السلطنه) ۱۶۸
۲۸۴-۱۷۵	پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) ۱۰-۱۶-۱۷-۱۶۷-
تریت، هاجر: ۴۰	پیرنیا، حسین (دکتر) ۱۱۱:-
ترومن: ۶۳-۶۷-۸۶-۹۰	پیرنیا، داریوش: ۳۳۰
تسلیمی، منوچهر (دکتر): ۱۷۲	پیرنیا، منصوره: ۲۸۸
تفضلی، جهانگیر: ۱۲۲-۱۷۱-۳۴۰	پیرنیا، حسین (مؤمن الملك) ۴-۶-۱۳-
تقوی، حاج سیدنصرالله: ۳۹-۴۰	۷۳-۵۴-۲۸۲-۲۱-۱۷-۱۶-
تقی زاده، جواد: ۷۴	۱۷۵-
تقی زاده، سیدحسن: ۱۷-۲۲-۲۶-	
-۳۲-۳۴-۳۵-۶۲-۶۶-۷۶-۸۰	
-۱۸۱-۱۷۵-۱۶۹-۱۶۸-۱۰۷	
۳۴۵-۲۸۴-۲۷۴-۱۹۹	

جنزی، بیژن: ۱۵۲	تن پیک چانو (همسر چون لای): ۳۲۰
جعفری، حسن: ۸۴-۸۱	توانگر، احمد: ۹۸
جعفری، رضا: ۱۷۰	توفيق، فیروز (دکتر): ۱۷۲
جعفری، مهدی: ۱۲۲	توکلی، تقی (دکتر): ۱۷۲
جفرو دی، کاظم (مهندس): ۱۱۹	تهرانی، سید جلال: ۱۷۰-۱۶۲
جلال بایار (رئیس جمهور ترکیه): ۱۰۵ - ۱۱۲	تهرانی، شیخ آقابزرگ: ۹۸
جلالی، شمس: ۶۲	تهرانچی، رضا: ۷۲
جلالی، فتح الله (دکتر): ۱۷۱	تیتو، مارشال: ۱۴۵
جلالی، موسوی: ۹۸	تیمورتاش، عبدالحسین (سردار معظم خراسانی): ۱۳-۳۲-۲۷-۲۳-۳۵-
جلالی نائینی، ۷۲	۲۷۰-۱۸۳-۱۸۲-۱۷۴-۱۶۸-۳۶
جلیلی افشار، احمد: ۱۵۲	۳۴۴-۳۳۳-
جم، محمود: ۴۲-۴۶-۷۴-۱۶۷-۱۶۷	ث
جم، فریدون (ارتشبند): ۴۳	ثابت پاسال: ۱۰۹-۱۳۷
جمالزاده، محمدعلی ۲۸۲	ج
جمالی، منوچهر: ۹	جابرانصاری، همایون (مهندس): ۱۷۲
جناب، کمال (دکتر): ۶۹-۹۹	جانسون (رئیس جمهور آمریکا): ۱۲۵
جوان خوشدل، مصطفی: ۱۵۲	جاوید، سلام الله (دکتر): ۶۸-۷۱-۷۵
جوانشیر: ۲۷۱	جبروتی، محمد: ۷
جواهر کلام، علی: ۷۹	جرج براون: ۲۶۲
جواهر لعل نہرو: ۱۱۴	جزایری، شمس الدین (دکتر): ۶۹-۶۰

چوبان زاده، محمد: ۱۵۲	جهان، جعفر: ۷۲
چوئن لای (نخست وزیرچین): ۳۱۷ تا ۳۲۲	جهانبانی، امان الله میرزا: ۱۰۰-۱۳-
چیانکایچیک (رئیس جمهورچین ملی): ۳۲۱-۳۲۰	۱۸۸-۱۸۴-۱۶۹-۵۷
ح	
حاتم، محمد: ۷۰	جهانبانی، حسین (سپهبد): ۲۴۲-۲۳۹
حاتمی، علی: ۲۹۳	جهانبانی، محمدحسین (سرتیپ): ۱۷۱
حاجبی، محمود: ۲۳۹	جهانبانی، مسعود (همسر شهناز پهلوی): ۱۳۹
حاج ریابه: ۶۲	جهانبانی، نادر (سپهبد): ۱۸۵
حاج رضائی، طیب: ۱۲۷	جهان بینی: ۲۵۲
حاج میرزا یحیی: ۲۴۶	جهان سادات (همسرانور سادات): ۱۶۱
حاج سیدجوادی، سید ضیا الدین: ۹۸	جهانسوز، یاور: ۵۴
حایری زاده (سید ابوالحسن): ۷۷-۷۸-	جهانسوزی، محسن: ۴۷
۸۱-۸۲-۹۲-۹۳	جهانشاهی، شفیع: ۷۴
حایری یزدی، حاج شیخ عبدالکریم: ۱۶	جهانشاهی، عبدالعلی (دکتر): ۱۷۱
۴۳-	جهانشاهی، غلامحسین (دکتر): ۱۷۱
حبیب اللهی، کمال (دریادار): ۱۷۳	جی براون: ۱۷۷
حجازی، عبد الحسین (ارتشد): ۶۸-۹۰	چ
۱۱۷- ۳۳۶-۳۳۵-۲۴۱-۱۳۹	چرچیل، وینستون: ۵۵-۵۸-۶۳-
حجازی، سید محمد باقر: ۷۶-۲۹۳	۲۷۱-۲۴۵-۱۹۱-۱۰۱-۹۰
حجازی، مسعود: ۹۸	چمران، مصطفی (دکتر): ۹۸
حدادزاده (منشی کسری): ۶۷	چوتہ (ژنرال چینی): ۳۲۱

حکیم (آیت الله): ۱۶۰	حدادزاده: ۹۴
حکیمی، ابوالحسن: ۲۸۲	حریری، حاج احمد: ۹۸
حکیمی، ابوالفضل: ۱۲۲	حسابی، محمود (دکتر) ۳۹-۸۶-۱۷۰
حکیمی، ابراهیم (حکیم الملک): ۶- ۶۳	حسام وزیری، پری: ۶۰
- ۱۶۷-۸۰-۷۵-۷۴-۶۶-۶۴-	حسن خان (کفری): ۱۷۸
۱۷۵-۱۷۴	حسنی مبارک (رئيس جمهور مصر): ۲۵۹-۱۵۱
حکیمی، سرهنگ: ۷۲	حسیبی، کاظم (مهندس): ۵۹-۸۵-۹۱
حکیمی، علی اکبر: ۱۶۹	حضرت عباس: ۹۹-۹۶
حنیف نژاد، محمد: ۱۴۴-۱۲۹	حضرت علی: ۱۶۳
حیات داودی، فتح اللہ: ۱۲۸	حضرت فاطمه: ۳۳۱
حیمیم ۲۷-۱۸۱-۱۸۰-۱۷۹-	حضرت محمد: ۱۶۳
خ	حقشناس، جهانگیر (مهندس): ۵۹-۱۷۰-۹۶-۹۵
خاتم، محمد (ارتشیدخانم): ۹۵- ۱۱۶	حکمت، افخم (دکتر) ۱۷۰
۳۳۴-۱۵۱-	حکمت، پرویز (دکتر) ۱۷۲
خادم خرم آبادی، جواد (مهندس): ۱۷۳	حکمت، رضا (سردار فاخر): ۱۸-۳۴-۳۴-۳۴-۱۵۹
خادمی، علیمحمد (سپهبد): ۱۱۹- ۳۴۸-۳۳۴	- ۹۹-۸۰-۷۷-۷۴-۷۳-۶۹-۶۴
خالصی زاده: ۷۷	۱۷۵
خالوقربان: ۹	حکمت، علی اصغر: ۲۲۳-۱۶۹
خانعلی، ابوالحسن (دکتر) ۱۱۷:	حکمت، محمد علی (دکتر) ۸۱
خاوری، علی: ۱۶۲	حکمت، نظام الدین (مشارالدوله) ۱۶۸
خبریر، فریدون: ۲۴۹-۲۴۷	
خبریر، جمشید: ۲۴۷	

خدايارخان(اميرلشگر) ۱۰-۱۶۸	تنکابنى) ۶-۲۴-۱۷۸ -۳۲۵-۳۲۴
خرمشاهى، محمدحسين: ۹۸	خلعت برى، نصرالله(اعتلامالملک): ۱۶۹
خزاعى، (ميرينج حسین آقا) ۷-۸-۱۰	خليلى، عباس: ۷۲-۷۳
خزعل، شيخ: ۱۹-۴۳-۶۵-۶۸	خليلى، سيداسماعيل: ۷۲
خزعل، شيخ عبدالله: ۶۵	خليلى، سيداصماعيل: ۷۲
خسروانى، پرويز(سپهبد): ۹۶-۱۳۹	خمينى، روح الله(آيت الله): ۱۲۱-
خسروانى، پرويز(سپهبد): ۹۶-۱۳۹	-۱۰۹-۱۰۸-۱۰۵-۱۲۶-۱۲۳
خسروانى، شهاب: ۲۸۲	-۲۲۶-۲۰۹-۱۶۳-۱۶۶
خسروانى، عطاءالله: ۱۱۹-۱۲۷	۲۰۶-۲۴۸-۲۴۶-۲۳۱-۲۲۹
خسروانى، سيدمصطفى: ۱۷۱	خمينى، سيدمصطفى: ۱۰۰
خسروناه(سرلشگر) ۷۲	خنجى، محمدعلى(دكترا): ۹۸-۹۹
خسروداد: (سرلشگر) ۲۵۲-۲۵۳	خواجوى، تقى(مشير معظم) ۱۶۸
خسروشاهى، كاظم: ۱۷۲	خواجوى، سرهنگ: ۷۲
خسروى: ۲۶۶	خواجه نورى، ابراهيم: ۴۸-۱۷۳
خطاطان، موسى: ۱۱۴-۱۷۱	خواجه نورى(درميدان بهارستان کشته شد): ۶۱
خطيبى، حسين: ۹۳	خواجه نورى، فروغ: ۱۵۶
خطيبى(دكترحسين): ۱۵۸	خوشبىن، غلامحسين(دكترا) ۱۷۱
خطير، مهندس: ۶۹	خوئى، شيخ محمدامين: ۱۲
خلحالى، شيخ صادق: ۳۲۷-۳۲۹	خیابانى، موسى: ۱۴۱
خلعت برى، ارسلان: ۴۸-۷۰	خیامى، محمود: ۱۵۱
خلعت برى، (سرهنگ): ۳۲۹	
خلعت برى، عباسعلی: ۱۷۲	
خلعت برى، محمدولیخان(سپهسالار	

- دشتی، علی: ۱۸-۱۱-۳۴-۳۹ - ۴۰
- دفتری، سرلشگر: ۲۷۹
- دفتری، عبدالله (دکتر): ۱۷۰
- دوگل، ژنرال: ۱۱۶-۱۴۱-۱۲۴-۱۱۶
- دولت آبادی، حسام: ۱۷۲-۷۲-۶۷
- دولت آبادی: صدیقه: ۰۰
- دولت آبادی، مهدی: ۲۸۲
- دولت آبادی، حاج میرزا بحیی: ۱۶-۱۶
- دولتشاهی، غلامعلی میرزا (مجلل
الدوله): ۳۵
- دولتشاهی، محمدعلی (مشکوٰة الدوله):
۱۶۹-۳۸
- دونیودوابر (پرسور فرانسوی): ۳۳۱
- دها، سیدحسین: ۲۹۵-۱۷۳
- دهخدا، علی اکبر: ۳۴۷
- دهدشتی، محمود: ۲۸۲
- دهش، حسینقلی: ۲۸۲
- دهقان، احمد: ۲۸۱-۸۴-۸۱
- دهنوی، نصرالله: ۱۴۳
- دیبا، سیدالحقین: ۲۴-۲۱
- دیبا، فریده (مادر شهبانو فرح): ۲۵۶
- دیوبد فرات: ۲۲۳
- داداش بیگ (عباسقلی خان سوادکوهی
پدر رضا شاه): ۱۷۷-۱۷۶
- دادشاه: ۱۱۱-۱۱۰
- دادگر، حسین (عدل الملک): ۲۹-۲۲-۷
- دالس (وزیر خارجه آمریکا): ۲۹۳-۹۳
- دانشپور، عبدالحسین (دکتر): ۹۹-۹۸
- دانشیان، کرامت: ۱۴۸
- داودخان (رئیس جمهور افغانستان):
۲۱
- داور، پرویزو همایون (فرزندان علی اکبر
داور): ۳۳۴
- داور، علی اکبر: ۱۴-۱۵-۲۵-۳۱-۳۵
- داریوش (پادشاه ایران): ۲۷۴
- درخشانی، علی اکبر (سرتیپ): ۶۵
- درگاهی، محمدخان (سرتیپ): ۱۸۱-۱۷۹
- دری (ناینده درگز): ۵۹
- دریفوس (وزیر مختار آمریکا): ۱۹۵
- دزکام، محمود: ۷۶

ذ

ذوالانوار، کاظم: ۱۵۲

ذوالفقار، علی بوتو: ۱۴۹

ذوالفقاری، ناصر: ۱۷۱-۸۱-۷۴

ذوالقدر: مظفر: ۱۰۶

ر

رابرت مانو (مشاور شاه در تبعید): ۲۲۴

راجراستیونس (سفیر انگلیس): ۹۹

راجی، عبدالحسین (دکتر): ۱۷۱

راجی (مهندس): ۳۴۲

رادمنش، رضا (دکتر): ۷۸

رادنیا، عباس: ۹۸

راسخ، پاسیار: ۵۴

راضی، حسین: ۹۸-۷۰

رام، مصطفی قلی: ۱۶۹

رامبد، هلاکو: ۳۱۷-۱۷۲

ریمعی، امیرحسین (سپهبد): ۱۵۳-۱۷۳

رتشتین (سفیر شوروی): ۴

رجاء، محمد: ۱۷۳

رجیبی، داود: ۱۷۰

رجوی، مسعود: ۱۶۳-۱۴۴-۱۳۰

رفسنجانی: ۲۹۴

رحیم زاده خوئی، مرتضی: ۵۹
رزاق منش، انوشیروان: ۳۳۵
رزم آرا حاجیعلی، (سپهبد): ۱۵-۵۸
۱۰۶-۹۰-۸۳-۸۲-۸۱-۷۷-۶۹-
-۲۹۰ - ۲۸۹-۲۳۶-۱۹۴-۱۷۷-
۳۴۹-۲۹۳-۲۹۱

رزم آرا، منوچهر (دکتر): ۱۷۳
رستمی، حسینقلی خان: ۱۲۸
رستمی، جعفرقلی خان: ۱۲۸
رشاد، محمد: ۸۱
رشید عالی گیلاتی: ۵۰
رشیدی مطلق، احمد: ۱۵۵
رضازاده شفق، (دکتر): ۸۵-۶۲-۵۹
رضائی، احمد: ۱۳۰
رضائی، اسماعیل: ۱۲۷
رضائی علی: ۱۵۱
رضائی، قاسم (دکتر): ۱۷۳
رضوی، باقر: ۹۸
رضوی، دکتر: ۲۸۲
رضوی، محمد صادق: ۹۸
رضوی، احمد (مهندس): ۱۰۲-۸۹-۱۰۵-
رفسنجانی: ۲۹۴

- | | | |
|---------------------------------|---------------|--------------------------------------|
| ریاحی، ابراهیم (دکتر): ۱۷۱-۱۹ | - ۱۷۱ | رُفیع، رضا، (قائم مقام الملک): ۱۴-۴۸ |
| ریاحی، اسماعیل (سپهبد): ۱۲۱-۱۷۱ | - ۲۳۳ | رقابی، حیدر (هاله): ۹۸ |
| ریاحی، تقی (سرتیپ): ۹۷-۱۰۰ | - ۲۳۲ | رعدی آذرخشی، غلامعلی (دکتر): ۰۰-۴ |
| ریاحی، حر: ۲۳۳ | - ۲۳۳ | رکن الملک: ۸ |
| ریاحی، جهانگیر: ۲۳۳ | - ۱۷۳ | رمزی کلارک: ۱۶۳ |
| ریاحی، محمدامین: ۷۰-۱۷۳ | - ۲۳۲ | روحانی، حسین: ۱۴۱ |
| ریاحی، منوچهر: ۱۸۱-۱۸۲-۲۳۲ | - ۲۳۲ | روحانی، منصور (مهندس): ۱۷۲ |
| ریاحی (معین السلطنه): ۲۳۲ | - ۱۳۹ | روحانی حایری (دکتر): ۷۰ |
| ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۲۳-۱۲۹ | - ۱۷۵ | روزیه، خسرو: ۱۰-۳۳۹ |
| ریاضی، علی (سرتیپ): ۵۱-۱۶۹ | - ۱۹۳-۱۹۵ | روزولت، فرانکلین: ۵۸-۶۲-۱۹۲ |
| ریچارد استوکس: ۸۶ | - ۲۸۲ | - ۲۱۵-۲۴۵-۲۲۶-۲۷۱ |
| ریدریولاردرس (سفیر سابق انگلیس) | - ۱۹۰ | - ۲۷۲ |
| رین، فرنگ: ۷۶ | - ۱۶۹ | روزولت، کرومیت: ۹۶ |
| رئیس، محسن: ۱۶۹ | - ز | روستا، رضا: ۲۸۱-۷۸ |
| زاهدی، اردشیر: ۱۰۹-۱۳۹-۱۷۲ | - ۲۵۹-۲۲۸-۲۲۹ | روشن، محمدعلی: ۵۳ |
| زاهدی، حسن (دکتر): ۱۷۲ | - ۲۵۹-۲۲۸-۲۲۹ | روشنگر، یاور (دکتر) ژ |
| | - ۱۷۲ | رون تری (سفیر آمریکا در آتن): ۲۹۳ |
| | - ۱۷۲ | رولن، پروفسور (بلژیکی): ۸۹ |
| | - ۱۷۲ | رونیس، پروفسور: ۲۱۴ |
| | - ۱۷۲ | رهنما، حمید: ۱۷۲ |
| | - ۱۷۲ | رهنما، زین العابدین: ۰۰-۴-۵۲-۱۷۳ |
| | - ۱۷۲ | رهنما، مجید (دکتر): ۱۷۲ |
| | - ۱۷۲ | رهنما، میرزا غلامحسین: ۱۲-۱۶۹ |

زهربی، علی: ۹۵	زاهدی، فضل الله (سپهبد): ۱۳-۱۱-
زیرک زاده، احمد (مهندس): ۵۹: -۶۹	۹۲-۶۹-۵۷-۳۰-۲۷-۲۰-۱۹
	-۹۶-۹۵ -۱۶۷-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۰-۹۸-۹۶
زیرک زاده، غلامحسین: ۶۹	-۲۹۵-۲۸۹-۲۷۸-۲۴۲-۲۰۰
	۳۴۶-۲۹۶
ز	
ژاک شابان دلماں (رئیس مجلس فرانسه): ۱۱۶:	زاہدی، نصرالله: (سرتیپ): ۹۳:
ژیسکار دستن (رئیس جمهور فرانسه): ۲۱۲	زرین کفش، علی اصغر: ۱۶۹
	زرین نعل (سرهنگ): ۶۴
س	
سادچیکف (سفیر شوروی): ۷۳-۶۷: -۷۳	زعیم، سید حسن: ۷۰-۱۹
	زعیمی، حسین: ۷۰
سaud الدوله (فرزند سپهسالار تنکابنی): ۷-۶	زکی یانی: ۱۵۲
ساعدم راغه‌ای، محمد (ساعده وزاره): ۲۳۳-۱۹۰-۱۶۷-۷۵-۶۱-۵۹	زمانی، (سرتیپ): ۱۲۲
ساقی (گروهبان): ۳۳۸	زند، ابراهیم: ۱۶۹
سالار چنگ (لهٔ اک خان باوند): ۲۴	زند، هما: -۲۳۳
سالار سعید، سنتدجی: ۷۲-۶۷	زندی (سرتیپ): ۱۴۹
سالار لشکر (فرمان نفرما): ۴۸: ۳۲۶	زندی، عباس (قهرمان کشتی کشور): ۱۰۹
سالار منصور قزوینی: ۳۲۶	زنگنه، احمد، (مهندس): ۹۹-۹۱-۱۷۴-۱۷.
سالم، سرتیپ: ۲۹۴	زنگنه (سرتیپ): ۶۵
	زنگنه، عبدالحمید (دکتر): ۱۷۰-۸۴
	زنگنه، محمود: ۱۳۹
	زنگنه، مسعود (دکتر): ۶۹:

سردار ظفر: ۲۷۰	سام، محمد (دکتر): ۱۷۱
سردار فاتح بختیاری: ۳۸-۲۷۰	سامی (دکتر): ۷۰
سردار کبیر (برادر سپهسالار تنکابنی): ۷	ساپرس ونس: ۲۲۹
سردار مددحت (جلایر، امیر لشگر): ۱۰	سپهبدی، انوشیروان: ۱۷۰
سردار معزز بجنوردی: ۷-۱۸-۱۹	سپهبدار رشتی، اکبر: ۲
سردار مقتدر (غفاری، امیر لشگر): ۱۰	سپهر احمد علی، (مورخ الدوله): ۶۸-
سردار منتصر: ۸	۳۴۷-۱۶۹
سردار همایون (قاسم والی، امیر لشگر)	ستراسلسکی (افسر قزاقخانه): ۱۸۳
۱۰	ستوده، فتح الله (مهندس): ۱۷۲
سرلک، تقی (مهندس): ۱۷۱	سجادی، محمد (دکتر): ۱۵۸-۶۲-
سرمه، صادق: ۷۲	۲۴۹-۲۴۶-۱۷۵-۱۶۹
سرمه، مرتضی: ۱۷۳	سحابی، عزت الله (مهندس): ۱۲۲-۹۸
سرمه، عزیز: ۱۵۲	سحابی، یدالله (دکتر): ۱۲۲
سروری، محمد: ۳۵-۸۵-۹۱-۸۰-۱۰۸	سدان (رئیس شرکت سابق نفت): ۸۶
۱۶۹	سرابندی، موسی: ۱۷۳
سعاد تند، ابوالحسن (سپهبد): ۱۷۳	سرپرسی لرن (وزیر مختار انگلیس): ۱۷۷
سعید محسن: ۱۲۹-۱۳۴	سرتیپ زاده: ۸۱
سعید، جواد (دکتر): ۱۵۸-۱۵۹	سردار عظیم (محمد توفیقی، امیر لشگر)
۲۴۹-۲۴۶-۱۷۵-۱۶۱	۱۰:
سکاکی، حسین: ۹۸	سردار اقبال: ۲۷۰
سلطان حسن (پادشاه مراکش): ۲۶۴	سردار رفعت (نقی، امیر لشگر): ۱۰-
سلطان عبدالحمید (پادشاه عثمانی):	۱۲
۱۶	

سمیعی، مهدی: ۱۷۶	سلیمان دمیرل: ۱۳۴
سمیعی، هوشنگ: (مهندس) ۱۷۱	سمیتقو، اسماعیل: ۱۳۰-۲۰-۱۳-۴
سولید (پزشک فرانسوی) ۳۲۴	سنجابی، کریم (دکتر): ۱۱۸-۹۸-۶۹
سیهانوک، نورمن (پادشاه کامبوج): ۳۱۹-۳۱۸	۱۲۳-۱۶۰-۱۶-
ش	سورکی، عزیز: ۱۵۲
شادمان، ضیا‌الدین (دکتر): ۱۷۲	سون پاس (تئوریسین چینی): ۳۲۰:
شادمان، فخر الدین (دکتر): ۱۷۰-۹۹	سولیوان (سفیر آمریکا): ۲۵۸-۲۲۹
شاطرعباس (پدر سرگرد بهرامی): ۳۳۹	سهیلی، علی: ۵۳-۵۷-۵۴
شالچیان، حسن (مهندس): ۱۷۱	۶۱-۵۹-۵۷-۵۴-
شاه بابایگ تبریزی، علیرضا: ۲۹۵	۲۸۳-۱۶۷-۷۴-
شاه بختی، زکریا (سپهبد): ۲۷-۱۲-۹۰-۲۹	سیاح، فاطمه: ۰۰
شاه حسینی، حسین: ۹۸	سیاح، کاظم خان (کلنل): ۰-۲:
شهرودی، باقر: ۱۷۰	سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۶۲-۵۶-۱۶۹-۸۶
شاه سلطان حسین: ۲۰۷	سیامک، سرهنگ: ۱۰۲-۱۰۱:
شاهقلی، منوچهر (دکتر): ۱۷۲	سیدالعراقین: ۲۷
شاهکار، محمد (دکتر): ۱۱۹	سید محمود (پیشخدمت رضاشاه): ۲۰۴
شاهنده (امیرارتیش): ۱۵	سیف قاضی: ۷۱
شاهین، نوری (امیرارتیش): ۱۵	سمیعی، حسین (ادیب السلطنه): ث
شایگان، سید علی (دکتر): ۸۱-۴۶-۱۷-۱۰-۲-۸۵	۱۷۴-۱۶۸-۷۷-۳۸-
شبستری، علی: ۷۵-۷۱-۶۵-۶۴	سمیعی، عباس: ۹۸
	سمیعی، عبدالحسین: (دکتر): ۱۷۲:
	سمیعی، عطاء الله (دکتر): ۳۹:
	سمیعی، عنایت الله: ۱۶۹

شمیری، حاج حسن: ۹۸-۷۲	شیعت رضوی، مهدی: ۹۸
شمیم، ابوالقاسم: ۴۵	شیعت زاده، احمد: ۲۹
شوارتسکف (ژنرال آمریکانی): ۵۵ - ۹۶-۶۶	شیعیتی، علی دکتر (علی مزینانی): ۱۵۴-۹۸
شوشتری، سید محمد علی: ۸۷	شیعتمداری، علی: ۷۰
شونیک (رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی): ۲۷۵	شیف العلمای خراسانی: ۱۷۱
شهاب الدوّله سیف اللہ (سرتیپ): ۵۵	شیف امامی، جعفر (مهندس): ۱۱۶ - ۱۶۸ - ۱۳۴-۱۵۷-۱۵۹ - ۱۲۳
شهاب فردوس: ۱۱۹	۳۱۷-۲۴۹-۲۴۶-۱۷۵
شهبازی، عبدالله: ۱۲۸	شیفی، احمد هوشنگ (دکتر) ۱۷۲
شهبازی، یدالله: ۱۷۳	شیفی، رحیم: ۹۸
شهرزاد، رضا کمال: ۳۳۴	شعاعی، عبدالباقی: ۱۷۰
شهرستانی، جواد (مهندس): ۱۳۱ - ۱۷۲-۱۶۴	شفا، (سروان): ۱۰۲
شیبانی، حبیب اللہ خان (سرلشکر): ۵ - ۳۴۸-۱۸۱-۳۳-۳۲-۳۰-۱۵	شفا، شجاع الدین: ۷
شیبانی (خانواده): ۲۳۳	شفافی، ژنرال: ۲۸۴
شیبانی عباس (دکتر): ۱۲۲-۹۸	شفقت، جعفر (ارتشد): ۱۵۶-۱۳۸ - ۳۳۸-۱۷۳
شیبانی، غلامحسین (سرهنگ): ۵۶	شفیعی، فرهنگ (دکتر): ۱۷۲
شیبانی، عبدالحسین (وحیدالملک): ۱۶۸	شقاقی، حسنعلی (سرهنگ): ۵۷
شیبانی (مجیر الدوّله): ۱۲	شقاقی، عباس (سرلشکر): ۳۳۸
شیبانی، مهدی: (مهندس): ۱۷۳	شکوه الملک: ۱۹۶-۲۷
	شکیب نیا: ۹۸
	شمس آبادی، رضا: ۱۲۷

شیخ الاسلام زاده، شجاع الدین (دکتر) :	١٧١	صدر، جواد (دکتر)
١٧٢	٧٣: صدر، حسن	٣٣٤: صدر، سید رضا
شیخ العراقين زاده	٧٤:	٧٤: صدر، فضل الله (دکتر)
شیروانی ابو تراب	٦٨:	- ٤٢-٤٣: صدر محسن (صدر الاشراف)
شیروانی ابو طالب	٦٨:	- ٥٦-٦٣-٦٤-١١٦-١١١- ١٦٧
ص	١٧٥	٢٣٣: صدری، رکن الدین
صاحب، علیرضا (دکتر) ٦٩-٧٠:	٧١:	٢٨٢: صدری، شکر الله (قوم الدهله)
صادق، صادق (مستشار الدوله) ٤٢-٤٣:	١٦٨:	١٦٨: صدقیانی، رضا (مهندس)
٢٩٥-١٦٨-٩١	١٤٤-١٣٠:	- ٣٩: صدقیانی، عیسی خان (دکتر)
صادق، ناصر:	٢٩٥-٢٦٦:	١١٨-١١٧- ٤٦-٦٩
صادق، حسین:	١٧٣:	١٤٢: صفاری (سرتیپ محمد علی)
صادق وزیری، بھی:	٢٨١:	٧: صفاری، رحیم
صادقی، ابو الحسن ١٦٩:	٣٠-	١٤: صفوی، شکر الله
صارم الدوله، اکبر (مسعود میرزا) ٢٩:	٧٤:	٢٥١-١٧٢: صفویان، عباس (دکتر)
صارم کلاتی، حسنعلی:	٨١-٦٩-٦٨-٦٢-٥٩:	٢٩٣-١٥٨: صمدیانپور (سپہبد)
صالح، اللہیار:	١٢٨-١٢٣-١٢١-١١٧-٨٥-٨٢-	١٧٣: صمیمی، لطفعلی (مهندس)
٢٠٠-١٦٩-	١٧٠-١٥٥:	١٧٠: صلاحی، محمود (صلاح السلطنه)
صالح، جہانشاہ (دکتر) ١٧٠-١٥٥:	١٧٤-١٧٢:	١٧٣: صلاحی، مرتضی (دکتر)
صدام حسین ١٥٠-١٤٢:		

طباطبائی، سید محمد (تجدد): ۱۷۳-۴۰	صنیعی، اسدالله (سپهد): ۱۷۱
طباطبائی، سید محمد صادق: ۵۹-۶۰	صور اسرافیل، اسماعیل: ۱۶۹
۲۲۳-۱۷۵-۷۸-۷۲	صور اسرافیل، قاسم: ۱۶۸
طباطبائی دبیا: ۳۱	صهبا، هاشم: ۱۶۹
طباطبائی، مجتبی: ۳۳۴	
طبری، احسان: ۷۸	ض
طلای غلامحسین: ۷۰	ضرغام، علی اکبر (سرلشکر): ۱۱۴-۱۷۱
طه (وکیل دادگستری): ۸۲	
طهماسبی، خلیل: (قاتل رزم آرا) ۸۳-۸۴	ضرغام پور، عبدالله: ۱۲۸
۲۹۰-۲۸۹-۱۰-۶-۹.	ضیا، طریقی، حسن: ۱۵۲
ظ	ضیائی، طاهر (مهندس): ۱۷۱
ظرف، فروغ: ۲۴۲	ط
ظرف، قباد: ۲۴۲-۲۳۴	طالقانی، خلیل (مهندس): ۱۷۰
ظرف، ملکشاه: ۲۴۲-۲۳۹	طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۱۲۲-۹۹-۹۸
ظل السلطان: ۱۸۸	طاهری، (سرتیپ): ۱۴۴
ظهیر الاسلام: ۲۷-۸	طاهری یزدی، هادی (دکتر): ۱۷۰
ظهیرالدوله: ۱۸	طبا، عبدالحسین (دکتر): ۱۷۱
ع	طباطبائی، اکبر: ۱۶۴
عابدی، (سریاز) محمد: ۱۶۰	طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۲-۵-۶
عاصمی، محمد (دکتر): ر	۱۷۰-۶۷-۱۶۷-۲۸۷-۲۸۵-۲۸۴
عالی، ابراهیم (دکتر): ۶۹-۱۷۰	۲۹۱
عالیخانی، علینقی (دکتر): ۷۴-۱۷۱	

عامرى، احمد: ١٧٣	عدل، يحيى (پروفسور): ١٤٩-٢٣٤-٢٣٤
عامرى، جواد: ٦٠-٨١-١٠٨	٢٤٢-٢٤٠-٢٣٩
عامرى، سلطان محمدخان: ٧	عرقى، اسماعيل: ١٩-٤٥
عامرى، ناصر: ١٤٩	عرشاهى، پاسیار: ٥٤
عاملی، باقر (دکتر): ١٧١	عسگرزاده، محمود: ١٣٠
عاملی تهرانی، محمدرضا: ١٧٣-٧٤	عسگری، عباس: ٢٩٥
عاملی زاده: ٩٨	عشقی، خانک. دکتر): ٣
عباسی، ابوالحسن (سروان): ١٠١-٣٣٩	عصار، نصیر: ١٧٣
عبدالله (نایب السلطنه عراق): ١١٢	عنصدی، یدالله: ١٦٩-١٧١
عبدالحمید میرزا (عين الدوله): ٢٧-٦	عطایپور (سرلشکر): ٨٤
عبدالکریم قاسم: ١١٥-٢٩١-١١٥	عطارد (سرگرد): ١٠٢
٢٩٢	عطائی، رحیم: ٩٨-٩٩
عبدالناصر، جمال: ١٠٨-١١٦	عطائی، رمزی (دریادار): ١٥٣
عبدالرحمٰن، عارف: ١٣٣	عطائی، محسن: (مهندس): ٦٩
عبدخدائی: ٨٨	عطائی، منصور: ١٧٠
عبدده، جلال (دکتر): ٥٢-١٠٤-١٧١	عظیما، جهانگیر: ٩٨
٢٠٠	عظیمی، رضا (ارتشد): ١١٧-١٧٢
عتیقه چی: ٢٨٢	عقیلی پور: ٢٧١
عدل، احمدحسین: ١٦٩-١٧٤	علا، حسین: ٢٢-٢٨-٣٥-٥٦-٦٨
عدل، ببه (همسر پروفسور عدل): ٢٣٤	-١١٠-١٦١-٤-٩٣-٨٥-٨٤
٢٤٢-٢٣٩	-٢٩٠-٢٨٦-٢٣٩-١٧٤-١٦٧
عدل، مصطفی (منصور السلطنه): ٦٢	علم، ابراهیم (شوکت الملک): ٧-١٦٩
١٦٩-١٦٨	علم، امیرا سدالله: ٨٣-١١٣-١١٩-

- أمريكا) ١٩٠: -١٤٣-١٣٢-١٢٤-١٢٣-١٢.
 غفارى، عبدالحميد (اميرلشگر-امير
 اقتدار) : ١٠٠: -١٦٨-١٥٦-١٥٥-١٥١-١٤٩
 غفارى، (ذکارالدوله) ٧٠ -٥٩
 غفارى، سهام الدين: ١٦٩
 غفارى، فخرالزمان: ٤٠
 غفارى، هادى: ٣٢٧
 غنى، قاسم (دكتر): ١٦٩-٨٨
 غياثى، عبدالحميد: ٢٨٠
 غيور، مسعود (مهندس) ٢٨٢
- ف**
- فاتح، محمدصادق: ١٤٢
 فاتح ، محمود: ١٦٩
 فاروق(پادشاه مصر): ٢١١-٢٠٩-٤٥
 فاطمى حسين (دكتر): ٩٦-٩٥-٨٨
 فاطمى، سعيد (دكتر): ١٠١
 فاطمى، عمادالسلطنه: ١٦٨
 فخار، حاج اسماعيل: ٧٢
 فخرآرائى، ناصر: ٢٨١-٧٦
 فرامرزى، عبدالرحمن: ٤٥-٥٤-٨١
 فرانتزپيك (دكتر) کارشناس پولی جهان
- ٢١٤ -٢١٢-٢٠٧-٢٠٠-١٧٤
 -٢٦٦ -٢٦٥ -٢٣٠-٢٢٤-٢١٥
 ٣٤.
 علامير، محمود (احتشام السلطنه): ١٧٥-١٦٩-٤٢
 علامه قزوينى: ٧٨:
 علوى (دكتر): ٨١:
 علوى مقدم، مهديقلى (سپهبد): ٩٠: -١٧١
 على آبادى، عبدالحسين (دكتر): ٨٥: -٨٦
 على آبادى محمدحسين (دكتر): ١٧٣:
 على بابائى، احمد: ١٢٢:
 عميد، ابراهيم (عميدالسلطنه): ١٦٨:
 عميد، ابوالقاسم: ١٦٨
 عميدي (سرلشگر): ٢٩٣-٧٢:
 عميدي نوري، ابوالحسن: ١٧٣-٥٥
- غ**
- غري، محمد على (دكتر): ٦٩
 غروى: ٩٨:
 غفارى محمد على (وزير مختار ايران در

فروزانفر (بدیع الزمان): ۴۶	۱۳۱:
فروغی، محسن: ۱۷۲	فرح بخشیان، ابراهیم (مهندس): ۱۷۲
فروغی، مسعود: ۱۷۱-۲۳۹-۲۴۲	فرح، مهدی (معتصم السلطنه): ۷۲-۷
فروغی، محمدعلی (ذکارالملک): ۱۲-	۱۶۹-
-۴۱-۴۰-۳۶-۲۸-۲۲-۱۷	فرخی یزدی: ۱۱-۴۷
۱۷۴-۱۶۷-۵۶-۵۲-۵۰-۴۲	ففرخ نیا (سرهنگ): ۲۹۲
-۱۹۷-۱۹۶-۱۹۵-۱۹۳-۱۷۵-	فرداد، علی: ۱۷۴
۳۴۴-۲۸۴-۲۸۳-۲۲۴	فردوست، حسین (ارتشد): ۲۲۳-۱۴۶
فروهر، ابوالقاسم: ۶۲-۱۶۹	۳۳۸-۲۶۶-
فروهر، داریوش: ۷۴-۹۸-۱۱۸-۱۱۶-۱۵۶	فرزانگان، عباس (سرتیپ): ۱۷۰
فروهر، غلامحسین: ۸۳-۱۶۹	فرزانه، سیروس: ۱۷۳
فرهاد، احمد (دکتر): ۱۱۹	فرزین، محمدعلی: ۱۶۹-۱۶۹-۵۲
فرهنگ مهر، (دکتر): ۱۴۳	فرسیو (سرلشکر): ۱۴۲
فرهودی، حسین: ۱۷۳	فرشچی حسینقلی: ۲۷۱
فریار، عبدالله (دکتر): ۸۴	فرشچی، علی: ۱۷۴
فریدنی، احمد: ۱۶۹	فرمانفرما نیان: خداداد (دکتر): ۱۷۴
فریور، غلامعلی (مهندس): ۵۹-۶۸-۶۹	فرمانفرما نیان، صبار (دکتر): ۱۷۰
۱۷۱-۶۹	فرمانفرما نیان، عبدالله میرزا: ۶-۴۸
فادئی، علوی: ۷۲	فرمانفرما نیان، محمدولی: ۱۷۰
فدوی، محمود: ۲۷۱	فرمند، حسنعلی (ضیاءالملک): ۱۷۰
فشارکی، حاج آقانورالله: ۲۷	فروتن، عسکر: ۲۷۱
فضائلی، محمد: ۱۴۹	فروزان، علی اصغر: ۱۷۰
فقیه زاده، ابوالقاسم: ۸۱	

ق

- قاجار، سلطان احمد شاه: ۱۰-۱-۱۲ تا
- ۱۵-۱۷-۱۸-۳۱-۲۱-۱۸۲-۳۱-۱۷-۱۵
۳۴۳-۳۳۲
- قاجار، عزت الدله (همسر فرمانفرما):
۴۸
- قاجار، فتحعلی شاه: ۱۸۴
- قاجار، محمد حسن میرزا: ۵-۱۰-۱-۱۶
- ۲۱-۲۲ - ۱۷
- قاجار، محمد علی شاه: ۱۰-۱-۱۷-۱۷۸
- قاجار، ناصرالدین شاه: ۱۸-۱۸-۳۳
- قاجار، کامران میرزا: ۲۹
- قاسمی، ابوالفضل: ۱۲۸
- قاسمی، مهندس: ۸۱
- قاسمیه، حاج حسن: ۹۸
- قاضی، ابوالفضل (دکتر): ۱۷۲
- قاضی محمد: ۶۵-۶۱
- قدس نخعی، حسین: ۱۳۲-۱۷۱ - ۱۷۴
- قدیمی، اسد الله (مشارالسلطنه): ۱۶۸
- قراگوزلو، علیرضا (بها، المللک): ۱۶۸
- ۱۶۹
- قراگوزلو، منوچهر: ۲۴۲

فلینگر (دکترا تریشی محمد رضا شاه
پهلوی): ۲۵۲

فورد (رئیس جمهور آمریکا): ۲۵۸

فوزیه ملکه اسبق ایران: ۴۵-۴۷-۷۷

- ۲۱۸-۲۱۱

فولادوند، غلام رضا: ۱۷۳

فولادی، سیف الله (رسدان): ۲۷۱

فهیمی، خلبیل، (فهیم الملک): ۱۶۸

فیروزآبادی، حاج سید رضا (آیت الله):
۹۹

فیروز، اسکندر: ۱۷۳

فیروز، مظفر: ۶۹-۶۸-۷-۱۷۰ -

۲۷۶-۲۷۵

فیروز، فیروز (نصرت الدله): ۳۰-۳۱

۱۶۸-۴۳-۴۵

فیروز، مریم: ۷۸

فیروز محمد حسین (سرلشگر): ۳۰-۱۶۹

فیض (آیت الله): ۸۳

فیض، عیسی، (مدیر الملک): ۱۶۸

فیلی، منوچهر: ۱۷۳

- قراگوزلو، میرزا ابوالقاسم خان (نایب
السلطنه): ۲۷-۲۶
- قراگوزلو، بیحیی: ۱۶۹
- قریب، سرهنگ (متین الملك): ۱۱
- قریب، محمد (دکتر): ۹۶
- قرنی، محمد ولی (سرلشگر): ۱۱۲-۱۱۳
- قره باغی، عباس (ارتشید): ۱۶۲-۱۲۲
- قریشی، احمد (دکتر): ۱۵۶
- قرزل ایاغ: ۲۸۰
- قزوینی، حاج رحیم: ۳۱
- قشقائی بهمن (دکتر): ۱۲۸-۱۲۴
- قشقائی خسرو: ۸۱
- قشقائی، صولت الدوله: ۳۵-۳۴
- قشقائی، ناصر: ۱۲۸-۶۹-۳۴
- قضائی، حشمت الله: ۲۸۰
- قیمی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۷۱
- قیمی، نصرت الله: ۸۴
- قندچی: ۹۸
- قندھاریان، ابوالقاسم: ۹۸
- قوم، احمد (قوم السلطنه): ۴-۲-۵
- ۰۰-۱۵-۱۴-۱۲-۱۰-۸-۷-۶
- ۵۶ - ۵۷-۸۱-۸۰-۷۴-۶۶ تا ۱۰۰ - ۹۰-
- ۲۲۴-۱۹۳-۱۶۷-۱۰۰ - ۹۰-
- ۲۸۳-۲۷۷-۲۷۶-۲۷۴ - ۲۷۳
۳۴۵-۳۲۶-۲۸۹-۲۸۷
قوم، علی: ۴۱
قوم الدله، شکرالله خان: ۲۱
قوم، ابراهیم (قوم الملك شیرازی): ۳۵-
۱۹۵
قوم صدری، محمود: ۱۷۲
قوانلو، کریم (سرتیپ): ۷۲
قهرمانی، شرف الدین میرزا (سرهنگ):
۵۶-۲۷
ک
کاراخان: ۳۷
کارتز، جیمس: ۱۰۴-۱۰۵ - ۱۰۵-۱۰۶ - ۲۱۲
- ۲۳۰ - ۲۲۹-۲۲۸-۲۲۶-۲۱۵
۲۵۹-۲۵۸
کارلوس (ترووریست معروف): ۱۵۲
کازرونی: ۱۸
کازرونی، محمد: ۲۸۲
کازرونی، محمد علی: ۲۸۲
کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۱۱۵-۸۱:
- ۱۷۱-

کاشانی، ابراهیم: ۱۷۱	کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۶۰:-
کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۶۰:-	-۸۳-۸۱-۷۷-۷۶-۷۵-۶۹-۶۷
کاشانی، مصطفی: ۱۰۶-۷۹	کاشانی، مصطفی: ۱۰۶-۷۹
کاشف: ۲۳	کاشف: ۲۳
کاشفی، احمد: ۱۷۴	کاشفی، احمد: ۱۷۴
کاشفی، رضا: ۹۸-۷۰	کاشفی، رضا: ۹۸-۷۰
کاشفی، محمود: ۱۷۲	کاشفی، محمود: ۱۷۲
کاظم زاده، حسین (دکتر): ۱۷۲	کاظم زاده، حسین (دکتر): ۱۷۲
کاظمی، باقر: ۱۶۹-۳۸-۱۰۱-۱۹۹	کاظمی، باقر: ۱۶۹-۳۸-۱۰۱-۱۹۹
کاظمی، صادق: ۱۷۴	کاظمی، صادق: ۱۷۴
کاظمی، منوچهر (دکتر): ۱۷۳	کاظمی، منوچهر (دکتر): ۱۷۳
کاتوزیان (سپهبد): ۱۷۳	کاتوزیان (سپهبد): ۱۷۳
کافتارادزه: ۶۱-۶۰	کافتارادزه: ۶۱-۶۰
کامبخش، عبدالصمد: ۷۸	کامبخش، عبدالصمد: ۷۸
کبیری (آشپزدربار): ۲۶۱	کبیری (آشپزدربار): ۲۶۱
کتابچی خان: ۲۸	کتابچی خان: ۲۸
کرمانشاهی، سيف الدین: ۳۳۴	کرمانشاهی، سيف الدین: ۳۳۴
کریستیان شولوسکی (همسر شاپور علیرضا): ۲۳۷	کریستیان شولوسکی (همسر شاپور علیرضا): ۲۳۷
کریم آبادی، ابراهیم: ۹۸-۷۲	کریم آبادی، ابراهیم: ۹۸-۷۲
کوپال (سرلشگر): ۹۰:-	کوپال (سرلشگر): ۹۰:-
کوثر: ۸۸	کوثر: ۸۸
کوروش کبیر: ۲۰۸-۱۴۴-۱۴۳	کوروش کبیر: ۲۰۸-۱۴۴-۱۴۳
کوزنتسف (سرگرد شوروی): ۱۰۶	کوزنتسف (سرگرد شوروی): ۱۰۶
کیا، جاجیعلی (سپهبد): ۲۹۴	کیا، جاجیعلی (سپهبد): ۲۹۴
کیان، غلامرضا (دکتر): ۱۱۴	کیان، غلامرضا (دکتر): ۱۱۴
کشاورز، فریدون (دکتر): ۶۸-۹۸-۷۸	کشاورز، فریدون (دکتر): ۶۸-۹۸-۷۸
کسینجر: ۲۲۱-۲۲۶	کسینجر: ۲۲۱-۲۲۶
کسری، احمد: ۶۷	کسری، احمد: ۶۷
کشمیر: ۹۶-۸۷	کشمیر: ۹۶-۸۷

گودرزی، منوچهر (دکتر):	۱۷۲	کیان پور، غلامرضا (دکتر):	۱۱۴
گوهربیان، ابوطالب (مهندس):	۹۹		۱۷۲
گیتی بین، اصغر:	۹۸	کیانوری، نورالدین (دکتر):	۲۷۸
L		کین (دکتر آمریکائی):	۲۲۶
لاهوتی (مازور):	۱۰-۱۱	کیوان، امیر:	۲۸۲
لاهیجی، سیدمهدی:	۱۲	کیوان، مرتضی:	۱۰۲
لباسچی، حاج نوروزعلی:	۹۸	کیهان، مازور مسعودخان:	۳-۲-۴-۵-
لطفی، عبدالعلی:	۱۷۰	۱۶۸	
لشگری، استوار:	۱۲۷	گ	
لیاخف (قزاق روسی):	۱۲	گاندی، ایندیرا:	۱۱۴
لیقوانی، عیسی:	۳۹	گرکانی:	۷۲
لنکرانی، برادران (شیخ حسین، احمد،		گرزن، عباس (سرلشگر):	۹۰
مرتضی، مصطفی، حسام):	۸۱-۶۷	گلسربخی، خسرو:	۱۴۸
لنین:	۱۰۸	گلسربخی، ناصر:	۱۷۲
لول نول (رئیس ستادارت ش کامبوج):	۳۱۹	گلشانیان، اسدالله (سرتیپ):	۱۵-۱۵-۶۱
لی لی سان (فرمانده چینی):	۳۲۰	گلشانیان، عباسقلی:	۶۲-۸۳-۶۲-۱۶۹
لیندبلات (دکتر آلمانی، مدیر کل بانکملی ایران):	۳۵-۳۴-۲۹	۲۸۲-	
گنجه ای، جواد:	۸۱-۸۰-۷۳	گنجه ای، جمال (مهندس):	۱۷۱
گنجه ای، حاج میرزا علینقی:	۳۰	گنجه ای، رضا (مهندس):	۱۷۱
گنجی، جمال (مهندس):		گنجی، منوچهر (دکتر):	۱۷۲
گودرزی، اکبر:	۲۹۵	گودرزی، منوچهر (دکتر):	

- محمد ظاهر شاه: ۳۷
- محمد نادر شاه: ۳۷
- محوي: ۲۶۵-۲۶۶
- مخاطب، رفیعی (سرلشگر): ۱۶۴
- مختار، رکن الدین (سرپاس مختاری): ۵۲-۲۷۱
- مدرس، سید حسن (آیت الله): ۶-۱۵
- ۲۷۱-۱۹-۲۱-۲۲-۲۵-۲۹-۴۵-۴۰-
- مدنی، احمد (دکتر) ج - ح ۱۰۲: مدنی (سروان)
- مرات، اسماعیل: ۱۶۹
- مرات، سعید: ۲۹۵
- مرتضی، ابوالفضل: ۹۸
- مرجانی، معین الدین: ۷۰
- مرشد، حسین (دکتر) ۱۷۳
- مرزبان، اسماعیل (دکتر) ۱۶۹
- مزینی، منصور (سرلشگر): ۱۷۹-۱۸۰
- مزینی، علی اصغر (سرتیپ) ۹۳
- مستغان، حسینقلی: ۵۶
- مستوفی، میرزا حسن خان (مستوفی المالک) ۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰
- مسعود انصاری، علیقلی (مشاور المالک) ۱۷۵
- مارک ج - گازیورسکی: ۲۹۱
- مالك، سعید (دکتر) ۱۶۹
- مانیان، حاج محمود: ۹۸
- مائوتسه تونک (رهبرچین کمونیست): ۳۲۲-۳۲۱-۳۲۰-۳۱۸-۳۱۷
- مبشر، علی: ۱۷۰
- مبشری (سرهنگ) ۱۰۱-۱۰۲-۲۷۸-۲۷۹
- مبصر، محسن (سپهبد) ۱۷۴
- متین دفتری، احمد (دکتر) ۴۷-۴۸ - ۱۶۷-۸۵-۷۹-۷۲
- مجد، فطن السلطنه: ۷۲
- مجلسی، محمد: ۱۷۱
- مجیب الرحمن: ۲۱۰
- مجیدی، عبدالجید (دکتر) ۱۷۲ - ۱۷۴
- محتشم (سرهنگ) ۱۸۰
- محتشمی، محمد خان (امیر ارش) ۲۶
- محضری: ۲۸۱
- محمد القیسی: ۱۲۳
- محمد خان (سرهنگ) ۱۶
- محمد رشید قادر خان (همه رشید) ۶۱

-١٨٧	-١٦٧-١٣٢-١٢٥-١٠٥-	١٦٩:
-٢٣٦	-٢٣٣-٢٢٧-٢٢٤-١٩٩	مسعود، محمد: ٦٤-٧٣-٧٤-٧٧-
-٢٨٥	-٢٧٩ -٢٧٨ -٢٤١ -٢٣٧	٨٨
-٢٩٦	-٢٩١-٢٩٠ -٢٨٧-٢٨٦	مسعودی، عباس ٤٢-٥٦
-٣٤٦	-٣٤١-٣٤٠ -٣٢٩-٣٢٥	مسيح الدوله (دكتر) ١٢:
٧٠.	تصویر حمانی، مرتضی: ٦٩-	مشار، حسن (مشارالملک) ١٦٨:
٢٧:	مطبوعی، ایرج (سرلشگر)	مشار، یوسف (مشاراعظم) ٧٢-٧٨:
٥٩:	معاون، حسین (دكتر)	مشارالملک انصاری: ٨
١٨٦:	معتضد. خسرو:	مشاور، تقی، (سپهبد) ١٧٤:
٨٤:	معتضدي، نصرت الله (سرلشگر)	شايخی، محمد: ٦٩
١٣:	معتمد التجار:	شرف نفیسی، حسن (دكتر) ١٦٩-
٦٩:	معتمدناصر (مهندس)	١٧٤
١٦٩:	معتمدی، علی:	مشگین فام، عبدالرسول: ١٣٠
١٧٣:	معتمدی فتح الله:	مشیر فاطمی، عبدالحسین (دكتر) ١٧٣:
١٧٢-١٥٣:	معتمدی، قاسم (دكتر)	مشیری یزدی، محمد: ١٧٤
١٧٢:	معتمدی، کریم (مهندس)	صبح زاده، مصطفی (دكتر) ٥٤:
١٧٣:	معدل، لطفعی:	صدق، احمد (مهندس) ١٧٠:
٢٦١:	معزی (خلبان):	صدق، غلامحسین (دكتر) ١٩٩:
٢٩٤:	مظہری: آیت الله:	صدق، محمد (دكتر، مصدق السلطنه):
٩٥-٦٩:	معظمی، سیف الله (مهندس)	-٢٢-١٨-١٧- ١٣-١٠-٨-٣
١٧.-		٧٢-٦٩-٦٣ ٦١-٥٩-٤٨-٢٥
٨٥-٨٠-٥٩:	معظمی، عبدالله (دكتر)	٨٤-٨٢-٨١-٨٠-٧٩ -٧٨-٧٤-
١٧٥-١.١-٩٩-٩٤-		١.٣ -١٠٠-٩٧-٨٩ -٨٧-٨٥-

- | | |
|---|------------------------------------|
| ملك اسماعيلي (دكتر): ١٧٣-٩٦ | معارزاده (دكتر) ١٧٣ |
| ملك عابدى (مهندس): ١٢٠ | معمر القذافي: ١٦٢ |
| ملك غازى اول (پادشاه عراق): ٤٧ | معين الوزراء (ميرزا حسن) ١٦ |
| ملك فيصل (پادشاه عراق): ٣٤-٩٥ | معين زاده، جواد (سرتيب): ٢٥٢ |
| | معينيان، نصرت الله: ١١٤-١٥٤ |
| ملك فيصل (پادشاه عربستان سعودي): ٣٤-١٢٩ | ١٧١ |
| ملکوتی، جمال: ١٧٣ | معینی، امیرقاسم (مهندس) ١٧٢ |
| ملکی، خلیل: ٧٣-٨٥-٩٦-٩٩ | مفتاخ، عبدالحسین: ٢٨٣ |
| ملکی، محمدعلی (دكتر): ١٧٠ | مفخم، جمشید: ١٧٠ |
| ملکی، مسعود (دكتر): ٦٩-٧٠-١٧١ | مفیدی، شمس الدين (دكتر) ١٧٢ |
| ملکی، مهدی (دكتر): ٣٤٧ | مقبل، احمد (دكتر) ٦٢-١٧٠ |
| ملیسپو، دكتر): ٢٦-١٣-٥٥-٦٠ | مقدام، ناصر الله (دكتر) ١٧٢ |
| | ٢٧١-٥ |
| ممتاز، محمدعلی: ١٧١ | مقدم، ايرج، (سپهبد) ١٧٣ |
| ممتاز، ميرزا اسماعيل خان: (ممتاز الدوله) ٣٥-١٦٨-١٧٥ | مقدم، محمدعلی: ١٩٠ |
| مسنی، امامقلی: ٢٧٠ | مقدم، ناصر (سپهبد) ١٥٥-١٧٤ |
| مقانی، اسدالله: ٥٩-١٦٩ | قریبی، احمد (سرلشگر) ١٥٥ |
| منصور، جواد: ١٧٢ | مکی، حسين: ٧٨-٧٩-٨١-٨٢-٨٥ |
| منصور، حسنعلی: ١٢٤-١٢٦-١٢٧- | ٩٢- |
| | مکی فیصلی: ٢٤٨ |
| منصور، رجبعلی (منصور الملك): ٣٤ | ملچارسکی (دندانپیزشك رضاشاه) ٢٠٣ |
| | ملك آراء، اسدالله (شهاب الدوله): ٥ |
| | ١٦٨ |

مهران، محمود (دکتر): ۱۷۱	۱۷۴-۱۷۳-۲۸۹
نامدار احمد: ۱۷۳	۱۷۳-۱۷۴-۲۸۹
نامجو، محمود (قهرمان هالتر): ۷۹	۱۷۳-۱۷۴
ناظمی، احمد: ۱۷۳	۱۷۳-۱۷۴
ناصری، محمود: ۱۷۱-۳۹	۱۷۳-۱۷۴
نادر شاه: ۱۱۴	۱۷۳-۱۷۴
ناصر، علی اصغر: ۱۷۱	۱۷۳-۱۷۴
ناتال خانلری، پرویز (دکتر): ۱۷۱	۱۷۳-۱۷۴
نی ن: ۱۴۴-۱۳۰	۱۷۳-۱۷۴
میهن دوست، علی: ۱۴۴-۱۳۰	۱۷۳-۱۷۴
میمندی نژاد، محمد حسین (دکتر): ۶۹	۱۷۳-۱۷۴
میکده، حبیب: ۳۳۴	۱۷۳-۱۷۴
میکده، غلامعلی: ۱۷۰	۱۷۳-۱۷۴
میلانی، آیت الله: ۲۹۴	۱۷۳-۱۷۴
میکده، احمد: ۱۷۳	۱۷۳-۱۷۴
میر فندرسکی، احمد: ۳۲۶	۱۷۳-۱۷۴
میرزا کریم خان رشتی: ۶۷-۸	۱۷۳-۱۷۴
میرزا کوچک خان جنگلی (یوسف): ۶-۹	۱۷۳-۱۷۴
میرزاده عشقی: ۱۸	۱۷۳-۱۷۴
میرجلالی، محمود (سرلشکر): ۱۵	۱۷۳-۱۷۴
میتران، فردیک: ۲۰۷	۱۷۳-۱۷۴
مهنا (سرلشکر): ۱۷۰	۱۷۳-۱۷۴
موحد، نظام الدین (مهندس): ۶۹	۱۷۳-۱۷۴
موسولینی: ۲۸۳-۱۹۰-۶۳	۱۷۳-۱۷۴
موسوی زاده علی اکبر: ۱۶۹	۱۷۳-۱۷۴
موقر، مجید: ۵۲-۴۰	۱۷۳-۱۷۴
موقر الدوله، محمود: ۱۶۸	۱۷۳-۱۷۴
مؤدب نفیسی (دکتر مؤدب الدوله): ۳۳	۱۷۳-۱۷۴
مهاتما گاندی: ۷۵	۱۷۳-۱۷۴
مهام، موسی: ۴۱	۱۷۳-۱۷۴
مهاجر، علی اشرف: ۲۸۰	۱۷۳-۱۷۴
مهتدی، علی اکبر (سرهنگ دکتر): ۲۹۳-۲۸۱-۱۷۳	۱۷۳-۱۷۴
مهدمینا، جهانگیر (مهندس): ۱۷۳	۱۷۳-۱۷۴
مهدوی، ابراهیم (مهندس): ۲۸۹-۱۷۰	۱۷۳-۱۷۴
مهدوی، فریدون (دکتر): ۱۷۲	۱۷۳-۱۷۴
مهدی نیا: ۱۷۸-۲۸۹	۱۷۳-۱۷۴
مهران، حسنعلی: ۱۷۴-۱۷۳	۱۷۳-۱۷۴
مهران، محمود (دکتر): ۱۷۱	۱۷۳-۱۷۴

- | | |
|--|---|
| نصر محسن (دکتر) ۱۷۱: | نائینی، حاج میرزا حسن (آیت الله) ۱۶: |
| نصر اصفهانی، اسدالله (دکتر) ۱۷۲: | نائینی، میرزارضا ۲۶: |
| نصرت الدوله ۳۳۳: | نبوی، حسن ۱۷۱: |
| نصرت السلطنه، حسن علی میرزا ۴: | نبوی نوری، حاج شیخ عبدالکریم (آیت الله) ۲۱: |
| نصیرالملک ۸: | |
| نصیری، محمد (قهرمان وزنه برداری جهان) ۱۴۳ - ۱۲۵: | نبیل، زهرا (سناتور) ۳۱۷: |
| نصیری، محمد (دکتر) ۱۷۲: | نحوان، احمد (سرلشکر) ۱۵ - ۲۶۷ - |
| نصیری، نعمت الله (ارتشبید) ۹۶ - ۹۴: | ۱۹۵ - ۱۶۹ - ۵۱ - |
| - ۲۷۸ - ۲۲۲ - ۱۷۳ - ۱۶ - ۱۰۰ - | نحوان، محمد (سپهبد امیر موئیق) ۱۹۵ - ۱۶۹ - ۵۱ |
| | نخشب، محمد ۶۹: |
| نظام السلطنه، رضاقلی ۸: | نخعی، محمد (دکتر) ۱۷۴ - ۱۶۹: |
| نظام مافی، محمد علی ۱۷۰: | نیجات اللهی (دکتر) ۱۵۹: |
| نظمی، هادی ۲۷۱: | نجد السلطنه ۶: |
| نعمت اللهی، دکتر ۶۹: | نمیفی، حسین (دکتر) ۱۷۲: |
| نفیسی، حبیب (مهندس) ۱۷۰ - ۲۸۲: | نجم، ابوالقاسم: (نجم الملک) ۱۶۹ - ۸۵: |
| نفیسی، عباس (دکتر) ۱۷۰: | نجم آبادی، فرج (دکتر) ۱۷۲: |
| نقی، علی (سرلشکر، سردار رفت) ۱۰ - ۱۲ - | نجمی، ناصر ۷۰: |
| نقی، علی اصغر (سپهبد) ۱۵ - ۱۷۰: | نریمان، محمود (عون جزایر) ۱۰ - ۷: |
| نقش بندی، شیخ عثمان ۱۱۵: | ۳۴۱ - ۳۲۵ - ۱۶۹: |
| غمازی، محمد ۸۹ - ۹۹ - ۱۷۱ - ۱۹۱: | نزیه، حسن ۱۶۴ - ۹۸ - ۷۰: |
| غمازی، مهدی ۲۳۳: | نصر، تقی (دکتر) ۱۷۰: |
| | نصر، علی ۱۶۹: |

و

- واحدی، عبدالحسین: ۱۰۶
وارسته، محمدعلی: ۸۵-۱۶۲-۱۷۰
وارن (رئیس اصل): ۹۷
واعظ قائمی (سرگرد): ۱۰۲
والانزاد، محمود: ۷۶
وثوق، احمد (سپهبد): ۱۲۶-۱۷۱-۱۷۰
وثوق، حسن (وثوق الدوله): ۳-۶-۴۵
وثوق، عبده (معتمدالسلطنه): ۹۰-۱۶۸
وثوق، علی: ۱۷۳
وثيقی، صادق: ۱۶۹
وحیدی، ایرج (دکتر): ۱۷۲
وحیدی، حسینقلی: ۴۷
وخشوری، احمد: ۷۰
ودیعی، کاظم (دکتر): ۱۷۲
ورزی، ابوالحسن: (الف)
ورشیلف مارشال: ۱۰۸
وزیریان (سرگرد): ۱۰۲
وستداهل ژنرال (سوئیڈی): ۱۶
وقار، منصور (پاسیار): ۵۴

- غمینی، عزیز (سرهنگ): ۱۰۲
نواب، حسین ۱۷۰
نواب صفوی، (میرلوحی) مجتبی: ۷۵
۸۵-۸۶-۱۰۶
نوائی، رفیع (پاسیار): ۵۴
نوائی، مصطفی (نیرالسلطان): ۱۶۸
نویخت، دانش: ۷۶-۷۹
نوذری، محمودخان: ۸-۷
نوذری بقا، فرامرز (سرلشکر): ۸
نوربخش (سرهنگ): ۱۵
نوری اسفندیاری، فتح الله ۱۰۰
نوری اسفندیاری موسی: ۱۷۰
نوری سعید پاشا: ۳۴
نوری، نیرسلطان: ۸
نوشین، عبدالحسین (مهندس): ۹۸-۷۰
نهاوندی، هوشنگ (دکتر): ۱۴۶-۱۷۲-۱۵۶
نیرومند، پاسیار: ۵۴
نیساری عباسقلی: ۱۷۱
نیک پی، اعزاز: ۱۶۹-۲۸۲-۳۱۷
نیک پی غلامرضا (دکتر): ۱۷۲
نیکسون، ریچارد: ۹۷-۱۴۵

- وکیلی، علی: ۴۸-۵۲-۲۳-۳۳-۲۷-۲۶
- هدايتها، محمد على (دكتور): ۸۱-۱۷۱
- هدايتها، هادي (دكتور): ۱۷۱
- هرمز، محمود: ۸۱
- هرين اورل: ۸۶-۱۳۱
- هزاره على (دكتور): ۱۷۳
- هشیر، محمد (وثوق همایون): ۱۴
- هشیر، عبدالحسین: ۱۴-۷۹-۷۸-۷۵
- هشیر، ۳۴۹-۱۷۴-۱۶۷
- همایون، اسد: ۱۶۴
- همایون، داریوش: ۱۷۲
- همایون (سرهنگ): ۱۷۹
- همایون جاه، محمد على: ۱۷۰
- همایونفر، عزت الله: (دكتور) ۱۷۳
- هندرسن سفیر امریکا: ۹۲-۹۵-۲۹۶
- هویدا، امیر عباس: ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۷
- ۱۲۸-۱۳۲-۱۳۳-۱۲۹-۱۲۸
- ۱۳۶-۱۴۰-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۹
- ۱۵۰-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۹
- ۱۵۰-۱۶۰-۱۷۴-۱۹۸-۲۰۰
- ۲۱۰-۲۱۴-۲۲۲-۲۳۰-۲۴۸
- ۳۴۹-۳۲۸-۳۲۶
- هیتلر: ۴۷-۶۳-۱۹۰-۱۹۱-۲۲۰
- وکیلی، علی: ۴۸-۵۲-۲۳-۳۳-۲۷-۲۶
- ولاتی، احمد: ۷۰
- ولیان، عبد العظیم (دكتور): ۱۷۱
- ویشکانی، محمد رضی: ۱۷۱
- ویشنسکی (وزیر خارجہ سوروری): ۶۶
- ویلیام راجرز وزیر خارجہ امریکا: ۱۴۲
- ویلیام لووس: ۱۴۳
- ه**
- هاشمی (سرتیپ): ۷۰-۷۱
- هاشمی نژاد - سپهبد: ۲۵۲
- هایزر ژنرال امریکانی: ۱۶۱-۱۶۴-۲۳
- هدایت، حسنعلی کمال (نصرالملک): ۷۸-۱۶۸
- هدایت خسرو (مهندس): ۱۷۱-۱۷۴
- هدایت رضاقلی (نیرالملک): ۴۳-۱۶۸
- هدایت عبدالله (ارتشد): ۱۵-۶۸-۱۲۴-۹۰-۳۴۸-۲۹۴-۱۷
- هدایت، صادق: ۸۴-۳۳۶
- هدایت، محمد: ۱۷۳
- هدایت، مرتضی قلیخان (صنیع الدوله): ۱۷۵
- هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه): ۱۱

هیراد: ۹۵

هیکل، حسین: ۲۳۱

هیلر، علی: ۸۰

هیشت، علی: ۱۷۰

ی

یاسعرفات: ۱۶۳

یاور، احمدخان: ۱۸۰

یاور، روح الله: ۱۷۹

یاوری، (سرتیپ): ۲۹۳

یپرم خان: ۱۲

یزدان پناه، مرتضی خان: (سپهد) ۲۲:

۲۱۱-۱۷۰-۱۳۲-۱۱۳-۵۸-۲۷-

یزدان پناه، عزت (دکتر): ۱۷۲

یزدی ابراهیم (دکتر): ۹۸:

یزدی، مرتضی (دکتر): ۱۶۹

یغمائی، حبیب: (الف)

یگانه فاطمه: ۳۳۱

یگانه، محمد (دکتر): ۱۷۴-۱۷۲:

یگانه، ناصر (دکتر): ۱۷۲-۱۳۲۵ تا

۳۳۱

اسامی هزار فامیل که در صفحات ۳۰۱ تا ۳۱۶ به چاپ رسیده بعلت
 اینکه از فامیل های مختلف نام برده شده است دیگر در فهرست اعلام
 ذکر نشده است.

شجره نامه رضا شاه (به نوشته سلیمان بهبودی)

جد رضا شاه مراد علی خان سلطان نام داشت که افسر هنگ سواد کوه بود و در زمان محمد شاه قاجار در جنگ هرات کشته شد. او دارای سه پسر و دختر بود که عبارتند از:

- ۱ - سرهنگ چرا غلیخان عمومی رضا شاه و جد امیر اکرم بود که به فرمان ناصر الدین شاه قریه گنج افروزیا بل به او وورائش اعطای گردید.
- ۲ - فضل الله خان که صاحب اولاد ذکوری نشد.
- ۳ - یاور عباس علی خان معروف به (داداش بیک) که فرماندهی هنگ و حکومت سواد کوه را بر عهده داشت. او صاحب ۵ همسر و ۷ دختر بود.

همسر اول: فاطمه، هنگام وضع حمل با فرزندش درگذشت.

همسر دوم: هما صاحب ۴ پسر و ۳ دختر بود که عبارتند از: فتح الله خان سلطان - اسماعیل خان - عنایت خان - عبدالله خان سلطان - بانویهار - بانو خاور - بانو خورشید.

همسر سوم: کوچک خانم - ۲ پسر و ۳ دختر داشت که عبارتند از: جواد خان - نامدار خان - بانو نبات - بانو حکیمه - بانو دری جهان. همسر چهارم: بانو فاطمه فرزندی نداشت.

همسر پنجم: نوش آفرین که فقط یک پسر داشت که او هم رضا شاه پهلوی، شاه ایران گردید.

نوش آفرین قبل از همسر دیگری داشت که از او صاحب دختری به نام مریم و پسری به نام علی بود. داداش بیک پس از ازدواج بانو نوش آفرین اورا همراه دو فرزند شوهر او لش که سواد کوه برد و بیک سال بعد فوت کرد و فرزند ارشدش فتح الله خان جنازه اورا به تهران آورد و در مقبره (مستوفی ولشکرنویس) هنگ سواد کوه به خاک سپرد و روی سنگ قبر او چنین نوشته شده است:

(وفات مرحوم مغفور رضوان جایگاه داداش بیک یاور فرمانده فوج سواد کوه ولد مرحوم علی سلطان تاریخ اول ذیحجه ۱۲۹۵)

در زمان فوت عباسعلی خان (داداش بیک) رضا چهل روزه بود که نوش آفرین به کمک فتح الله خان ویکی از اهالی به نام امامقلی ویک گماشته به نام مشهدی حسین از راه گردنه امامزاده هاشم به تهران آمد و نزد برادرش ابوالقاسم خان اقامت گزید. این گماشته داداش بیک همان کسی است که نگهبان میرزار رضا کرمانی بود که در عکس هادیه می شود که زنجیر اسارت قاتل ناصرالدین شاه را به دست دارد.

رضا تاسن ۱۲ سالگی با مادرش زندگی کرد و در سال ۱۳۰۷ قمری به هنگ سواد کوه پیوست و بعد از قزاقخانه منتقل شد.

قسم نامه رضا شاه

بسم تعالیٰ

من خداوند قادر تعالیٰ را کواه کرده بکلام آسم مجید و آنچه زدن خدا محترم است
قسم باید یکنم که تمام هم خود را صرف خطا است تعالیٰ یاران نموده خدو دو
دحقان تلت را محفوظ و مفروض بدارم قانون اساسی شروع طیت ایران با
نخبان و بر طبق آن و و این تصریح سلطنت نایم و در ترویج مذهب جزیری
اُنی عشری سی دو کوشتی نایم و در تمام عمال و افعال خداوند غشان
حاضر و ناظر از نسل اسرائیل بر سعادت و علت دولت و قدر این
ذائش بآشیم و از خداوند مستعان در خدمت پروری ایران
تو فیض سطیحیم و از ارواح طیبیه اولیا، اسلام استماد یکنم
من هنوز ناچشم کشیدم

منابع و مأخذ

- ۱- گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی - ۵ جلد
- ۲- روزشمار تاریخ ایران - باقر عاقلی
- ۳- پلیس سیاسی عصر پیست ساله - خسرو معتمد
- ۴- سراب زندگی - منوچهر ریاحی
- ۵- خاطرات نصرالله انتظام - ازان تشارات سازمان اسناد ملی
- ۶- انقلاب ایران - جی براون
- ۷- بیست سال با علیحضرت رضا شاه - خاطرات سلیمان بهبودی
- ۸- خاطرات محمود جم - سالنامه دنیا
- ۹- خاطرات علی ایزدی - سالنامه دنیا
- ۱۰- زندگی سیاسی و اجتماعی مظفر فیروز - مهین دولتشاه فیروز
- ۱۱- یادداشت های عمر - سید حسین دها - چهار جلد
- ۱۲- ایران پل پیروزی جنگ دوم جهانی - عبدالحسین مفتاح
- ۱۳- کاروان عمر - اسفندیار بزرگمهر
- ۱۴- گشتی برگذشته - تهمورس آدمیت
- ۱۵- شکست شاهانه - پروفسور رونیس - ترجمه اسماعیل زندویتول سعیدی
- ۱۶- شرح حال رجال ایران - مهدی بامداد - ۵ جلد
- ۱۷- زندگی سیاسی رزم آرا - جعفر مهدی نیا
- ۱۸- شاه و سیاست آمریکا - نویسنده گازیورووسکی آمریکائی
- ۱۹- هزار فامیل - علی شعبانی
- ۲۰- گفتگوی نویسنده با چند تن از مقامات رژیم گذشته
- ۲۱- نقل مطالبی از روزنامه ها و نشریات فارسی و انگلیسی

سرانجام چه شد؟

پایان سخن شنوکه ماراچه رسید از خاک درآمدیم و بریادشدم
خیام

بعد از ۵۷ سال حاکمیت که از روز سوم اسفندماه ۱۲۹۹ آشروع شدو ۵۳ سال سلطنت که از روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ آغاز گردید سرانجام در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رژیم جمهوری اسلامی در کشور مامستقر گردید و به دوران سلطنت پهلوی اول و پهلوی دوم خاتمه داده شد.

رضا شاه در ۱۲۴ اسفند ۱۲۵۶ در قریه آلاشت سوادکوه در مازندران متولد گردید. این سریاز رشد وی باک و (خود ساخته) خود را ز سریازی به سلطنت رسانید و سلسله پهلوی را بنیان نهاد. سالها برایران حاکمیت داشت که ۱۶ سال آن سلطنت با اقتدار کامل بود. در شهریور ماه ۱۳۲۰ از سلطنت کناره گرفت و با فشار متفقین به تبعیدگاه رفت. مدت ۲۳ ماه در جزیره موریس و شهر ژوهانسبورک دور از وطن بسر برداشت روز چهارم مرداد ۱۳۲۳ در ۶۷ سالگی بادنبیاد داع نمود. جنازه اش با تشریفات رسمی به همان خاکی سپرده شد که عاشق آن بود.

محمد رضا شاه پهلوی روز چهارم آبان ۱۲۹۸ (برابر ۱۲۶ اکتبر ۱۹۱۹) هنگامی که میرپنج رضاخان در شمال با شورشیان مشغول نبرد بود در محله سنگلچ تهران متولد شد. در شش سالگی و لیعهد ایران گردید و در ۲۲ سالگی به مقام سلطنت رسید. در مدت ۳۷ سال سلطنت پر فرازو نشیب خود به اکثر کشورها سفر کرد و با سران ممالک مختلف جهان به بحث و گفتگونش است. از احترام خاصی در این دنیا پر ماجرا برخوردار بود. برنامه های دور و درازی برای کشور و ملت ایران داشت و لی روز ۲۶ دیاه ۱۳۵۷ با چشم انی اشکبار ایران را ترک گفت. هنگامی که در مراکش بسرمی برداشده سقوط رژیم سلطنت

در ایران بود. از یک سو بیماری کشنده سرطان واژسوزی دیگر بیوفایی رهبران کشورهای مختلف جهان (غیرازانور سادات) و دورونی های بعضی از نزدیکانش واژسوزی پا فشاری مقامات جمهوری اسلامی برای استردادش چنان اورا چار رنج و عذاب و ناراحتی و نگرانی ساخته بود که می توان گفت دو سال آخر عمر اوازیدترین ایام زندگیش بشمار آمد. به صورت محمدرضا شاه باناراحتی فراوان در روز ۵ مرداد ۱۳۵۹ در سن ۶۱ سالگی دور از وطن چشم از جهان فرویست، در حالیکه نگران سرنوشت کشورش بود که برای ترقی و تعالی آن کوشش فراوان داشت و برای رفاه و سعادت مردمش شب و روز تلاش می کرد.

در کتابهای ایران در عصر پهلوی خدمات و اشتباهات شاهان پهلوی و کسانی که در آن ایام مدرس غفل و مقامی بوده اند در کنار هم گذارده شده تا قضاوت برای همگان سهل و آسان باشد.

باید قبول کرد که داور حقیقی و بینظیر (تاریخ) است که با انصاف و مروت درباره رویدادهای دون حب و یغض قضاوت خواهد کرد.

انسانهادر هر مقامی که باشند روزی جهان را ترک می کند وقتی هم به مقامی برسند که زندگی مردم با سرنوشت آنها درآمیخته باشد، تأثیرشان زیادتر است چنانکه روزی رضا شاه با اراده قوی شاه ایران می شود روزی هم محمدرضا شاه با ضعف و تردید سلطنتش را از دست می دهد ولی صفحات تاریخ برای انعکاس حقایق همیشه باز است و از روی اعمال همه کس پرده بر می دارد.

نباشد همی نیک و بد پایدار همان به که نیکی بود پایدار

مصطفی الموتی - لندن
آذر ۱۳۷۲ - دسامبر ۱۹۹۳

